

شماره نشر

۱۴۱/۲



هیأت معارف جنگ
شهید سید علی حسینی شیرازی

تاریخ نظامی جنگ تحمیلی

تا ۳۱ شهریور ۱۳۵۹

(جلد دوم)

برخوردهای مرزی قبل از جنگ

سرهنگ زرهی ستاد سید یعقوب حسینی

۱۳۸۲

حسینی، یعقوب، ۱۳۱۱-

تاریخ نظامی جنگ تحمیلی تا ۳۱ شهریور ۱۳۵۹: جلد دوم؛ برخوردهای مرزی قبل از جنگ / سید یعقوب حسینی. تهران: انتشارات سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران (نشر اجا) با همکاری هیئت معارف جنگ شهید سپهبد علی صیادشیرازی، ۱۳۸۷.

ج۲. نقشه. نمودار. (نشر اجا، ۱۴۱/۲)

شابک: ۴۰,۰۰۰ ریال ج ۱ ISBN ۹۷۸-۹۶۴-۶۶۳۰-۵۹-۸

ج ۲ ISBN ۹۷۸-۹۶۴-۶۶۳۰-۶۰-۴ دوره ISBN ۹۷۸-۹۶۴-۶۶۳۰-۶۱-۱

نمایه

۰۱ جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷-علل. ۰۲ ایران - روابط خارجی - عراق. ۰۳ عراق - روابط خارجی - ایران. الف. سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران. انتشارات. ب. هیئت معارف جنگ شهید سپهبد علی صیادشیرازی. ج. عنوان.

ت۵/ح۱۵۹۸ DSR ۱۵۹۸/۰۸۴۳ ۹۵۵/۰۸۴۳ شماره کتابشناسی ملی ۱۳۱۸۳۰۶

- نویسنده : سید یعقوب حسینی
- ویرایش و بررسی : هیئت معارف جنگ شهید سپهبد علی صیادشیرازی
- طرح جلد : مهرداد دولت آبادی
- حروفچین و صفحه آرا : یاسر میرعرب رضی، نرگس اعوانی
- آماده سازی و نظارت چاپ : علی اعوانی
- لیتوگرافی و چاپ : طراوت / مجمع جهانی اهل بیت (ع)
- نوبت و سال چاپ : اول / ۱۳۸۷
- قیمت : ۴۰۰۰ تومان
- شمارگان : ۳۰۰۰ نسخه
- ناشر : نشر اجا با همکاری هیئت معارف جنگ «شهید سپهبد علی صیادشیرازی»
- شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۶۶۳۰-۶۰-۴

نشانی: تهران - نشر اجا - صندوق پستی ۱۷۱۴ - ۱۱۱۵۵

تلفن ۸۱۹۵۴۴۲ و دورنگار: ۸۸۴۱۱۰۴۷

مرکز عرضه محصولات فرهنگی اجا: تلفن: ۳۳۳۰۹۱۱۸-۳۳۳۳۱۵۲۸

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است.

از همه نگارندگان حوادث و همه کسانی که توان
انجام وظیفه در این مهم را دارند، درخواست می‌کنم از ثبت
و ضبط جزئیات این دوران غفلت نکنند و این گنجینه تمام
نشدنی را برای آیندگان به ودیعه بگذارند.

امام خمینی(ره)

می‌خواهم بگویم که این جنگ، یک گنج است. آیا
خواهیم توانست از این گنج استفاده کنیم؟ آن هشت سال
جنگ بایستی تاریخ ما را تغذیه کند.
مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای

همکاران هیئت معارف جنگ شهید سپهبد علی صیاد شیرازی

برای کتاب «جبهه جنوب در شهریور ۱۳۵۹»

● بنیانگذار هیئت:

شهید سپهبد علی صیاد شیرازی

● سرپرست هیئت:

سرتیپ ستاد ناصر آراسته

● شورای سیاست‌گذاری:

سرتیپ ستاد ناصر آراسته

سرتیپ ستاد سیدحسام هاشمی

سرتیپ ستاد اسدالله حیدری

سرتیپ ستاد رضا خرم طوسی

● ویرایش و بررسی کنندگان:

سرتیپ ۲ ستاد نجاتعلی صادقی گویا

سرتیپ ۲ ستاد محمد کامیاب

سرتیپ ۲ حمید شکیبیا

سرهنگ علی اعوانی

● مؤلف:

سرهنگ سید یعقوب حسینی

فهرست کوتاه مطالب

جلد یکم: روابط تاریخی ایران و عراق

پیشگفتار

۹

فصل اول: بررسی روابط تاریخی ایران و عراق

- ۱۷ بخش یکم: ایران و بین‌النهرین قبل از اسلام
- ۲۱ بخش دوم: ایران و عراق بعد از اسلام تا تشکیل امپراتوری عثمانی
- ۳۳ بخش سوم: روابط تاریخی ایران و عراق در زمان حکومت عثمانی
- ۴۹ بخش چهارم: تجزیه دولت عثمانی و تشکیل دولت پادشاهی عراق و روابط آن با ایران
- ۵۵ بخش پنجم: روابط ایران با جمهوری عراق و تشدید اختلافات
- ۸۳ بخش ششم: شش سال روابط بحرانی و انعقاد قرارداد الجزایر

فصل دوم: از انقلاب اسلامی ایران تا آغاز جنگ

- ۱۱۳ بخش یکم: روابط عراق با جمهوری اسلامی ایران
- ۲۱۱ بخش دوم: زمینه‌سازی حکومت بعث عراق برای آغاز جنگ
- ۲۷۳ بخش سوم: مخالفت استکبار جهانی با انقلاب اسلامی ایران
- ۳۱۹ بخش چهارم: مشکلات داخلی ایران و عدم آمادگی برای قبول جنگ

جلد دوم: برخوردهای مرزی قبل از آغاز جنگ تحمیلی

- ۱۷ فصل یکم: مقایسه توانایی‌های راهبردی ایران و عراق قبل از آغاز جنگ تحمیلی
- ۶۵ فصل دوم: تجاوزات مرزی ارتش عراق در جبهه غرب
- ۲۲۷ فصل سوم: برخوردهای مرزی ایران و عراق در منطقه خوزستان
- ۳۰۱ فصل چهارم: استعداد و گسترش تاکتیکی نیروهای ایران و عراق قبل از جنگ

فهرست مطالب جلد دوم

۹	معارف جنگ
۱۰	پیشگفتار
۱۱	معرفی نویسنده
۱۲	چکیده
۱۳	مقدمه
۱۷	

فصل یکم: مقایسه توانایی‌های راهبردی ایران و عراق قبل از آغاز جنگ تحمیلی

۱۷	۰۱ عامل سیاسی
۲۰	مقایسه توانایی‌های سیاست داخلی و خارجی ایران و عراق
۲۲	۰۲ عامل اقتصادی
۲۷	۰۳ وضعیت اجتماعی
۲۹	۰۴ وحدت ملی
۲۹	۰۵ ایمان و روحیه
۳۰	۰۶ قدرت فرماندهی و رهبری
۳۱	۰۷ روح مبارزه‌جویی و میل به جنگ
۳۲	۰۸ پیروی از یک عقیده شناخته شده در سطح ملی
۳۴	۰۹ مقایسه توانایی‌های دفاعی ایران و عراق
۴۸	ظرفیت نظامی کشور عراق قبل از جنگ تحمیلی (اقتباس از منابع اطلاعات)
۴۸	الف - نیروی زمینی
۴۸	اقدام عمده تجهیزات در نیروی زمینی
۴۹	ب - نیروی هوایی
۴۹	اقدام عمده در نیروی هوایی عراق
۴۹	انواع رادارهای موجود در ارتش عراق قبل از جنگ تحمیلی
۵۰	ج. نیروی دریایی

فصل دوم: تجاوزات مرزی ارتش عراق در جبهه غرب

۶۳	مقدمه
۶۵	خلاصه برخوردهای مرزی در شش ماه اول سال ۱۳۵۹
	برخوردهای مرزی در غرب در سال ۱۳۵۸
۷۱	نحوه تشکیل و مجهز کردن سپاه پاسداران
۸۶	عملیات پاوه
۹۱	حوادث کردستان در شهریور ماه ۱۳۵۸
۹۷	حوادث کردستان در آبان ماه ۱۳۵۸
۱۰۰	حوادث کردستان در آذر ماه ۱۳۵۸
۱۰۵	حوادث کردستان در دی ماه ۱۳۵۸
۱۱۱	حوادث کردستان در بهمن ماه ۱۳۵۸
۱۱۶	حوادث کردستان در اسفند ماه ۱۳۵۸
	برخوردهای داخلی در غرب در شش ماه اول سال ۱۳۵۹
۱۱۹	برخوردهای مرزی و داخلی در غرب در فروردین ماه ۱۳۵۹
۱۳۳	برخوردهای مرزی و داخلی در غرب در اردیبهشت ماه ۱۳۵۹
۱۴۵	برخوردهای مرزی و داخلی در غرب در خرداد ماه ۱۳۵۹
۱۶۸	برخوردهای مرزی و داخلی در غرب در تیر ماه ۱۳۵۹
۱۷۴	برخوردهای مرزی و داخلی در غرب در مرداد ماه ۱۳۵۹
۱۹۰	برخوردهای مرزی و داخلی در غرب در شهریور ماه ۱۳۵۹

فصل سوم: برخوردهای مرزی ایران و عراق در منطقه خوزستان (قبل از آغاز جنگ تحمیلی)

۲۲۹	برخوردهای مرزی و عراق در منطقه جنوب در فروردین ماه ۱۳۵۹
۲۳۷	برخوردهای مرزی و عراق در منطقه جنوب در اردیبهشت ماه ۱۳۵۹
۲۴۳	برخوردهای مرزی و عراق در منطقه جنوب در خرداد و تیر ماه ۱۳۵۹
۲۵۵	برخوردهای مرزی و عراق در منطقه جنوب در مرداد ماه ۱۳۵۹
۲۵۹	برخوردهای مرزی و عراق در منطقه جنوب در شهریور ماه ۱۳۵۹
۲۸۶	گزارش‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در رابطه با وضعیت پاسگاه‌های مرزی منطقه قصر شیرین که منجر به تشکیل جلسه در مورخه ۱۳۵۹/۶/۹ در اداره سوم سماجا شد

فصل چهارم: استعداد و گسترش تاکتیکی نیروهای ایران و عراق قبل از آغاز جنگ

- ۳۰۱ ۰۱ استعداد و گسترش نیروهای مسلح عراق قبل از جنگ تحمیلی
- ۳۰۲ - سازمان و ترکیبات کلی ارتش عراق
- ۳۰۳ - استعداد نیروی انسانی ارتش عراق
- ۳۰۳ وضعیت کلی نیروی زمینی ارتش عراق
- ۳۰۶ استعداد و ترکیبات یگان‌های عمده نیروی زمینی ارتش عراق
- ۳۰۸ گارد مرزی عراق
- ۳۰۸ ارتش خلقی
- ۳۰۹ یگان‌های احتیاط
- ۳۰۹ یگان‌های مستقل زیر امر ستاد کل
- ۳۰۹ وضعیت نیروی هوایی عراق در سال ۱۳۵۹
- ۳۱۱ وضعیت نیروی دریایی عراق
- ۳۱۲ ۰۲ استعداد و گسترش نیروهای مسلح ایران قبل از آغاز جنگ تحمیلی
- ۳۲۰ - یگان‌های عمده نیروی زمینی و گسترش آنها قبل از آغاز جنگ تحمیلی
- ۳۲۲ - وضعیت آمادی نیروی هوایی ایران قبل از آغاز جنگ تحمیلی
- ۳۲۳ وضعیت جنگ‌افزارهای پدافند هوایی در تابستان سال ۱۳۵۹
- ۳۲۴ وضعیت آمادگی رزمی و نیروی انسانی نیروی هوایی
- ۳۲۵ - وضعیت آمادی رزمی نیروی دریایی ایران قبل از آغاز جنگ تحمیلی
- ۳۳۰ - استعداد رزمی ژاندارمری شرکت کننده در جنگ در آغاز جنگ تحمیلی
- ۳۳۱ - استعداد رزمی سپاه پاسداران شرکت کننده در جنگ در آغاز جنگ تحمیلی
- ۳۳۲ ۰۳ مقایسه نسبی توانایی‌های رزمی ایران و عراق قبل از جنگ تحمیلی
- ۳۳۵ ۰۴ نتیجه نهایی
- ۳۳۹ منابع
- ۳۴۱ نمایه

معارف جنگ

معارف جنگ؛ مجموعه‌ای از بازیافته‌ها، ذخایر و دستاوردهای جبهه‌های نبرد حق علیه باطل است که خداوند متعال به پاس فداکاری‌ها، ایثارگری‌ها و برکت خون شهدای والامقام، نصیب رزمندگان اسلام کرده و از سینه‌های جوشان آنها به سینه‌های پاک و تشنه نسل جوان انقلاب اسلامی منتقل می‌شود.

سازمان افتخاری «هیئت معارف جنگ» که از پاییز سال ۱۳۷۳، با بنیانگذاری امیر سرافراز ارتش اسلام «شهید سپهبد علی صیاد شیرازی» و حمایت‌های مادی و معنوی مقام معظم رهبری و فرماندهی کل قوا، این رسالت مهم را با روحیه متعالی بسیجی بر عهده گرفته، مفتخر است که با الهام از کلام نورانی خدای متعال مبنی بر «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ»، با صداقت و تلاش دسته‌جمعی در این وادی مقدس گام نهاده و این رسالت افتخارآمیز را که با گرایش «پژوهشی - آموزشی» شکل گرفته است، ادامه دهد و در این راه امید به لطف و یاری خدا دارد.

شیوه کار هیئت معارف جنگ در گردآوری تجارب جبهه‌های نبرد بدین ترتیب بوده است که بر اساس زمان و مکان هر عملیات، جمعی از رزمندگان اسلام که در آن عملیات نقش مهمی را بر عهده داشته‌اند به منطقه عملیات عزیمت کرده و با یادآوری خاطرات خود در صحنه نبرد و برداشته‌های تحریری، صوتی و تصویری، مجموعه‌ای از حقایق و واقعیت‌های تلخ و شیرین را گردآوری و سرانجام پس از تطبیق آنها با مدارک و اسناد جبهه‌های نبرد در مسیر تدوین قرار می‌دهند.

هیئت معارف جنگ «شهید سپهبد علی صیاد شیرازی»

پیشگفتار

کتابی که ملاحظه می‌فرمایید از سلسله کتاب‌هایی است که سرهنگ ستاد زرهی سید یعقوب حسینی در سال‌های دفاع مقدس به رشتهٔ تحریر درآورده است. پس از پایان جنگ تحمیلی تعدادی از این کتاب‌ها با عنوان «نقش ارتش جمهوری اسلامی ایران در هشت سال دفاع مقدس» به وسیلهٔ انتشارات سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران (نشر اجا) منتشر شده و در زمرهٔ کتاب‌های معتبر دفاع مقدس محسوب و تا کنون مورد استفادهٔ بسیاری از نویسندگان و پژوهشگران این عرصه قرار گرفته است.

هیئت معارف جنگ «شهید سپهبد علی صیاد شیرازی» با استفاده از بایگانی‌های موجود، کتاب حاضر را بار دیگر بررسی و با حذف اضافات و انجام تصحیحات لازم به وسیلهٔ سرپرست محترم هیئت معارف جنگ و پس از هماهنگی با نویسنده محترم در مرحله انتشار قرار داده و آن را برای چاپ در اختیار نشر اجا قرار داده است. امید است برای روشن شدن حقایق بخشی از تاریخ نظامی این کشور، اقدامی مفید و ماندگار انجام شده باشد.

هیئت معارف جنگ «شهید سپهبد علی صیاد شیرازی»

معرفی نویسنده

سرهنگ سیدیعقوب حسینی، سال ۱۳۱۱ در خانواده‌ای مذهبی در شهرستان ابهر به دنیا آمد. تحصیلات خود را در زادگاهش و سپس در تهران ادامه داد. سال ۱۳۳۱ به دانشکده افسری پیوست و سال ۱۳۳۴ با درجه ستوان دومی فارغ التحصیل شد. پس از پایان دوره آموزش رسته زرهی، در لشکر اصفهان مشغول به خدمت شد.

سال ۱۳۴۶ پس از طی دوره دانشکده فرماندهی و ستاد به لشکر ۹۲ اهواز منتقل شد که آن زمان مصادف با آغاز اختلافات مرزی ایران و عراق و صف‌آرایی نظامیان طرفین بود. نامبرده به عنوان افسر عملیات و طراح عملیات در این لشکر تا سال ۱۳۵۴ و عقد قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر مشغول انجام وظیفه بود. سال ۱۳۵۶، فرماندهی تیپ هفتگل از لشکر ۹۲ زرهی را بر عهده گرفت و پس از پیروزی انقلاب اسلامی در مدیریت آمادگی رزمی معاونت عملیات و اطلاعات ستاد نیروی زمینی به انجام وظیفه مشغول شد. با آغاز جنگ تحمیلی در سال ۱۳۵۹ به عنوان جانشین عملیاتی نزاچا و رئیس ستاد نیروهای ایران در خوزستان به آن منطقه اعزام شد. سال ۱۳۶۰ با درخواست شخصی، بازنشسته شد.

پس از بازنشستگی در دانشکده فرماندهی و ستاد نیروی زمینی و سازمان عقیدتی سیاسی ارتش، مشغول تهیه و تنظیم تاریخ جنگ شد و با حمایت فرمانده وقت نزاچا - سرهنگ صیاد شیرازی - توانست هفت جلد کتاب تاریخ جنگ را که با نام دفاع مقدس نامگذاری شد تدوین کند و با این کار خدمت ارزنده‌ای به روشن شدن حقایق جنگ تحمیلی کرد.

چکیده

این کتاب در رابطه با توانایی‌های راهبردی ایران و عراق قبل از جنگ تحمیلی، عوامل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، وحدت ملی، ایمان و روحیه، قدرت رهبری، روح مبارزه‌جویی و عقیده (میل به جنگیدن) بحث کرده؛ توانایی‌های دفاعی ایران و عراق را نیز مورد مقایسه قرار داده و به بررسی تجاوزات مرزی عراق در جبهه غرب و خوزستان پرداخته که در نهایت در ۳۱ شهریور ماه ۱۳۵۹ به جنگ همه جانبه انجامید. ضمناً مسائل امنیتی (حمله ضدانقلاب به پاسگاه‌های مرزی) و عملیات پناه، مکاتبات و گزارش‌های منطقه عملیات غرب کشور را نیز بررسی کرده است.

مقدمه

«قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِ»^۱

«بگو در روی زمین بگردید و ببینید عاقبت کار پیشینیان چگونه بوده است»

تاریخ چیست؟ تاریخ فقط آگاهی بر رویدادهای گذشته‌ها نیست. تاریخ گذشته‌ای است که زمان حال را می‌سازد و حرکتی است که زمان حال را با آینده پیوند می‌دهد. تاریخ شرح جریان چگونه بودن و چگونه شدن انسان‌هاست. تاریخ فقط شناخت گذشته انسان نیست، بلکه شناخت علل چگونگی شکل‌گیری روش زندگی انسان‌ها، جمعیت‌ها، اقوام و ملل نیز است. تاریخ، پلی است در مسیر حرکت زمان که گذشته را به حال و حال را به آینده پیوند می‌دهد و ادامه حرکت انسان‌ها را در این مسیر برای وصول به هدف نهایی که انسان شدن و تکامل است را میسر می‌سازد. در مکتب اسلام نیز مفهوم تاریخ همین است. قرآن مجید به حرکت انسان‌سازی تاریخ اهمیت ویژه‌ای داده و نزدیک به ۱۵۰۰ آیه از قرآن مجید به ۶۶۰۰ آیه قرآنی به بیان تاریخ اختصاص یافته است، اما نه با هدف بیان داستان گذشتگان، بلکه با هدف ساختن آیندگان. این منظور در سوره فجر، آیات ۶ تا ۱۴ به نحو روشنی بیان شده است. شاعر شیرین‌سخن سعدی به نوعی دیگر تاریخ را چنین بیان می‌کند:

آن که در افسانه‌ها آورده‌اند	رستم و رویین‌تن اسفندیار
تا بدانند این خداوندان ملک	کز بسی خلق است دنیا ماندگار
ای که دستت می‌رسد کار بکن	پیش از آن کز تو نیاید هیچ کار
اصولاً هدف اساسی تاریخ، بررسی گذشته برای به‌ترسازی آینده است. به همین دلیل	
است که بیان تاریخ گذشتگان در تمام طول حیات بشر از بدو خلقت تا کنون یکی از	

مسائل مورد توجه تمام اقوام و ملل بوده و است. داستان هابیل و قابیل که به عنوان شرح جریان اولین پیدایش تضاد بین انسان‌ها است، شرح جریان چگونه بودن و چگونه باید شدن است، و گرنه خود آن حوادث هزاران سال پیش بین دو انسان نظیر میلیاردها انسان دیگر که بعد از آنان آمده و رفته‌اند، رخ داده و در گذشته‌های بسیار دور، مطلب کوچکی از میلیاردها مطالب تاریخ زندگی بشر را تشکیل داده است. اما هنوز انسان‌های عصر فضا، اتم و الکترونیک به آن جریان انسان‌های اولیه فاقد تمدن با توجه خاص می‌نگرند، زیرا به‌طور طبیعی سرنوشت این انسان‌ها به آن گذشته‌های بسیار دور پیوند خورده است؛ پیوندی ناگسستنی. این پیوند را بیان تاریخ استحکام بخشیده و می‌بخشد. به همین منظور افراد بشر در طول حیات خود باید تاریخ این پیوند را حفظ کرده و در هر نسل بشر تلاش کرده با ثبت و ضبط حوادث زمان خود، آن را به نسل‌های آینده برسانند. این عمل به صورت یک وظیفه طبیعی نسل‌های بشر در آمده و اگر نسلی از اقوام و ملل در ثبت و ضبط شرح حال خود کوتاهی کرده، وظیفه طبیعی انسانی خود را انجام نداده یا نتوانسته انجام دهد که همان توانایی یا عدم توانایی نیز خود قسمتی از جریان تاریخ است و می‌تواند راهنمای نسل‌های حال و آینده باشد.

از مورخی پرسیدند: تاریخ چیست؟

گفت: شما به من بگویید چه چیزی جزو تاریخ نیست.

گرچه در جهان امروز به دلیل پیشرفت فوق‌العاده علم و صنعت که قسمتی از آن در استخدام ثبت، ضبط و انتقال جریان حوادث و وقایع زندگی انسان‌ها و گروه‌های اجتماعی قرار گرفته، مسئله تاریخ‌نگاری به ظاهر حساسیت دوران‌های گذشته خود را از دست داده است، زیرا قسمت مهمی از این وظیفه به‌طور مستمر و خودکار به وسیله رسانه‌های گروهی انجام می‌شود، اما در زوایای مختلف هر دوره از حال مسائلی پوشیده از دید همگان وجود دارد که فقط با تحقیق و بررسی و کنجکاوی و تجزیه و تحلیل می‌توان آن مسائل را روشن کرد و در صفحات تاریخ ثبت نمود و این وظیفه به عهده کسانی است که امکاناتی برای انجام آن دارند و ملزم هستند در حد توانایی و امکانات خود این وظیفه انسانی را انجام دهند و پیش از آن که گذشت زمان آن‌چنان جریان حوادث را فرسوده و متلاشی سازد که اصالت اولیه خود را از دست بدهد. آن‌چنان بنایی محکم از شرح جریان تاریخ

بسازند که در مقابل توفان‌های ویرانگر زمان چون کوهی استوار بر جای بماند و از باد و باران گزند نیابد.

از جمله حوادث بسیار مهم که در دوران زندگی نسل حاضر ملت ایران رخ داده، جنگ عراق با ایران است. جریان روند این جنگ که در زمان نوشتن این مطالب بیش از پنج سال ادامه داشته، مانند هر حادثه دیگری در معرض دید رسانه‌های داخلی و خارجی قرار داشته و به نوعی به آگاهی مردم ایران و جهان رسیده و در مطبوعات و کتاب‌ها به نوعی ثبت شده است. اما این آگاهی‌ها شامل همهٔ مسائل نیست و نمی‌تواند باشد. بسیاری از مسائل اساسی این جنگ در اسناد و مدارک نظامی ثبت شده و یا اطلاعات مهم و دقیق در مغز فرماندهان و مسئولین ادارهٔ جنگ و همهٔ رزمندگان است. بنابراین برای تهیهٔ یک سند تاریخی که بتواند تمام جوانب این جنگ را برای نسل حاضر و آینده روشن سازد، باید تمام آن اسناد و مدارک مورد بررسی و تجزیه و تحلیل دقیق قرار گیرد و نظر مسئولین و دست‌اندرکاران جنگ جمع‌آوری شود تا سندی دقیق و صحیح و عاری از اغراق و انحراف برای تاریخ ایران باشد.

لازم است این نکته یادآوری شود که با توجه به وسعت حادثه، این کتاب نمی‌تواند بیانگر تمام جزئیات رخدادهای این جنگ باشد ولی می‌تواند قسمت مهمی از جریان جنگ را به همان صورت که اتفاق افتاده است، تشریح کند. امید است، نویسندگان، محققین، رزمندگان و فرماندهان در این راه تلاش بیشتری کنند و در تکمیل این تاریخ قدم بردارند.

فصل یکم

مقایسه توانایی‌های راهبردی ایران و عراق قبل از آغاز جنگ تحمیلی

به‌عنوان مقدمه این بخش، قبل از بیان آمار و ارقام نیروی انسانی و تجهیزات نظامی، لازم است به یک مسئله اساسی درباره قدرت نظامی اشاره شود و آن عبارت از این است که اصولاً آمار و ارقام نیروی انسانی، وسایل و تجهیزات نظامی یکی از عوامل بسیار مهم قدرت نظامی را تشکیل می‌دهند؛ ولی در برگیرنده تمام ابعاد آن نیستند، بلکه عوامل دیگری نیز در ایجاد قدرت نظامی مؤثرند که هر کدام به نوعی می‌توانند در کارایی نیروی انسانی، وسایل و تجهیزات و یا عدم کارایی آنها اثر قابل ملاحظه‌ای داشته باشند. بعضی از این عوامل عبارتند از وضعیت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، وحدت ملی، ایمان و روحیه، قدرت فرماندهی و رهبری در سطح ملی، روح مبارزه‌جویی و میل جنگ‌جویی در سطح ملی و سرانجام پیروی از یک عقیده شناخته شده و قبول شده در سطح ملی که به اختصار هر یک از این عوامل را بررسی می‌کنیم تا در مقایسه توان رزمی نسبی ارتش ایران و عراق به عوامل مثبت و منفی هر یک از آنها عمیق‌تر پی ببریم.

۱. عامل سیاسی

اصولاً در هر جنگی اعم از محدود و محلی یا گسترده و بین‌المللی صرفاً نتیجه نظامی جنگ هدف اصلی نیست، بلکه عملیات نظامی و جنگ، وسیله‌ای است برای رسیدن به هدف‌های سیاسی، اقتصادی یا آرمانی. بنابراین در هر جنگی عوامل اصلی هدف‌های آرمانی، سیاسی و اقتصادی هستند که حکومت آغازگر جنگ برای وصول به آنها جنگ را بر طرف مقابل تحمیل می‌کند و طرف مقابل نیز متقابلاً از حقوق سیاسی، اقتصادی و اعتقادی در مقابل طرف مهاجم دفاع می‌کند. به همین دلیل است که جنگ‌های دفاعی

در تمام مکتب‌های سیاسی و مذهبی، مقدس و واجب شمرده می‌شود، درحالی‌که جنگ‌های تهاجمی همه تجاوزکارانه، ناموجه و ستمگرانه توصیف شده است. موضوع هدف‌های سیاسی و اقتصادی جنگ به قدری حایز اهمیت است که حتی در تهیه، توزیع، خرید و فروش وسایل و تجهیزات نظامی نیز جنبه‌های سیاسی و اقتصادی مقدم بر جنبه‌های نظامی هستند، به نحوی که در فعالیت صنایع نظامی ابتدا جنبه‌های سیاسی آن مورد نظر قرار می‌گیرد. کشور سازنده می‌خواهد برتری عمومی خود را بر دیگران و یا دست‌کم بر رقبای خود نشان دهد و به این وسیله خواسته‌های سیاسی خود را بر رقبا تحمیل کند و یا اینکه آنان را از چشم طمع دوختن بر منافع سیاسی و اقتصادی خود برحذر دارد. این موضوع به صورت یک اصل مسلّم به نام وحشت بازدارنده در جنبه‌های نظامی جنگ شناخته شده است و در مکتب اسلام نیز ۱۴۰۰ سال پیش به‌عنوان یک اصل نظامی برای مسلمانان مقرر شده بود. در آیه ۶۱ سوره انفال چنین بیان شده است: «با دشمنان با حداکثر توانایی خود به مبارزه برخیزید و از عالی‌ترین تجهیزات استفاده کنید - در آن موقع سواره‌نظام عالی‌ترین بود - تا وحشت در دل دشمنان خدا و دشمنان خود ایجاد کنید». هدف از برتری تسلیحاتی در تقدم یک، همین است که چنان قدرتی ایجاد شود تا رقیب برای تحمیل جنگ جرئتی به خود راه ندهد و در نتیجه بدون آن که جنگ خونین و ویرانگری به وجود آید، مسائل به‌گونه‌ی سیاسی بین دو طرف حل شود.

قبل از آغاز جنگ ایران و عراق به‌دلیل متلاشی شدن ارتش ایران، چنین وحشت بازدارنده‌ای در مقابل مطامع سیاسی حکومت بعث عراق وجود نداشت و صدام حسین، رئیس جمهوری عراق، برآورد کرده بود که به بهترین فرصت تاریخی برای حکومت عراق برای وصول به هدف‌های سیاسی خود در شط‌العرب و خلیج فارس رسیده است و عراق نباید این فرصت را از دست بدهد. وی در یک سخنرانی گفته بود که ما در هنگام امضای قرارداد الجزایر در ۱۹۷۵ ضعیف‌تر از ایران بودیم و حال قوی‌تر هستیم^۱. با توجه به وضعیت سیاست، داخلی و خارجی ایران در دوران بعد از انقلاب و تضعیف بیش از اندازه ارتش ایران، تقریباً عامل اصلی بازدارنده وحشت در مقابل حکمران ستمگر عراق از بین رفته بود،

^۱ کتاب «تاریخچه مطامع پارسی‌ها در شط‌العرب» تهیه شده در عراق، ترجمه وزارت امور خارجه

به نحوی که او برآورد کرده بود ارتش عراق در ظرف سه تا هفت روز به هدف‌های نظامی خود خواهد رسید و خواسته‌های سیاسی خود را بر ایران تحمیل خواهد کرد. صاحب‌نظران عراق درباره هدف سیاسی جنگ گفتند: «هنگامی که رئیس‌جمهور عراق در جلسه فوق‌العاده ۱۷ سپتامبر ۱۹۸۰ در شورای ملی عراق، لغو موافقت‌نامه الجزایر را اعلام کرد. با این اقدام تاریخی، حق را به حقدار بازگردانید و وضع غیرطبیعی این موافقت‌نامه را که عراق در یک شرایط پیچیده و بغرنج ملی و قومی مجبور به انعقاد آن شده بود، تصحیح کرد؛ زیرا عراق این موافقت‌نامه را هنگامی امضا کرد که اعراب درگیر جنگ ۱۹۷۳ با اسرائیل بودند و حکومت عراق در شمال کشور با کردها درگیر بود و دولت ایران از شورش کردهای شمال عراق پشتیبانی می‌کرد»^۱. درباره هدف‌های سیاسی عراق در جنگ تحمیلی در بخش‌های گذشته مطالبی بیان شده است. هنگامی که در اول ژوئن ۱۹۸۱ خبرنگار مجله اشپیگل در مصاحبه‌ای با صدام حسین از او سؤال کرد که شما غیر از هدف‌های نظامی، هدف‌های سیاسی نیز در جنگ داشتید؟ صدام حسین پاسخ داد: صحیح است و آن نتیجه جنگ خواهد بود و ایران باید حقوق ما را در شط‌العرب و در مرزهای خاکی به رسمیت بشناسد و اضافه کرد باید بگویم ما به هدف‌های تعیین‌شده رسیده‌ایم^۲. سعدون حمادی وزیر خارجه عراق در یک مصاحبه مطبوعاتی گفت: «عراق از موجودیت عربی خلیج فارس دفاع می‌کند و اگر رژیم آیت‌الله خمینی در ایران بتواند انقلاب خود را به عربستان صادر کند، فاجعه بزرگی اتفاق خواهد افتاد»^۳. این گفتارها بیانگر نمونه‌هایی از هدف‌های سیاسی عراق در جنگ بود و دولت عراق جنگ را برای وصول به آن هدف‌های سیاسی آغاز کرد. نتیجه کلی این هدف‌ها، وصول به یک هدف اصلی سیاسی بود و آن به دست آوردن برتری مطلق سیاسی در منطقه خلیج فارس، اثبات برتری اعتقادی عراق به حکام این منطقه و سرانجام قبولاندن رهبری عراق به آنان بود. طبعاً این خواست برتری جویی سیاسی و مکتبی عراق با حقوق طبیعی و اقتصادی ملت ایران هماهنگی نداشت، بلکه با آن در تضاد بود؛ زیرا عقاید اسلامی ایران با عقاید

^۱. همان مدرک.

^۲. مدارک گردآوری‌شده در سانس‌اجا مربوط به جنگ از منابع وزارت خارجه.

^۳. همان مدرک.

پان عربیسم و ناسیونالیسم منفی حکومت بعثی عراق و سایر حکام منطقه مغایرت اصولی داشت، بنابراین اولین عامل جنگ که تلاش برای وصول به هدف‌های سیاسی بود، خواه ناخواه نمایان شد.

مقایسه توانایی‌های سیاست داخلی و خارجی ایران و عراق

معمولاً برای وصول به هدف‌های سیاسی علاوه بر برتری نظامی، برتری سیاسی داخلی و خارجی نیز ضروری است. بنابراین برای پی بردن به توانایی‌های سیاست داخلی و خارجی ایران و عراق لازم است شرایط سیاسی موجود در آغاز جنگ و همچنین در مدت زمان جنگ بررسی شود.

از نظر سیاست خارجی می‌توان گفت، برتری مطلق با دولت عراق بود؛ زیرا سیاست نه شرقی و نه غربی ایران یک روش سیاسی کاملاً جدید نسبت به روش‌های شناخته‌شده جهان بود و تقریباً هیچ کشوری در صحنه سیاست بین‌المللی پیرو این سیاست نبود و حتی کشورهای عضو نهضت غیرمتعهدها به نادرستی، چنین اسمی را برای خود انتخاب کرده بودند. زیرا هیچ‌یک از این کشورها غیرمتعهد مطلق نبودند بلکه یا گرایش به شرق داشتند و یا گرایش به غرب. نظریه غیرمتعهد واقعی را برای اولین بار حکومت جمهوری اسلامی ایران با اعلام سیاست نه شرقی و نه غربی به حکومت‌های جهان سوم ارائه داد، اما آنها توانایی پذیرش این سیاست را نداشتند، به‌ویژه اینکه فلسفه سیاسی ایران از یک مکتب مذهبی، یعنی اسلام سرچشمه می‌گرفت در حالی که در جهان امروز، در تمام اجتماعات، اقوام و ملل، عملاً مذهب از سیاست جدا شده و در حاشیه قرار گرفته است. بنابراین حکومت‌های کشورهای دیگر جهان به استثنای دو کشور لیبی و سوریه و تا حدودی کشور الجزایر که از ایران حمایت می‌کردند، بقیه بیش از ۱۵۰ کشور جهان به‌طور قطعی و یا ضمنی پشتیبان عراق بودند و یا از ایران حمایت نمی‌کردند. سیاست جهانی به‌طور کلی علیه انقلاب اسلامی ایران بود و اغلب دولت‌ها اعم از اسلامی و غیراسلامی از گسترش نهضت اسلامی و نهضت ضداستکباری، ضدکمونیستی و ضدامپریالیستی به وحشت افتاده بودند. اصولاً انقلاب اسلامی، فلسفه جدیدی برای اعمال سیاست داخلی و خارجی ارائه می‌کرد که برای اکثریت دولت‌ها و ملت‌های جهان ناشناخته بود و ماهیت این فلسفه با

آنچه که در جهان امروز به صورت سوسیالیسم، کاپیتالیسم و یا لیبرالیسم و ده‌ها ایسم دیگر، روش زندگی سیاسی حکومت‌ها را تشکیل می‌دهد، مغایرت داشت، در نتیجه تقریباً همه دولت‌ها با شدتی کم و بیش متفاوت در مقابل ایران در جبهه مخالف قرار گرفتند و اگر بعضی دولت‌ها، به‌ظاهر بی‌طرفی نشان می‌دادند و یا حتی به‌ظاهر اظهار طرفداری از ایران می‌کردند، در باطن احساس چندان موافقی با عقاید اسلامی ایران نداشتند، بلکه فقط از این نظر با حکومت ایران هماهنگی می‌کردند که تلاش ضدامپریالیستی، ضدکمونیستی و ضدصهیونیستی ایران در راستای اهداف سیاسی آنها بود.

بنابراین از نظر سیاست خارجی، برتری مطلق با حکومت عراق بود و همین برتری عامل بسیار مهمی در جلوگیری از شکست عراق در جنگ تحمیلی شد و به حکومت عراق امکان داد تا جنگ را با قدرت کافی ادامه دهد؛ زیرا حکومت عراق با جلب پشتیبانی سیاسی قدرت‌های بزرگ و سایر دولت‌ها به‌ویژه کشورهای ثروتمند عرب، موفق شد تمام نیازمندی‌های تسلیحاتی و اقتصادی عمومی را با دریافت وام، اعتبار و تسهیلات تجارتي به سادگی تهیه کند، در صورتی که برعکس آن ایران مجبور بود اغلب نیازمندی‌های خود را با محدودیت‌های فوق‌العاده از بازار آزاد با قیمت‌های چندین برابر تهیه کند و در اغلب موارد، تهیه تسلیحات عمده مانند خرید هواپیما، تانک، توپ و مهمات که عامل اصلی سرنوشت‌ساز در میدان‌های نبرد هستند، با مشکلات بزرگ و عدم موفقیت مواجه شد. چنان که ایران در طول بیش از پنج سال جنگ نتوانست کمبودهای تجهیزات عمده خود را تأمین کند؛ مثلاً موفق نشد هواپیماهای جدیدی خریداری کند. بنابراین مجبور شد با همان هواپیماهای باقیمانده از دوران رژیم سلطنتی که به قول ژنرال هیکمن - افسر ارتش آمریکا - اگر در هر ارتشی بود غیرعملیاتی منظور می‌شد و اجازه پرواز نمی‌یافت تا به نبردهای هوایی ادامه دهد و از موشک‌های زمین به هوا و امکانات راداری و پدافند هوایی مؤثر به کلی محروم شود.

با توجه به مطالب بیان شده از نظر عامل سیاست خارجی، حکومت عراق بر ایران برتری داشت، اما از نظر سیاست داخلی برتری نسبی با ایران بود و حکومت ایران موفق شد که با وجود مشکلات خارجی و داخلی و کمبود نیازمندی‌های عمومی به نحو مطلوبی ملت ایران را برای ادامه جنگ آماده و فعال نگه دارد و با تکیه بر عوامل دیگر مؤثر در جنگ،

برتری سیاسی بین‌المللی عراق را خنثی سازد. به‌نحوی که حکومت عراق کمتر از دو سال پس از آغاز تجاوز به ایران همه‌خواست‌های سیاسی خود را کنار گذاشت و قرارداد الجزایر را مجدداً معتبر اعلام کرد و با توسل به تمام مجامع بین‌المللی برای دستیابی به صلح و پایان جنگ تلاش کرد. اما این بار حکومت ایران بود که برتری نسبی سیاسی را به دست آورده بود و نمی‌خواست به حکومت عراق اجازه دهد که به حیات سیاسی خود ادامه دهد.

۲. عامل اقتصادی

اصولاً در غالب جنگ‌های امروزی، عامل اقتصادی هدف جنگ نیست و معمولاً کشور آغازگر جنگ به طمع دستیابی به قسمتی از منابع اقتصادی کشور دیگر جنگ را آغاز نمی‌کند. ولی عامل اقتصادی جنگ مانند دوران‌های گذشته تاریخ از نظر امکان دادن به حرکت ماشین جنگی کشور و از حرکت انداختن همین ماشین طرف مقابل همچنان عامل سرنوشت‌ساز محسوب می‌شود. از نظر اقتصادی جنگ‌های امروزی پیروزی ندارد و هر دو طرف، متحمل خسارات و ضایعاتی می‌شوند که هیچ‌یک از طرفین امتیازات متناسب با هزینه‌های جنگ را به دست نمی‌آورند و قوانین بین‌المللی مربوط به جنگ نیز اشغال سرزمین طرفی را به‌وسیله طرف دیگر مجاز نمی‌داند و از آن پشتیبانی نمی‌کند. از طرفی میزان خسارت به علت قدرت انهدامی سلاح‌های مخرب به قدری زیاد و سنگین است که اساساً پرداخت غرامت به‌وسیله طرف مغلوب امکان‌پذیر نیست، بنابراین در جنگ‌های امروزی وصول به یک هدف اقتصادی مشخص بسیار پیچیده و مشکل است.

اما عامل اقتصادی از جنبه دیگری در جنگ تأثیر دارد و آن امکان بهره‌گیری از امکانات است، بنابراین هر طرفی که از امکانات اقتصادی بیشتری برخوردار باشد و همچنین بتواند ضربات انهدامی سنگین بر منابع اقتصادی طرف مقابل بزند، می‌تواند برتری نسبی و نهایی برای دستیابی به پیروزی یا ادامه نبرد را از آن خود سازد. اما این جنبه اقتصادی جنگ نیز در جنگ‌های امروزی خاصیت وجودی خود را از دست داده است، چنان که ابرقدرت آمریکا با آن همه امکانات اقتصادی خود نتوانست ملت فقیر ویتنام را به زانو درآورد و این جنگ کاملاً نابرابر نشان داد که اراده ملت‌ها فوق‌العاده قوی‌تر از عامل اقتصاد

در ادامهٔ مبارزات است، ولی به هر حال عامل اقتصاد در جنگ آثاری تعیین کننده یا اغلب مقطعی دارد.

در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران با توجه به مشکلات سیاسی خارجی که ایران داشت و به دلیل اختلافات با آمریکا و بلوک غرب بر سر موضوع گروگان‌های سفارت آمریکا و اختلافات اعتقادی با بلوک شرق، در هر دو جبهه شرق و غرب با محدودیت‌های تجاری فوق‌العاده‌ای مواجه شده بود، بنابراین از نظر عامل اقتصادی جنگ نسبت به حکومت عراق در مقام و موقعیت بسیار ضعیفی قرار داشت و با توجه به انزوای سیاسی ایران در صحنه بین‌المللی، این موقعیت به ظاهر ضعیف سبب تحریک اشتباهی حکمران عراق برای به زانو درآوردن حکومت ایران شد؛ زیرا عراق پیش‌بینی کرده بود که در کوتاه‌ترین مدت می‌تواند ایران را از منبع اصلی درآمد نفتی محروم سازد و با بمباران جزیرهٔ خارک و سایر تأسیسات نفتی ایران شریان حیاتی اقتصادی ایران را قطع کند، اما در عمل پیش‌بینی حکمران عراق درست از آب درنیامد؛ زیرا نیروی هوایی عراق نتوانست تأسیسات نفتی ایران در خلیج فارس را منهدم کند.

نکته‌ای که در عامل اقتصاد باید مورد بررسی قرار گیرد، این است که این عامل به دو موضوع مهم تقسیم می‌شود: اول: مقدرات مالی برای تهیه و یا خرید و وارد کردن وسایل و تجهیزات خریداری شده از کشورهای خارج و دوم: راه مواصلاتی مطمئن برای حمل و نقل وسایل از خارج به داخل کشور که از نظر خطوط مواصلاتی، کشور ایران به دلیل در دست داشتن تمام کرانه شمالی خلیج فارس، دریای عمان و خط مواصلاتی زمینی با کشورهای شوروی سابق، ترکیه و پاکستان، محدودیتی نداشت. اما کشور عراق از این لحاظ موقعیت ضعیفی داشت؛ زیرا تنها راه ارتباط دریایی عراق آبراه است که با غرق کردن یک کشتی در آن بسته شده و عراق به کلی از خطوط مواصلاتی دریایی محروم می‌شود، بنابراین دولت عراق با خوش‌بینی بیش از حد برای پیروزی در جنگ تحمیلی آن هم در مدت چند روز به دست گرفتن کنترل هر دو کرانهٔ اروندرود و حتی قسمتی از خلیج فارس، آسیب‌پذیری احتمالی خط مواصلاتی شط‌العرب و امکان قطع خطوط ارتباطی خارجی خود در شط‌العرب را پیش‌بینی کرده بود و با پادشاه اردن در استفاده از بندر عقبه و خطوط مواصلاتی اردن برای حمل کالای مورد نیاز عراق به توافق رسیده بود. تصور اصلی حکومت عراق بر این بود

که در چند روز می‌تواند تمام کرانه شمالی شطالعرب را با تصرف خرمشهر و آبادان تحت نظارت خود درآورد و بر فرض غرق شدن چند کشتی در شطالعرب به سرعت آنها را تخلیه کند و آبراه شطالعرب را برای حرکت کشتی‌های تجارتي به مقصد عراق باز نگه دارد. ضمن این که با تصرف جزیره آبادان، امنیت بندر ام‌القصر و فاو نیز خود به خود برای عراق ایجاد می‌شود و دولت عراق بعد از طی اولین مرحله جنگ که تصرف کرانه شرقی کارون و اشغال جزیره آبادان بود، با مشکلی در شطالعرب مواجه نمی‌شد و خون اقتصادی در شریان حیاتی عراق که همان آبراه شطالعرب است، به جریان می‌افتاد و کالاها و تسلیحات مورد نیاز عراق برای ادامه جنگ و فشار سیاسی و نظامی به ایران از این خط عمده مواصلاتی عراق تأمین می‌شد. اما دولت عراق بر خلاف اشتباهات بزرگ در خیلی از برآوردهای سیاسی، اقتصادی و نظامی مربوط به جنگ درباره آبراه شطالعرب و اروندرود و امکان بسته شدن آن، برآوردهایی به عمل آورده و با بهبود روابط سیاسی با کشورهای منطقه خلیج فارس و اردن، پیش‌بینی راه‌های مواصلاتی فرعی را کرده بود، بنابراین اگر چه آبراه شطالعرب از همان روزهای اول جنگ بسته شد و عراق از این خط مواصلاتی محروم شد، ولی از نظر وارد کردن کالا و تسلیحات با مشکلی مواجه نشد؛ زیرا کویت و عربستان بنادر خود را در خلیج فارس و راه‌های تدارکاتی خود را در داخل کشور در اختیار عراق قرار دادند و دولت پادشاهی اردن نیز بندر عقبه و خطوط مواصلاتی خود را به رایگان در اختیار آن گذاشت و نقش پل پیروزی خیالی را در جنگی که به غلط به وسیله عراق، جنگ سرنوشت‌ساز عرب و عجم در خلیج فارس تلقی می‌شد، ایفا کرد؛ با توجه به اینکه قطع خطوط مواصلاتی در جنگ، یکی از مهم‌ترین هدف‌های راهبردی جنگ‌های امروزی است و خطوط مواصلاتی دریایی مهم‌ترین و سرنوشت‌سازترین نقش را در این مسئله ایفا می‌کند، بدین ترتیب راه‌های مواصلاتی مطمئنی در اختیار عراق قرار گرفت و دولت عراق با برقراری روابط نزدیک‌تر با اردن و کویت و عربستان آثار این آسیب‌پذیری را خنثی کرد.

اما دولت ایران از نظر خطوط مواصلاتی دریایی با داشتن ۷۸۴ کیلومتر کرانه در دریای عمان و ۱۲۵۹ کیلومتر در خلیج فارس که در جمع ۲۰۴۳ کیلومتر می‌شود، هیچ‌گونه محدودیت و نگرانی از لحاظ خطوط مواصلاتی در آب‌های آزاد جهان را ندارد. ضمن اینکه با داشتن خطوط مواصلاتی زمینی از طریق کشورهای شوروی سابق، ترکیه،

پاکستان و در صورت داشتن روابط فعال بازرگانی با روسیه و ترکیه در جنبه‌های مختلف از جمله تسلیحات نظامی می‌تواند بدون هیچ‌گونه اشکالی تمام نیازمندی‌های اقتصادی و نظامی خود را فراهم کند و درباره‌ی امکان استفاده از خطوط مواصلاتی ترکیه، وضعیت برای هر دو کشور یکسان است. در این باره نقش کشور سوریه نیز برای عراق به‌طور مستقیم و برای ایران غیرمستقیم و از لحاظ محروم شدن عراق از استفاده از بنادر و خطوط مواصلاتی سوریه، حایز اهمیت بود. ضمن اینکه خط لوله نفتی عراق از خاک سوریه به کرانه دریای آزاد مدیترانه وصل بود که قطع یا ادامه فعالیت آن در وضعیت اقتصادی جنگ تأثیر مهمی داشت. بنابراین در مقایسه‌ی توانایی ایران و عراق از بهره‌برداری از خطوط مواصلاتی عمده دریایی، برتری کلی با ایران بود و به همین دلیل ارتش عراق با وجود برتری هوایی و بمباران خطوط مواصلاتی ایران در خلیج فارس نتوانست ضربه قابل ملاحظه‌ای بر قدرت اقتصاد جنگی ایران وارد کند و حتی بمباران تأسیسات عظیم نفتی جزیره خارک که بنا به ادعای عراق در شش ماهه اول سال ۱۳۶۴ با بیش از هشتصد پرواز جنگی انجام گرفت، نتوانست خطوط مواصلاتی نفتی و غیرنفتی ایران را در خلیج فارس و دریای عمان مختل سازد که البته نقش نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در باز نگه داشتن خطوط مواصلاتی دریایی بسیار برجسته و ارزشمند بوده است، ولی جریان کالا به عراق نیز قطع نشد. بنابراین می‌توان گفت از نظر خطوط مواصلاتی توانایی ایران بیشتر از عراق بود؛ ولی حکومت عراق موفق شد ضعف خود را با استفاده از امکانات خطوط مواصلاتی کشور اردن، کویت و عربستان برطرف سازد.

اما جنبه‌ی دیگر عامل اقتصادی جنگ، توانایی‌های مالی است. آنچه مسلم است هر دو کشور ایران و عراق به دلیل داشتن منابع عظیم نفت، استخراج و فروش آن در بازارهای جهانی از نظر توانایی‌های مالی، جزو کشورهای ثروتمند و پردرآمد جهان هستند. درآمد خالص ملی ایران در سال ۱۹۸۱ (۱۳۶۰) مبلغ ۱۱۲ میلیارد دلار و عراق حدود ۳۹ میلیارد دلار بود و افزایش درآمد حدود ده درصد بوده است. البته نرخ تورم هم به همین نسبت بالاتر رفته است. این منبع درآمد جزو درآمدهای بسیار بالا در بین کشورهای جهان است. به عنوان مقایسه درآمد مصر در همین سال کمتر بوده، در حالی که جمعیت آن از ایران بیشتر و حدود سه برابر جمعیت عراق است. اما در مقایسه‌ی توانایی اقتصادی ایران با عراق

همان‌گونه که مثال بالا نشان می‌دهد، توانایی مالی ایران بیشتر از عراق است و اگر عامل جمعیت و وسعت کشور نیز در نظر گرفته شود، در نتیجه‌گیری کلی، مقدمات مالی ایران بیشتر از مقدمات مالی عراق است. در ۱۹۷۷ واردات ایران چهارده میلیارد دلار و صادرات ۲۱/۶ میلیارد دلار نفتی و ۶۲۲ میلیون دلار غیرنفتی بوده و در همین سال واردات عراق ۵/۱ میلیارد دلار و صادرات نفتی و غیرنفتی آن ۸/۳ میلیارد دلار بوده است. بنابراین در یک شرایط اقتصادی راهبردی و بین‌المللی متعادل، مقدمات مالی ایران برای به حرکت درآوردن ماشین جنگی و صنایع دفاعی خیلی قوی‌تر از عراق است. اما بررسی قدرت نظامی ایران و عراق نشان می‌دهد که در عمل حکومت عراق به نسبت درآمد ملی و جمعیت و مقدمات اقتصادی کشور عراق ارتش خیلی وسیع‌تر و قوی‌تر از ارتش ایران داشته است. این نتیجه نشان می‌دهد که در صحنه اقتصاد بین‌المللی به‌ویژه در رابطه با مسائل دفاعی، تنها داشتن پول کافی نیست و شاید ده‌ها عامل در چگونگی بهره‌گیری از این درآمد اقتصادی مؤثر باشد که بررسی آنها از موضوع بحث ما خارج است و تنها نکته حایز اهمیت در این مقایسه، توانایی‌های اقتصادی ایران و عراق در رابطه با جنگ تحمیلی است که عملاً در صحنه بین‌المللی، عراق بهتر از ایران موفق شد از توانایی‌های اقتصادی ملی و کمک‌های منطقه‌ای کشورهای دیگر بهره‌برداری کند و ماشین جنگی خود را در طول زمان جنگ هر روز مجهزتر و قوی‌تر سازد؛ در حالی که کشور ایران به دلیل تحریم اقتصادی کشورهای بلوک غرب و مسائل راهبردی بلوک شرق در عمل موفق نشد از توانایی‌های اقتصادی خود به نحو مطلوب برای هدایت جنگ و وصول به هدف‌های راهبردی نظامی بهره‌برداری کند، در صورتی که با توجه به برتری‌های ملی و اجتماعی چنانچه ایران می‌توانست بعد از عملیات بیت‌المقدس در پایان سال دوم جنگ، چند لشکر مجهز به واحدهای نظامی اضافه کند، به احتمال قریب به یقین می‌توانست سرنوشت جنگ را زودتر از آنچه پیش آمد به نفع خود تعیین کند. با توجه به بررسی‌های به عمل آمده نتیجه نهایی بررسی چنین نشان می‌دهد که توانایی‌های عراق از لحاظ اقتصادی برتر از ایران بود و کمک‌های بی‌دریغ کشورهای حوزه خلیج فارس و سایر پشتیبانان عراق به این توانایی قابلیت بیشتری داده بود.

۳. وضعیت اجتماعی

در مقایسه توانایی‌های اجتماعی، عواملی که در راهبرد دفاعی یک کشور مؤثرند مسائل مربوط به وسعت، جمعیت، بافت اجتماعی، تمایلات سیاسی، رابطه حکومت با مردم، گرایش‌های مذهبی و ملی و غیره هستند. در مقایسه توانایی‌های اجتماعی ایران با عراق در تمام زمینه‌ها، برتری با ایران بود. وسعت کشور ایران چهار برابر وسعت کشور عراق و جمعیت ایران حدود سه برابر جمعیت عراق است. بافت اجتماعی ایران از نظر مذهب بیش از ۹۱ درصد مسلمان شیعه و ۷/۷ درصد مسلمان سنی و فقط ۲/۳ درصد سایر مذاهب هستند؛ در حالی که ترکیب مذهبی عراق بیش از پنجاه درصد مسلمان شیعه و حدود ۴۵ درصد مسلمان سنی و ۵ درصد مذاهب دیگر هستند.

از نظر ترکیب قومی نیز جمعیت ایران ۶۶ درصد فارس، ۲۴ درصد ترک آذری، ۵ درصد کرد، ۵ درصد عرب و سایر اقوام می‌باشند و عراق از ۷۱ درصد عرب، ۱۸ درصد کرد، ۵ درصد آسوری و ۶ درصد سایر اقوام و نژادهای دیگر تشکیل شده. با توجه به اینکه آذری‌های ایران احساسات ایرانی شدیدی دارند، از نظر کلی جمعیت کاملاً هم‌فکر ایران بیش از ۹۰٪ است ضمن اینکه کردها و سایر اقوام ایرانی به طور کلی احساسات ایرانی‌شان قوی‌تر از احساسات قومی‌گرایی بر اساس زبان است و این امر در جنگ تحمیلی به نحو بارزی به‌ویژه در خوزستان مشاهده شد.^۱ البته می‌توان گفت که عامل وحدت ملی یا اجتماعی ملت ایران اسلام است که با حرکت امام خمینی(ره) در تبلور عینی این دین در قالب انقلاب اسلامی و حرکت ضد استبدادی، ضد استعماری، ضد سلطه‌پذیری و سلطه‌گری انقلاب این عامل وحدت شدت و انسجام بیشتری و به نهایت قدرت و استحکام رسید. جمعیت ایران در سال ۱۳۵۷ بالغ بر ۳۴/۴ میلیون نفر بوده و جمعیت عراق در همان سال حدود ۱۱/۵ میلیون نفر بود که از نظر جمعیت ایران بیست و یکمین کشور و عراق پنجاه و دومین کشور جهان بوده است.

از نظر سیاسی حکومت عراق به وسیله یک رژیم دیکتاتوری تک‌حزبی - حزب بعث - اداره می‌شد، تا سال‌های اخیر، مجلس مقننه نداشت و بعداً یک مجلس ساختگی تشکیل شد و

^۱. کتاب گیتاشناسی ص ۶۱ و ۲۰۲.

رئیس جمهور انتصابی از حزب بعث بوده و انتخاباتی برای برگزیدن رئیس جمهور انجام نگرفته است. رئیس جمهور عراق، - صدام حسین - در عمل از سال ۱۹۶۸ که حزب بعث قدرت کامل را به دست گرفت، -۱۳۴۷- قدرت رهبری فردی را در دست داشت؛ در حالی که حکومت جمهوری اسلامی ایران کاملاً متکی به آراء مردم است و از ماه‌های اول پیروزی انقلاب نوع حکومت، قانون اساسی، انتخاب رئیس قوه مجریه - رئیس جمهور - و انتخاب اعضای قوه مقننه کاملاً با مراجعه به آرای عمومی انجام گرفته و حکومت مردمی بر اساس قانون اساسی، قدرت را در دست دارد، ضمن اینکه از نظر بالاترین سطح رهبری نیز مقام ولایت فقیه بر تمام قدرت‌های رهبری جامعه برابر فقه شیعه نظارت و رهبری دارد.

درباره رابطه حکومت با مردم: حکومت عراق اساساً حکومت مردمی نبود. یک گروه رهبر حزب حاکم، تمام قدرت کشور را در دست داشت؛ در حالی که حکومت ایران کاملاً مردمی است و اساساً با تکیه بر پشتیبانی مردم توانسته جنگ را در مدت بیش از پنج سال ادامه دهد و به‌عنوان نمونه، حضور سازمان جهاد سازندگی و نیروهای عظیم بسیج مردمی است که به تناوب در گروه‌های ده‌ها هزار نفری عازم جبهه‌ها می‌شده و کمبود استعداد رزمی ارتش ایران را جبران می‌کردند. گرایش‌های مذهبی ملت و دولت ایران نسبت به اعتقادات شیعه دوازده امامی فوق‌العاده قوی است و شاید در بین تمام ملت‌های جهان بی‌نظیر است؛ در حالی که در عراق اصولاً دولت با مذهب بیگانه است و حتی در مقابل مذهب در جبهه مخالف قرار دارد. سرانجام از نظر گرایش‌های ملی نیز گرچه اصولاً حکومت بعث عراق بر اساس فلسفه ناسیونالیسم افراطی و دولت جمهوری اسلامی ایران بر اساس مکتب اسلام، پایه‌گذاری شده و ناسیونالیسم به مفهوم اروپایی و افراطی را به‌طور کلی نفی و بر خلاف مکتب اسلام می‌داند، ولی در مقایسه احساسات ناسیونالیستی به مفهوم مثبت و در حد طبیعی لزوم، به دفاع از آب، خاک، حقوق و شرف ملی می‌توان گفت، احساسات ملت ایران قوی‌تر، مثبت‌تر و سازنده‌تر از ملت عراق است و یک عامل مهم مؤثر در این امر عمر تاریخی ملت‌ها است. ملت ایران قریب سه هزار سال تاریخ سیاسی دارد؛ ولی ملیت عراق در دوران قبل از میلاد، تاریخ متحولی داشته که سومری‌ها، کلدانی‌ها، آشوری‌ها و بابلی‌ها تاریخ‌سازان متفرقه آن بوده‌اند و قریب پانصد سال قبل از میلاد از میان رفته‌اند و بعد از ظهور اسلام نیز در حکومت اسلامی ملتی به نام ملت عراق وجود نداشته است، فقط

بغداد مرکز خلافت اسلامی بوده است. بعدها نیز ترکان عثمانی بر مردم منطقه بین‌النهرین مسلط شدند. سرانجام فقط حدود نیم قرن پیش کشوری به نام کشور عراق در بین‌النهرین تشکیل شد و ملتی به نام ملت عراق با ترکیبی از اقوام عرب، کرد، آشوری و غیره به وجود آمد که از یک فلسفه وحدت ملی مستحکمی برخوردار نبود و از همان آغاز بنیان‌گذاری کشور عراق؛ یعنی حتی قبل از استقلال و از سال ۱۹۲۰، که کشور عراق تحت قیمومیت انگلستان از تجزیه عثمانی تشکیل شد، قبایل گرد ساکن شمال عراق حکومت اعراب بر منطقه شمال را نپذیرفتند و نبردهای خونین بین کردهای شمال عراق با حکومت مرکزی آغاز شد. با توجه به توضیحات یاد شده از نظر وضعیت اجتماعی در مقایسه توانایی‌های ایران و عراق برتری با ایران است.

۴. وحدت ملی

درباره وحدت ملی گرچه هر دو ملت ایران و عراق از یک ترکیب اجتماعی نسبتاً مختلطی تشکیل شده‌اند که در هر یک از این دو کشور علاوه بر یک گروه اجتماعی اکثریت مطلق گروه‌های اجتماعی دیگری نیز وجود دارند، اما به دلایلی که در بررسی وضعیت اجتماعی بیان شد از نظر ترکیب جمعیت وحدت ملی ایران قوی‌تر از عراق است و وحدت نسبی مذهب نیز در ایران قوی‌تر است؛ بنابراین در نتیجه‌گیری کلی در عامل وحدت ملی، ایران بر عراق برتری دارد. البته هر دو کشور درگیر مسائلی با گروه‌های سیاسی مخالف داخلی بودند اما با وجود آثار طبیعی انقلاب در مسائل سیاسی ایران، ملت ایران از وحدت مستحکم‌تری نسبت به ملت عراق برخوردار بود.

۵. ایمان و روحیه

جریان جنگ تحمیلی، برتری ایران را در این عامل به نحو کمال مطلوب ثابت کرده است و نیازی به توضیحات بیشتر نیست، فقط ذکر این نکته ضروری است که اصولاً در طول تاریخ بشر کاملاً به اثبات رسیده است که قوی‌ترین ایمان‌ها، ایمان مذهبی است و هیچ قدرت روانی دیگری که از مکتب‌ها و عقاید سیاسی مانند: ناسیونالیسم و فاشیسم سرچشمه گرفته باشد، نمی‌تواند در مقابل قدرت ایمان مذهبی برابری کند و اگر ایمان

مذهبی در ملتی به صورت جدی عامل محرکه قرار گیرد، شکست دادن آن ملت به سادگی امکان پذیر نخواهد بود؛ زیرا مردم تحریک شده با ایمان مذهبی برای مبارزه در راه خدا از مرگ استقبال می‌کنند و آن را جهاد در راه خدا و راه وصول به بهشت جاودانی تلقی می‌کنند، در صورتی که چنین احساسی را در هیچ مکتب سیاسی نمی‌توان به وجود آورد و با توجه به اینکه ملت ایران در جنگ تحمیلی با اتکا به قدرت ایمان مذهبی وارد مبارزه با عراق گردید، موفق شد تمام کمبودها و مشکلات دیگر را تحت‌الشعاع قرار دهد و برتری راهبردی را در این مبارزه که از نظر اغلب موارد مادی و سیاسی علیه ایران بود، به نفع خود تغییر دهد و با تکیه بر اصل اعتقاد مذهبی «خون بر شمشیر پیروز است» واقعیت عینی این فلسفه را به اثبات برساند و در بررسی و مقایسه توانایی‌های رزمی، این اصل بهتر روشن خواهد شد.

۶. قدرت فرماندهی و رهبری

گرچه از نظر توانایی‌های رزمی قدرت فرماندهی و رهبری در ارتش ایران به پایین‌ترین درجه کاهش یافته بود و سپاه پاسداران نیز آموزشی در این باره نداشت، ولی در سطح راهبردی، قدرت فرماندهی و رهبری ایران برتری کامل خود را در جنگ تحمیلی ثابت کرد و با وجود اینکه ارتش متجاوز عراق در هفته‌های اول جنگ موفق شد که پیروزی‌هایی به دست آورد. ارتش ایران با سطح آمادگی رزمی درجه ۴ که در بسیاری از خطوط مرزی در مقابل عراق حضور نداشت؛ با همان استعداد کم در برابر یورش عراق مقاومت کرده و در کمتر از پنج هفته موفق شد پیشروی دشمن را سد کند و با کمک نیروهای مردمی آماده عقب راندن نیروهای دشمن از خاک میهن اسلامی شود. یعنی بعد از کمتر از پنج هفته همان ارتش موفق شد پیشروی نیروهای دشمن را متوقف کند و با کمک نیروهای مردمی که هنوز قدرت رزمی قابل ملاحظه‌ای نداشتند، آماده برای عقب راندن نیروهای دشمن از مناطق اشغالی شود و بعد از مدتی کمتر از چهار ماه، حملات متقابل خود را آغاز کند و سرانجام با وجود کمبودها و ناتوانی‌های تجهیزاتی فوق‌العاده، بعد از بیست ماه نیروهای دشمن را به حوالی مرز عقب براند. این موفقیت نیروهای مسلح ایران مرهون برتری‌های عوامل روانی بود که فرماندهی و رهبری در رده ملی شاخص‌ترین آنها بود. قاطعیت تصمیم

در رهبری برای ادامه مبارزه و اعلام این مطلب که «اگر این جنگ بیست سال هم طول بکشد، به مبارزه ادامه خواهیم داد» و عدم تسلیم و سازش با متجاوز با وجود شکست اولیه ارتش ایران، قاطعیت دیگری بود که در رهبری ایران وجود داشت. این قاطعیت و قدرت رهبری ایران، عامل مهمی در تغییر جنگ علیه عراق بوده، به طوری که نقش مهمی در توانایی‌ها راهبردی ایران ایفا کرد و از شکست قطعی ایران جلوگیری نمود.

۷. روح مبارزه‌جویی و میل به جنگ

در این عامل نیز ایران نسبت به عراق برتری داشت. انقلاب اسلامی ایران روح تازه‌ای به نیروهای ایرانی داده بود. آنها آماده بودند برای دفاع از دستاوردهای انقلاب و دفاع از شرف و حیثیت ملی با هر نیروی مخالفی به مبارزه برخیزند. هیجان به قدری شدید بود که با قدرت در مقابل ابرقدرت آمریکا و شوروی قد برافراشتند و با تصمیمی قاطع، ندای مرگ بر آمریکا و مرگ بر شوروی برآوردند. این چنین روحیه مبارزه‌جویی می‌تواند اراده هر نیروی متجاوز را متزلزل کند، ولی مسلماً ملت عراق از چنین روحیه‌ای برخوردار نبود. گرچه در روزهای اول تجاوز به دلیل سرمستی از پیروزی، افراد ارتش عراق روحیه‌ای نسبتاً قوی به دست آوردند، ولی این دوره خیلی کوتاه بود و بلافاصله پس از برخورد با مقاومت نیروهای دفاعی ایران، که در ابتدا به نظر آنها خاصیت وجودی نداشت، روحیه خود را باختند و میل تهاجم آنان به کلی از بین رفت؛ به نحوی که بعد از پنج هفته یعنی بعد از عبور از رودخانه کارون و قطع جاده اهواز - آبادان، ارتش عراق دیگر اقدام به هیچ عملیات تهاجمی مهم و موفقی نکرد. فقط حالت دفاعی به خود گرفت و این حالت در مدت زمان اشغال قلمرو ایران روز به روز ضعیف‌تر می‌شد. اما بعد از عقب‌نشینی نیروهای عراقی به خط مرز، موفق می‌شوند که نیروهای ایران را در خط مرز متوقف سازند و در این امر پشتیبانی رزمی ارتش عراق نقش حساسی داشت و صرفاً عوامل انسانی انگیزه این بهبودی نبود. به عنوان مثال حکومت عراق برای این پشتیبانی حتی قوانین بین‌المللی را زیر پا گذاشت و در هر موقع که شکست را احساس کرد با گازهای سمی منطقه نبرد را آلوده ساخت و از پیشروی نیروهای ایران جلوگیری کرد؛ در حالی که نیروهای مسلح ایران حتی در سخت‌ترین شرایط نبرد، برتری روانی خود را حفظ می‌کردند.

۸. پیروی از یک عقیده شناخته شده در سطح ملی

در جنگ‌های دوران گذشته، معمولاً افراد رزمنده به صورت اجیر یا داوطلب در جنگ‌ها شرکت می‌کردند و در این امر هدف اقتصادی مشخصی داشتند که به‌صورت چپاول، غارت اموال قبایل مغلوب و دریافت اجرت از دستگاه رهبری بود، ولی از هنگامی که حکومت‌ها در کشورهای مستقل ارتش منظم یا شبه‌منظم تشکیل دادند، برای تشویق و تحریک افراد نظامی در مقابل دشمن، استقلال و حاکمیت ملی علاوه بر موضوع نیاز مادی، ضرورت یک عامل روانی نیز به‌صورت بارزتری مشخص شد، گرچه اصولاً جنگ اعم از فردی یا اجتماعی بر اساس هدف حفظ منافع خود یا به‌دست آوردن منافع مورد نظر در بین افراد یا اقوام و ملل ایجاد می‌شود و طبعاً درباره جنگ گروهی و اجتماعی و به اصطلاح عمومی شناخته شده امروزی در جنگ ملی باید احساس مشترکی وجود داشته باشد تا همکاری و هماهنگی برای تلاش مشترکی به‌وجود آید، ولی این امر در دوران‌های قدیم چندان حایز اهمیت نبود. فقط کافی بود رهبر یک قبیله و عشیره موفق شود افراد قبیله خود را زیر نفوذ معنوی خود درآورد و آنها را برای اعمال نظر خود درباره لزوم حمله به قبایل دیگر یا دفاع در مقابل قبایل دیگر در همان منطقه سکونت خودشان تحریک و تشویق کند و چه‌بسا اتفاق می‌افتاد که افراد قبیله کوچ کردن از محل زندگی را بر مقابله کردن با تهاجم احتمالی قبایل دیگر ترجیح می‌دادند، اما از زمانی که اقوام و قبایل، شهرنشین شدند، امکان کوچ کردن از بین رفت و لزوم دفاع از محل زیست، حساسیت بیشتری پیدا کرد. این عامل سبب پیدایش طرز تفکر ملی‌گرایی شد و فلسفه میهن‌پرستی به مفهوم فلسفی آن بین اقوام و قبایل و ملل به عنوان مبنای همکاری دسته‌جمعی برای حفظ منافع دسته‌جمعی مورد قبول انسان‌ها قرار گرفت و موضوع آب و خاک و محدوده منافع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی برای اجتماعات بشری مطرح شد و سرانجام هر گروه مجتمع، متشکل و وابسته به یکدیگر، به نوعی عقاید ملی‌گرایی را اساس فلسفه تدافعی خود قرار داد و به مرور زمان که اجتماعات بشری متشکل‌تر و وسیع‌تر شد، نظریه این فلسفه شکل‌های ویژه‌ای به خود گرفت و تعبیر و تفسیرهای گوناگونی به‌وسیله رهبران سیاسی اقوام و ملل از این فلسفه شد.

سرانجام از حدود ۲۵۰۰ سال پیش فرمانروایان بزرگ موفق شدند تا با استفاده از این فلسفه توأم و نیز استفاده از خواسته‌های اقتصادی شخصی مردمان تحت رهبری خود، اقوام و ملل بزرگی را به وجود آورند و کشورهای بزرگی مانند ایران، یونان و روم تشکیل دهند. اما بعد از ظهور دین اسلام فلسفه دیگری برای تشکیل اقوام و ملل و در یک محور اعتقادی ظاهر شد و آن پیروی از قوانین الهی دین اسلام بود و اساس وحدت اجتماعی در این فلسفه، قبول حاکمیت خداوند بر تمام جهان از جمله بر تمام انسان‌ها و لزوم ایجاد توحید اجتماعی بر اساس وابسته شدن به ریسمان خداوند و جلوگیری از تفرقه و جدایی‌ها به هر عنوان از جمله تحت عنوان ملی‌گرایی موضعی و مکانی بود. ارتش اسلام با تکیه بر این فلسفه موفق شد نزدیک به نیمی از جهان قرن هفتم میلادی را تحت حاکمیت یک دستگاه رهبری قرار دهد. بنابراین، بعد از ظهور دین اسلام دو فلسفه مهم برای پیوند داخلی اقوام و ملل در مقابل اجتماعات هم‌بسته به یکدیگر قرار گرفت - ملی‌گرایی و اسلام - و از زمان ایجاد و انتشار این دو مکتب، گروه‌های اجتماعی با تکیه بر یکی از آنها وحدت اجتماعی خود را مستحکم و حفظ کردند. گروه‌های اجتماعی که به هیچ یک از این دو نوع فکر گرایش چندانی نداشتند، متلاشی و نابود شدند، یا از اقمار این دو فلسفه قرار گرفتند. بنابراین عوامل اساسی یکپارچگی و وحدت گروه‌های اجتماعی ناسیونالیسم و اسلام بودند که هنوز نیز هست و این دو مکتب شناخته‌شده‌ترین مکتب برای ایجاد و تقویت روح همبستگی اجتماعی در جهان امروز است. البته مکتب‌های دیگر وحدت اجتماعی نیز وجود دارند که بیشتر از یک فلسفه زندگی سیاسی هماهنگ سرچشمه می‌گیرند، مانند: سوسیالیسم، انترناسیونالیسم و لیبرالیسم - از نوع حکومتی، نه فردی - بررسی این مکاتب سیاسی نشان می‌دهد که خاصیت وجودی آنها تحت‌الشعاع مکتب ملی‌گرایی قرار دارد. به‌عنوان مثال در جهان سوسیالیسم، کشورهای به اصطلاح برادر چندان هم با یکدیگر میانه خوبی ندارند و مسائل ملی بین آنها مهم‌تر از همبستگی‌های اعتقادی است. رابطه چین و شوروی سابق بهترین نمونه از این نوع رابطه است.

به هر حال هر ملتی باید با تکیه بر یکی از این دو نوع مکتب اجتماعی، وحدت ملی را ایجاد و تقویت کند. درباره ملت ایران و عراق نیز این دو مکتب شناخته‌شده خاصیت وجودی کاملاً مشخصی داشتند. حکومت عراق با تکیه بر ناسیونالیسم افراطی پان‌عربیسم ملت عراق را

برای تحمیل جنگ با ایران آماده کرد و حکومت ایران نیز با تکیه بر مکتب اسلام و حفظ جنبه‌های مثبت و الزامی ناسیونالیسم که با روح مکتب اسلام هماهنگی دارد، ملت ایران را برای دفاع در مقابل تجاوز آماده ساخت و در مقایسه تأثیر این دو مکتب در توانایی‌های ایران و عراق عملاً ثابت شد که توانایی‌های ایران بسیار قوی‌تر و سازنده‌تر است، در نتیجه در جنگ تحمیلی این عامل اعتقادی مهم‌ترین عامل جبران کمبودهای وسایل و تجهیزات ارتش ایران شد و برتری نسبی را در صحنه نبرد به نفع ایران تغییر داد.

۹. مقایسه توانایی‌های دفاعی ایران و عراق

در این قسمت با استفاده از آمار و ارقام منتشرشده در نشریات بین‌المللی، توانایی‌های عمومی دفاعی ایران و عراق مورد بررسی و مقایسه قرار می‌گیرد، تا نسبت توانایی‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی بین دو کشور در آغاز جنگ تحمیلی و ادامه جنگ روشن‌تر شود. لازم به یادآوری است که علت استفاده از مدارک بین‌المللی آن است که اولاً اطلاعات ما از توانایی‌های نظامی عراق چندان عمیق نیست و ثانیاً اعداد و ارقام ارائه‌شده در این نشریه‌ها مورد تأیید تمامی محافل بین‌المللی است. توانایی‌های موجود نظامی ایران با استناد به مدارک سازمان‌های نظامی در قسمت جداگانه‌ای بیان می‌شود.

جدول ۱ - مقایسه توانایی‌های دفاعی ایران و عراق در سال ۱۹۷۸ (۱۳۵۷) (x)

تعداد و ترکیبات		شرح مشخصات
عراق	ایران	
۱۱,۵۷۷,۰۰۰	۳۴,۴۵۵,۰۰۰	جمعیت کل کشور
۳/۳٪ در سال	۲/۹٪ در سال	نرخ افزایش جمعیت
۷۰٪ عرب، ۱۸/۳٪ کرد، ۲/۴٪ ترکمن، ۸/۴٪ نژادهای دیگر	۶۳٪ فارس، ۱۸٪ ترک، ۳٪ کرد، ۳٪ عرب، ۱۲٪ سایر اقوام	ترکیب جمعیت از لحاظ زبان

تعداد و ترکیبات		شرح مشخصات
عراق	ایران	
۹۰٪ مسلمان شیعه و سنی تقریباً مساوی، ۸٪ مسیحی، ۲٪ مذاهب دیگر	۹۳٪ مسلمان شیعه، ۵٪ مسلمان سنی، ۳٪ سایر مذاهب	ترکیب مذهب
۲۰٪ تا ۴۰٪ بالاتر از هفت سال سن	حدود ۳۷٪ بالاتر از هفت سال سن	تعداد با سوادان

وضعیت سیاسی حکومت

تعداد و ترکیبات		شرح مشخصات
عراق	ایران	
جمهوری	جمهوری اسلامی	نوع حکومت
حزب بعث	حزب‌الله و روحانیون	گروه حاکم
بر اساس قوانین ملی عراق	مجلس شورای اسلامی بر اساس قوانین اسلامی	وضع قانون
تا سال ۱۹۷۸ انجام نگرفته است	همه ارکان اصلی حکومت بر اساس انتخابات عمومی انجام می‌شود	انتخابات عمومی
حزب کمونیست و کردها	چپ‌گرایان	گروه مخالف مشخص
۱۸ استان	۳۲ استان	تقسیمات سیاسی کشور

وضعیت اقتصادی

تعداد و ترکیبات		شرح مشخصات
عراق	ایران	
۱۶ میلیارد دلار (۱۹۷۶)	۶۸ میلیارد دلار	درآمد ناخالص ملی
-	۴٪	نرخ افزایش درآمد سالیانه
۵/۱ میلیارد دلار	۱۴ میلیارد دلار	واردات
۸/۳ میلیارد دلار نفتی و غیرنفتی	۲۱/۶ میلیارد دلار	صادرات نفتی
-	۶۲۲ میلیون دلار (در ۱۳۵۶)	صادرات غیرنفتی

تعداد و ترکیبات		شرح مشخصات
عراق	ایران	
۹ میلیارد دلار در ۱۹۷۷	۳۴/۴ میلیارد دلار درآمد، ۳۱/۱ میلیارد دلار هزینه ۳۴ میلیارد دلار هزینه انجام نشده ۱/۶ میلیارد دلار	بودجه سالیانه
-	افغانستان، سوریه، ترکیه، لهستان، هندوستان، مصر، اتریش تحت نظارت سازمان های بین المللی	کمک های اقتصادی به
آمریکا، ایتالیا، فرانسه، هلند، انگلستان، شوروی، ژاپن، برزیل، چکسلواکی	ژاپن، آلمان غربی، برزیل، شوروی و کشورهای دیگر کمونیستی	معاملات عمده
منسوجات، چای، شکر، دارو، مواد لاستیک و کاغذ	شکر، آهن و سایر آهن آلات، دارو، ماشین آلات، کاغذ، خودرو، وسایل الکتریکی، مواد غذایی و مواد کشاورزی	واردات عمده
نفت، جو، خرما، پنبه، پشم	۹۷٪ نفت، پنبه خام، فرش پشم، خشک بار، منسوجات، پوست	صادرات عمده
نفت سومین کشور در خاورمیانه	مواد غذایی، لاستیک، پلاستیک	صنایع عمده
خرما، گندم، جو، برنج، محصولات دامی	گندم، جو، برنج، شکر، پنبه، خرما، انگور، چای، تنباکو، گوسفند، بز	محصولات کشاورزی دامی
۱۷۰۰ کیلومتر	۴۵۰۹ کیلومتر	راه آهن
۲۰،۷۱۹ کیلومتر	جمعاً ۴۳۴،۴۴۲ کیلومتر که ۱۲،۰۶۰ کیلومتر آن آسفالت است	- جاده شوسه

تعداد و ترکیبات		شرح مشخصات
عراق	ایران	
جمعاً ۷۷ فرودگاه که ۷۰ فرودگاه قابل استفاده است	جمعاً ۱۷۰ فرودگاه، ۱۶۲ فرودگاه قابل استفاده می‌باشد	- فرودگاه‌ها
میکرو تلفن، رادیو و تلویزیون. ۱۸۴,۹۰۰ تلفن، ۱/۲۸ میلیون رادیو، ۳۵۸,۰۰۰ تلویزیون	در خاورمیانه از پیشرفته‌ترین وسایل ارتباطی برخوردار است. تلفن ۸۰۵,۶۰۰ دستگاه، رادیو ۲/۱ میلیون دستگاه، تلویزیون ۱/۷ میلیون دستگاه، یک ایستگاه ماهواره مخابرات	- وسایل ارتباطاتی

وضعیت کلی نظامی

تعداد و ترکیبات		شرح مشخصات
عراق	ایران	
رئیس جمهور	فرمانده کل قوا	فرماندهی عالی
بر نیروها فرماندهی دارد	جزو هیئت دولت (بر نیروها فرماندهی ندارد)	وزارت دفاع
ستاد مشترک ندارد	ستاد فرماندهی کل قوا (بر نیروها فرماندهی ندارد)	ستاد مشترک
زمینی، هوایی، دریایی، گارد مرزی	زمینی، دریایی، هوایی و نیروی انتظامی ج.ا.ا	نیروهای نظامی و انتظامی
۱۸۵,۰۰۰ زیر پرچم	۳۴۲,۰۰۰ نفر	آمار کلی نیروی انسانی
۴۸۰۰ نفر با ۵۰,۰۰۰ ارتش خلقی	۷۰,۰۰۰ نفر	نیروهای شبه‌نظامی

تعداد و ترکیبات		شرح مشخصات
عراق	ایران	
۲,۵۶۶,۰۰۰ نفر ۱,۴۳۶,۰۰۰ نفر برای خدمت وظیفه احضار می‌شوند	۴,۷۸۹,۰۰۰ نفر که ۸,۰۸۴,۰۰۰ نفر برای خدمت وظیفه احضار می‌شوند	نیروی کارگر
۲ سال	۲ سال	مدت خدمت وظیفه
۱/۶۹ میلیارد دلار (۱۹۷۷)	۷/۹۶ میلیارد دلار که حدود ۲۰٪ کل بودجه کشور بوده است	هزینه سالانه ارتش

نیروی زمینی

تعداد و ترکیبات		شرح مشخصات
عراق	ایران	
۱۶۰,۰۰۰ نفر زیر پرچم، ۲۵۰,۰۰۰ نفر احتیاط	۳۰۰,۰۰۰ نفر در مرحله احتیاط	تعداد کل نیروی انسانی
۴ لشکر زرهی، ۲ لشکر مکانیزه، ۴ لشکر پیاده، ۳ تیپ مستقل، یک تیپ نیروی مخصوص	۳ لشکر زرهی، ۴ لشکر پیاده، ۲ تیپ پیاده مستقل، یک تیپ هواپرد	سازمان کلی رزمی
۱۴۹۰ دستگاه تانک روسی از انواع مختلف، ۱۹۷۰ دستگاه نفربر از انواع مختلف روسی، ۸۹۰ قبضه توپ از انواع مختلف روسی، ۱۱۰۰ قبضه جنگ‌افزار ضد تانک، ۸۰۰ قبضه از انواع مختلف سام ۷ و انواع دیگر، ۴۷ تانک فرانسوی و تانک تی ۶۲، موشک اسکاد	۴۰۰ دستگاه تانک ام -۶۰، ۴۰۰ دستگاه تانک چیفتن، ۲۵۰-۴۷ و ام -۴۸، ۷۶۰ دستگاه تانک چیفتن، ۱۲۰۰ دستگاه تانک چیفتن سفارش شده، ۵۷۵ دستگاه نفربر آمریکایی، ۱۴۰۰ دستگاه نفربر روسی، ۱۲۱۷ قبضه توپ آمریکایی و روسی از کالیبرهای مختلف، ۸۵ قبضه موشک‌انداز و کاتیوشا، ۱۵۰۰ قبضه جنگ‌افزار، ضدتانک تاو و آر.بی.جی، ۱۰۰۰۰ قبضه دراگون، ۶۳۰ قبضه توپ ضدهوایی، موشک زمین به هوا از نوع هاوک و سام ۷ و راپیر، اسلحه انفرادی تفنگ ژ ۳، وسایل دیگر سفارش داده شده شامل ۸۰ خودرو پرتاب راپیر، موشک هاوک و انواع سام ۶ و ۷ و ۹	تجهیزات عمده

هوانیروز

تعداد و ترکیبات		شرح مشخصات
عراق	ایران	
ندارد	۱۴۰۰۰ نفر	تعداد نیروی انسانی
جزو نیروی هوایی است	۱۰ فروند	سسنا
	۲۰۰ فروند	بالگرد ۲۱۴
	۴۵ فروند	سسنا ۱۸۵
	۲۶ فروند	بالگرد سفارش شده
	۶ فروند	سسنا ۳۱۰
	۴۰ فروند	شنوک
	۴۹ فروند	بالگرد آموزشی
	۲ فروند	هواپیمای اف ۲۷ ترابری
	۴ فروند	هواپیمای فالكون
	۳ فروند	ارکاماندر
	۵۰ فروند	شنوک سفارش شده

نیروی دریایی

تعداد و ترکیبات		شرح مشخصات
عراق	ایران	
۳۰۰۰ نفر زیر پرچم	۱۲۷۲۰ نفر، افزایش تا ۲۰۰۰۰ نفر	تعداد نیروی انسانی

تعداد و ترکیبات		شرح مشخصات
عراق	ایران	
یک فروند یگافورت روسی، ۴۴ فروند ناوچه سبک، ۳ فروند متفرقه	یک فروند ناوشکن انگلیسی با موشک، دو ناوشکن آمریکایی باچهار پایه پرتاب، ۷ ناو فریکیت با پایه پرتاب موشک، ۴ ناو آمریکایی کاروت، ۴۷ فروند ناوچه سبک، یک فروند نیروبر آمریکایی، پنج فروند مین جمع کن، ۶ فروند ناو تدارکاتی و تعمیراتی، ۸ فروند ناو و ناوچه دیگر، ۶ فروند ناوشکن سفارش شده، ۱۰ فروند سفارش احتمالی، ۶ فروند ناویار سفارش شده	تجهیزات عمده
هوادریا ندارد	۱۸ فروند	بالگرد سی کنیک
	۶ فروند	توربو کاماندر
	۲ فروند	۲۷ - اف - ۴۰۰ ام
	۲ فروند	۲۷ - اف - ۶۰۰ ام
	۵ فروند	بالگرد ۲۰۵
	۱۴ فروند	بالگرد ۲۰۶ اگوستا
	۶ فروند	بالگرد ۲۱۲
	۶ فروند، ۲ فروند سفارش شده	بالگرد ۵۳۵

نیروی هوایی

تعداد و ترکیبات		شرح مشخصات
عراق	ایران	
۲۵,۰۰۰ نفر زیر پرچم، ۱۸,۰۰۰ نفر احتیاط	۷۴,۰۰۰ نفر کادر، ۱۵,۰۰۰ نفر وظیفه	تعداد نیروی انسانی

تعداد و ترکیبات		شرح مشخصات
عراق	ایران	
یک اسکادران بمباران با ۹ فروند توپولوف ۲۲ و ۱۰ فروند امیتیوشین، ۱۶ اسکادران جنگنده بمباران شامل ۵۰ فروند هانتز	۷۹ فروند F-۱۴A، ۱۴۱ F-۵، ۳۲ فروند F-۴E، ۱۷۷، ۴۵	۲۳ اسکادران جنگنده
۵۰ فروند سوخوی ۷ و ۴۰ فروند میگ ۲۳	RF-۴ و RF-۵	۲ اسکادران شناسایی
۸ اسکادران هواپیمای رهگیر شامل ۲۰ فروند میگ ۱۹ و ۹۰ فروند ۵۲	۱۰۵ فروند C-۱۳۰E، ۵۳ C-۱۳۰H، ۱۱ فروند بویینگ ۷۰۷	۷ اسکادران ترابری متوسط با یک اسکادران ترابری سنگین
۱۲ اسکادران ترابری شامل ۱۳ فروند ایلوشین ۱۴ و ۲ فروند توپولوف ۱۲۴ و ۹ فروند وسکش ۵۲ و ۲ فروند ایسلندر	۲۰ فروند F-۲۷، ۶ فروند F-۵۴، ۵ فروند C-۴۷، ۵ فروند بیورز	یک اسکادران ترابری سبک
—	۶ فروند P-۳F اوریون و ۳ فروند سفارش شده	یک اسکادران گشتی دریایی
با ۴ فروند MI-۱، ۳۵ فروند MI-۴ و ۴ MI-۶، ۳۰ فروند MI-۸	۱۳ فروند بویینگ ۷۰۷، ۷ فروند KC-۱۳۰، یک فروند B-۷۴۷	یک اسکادران سوخت‌گیری
۴۰ فروند آلیوت ۳	۴ فروند	یک اسکادران الفیت
	۱۱۷ فروند	هواپیمای آموزشی از انواع مختلف
۱۱۵ فروند سبک، ۲ اسکادران ترابری ۱ اسکادران بالگرد آموزشی	۱۹۱ فروند	بالگرد از انواع مختلف

تعداد و ترکیبات		شرح مشخصات
عراق	ایران	
	۳ فروند ارکاماندر، ۷ فروند بیورز	هواپیمای سبک
	۲۰۰ دستگاه راپیر، تعدادی تیگرکت، ۳۷ آتشبار هاوک	پایه پرتاب موشک زمین به هوای راپیر
	ساید و نیدرواسیارد و فویگس	موشک هوا به هوا
	ماوریک	موشک هوا به زمین

وسایل سفارش شده تحت بررسی و برنامه ریزی شده

تعداد و ترکیبات		شرح مشخصات
عراق	ایران	
۷۲ فروند میراژ	۱۶۰ فروند تصویب شده به وسیله آمریکا، ۱۴۰ فروند تحت بررسی آمریکا	هواپیمای اف-۱۶
	۷۳ فروند	هواپیمای اف-۱۱۴ تامکت
	۲۵۰ فروند	هواپیمای نورتروپ اف-۱۸
	۷ فروند	بویک ای-۳۳ (آواکس)
	۳ فروند	و یک در خواست اضافی
	یک اسکادران	هواپیمای اف-۴ب فانتوم پیشرفته با رادار شکاری

صنایع نظامی

تعداد و ترکیبات		شرح مشخصات
عراق	ایران	
صنایع نظامی ندارد	-	صنایع هواپیماسازی، بالگردسازی، الکترونیک و سلاح سبک

خلاصه توانایی‌ها

الف - نیروی انسانی		
نیروی زمینی	۲۲۲,۳۰۰ نفر	۱۶۰,۰۰۰ نفر
نیروی دریایی	۱۲,۰۰۰ تا ۲۰,۰۰۰ نفر	۳۰۰۰ نفر
نیروی هوایی	۸۹,۰۰۰ نفر	۲۵,۰۰۰ نفر
ب - واحدهای عمده زمینی		
لشکر زرهی	۳	۴
لشکر مکانیزه	-	۲
لشکر پیاده	۴	۴
تیپ مستقل	۳	۴
واحد هوانیروز	یک واحد بزرگ با ۱۴,۰۰۰ نفر نیروی انسانی	واحد مستقل ندارد، جزو نیروی هوایی است
ج - تجهیزات عمده نیروی زمینی		
تانک رزمی متوسط	۱۵۶۰ دستگاه	۱۴۹۰ دستگاه
تانک سبک شناسایی	۶۵۰ دستگاه	-
نفربر زرهی	۱۹۷۵ دستگاه	۱۹۷۰ دستگاه
توپ صحرایی شامل توپ‌های از رده خارج	۱۲۱۷ قبضه	۸۹۰ قبضه
توپ ضد هوایی	۶۳۰ قبضه	۸۰۰ قبضه
جنگ‌افزار ضد تانک	۱۵۰۰ قبضه	۱۱۰۰ قبضه
انواع موشک ضد تانک	از انواع مختلف	از انواع مختلف
انواع بالگرد	۵۹۰ فروند	در نیروی هوایی عراق است
هواپیمای سبک	۷۷ فروند	
وسایل سفارش شده عمده	۱۲۰۰ دستگاه چیفتن، تعدادی موشک زمین به هوا، ۷۶ دستگاه بالگرد، تعدادی نفربر زرهی	

ت - تجهیزات عمده نیروی دریایی		
انواع مختلف ناو و ناوچه	۸۶ فروند	۴۸ فروند
انواع مختلف ناو و ناوچه سفارش شده	۲۶ فروند	-
بالگرد و هواپیما	۴۹ فروند	-
بالگرد و هواپیما سفارش شده	۲ فروند	-
هواپیمای سبک	۱۰ فروند	
ث - تجهیزات عمده نیروی هوایی		
۲۳ اسکادران جنگنده	۴۲۹ فروند	یک اسکادران بمباران با ۱۹
۲ اسکادران شناسایی	-	۶ اسکادران جنگنده بمباران
۹ اسکادران ترابری	۱۱۵ فروند	۱۴۰ فروند
یک اسکادران گشتی دریایی	۶ فروند	۸ اسکادران رهگیر با ۱۳۰ فروند
یک اسکادران سوخت گیری	۲۱ فروند	۱۲ اسکادران ترابری با ۴۶ فروند یک اسکادران
یک اسکادران الفیت	۴ فروند	بالگرد با ۱۰۹ فروند
هواپیماهای آموزشی	۱۱۷ فروند	۳۰ فروند آموزشی
بالگرد	۱۹۱ فروند	هواپیمای سفارش شده
هواپیمای سبک	۱۰ فروند	۷۲ فروند میراژ و تعدادی انواع دیگر
هواپیماهای سفارش شده	۴۲۳ فروند	
آواکس	۱۰ فروند	
هواپیمای اف-۴ب	یک اسکادران	

مقایسه توانایی‌های راهبردی ایران و عراق / ... / ۴۵

جدول شماره ۲ - مقایسه توانایی‌های عمومی ارتش ایران و عراق (۱۳۵۹ (۸۱) - ۱۹۸۰م)،

اقتباس از کتاب میلتاری بالانس

استعداد نیروی انسانی

تعداد و نوع		مشخصات
عراق	ایران	
۲۴۲,۲۵۰ نفر	۲۴۰,۰۰۰ نفر	نیروی زمینی
۲۰۰,۰۰۰ نفر	۱۰۰,۰۰۰ نفر	نیروی هوایی
۴۲۵۰ نفر	۲۰,۰۰۰ نفر	نیروی دریایی

واحد عمده زمینی

تعداد و نوع		مشخصات
عراق	ایران	
۴ لشکر	ندارد	لشکر مکانیزه
۴ لشکر	۳ لشکر	لشکر زرهی
۴ لشکر	۳ لشکر	لشکر پیاده
-	۱ تیپ	تیپ مستقل زرهی
-	۱ تیپ	تیپ مستقل پیاده
۲ تیپ	۱ تیپ	تیپ مستقل هوابرد
۱ تیپ	۱ تیپ	تیپ مستقل نیروی مخصوص
مستقل پایور جمهوری	ندارد	تیپ مستقل مکانیزه

تجهیزات عمده نیروی زمینی

تعداد و نوع		مشخصات
عراق	ایران	
۲۸۵۰ دستگاه شامل انواع مختلف تی ۷۲/۶۲/۵۵/۵۴/۳۴	۱۹۸۵ دستگاه (شامل ۸۷۵ چیفتن ۶۵۰ ام-۴۷ و ۴۶۰ ام-۶۰)	تانک
۲۰۰ دستگاه ۷۶	۲۵۰ دستگاه	تانک سبک شناسایی

تعداد و نوع		مشخصات
عراق	ایران	
۲,۲۰۰ قبضه	۲,۲۰۰ قبضه	انواع توپ (صحرائی و ضدهوایی و ضد تانک)
۲,۵۰۰	۲,۰۰۰	نفربر زرهی
—	مانند جدول ۱	بالگرد

نیروی هوایی

تعداد و نوع		مشخصات
عراق	ایران	
۳۳۲ فروند شامل ۱۲ فروند سوخو ۲۲، ۴۰ فروند سوخو ۷، ۶۰ فروند سوخوی ۲۰	۴۴۵ فروند شامل ۱۸۸ فروند اف ۴، ۱۶۶ فروند اف ۵، ۷۷ فروند اف ۱۴	کل هواپیمای جنگی
۵۹ فروند هانتز	۱۴ فروند شناسایی و عکاسی	هواپیمای شناسایی و عکاسی
۱۵ فروند اف بی ۱۰	مانند جدول ۱	هواپیمای ترابری
۱۱۵ فروند سبک، ۲ اسکادران ترابری، یک اسکادران بالگرد	مانند جدول ۱	بالگرد

نیروی دریایی

تعداد و نوع		مشخصات
عراق	ایران	
نیروی دریایی عراق دارای ناوچه سبک و گشتزنی و مین جمع کن است و قدرت رزمی قابل ملاحظه‌ای ندارد	۳ فروند	ناوشکن با موشک زمین به زمین
	۱ فروند	ناو با موشک زمین به هوا
	۲ فروند	ناو سامر با محل فرود بالگرد
	۴ فروند	ناو جنگی با موشک زمین به زمین و زمین به هوا

تعداد و نوع		مشخصات
عراق	ایران	
	۹ فروند	واحد دریایی با موشک‌انداز زمین به زمین فاربون
	۷ فروند	ناو گشت‌زنی
	۱۴ فروند	هواناو (هاورکرافت)
	۲ فروند	کشتی نیروبر
	یک اسکادران	بالگرد کرانه‌ای مین جمع‌کن
	یک اسکادران	بالگرد زیردریایی
	یک اسکادران	بالگرد ترابری

توضیحات مؤسسه مطالعاتی لندن:

۱. بیشتر نیروهای ایرانی فقط از نظر آماری نشان داده می‌شود و آمادگی رزمی آنها معلوم نیست. علت ضعف آمادگی رزمی نیروهای ایران بر هم خوردن سازمان، نظارت، فرماندهی و تصفیه دامنه‌دار ارتش ایران است.
۲. در برتری قدرت رزمی عراق بر ایران هیچ شکی نیست. ارتش عراق آموزش‌دیده، با انضباط و سازمان‌یافته است و آمادگی برای جنگ در مدت طولانی دارد.
۳. ارتش عراق مقدار زیادی وسایل و تجهیزات نظامی سفارش داده که شامل ۶۰ فروند هواپیمای میراژ است.
۴. ارتش عراق دارای دو ضعف مهم است که عبارتند از: الف - اختلاف و خلأ قدرت فرماندهی بین افسران رده بالا و پایین، ب - اختلاف مذهب، زیرا اغلب افسران سنی‌مذهب هستند؛ در حالی که اکثریت افراد ارتش عراق شیعه مذهب‌اند.

ظرفیت نظامی کشور عراق قبل از جنگ تحمیلی (اقتباس از منابع اطلاعاتی)

ارتش عراق از وزارت دفاع، ستاد کل و سه نیروی زمینی، هوایی و دریایی تشکیل شده است. استعداد نیروی انسانی نیروهای مسلح عراق قبل از درگیری بین ایران و عراق در حدود ۳۸۴,۰۰۰ نفر برآورد می‌شد.

نیروی زمینی ۲۱۵,۰۰۰ نفر

نیروی هوایی ۲۷,۰۰۰ نفر

نیروی دریایی ۷,۰۰۰ نفر

نیروی گارد مرزی ۴۵,۰۰۰ نفر

نیروی شبه‌نظامی (پلیس و چریک مسلح) ۵۰,۰۰۰ نفر

نیروی جیش‌الشعبی (ارتش خلقی) ۴۰,۰۰۰ نفر

که به تعداد یادشده باید ۳۰۰,۰۰۰ نفر نیروی ذخیره و احتیاط را اضافه کرد.

الف - نیروی زمینی

نیروی زمینی عراق قبل از جنگ تحمیلی از سه قرارگاه سپاه، ۱۲ لشکر، یک تیپ مستقل زرهی، سه تیپ نیروی مخصوص، یک تیپ مکانیزه و تقویت‌شده گارد جمهوری و ۱۰ تیپ پیاده تشکیل شده بود.

سپاه ۱ شامل: لشکرهای ۷ و ۱۱ پیاده؛ ۲،۴ و ۸ کوهستانی و ۱۲ زرهی.

سپاه ۲ شامل: لشکرهای ۳، ۶ و ۱۰ زرهی.

سپاه ۳ شامل: لشکرهای ۱، ۵ مکانیزه و ۹ زرهی.

اقلام عمده تجهیزات در نیروی زمینی

نیروی زمینی ارتش عراق قبل از درگیری بین دو کشور، دارای حدود ۲۵۰۰ دستگاه تانک، ۲۹۵۰ دستگاه نفربر، ۱۵۰۰ قبضه توپ از کالیبرهای مختلف، ۷۲۰ قبضه توپ پدافند هوایی از کالیبرهای مختلف، ۸۵۰ دستگاه تانک بر (از انواع مختلف روسی، آلمانی و فرانسوی)، ۴۸ دستگاه پرتاب‌کننده موشک‌های اسکاد و فزاک، در حدود ۲۰۰۰ قبضه موشک‌های زمین به هوای سام ۷ و ۹ بوده است.

ب - نیروی هوایی

نیروی هوایی ارتش عراق از دو قسمت نیروی هوایی و فرماندهی پدافند و موشکی تشکیل یافته است.

۱. نیروی هوایی کشور مذکور قبل از درگیری بین دو کشور ایران و عراق دارای ۸۶۲ نفر خلبان عملیاتی بود که از این تعداد ۶۱۵ نفر آنها قادر به پرواز با هواپیماهای شکاری و شکاری بمبافکن بوده‌اند.

اقلام عمده در نیروی هوایی عراق

این نیرو قبل از جنگ مجهز به ۶۰۸ فروند هواپیمای مختلف، ۱۶۶ فروند بالگرد عملیاتی، ۷۵۵ دستگاه پرتاب‌کننده موشک‌های سام ۲، ۳ و ۶، بیش از ۷۷۰ قبضه توپ پدافند هوایی با کالیبرهای مختلف، بیش از ۱۱۶ دستگاه رادارهای ثابت و متحرک از نوع روسی، انگلیسی و غیره بوده که در سرتاسر خاک عراق و طول نوار مرزی گسترش دارند.

۲. فرماندهی پدافند هوایی و موشکی ارتش عراق از نظر حوزه استحفاظی به چهار منطقه تقسیم شده است:

منطقه ۱ - مرکز بغداد

منطقه ۲ - مرکز تکریت

منطقه ۳ - مرکز بصره

منطقه ۴ - مرکز کرکوک

فرماندهی مذکور برای تأمین و پوشش هوایی فضای مناطق یاد شده از دو قسمت متمایز یگان‌های پدافند هوایی و یگان‌های موشکی زمین به هوا تشکیل شده است که دارای ۲۸ گردان پدافند هوایی، ۲ تیپ موشکی سام ۲، ۳، ۶ و ۲ گردان موشکی مستقل سام بوده است.

انواع رادارهای موجود در ارتش عراق قبل از جنگ تحمیلی

بی ۸ ساخت شوروی

بی ۱۲ ساخت شوروی

بی ۱۴ ساخت شوروی

بی ۱۵ ساخت شوروی

بی ۳۰ ساخت شوروی

بی ۵۰ ساخت شوروی

نیا ساخت لهستان

مارکنی ساخت انگلستان

و انواع رادارهای مختلف ساخت فرانسه.

ج - نیروی دریایی

نیروی دریایی عراق قبل از جنگ با استعداد بیش از ۷۰۰۰ نفر نیروی انسانی که ۸٪ آن را افسران دریایی و متخصصان تشکیل می‌دادند، سازماندهی شده بود. نیروی مذکور قبل از جنگ مجهز به ۶۲ فروند یکان شناور از انواع مختلف، دو تیپ دریایی به نام‌های ناوتیپ مخصوص و ناوتیپ تفنگداران دریایی که سلاح‌های عمده این نیرو به شرح زیر بود:

ام‌القصر	بصره	سلاح
۶	۶	ناوچه موشک‌انداز اوزا
۸	۴	ناوچه اژدرافکن
۲	-	ضدزیردریایی
-	۲	مین جمع‌کن
۱	۱	مین جمع‌کن رودخانه‌ای
۱	-	ناو نیروبر
۱	-	اژدر جمع‌کن
۱۱	۶	ناوچه گشتی
۱	۱	ناو لجستیکی
؟	۱	یدک‌کش

این یگان‌ها بیشتر در پایگاه‌های عراق در ام‌القصر، بصره و فاو مستقر بوده و پیوسته کیفیت گسترش آنها تغییر می‌کرد. ضمناً نیروی دریایی عراق دارای ۱۲ فروند بالگرد سوپر فرلون ساخت فرانسه مجهز به موشک‌های اگزوست بوده است.

جدول شماره ۴ - خلاصه وضعیت ارتش ایران و عراق (۸۳ - ۱۹۸۲) ۱۳۶۱ اقتباس از مجله میلیتاری بالانس

کلیات

مشخصات	تعداد	
	ایران	عراق
جمعیت	۳۹,۱۰۰,۰۰۰ نفر	۱۳,۶۰۰,۰۰۰ نفر
مدت خدمت وظیفه	۲ سال	۲ سال
تعداد کل افراد ارتش	۲۳۵,۰۰۰ نفر	۳۴۲,۲۵۰ نفر
درآمد خالص ملی	۱۱۲ میلیارد دلار (۱۹۸۰)	۳۸/۹۸ میلیارد دلار (درآمد خالص ملی)
هزینه دفاعی	۴/۴ میلیارد دلار (۱۹۸۱)	۲/۹۸ میلیون دلار (۱۹۸۰)
افزایش درآمد ملی	۱۰٪ در سال	۱۰٪ در سال
نرخ تورم سالانه	۲۵/۸٪ در ۱۹۸۰	—
رشد درآمد ملی	۱۰٪ در سال ۱۹۸۰	۱۰٪ در سال ۱۹۸۰
نیروهای شبه نظامی	بسیج ۳۰,۰۰۰ نفر، ژاندارمری ۵,۰۰۰ نفر	سازمان امنیت ۴۸۰۰ نفر، ارتش خلق ۷۰۰۰ نفر، نیروی داوطلب حدود ۲۰,۰۰۰ نفر

نیروی زمینی

مشخصات	تعداد	
	ایران	عراق
تعداد کل نیروی انسانی	۱۵۰,۰۰۰ نفر که ۱۰۰,۰۰۰ نفر وظیفه است	۳۰۰,۰۰۰ نفر که ۲۵۰,۰۰۰ نفر وظیفه است
سازمان کلی نیروی زمینی	۴ لشکر زرهی که حداقل ۲ لشکر آن فقط ۲ تیپ استعداد	۴ قرارگاه سپاه، ۶ لشکر زرهی، ۳ لشکر مکانیزه، ۴

تعداد		مشخصات
عراق	ایران	
لشکر پیاده کوهستانی، ۲ قرارگاه اضافی لشکر که می تواند با عناصر احتیاط و ارتش خلقی تبدیل به لشکر شود	دارد، ۴ لشکر پیاده که ۲ لشکر آن فقط ۲ تیپ استعداد دارد، ۱ لشکر هواپرد که در حقیقت یک تیپ است، ۴ گردان موشک زمین به هوا از نوع هاوک، ۱ فرماندهی هوانیروز توجه: لشکرهای سپاه پاسداران و بسیج در این بررسی برآورد و منظور نشده است	

تجهیزات عمده نیروی زمینی

تعداد		مشخصات
عراق	ایران	
۲۳۰۰ دستگاه از انواع مختلف روسی	۹۰ دستگاه تی ۵۴، ۵۵ و ۶۲، ۴۲۰ دستگاه چیفتن، ۳۰۰ دستگاه ام ۴۷ و ۴۸	جمعاً ۱۱۲۰ دستگاه تانک
۱۰۰ دستگاه PT-۷۶	۳۰۰ دستگاه ام - ۶۰	خودروی شناسایی
۳۰۰۰ دستگاه	۱۰۰ اسکورپیون ۵۸۰ دستگاه	نفربر زرهی
۸۰۰ قبضه	۲۰۰ قبضه از کالیبر مختلف	توپ صحرایی متوسط
	۱۰۰۰ قبضه (که بیشتر آنها از رده خارج است، فقط توپ ۱۰۵م در خدمت است)	توپ سبک صحرایی
جزو توپخانه منظور شده	۶۵ قبضه	موشک انداز کاتیوشا
تعداد مشخص نشده	تعداد مشخص نشده	انواع خمپاره اندازها

تعداد		مشخصات
عراق	ایران	
تعداد مشخص نشده	تعداد مشخص نشده	انواع جنگ‌افزار ضدتانک
۱۲۰۰ قبضه از لوله مختلف توضیح ۱. تعداد قلیل ملاحظه‌ای موشک زمین به هوا که قسمتی دریافت شد و قسمتی سفارش شده ۲. تعلدی وسایل به غنیمت گرفته شده از ایران بازسازی شده	۱۸۰۰ قبضه از انواع مختلف	توپ موشک ضدهوایی
	۶۵ فروند سینا و فالکون و ارکماندر ۲۰۷	هوایمای سبک
	۱۶۰ فروند AH-۱۱، ۲۷۰ فروند بل ۲۱۴، ۳۵ فروند ۲۰۵، ۱۵ فروند ۲۰۶، ۹۲ فروند شنوک	بالگرد

نیروی غیرمنظم

تعداد		مشخصات
عراق	ایران	
۷۵,۰۰۰ نیروی احتیاط، نیروی امنیتی ۴۸۰۰ ارتش خلقی، ۷۰۰۰ نفر با ۱۰۰ تانک و ۲۰ هزار نفر داوطلب نیروی انسانی	۴۰۰,۰۰۰ سپاه پاسداران، ۴۰۰,۰۰۰ نیروی احتیاط	ارتش مردمی با سلاح سبک

نیروی دریایی

تعداد		مشخصات
عراق	ایران	
۴۲۳۰ نفر	۱۰,۰۰۰ نفر	استعداد نیروی انسانی
۱ فروند فرنگیت	۳ فروند با موشک زمین به هوا	ناوشکن
۸ فروند اوز، تعدادی قایق گشتی	۱ فروند با موشک‌انداز و فروند بالگرد	نبردناو
	۴ فروند	فریگیت

تعداد		مشخصات
عراق	ایران	
	۲ فروند	کاروت
	۱۰ فروند	ناوکامان
	۷ فروند	ناوچه گشتی
	۳ فروند	ناوچه ساحلی
	۱۴ فروند	هواناو
	۲ فروند	گشتی نیروبر
	۲ فروند	گشتی تدارکاتی
	۱ فروند	گشتی تعمیراتی
	۳ گردان	تفنگداران دریایی
	۲ فروند	هواپیمای جنگی
	۱۶ فروند	بالگرد رزمی
	۲۰ فروند	یک اسکادران دریایی
	۱۰ فروند بالگرد	یک اسکادران بالگرد نجات
	۶ فروند بالگرد	یک اسکادران بالگرد بهداری
	۶ فروند ترابری، ۴ فروند اف-۲۷	یک اسکادران ترابری
	۱ فروند ستر ۲۰، ۷ فروند انواع دیگر بالگرد	بالگرد از انواع دیگر

نیروی هوایی

تعداد		مشخصات
عراق	ایران	
۳۸,۰۰۰ نفر که ۱۰,۰۰۰ نفر وظیفه است	۳۵,۰۰۰ نفر	استعداد نیروی انسانی

تعداد		مشخصات
عراق	ایران	
کل هواپیما ۳۳۰ فروند جنگنده	۹۰ فروند (حدوداً)	کل هواپیمای عملیاتی
میک و بمباران یک اسکادران توپولوف با ۹ هواپیما	۹۰ هواپیما که حدوداً ۳۰ فروند آن حاضر به کار است	۱۰ اسکادران جنگنده اف ۴
یک اسکادران بمباران سبک با ۸ هواپیمای ایلوشین ۲۸		۸ اسکادران جنگنده اف ۵
۱۱ اسکادران جنگنده شامل ۷۵ فروند میک ۲۳ و ۸۰ فروند سوخوی ۲۰	۷۷ فروند اف ۱۴ که احتمالاً ۵ فروند آن حاضر به کار است	۱۴ اسکادران رهگیر
		یک اسکادران شناسایی
		تانکر سوخت‌رسانی
۱۲ فروند هانتز	تعداد هواپیما نامعلوم	بویینگ ۷۴۷
۵ اسکادران هواپیمای رهگیر با ۱۱۵ فروند میک ۲۱ و ۳۲ فروند میراژ ۱۴۵، ۴ فروند میراژ، ۱۲ اسکادران ترابری با ۴۵ فروند	۱۲ فروند بویینگ ۷۰۷، ۵۳ فروند C-۱۳۰ و ۱۸ فروند اف -۲۷، ۲ فروند ارکماندر، ۴ فروند فالکون	بویینگ ۷۰۷
۱۱ اسکادران بالگرد با ۳۴۱ فروند بالگرد، تعدادی هواپیمای آموزشی شامل میک ۱۵ و ۲۱ و ۲۳ و سوخوی ۷ و هانتز، موشک ضدهوایی ۳۶۰ دستگاه سفارش شده، ۱۵۰ میک ۲۳ و ۲۵ و ۲۷	۴۵ هواپیمای آموزشی فروند، ۹ فروند T-۳۳، ۵ گردان موشک رامبر، ۲۵ فروند تایگرکت، انواع موشک ضدهوایی فونکس - سایدویندر، سپارو و ماوریک	هواپیمای آموزشی

تعداد		مشخصات
عراق	ایران	
۳ فروند فریلون، ۱۰ فروند کازل، ۲۶ فروند پومامک ۲۴ و ۶ فروند ۶۱	۱۰ فروند شنوک ۷۶ انواع مختلف	بالگرد

جدول شماره ۵ - مقایسه توانایی‌های دفاعی ایران و عراق در سال ۸۵ - ۱۹۸۴ (۱۳۶۳) اقتباس از مجله میلیتاری بالانس

کلیات

تعداد و مشخصات		مشخصات کلی
عراق	ایران	
۱۴,۹۰۰,۰۰۰ نفر	۴۲,۵۰۰,۰۰۰ نفر	جمعیت
۲ سال	۲ سال	خدمت وظیفه
۶۴,۲۵۰ نفر بیشتر افراد وظیفه	۵۵۵,۰۰۰ نفر شامل ارتش و سپاه و بسیج که می‌تواند ۲۰۰ تا ۲۵۰ هزار نفر افزایش پیدا کند	استعداد کلی نیروهای مسلح
۹۲/۸۳۲ میلیارد دلار در ۱۹۸۱	۹۲/۸۲۸ میلیارد دلار	درآمد ملی
۸/۰۴۲ میلیارد دلار در ۱۹۸۲ و ۱۰/۲۴۲ میلیارد دلار در ۱۹۸۳	۱۵/۵۵ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۲ - ۱۷/۳۷۰ میلیارد دلار	بودجه دفاعی
۵٪ در ۱۹۸۳ و ۷/۱٪ در ۱۹۸۳	۵/۶٪ در ۱۹۸۱ و ۵٪ در سال ۱۹۸۲	رشد درآمد ملی
۱۶٪ در ۱۹۸۲ و ۱۱٪ در ۱۹۸۳	۲۴٪ در سال ۱۹۸۲ و ۲۰٪ در سال ۱۹۸۳	نرخ تورم
۶/۲ میلیارد دلار در ۱۹۸۲	۳/۹ میلیارد دلار در ۱۹۸۲	کسر بودجه

نیروی زمینی

تعداد		مشخصات
عراق	ایران	
۶۰۰,۰۰۰ نفر	۲۵۰,۰۰۰ نفر	تعداد کل نیروی انسانی
۴ فرارگاه سپاه، ۶ لشکر زرهی، ۵ لشکر مکانیزه موتوریزه، ۵ لشکر پیاده، ۴ لشکر کوهستانی، ۲ تیپ زرهی گارد جمهوری، ۳ تیپ نیروی مخصوص، ۹ تیپ احتیاط، ۱۵ تیپ پیاده ارتش خلقی و داوطلب	۳ لشکر مکانیزه، هر لشکر ۳ تیپ، کلاً ۹ گردان تانک، ۱۸ گردان مکانیزه، ۷ لشکر پیاده، ۹ تیپ هوابرد، ۲ لشکر نیروی مخصوص، تعدادی تیپ پیاده، ۱۲ گردان موشک زمین به هوا از نوع هاوک، واحد هوایی پشتیبانی نیروی زمینی	واحدهای عمده
۴۵۰۰ دستگاه تانک تی ۷۲، ۲۶۰/۶۲/۵۵/۵۴ دستگاه تانک تی ۵۹ چکسلواکی، ۶۰ دستگاه تانک رومانی ۷۷، ۱۰۰ دستگاه PT _ ۷۶ تانک سبک، ۳۲۰ دستگاه خودرو رزمی شامل نفربر، ۲۰۰ دستگاه کاسکاول	۱۰۰ دستگاه تی ۵۴ و ۵۵، ۵۰ دستگاه تی ۶۲، ۱۰۰ دستگاه تی ۷۲، ۳۰۰ دستگاه چیفتن، ۲۰۰ دستگاه ام ۴۷ و ۴۸، ۲۵۰ دستگاه ام - ۶۰	تجهیزات عمده تانک
۱۰۰ دستگاه خودرو موشک‌انداز	۵۰ دستگاه اسکورپیون	تانک سبک
	۱۳۰ دستگاه EE _ ۹ کاسکاول، ۱۸۰ دستگاه بی ام بی، ۲۸۰ دستگاه ام ۱۱۳، ۶۰۰ دستگاه بی.تی.آر	نفربر زرهی

تعداد		مشخصات
عراق	ایران	
<p>۳۵۰۰ قبضه توپ قدیمی شامل ۷۵ م، ۱۰۰۰ قبضه ۸۵ م، ۵۰ قبضه سوخوی ۱۰۰ م و غیره ۱۵۰ قبضه ۱۵۵م م هویزر، ۱۴ واحد موشک فراک ۷ و اسکاد</p>	<p>۱۰۰۰ دستگاه توپ سبک شامل ۷۵ م و توپ متوسط ۱۳۰ م، ۳۰ قبضه ۱۷۵ م خود کشش و ۱۰۵ م ۱۵۰ م و ۱۰ قبضه ۲۰۳ م، ۶۵ قبضه ۲۲ م، کاتیوشا، ۳۰۰۰ انواع خمپاره- انداز</p>	توپخانه
از انواع مختلف تعداد مشخص نشده	از انواع مختلف تعداد مشخص نشده	سلاح ضدتانک
<p>۴۵۰۰ قبضه از انواع مختلف، ۳۲۰ قبضه از انواع مختلف</p>	<p>۱۵۰۰ قبضه ۲۳ م، ۵۷ م و ۸۵ م</p>	سلاح ضدهوایی
<p>سفارش شده، توضیح اینکه تعدادی تجهیزات از انواع مختلف در جنگ به غنیمت گرفته و از آنها استفاده می‌کند، هوانیروز مستقل ندارد</p>	<p>۴۶ فروند سسنا، ۱۰ فروند OT، ۲ فروند اف -۲۷، ۵ فروند ارکماندر، ۲ فروند فالکون، ۲۷۰ فروند بالگرد کبرا، ۳۵ فروند ۳۱۴، ۱۵ فروند ۲۰۵ و ۲۰۶</p>	هوانیروز شامل

افراد ذخیره

تعداد		مشخصات
عراق	ایران	
<p>۷۵،۰۰۰ نفر، ارتش خلقی ۶۵۰،۰۰۰ نفر و احتمالاً ۱۰،۰۰۰ نفر داوطلب از کشورهای دیگر عرب</p>	<p>سپاه پاسداران حدود ۳۵۰،۰۰۰ نفر، ۲۵،۰۰۰ نفر با سازمان مستقل از طرف پشتیبانی جنگ افزار سنگین وابسته به ارتش</p>	استعداد نیروی انسانی

نیروی دریایی

تعداد		مشخصات
عراق	ایران	
یک فروند فریگیت، ۵۰ فروند اوزا	۲۰,۰۰۰ نفر شامل تفنگداران دریایی	استعداد نیروی دریایی
۵ فروند قایق گشتی بزرگ	۳ فروند	ناوشکن
۱۲ فروند که ۷ فروند آن را از دست داده است	۴ موشک زمین به هوای اسکات	رزمناو
۱۰ فروند قایق ساحلی ۵ فروند مین جمع‌کن	۴ فروند با موشک زمین به زمین ۱×۵ سیگلیر و ۱×۳ اسکافت (احتمالاً غیرعملیاتی)	سام فرنگیت
۴ فروند قایق پیاده کردن نیرو، یک دستگاه آن را از دست داده	۲ فروند PF-۱۰۳ آمریکا	کوروت
یک فروند تدارکاتی	۱۰ فروند با ۷ موشک زمین به زمین هاربون (احتمالاً ۶ فروند عملیاتی)	کامان
سفارش داده شده ۴ فروند، لوپوو ۶ فروند کوروت ایتالیایی	۷ فروند	قایق بزرگ گشتی
	۳ فروند و ۲ فروند مین جمع‌کن	قایق کرانه‌ای
	۲ فروند و یک فروند آمریکایی	هواناو و کشتی پیاده کردن نیرو
	۲ فروند	کشتی تدارکاتی
	۳ گردان	گردان تفنگدار دریایی
	یک کشتی سوخت‌رسانی	سفارش شده

تعداد		مشخصات
عراق	ایران	
	۲ فروند هواپیمای جنگی، ۱۲ بالگرد رزمی، یک اسکادران دریایی با ۲ فروند اورویون، یک اسکادران بالگرد با ۱۰ فروند ۳۵، یک اسکادران بالگرد با ۲ فروند بالگرد ۵۳، یک اسکادران ترابری با ۴ فروند کامندر و ۴ فروند ۲۷ و یک فروند میستر ۲۰ و ۷ فروند ۲۱۲	هوادریا شامل

نیروی هوایی

تعداد		مشخصات
عراق	ایران	
۳۸,۰۰۰ شامل ۱۰,۰۰۰ دفاع هوایی ۵۸۰ فروند هواپیمای حاضر به کار و ۱۵۰ فروند بالگرد	۳۵,۰۰۰ نفر و احتمالاً ۹۵ فروند هواپیمای حاضر به کار جنگنده	استعداد نیروی انسانی
بالگرد رزمی ۲ اسکادران بمباران با ۱۵ فروند توپولوف	۵۳ فروند در ۴ اسکادران F E-۴۵	تجهیزات عمده
۱۴ اسکادران جنگنده شامل ۱۰۰ فروند میگ ۲۳، ۹۵ فروند سوخوی ۷، ۸۰ فروند سوخوی ۲۰، ۱۲ فروند هانتز، ۵ فروند سوپراتاندارد، ۵ اسکادران رهگیر	۵۰ فروند در ۴ اسکادران F EF-۵ A-۱۴ F-۱۰ فروند E-۴ RF-۳ فروند	
شامل ۲۵ میگ ۲۵، ۲۵ میگ ۴۰ ۱۹,۱۵۰ میگ ۲۱، ۴۵ میز، یک اسکادران شناسایی با ۵ میگ ۲۵	H-۱۳۰ C-۲۸ فروند تانکر سوخت در ۵ گردان بوئینگ ۷۰۷، ۱۳ فروند بوئینگ ۷۴۷، ۷ فروند	

تعداد		مشخصات
عراق	ایران	
		F-۲۷، ۱۰ فروند
		آر و کاماندر ۳ فروند
۲ اسکادران ترابری با ۱۰ فروند،		فالکون ۴، ۲۰، ۴ فروند
۱۰ فروند ۱۲، ۸ فروند ۲۴، ۸		بالگرد، ۱۰ فروند
فروند ۲۶، ۹ فروند املیوستن		بالگرد ۲۰۶، ۱۰ فروند
۲، ۷۶، ۱۳، ۱۲۴، ۱۳		بالگرد ۲۱۲، ۵ فروند
فروند املیوستن ۱۴، یک فروند		بالگرد ۲۱۴ بل ۳۹ فروند
هرون، ۱۱ اسکادران بالگرد، ۳۵		بالگرد شنوک ۱۰ فروند
فروند ۴ MI-، ۱۵ فروند ۵ MI-،		هواپیمای آموزشی ۶ فروند
۱۵۰ فروند ۸ MI-، ۴۰ فروند		گردان موشکی راپیر ۲۵ واحد
۲۴ MI-، ۴۰ فروند الیوت ۳،		انواع موشک هوا به هوا
۱۱ فروند سوپر فریلون، ۵۰		فونکس، نامشخص
فروند غزال، ۱۳ فروند ؟؟، ۳۰		
فروند ۱۰۵، ۷ فروند وسکس		
توضیح: بیشتر بالگردهای رزمی		
مجهز به موشک ضد تانک		
هستند، هواپیماهای آموزشی		
شامل انواع مختلف هواپیماها،		
۲۱۶ فروند، موشک‌های هوا به		سایدویندر، اسپارو، انواع
هوا شامل انواع مختلف		موشک هوا به زمین AS-
موشک‌های هوا به زمین شامل		۱۲ و ماوریک، نامشخص
۳۶۰ آتشبار سفارش شده حدود		
۱۰۰ فروند میگ ۳۹		

فصل دوم

تجاوزات مرزی ارتش عراق در جبهه غرب

مقدمه

در فصل گذشته بیان شد که مقدمات جنگ تحمیلی از آغاز پیروزی انقلاب اسلامی ایران آغاز شد و چگونگی روند سیاست خارجی و داخلی که منجر به جنگ تحمیلی شد بیان گردید. در این فصل جریان نظامی حوادث و برخوردهای مرزی را که از اوایل سال ۱۳۵۸ در مرز ایران و عراق جریان پیدا کرد و سرانجام در ۳۱ شهریور ماه ۱۳۵۹ به جنگ همه جانبه ایران و عراق انجامید، بررسی می‌کنیم.

قبل از تشریح جزییات حوادث و برخوردهای مرزی به منظور پی بردن به اهمیت این حوادث و تأثیر آنها در ایجاد جنگ تحمیلی، لازم به یادآوری است که در مدت هجده ماه قبل از آغاز جنگ، ارتش متجاوز عراق ۶۳۷ بار در مرز بین دو کشور به قلمرو زمینی، دریایی و هوایی ایران تجاوز کرد که از این تعداد ۸۴ فقره تجاوزات مرزی، در سال ۱۳۵۸ و بقیه، یعنی ۵۵۴ فقره، در شش ماهه اول سال ۱۳۵۹ انجام گرفت. از ۸۴ فقره تجاوز در سال ۱۳۵۸ تعداد ۳۹ بار هوایی، ۳ بار دریایی و ۴۲ بار زمینی بود. این تجاوزات مرزی در تمام طول مرز ۱۳۵۲ کیلومتری بین دو کشور و در نقاط مختلف اجرا شد. نظر به اینکه به دلیل وضعیت طبیعی منطقه مرزی ایران و عراق دو قسمت کاملاً متمایز در مرز وجود دارد که در یک منطقه کوهستانی و صعب‌العبور در غرب از مهران تا دالامپر داغ - مرز مشترک بین سه کشور ایران، عراق و ترکیه - و منطقه دیگر در جنوب از مهران تا شلمچه - در غرب خرمشهر - و کرانه شمالی اروندرود منطقه‌ای باز و در قسمت‌های جنوبی کاملاً مسطح است. لذا به منظور تسهیل بررسی و تفکیک نسبی، حوادث مرزی ایران و عراق با توجه به دو منطقه کلی یاد شده به منطقه غرب و جنوب تقسیم‌بندی شده است. ضمناً نظر به اینکه حوادث منطقه مرزی کردستان در غرب ارتباط مستقیمی با حوادث داخلی ایران و

عراق داشت، در این بررسی به آن منطقه کمتر اشاره شده است. ضمن اینکه برخوردهای مرزی در غرب غالباً در منطقه مرزی استان کرمانشاه و ایلام بوده و مرکز عمومی برخوردها در منطقه مرزی قصرشیرین و قسمتی از عراق قرار داشته است، در حالی که در منطقه مرزی جنوب این تجاوزات از دهلران تا دهانه فاو انجام گرفته است. نکته دیگری که باید درباره این تجاوزات و همچنین ادعاهای عراق درباره بیش از چهارصد بار تجاوز ایران به قلمرو آن کشور مورد توجه قرار گیرد، این است که قسمتی از این حوادث به طور ناخواسته و به دلیل بروز مسائل معمولی مرزی مانند تعقیب فراریان، قاچاقچیان، اشرار و ضدانقلابیون صورت می گرفته است و قصد تجاوز عمدی در میان نبوده است. شدت گرفتن تدریجی حوادث مرزی از آغاز تا جنگ تحمیلی به شرح زیر بوده است:

فروردین ماه ۱۳۵۸ تعداد ۳ نوبت

اردیبهشت ماه ۱۳۵۸ تعداد ۲ نوبت

خرداد ماه ۱۳۵۸ تعداد ۹ نوبت

تیر ماه ۱۳۵۸ تعداد ۷ نوبت

مرداد ماه ۱۳۵۸ فقط یک نوبت حمله هوایی در منطقه سوسنگرد

شهریور ماه ۱۳۵۸ تعداد ۳ نوبت در منطقه سوسنگرد

مهر ماه ۱۳۵۸ تعداد ۹ نوبت بیشتر در غرب

آبان ماه ۱۳۵۸ تعداد ۶ نوبت بیشتر در غرب

آذر ماه ۱۳۵۸ تعداد ۱۱ نوبت بیشتر در خوزستان

دی ماه ۱۳۵۸ تعداد ۸ نوبت بیشتر در خوزستان

بهمن ماه ۱۳۵۸ تعداد ۶ نوبت بیشتر در غرب

اسفند ماه ۱۳۵۸ تعداد ۱۹ نوبت در غرب و جنوب (آغاز شدت برخوردها)

خلاصه برخوردهای مرزی در شش ماه اول سال ۱۳۵۹ (جمع کل ۵۳۳ فقره)

فروردین ماه ۱۳۵۹ تعداد ۱۶ نوبت

اردیبهشت ماه ۱۳۵۹ تعداد ۳۹ نوبت

خرداد ماه ۱۳۵۹ تعداد ۸۷ نوبت

تیر ماه ۱۳۵۹ تعداد ۶۶ نوبت

مرداد ماه ۱۳۵۹ تعداد ۸۵ نوبت

شهریور ماه ۱۳۵۹ تعداد ۲۴۸ نوبت، که ۴۳ نوبت آن در نیمه اول شهریور ماه بود و در نیمه دوم شهریور ماه ۱۳۵۹ ارتش متجاوز عراق بیش از ۲۰۰ نوبت؛ یعنی به‌طور متوسط روزی بیش از ۱۳ نوبت نقاط مختلف مرزی ایران را مورد تجاوز قرار داده است. از تعداد کل تجاوزات مرزی عراق، ۱۳۰ فقره هوایی، ۱۷ نوبت دریایی و ۴۹۰ نوبت زمینی بوده است.^۱

در این بخش جریان برخوردهای مرزی در منطقه غرب با تکیه بر جنبه‌های نظامی آنها مورد بررسی قرار می‌گیرد و شرح جریان برخوردهای منطقه جنوب در بخش بعدی مورد بررسی قرار می‌گیرد. قبل از آغاز این بررسی‌ها لازم به یادآوری است که به‌منظور جلوگیری از طولانی شدن مطلب در این گفتار فقط آن قسمت از برخوردهای مرزی که حایز اهمیت فوق‌العاده‌ای بوده و در مدارک عملیاتی یگان‌های عمل‌کننده ثبت شده، بیان می‌شود. نکته دیگر اینکه در این بررسی‌ها، وضعیت عمومی نیروهای مسلح ایران و نقطه ضعف‌هایی که داشتند تا حدودی روشن می‌شود. موضوع سوم اینکه به‌دلیل عدم دسترسی به اسناد و مدارک سپاه پاسداران درباره عملیات، این عنصر مهم رزمنده و نهاد انقلابی، فقط به مطالبی که در اسناد و مدارک ارتش ثبت شده است، استناد شده است.

برخوردهای مرزی در غرب در سال ۱۳۵۸

گرچه طبق اسناد و مدارک در دسترس، نیروهای متجاوز عراق از اوایل سال ۱۳۵۸، یعنی فقط دو ماه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، تحریکات و تجاوزات مرزی در غرب و جنوب را آغاز کردند، ولی تلاش عمده نیروهای عراق در منطقه غرب برای اشغال تعدادی از پاسگاه‌های مرزی ایران به‌ویژه در سه منطقه زینل‌کش (زین‌القوس)، سیف‌سعد و میمک بود که حکومت عراق ادعاهای مرزی ویژه‌ای در آن نقاط داشت و در ارائه بهانه‌های خود برای موجه جلوه دادن تجاوزاتش به ملت عراق و ملل عرب و سرانجام به مجامع بین‌المللی

^۱. کتاب تحلیلی بر جنگ تحمیلی عراق علیه ایران از انتشارات وزارت خارجه (در سال ۶۷) و مؤلف آن اداره حقوقی وزارت خارجه است.

ادعاهای مرزی خود در این منطقه یاد شده را که به نظر حکومت عراق در پیاده کردن قرارداد الجزایر به آن کشور تعلق گرفته است، مطرح کرد.

در مطالب گذشته گفتیم که در آخرین لحظات پایان غائله مرزی ایران و عراق نمایندگان عراق به ناگهان لزوم تجدید نظر در محل ۲۱ میله مرزی در غرب را مطرح کردند و جلسه کمیسیون مشترک را به بهانه مشخص شدن محل دقیق این ۲۱ میله مرزی ترک کردند. از آغاز سال ۱۳۵۸ که حکومت عراق زمینه ضربه زدن به حکومت جدید ایران را فراهم می‌کرد، برای توجیه اقدامات نظامی خود در مناطق مرزی همین موضوع ۲۱ میله مرزی را مطرح ساخت و ارتش عراق را برای تصرف مناطق مورد اختلاف و مورد ادعا که حدود سیصد کیلومتر مربع است، به مرز ایران گسیل داشت در صورتی که همان‌گونه که در صفحات گذشته بیان شد، به اعتراف خود مقامات عراقی مسئله مورد اختلاف خیلی عمیق‌تر از سیصد کیلومتر مربع تپه ماهور بود. به هر حال تحرکات اولیه مرزی از همین نقاط آغاز شد و برای نمایش قدرت ارتش عراق در تمام طول مرز بین دو کشور توسعه یافت و این حوادث از زمانی آغاز شد که نیروهای مسلح ایران از جمله ژاندارمری و واحدهای مرزی در ضعیف‌ترین حد توانایی‌ها رزمی خود بودند. لازم به یادآوری است که در جریان انقلاب ایران، نیروهای انتظامی، یعنی ژاندارمری و شهربانی، به طور نسبی بیشتر از واحدهای ارتش آسیب دیدند. بیشتر کلانتری‌ها و قرارگاه‌های ژاندارمری به اشغال انقلابیون درآمد و سلاح و تجهیزات آنها به دست آنها افتاد و نظر به اینکه افراد این سازمان‌ها بنا به وظائف شغلی با مردم سر و کار داشتند و در این رابطه طبعاً برخوردی بین این افراد با بعضی از مردم به وجود می‌آمد، بعد از پیروزی انقلاب افراد این سازمان‌ها در موضع بسیار ضعیفی قرار گرفتند. لذا افراد پاسگاه‌های مرزی ایران که از باقی مانده این افراد تشکیل می‌شدند، عملاً توان رزمی خود را به دلیل روانی و از دست دادن سلاح و تجهیزات از دست داده بودند. این ضعف به قدری شدید بود که از همان آغاز تجاوزها و تهدیدهای مرزی عراق، در حراست از مرزها نمایان شد و به دستور دولت انقلابی، افراد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و بعدها یگان‌های ارتش برای نگهبانی و نگهداری مرزها اعزام شدند.

اولین تهدید قابل ملاحظه نیروهای عراق در منطقه مرزی در ۱۹ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸ به وسیله عوامل اطلاعاتی ایران گزارش شد.^۱ گرچه در فروردین ماه نیز سه فقره تجاوز مرزی گزارش شده بود، ولی دو فقره آن پرواز هواپیماهای عراقی در حوالی مرز و یک فقره نیز تحرکات نیروهای زمینی آن کشور بود و حالت شناسایی داشت. اما در ۱۹ اردیبهشت، فرماندار ایلام به مقامات مسئول ایران اطلاع داد که ارتش عراق در منطقه مهران اقدام به حمله کرده است. لازم به یادآوری است که منطقه مرزی غرب سد کنجان چم در شمال غربی ایران از جمله نقاطی بود که در طول دهها سال مورد برخورد نیروهای ایرانی و عراقی بود و ما در مطالب گذشته به آن اشاره کردیم و جریان زد و خورد تپه ۳۴۳ در سال ۱۳۵۲ را شرح دادیم. لذا ملاحظه می‌شود در این دوره از تاریخ نیز تحریکات از همان نقطه آغاز شد. گزارش فرماندار ایلام از طریق سلسله مراتب مقامات کشوری به ستاد مشترک و نیروی زمینی ابلاغ شد. نیروی زمینی در همان روز به لشکر ۸۱ زرهی دستور داد وضعیت منطقه و چگونگی تجاوز عراق را بررسی کند^۲ و نتیجه را گزارش دهد. ملاحظه می‌شود که از همان آغاز بحران این مسئولیت ژاندارمری به ارتش محول شد، زیرا ژاندارمری توانایی خود را از دست داده بود. در همان روز ۱۹ اردیبهشت گزارش دیگری از نا امنی منطقه قصرشیرین رسیده بود مبنی بر اینکه قریب چهارصد نفر از اشرار مسلح جاده‌های مواصاتی قصرشیرین را در کنترل خود گرفته و رفت و آمد در این محورها را مختل کرده‌اند و ژاندارمری قصرشیرین درخواست سه دستگاه نفربر و یک فروند بالگرد و دویست نفر افراد نظامی برای برقراری امنیت راه‌ها کرده بود، اما در ماه‌های اول بعد از پیروزی انقلاب آمادگی رزمی واحدهای ارتش نیز چندان قابل ملاحظه نبود و همان‌گونه که در مطالب گذشته بیان شد واحدهای ارتش از نظر روانی در موقعیت مناسبی قرار نداشتند، ولی تا حدودی تشکل سازمانی واحدهای ارتش حفظ شده بود و با تقویت روحیه، امکان بالا بردن کارایی آنها وجود داشت.

با توجه به وضعیت ژاندارمری و ضعف روانی افراد ارتش در این موقعیت بحرانی، مؤثرترین نیروی مسلح که می‌توانست تا حدودی خلأ توان رزمی مورد نیاز را پرکند، سپاه

^۱. کتاب اسناد جمع‌آوری شده نزاجا در منطقه غرب (ص ۱)

^۲. همان مدرک.

پاسداران انقلاب اسلامی ایران بود که از افراد داوطلب مؤمن به هدف‌های انقلاب تشکیل شده بود. لذا از همان آغاز ایجاد تهدید برای قلمرو کشور ایران، افراد این نیرو وارد عمل شدند و در ۲۰ اردیبهشت ماه، یعنی یک روز بعد از آگاهی از احتمال تهدید عراق، تعدادی از افراد سپاه پاسداران به منطقه استحقاظی لشکر ۸۱ زرهی اعزام شدند.^۱ نیروی زمینی به لشکر ۸۱ زرهی دستور داد آن عده را در سربازخانه سرپل ذهاب و اسلام‌آباد مستقر و تسهیلات زیست و تغذیه برای آنان فراهم کنند. از همین زمان همکاری سپاه پاسداران و ارتش جمهوری اسلامی ایران برای انجام وظایف مکتبی و میهنی در مقابل تهدیدها و تجاوزات حکومت عراق آغاز شد. در اجرای این امر تعداد پنجاه نفر از پاسداران کرمانشاه در پادگان سرپل ذهاب و پنجاه نفر در پادگان اسلام‌آباد مستقر شدند تا با ژاندارمری قصرشیرین در تأمین راه‌ها همکاری کنند و به لشکر ۸۱ زرهی ابلاغ شد، چهل نفر دیگر از پاسداران تهران نیز در اسرع وقت اعزام خواهند شد. راهنمایی که برای مأموریت این پاسداران شده بود، این بود که آنها در هنگام گشت افراد ژاندارمری در مناطق ناامن، همراه افراد ژاندارم خواهند بود.

وضعیت دفاعی کشور در ماه‌های اول انقلاب آشفتگی زیادی پیدا کرده بود. درست است که به دلیل آثار انقلاب تعداد معدودی از افراد ارتش و ژاندارمری برکنار شده بودند و به دلیل ترخیص ناگهانی قریب پنجاه درصد افراد وظیفه زیر پرچم، استعداد نیروی انسانی واحدهای ارتش و ژاندارمری به حدود پنجاه درصد تقلیل یافته بود، ولی به هر حال حداقل باقیمانده افراد ارتش و ژاندارمری که پنجاه درصد دوم بودند، در خدمت ارتش و ژاندارمری بودند، اما بر این عده نیز ضعف‌های روانی چیره شده بود و این آشفتگی حتی به ستادهای رده بالاتر نیز کشیده شده بود؛ چنان که درباره اعزام ۱۴۰ نفر پاسدار انقلاب به منطقه لشکر ۸۱ نیروی زمینی در ۲۰ اردیبهشت ماه دستور همکاری و پشتیبانی لازم را به لشکر داده بود، ولی در ۲۳ اردیبهشت، یعنی سه روز بعد ستاد مشترک طی نامه‌ای به نیروی زمینی نوشته بود که طبق اطلاع از نخست‌وزیری این تعداد از پاسداران به منطقه کرمانشاه اعزام شده‌اند. در این نامه ستاد مشترک به نیروی زمینی دستور همکاری و

پشتیبانی از افراد سپاه داده شده بود.^۱ گرچه در شروع اختلافات مرزی افراد پاسدار و ژاندارم مأموریت گشت‌زنی و تأمین را به عهده گرفتند، ولی وسایل و تجهیزات و تعدادی از افراد لشکر نیز از همان آغاز با این مأموریت درگیر شدند. چنان که در ۲۶ اردیبهشت ماه لشکر ۸۱ زرهی به نیروی زمینی گزارش داد از ۱۵ اردیبهشت ماه دو دستگاه نفربر زرهی را برای گشت‌زنی و تأمین در اختیار ژاندارمری قرار داده است.

مسئله ناامنی منطقه، یک امر داخلی بود و طبق بررسی‌های اداره دوم که طی گردش کار مورخه ۲۸ اردیبهشت ماه تهیه شده بود، این ناامنی به وسیله افراد ایل قلخانی در حوالی گردنه پاتاق (بین کرمانشاه و قصرشیرین) ایجاد شده بود و ارتباط مستقیمی با مسائل مرزی نداشت^۲، ولی به هر حال سبب درگیر شدن نیروهای نظامی، انتظامی و سپاه پاسداران در منطقه قصرشیرین و سرپل‌ذهاب شد و ادامه این ناامنی داخلی به مسائل مرزی با عراق ارتباط پیدا کرد. ولی تجاوزات مرزی عراق در فروردین و اردیبهشت ماه ۱۳۵۸ از حالت شناسایی فراتر رفت.

در خرداد ماه ۱۳۵۸ که نیروهای متجاوز عراق هشت نوبت در نقاط مرزی اقدام به تجاوز زمینی و هوایی کردند، در منطقه جنوب و یا کردستان بود و در منطقه کرمانشاه و ایلام که مورد بررسی این بخش است، تجاوزی گزارش نشد. اما ناامنی این منطقه به وسیله ایل قلخانی هر روز شدت بیشتری پیدا می‌کرد و نیروهای مسلح ایران را بیشتر درگیر می‌کرد و نظر به اینکه این عملیات در شرایط بسیار نامساعد نیروهای مسلح ایران جریان داشت مشکلاتی برای سازمان‌ها و دولت به وجود می‌آورد و کمبودها آثار نامطلوبی در هرگونه اقدامات می‌گذاشت و سبب بروز اختلافات بین عناصر نیروهای مسلح می‌شد. گله، شکایت‌ها و گاهی اتهام‌ها به وجود می‌آورد؛ چنان که کمتر از پانزده روز بعد از اعزام افراد سپاه پاسداران به منطقه و تشکیل گروه همکاری مشترک ارتش، سپاه و ژاندارمری در تاریخ هفتم خرداد ماه، نیروی زمینی به لشکر ۸۱ اطلاع داد که سرپرست پاسداران اعزامی، از نارسایی همکاری‌ها به مقامات کشوری گله کرده است. متن نامه نیروی زمینی به لشکر ۸۱ چنین است:

^۱. همان مدرک (ص ۲)

^۲. همان مدرک (ص ۳)

«برابر اظهارات آقای ختایی، عضو سپاه پاسداران، لشکر ۸۱ زرهی با پاسداران انقلاب آن شهرستان همکاری لازم به عمل نمی‌آورد. دستور فرمایید با توجه به رمزهای پیروی تسهیلات لازم را از نظر اسلحه، تجهیزات و خودرو برای پاسداران مزبور فراهم آورند.»^۱

درباره این پیام که سرآغاز نحوه پشتیبانی ارتش از سپاه پاسداران شد، لازم است به یکی از مسائل بسیار مهم درباره چگونگی تجهیز سپاه پاسداران در سال‌های قبل از جنگ اشاره شود.

نحوه تشکیل و مجهز کردن سپاه پاسداران

اصولاً سپاه پاسداران نهادی خودجوش از انقلاب اسلامی بود که برای تشکیل آن طرح، سازمان، تجهیزات و مأموریت ویژه‌ای قبلاً پیش‌بینی نشده بود و بعد از پیروزی انقلاب و به‌ویژه بعد از بروز عملیات ضدانقلاب در کردستان، این نهاد انقلابی شکل گرفت. البته شاید در برنامه کلی رهبران انقلاب چنین نهادی پیش‌بینی شده بود، ولی به دلیل عدم دسترسی به اسناد و مدارک، چگونگی مقدمات تشکیل این نهاد انقلابی برای ما روشن نیست. اما آنچه مسلم است این نهاد انقلابی در بدو تأسیس، سلاح و تجهیزات نداشت. در دوران انقلاب با اشغال کلانتری‌ها و پاسگاه‌های ژاندارمری و بعضی از پادگان‌های نظامی تهران تعدادی سلاح و مهمات به دست انقلابیون افتاد که قسمتی از آنها در دست گروه‌های چپ‌گرا و قسمتی هم در دست طرفداران حکومت اسلامی بود. آن قسمت از سلاح و تجهیزات که به دست طرفداران حکومت اسلامی افتاد، مبنای تجهیز افراد کمیته‌های انقلاب و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شد. اما آن قسمت که به دست گروه‌های چپ‌گرا افتاد، علیه حکومت جمهوری اسلامی ایران به کار گرفته شد.

چندین روز بعد از پیروزی انقلاب از طرف دولت موقت و بنا به دستور مقام رهبری انقلاب به تمام افراد ملت اعلام شد هرکسی سلاح و مهمات و تجهیزات نظامی به دست آورده، فوراً به نزدیک‌ترین کمیته تحویل دهد. در اجرای این دستور تعدادی از افراد سلاح، مهمات و تجهیزات به غنیمت گرفته از ارتش، شهربانی و ژاندارمری را به مقامات تعیین شده به وسیله دولت موقت تحویل دادند و همین مقدار سلاح و تجهیزات برای مسلح کردن

^۱. همان مدرک (ص ۶)

افراد کمیته‌ها و سپاه پاسداران به کار گرفته شد. تعداد این جنگ‌افزارها که عمدتاً جنگ‌افزار سبک مانند تفنگ، کلت و سایر سلاح‌های کمری بودند، چندان مشخص نشد. در آن موقع از واحدهای نیروی زمینی خواسته شد آمار سلاح، مهمات و تجهیزات از دست داده را به نیروی زمینی گزارش کنند، ولی به دلیل به هم ریختگی سازمان واحدها، گزارش این آمار در سال اول انقلاب میسر نشد؛ اما برآورد شد که قریب ۹۰ هزار قبضه اسلحه به دست مردم افتاده است. حتی دو دستگاه تانک یکی از واحدهای لشکر قزوین که مأمور فرماندار نظامی تهران بود، مدتی مفقودالایر بود و بعداً گویا در حومه شمال شرقی تهران پیدا شد. حداقل اطلاع ما از سلاح و تجهیزات به یغما رفته، سلاح و تجهیزات واحدهای مستقر در تهران شامل لشکر پیاده گارد و واحدهای دیگر و یک تیپ از لشکر کرمانشاه بود. ضمن اینکه سلاح و تجهیزات تیپ پیاده مهاباد نیز در اشغال آن پادگان در ۵۸/۱۲/۱ به وسیله شورشیان کرد چپ‌گرا به دست آنان افتاد، ولی در پادگان‌های نظامی دیگر وضعیت این چنین شدید نبود. مثلاً از لشکر اهواز فقط سلاح سبک یک گروهان پیاده که حدود ۱۲۰ قبضه تفنگ بود به دست انقلابیون افتاد. همان‌گونه که اشاره شد تعدادی از این وسایل نظامی به مقامات مسئول انقلاب برگردانده شد، ولی می‌توان گفت بیش از نصف آن وسایل برگشت داده نشد؛ زیرا گروه‌های چپ‌گرا که اساساً به قصد به دست آوردن وسایل و تجهیزات نظامی به پادگان‌ها، کلانتری‌ها و واحدهای ژاندارمری حمله کرده بودند، بیشترین وسایل و تجهیزات را به غنیمت بردند و بعد از اعلامیه دولت، حاضر به برگرداندن آن وسایل به مقامات مسئول دولت موقت نشدند. درباره اجرای دستور دولت به وسیله افراد مؤمن خاطره‌ای نقل می‌شود که می‌تواند نمونه چگونگی این وضعیت باشد.

«در آن روزها من سرپرست تیپ زرهی دشت آزادگان بودم. در اوایل اسفند ماه که بنا به دستور رهبر کبیر انقلاب سربازان به سربازخانه برمی‌گشتند، شبی سربازی به در خانه من آمد. از او علت مراجعه را پرسیدم. گفت، رازی دارم که فقط به شما می‌توانم بگویم، چون همه افراد تیپ به شما اعتماد دارند و از من خواست این راز را پیش افراد تیپ فاش نکنم. من هم این قول را به او دادم. او گفت من اهل یزد هستم، هنگام ترک سربازخانه دیدم در اسلحه‌خانه گروهان باز است. من هم یک قبضه کلت با سه خشاب - ۲۱ تیر- از اسلحه‌خانه برداشتم. کسی متوجه نشد و با اسلحه به یزد رفتم. پدرم متوجه اسلحه شد و

گفت این اسلحه دیگر مال دولت اسلامی است. بیت‌المال است و استفاده غیرمجاز از آن گناه بزرگی است، باید حتماً آن را به پادگان ببری و تحویل بدهی و گرنه من هرگز از تو راضی نخواهم شد. سرباز اضافه کرد من در اجرای دستور پدرم این کار را کرده‌ام. پرسیدم اسلحه کجاست؟ گفت با خودم آورده‌ام و دستمالی که در دستش بود باز کرد. اسلحه را به من داد و از من خواهش کرد رسید آن را بدهم تا برای پدرش بفرستد، من هم همین کار را کردم و فردای آن روز این اسلحه را به گروهان مربوطه تحویل دادم و کسی متوجه نشد چه کسی آن را به من داده است.

این روش به‌وسیلهٔ افراد مؤمن به انقلاب اسلامی اجرا شد و مقداری وسایل و تجهیزات نظامی برای تجهیز افراد کمیته‌ها و سپاه پاسداران فراهم شد، اما به مرور که نیاز حفاظت از انقلاب اسلامی به‌وسیلهٔ نهادهای انتظامی انقلاب به‌ویژه سپاه پاسداران بیشتر احساس شد و سپاه پاسداران تعداد بیشتری از افراد انقلابی را جذب کرد، آن مقدار وسایل و تجهیزات نظامی که از آن یاد شد برای مأموریت افراد سپاه به‌هیچ وجه کافی نبود و شاید تنها بخشی از نیازهای کمیته‌های انقلاب اسلامی را پاسخگو بود. لذا برای تجهیز افراد سپاه پاسداران الزاماً باید از منبعی وسایل و تجهیزات نظامی فراهم می‌شد و برای این منظور تنها منبع در دسترس نیروی زمینی بود. اما نیروی زمینی فقط به تعداد افراد سازمانی خود سلاح و تجهیزات داشت که در جریان انقلاب قسمتی از آنها هم از دست نیروی زمینی خارج شده بود؛ چنان‌که وقتی در ۲۴ مرداد ماه جریان حمله آشوبگران به پناه پیش آمد و امام فرمان دادند ارتش با حداکثر توان خود برای رفع غائله اقدام کند. از جمله واحدهایی که برای این منظور در نظر گرفته شد، واحدهای لشکر پیاده تهران بود ولی این لشکر برای اعزام واحد به کردستان با کمبود فوق‌العاده سلاح و تجهیزات مواجه بود و با تلاش بسیار، نیروی زمینی موفق شد سلاح و تجهیزات واحدهای اعزامی را که چندان زیاد هم نبودند، تأمین کند. در این شرایط، واگذاری قسمتی از تجهیزات و جنگ‌افزار واحدهای نیروی زمینی به یک سازمان دیگر طبعاً امکانات و توان رزمی این واحدها را بیش از پیش تقلیل می‌داد و همین‌طور هم شد و آثار آن در آغاز جنگ تحمیلی نمایان شد که یکی از علل پایین بودن سطح آمادگی رزمی واحدهای نیروی زمینی در مقابله با نیروهای مهاجم عراقی شد.

به‌هرحال در آن شرایط حساس اوایل پیروزی انقلاب، مسئولان سیاسی و نظامی مجبور بودند با استفاده از هرگونه امکانات موجود، نیروهایی را برای مقابله با اشرا، یاغیان، ضدانقلابیون و سرانجام مهم‌تر از همه تهدیدهای جدی حکومت عراق، بسیج کنند. در آن زمان به‌دلیل آسیب دیدن و تضعیف سامانه فرماندهی و نظارت در ارتش، ضعف روانی افراد ارتش و ژاندارمری، درگیری یکان‌های ارتش مثل لشکر ۶۴، ۲۸ ... در کردستان، آذربایجان غربی اتکای حکومت مرکزی به سپاه پاسداران انقلاب به‌عنوان نیروی کارآمد می‌توانست باشد، اما آنها فقط نیروی انسانی بودند و سلاح، تجهیزات و مهمات نظامی نداشتند، لذا الزاماً باید وسایل رزمی این افراد فداکار و مؤمن که داوطلبانه آماده حراست از دستاوردهای انقلاب شده بودند، فراهم می‌شد. همان‌گونه که بیان شد، این منبع پشتیبانی در آن موقع فقط نیروی زمینی می‌توانست باشد، ولی این امر از لحاظ قوانین و مقررات عمومی دولتی مستلزم صدور دستور از طرف مقامات مسئول و رهبری انقلاب بود. از طرفی نظر به اینکه در ماه‌های اول بعد از پیروزی انقلاب برقراری امنیت داخلی در قدم اول مطرح بود و این مأموریت از وظایف شهربانی و ژاندارمری است، لذا پشتیبانی سپاه پاسداران باید به‌وسیله شهربانی و ژاندارمری به عمل می‌آمد، ولی آنها حتی برای اجرای مأموریت خود امکانات نداشتند و برای حل این مشکل تدابیری اتخاذ شد که ارتش نیازمندی‌های شهربانی و ژاندارمری را تأمین کند و اگر پشتیبانی سپاه پاسداران هم ضروری باشد از طریق شهربانی و ژاندارمری درخواست، دریافت و تحویل شود. برای حل این مشکل در ۸ خرداد ماه ۱۳۵۸ دستور زیر به لشکر ۸۱ ابلاغ شد که مبنای روش پشتیبانی ارتش از واحدهای پشتیبانی شد.

از نیروی زمینی به لشکر ۸۱:

«در اجرای فرمان رهبر انقلاب و امر تیمسار ریاست ستاد کل ارتش جمهوری

اسلامی ایران دستور فرمایید:

۱. برای حفظ نظم در شهرها و خارج شهرها بنا به درخواست شهربانی‌ها و ژاندارمری‌ها، وسایل، تجهیزات و جنگ‌افزار در حد مقدرات در اختیار مقامات درخواست کننده قرار دهند.

۲. با هماهنگی استاندار و فرماندهان نواحی ژاندارمری و رئیس شهربانی، نواحی ژاندارمری و شهربانی‌ها را به‌وسیله کارکنان با استعداد مناسب که تشخیص آن با فرماندهان لشکرها است، پشتیبانی کنید.

۳. تقدم پشتیبانی با ژاندارمری است.

۴. پاسداران انقلاب را از لحاظ زیست، تغذیه، وسایل کمک آموزشی و مربیان آموزش در حد مقدمات پشتیبانی کنید.

۵. هر نوع نیاز اضافی که فرماندهان ژاندارمری و یا رؤسای شهربانی دارند، گزارش کنید.

۶. نواحی ژاندارمری و شهربانی را از نظر اطلاعات پشتیبانی کنید (مبادله اطلاعات بین یگان‌های تابعه نیروی زمینی و ژاندارمری و شهربانی الزامی است).^۱

این دستور بر مبنای همکاری مشترک نیروی زمینی با نیروهای انتظامی و سپاه پاسداران برای برقراری امنیت داخلی و مقابله با برخوردهای احتمالی مرزی با نیروهای عراقی شد، ولی در عمل اجرای آن با مشکلاتی مواجه شد که حداقل تا پایان سال اول جنگ تحمیلی ادامه داشت که ما در شرح جریان حوادث در فرصت‌های مناسب، شمه‌ای از این مشکلات را بیان خواهیم کرد تا چگونگی وضعیت توان رزمی نیروهای مسلح ایران در مقابل نیروهای مجهز و سازمان یافته عراق مشخص شود. یک نمونه آن در همان روزهای اول همکاری، یعنی در ۱۴ اردیبهشت ماه رخ داد که یک دستگاه تریلر در جاده قصرشیرین با تعدادی گوسفند برخورد کرد. موضوع منجر به قطع رفت و آمد شد و پلیس راه ژاندارمری موفق نشد غائله را ختم کند و از طریق ژاندارمری کرمانشاه از افسر مسئول پلیس راه قصرشیرین توضیح خواسته شد. او در پاسخ گفت که افراد منافق (مجاهدین) مانع انجام وظیفه او شده‌اند. هنگامی که افسر پلیس راه دلیل این دخالت را از افراد مجاهدین (که حدود هفت نفر بودند) سؤال کرد، آنها به افسر پلیس راه پرخاش کرده و به طرف فرمانده ناحیه و پلیس راه تیراندازی کردند. بعد از بررسی معلوم شد که این گروه مجاهدین جزو عناصر ستوان یکم همتی، افسر نیروی زمینی بوده‌اند. از آقایان علمای محل درباره مأموریت افسر یاد شده سؤال شد ولی آنها از وجود چنین گروهی در محل اظهار

^۱. همان مدرک (ص ۶)

بی‌اطلاعی کردند. سرانجام ستوان یکم همتی در پاسگاه پلیس راه حاضر شد و با سرگرد کتیبه افسر نیروی زمینی تماس گرفت و به او ابلاغ شد چنانچه ژاندارمری به افراد او نیاز دارد، در محل باقی بماند. جریان این واقعه در ۸ خرداد ماه از طریق نیروی زمینی به لشکر ۸۱ ابلاغ شد و به لشکر دستور داده شد چگونگی موضوع را بررسی و نظر لشکر را گزارش کند.^۱

هر قدر زمان به جلوتر می‌رفت ناامنی در منطقه کرمانشاه گسترده‌تر می‌شد و احتمال دست داشتن رهبران ضدانقلاب مانند: پالیزبان و تعدادی از افسران فراری ارتش قوی‌تر و ضعف فوق‌العاده ژاندارمری نمایان‌تر می‌شد. نیروی زمینی برای هماهنگی فعالیت واحدهای مربوطه، یک فرماندهی عملیاتی منطقه در کرمانشاه تشکیل داد. این فرماندهی در ۹ خرداد گزارشی از وضعیت منطقه به نیروی زمینی فرستاد که بیانگر ناامنی منطقه و ضعف عناصر ژاندارمری در برقراری امنیت بود و تصمیم گرفته شد از عناصر لشکر بیش از پیش استفاده شود. گرچه این حوادث به مسائل ناامنی داخلی برمی‌گردد، ولی نمایانگر وضعیت بحرانی منطقه عملیات مرزی و ضعف ژاندارمری در پاسگاه‌ها نیز است و به طور مستقیم با عدم آمادگی واحدهای مرزی در مقابله با تهدیدهای عراق ارتباط دارد که در بیان حوادث، آثار این عدم آمادگی مشخص خواهد شد. اولین اثر این وضعیت این است که از خرداد ماه ۱۳۵۸، یعنی ۱۶ ماه قبل از تهاجم عمومی ارتش متجاوز عراق به ایران، واحدهای از هم گسیخته نیروی زمینی درگیر مأموریت تأمین شدند و به‌صورت گروه و دسته در تمام نقاط منطقه استحفاظی تجزیه شدند و حالت آمادگی خود را برای رویارویی در یک نبرد منظم با ارتش عراق از دست دادند لذا به‌طور مستقیم سبب وسوسه شدن حکام عراق برای تجاوز به ایران شدند.

به نکته دیگری در مورد چگونگی وضعیت نیروهای مسلح ایران در خرداد ماه اشاره می‌کنیم.

همان‌گونه که بیان شد، در خرداد ماه ۱۳۵۸ وضعیت منطقه کرمانشاه از جمله پاره و نوسود ناامن شد و اطلاع رسید که احتمالاً عده‌ای در ۱۱ خرداد در شهر پاره تظاهرات مسلحانه خواهند کرد. از ستاد مشترک به نیروی زمینی اطلاع داده شد دوپست نفر از افراد

^۱. همان مدرک (ص ۹)

سپاه پاسداران از تهران و کرمانشاه به پاره اعزام شده‌اند و به ناحیه ژاندارمری دستور داده شده است حداکثر ۱۰/۰۰۰ (ده هزار) تیر فشنگ برنو (یعنی به هر نفر ۵۰ تیر) طی تنظیم صورت جلسه به سپاه پاسداران تحویل دهند و به نیروی زمینی دستور داده شده چنانچه ژاندارمری نتواند این مهمات را تحویل دهد، لشکر ۸۱ آن را تأمین کند.^۱

لازم به یادآوری است که در آن موقع اسلحه انفرادی واحدهای نیروی زمینی تفنگ ژ-۳ بود و تفنگ برنو از سازمان خارج شده بود، لذا اصولاً لشکر نمی‌توانست چنین مهماتی داشته باشد؛ ولی امکان وجود مقداری مهمات برنو در انبار مهمات پشتیبانی‌های منطقه بود. به هرحال این جانبازان انقلاب با این وضع مسلح شدند و متأسفانه هنگامی که حمله اشراک به شهر پاره عملی شد، استعداد رزمی آنان به قدری نبود که بتوانند اشراک را سرکوب سازند، لذا در شهر پاره محاصره شدند و تعدادی از آنان به فجیع‌ترین و وحشیانه‌ترین وضع به شهادت رسیدند. شرح این واقعه دردناک را شهید دکتر چمران در کتاب کردستان نوشته است که خود شاهد عینی آن حوادث بوده است.

نامنی داخلی منطقه کرمانشاه روز به روز شدیدتر می‌شد و با ضعفی که در ژاندارمری وجود داشت، الزاماً لشکر از ۱۱ خرداد مستقیماً وارد عمل شد و طبق گزارشی که در ۱۱ خرداد ماه لشکر ۸۱ به نیروی زمینی کرد، دو گروه ضربت هر یک به استعداد پنجاه نفر از افراد داوطلب تیپ‌های اسلام‌آباد و سرپل‌ذهاب تشکیل و برای تقویت همکاری با عناصر مسئول ژاندارمری منطقه و پاسداران انقلاب اعزام کرد، ولی سیر حوادث به نحوی رو به وخامت بود که هر روز لزوم وارد عمل شدن عناصر نیروی زمینی بیشتر می‌شد و مسئولان کشور انتظار داشتند نیروی زمینی با تمام امکانات خود مأموریت ژاندارمری را به عهده بگیرد. فرماندهی ژاندارمری نیز به مقامات سیاسی کشور فشار می‌آورد که برای برقراری امنیت داخلی از نیروی زمینی استفاده شود. چنان‌که ژاندارمری کشور در ۵ خرداد ماه گزارش گله‌آمیزی از عدم تقویت گروهان‌های ژاندارمری پاره و نوسود به ستاد مشترک داده بود و ستاد مشترک نیز آن را به نیروی زمینی منعکس کرد و نیروی زمینی نیز در ۱۶ خرداد در این باره از لشکر ۸۱ زرهی چگونگی را سؤال کرد.

^۱. همان مدرک (ص ۱۰)

اما یک موضوع مهم هم درباره مقابله با آشوب‌های داخلی وجود داشت که سبب می‌شد فرماندهان نظامی و انتظامی از درگیری با مردم اکراه داشته باشند و آن پیامد قرار گرفتن ارتش و نیروهای انتظامی در مقابل مردم در جریان انقلاب بود که سبب مسئول شناخته شدن تعدادی از آنان و محاکمه و مجازات آنان شد. در همان هنگامی که حوادث ناامنی داخلی شدت یافت و به کار گرفتن واحدهای نظامی و انتظامی برای مقابله با آشوبگران و ضدانقلابیون الزامی شد، تعدادی از افسران، درجه داران ارتش و نیروهای انتظامی به جرم مقاومت در مقابل حرکت انقلابی مردم محاکمه و مجازات شدند. گرچه اصولاً یک قیام ملی و مردمی با حرکات براندازی عده‌ای شورشی قابل قیاس نیست، ولی به هرحال همزمان بودن این دو حالت در یک کشور آثار روانی فوق‌العاده‌ای در افراد نیروهای نظامی و انتظامی می‌گذارد و تا حدودی حداقل عده‌ای از آنان را که با یک روحیه بی‌طرفی از دستورات حکومت مرکزی اطاعت کرده‌اند بر سر دو راهی قرار می‌دهد. این وضع در آغاز اقدامات براندازی نیروهای شورشی کردستان وجود داشت و حتی دولت مرکزی نیز در ابتدا تلاش می‌کرد با مذاکرات سیاسی با رهبران شورشیان گرد و بدون توسل به قدرت نظامی به اختلافات داخلی این منطقه پایان دهد و این حالت را از اول اسفند ماه ۱۳۵۷ تا بیست و چهارم مرداد ماه ۱۳۵۸ - قریب ۷ ماه - تحمل کرد و همین حالت تردید و پرهیز از درگیری با شورشیان و ضدانقلاب در آن مناطق، قاطعیت و روحیه جنگیدن را در نیروهای نظامی به شدت کاهش می‌داد، سرانجام جریان پایه نشان داد که آشوبگران جز زبان اسلحه زبان دیگری را نمی‌فهمند.

وضعیت ناامنی منطقه پایه و نوسود به مرحله بحرانی نزدیک می‌شد و تأسیسات ژاندارمری مورد تهدید جدی قرار می‌گرفت. در بیستم خرداد ماه وزارت کشور دستوری به ژاندارمری داده است که می‌تواند نمایانگر شدت بحران باشد.

از : وزارت کشور

به : ت سرتیپ دانشور فرمانده ژاندارمری کل کشور

طبق گزارش استانداری کرمانشاهان اهالی نوسود قصد دارند مرزبانی، گروهان ژاندارمری و پاسگاه‌های آن منطقه را خلع سلاح و تصرف کنند. پیشنهاد شده است چریک‌های منطقه پادگان سراب نیلوفر را تخلیه و به‌جای آنان پاسداران انقلاب کرمانشاه جایگزین شوند و اضافه شده است با وضع فعلی کردستان ایران خدمت

جوانمردان گُرد اورامانی در پاسگاه‌ها و تأسیسات ژاندارمری مرزهای نوسود و اورامان خطرناک است و تقاضا شد به منظور بررسی و اتخاذ تصمیم لازم نسبت به موارد یادشده، شورای تأمین استان تشکیل شود. مراتب جهت هرگونه اقدام لازم اعلام می‌شود.

از طرف وزیر کشور طباطبایی

موضوع عدم امنیت منطقه کرمانشاه سبب نگرانی مقامات مسئول کشور شده بود که نمونه آن در پیام یاد شده ارائه شد که این نگرانی حتی برای تأمین داخلی پادگان‌های نظامی نیز به وجود آمده بود. چنان که در هفدهم خرداد ماه، نیروی زمینی به لشکر ۸۱ اعلام کرد که طبق نظریات ارائه شده به وسیله آیت‌الله خامنه‌ای از کمیته مرکزی امام، پادگان اباذر (سرپل ذهاب) در موضع ضعیفی قرار دارد و امکان تهاجم به آن پادگان و پادگان‌های فرعی آن منطقه وجود دارد.

لشکر در نوزدهم خرداد ماه در پاسخ این پیام به نیروی زمینی گزارش داد:

«به نظر لشکر، استعداد رزمی پادگان‌ها برای حفاظت از خود کافی است، ولی چنانچه به نظر ضعیف است، لشکر امکان تقویتی ندارد. دستور فرمایید از طریق کمیته و نیروی زمینی ترتیب لازم به عمل آید.»

سرپرست لشکر ۸۱ سرهنگ سهرابی

هر قدر وضعیت ناامنی داخلی شدیدتر می‌شد برخورد فرماندهان درباره مسئولیت نظامی و انتظامی نیز شدیدتر می‌شد و هر کدام دیگری را متهم به عدم احساس مسئولیت می‌کردند که نمونه آن خلاصه پیام زیر است.

در نوزدهم خرداد ماه نیروی زمینی به لشکر ۸۱ گزارش داد که ناحیه ژاندارمری عملاً ثابت کرده نه تنها قادر به برقراری امنیت در منطقه نیست بلکه عملاً در نتیجه سهل‌انگاری به وخامت اوضاع کمک می‌کند و حتی بعضی از افراد ژاندارمری با ضدانقلابیون همکاری می‌کنند و بعد از مطالبی پیشنهاد کرده است که مسئولیت ژاندارمری به سپاه پاسداران واگذار شود.^۱

^۱. کتاب اسناد جمع‌آوری شده نزاجا در منطقه غرب (ص ۱۴)

و اما به ترتیبی که اوضاع داخلی منطقه غرب ناامن تر می‌شد و واحدهای نظامی و انتظامی درگیر با آشوبگران داخلی می‌شدند، در جبهه سیاسی و نظامی خارجی این منطقه، یعنی عراق نیز اوضاع ناآرام تر می‌شد. نیروهای عراقی تجاوزات محدود مرزی را آغاز کرده بودند، ولی به دلیل درگیری ژاندارمری با مسائل داخلی، حتی گزارش‌های حوادث مرزی از طریق مقامات کشوری به مقامات مسئول دولت ایران گزارش می‌شد. روابط سیاسی بین ایران و عراق در اواسط خرداد ماه چنان بود که مسئله میانجیگری بین ایران و عراق در محافل بین‌المللی مطرح شد و با توجه به اینکه در آن زمان روابط سوریه هم با ایران و هم با عراق دوستانه بود، احتمال داده می‌شد حافظ اسد، رئیس جمهوری سوریه، بین دولت ایران و عراق میانجیگری کند. در هفدهم خرداد ماه در رسانه‌های گروهی ایران اعلام شد که هواپیماهای عراقی در چهار نوبت شش قریه ایران را مورد حمله قرار دادند و ششصد نفر از اهالی این روستاها را بی‌خانمان کردند.^۱

در بیست و سوم خرداد ماه، دولت عراق درباره تخلیه سه جزیره ابوموسی، تنب کوچک و بزرگ به ایران هشدار داد و اختلافات سیاسی بین دو کشور علنی شد و در بیست و ششم خرداد ماه نیز هواپیماهای عراقی در منطقه مرزی انجیره، نی‌خزر و هلاله به حریم هوایی ایران تجاوز کردند و گفته شد همزمان با تجاوز هوایی عراق، عناصر زمینی عراق نیز در مرز ایلام اقدام به تجاوز کرده‌اند، ولی چگونگی این حوادث در اسناد و مدارک عملیاتی لشکر ۸۱ و ژاندارمری کشور درج نشده است، زیرا آشفتگی‌ها به قدری زیاد بود که سامانه فرماندهی مختل شده بود و بیشتر گزارش‌ها مستقیماً به بالاترین مقامات ارسال می‌شد و فرماندهان پایین‌تر، به اصطلاح نظامی دور زده می‌شدند. البته به این نکته هم باید توجه داشت که در تهیه این گزارش‌ها اطلاعات دقیقی از وضعیت منظور نمی‌شد و به دلیل شرایط خاص روانی که حاکم بر افراد انتظامی بود، غالب گزارش‌ها خالی از اغراق تنظیم نمی‌شد و من که در سال اول جنگ در جبهه جنوب مسئولیتی به عهده داشتم، از این نوع گزارش‌های اغراق‌آمیز و حتی نادرست به کرات مشاهده می‌کردم.

آنچه مسلم است اینکه در اواسط خرداد ماه ۱۳۵۸ روابط سیاسی عراق با ایران تیره شد و دولت عراق از همان زمان نمایش قدرت در مقابل ایران را آغاز کرد. در بیست و نهم

^۱. کیهان؛ هفدهم خرداد ماه ۱۳۵۸.

خرداد، یاسر عرفات، رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین، هنگام دیدار از عربستان سعودی به مسئله اختلاف ایران و عراق اشاره کرد و گفت این سازمان تلاش می‌کند بین ایران و عراق حسن رابطه برقرار کند و چنین نظریه‌ای خود دلیل بر تیرگی روابط ایران و عراق بود و نظر به اینکه ما روند تیرگی روابط سیاسی را در مطالب گذشته بیان کرده‌ایم در این فصل فقط به رئوس مطالب برای ارتباط حوادث نظامی با مسائل سیاسی اشاره می‌کنیم.

از اوایل تیر ماه علاوه بر عناصر لشکر ۸۱ زرهی از واحدهای دیگر نیروی زمینی نیز برای برقراری امنیت منطقه کرمانشاه و ایلام استفاده شد و اولین واحد از تیپ ۸۴ پیاده خرم‌آباد در دوم تیر ماه به مقصد ایلام حرکت کرد. این واحد یک گروهان پیاده از گردان ۱۸۲ با استعداد ۱۱۰ نفر بود و برای تقویت این گروهان پیاده یک دسته تانک نیز از عناصر تیپ به ایلام اعزام شد. نظر به اینکه تجاوزات هوایی عراق آغاز شده بود. از همان آغاز تجاوز، کمبود جنگ‌افزار پدافند هوایی احساس شد و لشکر از نیروی زمینی درخواست کرد تعدادی جنگ‌افزار ضد هوایی به آن لشکر واگذار کند. یک نکته حایز اهمیت که از آغاز وارد عمل شدن واحدهای نظامی نمایان شد، تداخل مسئولیت‌ها و دخالت مسئولان کشوری در وظایف و مسئولیت‌های ارتش بود. نامه زیر نمایانگر یکی از این شرایط است.

بسمه تعالی

جناب سرهنگ هوشنگ سهرابی، فرمانده لشکر ۸۱ زرهی کرمانشاه! به جناب‌عالی مأموریت داده می‌شود که برای بازگرداندن امنیت منطقه و کوتاه کردن شر راهزنان مسلح که در راه‌ها با اعمال ضدانقلابی خود باعث رعب و وحشت مردم محترم این سامان شده‌اند با کمال قدرت و سطوت وارد عمل شوید و هرچه زودتر با استفاده از تمامی امکانات ارتش، آرامش و امنیت را که از بزرگ‌ترین نعمت‌های الهی است، در سراسر استان پنجم تأمین کرده و بندگان خدا را از شر اشرار آسوده کنید.

نماینده امام و رئیس دادگاه انقلاب اسلامی کرمانشاه احمد جنتی

دادستان انقلاب اسلامی کرمانشاه محمدعلی شریف‌پور

لشکر ۸۱ در اجرای این دستور مقام غیرمسئول نظامی طرحی تهیه کرد و به نیروی زمینی فرستاد که مورد اعتراض ستاد مشترک و نیروی زمینی قرار گرفت و از لشکر توضیح خواسته شد، زیرا این مأموریت سبب تجزیه کامل لشکر و از بین رفتن آمادگی رزمی آن برای اجرای مأموریت اصلی که مقابله با تهدید عراق بود، می‌شد. فرمانده لشکر پاسخی به

نامه نیروی زمینی داد که نوعی توجیه مسئله بود و جنبه نظامی آن بسیار ضعیف بود.^۱ ولی شرایط سیاسی کشور در آن زمان طوری بود که اگر هر افسر دیگری فرماندهی لشکر را عهده‌دار می‌شد، غیر از آن نمی‌توانست بکند؛ چنان‌که حتی ستاد مشترک نیز قادر نبود یک طرح عملیاتی که در آن مأموریت ارتش، ژاندارمری و سپاه پاسداران مشخص و معلوم باشد، تنظیم و ابلاغ کند و فقط به صدور دستورات نصیحت‌مابانه می‌پرداخت و تعیین تکلیف را به عهده شورای تأمین استان و همکاری و هماهنگی بین مسئولان مقامات استان محول می‌کرد. این وضع از نظر نظامی ضعیف‌ترین حالت سامانه فرماندهی بود^۲ که متأسفانه تا اوایل جنگ همچنان ادامه داشت. البته همان‌طور که گفته شد دلیل عمده آن ناهمگونی یکان‌های عمل‌کننده، شرکت افراد غیرنظامی در تصمیم‌گیرهای نظامی، از هم پاشیدگی کنترل فرماندهی در ارتش و عدم تبعیت سازمان‌های مختلف نظامی مثل سپاه، ارتش، ژاندارمری از دیگری بود.

در اواخر خرداد ماه احتمال حمله هوایی عراق به پادگان‌های نظامی احساس شد و برای جلوگیری از خطرات حملات هوایی، فرماندهی لشکر کرمانشاه با استفاده از گردان پدافند هوایی تدابیری در حد مقدمات به عمل آورد و دستور داد در هر پادگان نظامی یک دسته پدافند هوایی مستقر شود.

در تیر ماه ۱۳۵۸ نیروهای عراقی هفت بار به حریم هوایی و زمینی ایران تجاوز کردند که چهار بار آن هوایی بود. ولی در منطقه کرمانشاه تجاوزی انجام نگرفت، لذا برخوردی نیز به وجود نیامد. در صحنه سیاسی نیز در تیر ماه تلاش شد از توسعه اختلافات جلوگیری شود؛ یعنی سفیر عراق در تهران با وزیر خارجه ایران ملاقات کرد و هر دو مقام علاقه‌مندی کشورشان را برای بهبود روابط ابراز کردند. صدام حسین نیز در مصاحبه با هفته‌نامه اشپیگل اظهار نظر کرد که ایران می‌خواهد روابطش را با عراق بهبود بخشد و اضافه کرد ما هم به حسن همجواری علاقه‌مندیم. سرهنگ قذافی، رهبر لیبی، نیز در مصاحبه با خبرنگار روزنامه المستقبل گفت: «انقلاب اسلامی ترس بزرگی را برای استعمارگران ایجاد کرده و بر ما ملت عرب واجب است چه عراقی و چه غیرعراقی در کنار ایران باشیم».

^۱ - کتاب اسناد عملیات غرب (ص ۲۱)

^۲ - همان مدرک (ص ۲۲)

در بیست و ششم تیر ماه ژنرال احمد حسن البکر به نفع صدام حسین از مقام ریاست جمهوری عراق کناره‌گیری کرد و قدرت مطلقه عراق به دست صدام حسین افتاد. می‌توان گفت از این روز فصل جدیدی در روابط ایران و عراق گشوده شد که زمینه را برای جنگ تحمیلی عراق علیه ایران فراهم کرد.

در سیام تیر ماه سرلشکر فرید، رئیس ستاد مشترک ارتش ایران، از مقام خود استعفا کرد. درباره دلیل استعفای ایشان گفته شد که وی با به کار بردن نیروهای نظامی در مقابله با آشوب‌های داخلی موافق نبوده، لذا اختلاف عقیده در بین مسئولان سیاسی و نظامی در این باره وجود داشته است.

در جبهه داخلی در تیرماه در منطقه کرمانشاه حوادث پاره همچنان در رأس مسائل بود و در همین ماه بود که به مقامات نظامی اعلام شد تمام مردم پاوه مسلح شده‌اند و اظهار می‌دارند پاسداران انقلاب را نمی‌خواهیم. راه زمینی پاوه بسته شده و پاسداران مستقر در پاوه در محاصره قرار گرفته‌اند و احتیاج به کمک فوری دارند. از طریق نیروی زمینی به لشکر ۸۱ دستور داده شد وضعیت را بررسی کند. در ساعت ۱۷۰۰ همان روز فرمانده لشکر گزارشی به این شرح به نیروی زمینی فرستاد:

«وضع بحرانی شهرستان پاوه در شورای تأمین استان بررسی و تصمیم گرفته شد فعلاً از اعزام نیرو به صورت منظم خودداری شود و یک هیئت حسن نیت از اشخاص با نفوذ به آن شهر بروند و با مردم مذاکره کنند».

نیروی زمینی در پانزدهم تیر ماه به لشکر دستور داد با توجه به وضعیت بحرانی پاوه هر تصمیمی که در شورای تأمین استان برای وارد عمل شدن یگان‌های نظامی اتخاذ شود، فوراً با تلفن به نیرو اطلاع دهند تا دستور مقتضی صادر شود.

در منطقه مرزی ایلام مقامات کشوری نسبت به حفاظت سد کنجان‌چم حساسیت خاصی نشان می‌دادند؛ زیرا مهم‌ترین مسئله اختلاف‌برانگیز بین ایران و عراق وجود همین سد بود که چگونگی آن در بررسی مسائل سیاسی بیان شد. لذا مقامات کشوری به ژاندارمری ایلام فشار می‌آوردند تا برای تقویت پاسگاه‌های حوالی سد اقدام کنند. ژاندارمری هم توانایی این کار را نداشت، لذا تلاش می‌کرد واحدهای ارتش را درگیر این مأموریت کند. برای این منظور از نیروی زمینی خواست یک گردان رزمی برای حفاظت سد

کنجان چم اعزام کند و نیروی زمینی نیز در ۱۷ تیر ماه به ژاندارمری پاسخ داد که هم اکنون یک گروهان پیاده تقویت شده با یک دسته تانک از عناصر تیپ خرم‌آباد در ایلام مستقر است و منظور از دفاع از سد کنجان چم برای نیروی زمینی روشن نیست و اضافه کرد چنانچه ژاندارمری در این مورد درخواستی دارد از طریق ستاد کل اقدام کند.

لازم به یادآوری است که وضعیت منطقه سد کنجان چم از دیدگاه نظامی به نحوی است که چنانچه دولت عراق بخواهد آن منطقه را تصرف کند، باید به یک حمله هماهنگ شده با یک نیروی کافی در حدود یک تیپ اقدام نماید و اگر هدف عراق تخریب سد باشد فقط با چند نفر باید این تخریب انجام گیرد. در حالت اول عملیات مستلزم آغاز جنگ عمومی است و در حالت دوم بدون نیاز به کاربرد واحد عمده انجام می‌گیرد، لذا در هر دو حالت نظر ژاندارمری برای حفاظت از سد چندان قابل توجیه نبود و فقط نوعی سلب مسئولیت بود تا چنانچه اتفاقی افتاد، ژاندارمری مسئول نباشد. اما این روش استفاده از واحدهای نظامی سبب شد که واحدها تجزیه شوند و پیش از یک سال قبل از آغاز جنگ در مناطق وسیعی گسترش یابند و قسمتی از آمادگی رزمی خود را از دست بدهند، در ضمن تداخل مسئولیت به نحوی پیش آمده بود که مقامات غیرنظامی در امور دفاعی دخالت می‌کردند و اصرار داشتند که هرگونه اتخاذ تصمیم مسائل دفاعی برابر نظر آنان اعمال شود؛ چنان که درباره حفاظت سد کنجان چم چون ژاندارمری نتوانست نظرش را بر ارتش تحمیل کند، متوسل به استاندار ایلام شد و برابر گزارش مورخه هجدهم تیر ماه لشکر ۸۱، استاندار ایلام از آن لشکر خواست یک گردان برای حفاظت سد اعزام کند و دلیل این درخواست را قصد حمله عراقی‌ها اعلام کرد. همین وضعیت دلیل بر تداخل مسئولیت‌ها بود. استاندار ایلام کدام سازمان اطلاعاتی را در اختیار داشت تا از قصد حمله عراقی‌ها آگاه شود و این خبر را کدام سازمان اطلاعاتی موثق در اختیار استاندار قرار داده بود؟ آیا در این باره از اداره دوم و سایر منابع رسمی اطلاعاتی کسب اطلاع شده بود یا اینکه اصولاً این اطلاع به این مهمی که حاکی از حمله جدی احتمالی عراق به قسمتی از قلمرو ایران بود در سازمان‌های مسئول دفاعی کشور که (در رأس آنها ستاد مشترک بود) مورد تجزیه و تحلیل و برآورد وضعیت قرار گرفت و پیشنهادهایی ارائه شد و تصمیماتی اتخاذ

گردید؟ یا اینکه هر خبری که از هر رهگذر و غیرمسئول می‌رسید، به‌عنوان یک اطلاع تأیید شده تلقی می‌شد و قسمتی از نیروی دفاعی را به‌طرف خود می‌کشاند.

به‌رحال خوشبختانه در آن زمان فرمانده نیروی زمینی - شهید تیمسار فلاحی - دانش و بینش کافی به مسائل نظامی ایران داشت و در حدود مقدمات و شرایط فرماندهی از تجزیه و متلاشی شدن واحدهای نیروی زمینی جلوگیری می‌کرد و دربارهٔ همین موضوع هم به لشکر ۸۱ دستور داد از همان گروهانی که از خرم‌آباد به ایلام اعزام شده، استفاده شود و از اعزام نیروهای اضافی به سد خودداری شود و حتی چند روز بعد، یعنی در سی‌ویکم تیر ماه به تیپ خرم‌آباد دستور داده شد تا گروهان پیاده و دسته تانک اعزامی به ایلام را به پادگان برگرداند تا یکپارچگی تیپ ۸۴ حفظ شود. اما امنیت داخلی منطقه غرب به‌ویژه کردستان روز به روز وخیم‌تر می‌شد و سبب درگیر شدن واحدهای نظامی در مأموریت‌های تأمین منطقه می‌شد و مشکلاتی را برای فرماندهان به‌وجود می‌آورد. از جمله مشکلات این بود که تعدادی از افراد ارتش آمادگی روانی برای اعزام به مأموریت تأمینی داخلی نداشتند. فرماندهان نیز مجبور بودند یا از افراد داوطلب یا با تهدید، عده‌ای را برای اعزام به مأموریت حاضر کنند که نمونه‌ای از این وضع را می‌توان در مأموریت مشروحه زیر مشاهده کرد.

در اوایل مرداد ماه یک گروهان تانک از تیپ زرهی همدان به کرمانشاه اعزام شده بود تا به منطقهٔ لشکر ۲۸ کردستان اعزام شود. در ۵ مرداد ماه به لشکر ۸۱ زرهی دستور داده شد گروهان اعزامی از همدان را به سنج حرکت دهد، ولی افراد گروهان از رفتن به سنج خودداری کردند. چگونگی عدم اجرای دستور این افراد به ستاد نیروی زمینی اعلام شد و نیروی زمینی در این باره دستور زیر را به لشکر ابلاغ کرد:

از نزا با لشکر ۸۱ (فرمانده گروهان تانک اعزامی از همدان)

بدین وسیله به کارکنان اعزامی ابلاغ می‌شود، چنانچه رأس ساعت ۰۴۰۰ روز ۱۳۵۸/۵/۶ با تجهیزات و وسایل سربازخانه صالح‌آباد را به مقصد لشکر ۲۸ ترک نکنند از ساعت ۰۴۰۰ روز ۱۳۵۸/۵/۶ از خدمت ارتش اخراج و فرمانده لشکر ۸۱ مکلف است مراتب اخراج به نامبردگان ابلاغ و وسایل و تجهیزات آنان را تحویل کارکنان داده و منتظر دریافت دستور بعدی باشند و لشکر ۸۱ ملزم به نظارت بر اجرای دستور است. در ضمن در روز جاری باید از بیستون به صالح‌آباد تغییر مکان دهند.

رئیس ستاد نزاجا سرتیپ فلاحی^۱

در اوایل مرداد ماه منطقه کردند نیز ناامن شد و در ششم مرداد ماه تعدادی از اشرار پاسگاه ژاندارمری کردند را محاصره کردند. به لشکر ۸۱ دستور داده شد با نفربرهای زرهی و عده‌ای تفنگدار پاسگاه را از محاصره خارج سازد. این مأموریت در روز هفتم مرداد ماه با موفقیت اجرا شد. اما مسئله دخالت مقامات غیر مسئول کشوری همچنان مشکلی برای فرماندهان ایجاد می‌کرد و برای رفع این مشکل و تعیین تکلیف فرماندهان در مقابل دستورات مقامات کشوری نیروی زمینی در ۱۱ مرداد گزارشی به ستاد مشترک ارسال کرد که خلاصه آن چنین است:

موضوع طرح عملیاتی برای امنیت منطقه با لشکر ۸۱

۱. طرح عملیاتی لشکر ۸۱ زرهی مورد بررسی قرار گرفت و این طرح از نظر شکل

ستادی و مفاد مندرج در آن اشکالی ندارد.

۲. مسئله مهم و قابل توجه این است که لشکر ۸۱ زرهی طرح مورد بحث را در اجرای نامه شماره ۴۳۸-۵/۳/۵۸ آقای احمد جنتی، نماینده امام و رئیس دادگاه انقلاب اسلامی کرمانشاه، که روگرفت آن طی شماره... تقدیم شده است تهیه و بر حسب ضرورت در اجرای دستورات صادره اجرا می‌کند.

۳. با توجه به اینکه مفاد نامه... مورد تأیید نیروی زمینی است، خواهشمند است دستور فرمایید با توجه به سوابق کلی اعلام دارند:

الف - آیا صدور دستور از سوی نماینده امام به منظور اجرای یک عملیات نظامی و درگیری با سارقان صحیح و قابل اجراست یا خیر؟

ب - با توجه به بند فوق اجرای طرح عملیاتی با یک لشکر مورد تأیید می‌باشد یا خیر؟
رئیس ستاد مشترک پاسخ سرتیپ فلاحی، رئیس ستاد نزاجا را چنین داد:

۱. دستور فرمایید به یکان‌های تابعه ابلاغ شود، اجرای هرگونه عملیات نظامی باید با نظر نیروی زمینی و تصویب ستاد مشترک انجام گیرد.

۲. صدور دستور همکاری و اجرای عملیات نظامی از طریق نمایندگان دولت در هر منطقه باید سریعاً از طریق لشکرها به نیروی زمینی اعلام و پس از بررسی و تصویب ستاد مشترک به مورد اجرا گذاشته شود.

^۱. همان مدرک (ص ۲۲)

۳. در اجرای طرح با یک لشکر رأساً اقدامی نکند، بلکه از طریق مزبور در راستای تقویت یکان‌های ژاندارمری استفاده کرده و هر زمان یکان‌های ژاندارمری نیاز به کمک داشتند توسط یکان‌های لشکر تقویت شوند.

رئیس ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران . سرتیپ محمد حسین شاکر

عملیات پاهو

سرانجام در بیست و چهارم مرداد ماه جنگ داخلی کردستان که از شهر پاهو آغاز شده بود، در تمام کردستان به‌ویژه در سنندج، سقز، سردشت، کامیاران، دیوان‌دره و مریوان گسترش یافت و قسمت عمده‌ای از امکانات دفاعی ایران را درگیر کرد و سبب از بین رفتن قسمتی از توان رزمی ارتش ایران قبل از آغاز جنگ با دشمن خارجی، یعنی عراق شد. گرچه هدف اصلی ما در نگارش این کتاب مسائل نظامی مربوط به جنگ تحمیلی عراق علیه ایران است، ولی نظر به اینکه جنگ داخلی کردستان به‌طور غیرمستقیم با جنگ با عراق در ارتباط بود، چگونگی حوادث عمده کردستان نیز به ترتیب زمان وقوع آن بیان می‌شود.

«در نیمه شب بیست و چهارم مرداد ماه، نیروی زمینی به لشکر ۸۱ زرهی ابلاغ کرد: «سپاه پاسداران انقلاب مستقر در پاهو اعلام کرده که پاهو در حال سقوط است و درخواست چهار دستگاه نفربر با سلاح و خدمه مربوطه، دو دستگاه کامیون و چهار دستگاه خودروی جیب مجهز به تفنگ ۱۰۶ را کرد، که در اختیار آقای جعفری، فرمانده سپاه پاسداران کرمانشاه، گذاشته شود. دستور فرمایید فوراً نیرو و تجهیزات یادشده به آقای جعفری واگذار شود.»

در همان روز از ستاد مشترک به نیروی زمینی ابلاغ شده بود تا یک هزار عدد نارنجک تفنگی و سایر مهمات مورد نیاز را به پاسداران پاهو تحویل دهد.

در ساعت ۰۷۳۰ روز ۲۵ مرداد لشکر ۸۱ وضع پاهو را چنین گزارش کرد:

۱. ژاندارمری پاهو خلع سلاح نشده و در داخل ساختمان مربوطه خود است و با ناحیه ژاندارمری ارتباط بی‌سیم دارد.

۲. ژاندارمری پاهو خلع سلاح نشده و در داخل ساختمان خود با شهربانی کرمانشاه در ارتباط است.

۳. پاسداران انقلاب پایه از ارتفاعات اطراف به داخل شهر عقب‌نشینی کرده و در ساختمان مستقر و خلع سلاح نشده‌اند.

۴. فرماندار پایه با عده‌ای حدود بیست نفر در مرکز فرمانداری مستقر و با مراجعان گفت‌وگو می‌کند.

۵. از جانب محاصره‌کنندگان به فرمانداری پایه اولتیماتوم داده شده است و در داخل شهر رفت و آمد انجام نمی‌گیرد.

به نظر می‌رسد حلقه محاصره توسط محاصره‌کنندگان تنگ‌تر شده است. سرهنگ اسحاق، معاون لشکر ۸۱، با توجه به محاصره شهر از طرف نیروی زمینی به لشکر ۸۱ دستور داده شد با هماهنگی نیروی هوایی دو فروند هواپیمای جنگی در چند نوبت پرواز شناسایی در فضای اطراف شهر انجام دهد و از ستون‌های نظامی که در محورهای وصولی به پایه در حرکت بودند، پشتیبانی کند. در ساعت ۱۴۴۵ روز بیست و پنجم مرداد ماه از ستاد مشترک به نیروی زمینی اعلام شد که طبق گزارش‌های واصله از ژاندارمری و سپاه پاسداران کرمانشاه، پاسداران مستقر در پایه شکست خورده‌اند و تا یک ساعت دیگر شهر تحت تسلط مهاجمان درمی‌آید. در این پیام اضافه شده است که ژاندارمری اظهار کرده که فقط پاسگاه مرکزی پایه مسئول دفاع از قسمت غربی پایه است و بقیه شهر را پاسداران خالی کرده‌اند. مهمات در شرف اتمام است و چهار پاسگاه دیگر پایه نیز تحت محاصره مهاجمان قرار دارند.

در ساعت ۲۱۴۰ روز ۲۵ مرداد ژاندارمری کل، پیام زیر را به نخست وزیر و ستاد مشترک و نیروی زمینی فرستاد.

۱. «آقای دکتر چمران و تیمسار فلاحی هم‌اکنون در پایه هستند.

۲. پنج فروند بالگرد قوای کمکی در پایه پیاده شده‌اند.

۳. پیش‌بینی می‌شود نفربرهای اعزامی امشب تا روانسر پیش بروند.

۴. با ورود قوای کمکی متجاوزان روحیه خود را از دست داده‌اند. ضمناً پاسگاه‌های

تابعه ناحیه همکاری و هماهنگی لازم با نیروهای خودی را دارند.»

ف ژاندارمری کل کشور - سرتیپ دانشور^۱

^۱. همان مدرک (ص ۴۱)

متأسفانه در اولین مأموریت پروازی نیروی هوایی یک فروند هواپیمای اف-۴ به خلبانی سرگرد نوژه و ستوان یکم موسوی، جمعی پایگاه سوم شکاری همدان، در چهار کیلومتری پناه بین آبادی‌های شمشیر و قشلاق سقوط کرد و هر دو سرنشین آن شهید شدند. نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران اولین شهدای خود را در راه حفظ استقلال و تمامیت ارضی ایران تقدیم ملت ایران کرد و به یاد اولین خلبان شهید سرگرد نوژه، پایگاه هوایی همدان به نام آن شهید نام‌گذاری شد.

به‌دلیل بسته شدن راه‌های وصولی به شهر پناه، نیروی تقویتی اعزامی از راه زمینی موفق نشدند به موقع به شهر نزدیک شوند و حلقه محاصره را بشکنند، لذا در ۲۶ مرداد تصمیم گرفته شد تا یک واحد ۱۵۰ نفری از افراد تیپ ۲۳ نیروی مخصوص (نوه‌د) با هواپیمای (سی-۱۳۰) ترابری از تهران به کرمانشاه اعزام شوند و از آنجا با بالگردهای نفربر به پناه برده شوند. این روز مصادف با آخرین جمعه ماه مبارک رمضان و روز قدس بود و افراد تیپ نوه‌د برای برگزاری مراسم راهپیمایی اعزام شده بودند. به این خاطر فرمانده تیپ نوه‌د درخواست کرد تا افراد آن تیپ در بیست و هفتم مرداد ماه به کرمانشاه اعزام شوند، ولی ستاد مشترک با این پیشنهاد موافقت نکرد و دستور داد افراد تیپ نوه‌د را از صفوف راهپیمایان چند صد هزار نفری احضار و آماده برای حرکت به کرمانشاه کنند. به نیروی هوایی نیز دستور داده شد تا ساعت ۱۱۰۰ روز بیست و هفتم مرداد ۲ فروند هواپیمای (سی-۱۳۰) آماده سازد تا ۱۵۰ نفر از کارکنان تیپ نوه‌د را به کرمانشاه ببرند. به هر حال اجرای مأموریت در روز بیست و ششم مرداد ماه برای تیپ نوه‌د مقدور نشده و تمرینات عملیاتی متوقف گردیده بود. به‌ویژه اینکه اعلام هرگونه آماده‌باش نظامی با حسن نیتی مواجه نمی‌شد. حتی در زمان رژیم سلطنتی نیز برنامه زمانی اجرای این آماده‌باش‌ها باید سه ماه قبل از زمان اجرا از طریق سلسله مراتب به ستاد مشترک اعلام می‌شد و به اطلاع مقامات امنیتی می‌رسید. حتی در روزهای آخر سلطنت شاه که وحشت سرنگونی بر او مستولی شده بود، دستور داده شده بود تا تمامی برنامه‌های تمرینات صحرائی یکانی که واحدها با اسلحه و وسایل و تجهیزات اجرا می‌کردند، قبل از سه ماه تنظیم و از طریق سلسله مراتب به مقامات امنیتی اطلاع داده شود. و اگر یکانی بدون گزارش به‌موقع قبلی برای تمرینات صحرائی اعزام می‌شد، فرماندهان مورد بازخواست قرار می‌گرفتند. با توجه به

این روش بعد از پیروزی انقلاب به علل وضعیت سیاسی زمان انقلاب هرگونه عملیات یکانی واحدهای نظامی با مسائلی مواجه می‌شد. به هر حال در باره احضار کارکنان تیپ نوهده موافقت شد که آنها قبل از ساعت ۱۱۰۰ روز بیست و هفتم مرداد ماه در پایگاه هوایی مهرآباد جنوبی حاضر باشند تا با هواپیما به کرمانشاه اعزام شوند.

در ساعت ۰۹۳۰ روز بیست و هفتم مرداد ماه ستاد مشترک به نیروی زمینی آخرین خیر پناه را چنین اعلام کرد که برابر گزارش ژاندارمری ستون اعزامی از روانسر نیاز به پشتیبانی بالگردهای رزمی دارد و تیمسار فلاحی از پناه به کرمانشاه رفته تا بالگردها را برای اجرای این مأموریت آماده سازد و اظهار نظر شده است که پایگاه هوایی همدان نیز با هواپیماهای جنگنده مواضع مهاجمان را در اطراف پناه بمباران کند و اضافه کرده است که جوانمردان قیاده موقت مستقر در دزلی به طرف پناه حرکت کردند. از طریق ستاد مشترک خلاصه اقدامات انجام شده تا روز بیست و هشتم مرداد ماه درباره پناه به شرح زیر به نخست وزیری (معاونت در امور انقلاب) اعلام شد:

۱. سه فروند بالگرد کبرا و دو فروند بالگرد ۲۱۴ به پناه اعزام و مراجعت کرده‌اند.

۲. عده‌ای از اهالی همدان و اهلی پناه که در کرمانشاه مقیم هستند به منظور کمک به پاسداران انقلاب به طرف روانسر حرکت کرده‌اند.

۳. کل ارتباط پناه با ژاندارمری قطع شده است.»

پیرو گزارش بالا گزارش دیگر ستاد مشترک به نخست وزیری چنین ارسال شد:

«برابر اطلاع از مقامات مسئول وضعیت پناه چنین است:

۱. آخرین امید در مورد وضعیت پناه دخالت ارتش است.

۲. بیمارستان شهرستان پناه در تاریخ ۱۳۵۸/۵/۲۶ با آریبی جی - ۷ منهدم شده

۳. در حال حاضر شهر در تصرف شورشیان است و راه‌های ارتباطی به‌طور کلی قطع

شده است.»

در بیست و هفتم مرداد ماه فرمان تاریخی امام برای استفاده از همه امکانات دفاعی کشور از جمله ارتش برای سرکوبی آشوبگران کردستان صادر شد و به ارتش فرمان داده شد با به کار بردن حداکثر توانایی خود شهر پناه را از وجود آشوبگران پاک کند. در اجرای فرمان امام، فعالیت بسیار مؤثر در ارتش آغاز شد. علاوه بر یکان نوهده، گروهانی از تیپ ۵۵

هوایرود نیز آماده برای اعزام به پاوه شد که در بیست و هشتم مرداد ماه از شیراز به کرمانشاه اعزام شد. به نیروی دریایی دستور داده شد در اولین فرصت ۱۵۰ نفر از تکاوران دریایی بوشهر را با هواپیما به کرمانشاه اعزام کند و زیر امر تیمسار فلاحی، فرمانده نیروی زمینی، قرار دهد. در همان روز بیست و هفتم مرداد ماه واحدهای تقویتی با استفاده از حداکثر مقذورات هوانیروز با بالگرد وارد پاوه شدند. واحدهای اعزامی از راه زمینی به پاوه نزدیک شدند و محاصره‌کنندگان را از عقب تهدید کردند. ژاندارمری کشور در ساعت ۲۳۱۰ روز بیست و هفتم مرداد ماه اولین گزارش مسرت‌بخش را به نخست‌وزیری داد و اعلام کرد بنا بر گزارش ناحیه ژاندارمری کرمانشاه تیراندازی در داخل شهر پاوه قطع شده و نیروهای ارتش بدون برخورد با مقاومتی از گردنه مله‌پلنگان عبور کرده‌اند. کلاه سبزه‌ها (نیروی مخصوص) وارد پاوه شده و در اطراف گروهان ژاندارمری پاوه موضع گرفته‌اند. خبر مسرت‌بخش دیگر این بود که ساختمان بیمارستان که تا ساعت ۱۲۰۰ در کنترل و اشغال آشوبگران بود، به دست نیروهای خودی افتاده و مشاهدات خلبانان بالگرد این است که مهاجمان در ارتفاعات اطراف در حال عقب‌نشینی هستند.

فرمان امام، روحیه‌ای مضاعف به ارتشیان بخشید. در اغلب پادگان‌ها افراد نظامی داوطلب شدند به پاوه اعزام شوند، از جمله آنان؛ تیپ خرم‌آباد، مرکز آموزش عجب‌شیر، مرکز توپخانه اصفهان، لشکر ۲۸ کردستان، لشکر ۷۷ مشهد، لشکر ۹۲ زرهی خوزستان، گروه مهندسی ۴۱۱ بروجرد و لشکر ۱ پیاده تهران بودند. فرمان امام علاوه بر جنبه نظامی آن یک جنبه روانی داشت و آن قاطعیت تصمیم برای سرکوبی آشوبگران به هر قیمت و با هر وضعی بود و این قاطعیت تصمیم که از رادیو و تلویزیون به کرات قرائت می‌شد، همه مردم ایران از جمله اهالی کردستان را به هیجان آورد و خوف و وحشت شکننده‌ای در دل آشوبگران ایجاد کرد؛ زیرا آنها متوجه شدند که دیگر دوران مذاکرات سیاسی و سازش و مصالحه درباره مسائل کردستان به پایان رسیده و اکنون آشوبگران با تمام قدرت دفاعی حکومت مرکزی ایران طرف هستند و همین قاطعیت تصمیم امام سبب اصلی متلاشی شدن قدرت جسارت آشوبگران شد. (با قاطعیت امر امام امت تردید و دو دلی نیروهای نظامی در مواجهه با اشرار زائل و میل به جنگ‌جویی جایگزین آن شد) ضمن اینکه با اعزام نیروهای کافی و استفاده از تمام امکانات نیروی زمینی و هوایی و حتی دریایی و سپاه

پاسداران عملاً نیز قاطعیت اجرای این تصمیم نشان داده شد و ستون‌های نظامی از تمام نقاط ایران به سمت کردستان روانه شد و پس از هفت روز نبرد خونین شهر پاوه و ارتفاعات اطراف آن از وجود متجاسرین پاک شد.

حوادث کردستان در شهریور ۱۳۵۸

در اول شهریور ماه، نیروی زمینی طبق اعلامیه‌ای خبر در هم کوبیده شدن عملیات خائنانه آشوبگران در پاوه را به اطلاع ملت ایران رسانید. البته رفع این غائله با نثار جان صدها نفر از افراد نظامی و پاسدار و از دست دادن چند دستگاه بالگرد و هواپیما و شهید شدن تعدادی از اهالی بی‌گناه شهر و ویرانی قسمتی از ساختمان‌ها و تأسیسات آن پایان پذیرفت. اما غائله کردستان با این عملیات پایان نیافت، بلکه گسترش بیشتری پیدا کرد و به کرد، صحنه، پیرانشهر، پسوه، جلدیان، نوسود، مریوان، سقز، سردشت، دیوان‌دره، سنندج و نقاط کردستان و کرمانشاه و آذربایجان غربی کشیده شد که خود مستلزم تدوین یک کتاب مستقل تاریخ سیاسی نظامی است. نظر به اینکه در این گفتار حوادثی که تأثیر مستقیم در منطقه کرمانشاه و ایلام در رابطه با جنگ تحمیلی عراق علیه ایران داشتند بررسی می‌شود، حتی‌المقدور از بیان حوادث داخلی که رابطه چندانی با این جنگ نداشتند خودداری می‌شود. اما توجه به این نکته ضروریست که در هر نقطه از منطقه غرب کشور برخورد با آشوبگران داخلی پیش می‌آمد به دلیل عدم توانایی ژاندارمری و همچنین سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که هنوز سازمان نیافته و تجهیز نشده بود، لازم می‌آمد واحدهای نیروی زمینی وارد عمل شوند. این امر به‌طور مستقیم واحدها را در جنگ داخلی درگیر می‌کرد و آمادگی آنها را برای مقابله با تهدید احتمالی عراق کاهش می‌داد. لذا لازم است حداقل به حوادث داخلی نیز به‌طور خلاصه اشاره شود تا مشخص شود که ارتش جمهوری اسلامی ایران در آغاز تجاوز عراق در چه شرایط آمادگی رزمی بوده است.

در شهریور ماه ۱۳۵۸ حوادث کردستان شدت بیشتری یافت. پادگان سقز به محاصره آشوبگران درآمد. فرمانده تیپ سقز شهید شد و از روی اجبار نیروهای کمکی برای رفع اغتشاشات سقز اعزام شد. مهاباد باردیگر ناآرام شد و افراد حزب دمکرات دویست نفر از سپاه پاسداران مستقر در آن شهر را به گروگان گرفتند. بالگرد حامل دکتر چمران در بانه

به گلوله بسته شد. در منطقه کرمانشاه، منطقه مرزی قصرشیرین مورد تهدید قرار گرفت، به طوری که ژاندارمری گزارش داد در اول شهریور ماه ۱۳۵۸ پاسگاه مرزی گرده‌نو از توابع قصرشیرین به محاصره آشوبگران درآمد. این امر به وسیله عناصر ضدانقلاب انجام شد. از لشکر ۸۱ زرهی درخواست شد یک گروهان برای تقویت پاسگاه‌های مرزی در اختیار ژاندارمری قصرشیرین قرار دهد و با این امر علاوه بر مسائل داخلی مسائل مرزی نیز آغاز شد.

در دوم شهریور ماه در حوالی پاسگاه مرزی مرخیل از توابع پاوه برخوردی بین افراد پاسگاه و آشوبگران به وجود آمد و گفته شد که جوانمردان پاسگاه هیرطاد و درجه‌دار پاسگاه را در بند کرده و سلاح و تجهیزات پاسگاه را برداشته و به خاک عراق فرار کرده‌اند و منطقه مرزی هیرطاد چنان ناآرام شده که اهالی مجبور به ترک آن منطقه شده‌اند، برای دفع شر این اشرار اقدامات جدی نظامی به عمل آمد. واحدهای نظامی از پاوه، کرمانشاه و نوسود به منطقه اعزام شدند. یاعیان به خاک عراق فرار کردند. لازم به ذکر است در تمام این عملیات افراد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز شرکت داشتند و همراه ژاندارم‌ها در عملیات شرکت می‌کردند و گزارش ژاندارمری کشور در دوم شهریور ماه به ستاد مشترک ارسال شده بیانگر این همکاری است. آن گزارش چنین است:

از سماجا به نزا

برابر گزارش ناحیه ژاندارمری کرمانشاه اقدامات زیر در جهت تقویت یکان‌های تابعه با هماهنگی دکتر چمران به عمل آمده است:

۱. یک دسته از کارکنان ژاندارمری به سرپرستی یک نفر افسر از پاوه به مرخیل حرکت و در پاسگاه مستقر شده است.
۲. یک دسته از کارکنان ژاندارمری نوسود به پاسگاه هیرطاد اعزام شده است.
۳. سپاه پاسداران نیز این پاسگاه‌ها را تقویت می‌کنند.
۴. پاسگاه دولوله با ده ژاندارم و ده پاسدار انقلاب تقویت شده است.
۵. قرار است یک دسته تانک برای تقویت گروهان نوسود از پاوه به نوسود حرکت کند.
۶. از پاسداران اعزامی از خراسان هفتاد نفر به مریوان حرکت و سی نفر در نودشه که مرکز فعالیت ضدانقلاب است، پاسگاه را یاری می‌کنند.

۷. پاسگاه‌های هانی گرمه، دژآور و شوشمی به وسیله سپاه پاسداران تقویت می‌شود.^۱

سرلشکر شاکر

هر قدر اغتشاشات داخلی در کردستان و منطقه شمالی استان کرمانشاه گسترش می‌یافت، واحدهای ارتش بیشتر درگیر مأموریت‌های ضد اغتشاشات داخلی می‌شدند و با توجه به مشکلات، تهیه قطعات یدکی و کاهش کارکنان فنی استهلاک وسایل و تجهیزات نیز بیشتر می‌شد و آمادگی رزمی واحدهای ارتش بیشتر کاهش می‌یافت. البته اجرای این مأموریت‌ها کاملاً ضروری و قطعی بود؛ زیرا بدون دخالت ارتش امکان داشت تجزیه‌طلبان کردستان که عموماً از گروه‌های چپ‌گرا بودند، به هدف ناپاک خود برسند. با توجه به اینکه موضوع اصلی گفتار ما درباره مقدمات جنگ تحمیلی عراق علیه ایران است، این مطالب را بیان می‌کنیم تا نسل‌های آینده این کشور بدانند ارتش ایران در چه شرایطی وارد نبرد با ارتش مجهز، سازمان یافته، آموزش دیده و کاملاً آماده عراق شد. لذا حوادث داخلی منطقه غرب را در حدی که با آمادگی رزمی ارتش ارتباط پیدا می‌کند، تشریح می‌کنیم.

در دهه اول شهریور ماه ۱۳۵۸ و بعد از عملیات پاوه دامنه آشوب‌های داخلی توسعه یافت و ارتش مجبور شد یگان‌های تقویتی را به شرح زیر برای عناصر ژاندارمری اعزام کند.

۱. دوم شهریور ماه یک دسته پیاده مکانیزه از گردان ۱۲۳ مستقر در روانسر جمعی ۸۱ باینگان

۲. دوم شهریور ماه یک گروهان تانک از تیپ زرهی سرپل ذهاب در پاسگاه دولوله

۳. سی‌ام مرداد یک گروهان تقویت شده پیاده و تانک به کرد و یک گروهان تقویت

شونده به صحنه

۴. در سوم شهریور ماه یک گروهان پیاده و یک آتشبار خمپاره‌انداز از گردان ۱۵۸

تیپ هوابرد مستقر در سنندج به سقز

۵. در سوم شهریور ماه یک گروهان از پادگان سرپل ذهاب به پاسگاه‌های مرزی

منطقه نوسود (هیرطاد، مرخیل، دولول)

۱. همان مدرک (ص ۶۳)

۶. در چهارم شهریور یک گروهان از گردان ۱۵۸ و یک آتشبار خمپاره‌انداز مستقر در کامیاران سنندج

۷. در سی‌ام مرداد ماه یک گروهان پیاده از مرکز پیاده شیراز به پاه

۸. در پنجم شهریور ماه یک گروهان اعزامی از لشکر ۹۲ زرهی اهواز مستقر در کرمانشاه سنندج

۹. در پنجم شهریور ماه یک واحد شصت نفری از نیروهای تیپ نوهده از تهران به خرمشهر

۱۰. در چهارم شهریور ماه یک گروهان تقویت شده از اسلام‌آباد به کرد

۱۱. در هشتم شهریور ماه باقیمانده گردان ۱۵۸ هواپرد مستقر در کامیاران به سنندج

۱۲. در یازدهم شهریور ماه تعداد ۲۵۰ نفر از پاسداران انقلاب ارومیه به کرمانشاه

توضیح اینکه بقیه نقل و انتقالات پاسداران در مدارک ارتشی درج نشده است، لذا در این گفتار هم منظور نشده است.

با توجه به تغییر مکان‌های یاد شده که شمه‌ای از تجزیه واحدهای نیروی زمینی را نشان می‌دهد. عملیات داخلی باعث تجزیه واحدها و از بین رفتن تمرکز قدرت آنها می‌شد و به دلیل ناآرامی منطقه، اهالی اکثر نقاط با مراجعه به مقامات محلی غیرمسئول منطقه درخواست می‌کردند برای منطقه آنها نیز واحدی اعزام شود. مقامات محلی نیز به فرماندهان فشار می‌آوردند که خواسته مردم را تأمین کنند و این گونه دخالت در امر فرماندهی سبب اختلال در کاربرد واحدها می‌شد. چنان‌که فرمانده لشکر ۸۱ زرهی در تاریخ نهم و دهم شهریور ماه در این باره گزارش‌های زیر را به نیروی زمینی داده است.

از: لشکر ۸۱ به نزاجا

موضوع: اجرای مأموریت لشکر ۸۱

برابر اوامر صادره، گروه‌های ضربت برای اینکه یکان‌ها و سازمان‌ها قادر باشند مأموریت‌های ارجاعی در منطقه را برابر سازمان اجرا کنند، جمع‌آوری شدند. ولی کمیته انقلاب و مردم قصرشیرین جلو گروه ضربت را گرفته و قویاً از عزیمت آنان به پادگان جلوگیری کرده‌اند. با توجه به اوامر صادره و مأموریت لشکر، اگر کمیته‌ها و مردم با این نحو در امور ارتش دخالت و اعمال نظر کنند، لشکر نمی‌تواند

تجاوزات مرزی ارتش عراق در جبهه جنوب / ۹۵

مأموریت‌های محوله را انجام دهد. استدعا می‌شود تکلیف دخالت را در امور لشکر روشن و امر عالی را سریعاً به یکان مربوطه ابلاغ فرمایید.

سرهنگ ستاد سپهرایی

فرمانده لشکر ۸۱ زرهی پیرو گزارش فوق در دهم شهریور ماه گزارش دیگری به شرح

زیر به نیرو داد:

در اجرای اوامر تلفنی تیمسار ریاست ستاد مشترک به فرمانده منطقه غرب دستور داده شد که گروه ضربت سرپل ذهاب و فرمانده مربوطه در محل ابقا شوند، ولی به استحضار می‌رساند چنانچه در آینده نفوذ و خواسته‌های مردم به این صورت اعمال شود، وحدت فرماندهی و اعمال قدرت در عملیات نظامی را از بین برده و لشکر قادر نخواهد بود وظایف محوله را به نحو مطلوب انجام دهد.

علاوه بر مشکلات دخالت مردم و مقامات غیرمسئول محلی در مأموریت‌های نظامی و انتظامی یک مشکل بسیار بزرگ دیگر نیز بین نیروهای رزمنده ارتشی، ژاندارمری و سپاه پاسداران وجود داشت و آن سلب مسئولیت از خود، مسئول ساختن دیگران و اختلاف بین فرماندهان این سه عنصر رزمنده نیروی مشترک بود. در این اختلافات حتی اتهامات مهمی نیز به یکدیگر وارد می‌کردند. فرمانده لشکر ۸۱ زرهی در تاریخ دهم شهریور ماه گزارشی ارسال داشته که بیانگر کاملی از این شرایط است. خلاصه آن گزارش دو صفحه‌ای چنین است:

از: لشکر ۸۱

به: فرمانده عملیات غرب

موضوع: انجام وظیفه ژاندارمری

ژاندارمری ناحیه، طی تلگراف شماره ۱۳۸-۵۸/۶/۱۰ مطالبی را گزارش کرده که پاسخ آنها چنین است:

الف - گفته شده پاسگاه‌های قوری قلعه و قشلاق توسط سرگرد سوداگر خلع سلاح شده است. در حالی که من - فرمانده لشکر - و تیمسار فلاحی در محل ناظر بودیم، این پاسگاه‌ها به وسیله افراد سپاه پاسداران به اتهام عدم انجام وظیفه ژاندارم‌ها خلع سلاح شدند.

ب - قید شده پاسگاه دوآب و نوسود به وسیله آقای ذوالفقاری خلع سلاح شده چون افراد آن مورد اعتماد نبوده و با ضدانقلاب همکاری می کرده اند و همچنین فرمانده گروهان رزمی مستقر در باویسی به دلیل درگیری جزئی با فرمانده گروهان گردهنو به وسیله گروه ضربت پاسگاه محاصره و فرمانده گروهان زرهی را به نام همکاری با ضدانقلاب دستگیر و زندانی کرده اند. در حال حاضر در گردهنو حالت تشنج حکمفرما بوده و همگی اقدامات فوق بر خلاف دستور امام و به نفع دشمن است.

فرمانده تیپ ۳ سرپل ذهاب گزارش کرده که فرمانده گروهان گردهنو با عده ای از سران ضدانقلاب همکاری و مراوده داشته است. لذا دستور داده شده فرمانده گروهان و دو نفر دیگر به وسیله ژاندارمری و پاسداران به تیپ اعزام شوند.

ج - نحوه انجام وظیفه ژاندارمری در مدت زمان گذشته رضایت بخش نبوده، چنان که آنها نه یک نفر شهید داده اند و نه یک آشوبگر و یاغی را کشته و دستگیر کرده اند.

د - بعد مطلب دیگری بیان شده که تکرار بعضی حوادث است.^۱
درباره وضعیت ناهماهنگ بین عناصر نیروهای مختلف رزمنده باید گفت که متأسفانه تا ماه های اول جنگ نیز وجود داشت و گاهی سبب برخوردهای تأسف بار بین عناصر مختلف رزمنده می شد و می توان گفت یکی از بزرگترین مشکلات نیروهای مسلح در مبارزه با ضدانقلاب و در سال اول جنگ همین ناهماهنگی بود.

خلاصه وضعیت منطقه غرب برابر گزارش نوبه ای بیست و پنجم شهریور ماه، ل ۸۱ چنین بوده است که محورهای ارتباطی بین پاوه به نوسود و پاوه به مریوان، مهاباد به سردشت، مریوان به، بانه و بانه به سردشت، سنندج به مریوان در کنترل افراد حزب منحل دموکرات کردستان بود و پاسگاه های مرزی باینگان و دوآب مورد تهدید جدی بوده اند و طبق مفاد این گزارش نوبه ای برای اولین بار فرمانده یکان مستقر در نوسود گزارش داده است که از کشور همسایه با سلاح سنگین به طرف نوسود و پاسگاه شوشی تیراندازی شده است و از آن به بعد پاسگاه های مرزی از داخل خاک عراق مورد تهدید قرار گرفته اند. البته باید قبول کرد که قسمتی از این تهدیدها به وسیله افراد ضدانقلاب ایرانی فراری به خاک عراق انجام می گرفت، ولی دولت عراق اقدامی برای برقراری تأمین در مرز علیه این افراد نمی کرد.

^۱. کتاب اسناد عملیات غرب (ص ۷۳)

شهریور ماه ۱۳۵۸ با حوادث خونین داخلی در سقز، مهاباد، پاوه، نوسود، بانه، مریوان و سردشت سپری شد. در مهر ماه نیز این حوادث ادامه یافت و نیروهای مسلح ایران بیش از پیش درگیر جنگ داخلی شدند. ناآرامی به منطقه نفت‌شهر نیز کشیده شد و لشکر ۸۱ یک گروهان سوار زرهی برای تأمین آن منطقه اعزام کرد. حوادث ناگواری در بانه پیش آمد. پادگان نوسود مورد حمله مهاجمان قرار گرفت، پاسگاه باینگان به محاصره مهاجمان در آمد و ۵۲ نفر پاسدار در سردشت شهید شدند. در صحنه سیاسی ایران با عراق نیز مذاکرات و مشاجره‌ها ادامه یافت. صدام حسین در بیست و دوم مهر ماه در مصاحبه با خبرنگار روزنامه المستقبل از انقلاب ایران به شدت انتقاد کرد و اظهار نمود: «اگر انقلابی قرار است اسلامی باشد باید در ابتدا برای اعراب باشد» و سرانجام در سی‌ام مهر ماه نماینده امام برای مذاکره با مقامات عراقی درباره مسائل مرزی از مرز خسروی به خانقین رفت تا شاید مسئولان عراقی را نسبت به مسئولیتی که برای برقراری امنیت در مرز دارند، آگاه سازد و به آنها بقبولاند که از فرار ضدانقلابیون ایران به خاک عراق جلوگیری کنند. ولی آنها نه تنها به این وظیفه خود عمل نکردند، بلکه به شدت گرفتن آن کمک کردند تا نیروهای مسلح ایران را با مسائل داخلی درگیر سازند.

حوادث کردستان در آبان ماه ۱۳۵۸

در آبان ماه ۱۳۵۸ مناطق مرزی کرمانشاه همچنان ناآرام بود. پاسگاه‌های شوشمی و دوآب مورد حمله قرار گرفتند. منطقه کامیاران در معرض تهدید آشوبگران حزب دمکرات کردستان واقع شد. ارتفاعات مشرف به نوسود در کنترل افراد حزب دمکرات درآمد و احتمال تکرار حادثه پاوه به وجود آمد و افراد حزب دمکرات ژاندارمری و گروهان رزمی مستقر در نوسود را مورد تهدید قرار دادند. از طرف لشکر کرمانشاه پیشنهاد شد که به منظور جلوگیری از کشت و کشتار و همچنین احتمال وقوع حوادث ناگوار آن گروهان از نوسود خارج شود که مورد موافقت قرار نگرفت. حدود چهل نفر از جوانمردان مستقر در پاسگاه دوآب خیانت کرده با اسلحه و تجهیزات به آشوبگران پیوستند.

ناحیه ژاندارمری کرمانشاه گزارش داد عده‌ای در قریه سراب‌بیک جمع شده و قصد حمله به پاسگاه جوانرود را دارند. در ۲۰ آبان ماه ژاندارمری کشور از نواحی ژاندارمری

سمنان، قم و قزوین تعدادی افراد تقویتی برای واحدهای ژاندارمری منطقه کرمانشاه شامل سومار، گرده‌نو و دوآب اعزام کرد. هدف عمده اعزام این عناصر تقویتی، تقویت پاسگاه‌های مرزی بود، زیرا به‌طور کلی عده‌ای از اشرار از موقعیت ناآرام منطقه سوء استفاده کرده و در مناطق مرزی دست به چپاول و غارت می‌زدند و هنگام تعقیب به خاک عراق فرار می‌کردند. ضمن اینکه گروه‌های آشوبگر نیز تلاش خود را در مناطق کوهستانی مرزی متمرکز کرده بودند تا هر زمان دچار مشکلی شدند، به خاک عراق بگریزند.

این حوادث داخلی که در مناطق مرزی انجام می‌شد گاهی سبب بروز اختلافات بین پایگاه‌های ایرانی و عراقی نیز می‌شد و چه بسا حوادثی پیش می‌آمد که ارتباط با روابط بین دو کشور ایران و عراق نداشت، ولی چون در منطقه مرزی انجام می‌شد، پای روابط سیاسی بین دو کشور به میان کشیده می‌شد. اما یک موضوع حایز اهمیت نیز در این حوادث وجود داشت و عدم دقت در صحت گزارش‌ها بود؛ چنان‌که در هفدهم آبان ماه، سپاه پاسداران پایه گزارشی به مقامات بالاتر فرستاد مبنی بر اینکه گروهان ژاندارمری نوسود به‌وسیله آشوبگران خلع سلاح شده و مقدار زیادی اسلحه، مهمات، موشک‌انداز، تانک و توپ متعلق به ژاندارمری به‌دست آشوبگران افتاده است و آشوبگران در نظر دارند با استفاده از این سلاح و تجهیزات باردیگر به شهر پایه حمله کنند. در حالی‌که ژاندارمری تمام این گزارش‌ها را بی‌اساس خواند و برابر نامه مورخه نوزدهم آبان ماه نیروی زمینی که بر اساس گزارش ناحیه ژاندارمری کرمانشاه تهیه و به مقامات کشوری و ارتشی ارسال کرد، چنین بیان شد: «اولاً گروهان ژاندارمری نوسود توپ و تانک در اختیار نداشت تا به آشوبگران تسلیم کند. دوم اینکه تمامی نیروهای گروهان ژاندارمری نوسود تا ساعت ۱۸۰۰ روز هجدهم آبان ماه در مواضع خود بوده‌اند و هیچ وسیله‌ای را از دست نداده‌اند.»

این چنین گزارش‌هایی به دلیل عدم وحدت فرماندهی در کل منطقه ارسال می‌شد و چه بسا گزارش‌های غیرواقعی و صرفاً بر اساس توهمات و شایعات و البته نه از روی سوءنیت به‌وسیله عناصر مختلف به مقامات بالاتر ارسال می‌شد و سبب تشویش خاطر مقامات تصمیم‌گیرنده می‌شد. نظر به اینکه در آن شرایط نامساعد عملیاتی و روانی که برای نیروهای مسلح ایران وجود داشت طبعاً این‌گونه گزارش‌ها حاکی از تهدیدهای

اغراق آمیز از طرف نیروهای مخالف بود، چنان که اگر شرایط کل عملیات به نفع نیروهای خودی بود، معمولاً گزارش‌های اغراق آمیز بر اساس موفقیت‌ها و نابود کردن دشمن تنظیم می‌شد و این روش گزارش‌ها معمولاً در تمام جنگ‌ها وجود داشته و خواهد داشت و همواره در تمام جنگ‌ها گزارش اطلاعات از خودی و دشمن تا حدودی اغراق آمیز و در جهت مثبت و یا منفی است، بسته به اینکه موضوع اصلی گزارش موفقیت خودی یا دشمن این گونه گزارش‌های اغراق آمیز مثبت یا منفی آثار سوئی در جنگ دارد و گاهی ممکن است عواقب بسیار ناگواری در بر داشته باشد و سبب تصمیمات نادرستی به وسیله مقامات تصمیم‌گیری شود؛ چنان که در اوایل جنگ ایران و عراق از این گزارش‌های اغراق آمیز فراوان دیده می‌شد. به عنوان نمونه در همان ماه‌های اول جنگ تعداد ضایعات توپ و تانک عراق بیش از تعداد کل موجودی عراق در روزنامه اطلاعات درج می‌شد، در حالی که حتی یک دهم آن گزارش‌ها صحت نداشت. این نقص به دلیل نبودن شبکه اطلاعاتی سازمان یافته، مطمئن و آموزش دیده بود که حتی در سال‌های اول جنگ نیز وجود داشت و یکی از بزرگ‌ترین نواقص نیروهای مسلح ایران بود که ما در شرح حوادث جنگ در این باره بیشتر صحبت خواهیم کرد.

اما نمونه‌ای دیگر از این گزارش‌های اغراق آمیز درباره نوسود مشاهده می‌شود. در تاریخ نوزدهم آبان ماه لشکر ۸۱ زرهی بر مبنای گزارش فرمانده یکان‌های مستقر در نوسود وضع را چنان وخیم اعلام می‌کند که پیشنهاد می‌کند واحدهای نظامی و انتظامی نوسود را تخلیه کنند و نیروی زمینی در اول آذر ماه، یعنی بعد از یازده روز به لشکر دستور می‌دهد از تخلیه نوسود خودداری شود. این وضع نشان می‌دهد که وضع چندان بحرانی نبوده که لزوم عقب‌نشینی نیروهای مسلح دولت مرکزی را ایجاد کند.

در آبان ماه، درباره حوادث مرزی کرمانشاه و ایلام در رابطه با عراق در رسانه‌های گروهی مطالبی عنوان شد که از جانب مقامات مسئول و غیرمسئول محلی عنوان شده بود. در حالی که در گزارش لشکر ۸۱، ناحیه ژاندارمری کرمانشاه و ایلام به چنان حوادثی اشاره نشده بود. این وضع نشان می‌دهد که افراد محلی به دلایل مختلف، اطلاعاتی در اختیار مقامات محلی قرار می‌دادند و آنها نیز همان اطلاعات را در اختیار رسانه‌های عمومی

می گذاشتند. یک مرکز مسئول جمع آوری، تقویم، تفسیر و ارزیابی اطلاعات در آن موقع در هیچ سازمانی وجود نداشت.

حوادث کردستان در آذر ماه ۱۳۵۸

در آذر ماه سال ۱۳۵۸ فعالیت هیئت حسن نیت دولت مرکزی به ریاست داریوش فروهر ادامه داشت و تلاش برای آرام کردن شورشیان از طریق مذاکره در جریان بود. منطقه فعال از نظر نظامی روانسر و کامیاران بود و در منطقه مرزی، تقویت پاسگاه قوری قلعه ضروری به نظر رسید. اما در مجموع نگرانی و اضطراب فرماندهان ژاندارمری سبب درگیری غیرضروری عناصر نیروی زمینی می شد. در اوایل آذر ماه درباره وخامت وضعیت پاسگاههای مرزی قصرشیرین و گردهنو گزارشی از ناحیه ژاندارمری به لشکر ۸۱ و مقامات دیگر ارسال شد و لشکر بررسی هایی به عمل آورد. نتیجه این بود که آن نگرانی ها چندان موجه نیست و نیروی زمینی در تاریخ هفتم آذر ماه درباره این مسئله چنین نظر داد که استنباط این است که استقرار پاسگاههای ژاندارمری با چنین استعداد و روحیه ای نه تنها کمکی به برقراری امنیت در منطقه غرب نکرده، بلکه سبب فرسودگی و تفرقه نیروهای ارتشی شده است. در تأیید این نظریات گزارش مورخه ۱۸ آذر ماه لشکر ۸۱ درباره گسترش واحدهای مربوطه می تواند شاهد گویایی باشد. برابر این گزارش قسمتی از عناصر لشکر در ۱۲ محل به شرح زیر گسترش داشتند :

۱. کامیاران - یک گروهان پیاده زرهی
۲. روانسر - یک گردان پیاده زرهی
۳. پاوه - یک گردان پیاده و یک گردان تانک و چهار دستگاه نفربر زرهی
۴. اعظم پناه - سه دستگاه نفربر زرهی
۵. هوانیروز - چهار دستگاه مهمات بر توپخانه
۶. جوانرود - یک گروهان تقویت شده پیاده با تانک
۷. نفت شهر - یک گروهان سوار زرهی
۸. گردهنو - یک گردان تقویت شده پیاده زرهی
۹. سرپل ذهاب - یک گردان پیاده زرهی
۱۰. سردشت - یک گردان پیاده زرهی

۱۱. قره‌بلاغ - یک دسته تقویت شده پیاده زرهی

۱۲. قزانچی - یک دسته پست کنترل عبور و مرور

فرمانده لشکر ۸۱ زرهی سرهنگ شهلائی

در ۱۸ آذر ماه، فرمانده تیپ ۲ زرهی کرمانشاه، سرهنگ سینایی، هنگام رفتن به پاوه به دست آشوبگران اسیر شد و یکانی که در حال حرکت از روانسر به جوانرود بود، به دلیل تهدید آشوبگران به روانسر مراجعت کرد. در شهر پاوه باردیگر درگیری به وجود آمد. نیروی زمینی به لشکر ۸۱ دستور داد به هر ترتیبی که شود، یکان تعیین شده برای حرکت به جوانرود را اعزام کند؛ اما این یکان که در روانسر مستقر بود، سبب بروز مسئله ناگواری بین ارتش و پاسداران شد. پاسداران مستقر در روانسر فرماندهان این یکان را دستگیر و تهدید کردند که اگر به جوانرود نروند آنها را اعدام خواهند کرد. این دخالت غیرموجه پاسداران در امر فرماندهی یکان نظامی سبب ناراحتی‌هایی بین فرماندهان نظامی شد.^۱

سرانجام یکان مورد بحث در بیستم آذر ماه از روانسر حرکت کرد و بدون حادثه به جوانرود رسید.

در ۲۲ آذر ماه ستاد مشترک، اطلاعاتی به نیروی زمینی ابلاغ کرد که حاکی از تقویت نیروهای عراقی در مقابل مرز باویسی و قصرشیرین بود و نظر داده شده بود که ممکن است ارتش عراق ظرف ۴۸ ساعت آینده به ایران حمله کند. این اطلاعات نیز از همان نوع اغراق آمیز بود که قبلاً بیان شده ولی از همان موقع فعالیت واحدهای عراقی در نزدیکی مناطق فعال شد و ارتش عراق شروع به تقویت استحکامات مرزی کرد. نکته جالب توجه این است که گزارش‌هایی که از طریق ژاندارمری و مقامات کشوری به هیئت دولت و ستاد مشترک داده می‌شد، همه بیانگر یک نوع نگرانی غیرمنطقی از حمله قریب‌الوقوع عراق و لزوم تقویت واحدهای مرزی بود، درحالی که بررسی مدارک نشان می‌دهد که حداقل تا آذر ماه سال ۱۳۵۸ هیچ‌گونه برخوردی بین نیروهای مسلح ایران و عراق در مناطق مرزی به وجود نیامده و اطلاعات قابل ملاحظه‌ای درباره فعالیت نیروهای عراقی در مناطق مرزی جمع‌آوری نشده است. به عنوان نمونه استانداری ایلام بدون اعلام دلایل حاکی از تهدید

^۱. کتاب اسناد جبهه غرب (ص ۱۳۷ و ۱۳۸)

عراق در تاریخ ۲۵ آذر ماه از طریق وزارت کشور درخواست واگذاری سلاح و مهمات زیر از واحدهای ارتشی کرده است.

۱. تفنگ ژ ۳ و برنو - ۱۰۰۰ قبضه جهت تجهیز عشایر
۲. دوربین دید در شب - ۵ دستگاه
۳. موشک انداز آرپی جی ۷ - ۵۴ قبضه
۴. بالگرد - یک فروند
۵. تفنگ ۱۰۶ م م با خودرو - ۳۰ قبضه
۶. توپ ضد هوایی - ۲ قبضه
۷. تیربار کالیبر ۱۲/۷ - ۱۸ قبضه

گرچه وسایل و تجهیزات یاد شده واگذار نشد و ستاد مشترک به وزارت کشور پاسخ داد که تشخیص واگذاری و کاربرد اسلحه و مهمات خواسته شده به عهده نیروی زمینی است، ولی با این وجود این اطلاعیه استانداری ایلام در مقامات کشوری و ارتشی نگرانی ایجاد کرد و نیروی زمینی برای جلوگیری از حوادث غیرمترقبه به فرماندهی غرب دستور داد یک فروند بالگرد کبرا، یک فروند جت رنجر و دو فروند بالگرد ۲۱۴ در پایگاه کرمانشاه آماده باشند تا چنانچه در مناطق مرزی ایلام تجاوزی (نفوذی) انجام گرفت، با استفاده از یک دسته پیاده و جنگ افزار سبک و بالگردها عملیات نفوذی عراق خنثی شود. طبق معمول جریان حوادث، اطلاعیه استانداری ایلام سبب حساسیت ژاندارمری نسبت به منطقه ایلام شد و ژاندارمری تلاش کرد قسمتی از واحدهای نیروی زمینی را به منطقه مرزی ایلام بکشانند. لذا درخواست اعزام واحدهایی از نیروی زمینی را به منطقه مهران، صالح آباد و موسیان کرد. نیروی زمینی در پاسخ مفصلی که در تاریخ بیست و نهم آذر ماه به این خواسته ژاندارمری داد، اظهار نظر کرد که تقسیم یکان‌های نیروی زمینی به دسته و گروهان به وسیله ژاندارمری جمهوری اسلامی ایران در نقاط مختلف ضمن کاهش آمادگی رزمی یکان‌ها نتیجه دیگری نخواهد داشت، بلکه باید در حال حاضر از تقسیم یکان‌های نیروی زمینی به صورت دسته و گروهان خودداری کرد تا لشکرها و تیپ‌ها با بازسازی کامل که بعد از انقلاب شکوهمند اسلامی لازم و ضروری است، بتوانند با تهدیدهای جدی و خطرناک روبه‌رو شوند و از مرزهای کشور پدافند کنند. ضمن اینکه پوشش مرزهای کشور در مرحله اول به عهده ژاندارمری جمهوری اسلامی ایران است. اما نکته حایز اهمیت

این است که در زمانی که فعالیت آشوبگران داخلی در منطقه غرب روز به روز گسترش می‌یافت، حوادث مرزی هم به مرور مطرح می‌شد و نیروی زمینی را میان دو مسئله حساس قرار می‌داد. تهدیدهای مرزی ایجاب می‌کرد استعداد رزمی واحدهای نیروی زمینی یکپارچه بماند و برای بالا بردن توان رزمی یکان‌ها از لحاظ آموزش، نگهداری و تأمین واحدهای نیروی انسانی و آمادی حداکثر تلاش به عمل آید. از طرفی درگیری‌های داخلی درست در خلاف جهت این نیاز مبرم، سبب تجزیه و فرسودگی این واحدها می‌شد و شرایط سیاسی، اجتماعی و نظامی ایران در آن روز تعیین اولویت را بسیار مشکل می‌کرد. اما به‌طور ضمنی اولویت به موضوع رفع ناآرامی‌های داخلی داده شد؛ چنان‌که در بیست و پنجم آذر ماه لشکر ۸۱ زرهی گزارشی به نیروی زمینی داد مبنی بر اینکه با توجه به مأموریت مقابله با تهاجم احتمالی ارتش عراق که به آن لشکر واگذار شده و کمبودهای نیروی انسانی و آمادی که لشکر دارد و تفرقه و گسترش درگیری‌های مرزی که هم‌اکنون واحدهای لشکر دارند، امکان اجرای مسئولیت پدافند واگذار شده در مقابل تهاجم احتمالی ارتش عراق غیرممکن خواهد بود و پیشنهاد کرد که واحدهای گسترش یافته لشکر به پادگان‌ها برگردانده شوند و تشکل سازمانی خود را بازیابند و آمادگی رزمی خود را برای اجرای مأموریت احتمالی بالا ببرند. نیروی زمینی در مقابل این پیشنهاد لشکر در چهارم دی ماه پاسخ داد: «یکان‌های نیروی زمینی با توجه به مقدرات و مشکلات موجود مأموریت‌های ارجاعی را انجام می‌دهند و چون برقراری امنیت داخلی از اولویت خاصی برخوردار بوده و ادامه پاکسازی و رسیدن به امنیت داخلی همچنان ادامه دارد، لذا پیشنهاد لشکر در وضعیت حاضر مورد تصویب قرار نمی‌گیرد.»

در آذر ماه در منطقه مرزی ایلام نیز حوادثی رخ داد که عامل اصلی آن ضدانقلابیون داخلی بودند. یک گروه مسلح به پایگاه رادار مستقر در غرب ایلام به نام پایگاه نخجیر حمله کردند و خساراتی را به آن مرکز حساس پدافند هوایی کشور وارد آوردند و ۲۵ نفر از کارکنان پایگاه را نیز به گروگان گرفتند. در منطقه قصرشیرین نیز برخوردهای شدیدی رخ داد که در حوالی پاسگاه‌های مرزی بزمیرآباد پیشکان، تلخاب، بازرگان و کانی‌سخت حوادث شدیدتر بود.

با توجه به این حوادث احساس خطر مخالفان داخلی و خارجی جدی‌تر و نیاز به تشکیل یک قدرت رزمی دفاعی متناسب با تهدیدهای داخلی و خارجی نمایان‌تر شد. از این‌رو در پانزدهم آذر ماه طرح کلی تشکیل ارتش بیست میلیونی به‌وسیله حجت‌الاسلام خامنه‌ای، معاون وزیر دفاع، اعلام شد. در مطبوعات نیز موضوع اختلاف ایران و عراق با تأکید بیشتری مطرح گردید. حوادث مرزی احتمالاً شدیدتر از آنچه که اتفاق می‌افتاد، درج و منتشر می‌شد.

در جبهه سیاست داخلی، دولت جدید جمهوری اسلامی ایران با شتاب قابل ملاحظه‌ای به سمت ثبات می‌رفت؛ چنان‌که در چهاردهم آذر ماه قانون اساسی جدید ایران به رأی عمومی گذاشته شد و با ۹۸ درصد آرای مثبت ملت ایران تصویب شد، اما عده‌ای از گروه‌های چپ‌گرا به آن رأی ندادند و مخالفت خود را با قانون اساسی جدید علناً نشان دادند. این امر سبب بروز حوادث ناگوار سیاسی در داخل شد که سال‌ها ادامه داشت و دولت مرکزی بیش از پیش وجود یک نیروی نظامی قوی و مؤمن به آرمان اسلامی انقلاب برای مساعدت به ارتش را احساس می‌کرد و بهترین وسیله برای این منظور استفاده از نیروهای مردمی بود که به نام بسیج مستضعفین شکل گرفت.

در ارتش نیز تشکیل یکان‌های ویژه ضربتی آغاز شد و اولین واحد ضربتی به نام یکان «مالک اشتر» در لشکر کرمانشاه آغاز به سازمان دادن و مجهز شدن کرد. براساس گزارشی که در اول دی ماه لشکر ۸۱ زرهی به نیروی زمینی داد، اعلام کرد که این یکان با استفاده از ششصد نفر از افراد غیرنظامی داوطلب و تعدادی از افسران و درجه‌داران لشکر سازمان داده شده، ولی فاقد وسایل، تجهیزات و سلاح است و از نیروی زمینی درخواست سلاح، وسایل و تجهیزات برای این واحد جدیدالتأسیس کرد. شاید چنین به نظر برسد که با بودن یک لشکر زرهی، یک واحد ششصد نفری داوطلب، آن هم بدون سلاح و تجهیزات چه کارایی رزمی می‌توانست داشته باشد. حقیقت امر این بود که استعداد رزمی واقعی لشکر از نظر کیفی و کمی در چنان شرایطی بود که این واحد (که در حدود یک گردان پیاده بود) می‌توانست تأثیر قابل ملاحظه‌ای در بالا رفتن آمادگی رزمی لشکر داشته باشد.

حوادث کردستان در دی ماه ۱۳۵۸

با وجود اتفاقاتی که در نُه ماه گذشته سال ۱۳۵۸ در صحنه سیاسی و نظامی بین ایران و عراق رخ داده بود، هنوز امید بهبودی روابط قطع نشده بود؛ چنان که دکتر حبیبی، سخنگوی شورای انقلاب، در دوم دی ماه اظهار کرد: «سعی می‌کنیم روابط خودمان را با عراق حفظ کنیم و در این باره از امام کسب تکلیف شد که ایشان فرمودند، روابط حفظ شود ولی اعمال متقابل باشد.»

از نظر نظامی، ارتش عراق در سال ۱۳۵۸ تجاوزات رسمی که منجر به برخورد عملیاتی شود، نکرد؛ بلکه تجاوزات عراق بیشتر به وسیله عوامل نفوذی و اقدامات شناسایی زمینی، هوایی و پشتیبانی از عناصر ضدانقلاب ایران صورت می‌گرفت. به عنوان مثال عواملی که به پایگاه مخابراتی و اطلاعاتی نخجیر در غرب ایلام حمله کردند، بدون تردید از خاک عراق آمده بودند و آموزش یافته ارتش عراق بودند؛ زیرا نتیجه این عمل خائنانه آنان مستقیماً به نفع دولت و ارتش عراق بود و برای عوامل ضدانقلاب حتی ارزش یک پاسگاه ژاندارمری را نداشت و از نظر ضربت زدن به ملت و ارتش ایران یکی از زیان‌بارترین عملیات علیه امنیت کشور بود، زیرا پوشش هوایی مرز غربی کشور در منطقه ایلام به وسیله این پایگاه مخابراتی و اطلاعاتی برقرار شده بود و ورود هواپیماها و بالگردهای عراقی به ایران به وسیله این پایگاه کنترل می‌شد که با از بین رفتن آن، پوشش و تأمین هوایی قسمتی از مرز ایران در مقابل تجاوزات هوایی عراق آسیب فراوان دید. بنابراین به احتمال قریب به یقین طرح حمله به پایگاه مخابراتی نخجیر به وسیله ارتش عراق طرح‌ریزی شده بود و این امر خود نمونه‌ای از تجاوزات عراق بود.

نکته‌ای که در نحوه انجام وظیفه نیروهای مشترک شامل نیروی زمینی، نیروهای انتظامی شهربانی، ژاندارمری و سپاه پاسداران به چشم می‌خورد، این است که از اوایل بروز ناامنی‌های داخلی و لزوم فعالیت مشترک این نیروها برای مبارزه با عوامل ضدانقلاب با وجود اینکه سپاه پاسداران انقلاب هنوز سازمان متشکلی پیدا نکرده و قدرت رزمی کافی به دست نیاورده بود و حداقل از نظر کمیت نسبت به قدرت و استعداد ارتش استعداد کمی داشت، ولی در عمل محور اصلی مبارزه با ضدانقلاب داخلی را سپاه پاسداران تشکیل داد و یا می‌توان گفت در اتخاذ تصمیمات نقش تعیین‌کننده داشت. به عنوان مثال در تاریخ ۲۹ آذر

ماه جلسه شورای تأمین استان کرمانشاه در ستاد لشکر ۸۱ تشکیل شد که در آن جلسه داریوش فروهر، وزیر مشاور، سرتیپ دانشور، فرمانده ژاندارمری کشور، استاندار و فرمانده لشکر و سایر مقامات بلندپایه کشوری و لشکری و همچنین رئیس سپاه پاسداران کرمانشاه حضور داشتند و وضعیت نظامی استان مورد بررسی قرار گرفت و تدابیری برای کنترل شهرها و راه‌های مواصلاتی اتخاذ شد و صورتجلسه‌ای تهیه گردید. آخرین ماده این صورتجلسه این بود: «تمامی اطلاعات به دست آمده، به سپاه پاسداران ارسال شود و در آنجا پس از بررسی بلافاصله به استانداری، لشکر، ژاندارمری و شهربانی ارسال شود.»^۱ درحالی که تمام مأموریت‌های اجرایی عملاً به لشکر محول می‌شد و عنصر اصلی عملیاتی، لشکر بود. چنان که در ۸ دی ماه استاندار کرمانشاه به استناد همان صورتجلسه به لشکر ۸۱ ابلاغ کرد: «ده نفر از افراد سپاه پاسداران در محور پاوه ربوده شده‌اند، خواهشمند است هرچه سریع‌تر نسبت به تأمین جاده و باز کردن راه پاوه و استرداد پاسداران ربوده شده اقدام کنید.»

این‌گونه سامانه فرماندهی با موازین کلی عملیات نظامی هماهنگی نداشت. شاید در آن شرایط این روش بهترین راه حل مقابله با مشکلات نظامی منطقه بود، ولی به هر حال از نظر روانی و سلسله مراتب فرماندهی معمول در تمام ارتش‌های جهان سبب بروز اختلافات ظاهری یا نهانی می‌شد و احتمالاً ناهماهنگی‌هایی در تصمیم‌گیری و اجرای تصمیمات به وجود می‌آورد.

در پنجم دی ماه شدت زدو خورد به منطقه باویسی کشیده شد و پاسگاه ژاندارمری باویسی مورد تهدید مهاجمان قرار گرفت. از نیروی هوایی درخواست پشتیبانی هوایی شد، ولی به علت برف و یخبندان فرودگاه همدان و تهران، اعزام هواپیما میسر نشد و الزاماً یکانی از لشکر ۸۱ برای کمک به پاسگاه باویسی اعزام شد.

مسئله پاوه و نوسود هنوز در رأس مسائل منطقه کرمانشاه بود، ضمن اینکه در مناطق دیگر نیز ناامنی همچنان ادامه داشت؛ به نحوی که لشکر ۸۱ زرهی به سختی می‌توانست همه مأموریت‌های تأمینی منطقه را اجرا کند. فرمانده لشکر به اجبار در ۱۳۵۸/۱۰/۱۶ وضعیت را به نیرو گزارش داد و درخواست اعزام واحدهایی از لشکرهای

^۱. کتاب اسناد جبهه غرب (ص ۲۵۲)

دیگر به منطقه کرمانشاه کرد. در این گزارش وضعیت آمادگی رزمی لشکر به‌طور خلاصه چنین بیان شد: «چهار گردان پیاده زرهی، یک گردان تانک و یک گردان توپخانه این لشکر قبل از انقلاب در مأموریت فرماندار نظامی تهران و اهواز بوده‌اند و در جریان انقلاب اغلب وسایل، سلاح و تجهیزات این گردان‌ها به دست انقلابیون افتاده است، حتی قسمتی از خودروهای این گردان‌ها به تصرف انقلابیون درآمده است. لذا این شش گردان که ۴۰ درصد قدرت رزمی لشکر را تشکیل می‌دهند، فاقد وسایل و تجهیزات هستند و لشکر با بقیه واحدها برای اجرای مأموریت‌ها دچار مشکلاتی شده است»

در این شرایط قسمتی از فشار عملیاتی به‌اجبار به نیروی هوایی و هوانیروز تحمیل می‌شد و برای پشتیبانی از هر پاسگاه و حرکت یک دسته رزمی در هر مسیر از هواپیماها و بالگردهای جنگی استفاده می‌شد و با توجه به محدودیت تدارک قطعات یدکی و استهلاک سریع بعضی قطعات هواپیماها و بالگردها این روش استفاده از مقدرات موجود فوق‌العاده زیان‌بار بود و معمولاً در شرایط اضطراری از این وسایل بسیار گران‌قیمت، مهم و حساس این چنین استفاده عملیاتی می‌شود؛ ولی شرایط سیاسی و نظامی در آن زمان به نحوی بود که امکان مخالفت با درخواست‌های واحدهای درگیر بسیار محدود و در بعضی موارد غیرممکن بود. همین روش استفاده از هواپیماها و بالگردها سبب شد که در آغاز جنگ تحمیلی توان رزمی نیروی هوایی و هوانیروز در سطح چندان بالایی نباشد. درباره استفاده از تانک‌ها و نفربرها نیز وضعیت به همین منوال بود چنان‌که فرمانده لشکر ۸۱ زرهی در تاریخ ۱۶ دی ماه ۱۳۵۸ چنین گزارش داده است:

«با توجه به مشکلات موجود در جاده‌ها، پشتیبانی یکانی پاسگاه‌ها به‌وسیله تانک ام -۶۰ در بعضی جاده‌ها غیرمقدور و در برخی دیگر با اشکالاتی مواجه است و تا کنون تانک‌های اسکورپیون این لشکر - منظور تانک سبک شناسایی که در هر لشکر ۲۱ دستگاه بود- به دلیل اعزام به مأموریت‌های قبل از انقلاب همه خلع سلاح شده‌اند و اکثراً فاقد وسایل مخابراتی و تیربار هستند و لشکر با تلاش بسیار توانسته است تعداد معدودی از آنها را حاضر به کار و به نفت‌شهر اعزام کند. لذا به منظور پشتیبانی از یکان‌ها و پاسگاه‌هایی که در مناطق غیرقابل عبور برای تانک ام -۶۰ مستقرند، نیاز

به پانزده دستگاه تانک اسکورپیون دارد تا بتواند به موقع مأموریت‌های محوله را با تحرک سریع انجام دهد.»

نیروی زمینی به درخواست لشکر پاسخ منفی داد و در بیست و سوم دی ماه ابلاغ کرد که با توجه به درگیری یکان‌های نزاجا و نیز به کارگیری همه خودروها و نفربرهای موجود، واگذاری پانزده دستگاه اسکورپیون مورد درخواست لشکر مقدور نیست و لشکر با مقدماتش، مأموریت‌های محوله را انجام دهد. ملاحظه می‌شود که قریب نه ماه قبل از آغاز جنگ تحمیلی وضعیت دومین لشکر پر قدرت زرهی ایران و کل نیروی زمینی ایران در چه موقعیت بحرانی بوده است. در چنین شرایط کاهش توان رزمی، مشکلات روز به روز بیشتر می‌شد و فشار بر واحدهای نیروی زمینی بیشتر وارد می‌آمد؛ چنان‌که در بیستم دی ماه سپاه پاسداران قصرشیرین به مقامات بالاتر گزارش داد که ژاندارمری تمام پاسگاه‌های مرزی واقع در نوار مرزی قصرشیرین را تخلیه کرده و حفاظت از مرز به عهده سپاه پاسداران و افراد نیروی زمینی محول شده است و نیروی زمینی نیز می‌خواهد واحدهای خود را از پاسگاه‌ها جمع‌آوری کند، در حالی‌که سپاه پاسداران بدون پشتیبانی نیروی زمینی نمی‌تواند در پاسگاه‌ها باقی بماند. در این باره ژاندارمری کشور در تاریخ بیست و دوم دی ماه اعلام کرد که چون بعضی پاسگاه‌ها در مناطق دورافتاده و غیرحساس واقع شده و نگهداری آنها در مقابل حملات ضدانقلاب (که از طرف دولت عراق تقویت شده بودند) مستلزم تقاضای کمک از نیروی زمینی است، لذا با هماهنگی فرمانده نیروی زمینی تصمیم گرفته شد که بعضی از پاسگاه‌ها با یکدیگر ادغام شوند. شاید در آن زمان این امر ضروری بوده باشد، ولی از لحاظ هدایت عملیات نظامی این چنین تصمیمی منطقی نیست. هنگامی‌که احتمال عملیات نفوذی و شناسایی دشمن زیاد است، باید به تعداد پست‌های تأمینی افزوده شود نه اینکه از موجودی‌ها نیز کسر شود، اما این شرایط عملاً به وجود آمده بود و چشم امید همه مقامات مسئول به ارتش بود. سرانجام تعداد مأموریت‌های لشکر آن قدر زیاد شد که نیروی زمینی مجبور شد در تاریخ سی‌ام دی ماه از لشکر ۷۷ مشهد نیز یک گردان پیاده را با سه فروند هواپیمای (سی-۱۳۰) از مشهد به کرمانشاه ترابری کند و در زیر امر لشکر ۸۱ زرهی قرار دهد. در بیست و دوم دی ماه لشکر به دلیل مشکلات کمبود واحدهای سازمانی و زیر امر از نیروی زمینی درخواست کرد که استعداد گردان

اعزامی به سردشت به یک گروهان تقویت شده تقلیل یابد، ولی به دلیل ناآرامی منطقه سردشت این درخواست لشکر مورد تصویب نیروی زمینی قرار نگرفت. با وجود این همه درگیری‌های داخلی، نگرانی از حمله احتمالی عراق نیز روزبه‌روز بیشتر می‌شد. پیام‌های مبادله شده زیر دلیل این نگرانی فرماندهان است.

در بیست و پنجم دی ماه سال ۱۳۵۸ فرماندهی پشتیبانی منطقه ۱ غرب به نیروی زمینی گزارش داد که با توجه به وضعیت عملیاتی منطقه سریعاً یک دسته پدافند هوایی ۲۳م برای تأمین و پوشش هوایی انبارهای مهمات اعظم‌پناه به آن فرماندهی مأمور شود و رونوشت آن را به لشکر ۸۱ زرهی نیز داد. لشکر ضمن تأیید این نیاز پاسخ داد که مقدراتی برای انجام این مأموریت ندارد و حتی نیروی زمینی نیز در همان روز به پشتیبانی منطقه و لشکر ۸۱ ابلاغ کرد که امکان اختصاص یک دسته پدافند هوایی برای حفاظت هوایی انبارهای اعظم‌پناه را ندارد و دستور داد نیروی سازمانی با تیربار پوشش هوایی انبارهای مهمات را برقرار سازند. این وضع نشانگر نهایت ضعف استعداد رزمی نیروی زمینی در آن زمان است. همین نیرویی که تصور می‌شد بزرگ‌ترین ارتش خاورمیانه و حتی کشورهای جهان سوم است، حتی نتوانسته یک دسته پدافند هوایی، یعنی شش قبضه توپ ۲۳م با خدمه که جمعاً حدود سی نفر می‌شود، برای حفاظت انبارهای مهمات به ارزش چندین میلیارد ریال را تأمین کند و این وضع هشت ماه قبل از جنگ بود.

در بیست و ششم دی ماه عناصر ضدانقلاب و آشوبگر با حمایت ارتش عراق پاسگاه‌های دارخور، باباهادی و باویسی در منطقه مرزی قصرشیرین را مورد تهدید قرار دادند و بنا به گزارش ژاندارمری، عملیات مهاجمان با سلاح سنگین ارتش عراق پشتیبانی می‌شد، چنان‌که اهالی قصرشیرین صدای انفجار گلوله‌های سلاح سنگین را می‌شنیدند. از تیپ زرهی سرپل‌ذهاب نیروی تقویتی برای پاسگاه‌های درگیر شده، اعزام شد و در مسیر حرکت یک دستگاه تانک با مین برخورد کرد و آسیب دید. در این درگیری چهار نفر از مهاجمان کشته و تعدادی زخمی و اسیر شدند و از نیروهای خودی نیز به دو دستگاه تانک آسیب رسید. موضوعی که در بررسی اسناد ژاندارمری به چشم می‌خورد، این است که از آغاز درگیری‌های داخلی امکان دخالت مستقیم و غیرمستقیم نیروهای عراقی در عملیات مورد نظر بوده است و این گزارش‌ها که تا حدودی اغراق‌آمیز بوده‌اند، بیشتر سبب کشاندن

نیروهای ارتشی به پاسگاه‌های مرزی شدند. به‌عنوان مثال در گزارشی که هنگ ژاندارمری ایلام در چهاردهم آذر ماه به مقامات مافوق فرستاده، نظر داده که برابر گزارش‌های پاسگاه‌های مرزی، دولت عراق به‌شدت یکان‌ها و پاسگاه‌های مرزی خود را تقویت و آنها را به سلاح سنگین و ضدتانک مسلح کرده است. حتی تانک و زره‌پوش در بعضی پاسگاه‌های مرزی عراق مستقر شده است. استاندار ایلام نیز بر اساس گزارش‌های هنگ ژاندارمری ایلام از طریق وزارت کشور و هیئت دولت گزارش‌هایی فرستاد و در آنها تقویت فوق‌العاده استحکامات و یکان‌های مرزی عراق را اعلام کرد. مثلاً اعلام کرد که در مقابل پاسگاه شورشیرین ایران، پنج پاسگاه عراقی کاملاً مجهز مستقر شده است و به همین دلیل درخواست تقویت پاسگاه‌های ژاندارمری ایلام را کرد. ژاندارمری کشور نیز به جای استفاده از امکاناتش از طریق ستاد مشترک، از نیروی زمینی درخواست کرد که پاسگاه‌ها را تقویت کند. البته از اینکه دولت عراق پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران توجه خاصی به تأمین و کنترل مرز با ایران را داشته، تردیدی نیست، به‌ویژه بعد از آشکار شدن اختلافات عقیدتی در تابستان سال ۱۳۵۸ به مرور طرح‌های نظامی را در مناطق مرزی به مرحله اجرا گذاشت و از وظایف نیروهای دفاعی ایران بود که با هوشیاری تمام مراقب هرگونه فعالیت مشکوک کشور همسایه در مرز و حتی در داخل عراق باشند. اما نکته مهم در این اقدامات متقابل نظامی روش جمع‌آوری، تقویم، تفسیر و ارزیابی اطلاعات و اتخاذ تصمیمات صحیح و مناسب با اعمال قطعی یا احتمالی ارتش عراق بود. دربارهٔ اطلاعات مرزی کدام سازمان متشکل اطلاعاتی این فعالیت اطلاعاتی را هدایت می‌کرد؟ آیا به صرف گزارش یک سرباز یا درجه‌دار مقیم یک پاسگاه مرزی باید آن را قطعی و صحیح تلقی می‌کرد یا اینکه سازمان‌های رده بالاتر موظف بودند افسران مطلع اطلاعاتی را به مناطق مورد نظر بفرستند و براساس روش‌های صحیح تاکتیک نظامی، عملیات شناسایی زمینی و هوایی انجام دهند و بنا به اصل روش اطلاعاتی که باید متقاطع و چند جانبه باشد، اقدام می‌کردند تا امکان تصمیم‌گیری صحیح و متناسب در رده‌های مختلف فرماندهی به وجود می‌آمد؟

بر اساس گزارش‌های هنگ ژاندارمری و استانداری ایلام در اواسط آذر ماه، یک گردان از تیپ ۸۴ پیاده خرم‌آباد به منطقه دهلران و مهران اعزام شد تا پاسگاه‌های مرزی را تقویت کند و دستور داده شد ۵۰۰ قبضه تفنگ برنو در اختیار استانداری ایلام قرار داده

شود تا عشایر منطقه را با صلاحدید خود مسلح کند. سیر حوادث نشان می‌دهد که یکی از هدف‌های دولت عراق قبل از جنگ این بوده که به هر طریقی که می‌تواند وحشت و نگرانی در مقامات مسئول ایرانی ایجاد کند و نیروهای مسلح را به تمام مرز بیش از ۱۳۵۰ کیلومتری بکشاند و با طول زمان آنها را فرسوده سازد. به عنوان مثال در همین منطقه ایلام اقدام به چنین کاری کرد. در سیزدهم دی ماه یک لوله نفت در شمال غربی موسیان و معبر بیات منفجر شد و فعالیت‌های تحریک‌آمیزی در پاسگاه‌های مرزی منطقه مهران و تپه ۳۴۳ نزدیک به سد کنجان‌چم از طرف عوامل عراقی انجام گرفت و آن نگرانی را در مقامات انتظامی و کشوری استان ایلام به وجود آورد. در منطقه مرزی دهلران علاوه بر مسئله نظامی یک مسئله اقتصادی و نفتی نیز بین ایران و عراق وجود داشت.

در مطالب گذشته به حوزه نفتی مشترک ارتفاعات حمربین در منطقه مرزی دهلران، موسیان و فکه اشاره شد. از جمله گزارش‌هایی که از طریق ژاندارمری ارسال می‌شد، حاکی از این بود که فعالیت شرکت نفت عراق در این منطقه مرزی شدیدتر شده است. در بیست و دوم دی ماه شرکت نفت به وزارت کشور اعلام کرد که دولت عراق در مقابل منطقه مرزی دهلران چندین چاه نفت حفر کرده که تعدادی از آنها بیش از حد متعارف و مجاز بین دو کشور به مرز ایران نزدیک‌تر است و چون دولت عراق خود را ملزم به رعایت روابط متقابل نمی‌داند، شرکت ملی نفت ایران نیز در نظر دارد به عنوان اولین اقدام متقابل عراق، ساختمان محل حفر سه حلقه چاه نفت را در نزدیکی مرز عراق آغاز کند، از این‌رو به منظور مقابله با هرگونه عکس‌العمل احتمالی خصمانه عراق درخواست می‌شود که ژاندارمری و مرزبانی با شرکت نفت همکاری کنند. مشکلات ژاندارمری نیز آن‌قدر زیاد بود که امکان پاسخ‌گویی به همه نیازهای امنیتی کشور در داخل و مرزها را نداشت. سرتیپ دانشور، فرماندهی ژاندارمری کنار رفت و در اوایل اسفند ماه سرتیپ ظهیرنژاد که فرماندهی لشکر ارومیه را عهده‌دار بود به فرماندهی ژاندارمری کشور منصوب شد.

حوادث کردستان در بهمن ماه ۱۳۵۸

دی ماه سال ۱۳۵۸ با حوادث و ناملایمات سپری شد و در بهمن ماه نیز همان حوادث و ناملایمات ادامه یافت. نیروی زمینی برای مقابله با تهدیدهای داخلی و خارجی مجبور

شد در اوایل بهمن ماه قسمتی از عناصر لشکر یک پیاده تهران را نیز به کرمانشاه اعزام کند. این واحد در ششم بهمن ماه در پادگان سرپل ذهاب مستقر شد و همزمان یک واحد از لشکر ۸۱ کرمانشاه برای تقویت واحدهای سنندج اعزام شد که در نهم بهمن ماه بدون برخوردی به سنندج رسید. در دهم بهمن ماه تیپ ۳ سرپل ذهاب گزارش داد که شبانه عده‌ای پاسگاه مرزی گرده‌نو را زیر آتش گرفته و نیم ساعت درگیری بین افراد پاسگاه و مهاجمان ادامه داشته است.

شهر پاوه نیز همچنان ناآرام بود. در یازدهم بهمن ماه درگیری‌هایی به وجود آمد که منجر به شهادت یک نفر و مجروح شدن دو نفر از پاسداران شد و روز بعد نیز عده‌ای افراد مسلح به داخل شهر ریختند و تعدادی از مغازه‌ها و منازل را به آتش کشیدند و تعدادی از سلاح و تجهیزات مدافعان از جمله یک قبضه تفنگ ۱۰۶م و تعدادی تفنگ ژ-۳ به دست مهاجمان افتاد. در قوری قلعه نیز زدوخورده شدیدی رخ داد و چهار نفر از پاسداران شهید و تعدادی مجروح شدند. برای شناسایی ارتفاعات اطراف پاوه یک فروند هواپیما اعزام شد، ولی هواپیما نتوانست مواضع آشوبگران را پیدا کند و سپاه پاسداران مقیم پاوه از عدم پشتیبانی کافی یکان‌های نیروی زمینی مستقر در پاوه اظهار نارضایتی کرد.

در هفدهم بهمن ماه، منطقه کامیاران حساس‌تر شد و مانند همیشه به نیروی زمینی فشار وارد آمد که امنیت این منطقه را برقرار سازد. در نوزدهم بهمن‌ماه ژاندارمری یک گزارش جامع از وضعیت منطقه مرزی کرمانشاه به ستاد مشترک داد که حاکی از این بود که عناصر ضدانقلاب وابسته به «سردار جاف» و دیگران با تمرکز عده‌ای حدود دو هزار نفر مجهز به سلاح سنگین، منطقه مرزی از شیخ‌صله تا گرده‌نو را مورد تهدید جدی قرار داده‌اند و اظهار کرد که ژاندارمری به تنهایی قادر به دفع حملات آنان نیست و چنانچه اقدام سریع به عمل نیاید، تمام منطقه مرزی قصرشیرین در کنترل ضدانقلاب قرار خواهد گرفت. سرانجام طبق روش جاری، پیشنهاد کرد که نیروی زمینی با استفاده از تمامی امکانات لشکر ۸۱، مناطق مرزی را تقویت کند. یادآوری این نکته ضروری است که معمولاً در شرایط بحرانی مقامات مسئول اقدام به ارسال گزارش‌هایی می‌کنند تا در صورت بروز حوادث احتمالی از خود سلب مسئولیت کرده باشند. در مسائل منطقه مرزی قصرشیرین نیز تا حدودی چنین شرایطی وجود داشت. ژاندارمری به ستاد مشترک گزارش‌هایی می‌داد

که تمام منطقه مرزی در حال سقوط است و درخواست اعزام واحدهای لشکر ۸۱ و پشتیبانی نیروی هوایی می‌کرد؛ چنان‌که در بیست و دوم بهمن ماه گزارش داد که سپاه پاسداران از گرده‌نو جلوتر رفته و در حوالی دارخور هستند و در ازگله نیروی زمینی وجود ندارد و در شیخ‌صله نیز فقط ده نفر جوانمرد محلی مستقر است. تیپ (۱) ابادر نه تنها در ازگله نیرویی ندارد بلکه عناصر خود را به پادگان عقب برده است. درخواست یک فروند هواپیما شد تا دیوار صوتی را در منطقه بشکند و باردیگر در همان روز گزارش دیگری داد که طبق گزارش فرمانده ناحیه ژاندارمری کرمانشاه واحدهای تیپ سرپل‌ذهاب به پادگان مراجعت کرده‌اند و به این ترتیب پاسگاه‌های تیله‌کوه و گروهان گرده‌نو قدرت دفاعی خود را از دست داده‌اند.

بر اساس اعلام سماجا با نظر شورای تأمین استان، حفاظت مرز از تنکاب کهنه تا بیشگان به عهده ژاندارمری و از بیشگان به بعد به سپاه پاسداران واگذار شده است و تیپ سرپل‌ذهاب مسئولیت پشتیبانی از ژاندارمری و سپاه پاسداران را دارد. سرانجام در پایان گزارش اعلام کرده که پاسگاه‌های مرزی قادر به دفاع در مقابل مهاجمان نیستند و چنانچه واحدهای زرهی به پاسگاه‌ها اعزام نشوند، سقوط آنها حتمی است.

ستاد مشترک نیز بر اساس گزارش ژاندارمری نامه نسبتاً خشنی به نیروی زمینی نوشته و از نیروی زمینی خواست با حداکثر توان از نیروی انتظامی پشتیبانی کند.

نیروی زمینی در تاریخ بیست و دوم بهمن ماه پاسخ نامه ژاندارمری و سماجا را چنین داد: «در شورای تأمین استان که با حضور شخص فرمانده نیروی زمینی (تیمسار فلاحی) در کرمانشاه تشکیل داد، نظر داده شد که وجود یکان‌های ارتش در پاسگاه گرده‌نو ضروری نیست و دستور داده شد واحدهای اعزامی از تیپ سرپل‌ذهاب به پادگان برگردند و در پادگان آماده برای اعزام در صورت نیاز باشند. فرمانده لشکر ۸۱ زرهی اظهار کرد که هدف ژاندارمری درگیر کردن واحدهای ارتش و عقب بردن ژاندارم‌ها از پاسگاه‌ها است، زیرا شخص فرمانده ناحیه ژاندارمری کرمانشاه در جلسه شورای تأمین شرکت داشته و این تصمیم را تأیید کرده است. گزارش بعدی ناحیه موجه به نظر می‌رسد.» سرانجام این گفت‌وگوها سبب شد که تیپ ۳ زرهی پاسگاه گرده‌نو را تحویل بگیرد و مسئولیت تأمین مرز آن منطقه را عهده‌دار شود. فرمانده نیروی زمینی

ضمن تصویب این تصمیم، به لشکر ۸۱ در تاریخ ۱۳۵۸/۱۱/۲۴ دستور داد خمپاره‌ها و سایر سلاح‌ها به طرف مرز عراق روانه شوند تا چنانچه عوامل نفوذی از خاک عراق، پاسگاه‌ها را مورد تهدید قرار دادند، به طرف آنها تیراندازی شود.

در بیست و سوم بهمن ماه مسئولیت تأمین منطقه کامیاران نیز به نیروی زمینی واگذار شد و ژاندارمری از این مأموریت رها گردید و نیروی زمینی الزاماً برای تقویت لشکر ۸۱ واحدهای دیگری از لشکرها و تیپ‌های دیگر به کرمانشاه اعزام کرد که از جمله در بیست و چهارم بهمن یک گردان از تیپ نوهده به کرمانشاه اعزام شد.

در بیست و ششم بهمن ماه، ناحیه ژاندارمری کرمانشاه گزارش داد که پاسگاه ژاندارمری تپله‌کوه جمعی گروهان گرده‌نو، مورد هجوم اشرار قرار گرفته و برای در هم کوبیدن مهاجمان، درخواست پشتیبانی هوایی شد، ولی اعزام هواپیما میسر نشد و از طریق ناحیه به توپخانه دوزن دستور داده شد تا با آتش سنگین از پاسگاه پشتیبانی کند. این درگیری تا غروب آفتاب ادامه داشت. موضوع مهم در این گزارش‌ها کاربرد هواپیما و توپخانه است. نظر به اینکه این پاسگاه‌ها نزدیک مرز عراق هستند به احتمال زیاد پشتیبانی هوایی و توپخانه می‌تواند مناطق مرزی عراق را نیز زیر پوشش خود قرار دهد و با وجود اینکه در این عملیات نیروهای ایرانی هیچ‌گونه نظر تجاوز به قلمرو هوایی و زمینی عراق نداشته‌اند، ولی دولت عراق این عملیات داخلی ایران را به عنوان تجاوز به قلمرو زمینی و هوایی خود تلقی کرد؛ چنان‌که در بهانه‌جویی‌های صدام حسین همین مسائل به عنوان یک مدرک مهم به محافل بین‌المللی ارائه شد.

نکته‌ای که از نظر روش تبلیغاتی در این مسئله دیده می‌شد، مصاحبه‌های مطبوعاتی فرمانده ناحیه ژاندارمری کرمانشاه بود که پی‌درپی انجام می‌شد و وضعیت منطقه با اغراق قابل ملاحظه‌ای در روزنامه‌ها درج می‌شد.

در بیستم بهمن ماه فرمانده لشکر ۸۱ یک گزارش اعتراض آمیزی نسبت به مصاحبه‌های اغراق آمیز، به نیروی زمینی ارسال کرد و نظر داد که این‌گونه مصاحبه‌ها سبب خطرانی برای امنیت ملی و ضعف روحیه کارکنان نظامی می‌شود و پیشنهاد کرد از این مصاحبه‌ها جلوگیری به عمل آید. در بیست و هشتم بهمن ماه نیز درباره گزارش ناحیه ژاندارمری مربوط به حادثه بیست و ششم بهمن در رابطه با حمله مهاجمان به پاسگاه

ژاندارمری تپله کوه و نبرد سخت در آن پاسگاه لشکر گزارش داد که اصولاً این گزارش کذب محض بوده و فرمانده تیپ سرپل ذهاب اظهار کرده که شخصاً در جریان این مسئله بوده و توپخانه به دستور او فقط سه تیر شلیک کرده و بالگرد اعزامی نیز گزارش داده هیچ حادثه‌ای در منطقه نبوده و شخص فرمانده تیپ همراه فرمانده هنگ ژاندارمری قصرشیرین به پاسگاه تپله کوه رفته و موضوع را حضوری بررسی کرده است. اصولاً هجومی در میان نبوده بلکه ناراحتی کارکنان به دلیل تعویض نشدن به موقع سبب بروز اغتشاشاتی در پاسگاه شده است. این حادثه نمونه‌ای از وضعیت اسفبار پاسگاه‌های مرزی و نحوه انجام وظیفه مأموران و مسئولان بوده است و علت اصلی آن برهم ریختن سازمان ارتش و ژاندارمری و از بین رفتن قدرت فرماندهی، نظارت، انضباط و روحیه افراد بوده است که بعد از انقلاب بر افراد ارتش، ژاندارمری و شهربانی مستولی شد و می‌توان گفت در چنین شرایطی بروز این گونه حوادث و اتفاقات غیرطبیعی نبود.

سرانجام در بیست و هفتم بهمن ماه، ژاندارمری گرده‌نو به تیپ سرپل ذهاب تحویل شد و افراد ژاندارم و پاسدار پاسگاه‌های وابسته به گروهان ژاندارمری، گرده‌نو را تخلیه کردند. پاسگاه باویسی نیز به وسیله عناصر تیپ زرهی اشغال شد و اجباراً روشی برای استفاده از واحدهای لشکر اتخاذ شد که اساساً با کاربرد واحدهای نظامی به‌ویژه واحدهای زرهی کاملاً مغایر بود. عناصر یک تیپ زرهی که باید به صورت نیروی ضربتی قوی یکپارچه نگهداری شود، به صورت دسته، گروه و تانک در پاسگاه‌های مرزی گسترش یافت. نمونه این گزارش برابر گزارش بیست و دوم بهمن ماه لشکر ۸۱ چنین بوده است:

«با قرار دادن ۱۱۰ نفر نیروی تیپ نوه‌د در زیر امر تیپ ۳ زرهی، ترکیب و گسترش یکان‌ها در منطقه سرپل ذهاب به شرح زیر بوده است:

۱- ارکان گردان و گروهان ارکان گردان ۱۵۰ لشکر ۱ پیاده با دو دستگاه تانک، دو عراده توپ، دو دستگاه نفربر زرهی، دو دستگاه مهمات‌بر و دو گروه از نیروی مخصوص در گرده‌نو.

۲- یک گروهان از گردان ۱۵۰ پیاده لشکر ۱ با دو دستگاه تانک، دو دستگاه نفربر و دو گروه نیروی مخصوص در تپله کوه.

۳- یک گروهان از گردان ۱۵۰ پیاده لشکر ۱ با سه دستگاه اسکورپیون و دو دستگاه نفربر در نفت شهر.

۴- یک گروهان از گردان ۱۵۰ پیاده لشکر ۱ با دو دستگاه تانک، دو دستگاه نفربر و گروه نیروی مخصوص در تپه‌رش.

۵- دو گروه از نیروی مخصوص در تنگ رستم.

۶- دو گروه از نیروی مخصوص در باویسی.»

در اواخر بهمن ماه، مرزبانی قصرشیرین گزارشی ارسال کرد که حاکی از اقدامات تجاوزکارانه دولت عراق در مرز بود. طی این گزارش مرزبانی عراق در شمال رودخانه قوره‌تو اقدام به احداث جاده نمود و دو میل چوبی در جنوب رودخانه و در داخل خاک ایران نصب کرد. از طریق ژاندارمری و مرزبانی قصرشیرین به افراد پاسگاه مرزی ابلاغ شد به طور غیرمحمسوس و پنهانی میل‌های چوبی نصب شده به وسیله عراق را از بین ببرند. در سی‌ام بهمن ماه نیز ژاندارمری قصرشیرین گزارش داد دولت عراق در منطقه مقابل پاسگاه دربندجوق اقدام به احداث جاده و خاکبرداری کرده که نسبت به قلمرو ایران تجاوز شده است.

حوادث کردستان در اسفند ۱۳۵۸

برابر گزارش ژاندارمری در یازدهم اسفند ماه یک فروند هواپیمای عراقی پاسگاه‌های کیسکه و بازرگان را گلوله‌باران کرد و یک جوانمرد ایرانی در پاسگاه کیسکه مجروح شد که در این مورد از طریق وزارت امور خارجه ایران در ۱۵ اسفند ماه اعتراض شدیدی به دولت عراق تسلیم شد. ژاندارمری گزارش داد: «همه پاسگاه‌های مرزی عراق تقویت شده و هواپیماها و بالگردهای عراقی به‌طور فعال عملیات گشت‌زنی انجام می‌دهند.» این گزارش اولین گزارش درباره فعالیت جدی ارتش عراق در نزدیکی مرز ایران بود. در هفدهم اسفند ماه اولین گزارش حاکی از برخورد بین مرزبانان ایرانی و عراقی از طریق ژاندارمری قصرشیرین ارسال شد. برابر مفاد آن در حوالی منطقه پاسگاه تنگاب‌نو به دلیل ربودن چهار گله گوسفند ایرانی و بردن آن به خاک عراق بین افراد پاسگاه ایرانی و عراقی درگیری ایجاد شد و گوسفندان ایرانی از عراق برگردانده شدند.

در نوزدهم اسفند ماه حدود یکصد نفر از افراد مسلح عراقی در حوالی پاسگاه خسروی و در بندجوق با اسلحه سنگین و سبک به خاک ایران تیراندازی کردند و افراد ژاندارمری به آتش آنان پاسخ دادند. این درگیری چهار ساعت به طول انجامید و از طرف مرزبانی ایران به مرزبانی عراق اعتراض شد و از طریق وزارت خارجه ایران نیز یادداشت اعتراض به سفیر عراق در تهران داده شد.

در بیستم اسفند ماه نیز پاسگاه قلعه سفید و آبادی قلعه سفید زیر آتش شدید نیروهای عراقی قرار گرفت و از طرف مرزبانان ایران به آتش دشمن پاسخ داده شد. این درگیری سه ساعت ادامه یافت.

در اسفند ماه، درگیری‌های داخلی همچنان ادامه داشت و دامنه ناآرامی‌ها به جوانرود نیز کشیده شد و طبق گزارشی که لشکر ۸۱ در چهارم اسفند ماه ارائه کرد، گسترش واحدهای لشکر برای مبارزه با ضدانقلاب به شرح زیر بود:

۱. واحدهای تیپ سرپل‌ذهاب در منطقه قصرشیرین (قبلاً بیان شده)
۲. در نوسود یک گروهان مکانیزه اعزامی از لشکر ۹۲ زرهی با شش دستگاه اسکورپیون و دو قبضه خمپاره‌انداز ۱۲۰م
۳. در پاوه یک گردان پیاده با یک آتشبار توپخانه ۱۰۵م اعزامی از تیپ ۸۴ پیاده خرم‌آباد و پنج دستگاه نفربر زرهی
۴. در روانسر یک گروهان تانک از تیپ ۱ ل ۸۱
۵. در جوانرود یک تیم پیاده زرهی و یک دسته تانک از عناصر ل ۸۱ و پنجاه نفر از عناصر تیپ نوهده
۶. در کامیاران یک دسته پیاده زرهی و یک دسته تانک از عناصر ل ۸۱ و پنجاه نفر از عناصر تیپ نوهده
۷. در پادگان مهمات اعظم‌پناه یک آتشبار توپخانه ۱۵۵م از عناصر لشکر ۸۱
۸. در پایگاه هوانیروز چهار دستگاه مهمات‌بر و ۲۴ نفر نیرو از عناصر لشکر ۸۱ و دو قبضه توپ اعزامی از گروه ۴۴ توپخانه اصفهان
۹. در شرکت نفت بقیه آتشبار اعزامی از گروه ۴۴ توپخانه اصفهان
۱۰. در ربط سردشت یک دسته پیاده از عناصر لشکر ۸۱
۱۱. در سردشت گردان ۱۲۳ مکانیزه (-) از تیپ ۱ ل ۸۱

۱۲. در سندج یک گروهان مکانیزه از گردان ۱۲۳ تیپ ۱ ل ۸۱

فرمانده لشکر - سرهنگ سهرابی

دامنه درگیری‌های داخلی به قدری وسعت یافته بود که عملاً تمام عناصر نیروی زمینی درگیر شده بودند، حتی مراکز آموزشی نیز آنچه در توان داشتند واحد رزمی سازمان می‌دادند و برای تقویت و یا تعویض دوره‌ای به مناطق غرب کشور اعزام می‌کردند.

از مقدمات پروازی نیروی هوایی نیز در هر فرصت مناسب استفاده می‌شد و ژاندارمری نیز حداکثر مقدمات رزمی خود را به منطقه غرب تغییر مکان داده بود. در این گیرودار به دلیل شرایط نامساعد عملیاتی منطقه مشاجراتی هم بین فرماندهان درمی‌گرفت؛ چنان‌که فرمانده لشکر ۸۱ زرهی در یازدهم اسفند ماه گزارشی حاکی از گله از وضعیت ژاندارمری کرمانشاه به نیروی زمینی ارسال کرد که خلاصه آن چنین است:

«از مرز نوسود تا قصرشیرین یک نفر ژاندارم در پاسگاه مرزی وجود ندارد. اگر واقعاً وظیفه ژاندارمری به ارتش محول شده است، رسماً ابلاغ شود.» روز بعد نیز لشکر گزارش مفصل‌تری در همین باره به نیروی زمینی داد. سپاه پاسداران نیز از عدم پشتیبانی کافی یگان‌های نظامی مستقر در مناطق عملیاتی از پاسداران گله کرد. صرف نظر از چگونگی این گزارش‌ها، عامل اصلی این وضع، فشار شدیدی بود که از هر جهت به نیروهای مسلح غیرآماده ایران وارد می‌شد. درگیری‌های داخلی، تهدیدهای خارجی و کمبودهای عمومی توان رزمی نیروهای مسلح اعم از ارتش، ژاندارمری و سپاه برای پاسخگویی به این نیاز امنیت ملی عامل اصلی این گله‌گذاری‌ها بود.

سرانجام گله‌های فرمانده لشکر ۸۱ کرمانشاه به نتیجه رسید. در تاریخ ۵۸/۱۲/۱۶ کمیسیونی با شرکت رئیس ستاد مشترک، فرماندهان نیروی زمینی، ژاندارمری و سپاه پاسداران در دفتر رئیس ستاد مشترک در تهران تشکیل و توافق حاصل شد که هنگ ژاندارمری قصرشیرین پاسگاه‌های مرزی حوزه استحفاظی خود را از پاسگاه دربندجوق تا هلاله به انضمام پاسگاه‌های برج‌احمدی، یکه‌شان، هدایت و قلعه‌سفید را اشغال کند و جاده کرمانشاه قصرشیرین را تأمین نماید. سپاه پاسداران نیز از پاسگاه پرویز تا پاسگاه شوشمی به انضمام قلعه‌جوق جمعاً پانزده پاسگاه را اشغال کند و تأمین مرز را برقرار سازد.

نیروی زمینی نیز از گروهان تانک مستقر در گرده‌نو یک دسته در پشتیبانی سپاه پاسداران قصرشیرین قرار دهد و مسئولیت تأمین پاسگاه گرده‌نو به عهده گروهان مستقر در آن باشد. و به این طریق سال ۱۳۵۸ به پایان رسید، در حالی که منطقه غرب کشور همچنان در آتش ناامنی و ناآرامی می‌سوخت. قدرت دفاعی کشور هر روز بیشتر درگیر مسائل داخلی می‌شد و در جهت معکوس علاوه بر ناآرامی‌های داخلی تهدید عراق جدی‌تر می‌شد و در سال ۱۳۵۹ این وضع شدت بیشتری یافت که به شرح آن می‌پردازیم.

برخوردهای داخلی و مرزی در غرب در شش ماهه اول سال ۱۳۵۹

حوادث داخلی و مناطق مرزی استان کرمانشاه و ایلام در سال ۱۳۵۹ به مرور شدیدتر شد و این دو عامل به موازات هم و در راستای درگیر کردن ایران در یک جنگ کامل با ارتش عراق، حرکت کردند و هماهنگ با یکدیگر قدرت دفاعی ایران را به نوعی درگیر کردند که در آغاز جنگ، ارتش ایران فقط قادر بود حداقل امکانات خود را برای جلوگیری از تجاوزات عمومی ارتش عراق اختصاص دهد. ما روند این حوادث را در جبهه غرب (کرمانشاه و ایلام) دنبال می‌کنیم.

برخوردهای مرزی و داخلی در غرب در فروردین ۱۳۵۹

در چهارم فروردین ماه ۱۳۵۹ اولین حادثه ناآرامی داخلی در استان کرمانشاه به وقوع پیوست. عده‌ای مهاجم، دکل مخابراتی کردند را مورد حمله قرار دادند. لزوم شرکت فعال نیروی هوایی در عملیات احساس شد و در ششم فروردین ماه یک تیم ناظر مقدم هوایی در پادگان ابادر (سرپل ذهاب) مستقر شد. در هفتم فروردین ماه در حوالی پاسگاه گرده‌نو بین پاسداران و نیروهای مهاجم درگیری رخ داد. به مرور زمان سپاه پاسداران دارای توان رزمی بیشتری شد و قادر شد قسمتی از مسئولیت تأمین مرز را مستقلاً به عهده بگیرد؛ لذا در پنجم فروردین ماه مسئولیت مرزداران پاسگاه تپه‌رش به سپاه پاسداران محول شد و یک گروهان مکانیزه لشکر ۸۱ مستقر در آن پاسگاه رها گردید و به پادگان مربوطه مراجعت کرد. در هشتم فروردین ماه در حوالی پاسگاه گرده‌نو بین سپاه پاسداران و نیروهای مهاجم درگیری پیش آمد که الزاماً برای پشتیبانی از سپاه پاسداران از توپخانه

استفاده شد. برابر گزارش لشکر ۸۱ در این عملیات تعدادی از مهاجمان کشته و مجروح شدند و بقیه به خاک عراق فرار کردند. نظر به اینکه این حوادث در منطقه مرزی انجام گرفت، امکان اینکه در تیراندازی توپخانه چند گلوله‌ای هم به خاک عراق اصابت کند، وجود داشت و یا اینکه تعقیب مهاجمان به وسیله پاسداران تا خاک عراق غیرممکن نبود. اما چرا دولت عراق و عوامل مرزبانی عراق با وجود همه امکانات خود جلو عوامل نفوذی به ایران را نمی‌گرفتند، مسئله‌ای قابل تعمق است که یک نتیجه‌گیری آن می‌تواند این باشد که این حوادث عمداً به تحریک سازمان‌های دولتی عراق انجام می‌گرفت و تمامی این اقدامات ضدایرانی از طرف دولت عراق پشتیبانی می‌شد.

در نهم فروردین گزارش حساسی از لشکر ۸۱ به نیروی زمینی رسید، مبنی بر اینکه سپاه پاسداران اطلاع داده است که در اغلب پاسگاه‌های مرزی بین مرزداران ایرانی و مهاجمان درگیری ایجاد شده است. این گزارش نشان می‌دهد که از ۹ فروردین ماه عملاً برخوردهای مرزی به طور جدی آغاز شد. با توجه به اینکه در این عملیات داخلی بالگردهای ایرانی پشتیبانی بسیار ارزنده‌ای در جابه‌جایی نیروها به صورت هلی‌برن داشتند. در اوایل فروردین ماه حادثه‌ای رخ داد که سبب محدود شدن این پشتیبانی شد و آن عبارت بود از اینکه یک فروند بالگرد شنوگ به دلیل نقص فنی هنگام پرواز منفجر شد و نیروی زمینی دستور داد تا مشخص شدن دلیل این انفجار از پرواز بالگردهای شنوگ جلوگیری شود. نظر به اینکه بالگردهای ۲۱۴ نیز ظرفیت محدودی برای جابه‌جایی کارکنان دارند، لذا ترابری نیروها با بالگرد متوقف شد و یکان‌های رزمنده مجبور شدند تا مدتی جابه‌جایی‌های لازم را از راه زمینی انجام دهند که این امر در مواقع حساس می‌توانست زیانبار باشد.

نکته مهمی که در استفاده از مقدرات و توانایی‌های رزمی از همان آغاز عملیات برخوردهای سبک مرزی به چشم می‌خورد، استفاده بیش از حد معمول و غیرضروری و غیرمؤثر از توپخانه بود. این روش اغلب در طول عملیات اعمال شد که البته این نقطه ضعف در ارتش عراق نیز وجود داشت. باید توجه داشت که سلاح توپخانه از بدو پیدایش، بهترین و مؤثرترین سلاح پشتیبانی آتش در جنگ شناخته شد که البته با توسعه و پیشرفت‌های شگرفی که کرد به موشک‌های قاره‌پیما با برد بیش از ده هزار کیلومتر منتهی

شد. این اسلحه بسیار مؤثر هنگامی می‌تواند تأثیر کافی در ضربت زدن به دشمن داشته باشد که آتش آن به‌طور دقیق بر مواضع شناخته شده و دیده‌بانی شده دشمن هدایت شود، وگرنه جز اتلاف مهمات، آثار قابل ملاحظه‌ای بر دشمن نخواهد داشت. درباره موشک‌ها نیز همین موضوع حایز اهمیت است؛ یعنی اگر دقت تیر وجود نداشته باشد آن اثری که مورد نظر از این سلاح حساس و مخرب و پرارزش است، به‌دست نخواهد آمد. اما در کاربرد توپخانه در جنگ ایران و عراق این عامل هدایت آتش چندان مورد توجه نبود و مثل اینکه فقط شنیدن صدای تیر توپخانه آثار مثبت یا منفی بر افراد خودی یا دشمن داشت. در این باره در سیزدهم فروردین ماه، سپاه پاسداران قصرشیرین گزارش انتقادی از وضعیت پشتیبانی توپخانه در برخورد های پاسگاه‌های مرزی به تیپ ۳ سرپل‌ذهاب داده است مبنی بر اینکه فرمانده واحد توپخانه پشتیبانی پاسگاه مرزی پرویز و هدایت به درخواست پشتیبانی آتش فرمانده یکان مستقر در آن پاسگاه‌ها پاسخ مثبت نداده است، درحالی‌که معلوم نیست چند نفر یا چند صد نفر به آن پاسگاه‌ها حمله کرده‌اند تا نیاز به اجرای آتش توپخانه باشد و مواضع دشمن کجا بوده و با توجه به اینکه برابر اعلام سپاه پاسداران حمله دشمن شبانه و در ساعت ۲۲:۳۰ بوده آیا اصولاً امکان دیده‌بانی و هدایت آتش می‌توانست وجود داشته باشد؟ البته نمی‌توان نادیده گرفت که اجرای آتش توپخانه آثار روانی دارد و این موضوع را کسانی که خود در جبهه جنگ بوده باشند، درک می‌کنند؛ ولی اگر این امر به صورت بهترین و تنها راه حل مقابله با دشمن درآید و نیروهای متحرک رزمایشی از مواضع خود حرکت نکنند و فقط به دفاع از سنگرهای خود اکتفا نمایند، نتیجه مثبتی در نبرد حاصل نخواهد شد. برد و باخت میدان نبرد به عملیات نیروهای متحرک رزمایشی، یعنی عنصر پیاده و زرهی بستگی دارد که در مأموریت پدافندی مردانه در مقابل تهاجم دشمن مقاومت کنند و از مواضع و سنگرهای خود دفاع نمایند. در مأموریت آفندی به پیش‌بازند و بر دشمن یورش ببرند و دشمن را نابود یا اسیر سازند و یا عقب برانند. توپخانه فقط می‌تواند نقش پشتیبانی و کمک را ایفا کند نه اینکه نقش اصلی را در میدان نبرد به عهده بگیرد. ولی این وضع حداقل تا سال اول جنگ وجود داشت و از توپخانه بیش از حد معمول استفاده می‌شد.

موضوع دیگری که از آغاز تشدید بحران و در آستانه شروع جنگ پیش آمد روابط فرماندهی بین واحدهای نیروی زمینی و سپاه پاسداران بود. مطابق اصل مهم وحدت فرماندهی در جنگ هنگامی که در یک جبهه چند عنصر رزمی وابسته به سازمان‌های مختلف به صورت نیروی مشترک مأمور عملیات رزمی می‌شوند، باید یک نفر فرماندهی را عهده‌دار شود و یک ستاد فرماندهی طرح‌ریزی عملیات را اداره کند. اما دربارهٔ فعالیت مشترک نیروی زمینی و سپاه پاسداران در آغاز برخوردها این وضع وجود نداشت و تا مدتی در جنگ تحمیلی نیز به وجود نیامد و حداقل تا زمان حضور بنی‌صدر در صحنه عملیات این وحدت فرماندهی چندان محکم نبود، اما مسئولان متوجه این نقص بودند. چنان‌که در سیزدهم فروردین فرمانده سپاه پاسداران قصرشیرین نامه‌ای به تیپ ۱ ابازر نوشته و پیشنهاد کرد که با توجه به اینکه عنصر اصلی رزمی در پانزده پاسگاه مرزی سپاه پاسداران است، عنصر نیروی زمینی مستقر در گرده‌نو زیر امر سپاه پاسداران قرار گیرد تا اتخاذ تصمیم ساده‌تر شود، ولی پاسخ این پیشنهاد مشخص نیست که موافقت شده است یا نه.

در جبههٔ داخلی نیز درگیری همچنان ادامه داشت. در چهاردهم فروردین در حوالی کامیاران بین پیشمرگان کُرد، سپاه پاسداران و واحد نیروی زمینی با مهاجمان و شورشیان کُرد برخوردی رخ داد که در آن سه نفر پاسدار و پیشمرگ کرد شهید و سه نفر درجه‌دار و سرباز از افراد ارتش مجروح شدند. شرایط عملیاتی و درگیر شدن نیروهای ارتشی در عملیات کم‌کم جرئت اظهار نظر فرماندهان ارتشی را تقویت کرد و بر خلاف روش چند ماه قبل دربارهٔ عملیات کامیاران و وارد عمل شدن نیروی زمینی در این عملیات، ستاد مشترک نظر داد که این عملیات چنان شدید نبوده که مستلزم کاربرد واحدهای ارتشی باشد و دستور داد که در این موارد تا اطمینان از عدم کفایت پاسداران و پیشمرگان کُرد برای مقابله با مهاجمان حاصل نشود، از درگیر کردن عناصر نیروی زمینی در عملیات خودداری شود. سرانجام هجدهم فروردین ماه ۱۳۵۹ روز آغاز جدی بحران ایران و عراق فرا رسید و از این روز به بعد حوادث منطقه غرب و جنوب کشور از حالت برخوردهای داخلی محلی خارج شد و برخوردهای جدی مرزی بین نیروهای ایرانی و عراقی شروع شد که بعد از ۵ ماه و ۱۲ روز به جنگ تمام عیار بین دو کشور منتهی شد.

با توجه به اینکه جنبه‌های سیاسی و اقتصادی این مرحله از جنگ در مطالب گذشته بیان شده است، جنبه‌های نظامی آن را با استناد به مدارک عملیاتی یکان‌های درگیر بررسی می‌کنیم و برای ارتباط مطالب به این نکته اشاره می‌کنیم که در ۱۸ فروردین ماه دولت عراق رسماً از ایران خواست سه جزیره غرب تنگه هرمز - ابوموسی، تنب کوچک و بزرگ - را تخلیه کند و در این باره نامه رسمی به مدیر کل سازمان ملل ارسال کرد و با این سرآغاز، دولت عراق جنگ سیاسی و نظامی با ایران را شروع کرد. از این رو می‌توان گفت آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران روز هجدهم فروردین سال ۱۳۵۹ بود. دولت عراق همزمان با حرکت سیاسی برای مبارزه با انقلاب اسلامی ایران و دادن هشدار درباره سه جزیره علاوه بر حرکت سیاسی، حرکت نظامی را نیز آغاز کرد و در همان روز هجدهم فروردین ماه سال ۱۳۵۹ نیروهای عراقی تجاوزات علنی را در منطقه مرزی آغاز کردند. طبق گزارشی که ناحیه ژاندارمری کرمانشاه بر اساس گزارش هنگ ژاندارمری قصرشیرین فرستاد، اعلام کرد: «از ساعت ۰۱۰۰ روز هجدهم فروردین نیروهای عراقی تأسیسات نفت و همچنین شهر نفت‌شهر را با توپخانه و خمپاره‌انداز زیر آتش گرفتند و نیروهای خودی در مقابل آتش دشمن حالت دفاعی اتخاذ کردند.»

ستاد مشترک بر اساس این گزارش به نیروی زمینی ابلاغ کرد تا برای تقویت واحدهای مرزی، نیروهای زرهی و توپخانه خود را در پشتیبانی منطقه نفت‌شهر قرار دهد. گزارش ژاندارمری مورد تأیید شهربانی نفت‌شهر نیز بود. همزمان با گلوله‌باران منطقه مرزی نفت‌شهر به وسیله ارتش عراق عوامل ضدانقلاب و نفوذی عراق پاسگاه‌های مرزی منطقه باویسی را مورد هجوم قرار دادند و تعدادی را مجروح کردند. شدت این تهاجم در حوالی پاسگاه تپه‌رش و باویسی بود که برای تخلیه مجروحان این پاسگاه‌ها دو فروند بالگرد ۲۱۴ اعزام شد.

در منطقه مرزی ایلام نیز تحریکاتی به وسیله عوامل مرزی عراق انجام گرفت و عناصر تقویتی از نیروی زمینی برای تقویت پاسگاه‌های مرزی اعزام شد. وضع به قدری جدی بود که از طرف ارتش ایران به تمامی واحدها آماده‌باش درجه یک ابلاغ شد. به لشکر ۸۱ زرهی که در مرکز منطقه برخورد‌های مرزی بود، ابلاغ شد که در برابر حمله احتمالی عراق به منطقه قصرشیرین آماده باشد و طرح پدافندی مصوبه را اجرا و باقیمانده واحد مالک‌اشتر را

بنا به دستور به قصرشیرین اعزام کند. فرمانده لشکر ۸۱ زرهی در نوزدهم فروردین ماه پیشنهاد کرد تا برای متمرکز کردن نیروهای لشکر و آماده شدن برای مقابله با تهدید عراق، گردان ۱۲۳ پیاده زرهی آن لشکر (که در سردشت مستقر بود و با گردان دیگری تعویض می‌شد)، به وسیله بالگرد از سردشت به پادگان سرپل ذهاب ترابری شود.

چگونگی تیراندازی نیروهای عراقی به نفت‌شهر و تأسیسات نفتی آن مورد تأیید شرکت ملی نفت ایران نیز قرار گرفت. در نوزدهم فروردین ماه به همین مناسبت از طرف شرکت ملی نفت نامه‌ای به ستاد مشترک ارسال شد که ضمن شرح جریان تیراندازی نیروهای عراقی، اظهار شد: « آسیب زیادی به تأسیسات وارد نشده، ولی به دلیل آسیب دیدن دستگاه مولد برق، جریان نفت خام به پالایشگاه نفت کرمانشاه قطع شده است که با استفاده از برق منطقه، جریان نفت امروز برقرار خواهد شد. در پایان درخواست شد که برای حفاظت از تأسیسات نفتی، واحدهای بیشتری اختصاص داده شود. »

در این گیرودار که تهدید دشمن خارجی کاملاً جدی شد، لازم بود تمام تلاش‌های دفاعی کشور متوجه دشمن خارجی شود، ولی متأسفانه حوادث ناگوار داخلی همچنان رو به شدت بود. در روز نوزدهم فروردین ماه شهر بانه ناآرام شد و آشوبگران رسماً اعلام کردند در صورت اعزام نیروهای ارتشی به بانه با آنها خواهند جنگید. فرمانده لشکر ۲۸ سنندج گزارش داد که احتمال برخورد آشوبگران با واحدهای ارتشی اعزامی به بانه قطعی به نظر می‌رسد و داروخانه‌های شهر فاقد دارو است و در صورت بروز حوادث، بیمارستان‌ها از نظر دارو و پزشک در مضیقه خواهند بود.

در رابطه با مشکلات، تفکیک مسئولیت‌ها بین لشکر، سپاه پاسداران و ژاندارمری همچنان باقی بود و مورد گله و شکایت از همدیگر قرار می‌گرفت؛ چنان‌که فرمانده لشکر در نوزدهم فروردین ماه گزارش تندی نسبت به روش انجام وظیفه ژاندارمری به نیروی زمینی داد که مفاد آن مانند گزارش‌های گله‌گذاری قبلی بود و از تکرار آن خودداری می‌کنیم. اما این نکات را به این دلیل یادآوری می‌کنیم تا در نتیجه‌گیری نهایی روشن شود که نیروهای مسلح ایران در چه شرایط کمی و کیفی با ارتش منظم، مجهز، سازمان‌یافته و آموزش‌دیده عراق مواجه شدند.

در شرایطی که ارتش عراق منطقه مرزی قصرشیرین را تهدید می‌کرد، اطلاع رسید که یکی از اشرار به نام «محمد طاهر بیک» با حدود دویست نفر از یارانش آماده شده است در منطقه باباخانی (نزدیک به مله‌تولات سرپل‌ذهاب) اغتشاش و ناامنی ایجاد کند و در حالی که در منطقه باوئسی نیز درگیری با آشوبگران داخلی ادامه داشت. دستور داده شد مدافعان این منطقه با توپخانه دوربرد پشتیبانی شوند. یک مشکل بسیار مهمی که ناامنی‌ها و درگیری‌های داخلی برای نیروهای مسلح به وجود آورده بود نگرانی مردم منطقه از تهاجم اشرار و آشوبگران و درخواست برای حمایت نیروهای مسلح از آنان در مقابل این خطر بود. چنان که در بیستم فروردین ماه لشکر طبق طرح‌های عملیاتی تنظیم شده و با کسب اجازه از نیروی زمینی به واحد مستقر در نوسود دستور داد به پادگان مربوطه مراجعت کند، ولی مردم از حرکت آن واحد و خارج شدن از نوسود جلوگیری کردند.

برابر گزارشی که فرماندهی منطقه غرب در بیستم فروردین ماه ارسال کرد، نیروهای عراقی در منطقه باوئسی اقدام به حمله با پشتیبانی آتش توپخانه کردند و در حوالی پاسگاه‌های باوئسی، تیله‌کوه و تپه‌رش نبرد شدیدی بین نیروهای ایرانی و عراقی در گرفت. شدت نبرد به حدی بود که الزاماً درخواست پشتیبانی هوایی شد و بنا به گزارش یادشده، نیروهای پیاده دشمن ارتفاعات تنگ‌هوان، تیله‌کوه، باوئسی و تپه‌رش را اشغال کردند. این وضعیت از طریق ژاندارمری نیز به همین نحو به ستاد مشترک ارسال شد که به نیروی زمینی ابلاغ شد و دستور شدیدالحنی از طرف ستاد عملیاتی مشترک غرب که در ستاد مشترک به ریاست ستادی سرتیپ امین‌داری تشکیل شده بود، به نیروی زمینی ابلاغ شد. اما نکته قابل توجه این است که فرمانده تیپ ۳ سرپل‌ذهاب طی گزارشی گفت: «شخصاً از منطقه بازدید کرده و سقوط منطقه به هیچ وجه صحت ندارد. تمام پاسگاه‌های مرزی تیله‌کوه، تپه‌رش، هوان و باوئسی در اختیار نیروهای خودی است و یکان‌های موجود در منطقه کاملاً تقویت شدند و هیچ‌گونه تجاوز نفری در منطقه صورت نگرفته و هیچ‌گونه پاتکی نیز انجام نشده است.»

ملاحظه می‌شود که چقدر آشفتگی صحنه عملیات را فراگرفته بود. سامانه فرماندهی، کنترل و روش جمع‌آوری و گزارش اطلاعات چقدر آشفته و از هم گسیخته بود که به محض اینکه چند گلوله از طرف دشمن به سوی مواضع خودی پرتاب می‌شد، فوراً درخواست

نیروهای تقویتی زمینی و هوایی می‌شد. دلیل اساسی این وضع در هم ریختگی سازمان ارتش بود و فرماندهان رده بالاتر نیز قدرتی برای بازرسی و بازخواست نداشتند و هر گزارشی به عنوان واقعیت پذیرفته می‌شد و تصمیمات بررسی نشده درباره آن گرفته می‌شد. به هر حال در پاسخ نامه نیروی زمینی و ستاد مشترک، لشکر ۸۱ در همان روز تلفنی گزارش داد که برابر گزارش تلفنی فرمانده تیپ ۳ از ساعت ۰۱۳۰ روز بیست و یکم فروردین ماه تمام ارتفاعات مورد بحث در اختیار نیروهای خودی است و فعلاً وضع منطقه آرام است.

با جدی شدن تهدید سیاسی و نظامی عراق تمامی مقامات سیاسی و نظامی کشور و همچنین همه ملت ایران به هیجان آمدند و تصمیم قاطع برای مقابله با جسارت دولت بعثی عراق گرفتند. امام خمینی فرمودند: «با تمام قوا در مقابل عراق می‌ایستیم» و تمام شخصیت‌های سیاسی نیز نظریاتی مبنی بر مقابله جدی با تهدید عراق ابراز کردند.

شورای انقلاب، پیامی برای مردم ایران فرستاد و مردم را از چگونگی وضعیت و روابط بین ایران و عراق آگاه کرد که شرح این مسائل در قسمت‌های گذشته بیان شده است و از تکرار آنها پرهیز می‌کنیم. این اظهارات خون ملت ایران را به جوش آورد به‌ویژه اینکه صدام حسین در بیست و یکم فروردین ماه باردیگر خواسته‌های غیرموجه دولت عراق را درباره سه موضوع مطرح کرد که عبارت بودند از اینکه:

۱. ایران باید سه جزیره غرب تنگه هرمز را به اعراب واگذار کند.
۲. وضعیت کشتیرانی در شط‌العرب به حالت قبل از انعقاد قرارداد الجزایر برگردد (یعنی در کنترل کامل دولت عراق قرار گیرد).
۳. هویت عربی خوزستان (به نام عربستان) از طرف ایران به رسمیت شناخته شود. نعیم حداد، معاون رئیس جمهور عراق، نیز اظهار نظر کرد که عراق برای به دست آوردن کنترل شط‌العرب به هر وسیله ممکن اقدام خواهد کرد.

احساس مسئولیت در مقامات مسئول کشوری و ارتشی بالا گرفت. از جمله اشخاصی که در این باره حساسیت قابل ملاحظه‌ای نشان داد، استاندار ایلام بود که درخواست کرد تعداد ۱۰۰ قبضه آرپی‌جی ۷، ۵۰ قبضه خمپاره‌انداز، ۷۰ قبضه تیربار، ۳۰ قبضه تفنگ ۱۰۶م در اختیار استانداری ایلام قرار داده شود تا با استفاده از نیروهای مردمی، آماده

دفاع در مقابل تهاجم نیروهای عراقی در منطقه مرزی آن استان باشد. گرچه این درخواست نوعی دخالت مقام محلی کشوری در امور دفاعی ملی بود و از نظر لزوم سامانه کنترل تمرکزی فعالیت ملی برای مقابله با تهدید خارجی چندان هماهنگی نداشت، ولی به هرحال بیانگر احساس مسئولیت استاندار در منطقه مسئولیت خود بود، و از این نظر قابل تقدیر بود. اما متأسفانه در آن زمان که مناسب‌ترین زمان برای یک برآورد وضعیت راهبرد ملی دقیق و منطقی و اتخاذ تدابیر مفید و مؤثر و خالی از خوش‌بینی و احساسات غیرمنطقی بود، چنین اقدامی در سطح ملی به‌عمل نیامد و تقریباً تمام تلاش‌ها به سخن گفتن و حقیر شمردن دشمن گذشت. پس از جدی‌تر شدن تهدید عراق در اواسط فروردین ماه ۱۳۵۹ در ستاد مشترک یک ستاد فرعی به نام ستاد عملیاتی مشترک به ریاست ستادی جانشین ستاد مشترک، سرتیپ امین‌داری، تشکیل شد و نمایندگان نیروهای سه‌گانه زمینی، هوایی، دریایی، ژاندارمری، شهربانی و سپاه پاسداران نیز به این ستاد مأمور شدند.

نماینده نیروی زمینی در همان روزهای اولیه اردیبهشت ماه پیشنهاد کرد: «از آن ستاد یک برآورد وضعیت راهبردی درباره احتمال برخورد جدی بین ایران و عراق به‌عمل آید و راهکارهایی برای دفاع از تمامیت ارضی میهن اسلامی در مقابل حمله احتمالی عراق ارائه شود.» ولی در آن ستاد از افسران سازمانی کسی آمادگی انجام این کار را نداشت و می‌توان گفت اصولاً در آن زمان این حرف‌ها طرفداری نداشت. رئیس ستاد عملیات مشترک غرب از نماینده نیروی زمینی خواست، خودش این کار را بکند و این کار انجام شد و یک برآورد وضعیت اجمالی تهیه شد و راهکارهایی پیشنهاد شد. این برآورد پس از حک و اصلاحاتی که تقریباً اصل موضوع را تحت‌الشعاع قرار داد، به رئیس ستاد مشترک داده شد تا به نظر رئیس جمهور که از طرف امام به فرماندهی کل قوا منصوب شده بود، برسد. چند روز گذشت و خبری از تصمیمات نشد. سرانجام معلوم شد آن برآورد وضعیت چندان مورد توجه قرار نگرفته و رئیس جمهور گفته است: «نظامی‌ها جریان را خیلی جدی می‌گیرند، حکومت عراق جرئت آن را ندارد که به ایران حمله کند.» متأسفانه نظیر این اظهارات که نمایانگر تفکر بعضی مقامات مسئول حتی نظامیان بود، در ماه‌های قبل از جنگ پی‌درپی ابراز شد و ما در قسمت‌های گذشته به آنها اشاره کردیم.

به هر حال در آن زمان به دلیل از هم گسیختگی سازمان دفاعی کشور و عدم آگاهی بعضی از مقامات مسئول و تصمیم‌گیرنده از مسائل مربوط به جنگ، تقریباً هیچ اقدام قابل ملاحظه‌ای برای افزایش توان رزمی نیروهای مسلح ایران و آماده کردن نیروهای مسلح و ملت ایران برای مقابله با حمله احتمالی عراق به عمل نیامد. در جبهه سیاسی نیز فعالیت محسوسی برای جلب حمایت کشورهای دیگر و انعقاد قراردادهای تسلیحاتی و امثال آن مشاهده نشد و اقدامات مؤثر بعد از آغاز جنگ به عمل آمد که در شرح وقایع به آنها اشاره خواهد شد.

پیش‌تر اشاره شد که استاندار ایلام درخواست اسلحه و مهمات برای تجهیز عشایر منطقه برای مقابله با تهدید احتمالی کرد. وزارت کشور خواسته استاندار ایلام را به ستاد مشترک اعلام کرد، اما ستاد مشترک یک پاسخ بسیار سرد به این شرح به خواسته استاندار ایلام داد: «ارتش اسلحه در اختیار کسی نمی‌گذارد. ژاندارمری مسئولیت تشخیص صلاحیت و تجهیز افراد صلاحیت‌دار را دارد.»

باید گفت زمان بسیج کردن، سازمان دادن، آموزش دادن و مجهز کردن نیروهای مردمی همان زمان بود، ولی فرصت از دست رفت و این امر حیاتی ملی بیش از یک سال بعد از آن و در مرحله اجرای عملیات ثامن‌الائمه (ع) انجام گرفت.

در بیست و یکم فروردین ماه، لشکر ۸۱ زرهی در گزارش نوبه‌ای شماره ۱۴ خود آخرین وضعیت منطقه کرمانشاه را به شرح زیر اعلام کرد:

۱. به دلیل ناآرامی‌های به وجود آمده در منطقه باووسی، تپله‌کوه و تپه‌رش علاوه بر نیروهای اعزامی قبلی یک گردان تانک، یک گردان توپخانه و یک گروهان پیاده زرهی از تیپ ۳ زرهی به گرده‌نو اعزام شد و از ساعت ۰۱:۳۰ بیست و یکم فروردین ماه مناطق یادشده در کنترل نیروهای خودی قرار گرفت.

۲. در ساعت ۱۱:۰۰ بیستم فروردین ماه عده‌ای از اهالی سومار که برای هدایت رانده‌شدگان از عراق با مأموران همکاری می‌کردند، توسط عوامل عراقی به گروگان گرفته شدند.

۳. یک گردان پیاده، یک آتشبار توپخانه و یک گروهان سوار زرهی در نفت‌شهر مستقر شد.

۴. دستور داده شد یک آتشبار ۱۵۵م آماده باشد تا بنا به دستور برای تقویت واحدهای تیپ ۳ اعزام شود.

منطقه پاه در مسائل داخلی همچنان در رأس قرار داشت. در بیست و دوم فروردین ماه در راه پاه به شمشیر، مهاجمان به یک ستون گشتی پاسداران حمله کردند که یک نفر از پاسداران شهید و چهار نفر مجروح شدند که با بالگرد تخلیه شدند. در این روز به لشکر ۸۱ ابلاغ شد که وزیر امور خارجه برای بازدید مرزها در بیست و پنجم فروردین به کرمانشاه خواهد آمد، یک فروند بالگرد ۲۱۴ برای بازدید در اختیار ایشان قرار داده شود. در بیست و سوم فروردین ماه آشوبگران و اشرار به نیروگاه برق سراب گرم واقع در نزدیکی سرپل ذهاب حمله کردند، ولی موفق نشدند آسیب قابل ملاحظه‌ای به آن نیروگاه برسانند. در منطقه مرزی کرمانشاه ناآرامی‌های داخلی نه تنها کاهش چشمگیری نداشت بلکه روز به روز شدیدتر هم می‌شد و یکان‌های نظامی را درگیر می‌کرد. وضعیت گسترش واحدهای لشکر ۸۱ در بیست و ششم فروردین ماه برای مقابله با آشوبگران داخلی به شرح زیر بود که البته عناصر سپاه پاسداران و ژاندارمری به همین ترتیب همراه یکان‌ها بودند.

۱. در گرده‌نو و حوالی آن یک گردان تانک، یک گردان توپخانه، یک گروهان تکاور مالک اشتر یک گروهان مهندسی، یک دسته مخابرات، یک رسد توپخانه سنگین.

۲. در قراویز و کوره‌موش یک گردان تانک.

۳. نفت‌شهر و گاوخیری با یک گروهان سوار زرهی و یک آتشبار توپخانه.

۴. تیله‌کوه یک گروهان تانک و یک دسته تکاور.

۵. بین چفته و تپه‌رش یک دسته تکاور و یک گروهان تانک.

۶. شهرک مهدی و پاتلاق یک گروهان سوار زرهی.

۷. ایلام یک گروه زرهی شامل یک گردان پیاده مکانیزه، یک گروهان تانک، یک آتشبار

توپخانه.

۸. خرناسرخان یک گروه زرهی شامل یک گردان مکانیزه، یک گروهان تانک، یک

آتشبار توپخانه.

۹. تیپ ۲ زرهی احتیاط لشکر آماده برای عکس‌العمل در محور پاه و نوسود.

۱۰. قسمتی از واحدهای لشکر در کامیاران، روانسر، جوانرود و پاه.

با توجه به تهدید جدی عراق و گسترش واحدهای لشکر که به آن اشاره شد، فرمانده لشکر پیشنهاد کرد که قسمتی از مأموریت‌های داخلی این لشکر به یکان‌های دیگر نیروی زمینی واگذار شود تا لشکر بتواند نیروهای خود را متمرکز سازد و برای اجرای طرح دفاعی در مقابل عراق آماده شود، ولی نیروی زمینی در بیست و هشتم فروردین پاسخ داد: «با توجه به وضع موجود منطقه داخلی، جمع‌آوری یکان‌ها از مناطق ناآرام به صلاح نیست و برای تقویت قدرت دفاعی منطقه کرمانشاه به لشکر ۱۶ زرهی قزوین ابلاغ شد، آماده باشد تا بنا به دستور یک تیپ زرهی به پادگان سرپل ذهاب اعزام کند.» در این زمان وضع منطقه نوسود بحرانی بود، به طوری که اطلاع رسید منطقه در کنترل حزب دمکرات کردستان قرار گرفته و تصمیم گرفته شد یکان‌های مستقر در نوسود به پاره تغییر مکان داده شوند.

آشوبگران، دامنه فعالیت خود را هر روز گسترش می‌دادند. در بیست و پنجم فروردین ماه در شهر اسلام‌آباد نیز فعالیتی کردند و ساختمان سیلوی شهر را با آر.پی.جی. ۷، خمپاره و سلاح سبک مورد حمله قرار دادند. تمام این فعالیت‌های خرابکاری به وسیله عوامل وابسته ضدانقلاب که با دولت عراق علیه میهن و ملت خود همکاری می‌کردند، انجام می‌گرفت و هدف، ایجاد وحشت در مردم، ناامنی در منطقه و درگیر کردن نیروهای مسلح ایران با مسائل داخلی بود تا در زمان تهاجم عمومی ارتش عراق نیروهای مسلح ایران قدرت مقابله با آنها را نداشته باشند.

در بیست و ششم فروردین ماه به لشکر ۸۱ زرهی دستور داده شد همه کارکنان تیپ ۲۳ نوهده را که در نوسود مستقر بودند به کرمانشاه تخلیه کند تا به تهران مراجعت کنند. لشکر اعلام کرد که در حال حاضر منطقه نوسود در کنترل حزب دمکرات است و اعزام هیچ‌گونه وسیله‌ای به آن منطقه مقدور نیست. در بیست و هفتم فروردین لشکر گزارش داد که تخلیه افراد تیپ نوهده سبب تضعیف توان رزمی واحدهای منطقه می‌شود و درخواست کرد که یک گردان چترباز در اختیار لشکر قرار داده شود.

در بیست و نهم فروردین تصمیم گرفته شد واحد نظامی مستقر در نوسود تخلیه شود، ولی فرمانده لشکر نظر داد که در شرایط موجود تخلیه مهمات بدون درگیری مقدور نخواهد بود و از طرفی انهدام مهمات نیز مقدور نیست، زیرا در این صورت نیروها به گروگان گرفته خواهند شد. در مورد تخلیه کارکنان نظامی مستقر در نوسود از نزاچا، کسب تکلیف شد،

ضمناً در همان روز تماس با نوسود قطع شده بود و اطلاع دقیقی از وضع یکان مستقر در آن در دست نبود.

در سی‌ام فروردین سپاه پاسداران پاره گزارش کرد: «طبق اطلاع، گروهی از افراد مسلح گرد به وسیله دولت عراق تقویت شده و وارد منطقه اورامانات شده‌اند و حملاتی به پاوه و اطراف انجام می‌دهند.» بر همین اساس خواستار اعزام واحد ارتشی بیشتری به پاوه شد. اما وضع نوسود نگران‌کننده و ارتباط قطع بود. دستور داده شد با بالگرد منطقه شناسایی شود و حتی‌المقدور از وضع یکان مستقر در آن آگاهی حاصل شود. در این روز لشکر وضع کلی منطقه را طی گزارش نوبه‌ای عملیاتی ۲۳ به شرح زیر اعلام کرد:

۱. قرارگاه تاکتیکی لشکر در حوالی کالی کش در محور گوآورسگان مستقر شد.
۲. ارتباط با یکان مستقر در نوسود قطع است و احتمالاً یکان‌های مستقر در نوسود و همچنین ژاندارمری خلع سلاح شده‌اند.

۳. در پاوه درگیری پراکنده ادامه داشت و بالگرد رزمی برای پشتیبانی اعزام شد.

۴. بالگردهای شناسایی به دلیل دوری راه و کمی سوخت نتوانستند منطقه نوسود را شناسایی کنند.

۵. وضعیت نوسود هنوز کاملاً مشخص نیست.

۶. در حوالی نفت‌شهر تیراندازی‌های پراکنده انجام گرفت، ولی تلفاتی نداشت.

۷. در اثر برخورد یک دستگاه خودرو با مین در جاده تپهرش به گرده‌نو یک نفر شهید و خودرو منهدم شد.

۸. دومین قسمت ستون اعزامی به ایلام وارد محل مأموریت خود شد.

سرهنگ سهرابی

درباره نوسود ستاد مشترک اعلام کرد که براساس گزارش ژاندارمری، یکان ارتشی و مأموران ژاندارمری مستقر در آن شهر خلع سلاح نشده و سالم هستند، ولی از خارج شدن آنها از شهر به وسیله افراد حزب دمکرات جلوگیری می‌شود.

اما در سی و یکم فروردین ماه نیروی زمینی مطلع شد که سه نفر از درجه‌داران یکان مستقر در نوسود فرار کرده، خود را به پاوه رسانده‌اند و بقیه خلع سلاح شده و در مسجد نوسود زندانی شده‌اند و تمامی وسایل، جنگ‌افزار و مهمات آنان به دست آشوبگران افتاده است. در همین زمان مهاجمان مجدداً پاوه را مورد تهدید قرار دادند و با سلاح سنگین، شهر را زیر آتش گرفتند.

نیروی زمینی دستور داد به وسیلهٔ بالگرد در نوسود اعلامیه پخش شود، به یاغیان اعلام شود چنانچه نیروها، وسایل نظامی و انتظامی را آزاد نسازند، با عکس العمل شدید ارتش مواجه خواهند شد.

سپاه پاسداران گزارش داد که یاغیان نوسود در نظر دارند سلاح و مهمات غارت شده از یکان مستقر در آن شهر را از طریق جاده مریوان به مهاباد ببرند.

ژاندارمری اطلاع داد که نیروهای خلع سلاح شده در نوسود آزاد هستند و در شهر رفت و آمد می کنند، اما تحت نظر هستند و به آنها اجازه داده نمی شود به وسیلهٔ تلفن با خارج از شهر تماس بگیرند و از طرف حزب دمکرات تلگرافی در این مورد به مقام رهبری و ریاست جمهوری مخابره شد که در آن اسامی نیروهای نظامی و انتظامی نیز قید شده و خواسته شان را همان بیان کرده اند که در مهاباد گفته بودند.

واقعه نوسود بار دیگر گفت و گوهای لفظی و پیام های کتبی را بین رده های مختلف فرماندهی به وجود آورد. ستاد مشترک طی نامه ای از نیروی زمینی ایراد گرفت که در کردستان جدی عمل نمی شود و نیروی زمینی پاسخ داد: «با حداکثر امکانات خود عمل می کند، ولی مسئلهٔ کردستان یک مسئلهٔ داخلی - ملی است که تنها با عملیات نظامی قابل حل نیست بلکه باید مقدم بر عملیات نظامی عملیات سیاسی و اقتصادی نیز در آن منطقه به مرحله اجرا گذاشته شود تا با تلاش همه جانبه از جمله نظامی، به این گرفتاری داخلی ملی خاتمه داده شود.» ستاد مشترک در پاسخ نیروی زمینی ضمن تأیید نظر نیرو به مشکلات سیاسی موجود در کشور اشاره کرد و اظهار نظر کرد: «ضعف های دیگر از ارتش سلب مسئولیت نمی کند، منتهی اجرای وظایف با مشکلات و احیاناً وارد شدن تلفات به مردم و واحدها مواجه می شود که دولت ناگزیر از پذیرش آن خواهد بود.»

حوادث نوسود وضع منطقه کرمانشاه را وخیم تر کرد و پایه باردیگر مورد حمله مهاجمان قرار گرفت. در مناطق دیگر نیز تهدیدهای جدی به عمل آمد. مدافعان تعدادی از پاسگاه های ژاندارمری که عمدتاً از سپاه پاسداران تشکیل می شدند، مانند باویسی، گردهنو و تیله کوه، پاسگاه ها را تخلیه کردند. فرمانده تیپ سرپل ذهاب در سی و یکم فروردین ماه گزارش داد که فقط در پاسگاه تپه رش ده نفر پاسدار باقی مانده اند.

برخوردهای مرزی و داخلی در غرب در اردیبهشت ۱۳۵۹

فروردین ماه، درگیری سخت داخلی و خارجی در منطقه مرزی کرمانشاه به پایان رسید، درحالی که ادامه حوادث همچنان باقی بود. سه نفر نیروی فرار کرده از نوسود که شامل یک ستوان دوم و دو نفر گروهان بودند، از پاوه به کرمانشاه تخلیه شدند. آنها در بازپرسی اظهار داشتند هنگامی که خودروهای ارتشی اعزامی به نوسود (که برای تخلیه یکان مستقر در نوسود آمده بودند) وارد شهر شدند، عناصر مسلح واحد نظامی را محاصره و خلع سلاح کردند و تمام وسایل، تجهیزات، مهمات و سلاح و خودروها را به غارت بردند و وسایل غارت شده را با همان خودروهای ارتشی به مقصد میوان حمل کردند.

در اول اردیبهشت ماه، لشکر سنندج اعلام کرد که نظامیان اسیر شده شامل هفت درجه دار لشکر ۸۱ و هشت ژاندارم و پنج نفر جمعی تیپ ۲۳ نوه، جمعاً بیست نفر بوده‌اند. این حوادث سبب شد که علاوه بر واحدهای پیاده و زرهی، نیروی زمینی، سپاه پاسداران و ژاندارمری واحدهای توپخانه نیز که صرفاً برای پشتیبانی عملیات منظم به کار می‌روند، به مرور به منطقه عملیات کشانده شوند. علاوه بر توپخانه سازمانی لشکر ۸۱ زرهی که چهار گردان ۱۵۵م خودکشی بود، یک گردان ۱۳۰م کشتی نیز از گروه ۴۴ توپخانه اصفهان به کرمانشاه اعزام شد و در تاریخ دوم اردیبهشت ماه در تقویت آتش تیپ ۳ سرپل ذهاب قرار گرفت؛ با توجه به اینکه عناصر این تیپ کاملاً در نزدیکی مرز با عراق مستقر بودند، برد توپخانه ۱۳۰م حدود ۲۷ کیلومتر است. طبعاً آتش این یکان توپخانه می‌توانست در مسافت دورتر از برد توپخانه سازمانی لشکر که ۱۵۵م و برد آن حدود چهارده کیلومتر بود، مورد استفاده قرار گیرد.

اشاره شد که لشکر گزارش داد تعدادی از پاسگاه‌های مرزی تخلیه شده‌اند، نیروی زمینی به این گزارش چنین پاسخ داد: «اولاً این اقدام بنا به پیشنهاد خود لشکر بود ثانیاً با توجه به گسترش یکان‌های لشکر در خط مرز، استقرار این عناصر در پاسگاه‌ها چندان مؤثر نخواهد بود، خاصه آنکه مقداری از درگیری‌ها را که ناشی از اقدام پاسداران گزارش می‌شده است، از بین خواهد برد.» آثار مخرب ناآرامی‌های داخلی در تضعیف توان رزمی نیروی زمینی به مرور بیشتر می‌شد، زیرا قسمتی از وسایل، تجهیزات و مهمات به دست آشوبگران می‌افتاد، ضمن اینکه قسمت مهم دیگر نیز مصرف یا مستهلک می‌شد.

به عنوان نمونه در چهارم اردیبهشت فرماندهی پشتیبانی منطقه ۱ غرب اعلام کرد که وسایل زیر که با ستون اعزامی به سردشت و بانه همراه بود در درگیری سنندج منهدم و یا به دست آشوبگران افتاده است: «خودرو اورال دو دستگاه، خودرو زیل هفت دستگاه، ريو ۲/۵ تن دو دستگاه، بنز حامل کانکس شش دستگاه، بنز حامل تانکر سوخت ۲۰۰۰۰ لیتری پنج دستگاه. (جمعاً ۲۲ دستگاه)»

با توجه به ظرفیت این خودروهای ترابری متوسط و سنگین و ارزش کمی و کیفی آنها برای ارتش جمهوری اسلامی ایران در آن شرایط تحریم اقتصادی و تهدید عراق این ضایعات می‌تواند نمونه بارزی از ضربات سخت ضدانقلابیون کردستان بر نیروی دفاعی ملت ایران در مقابله با تهدیدهای خارجی باشد. برای مقابله با تهدید عراق واحدهای دیگر نیروی زمینی از مناطق داخلی به مناطق مرزی کرمانشاه و خوزستان اعزام شدند، به طوری که در چهارم اردیبهشت یک گردان رزمی از خرم‌آباد و دو گردان توپخانه از اصفهان به کرمانشاه وارد شدند و اقدامات شناسایی زمینی و هوایی نیز در منطقه مرزی فعال تر شد.

در صحنه نبرد داخلی در اوایل اردیبهشت منطقه سقز بار دیگر دستخوش آشوبگران قرار گرفت در حالی که سنندج نیز ناآرام بود. نیازهای پشتیبانی که از جوانب مختلف به رده‌های فرماندهی اعلام می‌شد، بعضی مواقع سبب بروز برخوردهای لفظی تندی بین سپاه پاسداران با فرماندهان نظامی می‌شد که یکی از آن موارد درباره درخواست بالگرد شنوک برای حمل نود نفر پاسدار به سقز و عدم امکان پرواز بالگرد شنوک در پنجم اردیبهشت ماه بود. سرپرست سپاه پاسداران به دلیل عدم اجرای این درخواست جملات تندی به فرمانده نظامی منطقه گفت و فرمانده منطقه یک گزارش گله‌آمیزی به نیرو فرستاد. طبعاً در آن شرایط این‌گونه برخوردها آثار نامطلوبی در روحیه نظامیان داشت و سبب شکسته شدن غرور انسانی و نظامی آنان می‌شد؛ زیرا شرایط سیاسی به نحوی بود که این چنین رفتاری کاملاً یک طرفه بود و فرماندهان نظامی در موقعیتی نبودند که بتوانند عکس‌العملی نشان بدهند و مجبور بودند در مقابل هرگونه تحقیری سکوت کنند. در این گیرودار وضع بانه نیز بحرانی شد. مهاجمان با سلاح سنگین مواضع مدافعان را زیر آتش گرفتند و شانزده نفر را زخمی و یک نفر را شهید کردند.

نیروی زمینی در اوایل اردیبهشت ماه برآوردی از وضعیت کردستان کرد و به این نتیجه رسید که آشوبگران به واحدهای کوچک بیشتر حمله می‌کنند، لذا دستور داد که از تفرقه

واحدهای نیروی زمینی حتی المقدور جلوگیری شود و نیروی زمینی به صورت گردانی به کار برده شود و تقویت و پشتیبانی هوایی کافی نیز برای آنها طرح ریزی گردد. البته می توان گفت این اولین باری بود که برای کاربرد واحدهای نظامی یک تدبیر اساسی به کار برده می شد.

بعد از چند روز آرامش نسبی درباره تهدیدهای عراق در تاریخ هشتم اردیبهشت ماه سپاه پاسداران مستقر در پاسگاه ازگله گزارش داد که نیروهای عراقی با پشتیبانی سلاح سنگین، پاسگاه را مورد حمله قرار داده اند و پاسگاه نیاز به پشتیبانی فوری دارد. در این گزارش اضافه شده بود که اجرای آتش پشتیبانی از پاسگاه گرده نو به دلیل عدم دیده بانی و هدایت آتش مؤثر نیست؛ همچنین یادآوری شده بود که مدافعان پاسگاه شیخ صله که از عناصر قیاده موقت بودند، به دلیل کمبود مهمات عقب نشینی کرده اند. لشکر ۸۱ این گزارش را تأیید نکرد و اعلام کرد: «بررسی های به عمل آمده نشان داد تجاوزی صورت نگرفته، فقط یک دستگاه بلدوزر در خاک عراق مشغول حفر سنگر بوده است که در اثر تیراندازی نیروهای خودی متواری شده و درگیری های پراکنده ای در منطقه وجود داشته است که منجر به شهید شدن یک نفر و مجروح شدن دو نفر شده است.» درباره تقویت واحدهای توپخانه منطقه لشکر ۸۱، لشکر در تاریخ دهم اردیبهشت ماه اعلام کرد که از گروه ۴۴ توپخانه ۵ گردان به منطقه آن لشکر منتقل شده و گسترش یافته اند. در همان روز لشکر گزارش داد واحدهای مربوطه در بیست منطقه گسترش یافته اند و پیشنهاد کرد برای تعویض دوره های آنها حداقل بیست گروهان رزمی پیش بینی شود.

درباره تجاوزات مرزی عراق در یازدهم اردیبهشت ماه ژاندارمری به ستاد مشترک گزارش داد که نیروهای عراقی با توپخانه به منطقه قصر شیرین و نفت شهر حمله کرده اند. شهر قصر شیرین مورد اصابت چند گلوله توپ قرار گرفته و مردم به وحشت افتاده اند و به دلیل در دسترس نبودن توپخانه خودی به آتش دشمن پاسخ داده نشده است. لذا به لشکر دستور داده شد یک واحد توپخانه در نزدیکی قصر شیرین مستقر کند تا به موقع به آتش توپخانه عراق پاسخ دهد، اما در این باره پاسخ لشکر و تأیید یا عدم تأیید آن در مدارک ثبت نشده است.

روز بعد نیز از طریق سپاه پاسداران مستقر در دربندجوق قصر شیرین گزارش شد که آن پاسگاه زیر آتش شدید نیروهای عراقی قرار گرفته و دو نفر شهید و تعدادی مجروح شده اند. مسئله مهمی که در این شرایط وجود داشت این بود که به محض این که تیری از طرف مهاجمان

به سمت مواضع خودی شلیک می‌شد، اولین اقدامی که فرمانده مدافعان می‌کرد، درخواست کمک و پشتیبانی زمینی و هوایی بود و چون امکان این‌گونه پشتیبانی سریع برای هیچ ارتشی مقدور نیست، عدم اعزام واحد پشتیبانی سبب شکوه و گلایه مدافعان می‌شد. این وضع یکی از بدترین حالاتی بود که در نیروهای ما وجود داشت و مدافعان روی توانایی‌های خود کمتر حساب می‌کردند و متوجه نبودند که در هنگام حمله دشمن ابتدا آنها باید با حداکثر مقدوراتشان دفاع کنند و چنانچه تهدید به گونه‌ای جدی شد که دفع آن از عهده مدافعان مستقر در محل برنیامد، درخواست پشتیبانی کنند.

آن‌طور که بررسی حوادث چند ماه گذشته نشان می‌دهد، ده‌ها بار از پاسگاه‌های مرزی گزارش دادند که در معرض خطر انهدام هستند، ولی حتی یک پاسگاه هم مورد هجوم قطعی عراق قرار نگرفت. اما این وضع سبب اخلال، بی‌نظمی و گاهی بروز حوادث ناگواری در امر فرماندهی می‌شد و قسمتی از توانایی‌ها را به هدر می‌داد و مشکلاتی در روابط فرماندهی به وجود می‌آورد. این وضع تا حدودی در عملیات داخلی نیز وجود داشت؛ چنان‌که درباره گزارش مربوط به حمله ارتش عراق با توپخانه به قصرشیرین که در بالا به آن اشاره شد، لشکر چنین گزارش داد: «موضوع بررسی شد، توپخانه‌ای در میان نبوده و تیراندازی در شهر قصرشیرین به وسیله آر.پی.جی ۷ و از پشت اماکن مورد اصابت قرار گرفته و ژاندارمری و سپاه پاسداران هیچ عکس‌العملی نشان نداده‌اند و فقط منتظرند در قبال یک گلوله‌ای که به وسیله عناصر خودفروخته داخلی در هر محلی تیراندازی می‌شود، فوراً یک گردان ارتشی حاضر شود.» لشکر برای صدق گفتارش گفت: «که در همان زمان به وسیله جنگ‌افزارهای سنگین لشکر ۲۰۵ گلوله توپخانه، سیزده گلوله توپ تانک و پنج گلوله خمپاره ۱۲۰م منور و چهار گلوله خمپاره ۱۲۰م با خرج موشکی به طرف مواضع دشمن تیراندازی شده است» و در پایان گزارش درخواست شده است که اقدامات مؤثری برای حسن تفاهم بیشتر و هماهنگی به عمل آید.

و اما برای چندمین بار مجبور به تکرار هستیم که در شرایطی که جنگ داخلی و تهدید خارجی به نیروهای مسلح ایران تحمیل شده بود، وقوع چنین حوادثی و بروز چنین حالات اضطراب‌انگیز و کنترل‌نشده غیرعادی نبود. نیروهای مسلح ایران در شرایطی درگیر جنگ داخلی و خارجی شده بودند که وحدت فرماندهی و امکان کنترل تمرکزی و اعمال قدرت فرماندهی و در

نتیجه امکان هدایت وحدت تلاش در پایین‌ترین سطح ممکنه یک نیروی مسلح سازمان‌یافته بود. در چنین شرایطی بروز وضعیت‌های ناهماهنگ کاملاً طبیعی بود. طول زمان درگیری کم‌کم در کارایی واحدها آثار روانی نامطلوبی می‌گذاشت و واحدهای درگیر برای تعویض با یکان‌های دیگر روزشماری می‌کردند و گزارش‌های تندی به فرماندهان می‌دادند و به دلیل ضعیف بودن قدرت اعمال فرماندهی فرماندهان نمی‌توانستند دستور قاطع نظامی بدهند و اقدام به صدور دستورات ضعیف به زیردستان و گزارش شدید به بالا دستان می‌کردند. نمونه این وضع را در این گزارش لشکر می‌توان دید.

«برابر گزارش واصله، وضع روحی و نظامی یکان بانه و سردشت بسیار بد و نامطلوب است اگر این دو یکان سقوط کنند، دیگر نظام دولتی و ارتش در آن مناطق وجود نخواهد داشت و بعد از آن هم قابل پیش‌بینی نخواهد بود. مقرر فرمایند هر چه در توان نیروهای سه گانه و محلی هست برای نجات و تعویض آنها به کار گرفته شود. موقعیت فعلی دیگر به نفع ارتش و دولت به صورت کنونی پیش نخواهد آمد.» در گزارش دیگری در چهاردهم اردیبهشت درباره همین واحد اعلام شد: «از افراد واحد سردشت چهار نفر فرار کرده و سه نفر خودزنی نموده و تعدادی زخمی شده‌اند. هر چه زودتر برای تعویض آنها اقدام شود.» لازم به یادآوری است که این واحدها بیش از سه ماه بود در آن منطقه خطرناک مستقر بودند و راه ارتباطی قطع شده بود و عملاً در محاصره قرار داشتند و در چنین شرایطی ایجاد ضعف روانی غیرعادی نمی‌تواند باشد.

ضدانقلابیون و آشوبگران عملیات خود را به داخل شهرها و آبادی‌ها محدود نکرده بودند؛ در اغلب جاده‌ها مین‌گذاری می‌کردند و سبب انفجار خودروها و بروز تلفات می‌شدند که این امر سبب شده بود حرکت در جاده‌ها با مشکلاتی انجام شود. چنان‌که در پنجم اردیبهشت ماه در محور گرده‌نو در نزدیکی پل‌داری زنگنه یک خودرو غیرنظامی با مین برخورد کرده بود و سه نفر کشته و شش نفر زخمی شدند. واحد مهندسی لشکر آن محل را بازدید کرد. یک مین از نوع ام-۴۶ ضدتانک ساخت شوروی را کشف و خنثی کرد. از این نوع حوادث قبلاً نیز مشاهده شده بود و نشان می‌داد که این مین‌های ساخت شوروی توسط ارتش عراق در اختیار آشوبگران ایرانی قرار داده می‌شود.

در هفتم اردیبهشت ماه، مرکز بحران دوباره به منطقه پاوه منتقل شد. شهر پاوه زیر آتش سلاح سنگین آشوبگران قرار گرفت و تعدادی شهید و زخمی بر جای گذاشت که از جمله شهید، فرمانده سپاه پاسداران پاوه بود. ستاد مشترک در یک دستور عجولانه به نیروی زمینی ابلاغ کرد پل دوآب تخریب شود تا آشوبگران نتوانند نیروهای کمکی به پاوه اعزام دارند و در این دستور اعلام شد که شیخ عزالدین حسینی گفته است باید شهر پاوه حتماً به تصرف افراد حزب دمکرات درآید تا فشار ارتش بر شهر سنج کمتر شود. اما نیروی زمینی ارتش درباره تخریب پل، نظر مخالف داد و گفت این پل در هر عملیات نظامی احتمالی با عراق برای حرکت واحدهای نظامی بسیار حساس است، به علاوه تخریب پلها فقط به دستور دولت مجاز است. اما در گزارش نوبه‌ای شماره ۴۱ همان روز لشکر ضمن تأیید تیراندازی آشوبگران به شهر پاوه تلفات ارتش را دو نفر مجروح و غیرنظامیان را چهار نفر مجروح و سه نفر کشته اعلام کرد.

در ادامه تهاجم آشوبگران به پاوه، شهر بانه و سردشت نیز مورد حمله قرار گرفت و به نیروی هوایی دستور داده شد مواضع آشوبگران را در اطراف بانه به شدت بمباران کند. عملیات مین‌گذاری به وسیله آشوبگران در جاده‌ها تشدید شد و در بیستم اردیبهشت ماه یک خودروی غیرنظامی در محور کرمانشاه - پاوه و خودروی دیگر که مینی‌بوس بود، در همان محور در مسیر آبادی تازه‌آباد با مین برخورد کردند و تعدادی کشته و مجروح شدند که جزو مجروحان مینی‌بوس ده نفر درجه‌دار شهربانی پاوه، یک نفر درجه‌دار ژاندارمری و یک نفر درجه‌دار ارتش بودند.

بحرانی که در روابط سیاسی و نظامی ایران و عراق از هجدهم فروردین ماه آغاز شده بود، اوایل اردیبهشت ماه تا حدودی فروکش کرد، ولی عوامل نفوذی در مناطق نفتی فعالیت‌های پراکنده‌ای داشتند و به تأسیسات نفتی در استان ایلام تیراندازی‌های پراکنده‌ای می‌کردند. در پنجم اردیبهشت ماه عوامل نفوذی عراق به تأسیسات نفتی بیات در غرب موسیان تیراندازی کردند و همین امر در پانزدهم اردیبهشت ماه در منطقه مقابل مندلی و در خاک ایران انجام شد و به چاه نفت شماره ۸ تیراندازی شد. در هفدهم اردیبهشت ماه مرزبان عراقی خائنین از مرزبان ایرانی قصرشیرین خواست از طریق مقامات ایرانی به واحدهای نظامی دستور داده شود تا مواضع نزدیک به مرز را عقب ببرند. در این روز تیراندازی‌های متقابلی در بعضی نقاط مرزی مبادله شد.

در هجدهم اردیبهشت ماه اطلاع رسید که عوامل نفوذی عراق با هدایت افسران عراق وارد ایران شده‌اند تا عملیات تخریب و مین‌گذاری اجرا کنند. در همین روز ژاندارمری به وزارت کشور و مقامات سیاسی دیگر گزارش داد که مرزبانی عراق در خانقین خواستار برچیده شدن مواضع و سنگرهای نیروهای ایرانی از نزدیکی مرز شده است. این درخواست کتبی داده شده و مقامات عراقی تهدید کرده‌اند که چنانچه مواضع و سنگرهای ایرانی مورد نظر برچیده نشوند، دولت عراق متوسل به کاربردن وسایل دفاعی خود خواهد شد. ژاندارمری در این باره اظهار نظر کرد که به نظر می‌رسد دولت عراق می‌خواهد این موضوع را بهانه‌ای برای تجاوز به خاک ایران قرار دهد. در بیست و چهارم اردیبهشت ماه نیروهای عراقی پاسگاه مرزی یک‌ه‌شان ایران را به مدت قریب چهارده ساعت زیر آتش متناوب قرار دادند و از طرف نیروهای ایرانی به آتش آنها پاسخ داده شد. در اوایل اردیبهشت ماه اطلاعاتی به مقامات ایرانی رسیده بود که عوامل ضدانقلاب ایران مستقر در عراق به سرپرستی ارتشبد اویسی طرح نفوذ و خرابکاری وسیعی در خاک ایران و در منطقه قصرشیرین تهیه کرده‌اند که در دهه اول اردیبهشت ماه در چهار منطقه شامل اسلام‌آباد، کوند، قصرشیرین و سومار به اجرا در خواهد آمد. ولی به‌طور کلی در بیست روز اول اردیبهشت ماه حوادث خیلی مهمی در منطقه کرمانشاه و ایلام رخ نداد.

در بیست و یکم اردیبهشت ماه برخوردی بین عناصر سپاه پاسداران و اشرار در محور کوند و سرپل‌ذهاب رخ داد که یک نفر پاسدار مجروح شد. گزارش اطلاعاتی حاکی از آن بود که شاهپور بختیار آخرین نخست‌وزیر زمان شاه به عراق آمده و در جلسه ضدانقلابیون ایران سخنرانی کرده و نویدهایی به آنان داده است. در این ماه نیز پاوه در رأس مسائل بود و خبر رسید که ۳۷ بار قاطر اسلحه سنگین به حوالی پاوه حمل شده و آشوبگران در نظر دارند به هر قیمت شده شهر پاوه را به کنترل خود در آورند. شهر بانه نیز در معرض تهدید جدی بود، به طوری که فرماندهی منطقه غرب در بیست و دوم اردیبهشت ماه گزارش کرد با مشکلات زیادی ۱۲۰ نفر پاسدار با بالگرد به بانه انتقال یافته‌اند و برای پشتیبانی تدارکاتی و تخلیه مجروحان از بالگرد استفاده شده و ۲۳ فروند بالگرد مورد اصابت تیراندازی آشوبگران قرار گرفته و تا کنون ۵۰ سورتی پرواز هواپیماهای (اف-۴) و (اف-۵) برای پشتیبانی اعزام شده است، ولی شهر عملاً در کنترل آشوبگران دمکرات قرار دارد.

در چنین شرایط بحرانی اخبار و اطلاعات تأسفاتبار و نگران‌کننده‌ای درباره بی‌انضباطی و عدم اعتماد به بعضی افراد ارتش می‌رسید و نظر به اینکه گروگان‌گیری به وسیله آشوبگران متداول شده بود، در بعضی محافل چنین برآورد می‌شد که ممکن است بعضی افراد ارتشی شخصاً به ضدانقلابیون پیوسته باشند و با آنان همکاری کنند؛ چنان‌که لشکر ۸۱ در گزارش بیست و سوم اردیبهشت ماه وجود چنین احتمالی را درباره بعضی افراد نیروهای مخصوص ایران داد. این قبیل گزارش‌ها اعم از اینکه صحت داشته یا نداشته آثار مخربی بر نیروهای مسلح ایران باقی می‌گذاشت و بدبینی و بی‌اعتمادی را بین عناصر مختلف رزمنده به وجود می‌آورد و طبعاً حداقل در روابط فردی بین افراد ارتش، سپاه و ژاندارم آثار نامطلوبی باقی می‌گذاشت.

در چهاردهم اردیبهشت ماه لشکر ۸۱ زرهی آخرین وضعیت منطقه کرمانشاه و ایلام را چنین گزارش داد:

۱. چهار عراده توپ ضدهوایی برای حفاظت سایت ایلام اعزام شد.
 ۲. تیراندازی‌های پراکنده در پناه جریان داشت، ولی تلفاتی در بر نداشت.
 ۳. درگیری‌های پراکنده‌ای در شرمینه، کنداب و هانی‌شور از توابع جوانرود بین پاسداران و ضدانقلاب به وجود آمد.
 ۴. یک عدد مین ضدتانک در راه چفته و باویسی کشف و خنثی شد.
 ۵. در یک مدرسه در کامیاران بمبی منفجر شد، ولی به کسی آسیبی نرسید.
 ۶. در ازگله بین مهاجمان و مدافعان تیراندازی شد، ولی تلفاتی در بر نداشت.
- در اواخر اردیبهشت ماه ناامنی‌های داخلی در منطقه کردستان شدت گرفت، به نحوی که تصمیم گرفته‌شد یک گردان پیاده از لشکر مشهد با ۳۰۰ نفر پاسدار و ۱۵۰ نفر ژاندارم برای تأمین محور کرمانشاه - سنندج اعزام شوند.

در بیست و پنجم اردیبهشت ماه شدت بحران در منطقه سردشت بود و برابر گزارش‌هایی که سرگرد رضایی، فرمانده واحد مستقر در سردشت به لشکر ۸۱ داد، دو پاسگاه ژاندارم‌ری به دست آشوبگران خلع سلاح شد. پاسگاه کله نزدیک سردشت تخلیه شد، ولی مقداری سلاح و مهمات به دست مهاجمان افتاد و تمامی پاسگاه‌های ژاندارم‌ری و همچنین واحد نیروی زمینی و پاسداران در معرض تهدید جدی قرار گرفتند و درخواست کمک و پشتیبانی کردند. البته باید به این حقیقت توجه کرد که مسائل معمولاً بزرگتر از آن چیزی بود که گزارش می‌شد به علاوه بنا

به اصل شناخته شده در تمام ارتش‌ها که روحیه، سه‌چهارم قوای رزمی است، ضعف روحیه سبب ضعف توان رزمی شده بود. اما نکته دیگر را هم واقع‌بینانه باید در نظر گرفت که در جنگ داخلی که دشمن در هر نقطه حتی در داخل واحدهای خودی ممکن است در کمین باشد و در همه جا فعال باشد، طبعاً نگرانی در نیروهای منظم خودی ایجاد می‌کند و این نگرانی یک عکس‌العمل روانی است و در همه افراد با شدت و ضعف متفاوت وجود دارد، بنابراین نمی‌توان رزمندگانی را که در آن شرایط بسیار سخت برای تمامیت ارضی میهن ما تلاش می‌کردند، ملامت کرد.

در همان روز بیست و پنجم اردیبهشت ماه منطقه جواترود نیز ناآرام بود. دوزدوزانی، فرمانده سپاه پاسداران، وضع بحرانی آن منطقه را به دفتر ریاست جمهوری گزارش داد و از عدم کفایت پشتیبانی ارتش گله کرد و اظهار نمود: «در صورت عدم پشتیبانی، پاسداران، منطقه را تخلیه خواهند کرد.» از این گله‌گذاری‌ها از طریق ژاندارمری هم به عمل می‌آمد و انگیزه همه این مسائل سنگینی مأموریت، ناآرامی منطقه، تهدید جدی ارتش عراق، وسعت زیاد منطقه، کوهستانی بودن و صعب‌العبور بودن منطقه، تهدید آشوبگران و ضدانقلابیون و در مقابل همه اینها کمبود توان رزمی نیروهای مسلح برای جواب‌گویی به این مسائل بود. در چنین شرایطی قضاوت درباره نحوه انجام وظیفه مسئولان بسیار مشکل است و به سادگی نمی‌توان کسی را مسئول و محکوم کرد. از فرماندهی که با خواهش، تمنا و با ضعف کامل قدرت فرماندهی بر افراد زیر دستش فرماندهی داشته باشد، چه انتظاری می‌توان داشت. به علاوه هر عملیات نظامی باید با کنترل مرکزی طرح‌ریزی و هدایت شود تا تمام تلاش‌ها از پایین‌ترین رده تا بالاترین رده با یک برنامه حساب شده و هماهنگ به مرحله اجرا درآید. ولی در درگیری‌های داخلی ایران با آن شرایطی که نیروهای مسلح ایران شامل ارتش، سپاه و ژاندارمری داشتند، امکان تهیه یک طرح هماهنگ شده وجود نداشت. به‌عنوان مثال لشکر ۸۱ زرهی در بیست و پنجم اردیبهشت ماه گزارشی به نیرو داد که نمایانگر این وضعیت بود. لشکر اعلام کرد: «بنا به درخواست سپاه پاسداران پنج دستگاه تانک به شروینه اعزام شد، درحالی‌که در آن منطقه امکان استفاده از تانک وجود ندارد و برای این عملیات هیچ‌گونه هماهنگی با لشکر به عمل نیامده است و همچنین عناصری از سپاه پاسداران به مناطقی می‌روند که پس از درگیری تقاضای تانک و نفربر می‌کنند که قبلاً لشکر از این عملیات مطلع نمی‌شود و نمی‌تواند پیش‌بینی‌های لازم را به عمل آورد. به علاوه لشکر حتی در بیراهه‌ها و کوره

راه‌ها با تانک و نفربر از پاسداران پشتیبانی می‌کند.» فرمانده لشکر اظهار کرد. «این کمال بی‌انضباطی است که به تمام سازمان‌ها گزارش شده است که لشکر از پاسداران مستقر در جوانرود پشتیبانی نکرده است. این مسائل طبعاً به رده‌های بالاتر منعکس می‌شده و اما رده‌های بالاتر در شرایطی نبودند که بتوانند تصمیمات قاطعی برای روش هدایت عملیات اتخاذ کنند و فقط به صدور دستورات، راهنمایی و نصیحت ما اکتفا می‌کردند.» چنان که درباره مسائل یادشده ستاد مشترک نامه‌ای به نیروی زمینی نوشت که مفاد آن چنین است:

«در این زمان که کشور بیش از هر زمان نیاز به وحدت و همکاری دارد باید با تشریک مساعی و تعاون، مشکلات موجود را از پیش برداشت. چنانچه فرماندهان روی جوانی و به اصطلاح حمیت قسمتی اختلافاتی پیدا می‌کنند، بر فرماندهان است که با استفاده از تجارب خدمتی و بینش واقعی بیشتری که دارند ائتلاف و مودت لازم در بین مرئوسین را به وجود آورند و اجازه ندهند این قبیل اختلافات قابل حل خود مشکلی را در کشور به وجود آورد.»

سرلشکر شادمهر

باید گفت که در آن شرایط شاید هر کس دیگری چنین مسئولیتی را عهده‌دار می‌شد جز این نمی‌توانست بکند. برابر گزارش نوبه‌ای شماره ۵۰، وضعیت منطقه کرمانشاه در بیست و ششم اردیبهشت ماه چنین بوده است:

۱. در پایه درگیری شدید به وجود آمد و برای خنثی کردن تهاجم آشوبگران هواپیمای پشتیبانی اعزام شد.
۲. در گرده‌نو و ازگله برخورد به وجود آمد. آبادی «ازگله» زیر آتش سلاح سنگین مهاجمان قرار گرفت و یک نفر مجروح شد.
۳. در منطقه یکه‌شان درگیری رخ داد و دو دستگاه نفربر با مین برخورد کردند و نه نفر مجروح شدند که با بالگرد تخلیه شدند.
۴. مهاجمان با آرپی‌جی به دکل‌های مخابراتی حمله کردند و به دو دستگاه آسیب وارد کردند.
۵. در منطقه نفت‌شهر یک لوله نفت منفجر شد.

۶. در منطقه پاوه، آبادی نوریاب زیر آتش سلاح سنگین مهاجمان قرار گرفت و همچنین به مقر سپاه پاسداران مستقر در تازه‌آباد پاوه حمله شد که با اعزام نیروهای کمکی، حمله مهاجمان دفع شد.

یک نکته حساس عملیاتی که از همان آغاز شدت بحران داخلی و تهدید خارجی پیش آمد، عبارت از این بود که به دلیل درگیر شدن تدریجی تمام توان واحدها، نیروهای احتیاطی در سلسله مراتب فرماندهی باقی نماند تا به عنوان نیروی ضربت در شرایط سخت عملیاتی و یا برای تعویض نوبه‌ای واحدهای درگیر عملیات به کار برده شود. این وضع حتی در رده نیروی زمینی نیز به وجود آمد، زیرا نیروی زمینی حتی واحدهای پشتیبانی آموزشی مراکز فرهنگی مانند مرکز زرهی و مرکز پیاده را نیز وارد عمل کرده بود. با توجه به اینکه واحدهای نظامی از اواسط سال ۱۳۵۸ به تدریج درگیر مأموریت شده بودند، نیاز به تعویض دوره‌ای طبق اصول عملیات نظامی داشتند، ولی آماده کردن واحد جایگزین برای تعویض مشکل شده بود؛ چنان‌که گردان ۱۲۳ از عناصر لشکر ۸۱ مدت چهار ماه بود در منطقه سردشت مأمور بود و نیاز به تعویض داشت و فرمانده گردان پی‌درپی درخواست تعویض می‌کرد، ولی لشکر مقدراتی در اختیار نداشت تا آن را تعویض کند و از نیروی زمینی درخواست یکان اعزامی از لشکرهای دیگر کرده بود. نیروی زمینی در ۲۸ اردیبهشت ماه به درخواست لشکر چنین پاسخ داد:

«نیروی زمینی از مشکلات گردان ۱۲۳ پیاده زرهی کاملاً آگاه است و تلاش می‌کند هر چه زودتر یکان‌های مستقر در بانه و سردشت را تعویض نماید. در حال حاضر حق تقدم برای نیروهای مستقر در بانه منظور شده و پس از تعویض یکان‌های مزبور نسبت به تعویض گردان ۱۲۳ اقدام خواهد شد.»

سرتیپ فلاحی

علاوه بر نامه بالا، فرمانده نیروی زمینی شخصاً نامه‌ای به فرمانده گردان ۱۲۳ مستقر در سردشت فرستاد و ضمن تقدیر از تلاش‌های کارکنان آن گردان و بیان مشکلات اعزام نیروی تعویض شونده به علت ناامنی راه‌های مواصلاتی اطلاع داد که در آتیه نزدیک یک گردان از تیپ ۵۵ هوایر برای تعویض اعزام خواهد شد. همین مکاتبات خود بیانگر وخامت منطقه و مشکلات فرماندهان است. مسائل مربوط به یک گردان باید در رده تیپ و حداکثر لشکر حل و فصل شود، ولی شرایط طوری بود که حتی فرمانده نیرو هم قادر به حل آن نبود.

علاوه بر کمبود کمی واحدهای ارتش، کمبود کیفی شامل ضعف آموزش نیز وجود داشت. از پیروزی انقلاب به بعد تقریباً برنامه‌های آموزشی به حالت تعطیل یا نیمه‌تعطیل درآمده بود و فقط برنامه‌های مشق صف جمع و اسلحه‌شناسی و امثال آن در پادگان‌ها اجرا می‌شد. برنامه‌های آموزش صحرائی تقریباً به کلی متوقف شده بود و این موضوع در اعزام افراد وظیفه به مأموریت مشکلاتی به وجود می‌آورد. به عنوان نمونه در اواخر اردیبهشت ماه یک گردان پیاده از لشکر ۷۷ مشهد به قزوین اعزام شد تا از طریق همدان به کرمانشاه برود. در پادگان قزوین از این گردان بازدید شد و ملاحظه گردید افراد آموزش رزمی ندیده و تیراندازی نکرده‌اند. دستور داده شد سه روز برنامه آموزش رزم انفرادی و تیراندازی در قزوین اجرا کنند و بعد به کرمانشاه حرکت کنند.

از دیگر مشکلات، کمبود استعداد رزمی مورد نیاز در سپاه پاسداران و ژاندارمری بود؛ چنان‌که در اواسط اردیبهشت ماه در شورای امنیتی کشور هماهنگی شده بود که برای تأمین محور کرمانشاه به سنج ۳۰۰ نفر پاسدار و ۱۵۰ نفر ژاندارم زیر امر لشکر ۸۱ قرار داده شود و طبق گزارشی که نیروی زمینی در آخر اردیبهشت ماه به ستاد مشترک ارسال کرد تا آن زمان این عده واگذار نشده بود. ناحیه ژاندارمری کرمانشاه اعلام کرده بود توانایی واگذاری ۱۵۰ نفر ژاندارم را ندارد و سپاه پاسداران نیز اقدامی نکرده بود. در نتیجه آن مأموریت مورد نظر اجرا نشده بود و فرمانده ژاندارمری که در آن زمان سرتیپ ظهیرنژاد بود، در پاسخ نیروی زمینی اعلام کرده بود که ژاندارمری مقدوراتی برای واگذاری نیرو برای مأموریت مورد نظر ندارد و نیروی زمینی این نیازمندی را از طریق دیگر تأمین کند.

درباره مأموریت‌های عملیاتی داخلی پشتیبانی بالگرد فوق‌العاده حایز اهمیت بوده و یکان هوانیروز نقش فعالی در این باره داشت، زیرا ناامنی راه‌ها، کوهستانی بودن منطقه و وسعت منطقه عملیات مانع اقدامات به موقع برای رساندن نیروهای تقویتی و وسایل تدارکاتی به نقاط دور افتاده و درگیر شده با ضدانقلابیون بود. اما به دلیل گسترده بودن ضدانقلابیون مسلح در تمام سطح منطقه عملیات تأمین بالگردها در سقف پرواز کوتاه که به هنگام نزدیک شدن به محل فرود الزامی بود، خطراتی برای بالگردها و خلبانان ایجاد می‌کرد؛ چنان‌که تعدادی از بالگردها در تیراندازی آشوبگران سرنگون شدند و یا آسیب دیدند و این امر نگرانی‌هایی در خلبانان به وجود می‌آورد.

برخوردهای مرزی و داخلی در غرب در خرداد ۱۳۵۹

در اوایل خرداد ماه وضع بانه نگران کننده شد. تمام سازمان‌های مسئول تلاش کردند تهدید را از بانه برطرف سازند. دستوراتی به نیروی هوایی و هوانیروز داده شد تا با حداکثر مقدمات موجود در منطقه غرب از مدافعان بانه پشتیبانی کنند. ارتباط بانه با کرمانشاه مختل شده و نگرانی در ستاد به وجود آمده بود، ولی چنین به نظر می‌رسد که قبل از آنکه مهاجمان اقدامی جدی به عمل آورند دست از حمله برداشته بودند، زیرا نتیجه عملیات در اسناد ثبت نشد. اما این شرایط و اضطراب و نگرانی‌ها هر روز به نوعی در منطقه وجود داشت و به دلیل مشکلات مقابله با نیروهای نامنظم و چریک که معمولاً در تمام عملیات ضدچریکی وجود دارد، گاهی نگرانی‌ها چندان موجه نبود. مثلاً شلیک چند گلوله خمپاره از نقطه دوردستی چنین توهمی را ایجاد می‌کرد که نیروی سنگین اقدام به حمله کرده، درحالی که خصوصیات عملیات چریکی همین است که با حداقل نیرو حداکثر وحشت را در واحدهای منظم ایجاد کند و در عملیات داخلی غرب نیز آشوبگران از این تاکتیک حداکثر بهره‌برداری را می‌کردند.

امکان حمله عمومی عراق در اوایل خرداد ماه مورد توجه بود. به این دلیل نیروی زمینی در دوم خرداد ماه به همه یکان‌های مستقر در غرب ابلاغ کرد تا در صورت حمله ارتش عراق اقدام به عمل متقابل کنند. در منطقه کرمانشاه فشار شدیدی به لشکر وارد می‌شد و لشکر عملاً مسئولیت تأمین منطقه را به عهده گرفته بود و مأموریت ژاندارمری را در منطقه انجام می‌داد. این فشار گاهی سبب ناراحتی فرمانده لشکر می‌شد و اجباراً او نیز گرفتاری‌ها را به نیروی زمینی منتقل می‌کرد و نیرو هم به ستاد مشترک و سرانجام به ژاندارمری کشور می‌رسید، اما هیچ‌کدام از این رده‌ها مقدمات کافی نداشتند تا به تمام نیازمندی‌ها پاسخ مثبت بدهند و در این میان آن کسی که عملاً در زیر فشار باقی می‌ماند، لشکر و فرماندهان یکان‌هایی بودند که عملاً در جبهه داخلی و خارجی در مقابل تهدیدهای دشمن قرار داشتند. برای درک این وضع، نامه لشکر که در این باره نوشته شده شاهد گویایی است.

لشکر در دوم خرداد درباره همکاری ژاندارمری نامه‌ای به نیروی زمینی فرستاد که خلاصه آن این است: «همه شما را به خدا و ائمه اطهار سوگند می‌دهم واقعیت را بررسی بفرمایید. تنها کلمه زیر امر و کنترل عملیاتی مشکلی را حل نمی‌کند. دست کم اجازه بفرمایید لشکر از ژاندارمری قطع امید کند و کاری به کار این سازمان نداشته باشد.»

بر اساس گزارش یاد شده، لشکر نیروی زمینی در چهارم خرداد ماه، نامه مفصلی به ستاد مشترک نوشت و مشکلات کمبود عنصر ژاندارمری و سپاه پاسداران در منطقه کرمانشاه برای اجرای مأموریت‌های محوله به ویژه مأموریت پاکسازی محور کرمانشاه - سنندج را یادآور شد و نظر داد نیروی زمینی از تاریخ ششم خرداد ماه مأموریت پاکسازی محور یادشده را مستقل آغاز خواهد کرد و درخواست کرد چگونگی امکان همکاری ژاندارمری و سپاه پاسداران را بار دیگر اعلام کنند.

همان‌گونه که قبلاً یادآوری کردیم جنگ داخلی با آشوبگران و تجزیه‌طلبان گُرد در تمام منطقه غرب کشور شامل استان‌های آذربایجان غربی، کردستان و کرمانشاه جریان داشت و دامنه آن تا ایلام نیز کشیده شده بود. ولی ما در این گفتار به مسائل کردستان و آذربایجان غربی نمی‌پردازیم، زیرا هدف اصلی ما بررسی حوادثی است که به طور مستقیم یا غیرمستقیم با تجاوزات عراق ارتباط داشت. یادآوری این نکته نیز لازم است که غیر از منطقه کرمانشاه، ایلام و خوزستان مناطق دیگر غرب نیز ناآرام بود و نیروهای مسلح ایران در آن نقاط نیز به شدت درگیر عملیات با ضدانقلابیون و آشوبگران داخلی بودند؛ چنان‌که در هفتم خرداد ماه ستاد مشترک اعلام کرد در منطقه خوی نیز حوادث ناگواری رخ داده و خط آهن بین‌المللی ایران و ترکیه مورد تهدید قرار گرفته و زد و خوردهایی به وقوع پیوسته است.

نکته‌ای که در بررسی وقایع به چشم می‌خورد، شرکت فعال سپاه پاسداران در حدود مقدرات آن روز خود در عملیات آرام‌سازی و تأمین منطقه غرب است و در مراحل حساس این عاشقان مکتبی، داوطلبانه خطرناک‌ترین مأموریت‌ها را قبول می‌کردند و با وجود کمبود فوق‌العاده امکانات، تجهیزات و وسایل به محل مأموریت می‌رفتند. در هشتم خرداد ماه منطقه سقز بار دیگر بحرانی شد و یکان‌های مستقر در آن شهر نیاز به پشتیبانی فوری داشتند. یکصد نفر از افراد سپاه پاسداران مستقر در سنندج آماده شدند با بالگرد شنوک به سقز عزیمت کنند.

پاکسازی محور کرمانشاه به سنندج، در روز ششم خرداد ماه آغاز شد و واحدهای تعیین شده، شامل گروه رزمی ۱۷۸ پیاده و یک گروهان تانک از لشکر ۸۱ و یک گروهان پیاده از لشکر ۱ مرکز به فرماندهی سرهنگ سهرابی، فرمانده لشکر، حرکت کرد و در ساعت ۱۲۰۰ همان روز از کامیاران عبور کرد و در روز هفتم خرداد ماه و پس از درگیری‌های پراکنده با آشوبگران به سنندج رسید. این نمایش قدرت و اراده بسیار مفید بود و آشوبگران کردستان متوجه شدند که حکومت

مرکزی جمهوری اسلامی ایران تسلیم خواسته‌های تجزیه‌طلبانه آنان نخواهد شد. درگیری ستون راهپیمایی کرمانشاه به سنندج در نزدیکی شهر و در سه‌راهی دهکلان رخ داد و یک دستگاه تانکر سوخت مورد اصابت گلوله آشوبگران قرار گرفت و منهدم شد.

در روز هفتم خرداد ماه برخوردهای مرزی بین نیروهای ایرانی و عراقی در مرز استان ایلام رخ داد. ژاندارمری گزارش داد که دولت عراق تمرکزاتی در مقابل پاسگاه ژاندارمری بهرام‌آباد واقع در غرب مهران انجام داده است. در این گزارش یادآوری شد که از ساعت ۰۴۲۰ روز هفتم خرداد ماه نیروهای عراقی پاسگاه بهرام‌آباد را با سلاح سنگین زیر آتش گرفته‌اند و تیراندازی نیروهای عراقی از زرباطیه اجرا می‌شود. نیروهای ایرانی به آتش عراقی‌ها پاسخ داده‌اند، اما تلفات و خساراتی گزارش نشده است. ژاندارمری نظر دارد، ممکن است نیروهای عراقی شهر مهران را مورد حمله قرار دهند و درخواست اعزام واحدی از نیروی زمینی به منطقه مرزی مهران کرد. ستاد مشترک به نیروی زمینی دستور داد در صورت اجرای آتش از طرف نیروهای عراقی به شدت پاسخ داده شود.

در هشتم خرداد ماه نیروهای عراقی با آتش سلاح سبک و سنگین به حوالی شهر قصرشیرین تیراندازی کردند و همچنین عملیات خصمانه را با تیراندازی به منطقه مرزی مهران ادامه دادند. برای تقویت مرزداران ایرانی مستقر در منطقه مهران که عمدتاً از سپاه پاسداران بودند، نیروی زمینی به لشکر ۸۱ دستور داد یک دسته خمپاره‌انداز ۱۲۰مم مستقر در ایلام به مهران حرکت کند و در پشتیبانی پاسداران مستقر در پاسگاه بهرام‌آباد قرار گیرد. درباره پاسگاه بهرام‌آباد مهران ژاندارمری اعلام کرد که در ساعت ۰۲۰۰ روز هشتم خرداد ماه نیروهای عراقی پاسگاه بهرام‌آباد مهران را مورد حمله جدی قرار داده‌اند و به یگان ارتشی مستقر در ایلام دستور داده شد برای تقویت پاسگاه یاد شده به منطقه مهران حرکت کند. در این روز لشکر ۸۱ گزارشی درباره عملیاتی شدن نفربرهای زرهی بی‌ام‌پی ۱ داده است که توضیح آن برای مشخص شدن وضعیت آمادگی رزمی نیروی زمینی می‌تواند مفید باشد.

قبل از پیروزی انقلاب از جمله تجهیزات نظامی که ارتش ایران از کشور شوروی خریداری کرده بود، نفربرهای زرهی بی‌ام‌پی ۱ مجهز به توپ ۷۶ میلی‌متری و موشک‌انداز مالیوتکا بود و از جمله بهترین وسایل رزمی برای واحدهای پیاده زرهی بود. این نفربرها در اوایل سال ۱۳۵۷ به بعضی واحدها از جمله لشکر ۸۱ و ۹۲ زرهی تحویل داده شدند، ولی شروع حرکت انقلابی مانع اجرای

آموزش‌های لازم در واحدها شد و بعد از پیروزی انقلاب به دلیل آشفتگی‌هایی که در سازمان کلی ارتش به وجود آمد این وسایل بلااستفاده و حتی بدون مسئول در پادگان‌ها باقی ماند. لشکر ۸۱ زرهی که به دلیل درگیری‌های داخلی و مواجه شدن با تهدید جدی عراق حداقل از یک سال قبل از جنگ نیمه‌فعال شد، به دلیل نیاز مبرم به سلاح و تجهیزات متوجه وجود این نفربرها در پادگان مربوطه شد و برای حاضر به کار کردن و آموزش دادن نیرو برای استفاده از آنها اقدام کرد، ولی واحدهای دیگر از جمله لشکر ۹۲ زرهی به دلیل مشکلات سازمانی اصولاً این وسیله بسیار مفید و مؤثر را به فراموشی سپرده بودند تا اینکه در اوایل جنگ در جبهه خوزستان چند دستگاه از این نفربرها به وسیله نیروهای ایرانی از ارتش عراق به غنیمت گرفته شد و حتی پایه پرتاب موشک زمینی آن نیز به دست نیروهای ما افتاد. بعد از بررسی افسران آگاه از وجود این نفربرها از فرماندهان واحدها از جمله لشکر ۹۲ زرهی خواستند این خودروی رزمی ارزنده را حاضر به کار سازند. سرانجام در زمستان سال ۱۳۵۹؛ یعنی حدود چهار ماه بعد از آغاز جنگ، این نفربرها وارد عمل شدند، ولی هنگام خرید این وسایل به پایه پرتاب زمینی موشک‌اندازان توجه نشده بود. ابتدا تلاش شد این دستگاه با استفاده نمونه به غنیمت گرفته شده از نیروهای عراقی در ایران ساخته شود و نمونه آن نیز ساخته شد و آزمایش شد که قابل استفاده بود، ولی بعداً برای خرید پایه پرتاب ساخته شده از کره شمالی اقدام شد. لازم به یادآوری است که در اولین حمله هماهنگ شده ولی ناموفق ایران که در بیست و سوم مهر ماه ۱۳۵۹ در غرب دزفول به وسیله لشکر ۲۱ پیاده اجرا شد، همین اسلحه بزرگ‌ترین صدمات را به خودروهای زرهی ما وارد کرد که در شرح این عملیات به آن اشاره خواهد شد.

جریان حوادث نشان می‌دهد که در خرداد ماه فعالیت‌های نیروهای عراقی در مقابل معبر ربوط واقع در جنوب غربی موسیان و معبر سمیده واقع در غرب فکه متمرکز بوده و شبانه تعدادی گلوله منور خمپاره‌انداز به خاک ایران تیراندازی کرده‌اند. این عمل عراقی‌ها مورد اعتراض مرزبانی ایران قرار گرفت و رسماً به مرزبان عراق ابلاغ شد. لازم به یادآوری است که دو معبر ربوط و سمیده مهم‌ترین معبر وصولی عراق به ایران و بالعکس در منطقه عملیاتی غرب شوش و دزفول بود و در آغاز جنگ یک لشکر زرهی و یک لشکر مکانیزه عراق از همین دو معبر وارد خاک ایران شدند و به سمت شوش و دزفول پیشروی کردند و بزرگ‌ترین تهدید را برای تمام خوزستان به وجود آوردند که در شرح عملیات غرب دزفول به آن اشاره خواهد شد.

با عملیاتی که نیروهای عراقی در منطقه مهران و موسیان انجام دادند، حضور نیروهای عراقی در نزدیکی مرز ایران و احتمال دست زدن آنها به عملیات تهاجمی ناگهانی قوی تر شد و حوادث منطقه مرزی کرمانشاه و ایلام و خوزستان به طور عمومی و جدی به نیروهای عراق نسبت داده شد؛ چنان که در نهم خرداد ماه ژاندارمری گزارش کرد که نیروهای عراقی تمامی راه‌های فرعی و نفوذی حوزه استحفاظی گروهان سومار و پاسگاه تلخ‌آب را مین‌گذاری کرده و ارتش خود را در نوار مرزی مستقر نموده‌اند. اما کمافی‌السابق بلافاصله بعد از اعلام این وضعیت درخواست تقویت گروهان ژاندارمری صالح‌آباد به وسیله یکان ارتشی را کرد. در گزارش بعدی ژاندارمری در همین روز اعلام شد که نیروهای عراقی پاسگاه‌های مرزی مقابل قلعه‌خان، بازرگان و تلخ‌آب را تقویت کرده‌اند و چنانچه به پاسگاه‌های ایرانی حمله کنند، پاسگاه‌های ایرانی توانایی کافی برای مقابله نخواهند داشت و درخواست تقویت کردند.

در گزارش ادامه وضعیت در پاسگاه بهرام‌آباد اعلام شد که بر اثر اصابت گلوله‌های عراقی به پاسگاه یک نفر درجه‌دار مجروح شده و به ساختمان پاسگاه نیز آسیب رسیده است و بالگردهای عراقی آزادانه در قلمرو فضایی ایران پرواز می‌کنند و عملیات شناسایی انجام می‌دهند. این تجاوز علنی عراقی‌ها سبب عکس‌العمل ایران شد. نیروهای تقویتی به مهران اعزام شدند و نیروی هوایی برای عقب راندن بالگردهای عراقی از قلمرو فضایی ایران به پرواز درآمدند. عناصری از تیپ زرهی دزفول به مهران اعزام شد و یک فرماندهی عملیاتی به فرماندهی سرهنگ زرهی ستاد باوندپور در مهران مستقر شد. دستگاه رادار ایلام و همچنین رادار دزفول، پرواز هواپیماهای عراقی را در خارج از فضای ایران ثبت کردند. هواپیماهای اعزامی گزارش دادند که در مناطق مرزی خاک عراق گندم‌زارها را آتش زده‌اند. نیروی زمینی به لشکر ۹۲ زرهی دستور داد در همان روز نهم خرداد ماه یک آتشبار ۱۳۰م با چهار قبضه توپ ۲۳م ضدهوایی و یک گروهان تانک به مهران اعزام و زیر کنترل فرماندهی سرهنگ باوندپور قرار دهد. اما با توجه به این وضع، به نظر می‌رسد که صف‌آرایی جدی نیروهای ایرانی و عراقی از نهم خرداد ماه و از منطقه مرزی مهران آغاز شد و علل عمده آن دو عامل بود: اول سد کنجان‌چم که در مطالب گذشته شرح داده شد و دوم ارتفاعات مشرف به سد که تپه ۳۴۳ معروف‌ترین آن بود. از زمان‌های نسبتاً دورتر، یعنی از آغاز سلطنت پهلوی موضوع مورد منازعه بین ایران و عراق بود و در بحران شش ساله ایران و عراق که از ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۴ ادامه یافت، نیز این منطقه از حساسیت ویژه‌ای برخوردار بود. همان‌گونه که قبلاً شرح

داده شد این منطقه تنها منطقه‌ای بود که عملاً دو بار زد و خوردهای جدی بین نیروهای ایرانی و عراقی در آن به وقوع پیوسته بود.

دامنه عملیات در نهم خرداد ماه وسیع‌تر شد. ژاندارمری صالح‌آباد ایلام گزارش داد که چهار فروند هواپیما و دو فروند بالگرد عراقی حوالی پاسگاه‌های مرزی هلاله و نی‌حرز را در حدود ساعت ۱۷۳۰ بمباران کردند. استاندار ایلام نیز اعلام کرد نیروهای عراقی پاسگاه گمرک مهران را زیر آتش گرفتند و انبار مهمات پاسگاه منفجر شد. عملیات تجاوزکارانه نیروهای عراقی سبب تهییج احساسات فرماندهان ایرانی شد. فرمانده لشکر ۸۱ زرهی از نیروی زمینی درخواست کرد، اجازه داده شود در مقابل هر حمله نیروهای عراقی چند برابر پاسخ داده شود. سرانجام آخرین وضعیت نهم خرداد ماه چنین اعلام شد که یک گروهان مستقر در ایلام به مهران حرکت کرد. یک دستگاه خودرو سپاه پاسداران در جاده دارخور با مین برخورد کرد که بر اثر آن یک نفر شهید و دو نفر مجروح شدند. در منطقه ازگله و باویسی بین نیروهای ایرانی و عراقی برخوردی رخ داد و دوازده دستگاه خودرو ترابری سبک ۲/۵ تنی در پشتیبانی منطقه ایلام قرار گرفت.

علاوه بر حوادثی که از طریق مقامات ارتشی گزارش می‌شد، ژاندارمری نیز گزارش‌هایی از طریق اداری مربوطه ارسال می‌کرد. طی گزارشی که هنگ ژاندارمری ایلام ارسال کرد در پنجم خرداد ماه حدود سی نفر از نیروهای عراقی در منطقه پاسگاه پیچ‌انگیزه موسیان وارد خاک ایران شدند و نیروهای ارتشی و ژاندارمری مستقر در آن پاسگاه هشت نفر از نیروهای عراقی را دستگیر کردند و بقیه افراد عراقی به خاک عراق عقب‌نشینی کردند. این نکته را هم باید توجه داشت که در آن شرایط اجرای عملیات متقابل از طرف نیروهای ایرانی کاملاً مجاز و مشروع بود، لذا در بعضی موارد مرزداران ایرانی نیز عکس‌العمل‌های متقابلی نسبت به تجاوزات نیروهای عراقی نشان می‌دادند. چنان‌که در دوم خرداد ماه مرزبانی سومار اعلام کرد که تعدادی از افراد سپاه پاسداران بدون هماهنگی با نیروهای نظامی و انتظامی، عملیاتی در منطقه نفت‌خانه عراق انجام دادند.

به هر حال برخوردهای مرزی بین نیروهای عراقی و ایرانی از خردادماه به طور متناوب به وجود آمد و تقویت یکان‌های مرزی به وسیله نیروهای هر دو طرف انجام شد. عراق در هشتم خرداد ماه پاسگاه‌های مقابل سه‌تپان، چقاشیره، تلخاب و هدایت را تقویت کرد. آنچه مسلم به نظر می‌رسد، همکاری عملی بین نیروهای عراقی و آشوبگران و ضدانقلابیون داخلی غرب کشور از خرداد ماه به‌طور هماهنگ به مرحله اجرا گذاشته شد و دولت عراق برای تحت فشار قرار دادن دولت جمهوری اسلامی ایران تمام تلاش خود را به کار برد. نظر به این که دولت عراق از وضعیت نابسامان ارتش ایران آگاه بود، چنین برآورد می‌کرد که ارتش ایران توانایی مقابله در جبهه داخلی و خارجی را نخواهد داشت و در مقابل فشار مستقیم و غیرمستقیم عراق به زانو درخواهد آمد و در نتیجه دولت ایران مجبور خواهد شد به خواسته‌های سیاسی عراق که در رأس آنها سه موضوع اصلی اعلام شده بود، تن در دهد. ابتدا دولت عراق مدت دو ماه مرحله اولیه و آزمایشی طرح‌های سیاسی و نظامی خود را با تقویت و پشتیبانی ضدانقلابیون و اشرار و آشوبگران داخلی ایران در غرب کشور ایران به مورد اجرا گذاشت. نیروهای مسلح ایران در حد توانایی‌ها خود توانستند دامنه اغتشاشات داخلی منطقه غرب را محدود کنند و با ایثار، از خودگذشتگی و فداکاری افراد ارتش، سپاه پاسداران و ژاندارمری افسارگسیختگی نیروهای چپ‌گرا را در کردستان، کرمانشاه و ایلام مهار کنند.

گرچه دولت جمهوری اسلامی ایران در ادامه روش سازشکارانه‌ای را که از آغاز پیروزی انقلاب و از وقوع اشغال پادگان مهاباد در ۱۳۵۸/۱۲/۱ نسبت به عده‌ای از گروه‌های چپ‌گرای شورشی‌گردد در پیش گرفته بود، ادامه می‌داد و تلاش می‌کرد با مذاکره، مسامحه و دادن امتیازات سیاسی و اقتصادی به مردم کردستان از تشدید بحران داخلی جلوگیری کند، اما متأسفانه هر قدر دولت مرکزی تلاش می‌کرد با مسالمت مسئله کردستان فیصله یابد، گروه‌های تجزیه‌طلب در جهت معکوس عمل می‌کردند و فشار خود را بر نیروهای دفاعی با خلع سلاح کردن، به گروگان گرفتن و به شهادت رساندن افراد نیروهای مسلح تشدید می‌کردند. نیروهای مسلح ایران نیز در اجرای سیاست دولت حتی‌المقدور از اقدامات متقابل تند خودداری می‌کردند، اما این وضع با فلسفه عملیات نظامی هماهنگی چندانی نداشت.

گروه‌های چپ‌گرای گرد در هر شهر و دیاری که با عملیات نظامی مواجه می‌شدند، مردم غیرنظامی و غیرسیاسی محلی اعم از زن و مرد و پیر و جوان و به خصوص بچه‌ها را وادار می‌کردند به صورت توده‌ای در مقابل ستون‌های نظامی قرار گیرند و مانع انجام وظیفه نظامیان شوند. به هر حال شرایط داخلی برای انجام عملیات نظامی با مشکلات زیادی مواجه بود و برای روشن شدن این وضع خلاصه نامه‌ای که فرمانده لشکر ۸۱ کرمانشاه در دهم خرداد ماه به نیروی زمینی نوشته است، بیان می‌کنیم.

«از هنگامی که در ۱۳۵۸/۱۲/۲۸ پادگان سنندج مورد هجوم گروه‌های تجزیه‌طلب قرار گرفت، عده‌ای از افراد آن لشکر داوطلبانه به پادگان سنندج اعزام شدند و با تلاشی که به عمل آمد پادگان نجات یافت و اگر اقدامات به همان نحو دنبال می‌شد، ممکن بود تلاش آشوبگران در نطفه خفه شود، ولی از طرف دولت موقت نمایندگان به منطقه اعزام شدند و آتش بس یک‌طرفه به وسیله دولت اعلام شد. ارتش مورد اتهام ضدخلقی بودن قرار گرفت و حتی عده‌ای خواستار محاکمه و مجازات ارتشیان شدند و این امر سبب تضعیف روحیه افراد ارتشی شد و افراد ارتشی تحقیر شدند، در صورتی که آشوبگران روز به روز تقویت گردیدند.

همین وضع در پاره رخ داد و هنگامی که آشوبگران شکست خورده بودند، بار دیگر هیئت حُسن‌نیت دولت وارد عمل شد و ارتش را وادار به آرامش کرد. این امر سبب شد که مهاجمان شروتر شوند، حقی در منطقه برای خود قائل شوند، کردستان را از آن خود بدانند و از نقل و انتقال واحدهای نظامی در مناطق کردستان جلوگیری کنند. حوادث در سقز و بار دیگر در سنندج تکرار شد و باز در تاریخ هفتم خرداد ماه اعلام آتش بس داده شد و متجاسرین توانستند نیروهای پراکنده خود را متمرکز کرده و تقویت کنند. این روش عملکرد سبب شده است آثار اقدامات نظامی خنثی شود و آشوبگران هر روز در یک منطقه آشوب بر پا سازند و در رسانه‌های گروهی نیز اعلام می‌شود که خواسته‌های به حق خلق گرد تحت بررسی است و این‌گونه اظهارات سبب تقویت روحیه آشوبگران می‌شود که در نتیجه فشار خود را بر نیروهای مسلح شدیدتر می‌کنند تا امتیازات بیشتری به دست آورند و در این راه افراد نظامی و انتظامی شهید می‌شوند. سرانجام در پایان این نامه فرمانده لشکر نظر داده است که اگر روش مقابله با

آشوبگران به همین نحو ادامه یابد، سبب تضعیف بیش از پیش افراد نیروهای مسلح و تقویت روحیه آشوبگران خواهد شد.»

این نامه نمونه‌ای از روش آرام‌سازی منطقه آشوب‌زده غرب ایران بود و یکی از نتایج این روش آن شد که با وجود اینکه هفت سال از پیروزی انقلاب اسلامی ایران می‌گذشت، عملیات داخلی کردستان همچنان ادامه داشت، در حالی که جنگ تحمیلی با عراق نیز ششمین سال خود را می‌گذراند.

به شرح روند حوادث ادامه می‌دهیم. فعالیت نیروهای عراقی در نزدیکی مرز غربی ایران همچنان رو به افزایش بود. در دهم خرداد ماه گزارش‌هایی از تقویت نیروهای عراقی به مقامات مسئول نظامی رسید و همزمان فعالیت آشوبگران داخلی نیز در مناطق تپله‌کوه و تنگ‌هوان سبب درگیری‌هایی با نیروهای مسلح ایران شد. در این روز با یک دستور مختصر روش مقابله با نیروهای عراقی به واحدهای نیروی زمینی ابلاغ شد که عبارت بود از:

۱. به آتش نیروهای عراقی به موقع پاسخ دهید تا آتش آنها روی پاسگاه‌ها و مواضع نیروهای ایرانی خاموش شود.
 ۲. در صورت قطع آتش، شما هم آتش را قطع کنید.
 ۳. نیروی زمینی ایران در مرزهای مملکت در مقابل هرگونه تهاجم دفاع می‌کند، ولی قصد تهاجم را ندارد.
- «این تدابیر کلی نیروی زمینی است؛ از افسران و درجه‌داران و سربازان شجاعی که از مملکت دفاع می‌کنند انتظار دارد بر اعصاب خود مسلط و بهانه به دست دشمن ندهند.»

سرتیپ فلاحی

پیش از این مشخص شد که منطقه مرزی مهران در چند روز گذشته مرکز برخورد بین مرزداران ایران با نیروهای متجاوز عراقی بود. لشکر ۸۱ خلاصه وضعیت نتایج عملیات را تا صبح روز یازدهم خرداد ماه چنین گزارش داد: «یکان‌های مستقر در مهران با شدت با نیروهای عراقی مبادله آتش داشتند. به یکان‌های خودی آسیبی نرسید، ولی احتمالاً خسارات سنگینی به پاسگاه‌های عراقی زالوآب، مغان، شقلاوه و دراجی وارد شد و یک دستگاه تانک و یک خودروی نظامی عراقی منهدم شد. در منطقه تپله‌کوه،

باویسی و هوان نیز بین نیروهای خودی و مهاجمان مبادله آتش انجام شد و همین وضع در منطقه گردنه مروارید و باینگان با شدت کمتری به وقوع پیوست.»

نکته‌ای که در این گزارش نوبه‌ای به چشم می‌خورد، برآورد تلفات وارده به نیروهای دشمن است که کاملاً اغراق‌آمیز به نظر می‌رسد. چگونه ممکن است در یک نبرد چهار پاسگاه دشمن منهدم شود، ولی به نیروهای خودی هیچ آسیبی نرسد. اما متأسفانه این روش برآورد خسارات وارده به دشمن در تمام طول مدت ادامه داشت. بارها اتفاق می‌افتاد که در گزارش نتیجه عملیات، تلفات وارده به دشمن با دقت زایدالوصفی اعلام می‌شد، ولی درباره تلفات نیروهای خودی که در جلوی چشم و تحت کنترل مستقیم فرماندهان بود، اظهار می‌شد هنوز ضایعات و تلفات خودی مشخص نشده است و این روش گزارش نتایج عملیات در تمام طول جنگ ادامه داشت و گاهی نتایج نامطلوبی نیز در گرفتن تصمیمات منطقی در بر داشت.

اما دخالت نابجای مقامات غیرنظامی در مسائل نظامی از همان آغاز بروز اختلافات جدی با عراق آشکار شد. نمونه این وضع چنین است در دوازدهم خرداد ماه استاندار ایلام تلگرافی به جناب آقای مهدوی‌کنی، سرپرست وزارت کشور، مخابره و چنین نوشته است:

با توجه به درگیری مرزی در منطقه مهران و استفاده عوامل عراقی از مهمات سنگین روزانه تعداد دویست گلوله توپ ۱۳۰م و تعدادی مهمات سلاح سنگین مورد نیاز ستاد عملیاتی مهران است و لازم است به منظور پاسخگویی به عملیات تهاجمی دشمن و تقویت روحیه نیروهای جمهوری اسلامی ایران در اختیار قرار گیرد. مقرر فرمایید اقدام لازم معمول شود.

اصغر ابراهیمی استاندار ایلام

لازم به یادآوری است که تدارک واحدهای نظامی از جمله مهمات یک روش کاملاً شناخته شده و معمولی دارد که از طریق مسیرهای تدارکاتی بسیار منظم و سازمان یافته انجام می‌گیرد که این امر حتی به فرماندهان نظامی هم مربوط نیست. طبق روش تدارکاتی، مهمات از منابع تدارکاتی درخواست، دریافت و مصرف می‌شود، مگر اینکه شرایط خاصی از قبیل محدودیت امکانات تدارکاتی و یا محدودیت در مصرف و به کار بردن مهمات سلاح‌های مخصوص وجود داشته باشد که در آن شرایط نیز روش کار تدارکاتی جدید رسماً به واحدها ابلاغ می‌شود. حال در این مسئله استاندار و وزیر

کشور چه نقشی می‌توانند داشته باشند، دلیل آن را فقط می‌توان در شرایط سیاسی و اجتماعی آن روز ایران دانست. اما این شرایط با همین یک پیام تمام نشد بلکه تا اواسط سال اول جنگ همچنان ادامه داشت. چنان‌که در همان روز استاندار ایلام تلگرامی به فرمانده نیروی زمینی مخابره کرد و در آن اظهار نظر کرد که روابط فرماندهی در منطقه مهران بین فرمانده لشکر، فرمانده تیپ دزفول و فرمانده تیپ اسلام‌آباد چندان مطلوب نیست و پیشنهاد کرد فرمانده لشکر کرمانشاه یا معاونش فرماندهی منطقه مهران را به عهده بگیرد.

استاندار ایلام دارای اطلاعات و بینش نظامی آن‌چنانی نبود که توجه کند منطقه مسئولیت لشکر ۸۱ زرهی از مهران تا بانه حدود پانصد کیلومتر است و مهران جزو کوچک بیست کیلومتری از این منطقه است. فرمانده لشکر باید تمام منطقه پانصد کیلومتری به خصوص ایلام، سومار، نفت‌شهر، قصرشیرین، باویسی و نوسود را اداره کند، نه اینکه این بیست کیلومتر را محکم بگیرد و بقیه را رها سازد. به هر حال این وضع هدایت عملیات و دخالت‌های ناموجه در آغاز عملیات وجود داشت. استاندار ایلام در تلگرام سوم خود به وزارت کشور در همان روز درخواست بالگرد برای تخلیه مجروحان کرد، ضمن اینکه وضعیت تاکتیکی این منطقه را برای وزیر کشور تشریح نمود.

در دوازدهم خرداد ماه، منطقه باینگان مورد هجوم آشوبگران قرار گرفت و نبرد نسبتاً سنگینی بین نیروهای مسلح ایران و مهاجمان جریان پیدا کرد که در نتیجه این نبرد از مهاجمان چهار نفر کشته، شش نفر زخمی و پنج نفر اسیر شدند و از نیروهای خودی نیز یک نفر شهید، سه نفر سرباز زخمی و نه نفر پاسدار شهید شدند و یک دستگاه آمبولانس و یک دستگاه خودروی سیم‌رغ آسیب دید. طبق گزارش فرمانده ارتشی باینگان مهاجمان حدود سیصد نفر بودند و پشتیبانی زمینی خوب بود، ولی پشتیبانی بالگردها مؤثر نبود. در منطقه مرزی صالح‌آباد نیز پاسگاه‌های نی‌خزر، هلاله و انجیره زیر آتش شدید دشمن قرار گرفت و از واحد مهران درخواست شد تا یک دسته تانک برای تقویت آن پاسگاه‌ها اعزام شود، ولی فرمانده عملیاتی مهران موافقت نکرد. این موضوع مورد اعتراض فرمانده ژاندارمری قرار گرفت.

در یازدهم خرداد ماه دستورالعمل دیگری از ستاد مشترک برای مقابله با تهدیدهای نیروهای عراقی به نیروی زمینی ابلاغ شد که به یکان‌های تابعه ابلاغ شود. مفاد این دستورالعمل چنین بود:

۱. از تیراندازی ابتدا به ساکن روی پاسگاه‌های کشور عراق خودداری و فقط موقعی تیراندازی کنند که از طرف کشور مقابل تیراندازی شده باشد. در این صورت تا خاموش شدن سلاح‌های دشمن به تیراندازی ادامه دهند.
۲. از تجاوز مرزی به خاک عراق قویاً خودداری کنند.
۳. برای هدف‌های زمینی از درخواست هواپیماهای شکاری خودداری کنند.
۴. از تجاوزات دشمن تا آخرین نفس جلوگیری و مقاومت کنند.
۵. نیروی هوایی با استفاده از رادارهای موجود در منطقه رأساً به مقابله تجاوزات هوایی دشمن خواهد رفت.

با جدی شدن تهدید نیروهای منظم عراق فعالیت اطلاعاتی تا حدودی هدایت شد و از نقل و انتقالات واحدهای عراقی در نزدیکی مرز ایران اطلاعاتی به دست آمد که حاکی از تصمیمات دولت عراق برای مبارزه جدی در مرز ایران بود، ولی بیشتر اقدامات به وسیله آتش توپخانه بود. ما قبلاً درباره برهم ریختن سامانه کنترل و فرماندهی و تضعیف اعمال قدرت فرماندهی در ارتش صحبت کرده‌ایم، به طوری که آثار نامطلوب این روش فرماندهی از آغاز برخورد با عراق مشاهده شد.

اولین واحد مشترکی که از ترکیب عناصر لشکر ۸۱ و ۹۲ زرهی برای مقابله با تهدید ارتش عراق تشکیل شد، فرماندهی عملیاتی منطقه مهران بود و فرمانده تیپ ۲ دزفول جزو عناصر لشکر ۹۲ زرهی اهواز، فرماندهی آن را عهده‌دار شده بود. این فرماندهی در نهم خرداد ماه تشکیل شد، ولی در دوازدهم خرداد ماه استاندار ایلام از اختلافات بین فرماندهان یکان‌های تشکیل دهنده آن گزارشی به مقامات بالاتر داد و در سیزدهم خرداد ماه نیروی زمینی به لشکر ۸۱ نامه‌ای ابلاغ کرد که حاکی از عدم همکاری و هماهنگی فرماندهان یکان‌های اجرایی با فرمانده عملیاتی منطقه بود. لشکر در پاسخ نامه نیرو اعلام کرد که این امر بستگی به نحوه اعمال مدیریت و اصول رهبری فرمانده عملیاتی منطقه دارد. گرچه هر دو نظر نیرو و لشکر ۸۱

درست بود، اما موضوع اساسی تضعیف بیش از حد قدرت فرماندهی بود که در تمام واحدها و رده‌های فرماندهی با شدت و ضعفی متفاوت وجود داشت و در چنین شرایطی خصوصیات فرماندهی نمی‌توانست عامل قطعی تعیین‌کننده روش‌ها باشد. اصولاً پشتیبان قدرت فرماندهی یک فرمانده، قوانین و مقررات و روش‌های کلی حاکم بر جامعه و بر ارتش است و به فرمایش امام علی(ع) «لا رأی لمن لا یتطاع» فرماندهی که از او اطاعت نکنند، تدبیری نمی‌تواند به کار ببرد و در ارتش آن روز چنین وضعی به وجود آمده بود. به هر حال ایران در آستانه جنگ با عراق قرار گرفته بود و نقطه آغاز هم مهران بود، زیرا آنجا به دلیل دوری از مناطق عمده پشتیبانی خوزستان و کرمانشاه، سخت بودن راه‌های مواصلاتی و سهل‌الوصول بودن برای ارتش عراق، مناسب‌ترین منطقه برای هدف تجاوزکارانه دولت عراق در آغاز جنگ بود، ضمن اینکه اختلافات ارضی نیز در آن منطقه بین ایران و عراق وجود داشت. اما در آن زمان، یعنی در خرداد سال ۱۳۵۹ عملاً تمام واحدهای ارتش ایران درگیر مسائل داخلی کردستان شده بودند، به‌ویژه لشکر ۸۱ زرهی در تمام منطقه مسئولیت خود از ایلام تا باوئسی گسترش داشت. در این زمان فرمانده لشکر ۸۱ به نیروی زمینی گزارش داد که لشکر نمی‌تواند واحدهای مستقر در مهران را تقویت و یا پشتیبانی کند و پیشنهاد کرد که لشکر ۹۲ زرهی مسئولیت منطقه مهران را به عهده بگیرد، در حالی که لشکر ۹۲ زرهی خود یک جبهه چهارصد کیلومتری از اروندرود تا دهلران را در مقابل داشت و استعداد رزمی آن نیز در سطح بسیار پائینی بود.

در روز سیزدهم خرداد علاوه بر منطقه مهران در منطقه پاسگاه‌های برار، دارخو و تپله‌کوه نیز بین نیروهای ایرانی و عراقی تبادل آتش وجود داشت. در منطقه قصرشیرین نیز تیراندازی‌های پراکنده اجرا می‌شد که در روز سیزدهم خرداد این منطقه فعال‌تر شد و نیروهای عراقی با توپخانه منطقه مرزی قصرشیرین را زیر آتش گرفتند و چند گلوله نیز به داخل شهر اصابت کرد. برای خاموش کردن آتش توپخانه دشمن طبق دستور ابلاغی از ستاد مشترک و نیروی زمینی عمل شد و علاوه بر توپخانه، نیروی هوایی ایران نیز وارد عمل گردید.

یکی از حساس‌ترین موضوعات نظامی در برخورد نظامی ایران و عراق این بود که اصولاً به دلیل شرایط خاصی که برای نیروهای مسلح ایران پیش آمده بود یک طرح عملیاتی برآورد وضعیت، بررسی، هماهنگ و تصویب شده برای دفاع در مقابل تجاوزات احتمالی ارتش عراق تهیه نشده بود. لذا به محض اینکه در هر نقطه‌ای از مرز بیش از ۱۳۵۰ کیلومتری با عراق حادثه کوچکی پیش می‌آمد، فوراً مقامات مسئول، غیرمسئول، نظامی، انتظامی و غیرنظامی درخواست و یا پیشنهاد اعزام نیرویی از واحدهای ارتش به آن منطقه می‌کردند. اگر قرار بود این جبهه ۱۳۵۰ کیلومتری بر اساس معیارهای معمولی نظامی عملیات در جبهه وسیع پوشش و دفاع شود، حداقل سیزده لشکر مورد نیاز بود؛ در حالی که در آن زمان کل نیروهای ایران هشت لشکر بود که استعداد رزمی آنها کمتر از پنج لشکر استاندارد بود. چنان که ارتش عراق برای این جبهه دوازده لشکر و ده تیپ مستقل احتیاط و یک نیروی ارتش خلقی مجهز کرده بود و مقامات مسئول و غیرمسئول بدون توجه به این کمبود نیرو مداوم درخواست می‌کردند که واحدهای نیروی زمینی در نقاط مرز حضور فعال و مؤثر داشته باشند. این تجزیه واحدهای نیروی زمینی سبب شد که در آغاز جنگ نیروی زمینی ارتش ایران کارآیی کافی برای مقابله با لشکرهای مجهز و سازمان‌یافته عراق را نداشته باشد.

آخرین وضعیت سیزدهم خرداد ماه به‌وسیله لشکر ۸۱ زرهی چنین گزارش شد:

«در منطقه مهران تبادل آتش سنگین توپخانه بین نیروهای ایرانی و عراقی جریان داشت. از نیروهای خودی رئیس پاسگاه بهرام‌آباد و سه نفر غیرنظامی مجروح شد و به نیروهای دشمن نیز خساراتی وارد آمد. (البته تلفات دشمن را ۱۲۰ نفر برآورد کرده‌اند که به نظر اغراق‌آمیز است.) علاوه بر منطقه مهران در حوالی خرناصرخان نیز بین نیروهای ایرانی و عراقی مبادله آتش وجود داشت که تلفاتی در بر نداشت. در جبهه داخلی و در منطقه پاره نیز برخورد با آشوبگران داخلی همچنان در جریان بود و شدت برخورد در جوانرود و بانیکان بود که دو نفر از مهاجمان مسلح به آرپی‌جی ۷ و یک نفر با مقداری پول و مهمات دستگیر شد و تعداد زیادی از آشوبگران (سیصد نفر گزارش شده) کشته شدند».

در منطقه عملیاتی تیپ ۳ زرهی در حوالی قصرشیرین نیز درگیری‌هایی با نیروهای عراقی وجود داشت که تا آغاز روز چهاردهم خرداد ماه ادامه داشت و در آن روز در حوالی خرناصرخان و تپله کوه درگیری ادامه یافت. عوامل نفوذی دشمن در شهر کرمانشاه نیز چهار گلوله خمپاره در ساعت ۰۲۰۰ روز چهاردهم خرداد ماه تیراندازی و متواری شدند.

در پانزدهم خرداد شرایط عملیاتی منطقه غرب بحرانی تر شد. واحدهای زرهی ارتش عراق از بغداد به سمت خانقین به حرکت درآمدند. خلبانان هواپیماهای شناسایی گزارش دادند که نیروهای عراقی به طور فعال مشغول تهیه مواضع و سنگر در نزدیکی مرز هستند. لشکر ۸۱ گزارش داد که پاسگاه‌های مرزی سلمان کشته، سانواپا، سه‌تپان و چقاشیره درگیر شده‌اند و یکان مستقر در نفت‌شهر از آنها پشتیبانی می‌کند. در همان حال یکان‌های مستقر در خرناصرخان و بلویسی نیز با نیروهای عراقی درگیر بودند در این روز از هواپیماهای جنگنده بمب‌افکن ایران برای بمباران مواضع نیروهای عراقی استفاده شده و طبق گزارش خلبان شش عدد بمب و دو عدد راکت به مواضع عراقی پرتاب شد. نیروی زمینی دستور داد برای تقویت آتش منطقه، لشکر ۸۱ زرهی یک آتشبار ۱۷۵م از گروه ۳۳ توپخانه به قصرشیرین اعزام شود، همچنین نیروی زمینی به لشکر ۸۱ دستور داد تا گروهان پیاده اعزامی از لشکر ۱^۱ پیاده تهران تقویت شده با یک دسته تانک که در حوالی گردنه مروارید مستقر بود، گردنه را اشغال کند.

تأمین محور کرمانشاه - سنندج به وسیله هر دو لشکر ۲۸ و ۸۱ برقرار شود به نحوی که از سنندج تا گردنه مروارید با لشکر ۲۸ و از آنجا تا کرمانشاه با لشکر ۸۱ باشد. پاسداران و ژاندارمری نیز پست‌های کنترل عبور و مرور برقرار سازند. سرانجام ستاد مشترک در ۱۵ خرداد اعلام کرد:

«احتمالاً ارتش عراق طرح اجرای آتش شدید را در منطقه مرزی کرمانشاه و ایلام اجرا خواهد کرد. در مقابله با این امر، واحدهای ایران پیش قدم نباشند، اما طرح آتش بر روی مواضع دشمن تهیه شود و با اولین تیر دشمن واحدهای خودی با اجرای آتش سنگین سلاح‌های دشمن را معدوم کنند و مانند گذشته نیروهای دشمن را مجبور به عقب‌نشینی و ترک مواضع سازند».

برخوردهای مرزی در شانزدهم خرداد نیز ادامه داشت. نیروهای ایرانی هر اقدام نیروهای عراقی را به شدت پاسخ می‌دادند اما غیر نظامیان و اشخاص غیرمسئول انتظارات بیشتری از

^۱ لشکر ۱ در تاریخ یاد شده به لشکر ۲۱ تغییر نام داده بود.

نیروهای ایرانی داشتند و تصور می‌کردند که به محض اینکه چند گلوله عراقی به داخل خاک ایران پرتاب شد، نیروهای مسلح ایران باید حداقل تا مواضع نیروهای عراقی پیشروی کنند. چنان‌که در شانزدهم خرداد ماه سپاه پاسداران قصرشیرین به ستاد مشترک گزارش داد که چهار روز است که منطقه قصرشیرین به وسیله نیروهای عراقی گلوله‌باران می‌شود که سبب زخمی شدن دو پاسدار و شهید شدن دو پاسدار دیگر شده و در شهر قصرشیرین نیز یک عابر کشته شده، ولی از طرف توپخانه ایرانی عکس‌العمل مناسبی نشان داده نمی‌شود. در حالی‌که در گزارش‌های قبلی منطقه مهران و باووسی خبر از تلفات ۱۲۰ نفر تا ۳۰۰ نفر دشمن بود. در این گزارش اعلام شده تمام پاسگاه‌های مرزی که به وسیله سپاه پاسداران اشغال شده بود، منهدم شده‌اند و در پایان این گزارش نظر داده شده بود که اگر وضع به همین منوال پیش برود شهر قصرشیرین منهدم خواهد شد و اهالی، شهر را تخلیه خواهند کرد.

البته این نظرها از لحاظ احساس مسئولیت در مقابل ملت و میهن ایران بسیار پرارزش بود، ولی از این نظر که انتظارات بیش از حد مقدرات نیروهای مسلح ایران بود، مشکلات و ناراحتی‌هایی را برای مقامات تصمیم‌گیرنده به وجود می‌آورد؛ زیرا این نوع درخواست‌ها از تمام منطقه مرزی و همچنین از منطقه داخلی کردستان، کرمانشاه و آذربایجان غربی نیز می‌رسید. به علاوه با شروع جنگ باید بر اساس برآوردها و محاسبات دقیق سیاسی، اقتصادی، نظامی، داخلی و بین‌المللی باشد و همه شرایط به حالت مثبت برای جنگ آماده باشد تا کشوری، دولتی و ملتی وارد جنگ با کشور دیگر شود. اما در دفاع هیچ‌گونه شرط خاصی جز لزوم دفاع در مقابل متجاوز با استفاده از هر گونه امکانات موجود وجود ندارد و تدبیر کلی اعلام شده ارتش ایران نیز همین بود که در تیراندازی‌ها پیش‌دستی نکنند، به خاک عراق تجاوز نکنند و در مقابل تیراندازی دشمن نیروهای خودی نیز با آتش شدید پاسخ دهند و چنانچه نیروهای عراقی اقدام به تجاوز به وسیله نیروهای رزمایشی کردند و وارد قلمرو ایران شدند، نیروهای عراقی از خاک ایران عقب رانده شوند.

در روز شانزدهم خرداد ژاندارمری نیز از طریق ستاد مشترک اعلام کرد:

«یک دستگاه تانک عراقی در جلو پاسگاه قلعه سفید ایران مستقر شده و در ساعت ۱۳۰۰ قرارگاه هنگ قصرشیرین را هدف قرار داده و ۵۱ گلوله به قرارگاه هنگ شلیک کرد. شیشه‌ها شکسته و به خانه‌ها خسارت وارد شده و کارکنان هنگ با یک قبضه تفنگ ۱۰۶م و یک قبضه خمپاره‌انداز ۱۲۰م به آتش عراق پاسخ داده و

پاسگاه عراقی را در هم کوبیده‌اند و درحال حاضر از سمت قوره‌تو به قرارگاه هنگ آتش گشوده شده است، از تیپ ۳ زرهی نیز درخواست پشتیبانی شده است». نظر به اینکه درباره روش انجام مأموریت و پشتیبانی‌های متقابل به دلیل مشکلات موجود، نامه‌های شکایت‌آمیز بین قرارگاه‌های عمل‌کننده مبادله می‌شد (که بیشتر گله‌ها بین عناصر نیروی زمینی و ژاندارمری بود)، فرمانده ژاندارمری کشور در تاریخ هفدهم خرداد ماه پاسخی به نامه‌های گله‌آمیز لشکر ۸۱ داد که خلاصه آن این است:

«عناصر ژاندارمری در شرایط موجود در تمام نقاط کشور فعال و درگیر هستند. گزارش‌هایی که از طرق مختلف تهیه و ارسال می‌شود، اکثراً مبالغه‌آمیز است که در شرایط موجود امری طبیعی است. ژاندارمری ضمن تقدیر از فعالیت افراد لشکر معتقد است که برادران ژاندارم آنها نیز در شرایط رزمی هستند و اکثراً با فداکاری می‌جنگند. با توجه به اینکه یگان‌های رزمی ژاندارمری فقط یگان رزمایشی هستند و فاقد عناصر پشتیبانی رزمی می‌باشند، بدین خاطر خودکفا نبوده و نیاز به پشتیبانی رزمی نیروی زمینی دارند. در پایان فرمانده ژاندارمری اظهار می‌کند امیدوار است به جای گله و شکایت، تفاهم و دوستی و به جای نفاق و جدایی، اتحاد و همکاری متقابل بین نیروهای آن منطقه برقرار شود و این همان چیزی است که اکنون میهن عزیز ما به شدت به آن نیاز دارد».

سرتیپ ظهیرنژاد

موضوع دیگری که از آغاز برخوردهای مرزی با عراق جریان نیافت و تقریباً در تمام مدت جنگ ادامه داشت، روش هدایت تبلیغات جنگ و مقدم شمردن عملیات سپاه پاسداران بر عملیات نیروهای ارتش در رسانه‌های گروهی بود. البته علت اصلی آن بود که فرماندهان ارتشی بر اساس قوانین و مقررات ارتش حق مصاحبه با خبرنگاران درباره عملیات و مسائل نظامی را نداشتند و این روش را بعد از پیروزی انقلاب نیز الزاماً رعایت می‌کردند. اما سپاه پاسداران و تا حدودی ژاندارمری این محدودیت قانونی را نداشتند، لذا خبرنگاران رسانه‌های گروهی آزادانه به مناطق استحقاقی آنها می‌رفتند و با آنها مصاحبه می‌کردند و نتیجه را در روزنامه‌ها درج و در صدا و سیما هم اعلام می‌کردند. این روش تبلیغاتی که در اوایل جنگ شدید بود از نظر هدایت عملیات نظامی به هیچ وجه صحیح نبود، زیرا هر چیزی که از یک رزمنده معمولی دریافت می‌شد به عنوان کل رزمندگان منتشر می‌گردید و در این باره معمولاً واحدهای ارتش که عنصر اصلی رزمنده بودند،

فراموش می‌شدند در نتیجه این روش سبب تضعیف روحیه کارکنان ارتش می‌شد. آغاز این روش تبلیغات در گزارش مورخه هفدهم خرداد لشکر ۸۱ به چشم می‌خورد. خلاصه گزارش لشکر چنین است:

«در اخبار ساعت ۲۱۳۰ مورخه ۱۳۵۹/۳/۱۶ سیمای جمهوری اسلامی ایران اعلام شد که برابر گزارش یک مقام آگاه در ناحیه ژاندارمری باختران (کرمانشاه) در حمله نیروهای عراقی به پاسگاه‌های مرزی خرناصرخان نیروهای ژاندارمری و سپاه پاسداران با آتش سلاح‌های سنگین به حملات آنها پاسخ دادند؛ یعنی عملاً وجود نیروهای ارتشی نفی شده است. در حالی که عنصر اصلی رزمنده در آن محل یکان‌های لشکر بوده‌اند».

باید قبول کرد که گله فرمانده لشکر کاملاً به جا بوده زیرا ژاندارمری و سپاه پاسداران سلاح سنگین نداشتند هر چه بوده عنصر نیروی زمینی بوده که علاوه بر سلاح پشتیبانی یک گردان مکانیزه تقویت شده - ۱۱۹ مکانیزه - در آن جریان شرکت داشته و وجود آن نادیده گرفته شده و وجود چند نفر ژاندارم و پاسدار اساس نیروی دفاعی قلمداد شده است. به هر حال درگیری‌های پراکنده مرزی همچنان ادامه داشت و زمینه جنگ عمومی فراهم می‌شد.

ستاد مشترک در هفدهم خرداد اعلام کرد:

«عوامل اطلاعاتی نقل و انتقال قابل توجه نیروهای عراقی را در مقابل پاسگاه هدایت - منطقه باویسی - مشاهده کرده‌اند. احتمالاً دشمن در حال تدارک یک حمله جدی در آن منطقه است».

ژاندارمری نیز اعلام کرد:

«نیروهای زرهی عراق در مقابل پاسگاه‌های خسروی، حیدرآباد، رضاآباد و تپه‌گل در حال حرکت به سمت مرز مشاهده شده‌اند و توپخانه عراق در حال اجرای آتش به طرف پاسگاه‌های یاد شده است.» لشکر نیز در گزارش نوبه‌ای شماره ۷۱ اعلام کرد: «نیروهای عراقی در ساعت ۱۳۰۰ روز شانزدهم خرداد ماه قصرشیرین را زیر آتش توپخانه قرار دادند که در نتیجه ۴ تن از اهالی کشته و ۳ تن هم مجروح شدند و یک کارگر جلوی ساختمان آموزش و پرورش قصرشیرین کشته شد و به ساختمان هنگ ژاندارمری قصرشیرین خساراتی وارد آمد و نیروهای خودی نیز به آتش دشمن با آتش پاسخ دادند.»

هر قدر زمان به جلو می‌رفت شرایط نظامی در روابط ایران و عراق تیره‌تر می‌شد و نیروهای منظم ارتش عراق به مرز نزدیک می‌شدند و خود را آماده برای حمله به ایران می‌کردند. لذا زمینه یک جنگ تمام عیار از همان پانزدهم خرداد ماه آغاز شد، در حالی که جنگ خونین داخلی در منطقه غرب کشور همچنان ادامه داشت و بخش مهمی از قدرت دفاعی ملت ایران را به خود مشغول کرده بود.

یکی از کمبودهای مهمی که نیروی زمینی از آغاز برخورد با آن مواجه شد، دیده‌بان توپخانه بود؛ به نحوی که تقریباً اکثر گردان‌های توپخانه فاقد دیده‌بان برای هدایت آتش بودند. دلیل امر آن بود که در جدول سازمان و تجهیزات دیده‌بان توپخانه افسر وظیفه منظور شده بود و در آغاز برخورد نظامی با عراق، نیروی زمینی از نظر افسران وظیفه سازمانی کمبود فوق‌العاده‌ای داشت. از طرف دیگر اصولاً افسران وظیفه در ارتش ایران کارایی نظامی قابل ملاحظه‌ای نداشتند و به ندرت افسر وظیفه‌ای در یگان دیده می‌شد که علاقه‌ای به حرفه نظامی داشته باشد و به کار شغل سازمانی خود کاملاً وارد باشد. سوم اینکه در سال‌های ۱۳۵۸ و ۱۳۵۹ اصولاً آموزشی در واحدها اجرا نمی‌شد تا به افسران وظیفه هم برسد و دانش نظامی افراد ارتش و ژاندارمری منحصر به همان دانش نظامی بود که قبل از شروع حرکت انقلابی مردم ایران، یعنی تا شهریور ۱۳۵۷ به کارکنان پایور – افسر و درجه‌دار – داده شده بود و حدود دو سال بود که عملاً آموزش ارتش به حالت رکود درآمده بود. فقط آموزش‌های پادگانی مانند مشق صف جمع و اسلحه‌شناسی آن هم به طرز غیرمفید اجرا می‌شد و آموزش‌هایی مانند دیده‌بانی نیاز به تمرینات عملی در صحرا توأم با تیراندازی داشت که تقریباً اجرا نمی‌شد. این روش سبب شده بود که در آغاز جنگ تحمیلی واحدهای توپخانه از لحاظ دیده‌بان و عمل دیده‌بانی نقص فوق‌العاده‌ای داشته باشند. در این باره در هجدهم خرداد ماه نیروی زمینی دستوری برای تأمین دیده‌بان توپخانه به واحدها داد اما دستوری بود که اجرای آن به سادگی امکان‌پذیر نبود.

درباره تمرکز چشمگیر نیروهای عراقی در نزدیکی مرز، نیروی زمینی در ۱۸ خرداد ماه به لشکر ۸۱ زرهی کرمانشاه ابلاغ کرد که برابر اطلاعات واصله نیروهای عراقی از سومار تا دهلران و در سراسر مرز مستقر شده‌اند. روابط مرزبانی بین مرزبانان دو کشور به حالت تعلیق درآمده و مقامات مرزبانی عراقی حاضر به دریافت

اعتراضیه‌های مقامات ایرانی نمی‌شوند. به این خاطر مرزبانان ایرانی درخواست حل این مسئله را از طریق وزارت امور خارجه کرده‌اند. از این‌رو نیرو به لشکر دستور داد آماده برای مقابله با حمله جدی ارتش عراق در تمام منطقه استحقاظی باشد، اما منطقه لشکر ۸۱ از باویسی تا مهران به طول قریب پانصد کیلومتر بود، لشکر چگونه می‌توانست با آن درگیری‌های داخلی که داشت، در طول پانصد کیلومتر دفاع کند؟ لذا فرمانده لشکر ۸۱ الزاماً گزارشی در همان روز به نیرو داد و وضع گسترش لشکر را به نیرو داد تا مورد قضاوت نیرو و تاریخ نظامی ایران باشد. خلاصه گزارش لشکر چنین است:

«با توجه به موقعیت کنونی و احتمال حمله و تیراندازی نیروهای مهاجم عراقی به پاسگاه‌ها، دهات و شهرهای مرزی ایران طرح گسترش لشکر به شرح پیوست؛ پیش‌بینی که به غیر از دو نقطه سومار، خان لیلی و صالح‌آباد که فعلاً یکان‌های مربوط به آنها در مهران مستقر است در سایر مناطق یکان‌های یادشده استقرار دارند. لشکر برای تکمیل استقرار در مواضع پدافندی و تعویض نوبه‌ای نیاز به دو گردان رزمی، دو گردان توپخانه ۱۳۰م دارد و یک گردان لشکر نیز پس از چهار ماه استقرار در سردشت اخیراً به کرمانشاه مراجعت کرده است. عناصری از لشکر همچنان در کامیاران، گردنه مروارید، روانسر، جوانرود، پاوه و مزیدی مستقرند و لشکر در شرایط موجود حتی قادر نیست یک دسته به منطقه جدیدی اعزام کند و یکانی را تعویض کند. ترتیب استقرار واحدهای لشکر ۸۱ به شرح زیر است.»

فرمانده لشکر: سرهنگ سهرابی

منطقه عمومی	یکان‌های گسترش یافته	پاسگاه‌های منطقه
ایلام و صالح‌آباد گروه رزمی	یک گردان پیاده (منهای دو گروهان)، یک گروهان تانک (منهای یک دسته)، یک آتشبار توپخانه ۱۵۵م، یک دسته مهندسی، یک دسته پدافند هوایی	کانی سخت، شورشیرین، انجیرک، نی خزر، هلاله، تلخاب، بازرگان
سومار	یک گروهان پیاده، یک دسته تانک، یک رسد توپخانه ۱۵۵م	کانی شیخ، گسیکه، میان‌تنگ، قلعه‌جوق، سومار

منطقه عمومی	یکان‌های گسترش یافته	پاسگاه‌های منطقه
نفت‌شهر	یک گروهان سوار زرهی، یک آتشبار توپخانه ۱۵۵م، یک دسته پدافند هوایی	سلمان کشته، سه‌تپان، گمرک، تپه‌شیر، چقاحمام
خان لیلی	یک گروهان پیاده، یک آتشبار توپخانه ۱۵۵م، یک دسته تانک	از خسروآباد تا تنگاب کهنه
خرناصرخان گروه رزمی	یک گردان پیاده (منهای دو گروهان)، یک گروهان تانک، یک آتشبار ۱۵۵م، دو رسد توپ ۱۳۰م، یک دسته پدافند هوایی، یک دسته مهندس	از پاسگاه تنگاب‌نو تا پاسگاه هدایت
کلانتر	یک گروهان پیاده، یک دسته تانک، یک آتشبار ۱۵۵م	احمدآباد، قلعه سفید، برار عزیز، دارخور
گردنو	یک گردان تانک (منهای دو گروهان)، یک گروهان پیاده، دو رسد توپ ۱۳۰م، یک آتشبار ۱۵۵م، یک گروهان مهندس، یک دسته پدافند هوایی	تنگ‌حمام، پیشگان، هوان، تپله‌کوه، باویسی، ازگله

در نوزدهم خرداد ماه تدبیر کلی دولت جمهوری اسلامی ایران از طریق وزارت امور خارجه به ستاد مشترک ابلاغ شد که مفاد آن بدین شرح بود:

«با نهایت شدت و قاطعیت به حملات عراقی‌ها پاسخ داده و در مقابل عملیات عراقی‌ها در قصرشیرین، شهرهای عراقی که در تیررس توپ‌های ایران هستند را به گلوله ببندید، ولی پاسخ‌گویی به تیراندازی ارتش عراق باید با اطمینان از اینکه متعرض عراقی است و ضدانقلابیون داخلی نیستند، انجام شود. ضمناً ستاد مشترک همچنان به اعتقاد خود باقی است که باید مواضع سلاح دشمن معدوم شود و حتی‌الامکان از کشتن مردم بی‌گناه شهرها خودداری شود و اسلام ما را هشدار می‌دهد که دشمن را بشناسید و با او مبارزه کنید نه مردم را که روبه‌رو با حاکم ظالم هستند و گناهی و پناهی ندارند».

البته نظریه فوق که از طریق وزارت امور خارجه به ستاد مشترک ابلاغ شد، در پاسخ استعلامی بود که ستاد مشترک در همان روز برای هماهنگ کردن فعالیت‌های نظامی با

سیاست خارجی ایران از وزارت خارجه کرده بود و خلاصه استعلام ستاد مشترک چنين بود:

«استحضار داريد که قصرشیرین در نزدیکی مرز و در تیررس آتش توپخانه و خمپاره‌انداز ارتش عراق است. این شهر مدتی است زیر آتش توپخانه عراق قرار گرفته و اهالی قصد تخلیه شهر را دارند. ارتش ایران تا کنون متقابلاً فقط مواضع سلاح ارتش عراق را زیر آتش گرفته است و با توجه به اینکه شهرهای خانقین، سبزیلاق، مندلی و زرباطیه در تیررس سلاح ارتش ایران هستند، عمل متقابل به مثل و تیراندازی نامبرده موکول به اعلام نظر آن وزارت می‌باشد».

سرلشکر شادمهر

باید یادآوری شود که نامه ستاد مشترک به وزارت امور خارجه به دلیل فشاری بود که از طرف مقامات محلی و ژاندارمری برای نشان دادن عکس‌العمل شدید در مقابل تهاجمات عراق به مقامات نظامی وارد می‌شد. به عنوان نمونه در یازدهم خرداد ماه ژاندارمری کشور بر اساس گزارش ناحیه ژاندارمری کرمانشاه، گزارشی به مقامات مسئول کشوری داد مبنی بر اینکه حملات مکرر نیروهای عراقی به منطقه قصرشیرین سبب سلب امنیت و آسایش مردم شده و وضع بحرانی در این منطقه به وجود آمده است و درخواست کرد که هرچه زودتر به این وضع رسیدگی شود و تصمیمات جدی برای مقابله با حملات توپخانه عراق گرفته شود. در سیزدهم خرداد ماه گزارش دیگری نظیر همان گزارش به مقامات داده شد و در بیست و پنجم خرداد ماه نیز هنگ ژاندارمری قصرشیرین تیراندازی‌های مکرر توپخانه عراق را به پاسگاه‌های ولدکشته، تنگابنو، قصرشیرین، آبادی نصیرآباد، سیداحمد و پاسگاه قلعه سفید داد که حاکی از بروز تلفات و خساراتی نیز بود. اعتراضاتی نیز از طریق مرزبانی ایران به مرزبانی عراق داده شد.

شدت عملیات که از آغاز دهه دوم خرداد ماه شروع شده بود و در پانزدهم تا نوزدهم خرداد ماه بالا گرفته بود، در دهه سوم خرداد ماه نسبتاً کاهش یافت. آن طوری که گزارش نوبه‌ای شماره ۷۶ لشکر ۸۱ در بیست و دوم خرداد ماه نشان می‌دهد، برخورد مهمی در چند روز گذشته با نیروهای عراقی وجود نداشته، طبق طرح کلی عملیات نیروی زمینی مسئولیت منطقه مهران به تیپ ۸۴ خرم‌آباد واگذار شده بود که یکان‌هایی از آن تیپ به مهران اعزام شد، ولی در صحنه داخلی زد و خوردهای پراکنده در گرده‌نو، باویسی،

تیله کوه، هوان و تپه‌رش با آشوبگران داخلی وجود داشت. بعد از این گزارش منطقه چند روزی آرام بود اما حساسیت مقامات محلی غیرنظامی همچنان سبب دخالت مقامات غیرمستول در عملیات غیرنظامی می‌شد.

در بیست و پنجم خرداد ماه استاندار ایلام نامه‌ای به ستاد مشترک نوشت و مفاد آن این بود که آقای حاج شیخ محمد تعمیرکاری، روحانی مبارز محلی را به اتفاق نه نفر برای بازدید مناطق مرزی اعزام کرده و آنان بعد از بازدید و ارشاد مراجعت نموده و نظر داده‌اند که نیروهای ایرانی ضمن داشتن روحیه مناسب، دارای سلاح، تجهیزات و نیروی کافی نیستند و درخواست کرده‌اند فوراً نیروهای تقویتی و همچنین سلاح سنگین برای تقویت پاسگاه‌های مرزی ایلام ارسال شود. گرچه بازدیدها و اظهار نظرهای مقامات غیرنظامی از وضعیت یکان‌های نظامی از روی احساس مسئولیت پاک و مقدس سرچشمه می‌گرفت و از نظر روانی آثار خوبی در مرزداران و مدافعان ما داشت و آنها احساس می‌کردند که ملت ایران آنها را فراموش نکرده‌اند، اما از نظر هدایت عملیات نظامی معایبی نیز داشت که از جمله آن آشکار شدن وضعیت کامل توانایی‌های دفاعی ایران برای همه مردم و اطلاع پیدا کردن عراق از این وضعیت و همچنین دخالت‌های غیرموجه غیرنظامیان در امور نظامی بود.

همان گونه که گفته شد در دهه سوم خرداد ماه وضعیت کلی منطقه مرزی از آرامش نسبی برخوردار بود و فقط در بیست و پنجم خرداد ماه یک فروند هواپیمای عراقی بر فراز سایت نخجیر - رادار ایلام - پرواز کرد که با تیراندازی پدافند هوایی مدافعان متواری شد و تا روز سی‌ام خرداد ماه رویداد مهمی از طرف نیروهای درگیر گزارش نشد. در سی‌ام خرداد ماه ژاندارمری کشور بر اساس گزارش ناحیه ژاندارمری کرمانشاه اعلام کرد که توپخانه نیروهای عراقی پاسگاه‌های مرزی چقاشیره، سه‌تپان، سلمان کشته و سان‌وایا را زیر آتش گرفته‌اند که به آتش دشمن پاسخ داده شد. احتمال دارد دامنه عملیات تا پاسگاه‌های تلخاب و بازرگان و هلاله گسترش یابد، ضمناً اقدامات تقویتی لازم به عمل آمده است. در جبهه داخلی نیز در حوالی آبادی نوریاب آشوبگران داخلی اقدام به تیراندازی پراکنده کرده‌اند. و برابر گزارش نوبه‌ای شماره ۸۴ لشکر ۸۱ یکان‌های عراقی به یکان‌های خودی مستقر در مله‌درگه تیراندازی کردند و مبادله آتش بدون هیچ‌گونه خساراتی انجام شد. در

منطقه گرده‌نو یک خودروی غیرنظامی با مین برخورد کرد و بر اثر انفجار مین خودرو آسیب دید و دو نفر از سرنشینان آن کشته و دو نفر دیگر زخمی شدند. در پاسگاه ولدکشته، رئیس پاسگاه هنگام تیراندازی با نارنجک‌انداز، یک دست خود را از دست داد. سرانجام آخرین گزارش مربوط به خرداد ماه حاکی از این بود که در منطقه نفت‌شهر درگیری بین نیروهای ایرانی و عراقی به وجود آمد و یک نفر درجه‌دار زخمی شد. یک دستگاه نفربر زرهی هنگام حرکت بین پاسگاه مرزی گرده‌نو و تپه‌رش با مین برخورد کرد و دو نفر درجه‌دار و یک نفر سرباز سرنشینان آن مجروح شدند. منطقه داخلی نیز نسبتاً آرام بود.

در اواخر خرداد ماه تغییرات مهمی در ارتش انجام شد. سرلشکر شادمهر رئیس ستاد مشترک کنار رفت، سرتیپ فلاحی که فرمانده نیروی زمینی بود، به سمت جانشین رئیس ستاد مشترک منصوب شد و سرتیپ ظهیرنژاد از فرماندهی ژاندارمری کشور به فرماندهی نیروی زمینی تغییر مقام یافت و سرهنگ فروزان فرمانده ژاندارمری کشور شد.

برخورد‌های مرزی و داخلی در غرب در تیرماه ۱۳۵۹

در اوایل تیر ماه جبهه عراق آرام بود، ولی در جبهه داخلی حوادث پراکنده‌ای رخ داد. در منطقه کامیاران برخوردی با ضدانقلابیون پیش آمد که هفت نفر از مهاجمان کشته و یک نفر زخمی شد. در منطقه جوانرود مهاجمان به قرارگاه پاسداران حمله کردند که سبب شهید شدن یک نفر و زخمی شدن سه نفر از پاسداران شد. در ۴ تیر ماه نیروهای عراق به منطقه نفت‌شهر تیراندازی کردند و یک نفر در اثر این تیراندازی زخمی شد. آرامش نسبی فرصتی به دست داد تا لشکر ۸۱ بتواند تعویضات دوره‌ای و جابه‌جایی‌های لازم را انجام دهد. مهم‌ترین درگیری داخلی در این دوره در جوانرود بود که سه نفر پاسدار شهید و چهار نفر مجروح شدند.

در هشتم تیر ماه، لشکر ۸۱ گزارشی از یک وضع جدید داد مبنی بر اینکه عناصر دشمن در منطقه خرناصرخان گاز شیمیایی پخش کرده است، البته صحت این گزارش مورد تردید بود.

در دهم تیر ماه در جبهه داخلی در منطقه غرب حادثه ناگواری رخ داد. تعدادی از پاسداران اسلام‌آباد، کردند و قصرشیرین بدون هماهنگی قبلی برای پاکسازی منطقه دالاهو رفته بودند که غافلگیر شدند و ۲۷ نفر از آنان شهید شدند و بقیه در محاصره آشوبگران قرار گرفتند. این موضوع مشکلی برای واحدهای تقویتی به وجود آورد. به هر حال برای نجات محاصره شدگان اقدام شد. لشکر ۸۱، دو گروهان پیاده به منطقه درگیری اعزام کرد و دو فرزند بالگرد رزمی و یک فرزند بالگرد نفربر نیز به منطقه درگیری اعزام شد. این عملیات تا روز پانزدهم تیر ماه نیز ادامه داشت، سرانجام مهاجمان متواری شدند و منطقه در کنترل نیروهای خودی قرار گرفت. لشکر آخرین وضعیت این منطقه را در گزارش نوبه‌ای شماره ۹۷ مورخه دوازدهم تیر ماه چنین اعلام کرد: «در منطقه بیونسج و قورچی‌باشی - شمال غربی کرد - بین مهاجمان و سپاه پاسداران درگیری رخ داد. یک واحد از تیپ اسلام‌آباد به فرماندهی شخص فرمانده تیپ برای پشتیبانی اعزام شد. در این عملیات یک افسر مجروح شد و یک فرزند بالگرد کبری نقص فنی پیدا کرد که فرود اجباری نمود». سرپرست سپاه پاسداران اظهار داشت: «از مهاجمان ۸ نفر کشته و دو نفر دستگیر شدند و ۱۱ قبضه تفنگ به غنیمت گرفته شد» ولی در این گزارش از شهید شدن ۲۷ نفر پاسدار ذکری به میان نیامده است.

در چهاردهم تیر ماه پاسگاه‌های ازگله، تپله‌کوه و تپه‌رش زیر آتش نیروهای عراقی قرار گرفت و سه نفر از افراد قیاده موقت زخمی شدند و دو دستگاه خودرو نیز آسیب دید. در جبهه داخلی نیز در این روز در جاده کامیاران، آشوبگران به طرف دو دستگاه مینی‌بوس حامل اهالی محلی تیراندازی کردند که در نتیجه آن یک نفر شهید و شش نفر مجروح شدند.

از پانزدهم تیر ماه دوباره برخوردهای مرزی با عراق شدت گرفت. تیپ ۳ زرهی گزارش داد که از ساعت ۲۰۰۰ روز چهاردهم تیر ماه، آتش توپخانه عراق به مواضع یکان‌های مستقر در ازگله، باویسی، تپله‌کوه و تپه‌رش روانه شده است که با توپخانه خودی به آتش دشمن پاسخ داده می‌شود.

در شانزدهم تیر ماه منطقه خان‌لیلی زیر آتش توپخانه دشمن قرار گرفت و در سایر نقاط نیز تیراندازی‌های پراکنده توپخانه عراق اجرا شد که در منطقه باویسی سبب مجروح شدن دو

سرباز و شهید شدن سرباز دیگر گردید. حملات نیروهای عراقی در روز هفدهم تیر ماه ادامه یافت. لشکر به نیروی زمینی گزارش داد که درگیری در منطقه باویسی، تیله کوه، گرده نو و تنگهوان ادامه دارد. در این عملیات دو فروند بالگرد کبری و یک فروند جت رنجر وارد عمل شد و پشتیبانی مؤثری از واحدهای درگیر کرد.

در ساعت ۲۴۰۰ هفدهم تیر ماه نیروهای عراقی چند گلوله خمپاره به داخل شهر قصرشیرین پرتاب کردند که در داخل مناطق مسکونی اصابت و یک خمپاره هم به داخل مدرسه شهریار اصابت کرد. در نتیجه این تیراندازیها چند نفر مجروح و یک آموزگار شهید شد. تیراندازی شبانه نیروهای عراقی در حوالی پاسگاههای قلعه سفید، برار عزیز، پرویز، باویسی و گرده نو نیز انجام شد و در روز هجدهم تیر ماه برای پشتیبانی عملیات نیروهای خودی از بالگرد نیز استفاده شد.

فشار نیروهای عراقی و همدستان خائن آنها در منطقه باویسی شدید بود. نظر به اینکه یکانهای خودی تسلط بر مواضع نداشتند، فرمانده لشکر در نوزدهم تیر ماه از نیروی زمینی اجازه خواست که این مواضع را به منطقه چفته که دارای میدان دید و تیر بهتری است، تغییر دهد. در گزارش لشکر ۸۱ آمده است که در شش روز گذشته در مواضع باویسی دو نفر شهید و نه نفر مجروح شدند. یک دیده بان توپخانه نیز شهید شده، یک دستگاه بی سیم و چهار نفر از نیروها به گروگان گرفته شده اند. لشکر اظهار نظر کرد که شرایط مواضع باویسی در مقابل فشار دشمن حساس و خطرناک است و ممکن است سقوط کند.

علاوه بر منطقه باویسی در منطقه شورشیرین، انجیره و خرناصرخان درگیری با آتش بین نیروهای ایرانی و عراقی وجود داشت. منطقه داخلی پناه آرام بود و از نیروی هوایی برای پشتیبانی استفاده شد. در این درگیری یک سرباز، یک پیش مرگ گرد شهید و دو پاسدار و دو غیرنظامی مجروح شدند.

در بیستم تیر ماه آرامش نسبی در مرزها برقرار بود، ولی در بیست و یکم تیر ماه قصرشیرین و خان لیلی زیر آتش توپخانه دشمن قرار گرفت. هنگ ژاندارمری قصرشیرین اعلام کرد که ارتباطش با پاسگاهها به سختی انجام می شود و از ارتش خواست پاسگاهها تقویت شوند. لشکر نیروهای تقویتی در حد مقدمات به مناطق مورد تهدید اعزام کرد.

همچنین در این روز یک واحد لشکر که در خرناصرخان مستقر بود، با دشمن درگیر شد. در شب بیست و یکم به بیست و دوم تیرماه، توپخانه دشمن به قصرشیرین و سرپل ذهاب شلیک کرد ولی تلفاتی به بار نیاورد.

در بیست و دوم تیرماه، فرماندار پاره همراه با تعدادی پاسدار به مقصد نوسود حرکت کرد که در میسر راه در نزدیکی دوآب در محاصره مهاجمان قرار گرفت. برای نجات محاصره شدگان از تمام امکانات پشتیبانی زمینی، هوایی و هوانیروز استفاده شد و محاصره شدگان نجات یافتند.

در بیست و چهارم تیرماه ژاندارمری اطلاع داد که نیروهای عراقی پاسگاه‌های مقابل گروهان سومار را تقویت کرده و مراتع اطراف پاسگاه‌های عراقی را آتش زده‌اند و در حال حرکت به سمت تلخاب، بازرگان و کانی‌شیخ هستند. گروهان ژاندارمری سومار درخواست پشتیبانی نیروهای ارتش از پاسگاه‌های یادشده کرد. ستاد مشترک به نیروی هوایی دستور داد با پرواز در حوالی مرز، پاسگاه‌های مورد تهدید را پشتیبانی کند. نیروی زمینی هم به لشکر ۸۱ دستور داد از پاسگاه‌ها پشتیبانی کند.

لشکر ۸۱ نیز گزارش داد واحدهای آن لشکر که در منطقه پاسگاه‌های کانی - سخت، شورشیرین، انجیره، نی‌خزر و هلاله مستقرند، با دشمن درگیر شده‌اند و اظهار نظر کرد که با توجه به اینکه جاده مرزی این منطقه در تیررس دشمن است، اعزام نیروی تقویتی برای پاسگاه‌های تلخاب و بازرگان در شرایط فعلی مقدر نیست، ولی به واحد مستقر در نفت‌شهر دستور داد از طریق نفت‌شهر - سومار یکان تقویتی به پاسگاه بازرگان اعزام کند.

گزارش دیگری از ژاندارمری قصرشیرین ارسال شد که حاکی از درگیری شدید گروهان ژاندارمری خان‌لیلی بود. به‌طور کلی در این هنگام گسترش نیروهای زمینی عراق در تمام طول مرز انجام گرفته بود و در تمام طول مرز تیراندازی‌های ایدایی انجام می‌دادند. هدف آنها ایجاد ناراحتی روانی در نیروهای ایرانی بود و تا حدودی موفق هم بودند، ضمن اینکه با این اقدام قدرت رزمی نیروهای مسلح ایران را نیز آزمایش می‌کردند و طرح‌های عملیاتی خود را بر اساس گسترش نیروهای ایرانی تنظیم می‌کردند. بنابراین هرگونه گزارشی از پاسگاه‌های مرزی ایران در این دوره از عملیات معمولاً درست بود، اما توان رزمی نیروی زمینی ایران در حدی نبود که بتواند به تمام نیازهای تقویتی در طول بیش از ۱۳۰۰ کیلومتر مرز پاسخ دهد؛

چنان که لشکر نیز در بیست و پنجم تیر ماه درگیری با آتش اغلب پاسگاه‌های مرزی را تأیید کرد و در حدود مقدمات عمل متقابل انجام داد. در این درگیری‌ها دو افسر توپخانه و یک ژاندارم شهید شدند و یک سرباز نیز زخمی شد. حملات توپخانه عراق به مرور شدیدتر می‌شد و در تمام پاسگاه‌های مرزی کرمانشاه و ایلام اجرا می‌شد و شب‌ها نیز گلوله‌منور به روی مواضع نیروهای ایرانی اجرا می‌شد. در جبهه داخلی نیز ناآرامی همچنان ادامه داشت و قرائنی از فروکش کردن آن دیده نمی‌شد. این وضعیت عملیاتی سبب می‌شد هر چه بیشتر عناصر نیروی زمینی به واحدهای کوچکتر تجزیه شوند و قدرت تمرکزی خود را از دست دهند. احتمالاً هدف اصلی عراق از چهار ماه درگیری قبل از آغاز تهاجم عمومی همین بود. ارتش عراق به نحوی عمل می‌کرد که ستادهای واحدهای ارتش ایران هر روز برآورد می‌کردند که حمله عمومی عراق قریب‌الوقوع است، در حالی که همان‌گونه که در فصل دوم بیان شد، مقامات غیرنظامی و حتی بعضی مقامات نظامی ایران در مصاحبه با رسانه‌های گروهی نظر می‌دادند که حکومت بعثی عراق از نظر شرایط داخلی در وضعی نیست که بتواند دست به چنین حمله‌ای بزند و شاید همین طرز فکر سبب شد که در پنج ماه قبل از جنگ هیچ‌گونه تلاش قابل ملاحظه‌ای برای بسیج نیروهای جدید و یا حداقل تکمیل سازمان نیروهای موجود به عمل نیامد و حتی یک گردان هم تشکیل نشد.

در سی و یکم شهریور ماه، یعنی روز آغاز نبرد، افراد وظیفه خدمت منقضی به خدمت احتیاط احضار شدند. سپاه پاسداران نیز تلاش اصلی خود را برای سرکوبی ضدانقلابیون به کار می‌برد. ضمن اینکه آنها سازماندهی نشده و واحدهای منظمی تشکیل نداده بودند و ژاندارمری نیز روز به روز ضعیف‌تر می‌شد و اقدامی برای تجدید سازمان آن که متناسب با نیاز مرزهای کشور باشد به عمل نیامده و فقط به خسته و فرسوده کردن واحدهای موجود اکتفا شد. در این باره بعدها نیز گفتاری خواهیم داشت.

در این روزهای حساس فقط به جابه‌جایی واحدهای کوچک در مرز اکتفا می‌شد. به هر پاسگاهی که چند گلوله خمپاره تیراندازی می‌شد درخواست اعزام واحد کمکی می‌کرد و فرماندهان نیز الزاماً اقداماتی منطقی یا غیرمنطقی می‌کردند. سامانه فرماندهی به‌نحوی بود که ستاد مشترک و نیروی زمینی در کارهای مربوط به پاسگاه‌ها نیز دخالت می‌کردند و اصولاً تفکیک مسئولیت و ارجاع مأموریت قطعی در حدود امکانات هر رده فرماندهی به

صورت یک ارتش منظم سازمان یافته وجود نداشت؛ دخالت مقامات غیرنظامی نیز که جای خود داشت.

در روزهای آخر تیر ماه حوادث مرزی و داخلی مانند روزهای گذشته بود. در بیست و هفتم و بیست و هشتم تیر ماه در منطقه باووسی شدت عملیات نسبت به سایر مناطق بیشتر بود و سه نفر از افراد یکان مالک اشتر در این روزها زخمی شدند.

در بیست و نهم تیر ماه واحدهای لشکر ۸۱ زرهی در ۲۵ منطقه به صورت دسته، گروهان و گردان گسترش یافته بودند و این لشکر زرهی که طبق اصول کاربرد سازمانی آن باید به صورت تمرکزی و به عنوان یک نیروی ضربت قوی و مؤثر در اختیار فرماندهی نیروی زمینی قرار می‌گرفت و در یک یا حداکثر دو محور عمده عملیاتی وارد عمل می‌شد، حالت پاسگاه ژاندارمری را پیدا کرد و قدرت تمرکزی خود را به کلی از دست داد و در این حالت فقط می‌توانست به صورت نیرویی، پرده پوشش در مقابل تهاجم نیروهای منظم و مجهز عراقی عمل کند. مسئله دیگر این بود که در طول این مدت مقامات رده بالای کشوری نتوانستند برای کاربرد بیشتر بین نیروهای زمینی، سپاه پاسداران و ژاندارمری هماهنگی برقرار و وحدت فرماندهی ایجاد کنند. چنان‌که قبلاً سپاه پاسداران و هنگ ژاندارمری قصرشیرین که در منطقه لشکر ۸۱ زرهی و فرماندهی عملیات غرب بودند، گزارش‌های خود را به رده‌های بالاتر فرماندهی خود می‌دادند و این گزارش‌ها از طریق ستاد مشترک و نیروی زمینی به لشکر ابلاغ می‌شد. فرمانده عملیاتی منطقه غرب نیز بیش از یک شیر بی‌یال و دم و اشکم نبود و معلوم نبود اصلاً یکان اجرایی این فرماندهی کدام یکان است. باید گفت یکی از تدابیر ناموفقی که از آغاز بروز تصادمات با عراق به کار گرفته شد، تشکیل همین قرارگاه‌های عملیاتی موقتی بود که نه قدرتی داشتند و نه کسی به نظر آنان توجهی داشت. اگر شخص فرمانده نیروی زمینی در این قرارگاه‌های موقت حاضر می‌شد، قرارگاه فعال می‌شد، در غیر این صورت فقط نقش یک عنصر زائد را ایفا می‌کرد. سرانجام تیر ماه نیز به پایان رسید، در حالی که روابط ایران و عراق هر روز تیره‌تر می‌شد و برخوردهای مرزی شدیدتر می‌شد. صف‌آرایی نیروها در نزدیک مرز تکمیل‌تر می‌شد و دو کشور ایران و عراق به آستانه یک جنگ عمومی نزدیک‌تر می‌شدند.

آخرین گزارش لشکر در تیر ماه حاکی از این بود که برخورد با مهاجمان داخلی و خارجی در گردهنو، باویسی و تپله کوه به صورت تیراندازی متقابل جریان داشت. چاه شماره ۸ منطقه نفت شهر بر اثر اصابت گلوله توپ دشمن آتش گرفت. در جاده پاوه - جوانرود یک عدد مین کشف و خنثی شد و گروهی از پاسداران در منطقه نجار در محاصره مهاجمان قرار گرفتند که با پشتیبانی آتش توپخانه، پاسداران نجات یافتند.

برخوردهای مرزی و داخلی در غرب در مرداد ۱۳۵۹

در آغاز مرداد ماه نفت شهر زیر آتش توپخانه عراق قرار گرفت. نیروهای مستقر در سومار با نیروهای عراقی مبادله آتش کردند. بر اثر اصابت یک خمپاره دشمن به نقطه استقرار مهمات پاسگاه زینل کش انبار مهمات سلاح سنگین و سبک جوانمردان مستقر در پاسگاه منفجر شد و مقدار قابل توجهی مهمات از بین رفت و جاده ارتباطی پاسگاه آسیب دید. دامنه درگیری‌ها به پاسگاه‌های مرزی دیگر منطقه سومار از جمله سانواپا، گمرکنو، درویش کشته و سه تپان کشیده شد و دو نفر از افراد خودی مجروح شدند. گزارش‌هایی که از منابع اطلاعاتی رسید، حاکی بود که تمرکز نیروهای عراقی در مقابل منطقه خان لیلی و زینل کش به‌طور چشم‌گیری افزایش داشته و چنین برآورد شد که احتمالاً اولین تجاوز جدی عراق در این منطقه خواهد بود که اتفاقاً این برآورد درست بود و عراق در عملیات بعدی این منطقه را به عنوان اینکه جزئی از خاک عراق است، اشغال کرد. علاوه بر مناطق یادشده بالا در اول مرداد ماه در منطقه خرناصرخان و نفت شهر نیز مبادله آتش اجرا شد و چاه شماره ۸ نفت شهر بار دیگر دچار حریق شد که مدتی ادامه داشت. شدت آتش دشمن سبب وحشت اهالی نفت شهر شد و گروهی از آنان به قصرشیرین و سومار پناهنده شدند و اولین مهاجرت جنگ‌زدگان از مناطق جنگی از اول مرداد ماه آغاز شد. این امر سبب شکایت پاسداران منطقه نفت شهر از عدم کفایت آتش متقابل توپخانه ایران به مناطق مسکونی عراق شد. وضعیت زندگی در نفت شهر از دوم مرداد ماه دچار اختلال شد. به دلیل ترک کردن فروشندگان محلی مانند نانویان و فروشندگان خواروبار، تهیه مایحتاج زندگی برای مردم سخت شد و شرکت ملی نفت از ارتش خواست با بالگرد نان و مواد غذایی برای اهالی نفت شهر حمل کند و اولین مشکل تدارک مناطق جنگی ظاهر شد. در دوم مرداد ماه علاوه بر منطقه

نفت شهر منطقه گرده‌نو و باویسی نیز زیر آتش شدید توپخانه عراق قرار گرفت که تمرکز در مناطق ازگله، باویسی، تیله‌کوه، گرده‌نو و تنگ‌هوان بود.

بر اساس گزارش‌های رسیده، سپاه پاسداران به اجبار بعضی مواضع خود را تخلیه کردند.

در سوم مرداد ماه قصرشیرین فعال‌تر بود و تعدادی گلوله توپ دشمن به شهر قصرشیرین اصابت کرد و سبب وحشت مردم شد. در پاسگاه‌های مرزی قلعه‌سفید، هدایت و خان‌لیلی نیز مبادله آتش جریان داشت. موضوعی که از آغاز این برخوردها مسئله برانگیز شد و در طول جنگ ادامه یافت گله و شکایت رزمندگان از عدم کفایت آتش توپخانه خودی بود. توقع رزمندگان و حتی غیرنظامیان در عملیات این بود که به محض اینکه توپخانه دشمن چند گلوله به سمت مناطق خودی تیراندازی کرد، انبوه آتش توپخانه ایران تمام مواضع و مناطق نیروهای عراقی را ویران سازد؛ درحالی که اولاً این امر برای هیچ نیروی رزمی قابل اجرا نیست، زیرا عموماً جنگ‌افزار و مهمات توپخانه به دلیل سنگینی وزن، گرانی قیمت، مشکل تدارکات و حمل و نقل به سادگی قابل پشتیبانی نیست. ثانیاً تعداد سلاح توپخانه برای کل ارتش‌ها محدود است و در شرایطی که ارتش ایران داشت، این محدودیت فوق‌العاده بود. ارتش ایران حدود هشتصد قبضه توپ صحرایی قابل استفاده داشت که در جبهه ۱۳۰۰ کیلومتری واحدهای گسترش یافته را پشتیبانی می‌کرد؛ یعنی به هر یک کیلومتر یک قبضه هم نمی‌رسید، ضمن اینکه همه این توپ‌ها حاضر به کار نبودند. استفاده از توپخانه اصولی دارد که بدون رعایت آن آتش توپخانه مؤثر نخواهد بود، مثلاً کوچکترین واحد توپخانه معمولاً آتشبار است که دارای شش قبضه توپ بوده و می‌تواند آتش مؤثر اجرا کند. نکته دیگری که در کاربرد جنگ‌افزارهای پشتیبانی حایز اهمیت است، استفاده از انواع مختلف آنها به ترتیب میزان برد از جلو به سمت عقب می‌باشد که معمولاً از خمپاره‌انداز ۶۰مم با برد حدود دو کیلومتر شروع می‌شود و در آخرین رده عقب به توپخانه سنگین ۱۷۵مم با برد حدود چهل کیلومتر و یا به موشک‌های زمین به زمین بیش از یکصد کیلومتر می‌رسد و هر اسلحه پشتیبانی باید هدف‌های داخلی در برد خود را زیر آتش قرار دهد، اما در جنگ ایران و عراق این موضوع چندان مورد توجه رزمندگان نبود. اگر هدفی حتی در یک کیلومتری ظاهر می‌شد، فوراً پشتیبانی توپخانه سنگین و هواپیما درخواست می‌شد و اگر اجرا نمی‌شد، گله، شکایت و گزارش‌ها به مقامات بالاتر ارائه می‌شد. البته در شرایطی که خطر دشمن حقیقتاً جدی باشد و نیروهای دشمن قصد اشغال مواضع نیروهای خودی را داشته باشند، از تمامی امکانات

بدون توجه به خصوصیات تاکتیکی استفاده می‌شود. چنان‌که در مراحل از دفاع لازم می‌شود حتی مواضع خودی که به اشغال دشمن در می‌آید، زیر آتش سنگین تمام جنگ‌افزارها قرار گیرد. ولی در شرایط معمولی نبرد باید ابتدا هر یک از رزمندگان از مقدرات سازمانی خود استفاده کند و چنانچه کافی نبود از رده بالاتر درخواست پشتیبانی نماید و این روش معمولاً کمتر اجرا می‌شود. نتیجه نامطلوب این روش عملیاتی آن بود که در همان ماه‌های اول جنگ، نیروی زمینی ایران با محدودیت مهمات سلاح سنگین مواجه شد که شرح آن در بیان حوادث جنگ تحمیلی خواهد آمد.

گزارش تیپ ۳ زرهی لشکر ۸۱ نمونه‌ای از این وضع توپخانه است. در اوایل مرداد ماه ژاندارم‌ری قصرشیرین از کمبود آتش توپخانه خودی به مقامات بالا گله کرده بود. فرمانده تیپ پاسخ داد: عناصر تیپ در جبهه‌ای به طول ۳۷۰ کیلومتر گسترش دارند که با توپخانه پشتیبانی (یک گردان تقویت شده) تلاش نموده خلائی از لحاظ پشتیبانی توپخانه به وجود نیاید. با توجه به اینکه حداکثر برد توپخانه پشتیبانی (که ۱۳۰ م بود) ۲۷ کیلومتر بود و معمولاً از دوسوم این برد استفاده می‌شد، توپخانه دوربرد ایران تا مسافت ۱۸ کیلومتر را می‌توانست پشتیبانی کند. قطاع دایره‌ای که این توپخانه می‌توانست بپوشاند حدود ۲۵ کیلومتر در طرفین مرکز استقرار و جمعاً حدود ۵۰ کیلومتر را می‌توانست بپوشاند. برای پوشاندن جبهه ۲۷۰ کیلومتری، حداقل هفت آتشبار توپخانه ۱۳۰ م لازم بود و تیپ چنین توپخانه‌ای را در پشتیبانی نداشت؛ توپخانه ۱۵۵ م سازمانی لشکر، با برد حدود ۱۴ کیلومتر، قطاعی حدود ۲۵ کیلومتر را می‌توانست بپوشاند که در این صورت حداقل ۱۴ آتشبار توپخانه ۱۵۵ م یعنی پنج گردان لازم بود، در حالی‌که چنین گسترشی از تمرکز کافی نیز نمی‌توانست برخوردار باشد و توپخانه با این وسعت گسترش، خاصیت توده آتش را از دست می‌داد. به هر حال این کمبود قدرت پشتیبانی آتش در جبهه وسیع ایران و عراق مشهود بود، اما هر دو طرف دچار این مشکل بودند و فقط با رزمایش سریع واحدهای توپخانه و تغییر مکان سریع آنها به نقاط حساس عملیاتی در مواقع لازم امکان داشت تا حدودی این مشکل حل شود. به دلیل محدودیت خودروهای ترابری سنگین در ارتش ایران این تغییر مکان‌ها سریع انجام نمی‌گرفت، در حالی‌که ارتش عراق از این نظر از مقدرات قابل ملاحظه‌ای برخوردار بود.

در چهارم مرداد ماه تلاش نیروهای عراقی متوجه منطقه نفت‌شهر، سومار و منطقه مرزی ایلام بود و مبادله آتش جریان داشت. در شرایطی که دشمن خارجی از جبهه مقابل و مرز تهدیدهایی به وجود می‌آورد، در منطقه عقب جبهه داخلی نیز فعال بود و به‌وسیله عوامل خائن داخلی گروه‌های ضدانقلاب سازمان یافته تهدیدهایی برای نیروهای ما ایجاد می‌کردند. در پنجم مرداد خبر رسید که یک واحد بزرگ از این گروه ضدانقلاب که تعداد آن دوهزار نفر برآورد شده بود، در ارتفاعات دالاهو متمرکز شده تا به شهر کرمانشاه حمله کند. این‌گونه اطلاعات اگر صحت هم نداشت آثار جنگ روانی را داشت و نگرانی در مقامات مسئول کشور ایجاد و قسمتی از قدرت رزمی ایران را به خود جذب می‌کرد. در پنجم مرداد ماه یک فروند هواپیمای عراقی مواضع منطقه هوان را زیر آتش گرفت، اما برای درخواست پشتیبانی هوایی خودی مرکز دسک مستقر در منطقه گرده‌نو اظهار داشت وسیله ارتباطی از کار افتاده است، لذا درخواست عمل متقابل پشتیبانی هوایی میسر نشد. البته برابر روشی که ستاد مشترک مشخص کرده بود پدافند هوایی نیروی هوایی مستقیماً مسئول کشف تجاوزات هوایی دشمن و اجرای عملیات متقابل بود، ولی به هر حال هدایت هواپیما در منطقه از وظایف ناظر مقدم هوایی و مرکز دسک مستقر در منطقه بود.

قبلاً گفتیم که در اواخر خرداد ماه تغییراتی در فرماندهان رده بالای ارتش انجام شد و رئیس ستاد مشترک و فرمانده نیروی زمینی و ژاندارمری جابه‌جا و یا تعویض شدند، جزو این تغییرات انحلال ستاد عملیاتی مشترک منطقه غرب در ستاد مشترک و همچنین انحلال فرماندهی عملیاتی منطقه غرب مستقر در کرمانشاه بود، ولی بعد از چند روز فرمانده نیروی زمینی (سرتیپ ظهیرنژاد) دستور تشکیل مجدد قرارگاه عملیاتی منطقه غرب را با فرمانده و افسران جدید داد. مهم‌ترین موضوع قابل ملاحظه در این امر اعطای درجه سرهنگی موقت بود که برای اولین بار در نیروی زمینی ایران به سرگرد توپخانه علی صیاد شیرازی داده شد و ایشان با درجه سرهنگی موقت به فرماندهی عملیات منطقه غرب منصوب شد. بعد از چهارده ماه و پس از سقوط هواپیمای (سی-۱۳۰) در مهر ماه ۱۳۶۰ و شهادت جمعی از فرماندهان رده بالای ارتش و سپاه که الزاماً تغییراتی در سامانه فرماندهی ارتش انجام شد، سرهنگ صیاد شیرازی به فرماندهی نیروی زمینی منصوب گردید. علت این تصمیم هرچه بود سبب شد که افسران قدیمی حتی‌المقدور کنار بروند و در حقیقت یک تحول بنیادی در سامانه فرماندهی ارتش ایران به‌وجود

آید که بعداً همین روش در نیروی هوایی، دریایی و ژاندارمری نیز اجرا شد و افسران قدیمی‌تر کنار رفته و افسران جوان‌تر مصدر مشاغل حساس شدند. لازم به یادآوری است که مأموریت فرماندهی عملیاتی غرب ایجاد هماهنگی بین لشکرهای ۲۸ و ۸۱ و ۱۶ در مسائل مربوط به عملیات مبارزه با ضدانقلاب داخلی و پاکسازی منطقه غرب از وجود اشراک، آشوبگران و ضدانقلابیون بود. این قرارگاه مأموریتی در عملیات علیه تجاوزات عراق به عهده نداشت. اما به هر حال یک فرماندهی واسطه بین نیروی زمینی و لشکرها بود و نظر به اینکه در مرحله برخورد های پراکنده مرزی تفکیک عملیات برون مرزی و درون مرزی چندان ساده نبود، خود به خود این فرماندهی در رشته ارتباط فرماندهی کل عملیات قرار می‌گرفت. چنان‌که نیروی زمینی در ششم مردادماه دستورالعمل نحوه سازماندهی وظایف و مسئولیت‌های فرماندهی مخصوص در غرب را ابلاغ کرد. در این دستورالعمل لشکرهای ۲۸ و ۸۱ و عناصری از لشکر ۱۶ زرهی را در کنترل عملیاتی این فرماندهی قرار داد و مأموریت آن را عملیات داخلی اعلام کرد، اما در همان روز و روز بعد دو فقره دستور عملیاتی مربوط به مسائل مرزی صادر کرد که هر دو دستور به فرماندهی عملیاتی منطقه غرب ابلاغ شد. دستور اول این بود که لشکر ۸۱ برای تقویت پاسگاه‌های کانی‌شیخ، بازرگان و تلخاب در منطقه سومار درخواست یک گروه رزمی کرده که نیروی زمینی عدم هماهنگی با آن را ابلاغ کرد و نظر داد مراتب دقیقاً بررسی شود و نظریه اعلام شود - سرتیپ ظهیرنژاد- همین مکاتبات نشانه‌ای از عدم هماهنگی در سامانه فرماندهی بود.

در هفتم مرداد ماه نیروهای عراقی تأسیسات نفتی ایران را در منطقه نفت‌شهر زیر آتش گرفتند. نیروی زمینی از طریق فرماندهی عملیاتی منطقه غرب دستور داد که عمل متقابل انجام شود و تأسیسات نفتی عراق در نفت‌خانه گلوله‌باران شود. در این روز نفت‌شهر و تأسیسات نفتی آن بار دیگر زیر آتش توپخانه دشمن قرار گرفت. یک لوله نفت منفجر و سه نفر زخمی شدند و در تأسیسات نفت آتش سوزی رخ داد. ستاد مشترک در همان روز دستور داد به عنوان عمل متقابل نفت‌خانه عراق با توپخانه گلوله‌باران و سعی شود تلمبه‌خانه مخازن نفت، دستگاه بهره‌برداری و لوله‌های نفت عراق در نفت‌خانه منهدم شود. در این روز دو فروند هواپیمای عراقی در منطقه مرزی مهران و ایلام پرواز کردند و سایت ایلام پرواز آنها را ثبت و گزارش کرد و برآورد شد که ممکن است در آینده نزدیک حملات نیروی هوایی عراق در این منطقه اجرا شود. پیرو تغییراتی که در فرماندهان رده بالای ارتش داده شد، در اوایل مرداد ماه سرهنگ سهرابی فرمانده لشکر ۸۱

زرهی نیز تعویض شد و سرهنگ علیشاهی به جای وی به فرماندهی لشکر منصوب شد. چنانچه جریان حوادث نشان می‌دهد، نحوه انجام وظیفه سرهنگ سهرابی در مقام فرماندهی لشکر در چند ماه گذشته مفید و مؤثر بوده، لکن در این تغییر مشاغل، موضوع هماهنگی بین روش کار افسران فرمانده، مقدم بر سایر خصوصیات فرماندهی بود.

در روز هفتم علاوه بر منطقه نفت‌شهر، منطقه قصرشیرین نیز زیر گلوله‌باران توپخانه عراق بود. موضوعی که در گزارش حوادث این روز به چشم می‌خورد آغاز مین‌گذاری اطراف پایگاه هوانیروز کرمانشاه بود که در اجرای این امر استواری هنگام مین‌گذاری دچار سانحه انفجار مین شد و یکی از پاهایش آسیب دید. در این باره لازم است توضیح داده شود که در زمان رژیم سلطنتی یکی از نقاط ضعف فوق‌العاده ارتش ایران جنگ مین و عدم آموزش کافی برای کاشتن و برداشتن مین بود، چون این عمل تاکتیکی با احتمال خطر انفجار همراه است اصولاً فرماندهان نظامی تمایلی به اجرای این آموزش با مین حقیقی نشان نمی‌دادند و مین‌های آموزشی نیز به دلیل بی‌خطر بودن کامل آنها تأثیری در واقعیت آموزش نداشتند، در نتیجه این آموزش یا اصولاً اجرا نمی‌شد یا اینکه اجرای آن مفید نبود. موضوع دیگر اینکه طبق اصول آموزش‌های نظامی همه افراد واحدهای رزمی باید قادر باشند میدان مین حفاظتی در اطراف محل استقرار خود ایجاد و یا جمع‌آوری کنند و این آموزش نباید منحصر به افراد مهندسی باشد، زیرا در هیچ ارتشی واحدهای مهندسی رزمی آن قدر زیاد نیستند تا بتوانند این نیازهای عملیاتی تمام لشکرها و تیپ‌ها را برآورده سازند. اما در ارتش ایران این آموزش در واحدهای غیرمهندسی به کلی فاقد ارزش بود و در واحدهای مهندسی رزمی نیز در سطح بالایی نبود و این نقص قبل از آغاز جنگ و در حین جنگ تأثیر منفی مهمی در عملیات آفندی و پدافندی داشت؛ به نحوی که در آغاز جنگ این امر مهم نظامی به افراد داوطلب سپاه پاسداران، بسیج و به طور کلی غیرنظامیان محول شد، ولی بعد از مدتی پیشرفت‌های نسبتاً خوبی به دست آمد.

قبلاً گفتیم که در منطقه عملیاتی مهران مشکلاتی بین رده‌های فرماندهی به وجود آمده بود. با توجه به اینکه در طرح کلی عملیاتی نیروی زمینی، این منطقه به تیپ ۸۴ پیاده خرم‌آباد محول شده بود، در اوایل مرداد ماه یک گروه رزمی از عناصر آن تیپ در مهران مستقر شد. فرمانده تیپ اعلام کرد که عناصر آن تیپ در پاسگاه‌های بهرام‌آباد، فتح‌آباد، گمرک، رضاآباد، سد کنجان چم و تپه ۳۴۳ مستقر و آماده اجرای مأموریت هستند.

درباره عملیات روز جاری نفت‌شهر فرمانده لشکر ۸۱ اعلام کرد که تیراندازی نیروهای عراقی در ساعت ۱۹۳۰ قطع شد. جریان نفت و گاز در لوله‌ها با بستن تلمبه‌ها قطع شد و از آتش‌سوزی جلوگیری گردید. فقط یک مخزن نفت قدیمی آتش گرفت. اقدامات متقابل در نفت‌خانه عراق انجام و تیراندازی شد، و آتش‌سوزی به وقوع پیوست و بر اثر تیراندازی به منطقه بان‌میل عراق، چاه نفت آن منطقه آتش گرفت. در روز هفتم در منطقه باوئسی، خرناصرخان و پاسگاه تنگاب‌نو نیز مبادله آتش جریان داشت.

در روز هشتم مرداد ماه تیراندازی به تأسیسات نفتی نفت‌شهر ادامه یافت و وزارت نفت از ارتش خواست با اقدام متقابل آتش دشمن را خاموش سازد. لشکر در اجرای دستور نیروی زمینی برای خاموش کردن آتش دشمن، تیراندازی سنگین به خاک عراق اجرا کرد و طی گزارشی که رئیس رکن سوم لشکر داد از ساعت ۲۰۰۰ روز هشتم منطقه آرام شد. در روز هشتم رئیس ستاد مشترک طی نامه‌ای به نیروی زمینی ابلاغ کرد که در نفت‌شهر سه قبضه توپ ۱۵۵م، شش قبضه تفنگ ۱۰۶م، یک گروهان سوار زرهی و یک دسته پدافند هوایی ۲۳م مستقر است و ایمان و اعتقاد داریم که نیروی کافی هم در نفت‌شهر هست، لذا باید به شدت در مقابل عملیات تهاجمی عراق عکس‌العمل نشان داده شود. این نامه حاوی دو مطلب مهم از نظر نظامی بود: اول اینکه این مقدار واحد که نام برده شد از حداقل نیروی لازم برای نگهداری یک شهر کوچک کمتر بود و خود همین نامه نشان می‌دهد که نیروهای ایرانی به هیچ وجه برای مقابله با ارتش عراق کافی نبود، زیرا در آن زمان ارتش عراق توانایی آن را داشت که حداقل یک تیپ تقویت شده با پشتیبانی حداقل دو گردان توپخانه وارد عمل سازد؛ در حالی که توپخانه ایران یک ششم استعداد یک گردان بود، زیرا مطابق سازمان استاندارد یکان‌های توپخانه در اغلب ارتش‌ها تعداد توپ هر آتشبار شش قبضه و هر گردان هجده قبضه است که سه قبضه توپ مستقر در نفت‌شهر فقط نصف یک آتشبار بود، تازه اگر فرض شود که این سه قبضه توپ از نظر نیرو و وسایل کاملاً آماده و حاضر به کار بوده باشند. مسئله دیگری که در این نامه مشهود است، دخالت مستقیم مسئول ستاد مشترک در رده کوچک واحدهای نیروی زمینی است. از نظر سازمان کلی ارتش اصولاً ستاد مشترک در سلسله مراتب فرماندهی قرار ندارد و رئیس ستاد حق دخالت در امور داخلی نیروهای سه گانه را ندارد، اما چون شهید تیمسار فلاحی قبلاً فرمانده

نیروی زمینی بود و قبل از انقلاب نیز چندین سال افسر عملیات نیروی زمینی بود و آشنایی کامل به مسائل عملیاتی نیروی زمینی داشت، بعد از اینکه از نیروی زمینی به مقام رئیس ستاد مشترک منصوب شد، همان احساس مسئولیت و همبستگی با نیروی زمینی را حفظ کرد. این احساس گرچه قابل تقدیر بود، ولی در عمل سبب دخالت در امور نیروی زمینی شد و در آغاز جنگ ایشان در صحنه عملیات خوزستان حضور یافت تا خدمتی به کشور ایران انجام دهد، اما این حضور ایشان سبب ایجاد اختلافاتی نیز بود که در شرح وقایع جنگ به آن اشاره خواهد شد. سرانجام ایشان در جریان همین احساس مسئولیت شهید شد.

در نهم مرداد ماه اولین اطلاعیه راجع به تهاجم عملی نیروهای عراقی به خاک ایران از طریق ستاد مشترک به نیروی زمینی ابلاغ شد که طبق آن عناصری از نیروی زمینی عراق در منطقه زینل کش پشت پاسگاه تنگاب کهنه، دو کیلومتر در خاک ایران پیشروی کرده و اقدام به تهیه استحکامات کرده است و از نیروی زمینی خواست چگونگی را بررسی و نتیجه را اعلام کند و در صورتی که این امر صحت داشته باشد، به هر بهایی باید خاک ایران از وجود نیروهای دشمن متجاوز پاک شود. در پایان روز نهم، ژاندارمری به ستاد مشترک گزارش داد که فعالیت‌های نیروهای عراقی برای ورود به خاک ایران در منطقه پاسگاه‌های سلمان کشته، تنگاب نو و زینل کش ادامه دارد و نیروهای عراقی از طرف پاسگاه قلعه یهودی عراق مقابل پاسگاه تنگاب نو ایران با آتش و رزمایش به سمت سنگرهای قدیمی نیروهای ایرانی در نزدیکی مرز در حال پیشروی هستند. نتیجه عملیات روز نهم مرداد ماه این بود که موضع توپخانه ایران زیر آتش توپخانه عراق قرار گرفت و از افراد آتشبار توپخانه یک نفر سرباز شهید و دو نفر مجروح شد و چاه نفت شماره ۴ نفت‌شهر آتش گرفت. پیشروی نیروهای عراقی در منطقه تنگاب کهنه متوقف شد و نیروهای دشمن مجبور به عقب‌نشینی به مواضع اولیه خود شدند. در این روز فرمانده لشکر ۸۱ برای بار دوم تعویض شد و سرهنگ دوم زمانفر به سمت فرماندهی لشکر منصوب گردید. این تغییرات سریع فرماندهی چندان مفید نبود و سبب ناپایداری سامانه کنترل و فرماندهی می‌شد، ولی به هر حال شرایط آن روز چنین تغییراتی را ایجاب می‌کرد.

در روز یازدهم مرداد جبهه غرب فعال تر شد. نیروهای عراقی بر حجم آتش‌های خود افزودند و توپخانه ایران نیز پاسخ مناسبی داد. سپاه پاسداران قصرشیرین گزارش داد که به علت نبودن دیده‌بان توپخانه در خط مقدم، آتش‌ها بدون دیده‌بانی و غیرمفید اجرا می‌شود. این واقعیتی بود که در آغاز جنگ وجود داشت و یکان‌های توپخانه فاقد دیده‌بان بودند و اگر نفری هم به عنوان دیده‌بان بود، آموزش‌های لازم را برای این وظیفه ندیده بود. این وضع به قدری شدید بود که سپاه پاسداران قصرشیرین پیشنهاد کرد از افراد پاسدار تعدادی این آموزش را ببینند و با توپخانه ارتش همکاری کنند. نکته‌ای که در این باره باید یادآوری شود، این است که اصولاً براساس تاکتیک نظامی، کل افراد واحدهای رزمایشی شامل پیاده و زرهی باید آموزش دیده‌بانی را دیده باشند و بتوانند به‌عنوان دیده‌بان توپخانه در خط مقدم انجام وظیفه کنند؛ یعنی افراد پاسگاه‌های ژاندارمری و یکان‌های پیاده و زرهی که اولین مواضع مقابل دشمن را اشغال می‌کنند، باید بتوانند برای توپخانه کمک مستقیم یا یکان خمپاره‌انداز پشتیبانی‌کننده عمل دیده‌بانی را انجام دهند، ضمن اینکه در سازمان توپخانه دیده‌بان منظور شده و وظیفه اصلی دیده‌بانی را باید او انجام دهد. اما در نیروی زمینی آن روز این نقص کمبود دیده‌بان و فقدان آموزشی دیده‌بان یکان‌های رزمایشی به طور مشهود وجود داشت که تا آغاز تهاجم عمومی ارتش عراق ادامه یافت. این نقص به همراه درخواست‌های بی‌رویه پشتیبانی آتش توپخانه به‌ویژه توسط یکان‌های سپاه و نیروهای مردمی سبب هدر دادن مقدار زیادی مهمات توپخانه و خمپاره‌انداز شد.

درگیری روز جاری منطقه عملیاتی قصرشیرین مدتی به طول انجامید. در این درگیری هشت نفر از افراد سپاه پاسداران مستقر در مواضع مقدم مجروح شدند که با بالگرد تخلیه شدند. شدت درگیری در حوالی پاسگاه‌های دارخور، برارعزیز، خالدکشته و زینل‌کش بود. نیروهای عراقی تلاش کردند در منطقه پاسگاه زینل‌کش در خاک ایران پیشروی کنند که به‌وسیله آتش توپخانه پیشروی نیروهای دشمن سد شد، ولی به نظر می‌رسید که نیروهای عراقی مأموریت دارند این مواضع ایرانی را اشغال کنند. بعدها معلوم شد که یکی از نقاط مورد ادعای عراق همین منطقه بوده و صدام حسین بعد از اشغال آن منطقه به‌وسیله نیروهای عراقی آن را به عنوان فتح بزرگی برای ارتش عراق اعلام کرد.

در بالا اشاره شد که آتش توپخانه و خمپاره‌اندازها غیرمؤثر اجرا می‌شد. در یازدهم مرداد ماه این موضوع مورد توجه نیروی زمینی قرار گرفت و دستوری به تمام واحدها داد که از هدر دادن مهماتی که با مشکلات فراوان تهیه می‌شود، خودداری کنند و بدون هدف و صرفاً برای ایجاد سر و صدا و وحشت در دشمن، نباید مهمات گران‌قیمت مصرف شود، مگر اینکه تیراندازی‌های پراکنده و ایدایی طبق طرح پیش‌بینی شده باشد. این امر به قدری حایز اهمیت بود که فرمانده نیروی زمینی در خاتمه این دستور ابلاغ کرد: «چنانچه ملاحظه شود یک گلوله بدون هدف تیراندازی شده، شخص اجراکننده به علت عدم اجرای دستور تسلیم دادگاه خواهد شد.»

آخرین وضعیت عملیاتی روز یازدهم مرداد ماه به این شرح بود که در درگیری‌های آن روز از افراد سپاه پاسداران چهار نفر شهید و ده نفر مجروح شدند. مرکز فعالیت نیروهای عراقی در اطراف پاسگاه برار عزیز و ازگله بود که ادامه عملیات به روز دوازدهم مرداد ماه کشیده شد. در روز سیزدهم مرداد ماه پاسگاه پطاق و تلمبه‌خانه نفت مورد حمله قرار گرفت و آتش دشمن در منطقه پاسگاه‌های تپه‌گل، زینل‌کش رضآباد، خسروآباد و گروهان ژاندارمری خان لیلی شدیدتر شد و خساراتی به پاسگاه‌ها و خودروهای موجود در آنها وارد شد. آخرین وضعیت روز سیزدهم مرداد ماه چنین بود که درگیری در منطقه باویسی و گرده‌نو با نیروهای عراقی ادامه داشت و منطقه نصرآباد زیر آتش توپخانه دشمن قرار گرفت که با آتش پاسخ داده شد. در چهاردهم مرداد بار دیگر خبر رسید که حدود دو هزار نفر از آشوبگران داخلی در ارتفاعات دالاهو متمرکز شده‌اند و قصد حمله به شهر کرمانشاه را دارند. این‌گونه گزارش‌ها بیشتر نتیجه جنگ روانی دشمن بود که با شایعه‌پراکنی سبب نگرانی نیروهای ما می‌شد و گاهی قسمتی از نیروهای ما را از مأموریت اصلی که آمادگی برای مقابله با عراق بود، جدا می‌کرد؛ ولی چون عموماً منطقه غرب ناامن بود هرگونه اطلاعاتی مربوط به شورشیان داخلی باید مورد توجه مخصوص قرار می‌گرفت تا از بروز غافلگیری جلوگیری شود.

در چهاردهم مرداد ماه یک دستگاه نفربر زرهی و یک دستگاه خودرو چرخ‌دار در حوالی آبادی گرده‌نو با مین برخورد کردند که در نتیجه شش نفر زخمی شدند. این سانحه نشان می‌داد که نیروهای عراقی و همدستان خائن داخلی آنها تلاش می‌کنند تا منطقه عقب و

خطوط تدارکاتی واحدهای مستقر در مرز را مورد تهدید قرار دهند و یا حداقل ناامن سازند. در پانزدهم مرداد توپخانه عراق تعدادی گلوله به شهر قصرشیرین پرتاب کرد که بر اثر آن دو نفر از اهالی شهید شدند.

قبلاً گفتیم که از اواخر تیر ماه یک قرارگاه عملیاتی به فرماندهی سرهنگ موقت، صیاد شیرازی در کرمانشاه تشکیل شد. براساس دستورالعملی که نیروی زمینی برای تشکیل این قرارگاه صادر کرده بود، مأموریت آن را فقط هماهنگی عملیات مبارزه با ضدانقلابیون داخلی در منطقه غرب تعیین کرده بود، ولی در عمل چنین نشد و این قرارگاه خود را درگیر عملیات کلی منطقه، شامل نبرد با عراق نیز کرد.

در شانزدهم مرداد ماه فرمانده این قرارگاه یک گزارش سه صفحه‌ای به نیروی زمینی فرستاد که موضوع آن بررسی وضعیت موجود منطقه لشکر ۸۱ زرهی بود و شرح جریان این گزارش این بود که از طرف قرارگاه ۱۳ افسر برای بازدید منطقه، گسترش یگان‌های لشکر ۸۱ اعزام شده و فرمانده قرارگاه نظر داده که این قرارگاه به این موضوع اکتفا نکرده و با اعزام نیرو به منطقه با قاطعیت اشکالات را مرتفع خواهد کرد. خلاصه نتیجه بازدید افسران یاد شده که نشانگر وضعیت عملیاتی لشکر ۸۱ زرهی می‌تواند باشد، چنین بود که:

۱. در نفت‌شهر یک گروه رزمی شامل یک گروهان سوار زرهی فقط با سه دستگاه تانک اسکورپیون، یک آتشبار ۱۰۵م و یک آتشبار ۱۵۵م مستقر بود که تانک‌ها عقب‌تر از موضع توپخانه مستقر شده بودند و به‌طور کلی وضعیت استقرار و گسترش و روش سازماندهی منطقه دارای معایب زیادی بود. توپخانه بدون دیده‌بان اجرای آتش می‌کرد و واحد مستقر در آن فاقد بی‌سیم کافی، دارو، آمبولانس و پزشک‌یار بود. فرماندهی و کنترل ضعیف بود.

۲. بین نفت‌شهر و تنگاب کهنه تمام پاسگاه‌های مرزی تخلیه شده‌اند.

۳. مواضع تنگاب کهنه، نصرآباد و خرناصرخان (دورادور قصرشیرین) دو آتشبار ۱۵۵م بدون یگان رزمی مستقر بود. ارتفاعات آق‌داغ تخلیه شده بود و دیده‌بانی به جلو انجام نمی‌گرفت و نیروهای عراقی در خط‌الرأس مرز بین دو کشور مستقر بودند و قسمت وسیعی از خاک ایران را زیر میدان دید و تیر داشتند.

۴. در منطقه گرده‌نو، باغ‌کوه و کوه تق‌تق یک گروه رزمی تانک با یک آتشبار ۱۵۵م، یک آتشبار ۱۳۰م و یک آتشبار ۲۰۳م مستقر بود. ارتفاعات باویسی در اختیار نیروهای خودی نبود، در نتیجه دیده‌بانی انجام نمی‌گرفت و توپخانه ۱۵۵م طوری مستقر شده بود که بیش از پنج کیلومتر برد به جلو نداشت و فقط می‌توانستند داخل خاک ایران را زیر آتش بگیرند. پاسگاه باویسی تخلیه شد و نیروهای دشمن با استفاده از دیدگاه‌های کوه بمو کاملاً به منطقه تسلط دارند و به طور کلی وضعیت مواضع و نیروها رضایت‌بخش نبود.

باید توجه داشت متأسفانه قبل از آغاز جنگ چنین وضعی در اکثر واحدهای ارتش وجود داشت که انگیزه اصلی آن رکود قریب بیست ماه آموزش و از هم گسیختگی قدرت کنترل و فرماندهی در واحدهای ارتش و ژاندارمری بود. از هفدهم مرداد ماه تا حدودی اوضاع آرام‌تر شد و عملیات محدود به تیراندازی‌های پراکنده متقابل بین نیروهای ایرانی و عراقی بود. در جبهه داخلی نیز در منطقه کرمانشاه آرامش نسبی برقرار شد.

در بیست و سوم مرداد یک مأموریت پشتیبانی هوایی در منطقه دزلی به وسیله یک فروند هواپیمای (اف-۴) انجام شد. در این روز یک آتشبار ۱۷۵م وارد منطقه عملیاتی کرمانشاه شد و در پشتیبانی واحدهای آن لشکر قرار گرفت. در اطراف کامیاران آشوبگران فعالیت غیرمؤثر انجام دادند. البته گزارش‌ها حاکی از حمله احتمالی عراق همچنان از منابع مختلف می‌رسید و نگرانی‌هایی ایجاد می‌کرد؛ چنان‌که نیروی زمینی بر مبنای این گزارش‌ها در بیست‌ودوم مرداد ماه به لشکرهای مستقر در نزدیکی مرز دستور آماده‌باش کامل ابلاغ کرد تا به محض شروع حمله ارتش عراق عکس‌العمل شدیدی نشان داده شود.

در جبهه داخلی در بیست‌وسوم مرداد ماه در منطقه سردشت بالگردهای اعزامی برای پشتیبانی واحد مستقر در سردشت به وسیله تیربارهای مهاجمان زیر آتش قرار گرفتند. یک فروند بالگرد مورد اصابت قرار گرفته، خلبان آن مجروح شد و فرود اجباری کرد. عملیات نجات به شدت آغاز شد و خلبان نجات یافت، ولی بالگرد منهدم شد.

در بیست و ششم مرداد ماه باردیگر خبر حمله سراسری عراق محتمل به نظر می‌رسید و دستورات مراقبتی به یکان‌ها داده شد. اما به طور کلی این‌گونه اخبار بررسی نشده از منابع مختلف به ستاد مشترک می‌رسید و ستاد مشترک نیز بدون داشتن امکانات کافی جمع‌آوری اخبار از منابع مختلف و ارزیابی آنها همان اخبار خام را به نیروی زمینی می‌داد و آن نیرو نیز به یکان‌های مربوطه ابلاغ می‌کرد و چون این اخبار خام چندین بار ابلاغ شده ولی نادرست بود، لذا آثار آن در واحدها از بین رفته بود و طول زمان سبب شده بود که این‌گونه مسائل حساسیت خود را از دست بدهند و حالت بی‌تفاوتی در نیروها، حتی فرماندهان به‌وجود آید. چنان‌که در گزارشی که چند روز قبل به وسیلهٔ بازرسان اعزامی از قرارگاه منطقه غرب داده شده بود، گفته شده بود که وضعیت مواضع به صورت اردوگاه آموزشی بود و در نیروها حساسیتی نسبت به امکان تهدید مشاهده نمی‌شد.

نیروی زمینی از لشکرهای مستقر در خط مقدم خواست که طرح پشتیبانی آتش توپخانه را که برای تمام طول مرز بیش از هزار کیلومتر تنظیم شده باشد، تهیه و ارسال دارند؛ در حالی که با وضع گسترش یکان‌ها در جبههٔ وسیع و کمبود استعداد رزمی و پشتیبانی رزمی برای این جبهه اصولاً تاکتیک جنگ کلاسیک برای این جبهه مقدور نبود، ولی به هر حال باید به نسبت مقدمات و نیازمندی‌ها تدابیری به کار گرفته می‌شد. اما نکتهٔ حایز اهمیت این بود که طبق تدابیر کلی ابلاغی که حتی در رژیم سلطنتی نیز در طرح‌ها منظور می‌شد، نباید به دشمن اجازه داده می‌شد در هیچ نقطه‌ای حتی یک وجب به خاک ایران تجاوز کند. این دستور اصولاً غیرقابل اجرا بود، زیرا چگونه امکان داشت با هشت لشکر ناقص در تمام طول مرز بیش از ۱۳۰۰ کیلومتر به نحوی دفاع کرد که در تمام این جبهه آن‌قدر نیرو باشد که از تجاوز احتمالی جلوگیری کند. در چنین جبهه وسیعی باید حساسیت‌ها نسبت به نقاط راهبردی حیاتی، حساس گلوگاه‌ها و معابر وصولی اعمال می‌شد و نیروها به نحوی متمرکز می‌شدند که با قدرت ضربت کافی بتوانند ضمن دفاع از نقاط مهم و حساس در نقاط دیگر نقاط حیاتی دشمن را مورد تهدید قرار دهند تا دشمن مجبور شود نیروهای خود را از نقاط دیگر جمع‌آوری کند و از نقاط راهبردی حیاتی خود دفاع کند. ولی تدبیر کلی نیروهای مسلح ایران سبب شد که در آغاز جنگ بدون توجه به میزان اهمیت مناطق مختلف از نظر نظامی، نیروی زمینی در تمام طول مرز گسترش یابد و نمونه

آن را در پاسخی که لشکر ۸۱ زرهی در بیست و ششم مرداد ماه از نظر گسترش توپخانه داده است، مشاهده می‌کنیم. قبلاً لازم است این نکته را یادآوری کنیم که اصولاً آتش‌های پشتیبانی زمانی می‌توانند مؤثر باشند که به صورت تمرکزی و انبوه به کار برده شوند، در غیر این صورت تأثیری بر مواضع دشمن نخواهند داشت.

گسترش توپخانه لشکر ۸۱ زرهی در اواخر مرداد ماه به شرح زیر بوده که در آغاز جنگ نیز تقریباً به همان نحو باقی مانده بود.

۱. صالح‌آباد ایلام یک آتشبار ۱۵۵م و یک دسته پدافند هوایی ۲۳م
۲. نفت‌شهر یک آتشبار ۱۵۵م، یک آتشبار ۱۰۵م و یک دسته پدافند هوایی ۲۳م
۳. تنگاب یک آتشبار ۱۵۵م و یک دسته پدافند هوایی ۲۳م
۴. نصرآباد یک آتشبار ۱۵۵م
۵. خرناصرخان یک آتشبار ۱۵۵م و یک رسد پدافند هوایی ۲۳م
۶. حوالی خسروی یک آتشبار ۱۷۵م و یک قبضه پدافند هوایی ۵۷م
۷. حوالی گرده‌نو ۳ آتشبار ۲۰۳م، یک آتشبار ۱۵۵م منطقه در یکان توپخانه صحرائی و یک رسد پدافند هوایی ۲۳م
۸. کامیاران یک آتشبار ۱۵۵م
۹. پادگان ابودر (سرپل‌ذهاب) یک آتشبار پدافند هوایی ۵۷م
۱۰. پادگان اسلام‌آباد یک آتشبار پدافند هوایی ۵۷م
۱۱. پادگان اعظم‌پناه یک دسته پدافند هوایی ۲۳م
۱۲. پادگان هوانیروز یک دسته پدافند هوایی ۲۳م

توضیح اینکه این واحدهای توپخانه جمعی لشکر ۸۱، ۱، ۲ مرکز و گروه‌های ۴۴ و ۵۵ توپخانه اصفهان بودند که از اواسط تیر ماه در مناطق یاد شده مستقر شده بودند. تعداد آتشبارهای توپخانه صحرائی یازده آتشبار بود، در حالی که هر لشکر زرهی چهار گردان توپخانه ۱۵۵م صحرائی هر کدام با سه آتشبار، جمعاً دوازده آتشبار داشت. بنابراین چنان که از آتشبارهای سازمانی لشکر ۸۱ در نقاط دیگر مأمور نبوده باشند، آمار فوق نشان می‌دهد که فقط پنج آتشبار ۱۵۵م خودکشی سازمانی لشکر بوده و شش آتشبار واحدهای لشکرهای ۱ و ۲ مرکز و گروه‌های ۴۴ و ۵۵ توپخانه اصفهان بودند و اگر این برآورد درست باشد، کمتر از پنجاه درصد واحدهای توپخانه لشکر ۸۱ حاضر به کار و عملیاتی بوده‌اند.

البته احتمال دارد که تعدادی از این واحدها در پادگان‌ها نگهداری شده تا برای تعویض نوبه‌ای به کار برده شوند، ولی در گزارش لشکر به آنها اشاره نشده بود.

در بیست و هفتم مرداد ماه وضعیت منطقه مرزی آرام بود، ولی در جبهه داخلی در منطقه کامیاران یکان نظامی در محاصره آشوبگران قرار گرفت و نبرد سختی بین نیروهای مسلح دولت مرکزی و آشوبگران گرد رخ داد. از نیروهای خودی یک نفر شهید و دو نفر مجروح شدند، چهار دستگاه خودرو و یک دستگاه تانک هم آسیب دیدند و یک دستگاه خودرو نیز به دست مهاجمان افتاد. درگیری در بیست و هشتم مرداد ماه نیز ادامه یافت و تلفاتی به نیروهای دشمن وارد شد، ولی نیروهای خودی تلفاتی نداشتند و تا پایان مرداد ماه وضعیت منطقه مرزی آرام بود و حوادث مهمی رخ نداد.

یک نکته حایز اهمیت که قبلاً نیز به آن اشاره شد، عدم امکان تهیه یک طرح پدافندی مناسب با تهدیدها در تمام منطقه مزبور بود. باید یادآور شویم که اصولاً ارتش ایران در زمان رژیم سلطنتی نیز یک طرح دفاعی هماهنگ شده در مقابل تجاوز احتمالی عراق نداشت، زیرا عرض جبهه بیش از ۱۳۰۰ کیلومتری به نسبت چهار لشکر گسترش یافته در غرب - لشکرهای ۲۸، ۶۴، ۸۱ و ۹۲ - به قدری وسیع بود که تهیه یک طرح دفاعی هماهنگ امکان‌پذیر نبود و اگر هم تهیه می‌شد ارزش عملیاتی و اجرایی نداشت و فقط یک طرح کاغذی می‌توانست باشد. به همین علت نیروی زمینی در رژیم سلطنتی چنین طرحی تهیه نکرد و فقط به لشکرها ابلاغ کرد که متناسب با منطقه استحفاظی و مقدمات در دسترس برای مقابله با تهاجم ناگهانی و احتمالی ارتش عراق طرح‌هایی پیش‌بینی کنند. در مقدمات جنگ تحمیلی نیز عملاً همین وضع پیش آمد، اما این امر به آن معنی نبوده و نیست که اصولاً دفاع در مرزها امکان‌پذیر نیست بلکه کاملاً امکان‌پذیر است؛ زیرا ارتش عراق نیز با وجود برتری نسبی که داشت همان محدودیت‌های ارتش ایران را در همان جبهه وسیع داشت و آن ارتش هم مجبور بود در جبهه بیش از ۱۳۰۰ کیلومتری وارد عمل شود، بنابراین شرایط منطقه از لحاظ عرض جبهه برای طرفین یکسان بود. در چنین شرایطی باید تدبیر کل عملیات متناسب با شرایط عمومی منطقه عملیات و استعداد نیروهای خودی و دشمن اتخاذ شود و مأموریت‌ها با واقع‌بینی مقدمات، مشکلات و محدودیت‌ها تعیین شود و هدایت عملیات به نحوی اعمال شود که ابتکار از دست دشمن

گرفته شود که ما به دلایل امنیتی - ملی از بحث در این باره خودداری می‌کنیم. البته مهمترین عوامل در ناتوانی برای تهیه چنین طرحی بعد از انقلاب و تا شروع جنگ عبارتند از:

- ۱- فقدان مرکز واحد تصمیم‌گیری راهبرد دفاعی در جمهوری اسلامی ایران
- ۲- تشتت تصمیم‌گیری تاکتیکی به دلیل تنوع و ناهمگونی نیروها
- ۳- نقش عناصر غیرنظامی در تصمیمات
- ۴- ضعف و نقص فرماندهی تاکتیکی
- ۵- ضعف آموزش در ارتش و سپاه
- ۶- درگیری ارتش و سپاه با ضدانقلاب
- ۷- آسیب جدی در ساختار سازمانی ارتش
- ۸- کمبودهای آمادی

قبل از شرح حوادث شهریور ماه بیان این نکته ضروری است که از هجدهم فروردین ماه که روابط سیاسی ایران و عراق تیره شد و به برخوردهای نظامی انجامید، سپاه پاسداران، عناصر ژاندارمری و نیروی هوایی با عناصر نیروی زمینی در صحنه حضور داشتند و وظایف خود را بر اساس مأموریتی که به آنها محول شده بود، انجام می‌دادند. ولی نظر به اینکه از آغاز برخورد، نیروی زمینی به صورت نیروی اصلی رزمی در منطقه عملیات ایفای نقش می‌کرد و مسائل مهم نظامی از طریق واحدهای ارتش به‌ویژه نیروی زمینی و یکان‌های تابعه آن بررسی، برآورد، طرح‌ریزی و هدایت می‌شد و سوابق فعالیت‌ها در اسناد و مدارک نیروی زمینی و ستاد مشترک ثبت می‌شد. ما در تنظیم این تاریخ به ناچار از همان اسناد و مدارکی که در دسترس ما قرار گرفت، استفاده کردیم، چنانچه از عناصر دیگر رزمنده اعم از نیروی هوایی، سپاه پاسداران و ژاندارمری کمتر نام برده می‌شود، دلیل بر آن نیست که آنها نقشی در جنگ نداشتند، بلکه بر عکس نقش کاملاً مؤثر داشتند و مأموریت خود را در حد امکان و در کمال مطلوب انجام می‌دادند. چنان که افراد ژاندارمری تا آخرین لحظات که نبردها مربوط به برخوردهای مرزی بود، پاسگاه‌های خود را حفظ کردند و با دشمن جنگیدند و شهدایی تقدیم ملت ایران کردند و یکان‌های رزمی ژاندارمری در عملیات‌های بزرگ و افتخار آفرین نیز حضور داشتند. افراد سپاه پاسداران که داوطلبانه

و با عشق به ایثار و شهادت در راه میهن اسلامی و مکتب اسلام وارد صفوف مبارزان با دشمنان داخلی انقلاب و ارتش تجاوزگر بعثی عراق شدند و با روحیه جنگجویی فوق‌العاده در تمام صحنه عملیات داخلی و خارجی همگام با برادران نیروی زمینی و ژاندارمری شجاعانه با دشمنان ایران و اسلام جنگیدند و تعداد زیادی از آنان نیز شربت شهادت را نوشیدند. به عنوان مثال در اول شهریور ماه سپاه پاسداران همراه عناصر نیروی زمینی در تنگ‌ترشابه با مهاجمان و نیروهای عراقی درگیر شدند. در همان روز قرارگاه عملیات مشترک غرب گزارش داد که در عملیات روز بیست و یکم مرداد ماه که بین سپاه پاسداران و نیروهای ضدانقلاب در منطقه جواهرود رخ داد، هفت نفر از افراد سپاه پاسداران شهید، سه نفر مجروح و یک نفر به گروگان گرفته شد. نظیر این حادثه تقریباً در هر روز تکرار می‌شد. افراد سپاه پاسداران در تمام منطقه ناآرام غرب کشور حضور داشتند و با اراده قاطع با ضدانقلابیون حزب کومله و دمکرات کردستان می‌جنگیدند. و بعد هم در طول جنگ برگ‌های زرینی از رشادت، دلاوری و پیروزی را برای تاریخ انقلاب اسلامی ایران رقم زدند.

برخوردهای مرزی و داخلی در غرب در شهریور ۱۳۵۹

در اوایل شهریور ماه جبهه داخلی به ویژه کامیاران فعال شد. در نبردی که در اول شهریور ماه در این منطقه بین نیروهای نظامی و ضدانقلابیون رخ داد یک افسر، سه درجه‌دار و دو نفر سرباز شهید شدند و یک دستگاه تانک و یک دستگاه نفربر و یک دستگاه خودرو چرخدار منهدم شدند. در منطقه خانه‌شور نیز بین سپاه پاسداران و ضدانقلابیون درگیری شدیدی رخ داد که بر اثر آن یازده نفر پاسدار شهید شدند. یک نمونه بارز فعالیت سپاه پاسداران گزارشی است که به ستاد مشترک داده‌است. عین این گزارش ۱۵ صفحه‌ای در پایان این بخش ضمیمه شده‌است. لازم به یادآوری است که در پایان این گزارش پیشنهاداتی نیز برای انجام عملیات متقابل در مقابل عراق داده شده که از ذکر آنها صرف‌نظر شد.

پیش از این یادآوری شد که در روش اداره عملیات علیه ضدانقلابیون داخلی و تهاجمات نیروهای متجاوز عراقی بین سه عنصر اصلی رزمنده شامل نیروی زمینی، سپاه پاسداران و ژاندارمری ناهماهنگی‌هایی وجود داشت که غالباً سبب گله و شکایت از یکدیگر می‌شد. با شدت گرفتن تهاجمات نیروهای عراق

این ناهماهنگی‌ها اهمیت فوق‌العاده‌ای در سرنوشت عملیات پیدا کرد و چگونگی امر به عرض مقام رهبری، حضرت امام خمینی(ره) رسید. امام دستور دادند به وسیله مقامات مسئول بین نیروهای رزمنده هماهنگی به عمل آید و این مأموریت به اداره [سازمان] عقیدتی سیاسی ارتش محول شد. آن اداره در دوم شهریور ماه از فرماندهان نیروهای رزمنده دعوت کرد تا در گردهمایی که در چهارم شهریور ماه در آن اداره تشکیل می‌شود، شرکت کنند. متن دعوت‌نامه به شرح زیر بود:

«به فرمان رهبر کبیر انقلاب و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران امام خمینی(دامه‌ظله) برای تقویت هماهنگی هرچه بیشتر نیروهای مسلح و تعیین روابط میان سازمان‌ها، ارگان‌های نظامی، انتظامی و همکاری با دیگر نهادهای انقلابی و جلوگیری از دخالت‌های غیرمسئولانه در امور یکدیگر، حجت‌الاسلام و المسلمین آقای اشراقی مأموریت یافته‌اند تا در گردهمایی که به همین منظور از تاریخ سه‌شنبه ۱۳۵۹/۶/۴ ترتیب خواهد یافت، شرکت کنند. خواهشمند است دستور فرمایید ترتیبی اتخاذ شود که فرماندهی عملیات غرب و یک نماینده مطلع و تام‌الاختیار از هر یک از لشکرهای منطقه غرب - ارومیه، قزوین، کرمانشاه و سنندج - در این گردهمایی شرکت فرمایند.»

سرپرست اداره عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران، غلامرضا صفایی

در همین روز، دوم شهریور ماه، فرماندهی منطقه غرب نامه شدیدالحنی به فرمانده سپاه پاسداران منطقه غرب نوشته بود که به نحو مطلوب دلیل تشکیل گردهمایی یاد شده در بالا را توجیه می‌کند. متن آن نامه چنین است:

از: عملیات مشترک منطقه غرب ۳ شماره ۶۱۵

به: فرمانده سپاه پاسداران غرب تاریخ ۱۳۵۹ / ۶ / ۲

موضوع: تردد پاسداران در جاده‌های آلوده

تا کی ما باید شاهد خون‌ریزی عزیزان خود باشیم. چرا برادران پاسدار از آنچه که عملاً رخ می‌دهد و تکرار می‌شود تجربه نمی‌آموزند. هنگامی که مسیر جاده‌ای آلوده است، می‌باید پیش‌بینی‌های لازم و هماهنگی‌های ضروری انجام

گیرد. در حالی که عملاً این طور نبوده و برادران پاسدار ما دشمن را ضعیف و حقیر می‌شمردند و در نتیجه متحمل تلفات سنگین از بهترین عزیزان خود می‌شویم.

حال گردانندگان عملیات مشترک ارتش و سپاه موظفند که:

۱. مسئول یا مسئولان سهل‌انگاری حادثه جانگداز اخیر در منطقه جوانرود که منجر به شهادت هفت نفر از پاسداران عزیز شده است را معرفی کنند تا تسلیم عدالت شوند.

۲. به تمامی فرماندهان سپاه متذکر شوید که از این به بعد هنگام تردد در مسیرهای آلوده، اولاً از رفت و آمدهای انفرادی اجتناب کرده؛ ثانیاً در هنگام حرکت ستون در جاده‌های آلوده، ضمن رعایت موارد تأمینی ستون، هماهنگی‌های لازم را با پایگاه‌های مسیر نیز انجام دهند.

فرمانده عملیات مشترک منطقه غرب - سرهنگ صیاد شیرازی

در اوایل شهریور ماه فعالیت توپخانه ارتش عراق در مرز کرمانشاه و ایلام همچنان ادامه داشت و تلفات و خساراتی به بار می‌آورد. این امر سبب ناراحتی‌هایی در فرماندهان خودی شده بود، به نحوی که کم‌کم روح انتقام‌جویی تحریک می‌شد که نمونه آن را در پیام زیر می‌خوانیم. لشکر ۸۱ در ۴ شهریورماه به نیروی زمینی چنین گزارش داد:

«به پیشنهاد تیپ ۳ زرهی از ساعت ۰۴۰۰ روز ۱۳۵۹/۶/۵ عملیاتی با پنج دستگاه تانک و یک دستگاه نفربر حامل موشک تاو و یک دستگاه نفربر حامل موشک مالیوتکا به فرماندهی سرگرد اتحادیه، سرپرست تیپ ۳ در منطقه قصرشیرین، (پاسگاه برار عزیز) به منظور عکس‌العمل پاسگاه مجیدقادرآقای عراق و نیروهای مستقر در آن منطقه اجرا خواهد شد که دستور داده شد ابتدا به مدت ده دقیقه آتش تهیه اجرا و سپس تانک‌ها بدون اینکه از خط مرز بگذرند، با آتش پاسگاه مورد نظر را بکوبند.»

فرمانده لشکر ۸۱ سرهنگ ۲ ستاد زمان‌فر

یک اقدام حایز اهمیت که در سازمان فرماندهی یکان‌ها بعد از کودتای ۲۰ مرداد نوزده به عمل آمد، تغییرات کلی در سامانه فرماندهی بود که در آن اغلب افسران قدیمی‌تر تا درجه سرهنگی کنار گذاشته شدند و افسران جوان‌تر از درجات سرهنگ دوم و سرگرد به فرماندهی

واحدهای بزرگ مانند منطقه، لشکر و تیپ منصوب شدند. پیرو این اقدام سرهنگ دوم زمان فر به فرماندهی لشکر ۸۱ و سرگرد اتحادیه به فرماندهی تیپ ۳ منصوب شده بودند و سرهنگ صیاد شیرازی نیز با درجه سرهنگی موقت فرماندهی منطقه غرب را به عهده گرفته بود. در لشکرهای دیگر نیز به همین نحو عمل شده بود. با توجه به اینکه تهاجم عمومی عراق حدود دو ماه بعد از این تغییرات کلی در سازمان فرماندهی ارتش ایران صورت گرفت که هنوز افسران جوان کم تجربه که بعضی از آنها حتی فرماندهی گردان نیز نکرده بودند و بعضی مانند فرماندهان تیپ لشکر اهواز اصولاً افسر مخابرات بودند و کمترین دانش نظامی درباره واحدهای زرهی را نداشتند، با توجه به وقوع جنگ به بعد از ۲ ماه از این انتصاب این افسران جوان، فرصت کسب تجربه و همین طور رفع نواقص سازمانی را نیافتند و به این ترتیب تعدادی از این انتصابات در عدم کارآیی بعضی از واحدهای نیروی زمینی در آغاز جنگ آثار نامطلوبی داشت. و شاید همین انتصابات نشانگر آن است که قبل از تهاجم عمومی ارتش عراق، مقامات مسئول رده بالای سیاسی و نظامی ایران تهدید احتمالی عراق را خیلی جدی تلقی نمی کردند.

در اوایل شهریور ماه جبهه جنگ با عراق نسبتاً آرام بود. مبادله آتش و برخوردهای محلی در جبهه داخلی همچنان ادامه داشت و کامیاران مرکز مهم برخوردها در منطقه کرمانشاه بود، ولی در هفتم شهریور ماه نیروهای عراقی فعال تر شدند. شدت فعالیت در حوالی پاسگاه هدایت، خرناصرخان و شهر قصرشیرین بود. در قصرشیرین بر اثر تیراندازی توپخانه عراق، سی نفر مجروح شدند. در این روز هواپیماهای نیروی هوایی ایران برای پشتیبانی وارد عمل شدند، اما گزارش ها نشان می دهد که سامانه هدایت عملیات هوایی شامل ارتباط افسر ناظر مقدم، دسک و هواپیما و پایگاه چندان منظم نبود و غالباً هواپیماها به منطقه مورد درخواست می رفتند؛ ولی به دلیل عدم امکان برقراری ارتباط مطمئن بین رده های هدایت کننده هواپیما، مأموریت ها به نحو مطلوب انجام نمی گرفت و این نقص در بیشتر عملیات های پشتیبانی هوایی مشاهده می شد. به عنوان مثال نیروی زمینی در هشتم شهریور ماه طی نامه ای به ستاد مشترک اعلام کرد که در هفته گذشته چهار بار بی سیم افسر ناظر مقدم در پاوه تعویض شد، ولی هنوز ارتباط برقرار نشده و مرتب ارتباط با سردشت و بانه قطع می شود. علت بررسی و معلوم شد تعمیرکاران اعزامی از تخصص کافی برخوردار نیستند.

در این روزها که تا آغاز جنگ حدود بیست روز باقی مانده بود، فعالیت ضدانقلابیون داخلی شدیدتر شد، شایعه پراکنی درباره تقویت عناصر ضدانقلاب نیز تشدید شد و خبر از تمرکز نیروهای چندصد نفری ضدانقلابیون که به وسیله دولت عراق پشتیبانی می‌شدند، به مقامات مسئول منطقه عملیات می‌رسید. این گزارش‌ها سبب درگیر کردن بیش از پیش فرماندهان نظامی و سپاه پاسداران با مسئله داخلی می‌شد و به احتمال زیاد اقداماتی بود که به وسیله ارتش عراق طرح‌ریزی و هدایت می‌گردید تا هرچه بیشتر مقامات مسئول و نیروهای مسلح ایران را درگیر مسائل داخلی سازند که تا حدودی هم موفق بودند؛ چنان‌که به‌عنوان نمونه نیروی هوایی برای روز نهم شهریور ماه تعداد پانزده نوبت (سورتی) پرواز (اف-۵) و یک نوبت (اف-۴) پیش‌بینی کرده بود. گرچه بیشتر این پروازها جنبه تمرینی و آموزشی داشت، ولی نوعی آمادگی نیز محسوب می‌شد. در همین حال هواپیماهای عراقی نیز فعال بودند و بدون برخورد با مقاومت قابل ملاحظه پدافند هوایی ایران در حوالی مرز مأموریت‌های گشت‌زنی و شناسایی انجام می‌دادند. در هشتم شهریور ماه ستاد مشترک در این باره به نیروی هوایی تذکر داد، جلوی این یکه‌تازی‌های نیروی هوایی عراق را سد کند و به عناصر رزمنده زمینی نیز ابلاغ کرد، در صورت تجاوز هواپیماهای عراقی به خاک ایران با هر اسلحه‌ای که در اختیار دارند هواپیماهای دشمن را مورد هدف قرار دهند. یک نکته مهم درباره محل انتخاب مواضع وجود داشت و آن عبارت بود از اینکه فرماندهان و رزمندگان در انتخاب مواضع و سنگرها از همان آغاز برخوردها توجه لازم را به محل مناسب که دارای میدان دید و تیر و اختفا و پوشش باشد و بتواند آتش مؤثر بر روی مواضع دشمن اجرا کند، نمی‌کردند. نمونه این وضع را در نامه شرکت نفت مربوط به مواضع عناصر رزمنده در نفت‌شهر می‌توان مشاهده کرد. برابر این نامه عناصر رزمنده در داخل شهر و تأسیسات نفتی مستقر شده بودند و نظر به اینکه مواضع آنها به وسیله نیروهای عراقی شناخته شده بود، مداوم همان مواضع را زیر آتش شدید توپخانه قرار می‌دادند و به این وسیله سبب بروز خساراتی به تأسیسات نفتی می‌شدند. ضمن اینکه نیروهای رزمنده خودی نمی‌توانستند از داخل تأسیسات تیراندازی مفید و مؤثر بر روی مواضع دشمن اجرا کنند و چنانچه نیروهای ایرانی دور از تأسیسات نفتی موضع می‌گرفتند، قطعاً نیروهای عراقی برای جلوگیری از عمل متقابل نیروهای ایران در نفت‌خانه عراق از اجرای تیراندازی به نفت‌شهر و انهدام تأسیسات آن

خودداری می‌کردند. به هر حال این وضع سبب شد که شرکت نفت از نیروی زمینی بخواهد واحدهای نظامی را از نفت‌شهر و اطراف آن دور سازد و به نظر می‌رسد که یک درخواست منطقی بود.

در دهم شهریور ماه توپخانه عراق به شهر قصرشیرین تیراندازی کرد و سبب شهید شدن سه نفر و مجروح شدن ۲۲ نفر از اهالی شد. توپخانه ایران با اقدام متقابل پاسگاه علی‌میر عراق را گلوله‌باران کرد، در ضمن لشکر کرمانشاه از نیروی زمینی درخواست کرد، اجازه داده شود به عنوان عمل متقابل شهر خانقین عراق که در تیررس توپخانه ایران بود، گلوله‌باران شود. این موضوع نشان می‌دهد که تا دهم شهریور ماه دولت و ارتش ایران درباره تیراندازی به شهرها خویشتن‌داری کرده و مردم بی‌گناه را به عنوان انتقام‌جویی از عمل متقابل دولت عراق به گلوله نیستند، اما نیروی زمینی به لشکر ۸۱ اجازه داد از آن به بعد در صورت گلوله‌باران شهرهای مرزی ایران به وسیله عراق عمل متقابل در نقاط مسکونی عراق انجام شود. آخرین گزارش وضعیت عملیات روز دهم شهریور ماه در منطقه قصرشیرین حاکی از این است که در آن روز در حوالی قلعه سفید بین نیروهای ایرانی و عراقی نبرد شدیدی رخ داد و یک افسر و یک درجه‌دار ژاندارمری شهید شدند. در اثر تیراندازی توپخانه عراق به قصرشیرین یک درجه‌دار ژاندارمری شهید شد و ۴۲ نفر غیرنظامی و ۲ نفر نظامی و خبرنگار رادیوتلوویزیون مجروح شدند و به تأسیسات و ساختمان‌های آموزش و پرورش، مخابرات، کتابخانه، رادیوتلوویزیون و چند دستگاه منزل مسکونی و محل کسب خساراتی وارد شد.

فعالیت نیروی هوایی از آغاز دهه دوم شهریور ماه شدیدتر شد. برای روز پانزدهم شهریور ماه تعداد پانزده نوبت پرواز هواپیماهای (اف-۵) و (اف-۴) پیش‌بینی شد و این تعداد پرواز نشانه‌ای از تشدید فعالیت نیروی هوایی بود، گرچه معمولاً هواپیماهای هر دو طرف تلاش می‌کردند از ورود به حریم فضایی کشور دیگر خودداری کنند، ولی به هر حال در بعضی موارد اشتباهی یا عمدی تجاوزی صورت می‌گرفت، اما بمباران هوایی تا این زمان به وسیله هیچ‌یک از طرفین انجام نگرفته بود و مأموریت هواپیماها اغلب برای فراری دادن هواپیمای طرف مقابل بود.

از روز سیزدهم شهریور ماه نبردهای مرزی به‌طور جدی آغاز شد و در منطقه مهران و قصرشیرین زد و خوردهای شدیدی بین نیروهای ایرانی و عراقی به وقوع پیوست،

به طوری که فرماندهی منطقه غرب گزارش داد عملیات در منطقه مهران از ساعت ۹ صبح سیزدهم شهریور با شلیک توپخانه عراق آغاز شد که تا ساعت ۲۰۳۰ ادامه داشت و از اهالی منطقه مهران پنج نفر شهید و شش نفر مجروح شدند و شهر زرباطیه عراق متقابلاً زیر آتش توپخانه ایران قرار گرفت. ضمن اینکه مواضع نیروهای عراقی در ارتفاعات غربی رودخانه کنجان چم به شدت گلوله باران شد. واحدهای زرهی عراق برای تجاوز به ایران به حرکت درآمدند، ولی در مقابل دفاع رزمندگان ما مجبور به توقف و بعد عقب‌نشینی شدند. در این عملیات نیروی هوایی ایران نیز وارد عمل شد و دو فروند هواپیما از پایگاه چهارم شکاری دزفول برای پشتیبانی اعزام شدند.

اما در منطقه قصرشیرین نیروهای عراقی از ساعت ۲۲۰۰ دوازدهم شهریور ماه پاسگاه‌های مرزی ایران را زیر آتش گرفتند و تپه‌های مشرف به شهر نیز در منطقه آتش دشمن واقع شد. لشکر ۸۱ در ساعت ۰۷۳۰ سیزدهم شهریور ماه گزارش داد، نیروهای عراقی شهر قصرشیرین را زیر آتش گرفته‌اند که تا آن ساعت از غیرنظامیان محلی یک نفر شهید و ۲۵ نفر مجروح شده‌اند. در تیله کوه و باووسی یک درجه‌دار ارتش شهید شد. پاسگاه‌های خسروی و پرویز به شدت آسیب دیدند و نیروهای ایرانی نیز متقابلاً از ساعت ۰۵۰۰ شهر خانقین را می‌کوبیدند. ژاندارمری کشور نیز اعلام کرد از ساعت ۰۶۳۰ روز سیزدهم شهریور ماه نیروهای عراقی پاسگاه‌های گروهان صالح‌آباد را زیر آتش گرفته‌اند و نیروهای ایرانی متقابلاً تیراندازی می‌کنند و یک پاسگاه عراقی را منهدم کرده‌اند. گزارش دیگر ژاندارمری حاکی از این بود که ارتش عراق در تمام منطقه مرزی کرمانشاه و ایلام اقدامات تهاجمی شدیدی را آغاز کرده است. منطقه گسترش گروهان ژاندارمری سومار و خان‌لیلی مورد تهدید قرار گرفته و نیروی تقویتی کافی از نیروی زمینی در این مناطق وجود ندارد. شدت عملیات روز سیزدهم شهریور ماه به قدری بود که نیروی زمینی به لشکر ۸۱ و یکان‌های دیگر مستقر در منطقه کرمانشاه آماده‌باش کامل اعلام کرد که ضمن آن ابلاغ نمود در مقابل هر عمل تهاجمی نیروهای عراق عکس‌العمل شدید نشان داده شود و هدف‌های نظامی و غیرنظامی به صورت عمل متقابل زیر آتش شدید توپخانه قرار داده شوند تا آتش دشمن خاموش شود. نتیجه عملیات را لشکر ۸۱ چنین گزارش داد:

۱. یکان مستقر در حوالی چم امام حسن در ساعت ۰۹۰۰ سیزدهم شهریور ماه هدف‌های مربوطه را در خاک عراق منهدم و نیروهای دشمن را وادار به ترک مواضع و عقب‌نشینی کردند.

۲. پاسگاه‌های چقاشیره، سلمان کشته، سه‌تپان و سانواپا به شدت زیر آتش دشمن قرار گرفت. نیروهای زرهی عراق در مقابل پاسگاه‌های بازرگان و کانی‌شیخ آماده حمله شدند.

۳. در منطقه قصرشیرین و باویسی نبرد با آتش اجرا شد و خساراتی به پاسگاه‌های عراقی وارد شد و در حوالی نفت‌شهر برای جلوگیری از اقدام متقابل عراق از تیراندازی خودداری شد، اما در پاسگاه‌های دیگر نفت‌شهر نبرد به شدت ادامه یافت.

۴. با توپخانه ۱۷۵م منطقه خانقین زیر آتش قرار گرفت.

تهاجم نیروهای عراقی در منطقه مهران که از سیزدهم شهریور ماه آغاز شده بود در چهاردهم شهریور ادامه یافت. افسر رابط هوایی اعزامی به منطقه، حرکت تانک‌های عراقی را به سمت مرز مشاهده و گزارش داد و درخواست پشتیبانی هوایی کرد. حدود ساعت ۹ صبح درگیری شروع شد، و حرکات نیروهای عراقی متوقف گردید. در جبهه داخلی، منطقه کامیاران و سردشت ناآرام بود. آشوبگران به نیروهای مستقر در گازرسانی شبانه حمله کردند و یک نفر را شهید و سه نفر را مجروح نمودند. در منطقه سردشت از پشتیبانی هوایی استفاده شد و مواضع آشوبگران با تیر و راکت درهم کوبیده شد. در پانزدهم شهریور ماه فرماندهی منطقه غرب درخواست کرد برای منهدم کردن پناهگاه‌های آشوبگران و ضدانقلابیون منطقه غرب از بمب ناپالم استفاده شود. این درخواست به نظر فرمانده کل قوا رسید، ولی مورد تصویب قرار نگرفت و ستاد مشترک ابلاغ کرد از انواع مهمات معمولی برای نابودی مواضع آشوبگران استفاده شود. اما فرمانده غرب درباره درخواست خود اصرار داشت و مستقیماً به ستاد مشترک، دفتر رئیس‌جمهور و دفتر امام تلگراف زد و اظهار کرد که ستون نظامی که به طرف سردشت در حرکت است، مورد هجوم قرار گرفته تا کنون شصت نفر شهید و مجروح شده‌اند و یک فروند بالگرد کبرا سقوط کرده است و تأکید کرد با بمب ناپالم مواضع مهاجمان در جنگل‌های اطراف جاده به آتش کشیده شود. پایان این نامه بسیار تند بود و فرمانده منطقه غرب از خود سلب مسئولیت کرده و بروز هرگونه حوادث ناگوار را به عهده فرمانده بالاتر قرار داده بود. سرانجام با درخواست فرماندهی منطقه غرب موافقت شد.

البته تأکید شد که ابتدا از تمامی امکانات دیگر استفاده شود، چنانچه مؤثر نیفتاد از آخرین امکانات برای سرکوبی شورشیان و نجات محاصره شدگان بهره‌برداری شود. لازم به ذکر است در نهایت مأموریت ستون و شکستن حلقه محاصره بدون بمباران درخواستی انجام شد. تهدید نیروهای منظم عراق روز به روز شدت می‌یافت. در پانزدهم شهریور ماه منطقه مهران به طور جدی مورد تهدید قرار گرفت. از نیروی هوایی برای زمین‌گیر کردن نیروهای عراقی استفاده شد. منطقه گسترش گروهان ژاندارمری صالح‌آباد و سومار زیر آتش شدید دشمن واقع شد. نظر به اینکه در منطقه نوسود توپخانه پشتیبانی وجود نداشت و لشکر ۸۱ نیز تمام توپخانه‌های سازمانی و زیر امر خود را گسترش داده بود، الزاماً دو قبضه توپ ۱۵۵م خودکشی از منطقه صالح‌آباد برداشته شد و در پشتیبانی منطقه سومار قرار داده شد. این مسائل نشان می‌دهد که قبل از آغاز جنگ محدودیت‌های رزمی ایران در چه شرایطی بوده است. یک لشکر زرهی که یک گروه توپخانه نیز در تقویت داشته برای تأمین آتش پشتیبانی منطقه‌ای توانسته فقط دو قبضه توپ از یک موضع کم کند تا به موضع دیگر در مسافت قریب چهل کیلومتر دورتر از موضع اول مستقر سازد. در منطقه قصرشیرین شدت عملیات در حوالی پاسگاه اشک‌ریز بود و مبادله آتش جریان داشت.

از روز شانزدهم شهریور ماه نبرد در منطقه مرزی کرمانشاه و ایلام کم‌کم از حالت نبرد پراکنده و مبادله آتش فراتر رفت و به تهاجم عناصر پیاده و زرهی دشمن به پاسگاه‌های مرزی تبدیل شد. اولین آثار این تهاجم در منطقه خان‌لیلی (زینل‌کش) مشاهده شد. لازم به یادآوری است که یکی از نقاط مورد ادعای ارضی عراق همین منطقه زینل‌کش (زین‌القوس) بود و صدام حسین در آغاز تهاجم اقرار کرد که این منطقه را ارتش عراق اشغال کرده است. عناصر گروهان ژاندارمری مستقر در پاسگاه‌های این منطقه با توجه به امکانات ناچیز خود نتوانستند در مقابل حمله همه‌جانبه نیروهای عراقی مقاومت کنند و منطقه را ترک و عقب‌نشینی کردند. نیروهای عراقی موفق شدند اولین پیروزی را در این منطقه به دست آورند و منطقه زینل‌کش را اشغال کنند و اولین بخش از خاک ایران به تصرف نیروهای عراقی درآمد. نیروهای کمکی که برای منطقه خان‌لیلی اعزام شد، زیر آتش هوایی عراق قرار گرفت و یک خودروی تانک‌بر در منطقه بین نصرآباد و تنگاب‌کهنه به وسیلهٔ بالگرد عراقی مورد هدف قرار گرفت و منهدم شد. در ضمن سه نفر شهید و پنج نفر زخمی شدند. یک واحد سبک

عراقی حدود پنجاه نفر به صورت هلی‌برن در حوالی خرناصرخان و ایستگاه تلویزیون پیاده شدند. احتمالاً هدف آنان اشغال ساختمان تلویزیون بود. آماده‌باش کامل به تمامی عناصر نیروهای مسلح منطقه کرمانشاه داده شد. به مردم غیرنظامی منطقه اعلام گردید تا برای شرایط جنگی آماده باشند و به پناهگاه‌ها بروند. واحدها، مواضع و سنگرهای خط مقدم را اشغال کردند و به عناصر باقیمانده در پادگان‌ها دستور داده شد، آماده حرکت به منطقه عملیاتی باشند. سپاه پاسداران گزارش داد بالگردهای عراقی به پایگاه نصرآباد قصرشیرین حمله کردند. در این حمله سه نفر شهید و عده‌ای زخمی شدند. نیروی زمینی به لشکر ۸۱ زرهی دستور داد وضعیت منطقه خان‌لیلی را بررسی کند و چنانچه اشغال این منطقه به وسیله نیروهای عراقی صحت داشته باشد، به عنوان عمل متقابل در محور خانقین حمله کند، پاسگاه‌های مرزی عراق را اشغال و خلع سلاح کند و به مواضع اولیه در خاک ایران مراجعت کند. ستاد مشترک با این نظر نیرو مخالفت کرد و اعلام نمود با حمله به خانقین و تصرف پاسگاه‌ها هماهنگی ندارد، اما با حمله به سمت خسروی - خانقین و تصرف پاسگاه‌ها و نگهداری آنها تا روشن شدن وضعیت پاسگاه‌های خان‌لیلی و امینه و تنگاب موافقت دارد.

در همین روز که نبردهای مرزی به صورت جدی و تهاجمی آغاز شد، فرمانده لشکر ۸۱ زرهی وضعیت استعداد و گسترش لشکر را در یک گزارش نسبتاً طولانی به نیروی زمینی داد که حاکی از عدم توازن نیروهای ایرانی در مقابل عراق بود. خلاصه آن گزارش چنین است:

۱. تیپ‌های تابعه لشکر با استعداد پنجاه درصدی که دارند در تمام منطقه مرزی و منطقه داخلی گسترش یافته‌اند و حتی تیپ ۲ که به عنوان احتیاط نگهداری می‌شد، برای عملیات ضد چریکی در منطقه اورامانات وارد عمل شده است.

۲. استقرار به نحوی است که لشکر تمام استعداد خود را درگیر کرده و قادر به تعویض

دوره‌ای نخواهد بود.

۳. استفاده از تانک در عملیات ضدچریکی سبب استهلاک فوق‌العاده تانک‌ها و نفربرها شده است، ضمن اینکه کارایی واحدهای رزمی به حداقل کاهش یافته است.

۴. تمام واحدهای لشکر درگیر شده‌اند. چنانچه نیاز به عملیات تمرکزی پیش آید، لشکر قادر به متمرکز کردن واحد قابل ملاحظه‌ای نخواهد بود.

۵. این لشکر از شهریور ماه سال ۱۳۵۸ به ویژه از زمستان گذشته درگیر عملیات شده و وسایل و نیروهای آن فرسوده شده‌اند.

۶. گسترش واحدهای عمده دشمن در حوالی مرز نشان می‌دهد که در آینده نزدیک ارتش عراق در منطقه قصرشیرین، ایلام و مهران اقدام به تهاجم عمومی خواهد کرد و با تقویت ضدانقلاب داخلی منطقه پاتلاق را تصرف خواهد نمود.

۷. مقدمات لشکر در حال حاضر با توجه به تجزیه در تمام طول مرز در حدی نیست که بتواند در مقابل حمله عمومی ارتش عراق از تمام مواضع مرزی دفاع کند و ممکن است فاجعه جبران‌ناپذیری برای مملکت به وجود آید.

۸. فرمانده لشکر ۸۱ پیشنهاد کرد، یک لشکر پیاده دیگر و تعدادی یکان توپخانه به منطقه عملیاتی کرمانشاه اعزام شود و مأموریت واحدهای لشکر ۸۱ زرهی را به عهده بگیرد و لشکر ۸۱ زرهی به صورت یک نیروی ضربت در منطقه متمرکز شود تا بتواند قدرت کافی برای عکس‌العمل در مقابل حمله عمومی نیروهای عراق را داشته باشد.

حملات هوایی عراق در روز شانزدهم شهریور ماه گسترش بیشتری یافت. بالگردهای عراقی در آسمان ایران به پرواز در آمدند و مناطقی را شناسایی و بعد همان مناطق را گلوله‌باران کردند. در این عملیات یک فروند بالگرد عراقی بر اثر آتش پدافندی نیروهای ایرانی سرنگون شد. منطقه گلوله‌باران شده در منطقه نصرآباد نفت‌شهر بود. در منطقه مهران نیز تهاجم عمومی آغاز شد و آتش سنگین توپخانه عراق به مواضع نیروهای ایرانی روانه شد. در نفت‌شهر و گرده‌نو نیروهای عراقی درگیر شدند و به‌طور کلی تمام پاسگاه‌های مرزی کرمانشاه در مقابل تهاجم نیروهای عراقی قرار گرفت. شبکه برق قصرشیرین آسیب دید و جریان برق قطع شد و به بیمارستان‌ها و دستگاه‌های مخابراتی آسیب وارد شد. اطلاع رسید یک لشکر زرهی عراق از سمت خانقین به طرف بانمیل حرکت کرده است. در این وضعیت که حمله عمومی ارتش عراق قطعی به نظر می‌رسید، فرماندهی منطقه غرب از عدم کارآیی پشتیبانی هوایی ایران گزارشی به نیروی زمینی داد که حاکی از این بود که بعد از اینکه هواپیماهای عراقی وارد قلمرو فضایی ایران می‌شوند و مأموریت خود را انجام می‌دهند و مراجعت می‌کنند، تازه هواپیماهای ایرانی به منطقه اعزام می‌شوند. صحت این گزارش در سی و یکم شهریور ماه به اثبات رسید. هواپیماهای عراقی تا تهران آمدند و تهران را بمباران کردند و رفتند

و نیروی هوایی ایران نتوانست اقدامی درباره این تجاوز چندصد کیلومتری به عمل آورد، اما دلیل این عدم کارایی را در مطالب گذشته بیان کرده‌ایم و از تکرار مطالب خودداری می‌کنیم. در هفدهم شهریور ماه ستاد عملیاتی غرب گزارش داد که شب قبل یگان‌هایی برای تقویت پاسگاه تنگاب اعزام کرده، ولی پاسگاه‌های خورشیدبیک، زینل‌کش، خان‌لیلی و رضآباد که به‌وسیله ژاندارمری نگهداری می‌شد به تصرف نیروهای عراقی در آمده‌اند و افراد ژاندارمری پاسگاه‌های یاد شده را ترک کرده و اکثر آنها توسط سپاه پاسداران دستگیر و بازداشت شده‌اند. سایر پاسگاه‌های مرزی نیز به سختی درگیر بوده‌اند، ولی فعلاً آرامش نسبی برقرار شده است. تا کنون از افراد خودی پنج نفر شهید و دو نفر زخمی شده‌اند. با توجه به همین گزارش که خطر عراق قطعی شده بود، متأسفانه در منطقه داخلی آرامش قابل ملاحظه‌ای به چشم نمی‌خورد. فرمانده لشکر ۸۱ اطلاع داد همه اقدامات مین‌گذاری در جاده‌های منطقه به‌وسیله بعضی از اهالی محلی خودفروخته به دشمن انجام می‌گیرد و پیشنهاد کرد سکنه آبادی‌های نزدیک به مرز به منطقه داخل تخلیه شوند. البته طبق اطلاعاتی که قبلاً به ایران رسیده بود دولت عراق همین کار را کرده بود و نزدیکی مرز را از اهالی محلی خالی کرده بود. به دلیل شدت عملیات، نیروی هوایی ایران برای هفدهم شهریور ماه، هفت فروند هواپیمای جنگی برای پشتیبانی منطقه غرب منظور کرده بود. در این روز ژاندارمری کشور رسماً سقوط پاسگاه‌های خان‌لیلی و تنگاب‌کهنه را به دست نیروهای عراقی گزارش داد و اعلام کرد «نیروهای عراقی این منطقه را اشغال کرده‌اند و بالگردهای عراقی آزادانه بر فراز منطقه زینل‌کش پرواز می‌کنند» و بدین طریق اولین موفقیت برای ارتش عراق و شکست نیروهای ایرانی مورد تأیید قرار گرفت. تصرف مواضع خان‌لیلی برای نیروهای عراق امتیاز بزرگ نظامی در این منطقه بود. آنها موفق شدند ارتفاعات سرکوب به محور قصرشیرین - نفت‌شهر را در اختیار بگیرند و حرکت نیروهای ایرانی را در محور قصرشیرین - ایلام مختل سازند. چنان‌که در همین روز یک ستون زرهی ایران که برای عقب راندن نیروهای عراقی از ارتفاعات زینل‌کش در حرکت بود، در خطر آتش مستقیم تانک‌های عراقی قرار گرفت و نیروی زمینی به لشکر ۸۱ هشدار داد از به خطر افتادن این واحد جلوگیری شود. مواضع دشمن در منطقه زینل‌کش به‌وسیله هواپیماهای ایران بمباران شود و با اقدامات امنیتی یگان اعزامی پیشروی کند. در اجرای این امر دو فروند هواپیمای ایران آن منطقه را

بمباران کرد. نبرد برای بازپس گرفتن پاسگاه‌های تنگاب کهنه، زینل کش و خان لیلی بین نیروهای ایرانی و عراقی آغاز شد. هواپیماهای عراقی نیز وارد نبرد شدند و مواضع نیروهای ایرانی را زیر آتش گرفتند، در حالی که هواپیماهای ایرانی به دلیل نقص سامانه هدایت هواپیما به وسیله ناظر مقدم نتوانستند پشتیبانی مؤثری از نیروی زمینی انجام دهند. در این عملیات یک فروند هواپیما (اف-۴) در منطقه نفت شهر دچار سانحه هوایی شد، خلبانان با چتر نجات بیرون پریدند و هواپیما سقوط کرد.

در ساعت ۰۹۰۰ فرمانده منطقه غرب آخرین وضعیت را چنین گزارش داد: دو دستگاه تانک و یک دستگاه نفربر زرهی به وسیله موشک ضدتانک و تانک‌های عراقی منهدم شده و دو نفر شهید و هفده نفر مجروح شده‌اند. خلبان هواپیماهای اف-۴ نجات یافته، ولی کمک خلبان آن شهید شده است. پاسگاه‌های زینل کش، خسروآباد، آمینه و رضاآباد به تصرف دشمن درآمده و خان لیلی و تنگاب در عملیات امروز بازپس گرفته شدند. دو دستگاه توپ ۱۷۵م در اثر تیراندازی زیاد از کار افتاده و به نیروهای دشمن نیز تلفاتی وارد شده است. لشکر ۸۱ نیز گزارش داد که پاسگاه‌های ژاندارمری خورشیدبیک، خان لیلی، زینل کش و رضاآباد در شانزدهم شهریور ماه تخلیه شدند و از نیروی زمینی درخواست کرد یک تیپ پیاده به منظور پرکردن منطقه خالی شده در اختیار لشکر قرار بگیرد. نیروی زمینی اطلاع داد که یک گردان پیاده، هجدهم شهریور ماه به وسیله هواپیما از تهران به کرمانشاه ترابری خواهد شد. ستاد مشترک به نیروی زمینی اعلام کرد حمله عمومی ارتش عراق از ساعت ۰۴۰۰ روز هفدهم شهریور ماه برای اشغال تمام منطقه خان لیلی اجرا خواهد شد و نظر داد پیش‌بینی‌های لازم برای عملیات متقابل انجام شود.

لشکر ۸۱ در گزارش نوبه‌ای شماره ۱۶۳ وضعیت منطقه را از ساعت ۰۸۰۰ شانزدهم

شهریور ماه تا ساعت ۰۸۰۰ روز هفدهم شهریور ماه به این شرح اعلام کرد:

۱. در منطقه پاره درگیری شدیدی با مهاجمان و آشوبگران رخ داد.

۲. یک دستگاه خودرو حامل افراد گردان ۳۸۶ توپخانه اعزامی از مراغه در جاده قصرشیرین مورد

حمله بالگرد عراقی قرار گرفت و نوزده نفر زخمی و سه نفر شهید شدند.

۳. در ساعت ۱۶۰۰ شانزدهم شهریور ماه با دو فروند بالگرد کبرا پاسگاه‌های عراقی

مقابل باویسی و تپله کوه گلوله باران شدند.

۴. پاسگاه المود عراق به وسیله آتش نیروهای خودی منهدم شد.

تجاوزات مرزی ارتش عراق در جبهه جنوب / ۲۰۳

۵. در ساعت ۱۹۰۰ سه فروند بالگرد کبرا و یک فروند جت رنجر برای شناسایی منطقه خان لیلی و تنگاب اعزام شد و حضور نیروهای دشمن در آن منطقه مورد تأیید قرار گرفت.

۶. برای تقویت مواضع منطقه کله‌چوب سومار یک گروه رزمی از تیپ ۱ زرهی اسلام‌آباد اعزام شد.

۷. برای تقویت منطقه خان لیلی یک واحد تانک، یک آتشبار توپخانه و یک واحد پیاده از تیپ ۳ زرهی سرپل‌ذهاب اعزام شد.

۸. سه فروند هواپیمای عراقی به خاک ایران تجاوز کرده و دیوار صوتی را شکستند.

۹. در گذشته‌ها نیروهای عراقی به سمت مواضع ایرانی پیشروی کردند. نبرد سختی در گرفت و نیروهای عراقی به مواضع خود عقب‌نشینی کردند. در این نبرد یک نفر شهید شد.

۱۰. ساعت ۰۵۰۰ روز هفدهم شهریور ماه یک گروه رزمی از تیپ اسلام‌آباد به منطقه کاسه‌گران اعزام شد تا پیشروی احتمالی را سد کند.

۱۱. در منطقه نفت‌شهر نیروهای عراقی به سمت مواضع ایرانی‌ها پیشروی کردند، ولی با عکس‌العمل نیروهای ایرانی مواجه شدند و حمله دشمن دفع شد.

۱۲. از ساعت ۰۳۰۰ روز هفدهم شهریور ماه آرامش نسبی در منطقه گسترش تیپ ۳۱ برقرار شد.

فرمانده لشکر ۸۱ سرهنگ زمان‌فر

پیرو این حوادث از ایلام خبر رسید که پادگان صالح‌آباد مورد اصابت گلوله توپخانه دشمن قرار گرفته و دو نفر افسر به شدت مجروح شده‌اند. از منطقه دهلران خبر رسید نیروهای عراقی در منطقه چیلات متمرکز شده‌اند و آماده حمله هستند و در منطقه صالح‌آباد نیز پاسگاه‌های تلخاب و بازرگان مورد تهدید قرار گرفتند و درخواست یک دسته تانک و دو عراده توپ برای تقویت آنها شد. نبرد در منطقه تنگاب و خان لیلی به شدت جریان یافت. ژاندارمری قصرشیرین گزارش داد پاسگاه‌های تنگاب‌نو، خسروی، ولدکشته و قلعه‌سفید در زیر آتش شدید دشمن قرار گرفته است. نیروهای دشمن از طرف خان لیلی به سمت پاسگاه تنگاب پیشروی کردند و به مسافت دو کیلومتری مواضع توپخانه ایران رسیدند. فرمانده ستون اعزامی از تیپ ۳ زرهی (سروان مجاهدی) گزارش داد نیروی هوایی

دشمن عملیات زمینی را پشتیبانی می‌کند و اطلاع داد تا لحظه گزارش هفت دستگاه تانک از دوازده دستگاه تانک گروهان اعزامی از کار افتاده، چهار نفر شهید و پانزده نفر مجروح شده‌اند.

نیروی هوایی ایران در روز هفدهم شهریور ماه شش فروند هواپیمای (اف-۴) و (اف-۵) برای پشتیبانی منطقه غرب اعزام کرد و از عنصر زمینی نیروهای ایران پشتیبانی کرد. بالگردهای یکان هوانیروز در حد امکانات فعالیت کردند. یک فروند بالگرد ۲۱۴ مأمور به تیپ ۳ زرهی هنگام اجرای مأموریت به کابل برق برخورد و سقوط کرد و خدمه آن شهید شدند. یک خبر تأیید نشده نیز حاکی بود که یک فروند هواپیمای خودی در ساعت ۱۳۲۰ بین پاسگاه خسروی و دربندجوق سقوط کرد. سرانجام لشکر ۸۱ زرهی آخرین وضعیت عملیات روز هفدهم را چنین گزارش داد: یک گروه رزمی از تیپ ۱ زرهی در ساعت ۱۲۰۰ در حوالی کله‌چوب، یک گروه رزمی در ارتفاعات کاسه‌گران گیلان غرب مستقر و یک گروه رزمی از عناصر تیپ ۲ زرهی با تعدادی پاسدار در گردنه پاطاق مستقر شد. در هجدهم شهریور ماه نبردهای مرزی همچنان ادامه یافت و به مناطق دیگر نیز کشیده شد. واحد مستقر در منطقه مرزی دهلران گزارش داد نیروهای عراقی در مقابل معبر چیلان آماده حمله می‌شوند. تیپ ۱ زرهی لشکر ۸۱ گزارش داد مدافعان ایرانی پاسگاه‌های مرزی قلعه‌جوق، اسماعیل‌خان و قلعه میرخانی را در منطقه سومار تخلیه کرده‌اند. ژاندارمری گزارش داد نیروهای عراقی در مقابل پاسگاه‌های انجیره و نی‌خضر واقع در منطقه صالح‌آباد، آماده حمله می‌شوند. هواپیماهای شناسایی ایران وجود یک واحد زرهی در غرب منطقه قصرشیرین را شناسایی کرده و طبق گزارش خلبان، ۵۲ راکت به مواضع نیروهای عراقی پرتاب و خساراتی به آنان وارد شد.

پاسگاه تنگابنو گزارش داد، نیروهای عراقی به سمت آن پاسگاه و پاسگاه‌های خسروی و ولدکشته در حال پیشروی هستند. سپاه پاسداران اعلام کرد به دلیل شدت نبرد، جریان آب شهر قصرشیرین قطع شده و کمبود آب در بیمارستان مشهود است. در عملیات توپخانه عراق در روز هفدهم شهریور تعدادی از مغازه‌های شهر ویران و عده‌ای هم مجروح شده‌اند. فعالیت توپخانه ایران برای عمل متقابل کافی نبود. در این بحران نبرد شرکت ملی نفت ایران اعلام کرد که فعالیت حوزه نفتی شهر را آغاز خواهد کرد و از ارتش برای امکان

این فعالیت نظرخواهی کرد. ژاندارمری کشور عقب‌نشینی گروهان ژاندارمری خان‌لیلی را تأیید کرد و اطلاع داد هفتاد نفر از نیروهای این گروهان خود را به یگان‌های عملیاتی معرفی کرده و از بقیه افراد خبری نیست. فرماندهی غرب نیز گزارش داد؛ نبرد در تنگاب‌کهنه و تنگاب‌نو برای بازپس گرفتن تنگاب‌کهنه، خان‌لیلی و زینل‌کش، در زمین و هوا به شدت ادامه دارد. یک فروند بالگرد ۲۱۴ دچار سانحه شد و سقوط کرد و دو نفر خلبان آن شهید شدند. برای بمباران مواضع دشمن در منطقه قصرشیرین هواپیما اعزام شد، ولی موشک‌های زمین به هوای عراق منطقه را کنترل کردند و هواپیماهای ایرانی نتوانستند وارد منطقه شوند.

در منطقه مرزی صالح‌آباد نیروهای عراقی به پاسگاه انجیره و نی‌خضر نزدیک شدند. در منطقه نفت‌شهر خبر تأیید شده حاکی بود که یک واحد هلی‌برن عراق که حدود سیصد نفر بودند، به وسیله چند فروند بالگرد در ساعت ۲۰۰۰ پیاده شده‌اند و روز بعد به نفت‌شهر حمله خواهند کرد. از منطقه دهلران خبر رسید که نیروهای عراقی در مقابل معبر چیلات آماده پیشروی به خاک ایران هستند. به‌طور کلی از هر منطقه عملیاتی که گزارشی می‌رسید، درخواستی هم می‌شد و از کمبود نیروهای دفاعی اظهار نگرانی می‌کردند؛ درحالی‌که در آن زمان تقریباً تمام نیروهای مسلح ایران یا در جبهه داخلی و یا در مرز با عراق درگیر بودند و اگر قرار می‌شد واحدی به منطقه‌ای اعزام شود، باید از یک موضع مشابه برداشت می‌شد.

نکته‌ای که در رابطه با روش هدایت عملیات از آغاز برخوردهای مرزی با عراق پیش آمد و در سال اول جنگ ادامه داشت، تعدد فرماندهان و شرکت و دخالت چند فرمانده در هدایت عملیات بود که از جمله آن شرکت رسمی و فعال ریاست ستاد ارتش در امر فرماندهی نیروی زمینی بود. با وجود اینکه شهید امیر فلاحی از اواخر تیر ماه از نیروی زمینی به ستاد مشترک منتقل و در شغل جانشین ریاست ستاد - عملاً رئیس ستاد - انجام وظیفه می‌کرد، لکن در حد یک فرمانده نیرو در هدایت عملیات نیروی زمینی شرکت داشت که آغاز آن از روز هجدهم شهریور بود. در این روز شهید فلاحی شخصاً به قصرشیرین رفت تا عملیات رزمی این منطقه را هدایت کند و در نوزدهم شهریور ماه از نیروی زمینی خواست نیر و تجهیزات مشروحه زیر را به کرمانشاه اعزام کند:

۱. یک گروه تعمیراتی رده ۳ و ۴ تانک از مرکز زرهی یا کارخانجات تانک‌سازی مسجدسلیمان حتی اگر کارخانه تعطیل شود.
۲. تعدادی باتری بی‌سیم پی‌آرسی - ۷۷
۳. گروه تعمیراتی توپ هویتزر ۱۵۵م، ۱۷۵م و ۱۰۵م با قطعات یدکی از اصفهان یا هر محل دیگر.

۴. تعداد ۱۰ دستگاه آمبولانس از یکان‌های مستقر در تهران.

۵. یک دستگاه جرثقیل سنگین برای جابه‌جایی تانک و نفربر.

سرانجام روز پرحادثه هجدهم شهریور ماه به پایان رسید و گزارش آخرین وضعیت این روز چنین بود که برای تکمیل طرح دفاعی، یک گروه رزمی در مواضع چم امام حسن و یک گروه رزمی در مواضع پاطاق مستقر شد، هواپیماهای عراقی اطراف قصرشیرین، ساختمان رادیو و تلویزیون و پاسگاه‌های این مناطق را بمباران کردند. واحدهای زرهی عراق از پاسگاه قلعه یهودی عراق به طرف تنگاب‌نو پیشروی کردند که در نتیجه یکان ژاندارمری ایران نتوانست مقاومت کند و عقب‌نشینی کرد. اخبار رسیده از تلفات دشمن حاکی بود که در عملیات روز جاری سه فروند بالگرد و دو فروند هواپیمای عراقی بر اثر آتش پدافند هوایی ایران سرنگون شد.

ژاندارمری کشور در نوزدهم شهریور ماه اعلام کرد که فرمانده هنگ ژاندارمری ایلام از پاسگاه‌های مرزی منطقه صالح‌آباد بازدید کرده و پاسگاه‌های این منطقه شامل انجیره، شوروشیرین، نی‌خزر و هلاله دلیرانه در مقابل حملات نیروهای متجاوز عراق دفاع می‌کنند و پاسگاه‌ها تخلیه نشده‌اند. از منطقه قصرشیرین خبر رسید که نیروهای زرهی ارتش متجاوز عراق تلاش می‌کنند تا منطقه زینل‌کش را با اشغال پاسگاه تنگاب‌کهنه به تصرف کامل خود در آورند و جاده نفت‌شهر - قصرشیرین را تحت کنترل خود بگیرند. یک خبر اطلاعاتی حاکی بود که تیپ ۱۰ زرهی عراق در کنترل لشکر ۶ زرهی قرار گرفته و مأموریت دارد به شهر قصرشیرین حمله کند. لازم به یادآوری است که این تیپ ۱۰ زرهی ارتش عراق از همان آغاز نبرد به صورت سمبل قدرت ارتش عراق برای نیروهای رزمنده ایران درآمد و در اغلب عملیات درست یا نادرست نقشی به عهده گرفت. گروه رزمی مستقر در صالح‌آباد از ساعت ۰۷۳۰ با دشمن درگیر شد. همزمان نیروهای عراقی پاسگاه‌های

مرزی منطقه سومار را زیر آتش گرفتند و دو فروند هواپیمای عراقی این پاسگاه را بمباران کردند، یک فروند بالگرد نفربر ایران مورد اصابت گلوله دشمن قرار گرفت و سقوط کرد و دو نفر از سرنشینان آن شهید و چهار نفر مجروح شدند. دو فروند هواپیمای عراقی مواضع امام حسن را بمباران کردند، نیروهای دشمن به پاسگاه‌های مرزی منطقه گرده‌نو و صالح‌آباد حمله کردند و در منطقه صالح‌آباد، پاسگاه نی‌خزر به اشغال نیروهای عراقی درآمد و پاسگاه انجیره محاصره شد. گروهان ژاندارمری سومار گزارش داد که از پاسگاه قلعه‌جوق تا تلخاب واحد ارتشی وجود ندارد و یکان ارتشی مستقر در نفت‌شهر فقط پاسگاه‌های گمرک، ژاله‌پناه، سه‌تپان، چقاشیره، سلمان‌کشته، بازرگان و نفت‌شهر را پشتیبانی می‌کند. در این گزارش وضع نیروهای عراقی چنین اعلام شد که نیروهای عراقی در پنج کیلومتری شمال غربی پاسگاه میان‌تنگ در محلی به نام وادی‌خفران متمرکز شده‌اند و با آتش پاسگاه‌های ایرانی موری، میان‌تنگ، گیسکه، بازرگان، کانی‌شیخ، قلعه‌جوق و تأسیسات نفتی را زیر آتش قرار داده‌اند و یک گردان تانک در مندلی مستقر است.

نیروی هوایی ایران اعلام کرد یک فروند هواپیمای آر.اف-۵ برای شناسایی منطقه غرب پرواز خواهد کرد. سپاه پاسداران اعلام کرد یک فروند هواپیمای عراقی به‌وسیله هواپیماهای ایران در منطقه نصرآباد سرنگون و خلبان آن کشته شد. طبق همین خبر این دومین هواپیمای عراقی است که ظرف ۴۸ ساعت گذشته سرنگون شده است. درباره حملات هوایی عراق و تلفات آنها گزارش‌های اغراق‌آمیزی می‌رسید، لذا ستاد مشترک به قرارگاه‌های عمده اعلام کرد درباره نتیجه تجاوزات هوایی دشمن بررسی‌های جدی به عمل آید و گزارش‌های دقیقی از چگونگی نیروها داده شود. مسئله حایز اهمیت در این گزارش‌ها مسیر آن بود. به جای اینکه گزارش‌ها از رده‌های پائین‌تر به ترتیب سلسله مراتب فرماندهی به رده‌های بالاتر ارسال شود، قسمتی از گزارش‌ها درست مسیر معکوس داشت و از ستاد مشترک به نیروی زمینی و لشکرها داده می‌شد و دلیل آن وجود سه نیروی مستقل در جبهه‌های جنگ شامل ارتش، سپاه پاسداران و ژاندارمری بود و علاوه بر آنها مقامات غیرنظامی محلی هم بودند و با وجود اینکه یک سازمان رزمی در منطقه داده شده و یک فرماندهی عملیاتی مشترک در منطقه غرب تشکیل شده بود، ولی به علل شرایط خاصی که در کل کشور ایران وجود داشت هر سازمان به طور مستقل عمل می‌کرد و گزارش‌ها را

از طریق رده فرماندهی مربوط به خود ارسال می نمود که در ستاد مشترک این گزارش‌ها جمع‌آوری و نتیجه آن منتشر می شد. با توجه به این روش در تاریخ نوزدهم شهریور ماه ستاد مشترک به نیروی زمینی ابلاغ کرد، در ساعت ۱۳۳۰ گردان تانک لشکر ۸۱ زرهی که در منطقه غرب بین ایلام و نفت‌شهر مستقر بود، زیر حملات شدید هوایی و زمینی عراق قرار گرفته و گردان یاد شده نیاز به کمک فوری دارد. در اطلاعیه دیگری ستاد مشترک به نیروی زمینی اعلام کرد که در ساعت ۱۰۰۰ نوزدهم شهریور ماه، یک فروند بالگرد عراقی به فضای ایران در منطقه قصرشیرین تجاوز کرده است که به وسیله آتش پدافند هوایی ایران سرنگون شد و افراد نظامی و پاسدار برای جمع‌آوری لاشه بالگرد و احتمال دستگیری خلبان آن به منطقه آق‌داغ قصرشیرین اعزام شده‌اند. گزارش سوم مربوط به حمله هوایی یک فروند هواپیمای (اف-۴) ایران به مواضع دشمن در غرب قصرشیرین بود که نیروهای عراقی با موشک زمین به هوا (سام) هواپیما را مورد هدف قرار داده‌اند و یک موشک به هواپیما اصابت کرده است. گزارش چهارم ستاد مشترک بر اساس اعلام استاندار ایلام حاکی از این بود که از ساعت ۱۳۳۰ نوزدهم شهریور فشار نیروهای عراقی به پاسگاه‌های نی‌خزر، انجیره و شورشیرین زیاد شده و پاسگاه نی‌خزر به اشغال نیروهای عراقی درآمده است.

در نوزدهم شهریور ماه یک فروند هواپیمای عراقی در نبرد هوایی با هواپیماهای ایران مورد اصابت راکت قرار گرفت و در منطقه خسروی سرنگون شد. از دسک کرمانشاه برای بمباران پاسگاه شهدای عراق مقابل صالح‌آباد درخواست پشتیبانی هوایی شد. استاندار ایلام اطلاع داد در تمام طول مرز مهران و صالح‌آباد از ساعت ۱۹۳۰ درگیری شدید وجود داشته و چنین به نظر می‌رسید که نیروهای عراقی قصد اشغال این مناطق را دارند. در ساعت ۱۹۰۵ اعلام شد که پاسگاه هلاله در منطقه صالح‌آباد نیز به تصرف نیروهای عراقی درآمد، پاسگاه‌های انجیره در حال سقوط است، پایگاه مخابراتی (سایت) نخجیر نیز سقوط کرده و برای انهدام دشمن در آن منطقه دو فروند هواپیمای (اف-۵) اعزام شده است.

فشار واحدهای زرهی عراق در این روز فوق‌العاده بود. از طرف سپاه پاسداران جنگ‌افزار ضدتانک شامل موشک تاو و تفنگ ۱۰۶م درخواست شد. ناحیه ژاندارمری کرمانشاه گزارش داد یک لشکر مکانیزه عراق به نزدیکی مرز آمده و در حوالی پاسگاه شهدا و شهرک نفت‌شهر مستقر شده است. پاسگاه‌های گروهان صالح‌آباد با نیروهای

عراقی درگیر شدند که پاسگاه نی خزر سقوط کرد و افراد آن به اسارت دشمن درآمدند و نیروهای دشمن به سمت پاسگاه انجیره در حال پیشروی هستند. ارتباط با گروهان ژاندارمری صالح آباد قطع شده است و یگان‌های ارتشی مستقر در آن منطقه به دلیل تمام شدن مهمات در حال عقب‌نشینی هستند. یک نکته حایز اهمیت در این گزارش که در طول جنگ نیز ادامه یافت، عنوان کردن تمام شدن مهمات برای دلیل عقب‌نشینی بود، در حالی که این دلیل اغلب غیرموجه و اغراق‌آمیز بود و با وجود مشکلات فوق‌العاده‌ای که برای تهیه مهمات نیروهای مسلح ایران وجود داشت، به هر ترتیبی بود مهمات به قدر مصرفی ولو با محدودیت زیاد برای واحدها تدارک می‌شد. اما در شرایط بحرانی که واحدها اجباری یا ناموجه عقب‌نشینی می‌کردند، بهترین دلیل را عنوان کردن تمام شدن مهمات می‌دانستند، ولی دلیل اصلی این‌گونه نابسامانی‌ها از هم گسستگی سازمان فرماندهی، کنترل و ضعف قدرت مدیریت بود که در آغاز جنگ بر نیروهای ایران مسلط بود و یا اینکه گزارش‌های ارسالی بررسی نشده و خلاف واقع می‌بود که در بررسی نبردهای مختلف به آن اشاره خواهد شد.

بیستم شهریور ماه، اولین گزارش از جبهه جنگ در ساعت ۰۳۰۵ از طریق ستاد مشترک به نیروی زمینی اعلام شد که بر اساس آن طبق گزارش ژاندارمری، پاسگاه نی خزر سقوط کرد. منطقه مرزی سومار به محاصره نیروهای عراقی درآمد و تهدید جدی برای سقوط این منطقه و تأسیسات نفتی ایجاد شد. در گزارش بعدی که در ساعت ۰۳۵۰ مخابره شد، اعلام شد نیروهای عراقی پاسگاه‌های مرزی بازرگان، کانی شیخ و سه‌تپان را زیر آتش گرفته‌اند و افراد پاسگاه با دشمن مبارزه می‌کنند و مواضع گروهان سوار زرهی مستقر در آن منطقه به محاصره نیروهای عراقی درآمد است. نیروی زمینی برای کمک رساندن به منطقه صالح‌آباد در ساعت ۰۹۵۰ به لشکر ۸۱ ابلاغ کرد یک گروه رزمی اعزام کند و نیروهای متجاوز عراقی را از مناطق اشغالی عقب براند. در ساعت ۱۱۰۰ استاندار ایلام اطلاع داد: «بالگردهای عراقی در ساعت ۰۹۵۰ پاسگاه انجیره و صالح‌آباد را گلوله‌باران کردند و یک واحد زرهی دشمن با حدود یکصد دستگاه تانک در حال پیشروی به سمت انجیره و شورشیرین هستند.» در ساعت ۱۵۴۵ ستاد مشترک به نیروی زمینی اعلام کرد: «سپاه پاسداران موفق شده است انبار مهمات دشمن در غرب آق‌داغ و پاسگاه دراجی را

منهدم سازد». در ساعت ۱۶۰۵ اطلاع رسید که پاسگاه تلخاب زیر آتش شدید دشمن قرار گرفته و ارتباط آن با گروهان ژاندارمری سومار قطع شده است. سقوط یک فروند هواپیمای (اف-۵) در منطقه قصرشیرین مورد تأیید قرار گرفت که از سرنشینان آن ستوانیکم علیخانی شهید شد، ولی سرگرد اسکندری با چتر نجات سالم فرود آمد. در این روز فرمانده هنگ ژاندارمری ایلام به اتفاق فرمانده گروهان ژاندارمری صالح آباد از پاسگاه‌های مرزی بازدید کرد. ضمن تأیید سقوط پاسگاه نی خزر، فرمانده گروه اعزامی لشکر ۸۱، سروان خوارزمی، اظهار کرد: «حدود یک لشکر عراقی در این منطقه متمرکز شده‌اند و چنانچه نیروی تقویت خودی نرسد، امکان دفاع در مقابل حمله نیروهای عراقی با نیروهای موجود ایرانی بسیار مشکل خواهد بود. حداقل یک دسته تانک، یک دسته خمپاره‌انداز، یک دسته موشک‌انداز تاو و یک آتشبار توپخانه ۱۳۰م برای تقویت آن منطقه اعزام شود». گرچه این درخواست فرمانده گروه رزمی با توجه به آگاهی که از وضعیت نیروهای ایرانی داشته کاملاً منصفانه و حداقل نیروی مورد نیاز بود، ولی بر فرض اعزام این واحدهای درخواستی در مقابل یک لشکر زرهی یا مکانیزه دشمن چه عمل مثبتی می‌توانست انجام دهد. در شب نوزدهم شهریور ماه دولت عراق نتیجه اولین موفقیت‌های نظامی خود را در تلویزیون بغداد اعلام کرد و سخنگوی تلویزیون عراق گفت: «نیروهای عراقی در منطقه‌ای به عرض ۲۵ کیلومتر و به عمق ۵ کیلومتر در خاک ایران پیشروی کرده و دوازده نفر از افراد نیروهای مسلح ایران را اسیر کرده‌اند.» با این اعلام رسماً تجاوزگری خود را به دنیا نشان داد. شدت عملیات سبب شد که جنگ به حالت تمام عیار درآید. نیروی هوایی ایران یک برنامه گشت‌زنی منظم در نوار مرز تنظیم کرد. کمبودهای مهم به تدریج نمایان شد و احساس شد که نیروهای مسلح ایران برای درگیری در این جنگ با مشکلات آمادی بزرگی مواجه خواهد شد. به‌عنوان مثال ستاد مشترک در بیستم شهریور ماه به نیروی هوایی دستور داد تا ده دستگاه خودرو جیپ سیم‌رغ که برای لشکر ۲۸ سنندج پیش‌بینی شده بود، به کرمانشاه اعزام کند و به نیروی دریایی نیز دستور داد پنج دستگاه از همان نوع خودرو برای لشکر ۸۱ اعزام کند. برای درک چگونگی این امر باید گفت نیروی زمینی قبل از انقلاب هزاران خودرو چرخدار داشت و هر لشکر زرهی به‌طور متوسط بیش از پانصد دستگاه خودرو یک‌چهارم تن (جیپ) داشت، ولی وضع به حالتی درآمده بود که پانزده دستگاه

خودروی چرخدار برای یک لشکر زرهی نیروی زمینی با ارزش و حایز اهمیت شده بود. در همین نامه به نیرو ابلاغ شده که یک دستگاه بولدوزر با دو نفر راننده متعهد و از جان گذشته به منطقه غرب اعزام کند. حال یک دستگاه بولدوزر در جبهه چندصد کیلومتری چه عملی می توانست انجام دهد، جای تأمل است!

روز بیستم شهریور ماه منطقه مهران نیز زیر آتش سنگین توپخانه عراق قرار گرفت و به طور کلی تمام جبهه غرب از مهران تا باووسی عملاً با نیروهای منظم عراق درگیر شد. از تمام واحدهای مدافع ایرانی درخواست تقویت و پشتیبانی به رده های بالاتر ارسال می شد، درحالی که امکانات برای اجابت این درخواستها فوق العاده محدود بود. از این رو عدم اعزام نیروی تقویتی سبب گله گذاری هایی می شد؛ چنان که در بیست و یکم شهریور ماه ستاد مشترک رسماً از نیروی زمینی توضیح خواست که دلیل عدم اعزام پنج دستگاه تانک و پنج قبضه تفنگ ۱۰۶م مورد درخواستی گروه رزمی مهران را اعلام کند. البته این توضیح خواهی ناموجه از طرف اداره دوم بود و ناپختگی افسر متصدی اقدام را می رساند، زیرا اصولاً ستاد مشترک در رده فرماندهی نیروی زمینی و نیروهای دیگر قرار ندارد و حق توضیح خواستن از نیروها را ندارد. به علاوه ادارات تابعه ستاد مشترک هیچ گونه سمتی نسبت به نیروها ندارند، ولی به دلیل به هم ریختگی سامانه فرماندهی و کنترل، یک دستور توضیح خواهی به امضای یک سرهنگ دوم برای فرماندهی نیروی زمینی در حال جنگ ارسال شد. دلیل این نامه و امثال آن هرچه باشد از نظر نظامی به هیچ وجه قابل توجیه نیست، مگر اینکه قبول کنیم این امر هم زاییده همان شرایط موجود بود.

خلاصه حوادث روز بیستم شهریور ماه را ژاندارمری کشور به شرح زیر اعلام کرد:

۱. در منطقه مرزی صالح آباد پاسگاه های انجیره، شور شیرین، هلاله و تلخاب با شدتی متفاوت با دشمن درگیر بودند. تلفات خودی عبارت بود از اینکه دو دستگاه خودرو چرخدار به سختی آسیب دید، یک فروند بالگرد دشمن سقوط کرد و بر اثر بمباران هوایی هواپیماهای خودی تلفاتی به نیروهای دشمن در منطقه نی خزر وارد شد. یکان های ارتشی مستقر در این منطقه مواضع خمپاره انداز خود را عقب برده و یکان های رزمی نیز قصد عقب نشینی به مواضع عقب تر را دارند. تعدادی از تانکها و توپها نقص فنی پیدا کرده اند.

۲. در منطقه خسروی نیروهای دشمن از منظره عراق این منطقه را زیر آتش گرفتند و احتمالاً آماده حمله هستند.

۳. در منطقه دهلران یک واحد زرهی دشمن به پاسگاه چیلات عراق وارد شد و قصد حمله در محور چیلات - دهلران را دارد.

۴. در منطقه بانمیل (شرکت نفت و شهرک پوکه) روبه‌روی پاسگاه امینه و زینل‌کش از پاسگاه قلعه یهودی عراق نقل و انتقالات بزرگی در نیروهای عراق مشاهده شد.

لشکر ۸۱ زرهی نیز در خلاصه وضعیت روز بیستم گزارش داد، باقیمانده گردان ۲۱۷ تانک، شامل پانزده دستگاه تانک و ستون چرخدار از پادگان اسلام‌آباد به منطقه صالح‌آباد اعزام شد تا به یکان اولیه ملحق شود. یکان‌های تیپ ۳ زرهی مستقر در قصرشیرین و تنگاب به‌وسیله یک آتشبار ۱۵۵م توپخانه و موشک‌انداز تاو و آرپی‌جی ۷ و نفربر بی‌ام‌پی تقویت شدند و برای اشغال مواضع پاتاق، یکان‌های تیپ زرهی کرمانشاه در بیست و یکم شهریور ماه به‌دلیل در دسترس نبودن تانک‌بر با راهپیمایی روی شنی از کرمانشاه به پاتاق خواهند رفت.

بیستم شهریور ماه نیز با حوادثی که بیان گردید سپری شد. در بیست و یکم شهریور ماه اولین پیام حاکی از عقب‌نشینی بعضی از یکان‌های عراقی در مقابل پاسگاه شورشیرین به مواضع اولیه خود بود. اما در همین گزارش اعلام شد که قسمتی از نیروهای عراقی در پایین رودخانه شورشیرین و در جنوب آن پاسگاه مستقر هستند و آماده حمله به پاسگاه‌اند.

در این زمان مسئولان سیاسی و نظامی کشور در کرمانشاه بودند. سرتیپ فلاحی قسمت مهمی از هدایت عملیات را شخصاً به عهده گرفته بود و مستقیماً دستوراتی به فرماندهان صادر می‌کرد و نیروی زمینی را در جریان امر قرار می‌داد. از این‌رو در بیست و یکم شهریور ماه به تیپ ۸۴ پیاده خرم‌آباد دستور داد به منطقه ایلام تغییر مکان کند و زیر امر فرماندهی عملیاتی منطقه صالح‌آباد قرار گیرد. البته طبق طرح کلی عملیات نیروی زمینی مسئولیت منطقه دهلران و مهران به عهده تیپ ۸۴ پیاده واگذار شده بود و اعزام عناصر این تیپ به صالح‌آباد با طرح کلی هماهنگی نداشت، اما در آن شرایط واحدی در منطقه کرمانشاه در دسترس نبود تا به منطقه صالح‌آباد اعزام شود. در این روز نیروی

هوایی فعال بود و تعدادی هواپیمای اف-۴ برای پوشش هوایی منطقه کرمانشاه ایلام پیش‌بینی شده بود.

در مطالب بالا گفتیم اداره دوم ستاد مشترک درباره دلیل عدم اعزام یک دسته تانک و تفنگ ۱۰۶م از نیروی زمینی توضیح خواسته بود. نیروی زمینی روز بعد پاسخ داد که شخص فرمانده نیروی زمینی و رئیس ستاد مشترک در منطقه عملیاتی غرب حضور دارند و در جریان تمام مسائل هستند و عملیات را هدایت می‌کنند. ضمناً گروهان موردنظر نیمه شب درخواستی می‌کند، صبح گزارش می‌دهد که نرسیده است و به همین دلیل می‌گوید به ما ضربت وارد شد و عقب‌نشینی کردیم. ضمن اینکه در منطقه تانک و تفنگ ۱۰۶م و آتشبار ضدهوایی اضافی وجود ندارد و قادر نیستیم به همه خواسته‌های یکان‌ها پاسخ دهیم.

ذکر این نکته ضروری است که همین پاسخ مختصر بیانگر تمام جریانات واقعی بود که حتی ده روز قبل از آغاز جنگ همه‌جانبه وجود داشت. درحالی‌که از هر طرف درخواست تقویت و پشتیبانی می‌رسید، تمام مقدمات ارتش ایران در صحنه جنگ داخلی و یا در مرز درگیر مأموریت بودند و اعزام واحدی به منطقه‌ای مستلزم برداشت همان واحد از نقطه دیگر بود. چنان‌که در آغاز جنگ همین عمل انجام شد و بالاچار عناصر لشکر ۱۶ زرهی قزوین و لشکرهای ۱ و ۲ پیاده مرکز و ۷۷ مشهد از مأموریت‌های جنگ داخلی رها شدند و به جبهه خوزستان اعزام شدند. گرچه این اقدام کمی دیر انجام گرفت، ولی سرنوشت‌سازترین آثار را در جنگ با عراق داشت که در شرح عملیات خوزستان به آن خواهیم پرداخت.

عملیات روز بیست و یکم شهریور ماه نسبت به روزهای قبل آرام‌تر بود و نیروهای متجاوز عراق به تحکیم مواضع در مناطق اشغال شده پرداختند و تلاش‌های آرامی در منطقه مهران و صالح‌آباد کردند.

لشکر ۸۱ خلاصه وضعیت روز بیست و یکم شهریور ماه را چنین اعلام کرد:

«مواضع پاتاق به وسیله واحدهای تیپ ۲ کرمانشاه اشغال و یک گروه مین‌گذار به منطقه صالح‌آباد اعزام شد. یک آتشبار ۱۵۵م اعزامی از لشکر ۲ تهران و دو آتشبار کاتیوشا اعزامی از اصفهان به کرمانشاه وارد شدند. اطلاعاتی که از وضعیت نیروهای متجاوز رسید، حاکی از تقویت قابل توجه نیروهای مرزی بود. در جبهه داخلی، منطقه

پاوه ناآرام بود. در جبهه خارجی نیروهای دشمن موفق شدند پاسگاه نی‌خزر را اشغال کنند و عناصر ژاندارمری مدافع آن پاسگاه عقب‌نشینی کردند و پاسگاه شورشیرین در حال سقوط بود. در شبکه ارتباطی یکان‌های تیپ ۱ زرهی که در منطقه نفت‌شهر تا صالح‌آباد گسترش داشت، اختلال ایجاد شد و فرمانده تیپ برای بررسی وضعیت شخصاً به منطقه رفت.

از آغاز روشنایی روز بیست و دوم شهریور ماه تک خودی در منطقه اجرا شد. حضور فرماندهان - رئیس ستاد مشترک و فرمانده نیروی زمینی - سبب افزایش کارایی رزمی یکان‌ها شده بود. تک هوایی مؤثر بوده است. در منطقه تیپ ۳ زرهی - قصرشیرین و نفت‌شهر - تبادل آتش جریان داشت. در بیست و دوم شهریور ماه باردیگر نبرد شدیدتر شد. ژاندارمری اطلاع داد در منطقه پاسگاه شورشیرین و انجیره نبرد سخت بین طرفین جریان دارد و اگر نیروهای تقویتی برای واحد خودی نرسد، خسارت وارده جبران ناپذیر خواهد بود و درخواست کرد یک گروهان تانک و یک آتشبار توپخانه ۱۳۰م برای تقویت و پشتیبانی آن پاسگاه‌ها اعزام شود.

سپاه پاسداران گزارش داد؛ رزمندگان ارتشی و پاسدار در میمک موفق شدند شش دستگاه تانک دشمن را منهدم کنند و نیروی ارتشی با یک عقب‌نشینی تاکتیکی نیروهای عراقی را به دامنه میمک کشانده و هم اکنون درگیری شدید ادامه دارد. استاندار ایلام خیر داد که بر اساس نظر مرزبان مهران، نیروهای دشمن قصد دارند از طریق پاسگاه شورشیرین به جاده جدید کنجان‌چم، پاسگاه کانی‌سخت دست یابند تا به آسانی ارتفاعات کولک را تصرف کنند و به طرف سد کنجان‌چم پیشروی کنند و هم اکنون نیروهای عراقی در مصب‌دره شورشیرین هستند. وضع منطقه کاملاً بحرانی است و درخواست نیروی تقویتی کرد.»

در این روز نیروهای ایرانی حمله متقابلی در منطقه میمک انجام دادند و پاسگاه‌های هلاله، انجیره و شورشیرین را تا نزدیکی پل گذارخوش در منطقه ایلام اشغال و نیروهای دشمن را عقب راندند. فشار دشمن نیز در همان منطقه صالح‌آباد و سومار شدید بود. لشکر ۸۱ زرهی گزارش داد گروه رزمی مستقر در سومار نیاز به نیروی تقویتی دارد و لشکر تمام امکاناتش را به کار برده، ولی برای تأمین نیازمندی‌ها کافی نبوده است و از نیروی زمینی درخواست اعزام توپخانه ۱۳۰م کرد. در گزارش دیگری درباره همین منطقه لشکر گفت:

واحد مستقر در منطقه سومار به شدت با دشمن درگیر شده و نیاز فوری به پشتیبانی هوایی دارد.

لشکر درباره وضع رزمی منطقه صالح‌آباد نیز اوضاع را مانند سومار اعلام کرد. این وضع در بیست و دوم شهریور ماه هم به‌وسیله لشکر ۸۱ گزارش شد که دلیل بر وخامت وضعیت نیروهای ایرانی در منطقه صالح‌آباد و سومار بود. با توجه به اینکه از پانزدهم شهریور ماه عملاً درگیری جدی نیروهای ایران و عراق شروع شده بود، در اثر استفاده مداوم از وسایل و تجهیزات، از کارافتادگی در وسایل موجود نیز آغاز شد؛ چنان‌که از واحدهای توپخانه اعزامی از لشکر ۱ تهران به کرمانشاه سه قبضه توپ ۲۰۳م از کار افتاد و لشکر ۸۱ از نیرو درخواست کرد جایگزین آنها و یا تعمیرکار با وسایل مجهز را ارسال کند.

سپاه پاسداران گزارش داد در درگیری بیست و دوم شهریور ماه در منطقه نفت‌شهر چهار نفر از افراد سپاه و ژاندارمری شهید و دو نفر مجروح شدند و دلیل این تلفات را برخوردار نبودن از پشتیبانی نیروی زمینی بیان کرد.

ژاندارمری کشور به ستاد مشترک اعلام کرد که برای تقویت پاسگاه بازرگان در منطقه سومار فقط دو دستگاه تانک اعزام شده است. این گزارش‌ها بیانگر وضعیت نیروهای مسلح ایران قبل از آغاز جنگ عمومی بود. عناصر لشکر زرهی ایران به صورت رسد و دسته در تمام طول مرز بیش از هزار کیلومتری گسترش داشتند و می‌خواستند با دو دستگاه تانک جلوی گردان‌های تانک عراق را سد کنند، اما مقدمات همین بود و شرایط هم، چنین ایجاب کرده بود.

بیست و دوم شهریور ماه نیز به پایان رسید و نتیجه کلی عملیات این روز در منطقه گسترش لشکر ۸۱ زرهی چنین بود:

۱. گروه رزمی ۱۹۵ گسترش یافته در منطقه سومار اطلاع داد، یکان‌های عراقی تمام آبادی‌های این منطقه را زیر آتش گرفته‌اند و توپخانه خودی نیز متقابلاً آبادی‌های اطراف شهر مندلی عراق را زیر آتش گرفت که در نتیجه عراقی‌ها مجبور شدند آتش به آبادی‌ها را قطع کنند.

۲. گروه رزمی ۲۱۷ تانک در منطقه صالح‌آباد با دشمن درگیر شد. هواپیماهای خودی پشتیبانی کردند و نیروهای دشمن مجبور به عقب‌نشینی شدند. از عناصر این گروه رزمی یک نفر جوانمرد شهید، دو نفر خدمه تانک مفقود و سه دستگاه تانک منهدم شده است.
۳. در درگیری در منطقه سومار دو سرباز شهید و چهار نفر ژاندارم زخمی شدند.
۴. یک آتشبار توپخانه در تقویت تیپ ۳ زرهی قرار داده شد.

از جمله مشکلاتی که از آغاز نبرد پیش آمد، کمبود باتری بی‌سیم پی‌آرسی ۷۷ بود و احتمالاً دلیل آن بود که در طول قریب ۲۸ ماه بعد از پیروزی انقلاب باتری‌های خریداری شده فاسد شدند و باتری جدید خریداری و جایگزین نشده بود و نمونه آن را در پیام روز بیست و سوم شهریور ماه معاونت آماد نیروی زمینی مشاهده می‌کنیم. در این پیام معاونت آماد نیروی زمینی به فرماندهی پشتیبانی منطقه یک اعلام کرده که برابر اعلام اداره سوم ستاد مشترک، تیپ ۳ زرهی لشکر ۸۱ از لحاظ باتری پی‌آرسی ۷۷ با کمبود فوق‌العاده‌ای مواجه شده است. دستور دهید فوراً باتری موردنظر در اختیار آن تیپ قرار داده شود. اما یک توجه دقیق نظامی به مسیر اداری این پیام می‌تواند وضع نابسامان تدارکات واحدها را روشن کند. به جای اینکه فرماندهی پشتیبانی منطقه یک که در کرمانشاه مستقر بود و مسئول مستقیم تدارکات واحدهای آن منطقه بود، در جریان امر باشد و چگونگی را بررسی و نیازمندی‌ها را به فرماندهی آماد نیروی زمینی گزارش کند و آن فرماندهی نیز نیازمندی را به معاونت آماد نیروی زمینی اعلام کند و آن معاونت وضعیت را به اداره چهارم و پنجم ستاد مشترک اعلام دارد، گزارش از اداره سوم به سمت پائین سرازیر می‌شود.

در بیست‌وسوم شهریور ماه نبردهای مرزی همچنان ادامه داشت. گروهان ژاندارمری سومار گزارش داد نیروهای زرهی دشمن به سمت پاسگاه‌های سلمان کشته، سانوپا و بازرگان درحال پیشروی هستند و اظهارنظر کرد چنانچه نیروهای تقویتی مؤثر به منطقه سومار اعزام نشود، تمام این منطقه به تصرف دشمن درخواهد آمد. لشکر ۸۱ اطلاع داد گروه رزمی سومار و صالح‌آباد احتیاج مبرم به توپخانه ۱۳۰م دارند و درخواست دو آتشبار از این نوع توپخانه را کرد. لازم به یادآوری است که از نکاتی که از آغاز نبرد درباره استفاده از گردان‌های توپخانه با کالیبرهای مختلف پیش آمد، عدم استفاده صحیح از آتش‌های

پشتیبانی توپخانه بود. واحدهای توپخانه بر حسب کالیبر، برد و قدرت آتش آنها در پشتیبانی تیپ، لشکر و سپاه قرار می‌گیرند و واحدهای کوچکتر از تیپ اصولاً فقط درخواست آتش پشتیبانی به نقاط دیده‌بانی‌شده و هدف‌های مشخص‌شده می‌کنند. توپخانه سنگینی با برد بیش از ۲۷ کیلومتر قابل دیده‌بانی و هدایت آتش نیست و فقط به نقاط مشخص، دیده‌بانی و شناسایی شده به وسیله نیروی هوایی و بالگرد و یا عوامل اطلاعاتی می‌تواند آتش مؤثر اجرا کند، مگر اینکه توپخانه متوسط یا سبک که در مواضع جلوتر قرار دارد، دیده‌بانی کند و برای تقویت آتش خود درخواست آتش توپخانه سنگین نماید. اما در عملیات جنگ با عراق به‌ویژه در آغاز جنگ بدون توجه به این اصل کاربرد توپخانه، هر پاسگاهی که نیرویی از دشمن را در برد خمپاره‌انداز ۶۰ و ۸۱ میلی‌متری خود، یعنی دو تا چهار کیلومتری می‌دید، درخواست آتش توپخانه سنگین می‌کرد. البته این روش یک دلیل موجه هم می‌توانست داشته باشد و آن گسترش وسیع واحدها در منطقه عملیات بود و چنانچه یک واحد توپخانه با برد بلند در یک موضع مرکزی مستقر می‌شد، می‌توانست در طرفین موضع پاسگاه‌ها و مواضع خط مقدم را پشتیبانی کند؛ ولی این کار نیاز به دیده‌بانی دقیق و ارتباط مطمئن بین تمام پاسگاه‌ها با موضع توپخانه داشت و البته این کار نقصی هم داشت که عبارت بود از اینکه اصولاً توپخانه خاصیت آتش تمرکزی را از دست می‌داد و فقط می‌توانست آتش‌های پراکنده به نقاط دور از هم در جبهه بیست تا چهل کیلومتری اجرا کند که در این صورت آثار روانی و انهدامی آن از بین می‌رفت و عملاً نیز چنین بود.

در بیست‌وسوم شهریور ماه ژاندارمری ایلام و قصرشیرین گزارش دادند که درگیری شدید در منطقه ایلام ادامه دارد و نیاز فوری به اعزام یک گروهان تانک و یک آتشبار توپخانه ۱۳۰م است. پاسگاه تلخاب سومار سقوط کرده و پاسگاه‌های کانی‌شیخ، سانوپا و سلمان‌کشته در حال درگیری هستند. سه درجه‌دار ژاندارم و چهار درجه‌دار ارتش مجروح شده‌اند. گروهان صالح‌آباد نیز وضع مشابه سومار را دارد. آبادی سومار زیر آتش دشمن قرار گرفته است و پاسگاه‌های شورشیرین و انجیره مورد تهدید هستند.

در این موقعیت حساس نبرد با دشمن خارجی، استاندار کرمانشاه اطلاع داد که ایستگاه مخابراتی کوه‌تخت در بخش مرزی نوسود توسط ضدانقلابیون اشغال شده است و از ارتش خواست آن مرکز مخابراتی را از ضدانقلابیون بازپس بگیرد.

استاندار ایلام اطلاع داد یک واحد بزرگ زرهی دشمن با حدود دویست دستگاه تانک در حال پیشروی به طرف انجیره و هلاله هستند. منطقه سومار همچنان مورد تهدید بود و مداوم خبرهای مختلف برای اعزام نیروی تقویتی به آن منطقه به لشکر ۸۱، فرماندهی عملیاتی غرب و نیروی زمینی می‌رسید که سرانجام فرماندهی عملیاتی مشترک غرب به این درخواست‌ها چنین پاسخ داد: «با توجه به درگیری‌های برون مرزی و درون مرزی و گسترش بیش از حد یکان‌ها و لزوم استقرار آنها در محل فعلی، هیچ‌گونه تغییر مکان برای کمک به یکان‌های موردنظر مقدور نیست و درخواست کرد دو گردان تانک اضافی به منطقه غرب اعزام شود تا نیازمندی‌ها تأمین شود». در پایان روز بیست‌وسوم شهریور ماه اطلاع تأیید نشده حاکی از سقوط یک فروند هواپیمای عراقی بود.

آخرین وضعیت روز ۲۳ شهریور به وسیله لشکر ۸۱ چنین اعلام شد که در عملیات آن روز دو فروند هواپیمای عراقی مورد اصابت آتش ضدهوایی ایران قرار گرفته و سرنگون شدند. جسد یک خلبان عراقی به دست آمد. در جبهه عملیات داخلی در منطقه پاوه بین ضدانقلابیون و نیروهای خودی درگیری رخ داد و یک پاسدار شهید و سه نفر زخمی شدند. واحدهای مستقر در منطقه سومار در تمام مدت با دشمن درگیر بودند. حملات هوایی عراق روز به روز گسترش می‌یافت و تمام منطقه عملیات را تهدید می‌کرد. نیاز مبرم به جنگ‌افزار پدافند هوایی در تمام نقاط مشهود می‌شد و درخواست‌هایی از نقاط مختلف می‌رسید، در حالی که مقدرات ارتش ایران نسبت به عرض وسیع جبهه جنگ بسیار ناچیز بود. گرچه خلبانان عراقی هم جرئت و جسارت کافی برای پرواز در سقف پایین را نداشتند و عموماً در ارتفاعات بالای برد توپ‌های ضدهوایی - بیش از ۴ هزار متر یا حدود ۱۲ هزار پا - پرواز می‌کردند. گرچه استقرار توپ‌های ضدهوایی تأثیر چندانی در انهدام هواپیماهای دشمن نداشت، ولی به هر حال می‌توانست خطری برای هواپیماهای دشمن به وجود آورد و مانع اجرای آتش دقیق آنها به هدف‌های نظامی و غیرنظامی شود. لذا در هر منطقه که جنگ‌افزار ضدهوایی مستقر بود، هواپیماهای عراقی در ارتفاع زیاد پرواز می‌کردند و مهمات خود را بدون هدف‌گیری پرتاب می‌کردند که اغلب غیرمؤثر بود. با توجه به اوج‌گیری درگیری‌ها، نیروی زمینی تصمیم گرفت تمام مقدرات خود را به جبهه غرب و جنوب اعزام کند، از این‌رو به لشکر ۷۷ مشهد ابلاغ شد تا تمام وسایل زرهی خود را آماده کرده و به

غرب اعزام کند. البته این دستور تغییر یافت و واحدهای لشکر ۷۷ به جنوب اعزام شدند که در شرح عملیات جنوب بیان خواهد شد.

بیست و چهارم شهریور ماه ستاد مشترک به نیروی زمینی اعلام کرد که استاندار ایلام درخواست کرده که به فرمانده تیپ ۱ زرهی لشکر ۸۱ ابلاغ شود تا به هیچ وجه مواضع واحدها را تغییر ندهد و اجازه ندهد یکانی موضع خود را ترک کند. در این روز نیروی زمینی به گروه ۴۴ توپخانه اصفهان دستور داد سه آتشبار پدافند هوایی ۲۳م و دو آتشبار توپخانه ۱۳۰م را آماده سازد تا بنا به دستور به غرب اعزام شوند. در این روز ژاندارمری گزارش داد پاسگاه بازرگان مورد تهدید جدی قرار گرفته و احتمال سقوط آن زیاد شده و سه دستگاه تانک تقویتی این پاسگاه عقب برده شده است. در گزارش بعدی ژاندارمری که از طریق ستاد مشترک به نیروی زمینی اعلام شد، پاسگاه‌های مرزی منطقه سومار شامل: کانی‌شیخ، بازرگان و تلخاب در محاصره دشمن قرار گرفت و وضع این پاسگاه‌ها بسیار خطرناک شد. در این پیام از عدم پشتیبانی یکان نیروی زمینی مستقر در آن منطقه از پاسگاه‌ها شکایت شده و اظهار شده که در چهار کیلومتری این پاسگاه‌ها یکان‌هایی مستقر هستند، ولی کمکی به افراد پاسگاه‌ها نمی‌کنند.

فرماندهی عملیات مشترک غرب به نیروی زمینی اطلاع داد: «به‌دلیل نزدیک شدن نیروهای دشمن به نیروهای خودی، تشخیص عوامل خودی از دشمن برای هواپیماهای خودی میسر نیست، لذا امکان اجرای پشتیبانی هوایی مشکل شده است» سرانجام آخرین وضعیت بیست و چهارم شهریور ماه چنین اعلام شد: «توپخانه عراق قصرشیرین و حوالی ساختمان هنگ ژاندارمری آن را به زیر آتش گرفت، ولی تلفات و ضایعاتی وارد نشده و درگیری یکان‌های مستقر در منطقه صالح‌آباد همچنان ادامه داشت». اطلاعات دیگری از طریق ستاد مشترک بر اساس گزارش ژاندارمری از حوادث روز بیست و چهارم شهریور ماه منتشر شد که حاکی از شدت نبرد در حوالی پاسگاه تنگاب، نفت‌شهر و کانی‌شیخ بود، ولی به‌طور کلی جریان حوادث نشان می‌داد که از بیست و چهارم شهریور ماه حملات شدید ارتش عراق فروکش کرد و ارتش عراق به تحکیم مناطق اشغال‌شده در منطقه زینل‌کش و میمک پرداخت و تلاش خود را متوجه چند پاسگاه ایرانی باقی‌مانده در همان مناطق کرد. در بیست و پنجم شهریور ماه و در ادامه عملیات روز بیست و چهارم، نیروهای عراقی

فعالیت عمده خود را در حوالی پاسگاه بازرگان و تلخاب به کار بردند و دامنه فعالیت را به طور تدریجی به سایر مناطق منطقه مرزی سومار از جمله پاسگاه مرزی سانوپا گسترش دادند. در این روز یک هواپیمای عراقی به داخل خاک ایران در منطقه اسلام‌آباد نفوذ کرد و دیوار صوتی را شکست و سبب شکستن شیشه ساختمان‌ها شد. هنگ ژاندارمری قصرشیرین گزارش داد بار دیگر پاسگاه بازرگان از همه طرف زیر آتش شدید دشمن قرار گرفته است. خلاصه وضعیت بیست و پنجم شهریور ماه به وسیله لشکر ۸۱ چنین گزارش شده است: «در این روز توپخانه عراق حوالی قصرشیرین را زیر آتش گرفت، ولی خسارت و تلفاتی به بار نیامد. مبادله آتش به طور پراکنده بین نیروهای خودی و دشمن جریان داشت. یک تیم نفوذی متشکل از تعدادی جوانمرد ایرانی شبانه به پاسگاه پله‌جفت عراق حمله کردند و خساراتی به آن وارد آوردند».

ژاندارمری اعلام کرد پاسگاه‌های شورشیرین و انجیره سقوط کرده و نیروهای متجاوز در حال پیشروی به سمت ارتفاعات کولک و سد کنجان‌چم هستند. قصرشیرین و نفت‌شهر زیر آتش توپخانه قرار گرفت. یک ستون زرهی دشمن از مندی عراق به سمت پاسگاه بازرگان به حرکت درآمد. در جبهه داخلی منطقه پناه‌آرام بود و بین پاسداران و ضدانقلابیون درگیری به وجود آمد. در مناطق گسترش تیپ‌های ۱ و ۳ زرهی تبادل آتش جریان داشت.

در بیست و ششم شهریور ماه نیز وضع جبهه نسبتاً آرام بود و منطقه فعال محدود به حوالی پاسگاه‌های بازرگان، شورشیرین و انجیره در منطقه صالح‌آباد بود. نیروی هوایی اعلام کرد یک فروند هواپیمای دشمن را در حوالی گیلان‌غرب سرنگون کرده است. لاشه آن در بیست و ششم شهریور ماه پیدا شد. منطقه عملیاتی صالح‌آباد به وسیله یک آتشبار کاتیوشا تقویت شد. ژاندارمری سومار گزارش داد نیروهای عراقی در نزدیکی پاسگاه بازرگان تلاش می‌کنند تا نیروهای خودی را وادار به ترک پاسگاه و عقب‌نشینی کنند. هنگ ژاندارمری ایلام گزارش داد واحدهای بزرگ زرهی دشمن در مقابل پاسگاه شورشیرین متمرکز شده‌اند. فرمانده گروه رزمی ۲۱۷، مستقر در منطقه صالح‌آباد، بازرسانی برای بازدید منطقه و مواضع اعزام کرد. این بازرسان گزارش دادند، افراد ژاندارمری مستقر در پاسگاه‌ها در حال عقب‌نشینی هستند و اظهار کرده‌اند که پاسگاه‌ها سقوط کرده‌اند، ولی بررسی‌ها نشان

می‌دهد که تعدادی از برادران پاسدار در روی ارتفاعات بالای پاسگاه مستقرند و هیچ گونه فعالیتی از دشمن مشاهده نمی‌شود. نتیجه‌گیری این گزارش چنین بود که افراد ژاندارمری مستقر در پاسگاه‌های مرزی مقاومت قابل ملاحظه‌ای در مقابل تهدیدهای نیروهای عراق نمی‌کردند و به محض احساس خطر، پاسگاه‌ها را تخلیه می‌کردند، ولی گزارش‌های ژاندارمری معمولاً اغراق‌آمیز بوده است.

در این باره باید به یک نکته حساس نظامی توجه کرد و آن اینکه هر عملیات نظامی باید بر مبنای طرح عملیاتی برآورد و هماهنگ شده هدایت شود و طرح دفاعی دارای یک قواره نسبتاً مشخصی باشد و تکلیف همه عناصر تشکیل دهنده سازمان دفاع مشخص شود. از جمله عناصر سازمان دفاع نیروهای پوششی هستند که در خط مقدم قرار دارند و معمولاً این نیروهای پوششی اگر خیلی ضعیف باشند، به صورت پرده پوششی در می‌آیند و فقط در حد توانایی خود می‌توانند در مقابل تهاجم دشمن مقاومت کنند و معمولاً قبل از ایجاد تهدید جدی باید به مواضع عقب‌تر عقب‌نشینی کنند تا گرفتار نیروهای دشمن نشوند. مگر اینکه به آنان دستور داده شود تا آخرین نفس و آخرین نفر در مقابل دشمن ایستادگی کنند و فرماندهان رده بالاتر در طرح عملیاتی کلی چنین عملیاتی را پذیرفته باشند. حال آیا درباره پاسگاه‌های ژاندارمری که همان عمل پوششی و پرده پوششی را انجام می‌دادند، اصولاً طرح عملیاتی مشخصی تهیه و مأموریت به طور صریح به آنان ابلاغ شده بود یا اینکه به رؤسای پاسگاه‌ها آزادی عمل داده شده بود تا به هر نحوی که خودشان تشخیص دهند، عمل کنند؟ از این رو قضاوت درباره روش انجام وظیفه افراد پاسگاه‌های خط مقدم مستلزم بررسی‌های همه جانبه، عمیق و کل هدایت عملیات است که ما در این قسمت از آن صرف نظر کرده‌ایم. به هر حال فرمانده گروه رزمی ۲۱۷ به هنگ ژاندارمری ایلام ابلاغ کرد سریعاً افرادی را که پاسگاه‌ها را ترک کرده‌اند جمع‌آوری و به همان پاسگاه‌های قبلی یا به مواضع مناسب دیگر در خط مرزی اعزام کنند و کسانی که مرتکب جرم نظامی شده‌اند، برابر قانون با آنان رفتار شود.

در بیست و هفتم شهریور ماه هواپیماهای شناسایی خودی تمرکز نیروهای دشمن را در مقابل منطقه بستان گزارش دادند. برآورد شد که نیروهای عراقی برای حمله وسیع به ایران آماده می‌شوند. هنگ ژاندارمری ایلام گزارش داد نیروهای دشمن در انتهای ارتفاعات

الجبل و کانی سخت عراق متمرکز شده و در حال پیشروی به طرف پاسگاه‌های ایرانی پلنگانه، تق‌تق‌مشکی، چک‌سرخ، شورشیرین، انجیره، سرنی و تپه‌شینو هستند. ژاندارمری از طریق ستاد مشترک به نیروی زمینی هشدار داد چنانچه نیروی تقویتی کافی به منطقه عملیاتی صالح‌آباد اعزام نشود، افراد پاسگاه‌های شورشیرین و کانی سخت قادر به مقابله با نیروهای عراقی نخواهند بود، لذا لازم است قبل از سقوط این پاسگاه‌ها اقدام مؤثری به عمل آید. عوامل اطلاعاتی خبر دادند که احتمالاً نیروی هوایی عراق آماده می‌شود در بیست و نهم و سیام شهریور ماه نقاط مسکونی ایران را از مرز تا کرمانشاه بمباران کند. سپاه پاسداران اعلام کرد نیروی زمینی عراق آماده می‌شود در بیست و هشتم و بیست و نهم شهریور ماه حمله گسترده‌ای را در منطقه مهران، دهلران، ایلام و سومار آغاز کند. در این گزارش، سپاه پاسداران اطلاع داد یک نفر ناشناس در بیست و دوم شهریور ماه در یک جلسه مهمی که به وسیله سران ارتش عراق تشکیل شده بود، شرکت کرد. در این جلسه وضعیت ارتش ایران مورد بررسی قرار گرفته و اظهار نظر شده است که نیروی زمینی ایران از هم پاشیده شده، نیروی هوایی قدرت کافی ندارد و سپاه پاسداران هم به دلیل عدم آموزش کافی، کارایی ندارد. این اطلاعات نشان می‌دهد که با وجود از هم گسیختگی سامانه اطلاعاتی برون مرزی ایران هنوز امکان فعالیت‌های اطلاعاتی وجود داشته است.

در بیست و هفتم شهریور ماه منطقه سومار همچنان فعال و فشار دشمن در این منطقه شدیدتر بود. طبق گزارش گروهان ژاندارمری سومار، پاسگاه بازرگان به کلی ویران شده بود. پاسگاه نیاز به تقویت داشت، ولی نیروهای ایرانی در شرایط بسیار بحرانی قرار داشتند و امکان اعزام نیروهای تقویتی بسیار ضعیف شده بود و وضع به حالتی درآمده بود که هر نیروی مدافعی در هر منطقه فقط با اتکا به مقدرات موجود خود باید نبرد را ادامه می‌داد. درخواست‌های فراوانی از همه یگان‌ها به رده‌های بالا ارسال می‌شد، ولی اکثر آنها بدون جواب می‌ماند، زیرا امکان دادن پاسخ مثبت به این درخواست‌ها نبود و این درخواست‌ها نمایانگر ضعف فوق‌العاده بود. مثلاً در همین روز لشکر ۸۱ زرهی از نیروی زمینی درخواست کرد برای ایجاد آتش ضدهوایی در منطقه خان‌لیلی به یک آتشبار ۲۳مم احتیاج دارد. لشکری که در عرض حدود پانصد کیلومتر و در عمق حدود دویست کیلومتر (از مرز تا کرمانشاه) گسترش

یافته یک آتشبار توپخانه ۲۳م چه کمک مؤثری می‌تواند انجام دهد؛ درحالی‌که برد این توپ حدود ۲هزار متر است و اگر هواپیما دورتر از ۲هزار متری آن پرواز کند با هیچ‌گونه خطری مواجه نمی‌شود. اصولاً هدایت عملیات در جبهه وسیع مستلزم به‌کارگیری ابتکارات ویژه‌ای است که با حداقل نیرو حداکثر ضربت به دشمن وارد شود. این کار مستلزم تحرک سریع و ضربت زدن قاطع به نقاط حساس و آسیب‌پذیر دشمن است و با گسترشی که واحدهای ایران در تمام طول مرز داشتند، بکارگیری چنین ابتکاری امکان‌پذیر نبود.

در ادامه عملیات، بیست و هفتم شهریور ماه خبر رسید که پاسگاه تلخاب به تصرف دشمن درآمده است. فرمانده گروهان ژاندارمری سومار به همراه بیست نفر ژاندارم عازم آن پاسگاه شدند تا آن را از تصرف دشمن خارج سازند. از لشکر درخواست کردند با بالگرد آنها را پشتیبانی کنند. آخرین وضعیت بیست و هفتم شهریور حاکی از تبادل آتش بین نیروهای خودی و دشمن در تمام مناطق به‌ویژه در منطقه پاسگاه‌های میان‌تنگ، سانواپا، گیسکه، سلمان‌کشته، بازگان و کانی‌شیخ بود.

در بیست و هشتم شهریور ماه حمله پیش‌بینی‌شده عراق انجام نگرفت و تلاش‌های اطلاعاتی نمایانگر تمرکزات فوق‌العاده نیروهای عراقی در نزدیکی مرز بود. مرزبانی دهلران گزارش داد یک واحد مکانیزه دشمن در مقابل معبر چیلات متمرکز شده و پیشنهاد کرد واحدی از نیروی زمینی در حوالی پاسگاه چیلات مستقر شود تا بتواند عکس‌العمل مناسب در مقابل حمله احتمالی عراق نشان دهد. گزارش دیگر ژاندارمری حاکی بود که پاسگاه‌های کله‌میشان، ولدکشته، تنگاب‌نو و خسروی به‌وسیله نیروهای عراقی مورد حمله قرار گرفته و در حال سقوط هستند. در این روز نیروهای سبک تقویتی برای پاسگاه‌های تلخاب و بازگان اعزام شد، ولی ارتباط با نیروهای اعزامی قطع شد. در منطقه قصرشیرین پاسگاه‌های یک‌ه‌شان، برج‌احمدی و گروهان ژاندارمری قصرشیرین زیر آتش توپخانه دشمن قرار گرفت و در ساعت ۱۳۱۵ خبر رسید که افراد پاسگاه‌های تنگاب‌نو و ولدکشته عقب‌نشینی کرده و به منطقه خرناصرخان برگشته‌اند و تماس با این پاسگاه‌ها قطع شده است. عملیات متقابل نیروهای ایران برای بازپس گرفتن پاسگاه شورشیرین که در روز قبل به تصرف نیروهای عراقی درآمده بود، با موفقیت اجرا شد و برای نُه نفر افرادی که در این عملیات ابراز شجاعت نشان داده بودند، درخواست سه سال ارشدیت شد.

با توجه به اطلاعاتی که از حمله قریب‌الوقوع ارتش عراق رسیده بود، نیروی هوایی ایران تمام امکانات پروازی خود را آماده ساخت تا با نیروهای عراق مبارزه کند و برای منطقه غرب حدود سی فروند هواپیمای جنگنده برای پشتیبانی تاکتیکی و نبردهای هوایی پیش‌بینی کرد. بیست و هشتم شهریور ماه نیز با آرامش نسبی گذشت و بیست و نهم شهریور ماه فرا رسید. در این روز فعالیت نیروهای عراقی مشابه چند روز قبل بود و چنین به نظر می‌رسید که ارتش عراق یک هفته قبل از آغاز حمله عمومی قصد دارد از شدت نبردهای مرزی و موضعی بکاهد و نیروهای خود را برای حمله عمومی آماده‌تر سازد. با توجه به کاهش شدت عملیات نیروهای مدافع ایرانی تلاش کردند در حد مقدرات وضعیت مواضع را ترمیم کند و برای این منظور پاسگاه‌های چقاحمام و چند پاسگاه دیگر در منطقه نفت‌شهر با اعزام چند نفر از سپاه پاسداران و درجه‌داران تیپ نوهده و مقداری سلاح و مهمات تقویت شدند.

تخلیه بعضی از پاسگاه‌ها به وسیله افراد ژاندارمری مسئله‌ای بین رده‌های فرماندهی ایجاد کرد و فرماندهی عملیات منطقه غرب یک گزارش احساسی درباره عدم انجام وظیفه افراد این پاسگاه‌ها به نیروی زمینی فرستاد. ناحیه ژاندارمری کرمانشاه نیز متقابلاً یک گزارش گله‌آمیز درباره عدم تقویت و پشتیبانی کافی از عناصر ژاندارمری به مقامات بالاتر ارسال کرد که متن این گزارش‌ها حاکی از نابسامانی عمومی وضعیت عملیات و ضعف قدرت فرماندهی، کنترل و عدم کفایت توانایی‌ها نیروهای مسلح ایران در مقابل ارتش سازمان‌یافته و مجهز و آموزش‌دیده و منظم عراق بود.

بیست و نهم و سی‌ام شهریور ماه با حالت آرامش نسبی سپری شد و سی و یکم شهریور ماه روز تهاجم عمومی ارتش متجاوز عراق به خاک ایران فرا رسید. درباره آخرین اقدامات انجام شده قبل از آغاز جنگ لشکر ۸۱ زرهی مسائل زیر را گزارش داد:

۱. گردان ۱۱۰ پیاده لشکر ۷۷ مشهد به منطقه کرمانشاه وارد شد.
۲. یک آتشبار ۱۳۰م از گروه ۴۴ توپخانه اصفهان به کرمانشاه وارد شد.
۳. قرارگاه تیپ یک اسلام‌آباد به منطقه سرنی صالح‌آباد تغییر مکان داد.
۴. پشتیبانی نیروی هوایی در ۲۴ ساعت گذشته مؤثر نبود.

۵. درگیری شدید در مناطق سومار، قصرشیرین، خسروی و ولدکشته ادامه داشت. پاسگاه گیسکه نتوانست به مقاومت ادامه دهد و عقب‌نشینی کرد.

۶- به منظور تقویت گروه رزمی ۱۹۵ مستقر در منطقه سومار، گروه رزمی مستقر در سرچله به آن محل انتقال داده شد.

با این اوضاع، ساعت سرنوشت‌ساز جنگ ایران و عراق فرارسید، درحالی‌که قبل از آغاز جنگ قسمت عمده ارتش ایران در مرزها به صورت پراکنده درگیر جنگ بوده و در جبهه داخلی نیز عملیات همچنان ادامه داشت. سرانجام در ساعت ۱۳۳۰ سی و یکم شهریور ماه ارتش متجاوز عراق با حملات هوایی به چند شهر ایران از جمله تهران آغاز جنگ عمومی را اعلام کرد و از همان زمان نیروی زمینی عراق حمله عمومی به کشور ایران را در منطقه مرزی خوزستان ایلام و کرمانشاه آغاز کرد که شرح این جنگ تحمیلی را در آینده بیان خواهیم کرد.

فصل سوم

برخوردهای مرزی ایران و عراق در منطقه خوزستان (قبل از آغاز جنگ تحمیلی)

در بررسی فصل دوم به این نتیجه رسیدیم که گرچه از نظر انعکاس عمومی بین دو کشور ایران و عراق و انعکاس جهانی آن جنگ تحمیلی عراق علیه ایران از سی و یکم شهریور ماه ۱۳۵۹ (بیست و دوم سپتامبر ۱۹۸۰) آغاز شد، اما برخوردهای مرزی و مقدمات عملیات نظامی جنگ خیلی جلوتر از آن تاریخ و حتی از اوایل سال ۱۳۵۸ شروع و از اواسط سال ۱۳۵۸ برخوردهای پراکنده و یا تجاوزات زمینی و هوایی پراکنده به وجود آمد و از هجدهم فروردین ماه سال ۱۳۵۹ برخوردهای پراکنده به برخوردهای جدی در حوالی مرز منتهی شد و به تدریج این برخوردهای مرزی شدت یافت که بعد از پنج ماه و ده روز به جنگ عمومی تبدیل شد. اصولاً از آغاز بروز اختلافات، منطقه عملیات به دو قسمت مشخص و تقریباً مجزا از یکدیگر تقسیم شد که دلیل اصلی این تقسیم، وضعیت زمین منطقه عملیات در خاک ایران و عراق بود. در این تقسیم منطقه، یک قسمت شمالی بود که از رودخانه چنگوله در جنوب شرقی دشت مهران شروع می شد و قسمتی از استان ایلام تمام منطقه مرزی استان کرمانشاه را در بر می گرفت و به سمت جنوبی منطقه مرزی استان کردستان ختم می شد که از نظر سادگی تحت عنوان جبهه غرب نامیده شد. قسمت دوم منطقه مرزی از اروندرود تا رودخانه چنگوله شامل منطقه مرزی خوزستان و قسمت جنوبی استان ایلام (موسیان و دهلران) بود که جبهه جنوب نام گذاری شد و در آغاز جنگ دو فرماندهی عمومی برای این دو قسمت کلی صحنه عملیات سازماندهی شد.

در بخش اول به حوادث و برخوردهای مرزی منطقه جنوب که قبل از آغاز تهاجم عمومی ارتش متجاوز عراق با ایران به وجود آمد، می پردازیم و قبل از شرح جریان این

حوادث یادآوری این نکته لازم است که اصولاً خط مرز ایران و عراق در منطقه جنوب بر اساس قرار داد الجزایر کاملاً مشخص و میله‌گذاری شده بود، لذا درمرز زمینی این منطقه بین ایران و عراق اختلاف ظاهری وجود نداشت و اما مهم‌ترین عامل اختلاف که مسئله مرزی در اروندرود و مرز آبی بود، در این منطقه قرار داشت، بنابراین انگیزه اساسی جنگ از لحاظ نظامی در این منطقه، در مرز آبی بود. ضمن اینکه از نظر سیاسی نیز مهم‌ترین انگیزه حکومت متجاوز عراق که تسلط بر خلیج فارس و عربی کردن خوزستان بود، در این منطقه قرار داشت، لذا هدف نهایی عراق در تحمیل جنگ به دست آوردن پیروزی‌های سیاسی در منطقه جنوب ایران بود. ولی ادعای ارضی حکومت عراق در قلمرو ایران شامل منطقه مرزی میمک، زینل‌کش (زین‌القدس) و سیف‌سعد بود و این ادعا را بعد از انعقاد قرار داد الجزایر نیز اعلام کرده بوده و همان را بهانه تجاوز به قلمرو ایران و آغاز جنگ عنوان کرد. از این رو برخوردهای شدید مرزی قبل از آغاز جنگ از منطقه غرب و به‌ویژه منطقه مرزی سومار و صالح‌آباد که دو منطقه مورد اختلاف (زینل‌کش و میمک) در آن قرار دارند، شروع شد. در منطقه عملیاتی جنوب چنین بهانه‌ای در دست دولت عراق نبود و به همین دلیل قبل از آغاز تهاجم عمومی عراق برخوردهای جدی بین نیروهای ایرانی و عراقی در منطقه جنوب رخ نداد. اما از زمان تشدید برخوردهای مرزی در غرب، در منطقه عملیاتی جنوب نیز نیروهای مرزی عراق تحریکاتی می‌کردند و ناآرامی‌هایی به وجود می‌آوردند که در بعضی موارد الزاماً مرزداران ایران عکس‌العمل مناسب ولی آرام‌نشان می‌دادند که در این بخش به شرح این حوادث می‌پردازیم.

در مباحث گذشته چگونگی شروع اختلافات سیاسی ایران و عراق بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران بیان شد و حوادثی که به‌وسیله عوامل وابسته به رژیم بعثی عراق در خوزستان به‌ویژه شهرهای خرمشهر و اهواز به وجود آمد، شرح داده شد. این حوادث معمولاً به صورت انفجار و تخریب درتأسیسات شهری، نفتی و تقویت ضدانقلابیون به‌وسیله عمال وابسته به عراق انجام می‌شد، ولی بعضی تحریکاتی نیز در منطقه مرزی به‌وسیله نیروهای مرزی عراق و عوامل نفوذی حزب بعث انجام می‌شد که طبق موازین بین‌المللی از طریق مرزبانی ایران به مرزبان عراق و از طریق وزارت امور خارجه ایران به وزارت امور خارجه عراق اعتراض کتبی داده می‌شد.

برخوردهای مرزی ایران و عراق در منطقه جنوب در فروردین ۱۳۵۹

از نیمه دوم فروردین ۱۳۵۹ فعالیت نظامی ارتش عراق در منطقه مرزی جنوب آغاز شد. نیروی دریایی عراق در شانزدهم فروردین ماه یک برنامه رزمایشی دریایی در آبهای کویت، نزدیک جزیره الدومه انجام داد و لشکر ۱ مکانیزه عراق نیز که از همان روز به حالت آماده‌باش کامل در آمده بود، یک رزمایش صحرائی سه روزه در محور عملیاتی بصره - ام‌القصر اجرا کرد. هدف این رزمایش تمرین عملیات تهاجمی به خاک ایران بود.

در هجدهم فروردین ماه همزمان با اعلام هشدار سیاسی دولت عراق به ایران درباره جزایر غرب تنگه هرمز، نیروی زمینی عراق پاسگاه‌های مرزی آن کشور را در تمام طول مرز ایران از جمله خوزستان تقویت کردند و فعالیت تقویت و تحکیم مواضع پاسگاه‌های مرزی عراق به نحو چشمگیری افزایش یافت که این امر سبب نگرانی افراد پاسگاه‌های مرزی ایران شد. مسئولان پاسگاه‌های مرزی ایران درخواست کردند متقابلاً پاسگاه‌های ایرانی نیز تقویت شوند و ژاندارمری کشور از ستاد مشترک درخواست کرد که نیروی زمینی ایران پاسگاه‌ها را تقویت کند. فعالیت مرزداران عراقی در کرانه جنوبی اروندرود شدیدتر بود. گروهان ژاندارمری خسروآباد ایران گزارش داد، فعالیت‌هایی که در کرانه اروندرود به وسیله افراد عراقی انجام می‌شود تا کنون بی‌سابقه بوده است. با توجه به اولتیماتوم سیاسی و فعالیت مشهود نظامی عراق، نیروی زمینی ایران در هجدهم فروردین ماه به تمامی یگان‌های تابعه آماده‌باش مرحله ۲ - مهیا شدن - را ابلاغ کرد. متن این دستور نیروی زمینی چنین بود: «چون فعالیت‌های مرزی کشور عراق افزایش یافته و به دنبال تهدیدهای رئیس‌جمهور آن کشور نقل و انتقالات نیروهای عراقی در مرز شدت یافته است، دستور فرمایند آماده‌باش مرحله ۲ را به مورد اجرا گذارده نتیجه را گزارش کنند». با توجه به مقدمات یاد شده از روز هجدهم فروردین ماه فعالیت نظامی نیروهای هر دو کشور ایران و عراق در منطقه مرزی آغاز شد. در نوزدهم فروردین ماه ژاندارمری خرمشهر گزارش داد پاسگاه عراقی گمرک شلمچه با سه دستگاه نفربر تقویت شد و با توجه به اطلاعاتی که از واحدهای دیگر رسید، نیروی زمینی ایران دستور داد؛ همه واحدها به استثنای مراکز فرهنگی و آموزشی به حالت آماده‌باش کامل در آیند و آماده برای حرکت به مناطق مرزی

باشند. همزمان با فعالیت نیروی زمینی ارتش عراق، فعالیت گشت‌زنی و شناسایی هوایی آن کشور نیز در ارون‌درو شدت یافت. هنگ ژاندارمری آبادان درخواست کرد برای جلوگیری از تجاوز احتمالی هواپیماها و بالگردهای عراقی به جزیره آبادان به پاسگاه‌های مرزی جنگ‌افزار پدافند هوایی واگذار شود، ولی همان‌گونه که در مطالب قبل گفتیم، در آن زمان مقدمات پدافند هوایی ایران آن قدر نبود که بتواند تمام پاسگاه‌های مرزی را با این جنگ‌افزار تقویت کند، از این‌رو دستور داده شد تیربار ۱۲/۷ در اختیار پاسگاه‌های مرزی قرار داده شود و با این جنگ‌افزار جلو تجاوزات هوایی عراق گرفته شود.

در بیستم فروردین ماه لشکر ۹۲ زرهی اهواز گزارش داد یک واحد بزرگ عراق - حدود دو گردان - در جنوب معبر چیلات - جنوب دهلران - در خاک عراق مستقر شده و موضع و سنگر تهیه می‌کنند. لازم به یادآوری است که در منطقه عملیاتی غرب دزفول یکی از دو محور وصولی مهم، محور علی‌غربی ربوط، عین‌خوش پل کرخه و اندیمشک است که از خاک ایران نیز همین محور به طرف خاک عراق همین حساسیت را دارد و معبر ربوط که در ارتفاعات حمیرین در غرب موسیان و در منطقه مرزی قرار دارد، مهمترین معبر وصولی است. نیروهای عراقی که در مقابل معبر چیلات مستقر می‌شدند به سادگی می‌توانستند با یک تغییر جهت مختصر به شرق، وارد معبر ربوط شوند، از این‌رو از نظر فرماندهان نظامی ایران استقرار هر دو واحد بزرگ عراق در منطقه بین‌علی‌غربی و ارتفاعات مرزی حمیرین می‌توانست تهدید جدی در این منطقه به‌وجود آورد. به همین دلیل استقرار دو گردان عراقی برای لشکر ۹۲ زرهی خوزستان موضوع مهمی بود و نیروی زمینی به لشکر ۹۲ زرهی خوزستان دستور داد متقابلاً اقدامات احتیاطی را به عمل آورند. درباره اهمیت حیاتی منطقه عملیات غرب شوش و دزفول در بررسی نیروهای ایران و عراق در این منطقه صحبت خواهد شد. اجمالاً یادآوری می‌شود که برای دفاع از خوزستان حیاتی‌ترین منطقه همین قسمت است و به همین دلیل در اختلافات شش‌ساله ایران و عراق که از ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۴ ادامه داشت، توجه خاصی به این منطقه شد و در دو گذرگاه اصلی ورودی به این منطقه موضعی ساخته شد که مواضع واقع در ارتفاعات تینه (عین‌خوش) به صورت قابل استفاده درآمد، ولی مواضع دوسلک به‌دلیل پایان یافتن اختلافات نیمه‌کاره رها شد، لذا از آن زمان همیشه یک واحد از عناصر لشکر ۹۲ زرهی در

مواضع عین خوش مستقر می‌شد تا از غافلگیری در مقابل تهاجم نیروهای عراقی جلوگیری شود و در این زمان نیز که شدت اختلافات دوباره آغاز شد. مواضع عین خوش تقویت شد. در منطقه خرمشهر و آبادان نیز واحدهای پدافند هوایی مستقر شد و دستور داده شد هرگونه وسیله هوایی عراق که به خاک ایران تجاوز کند با آتش پدافند هوایی سرنگون شود. ستاد مشترک از نیروی زمینی خواست به واحدهای مستقر در نزدیکی مرز ابلاغ شود پیش‌بینی‌های لازم را به نحوی به عمل آورند که هرگونه تجاوز زمینی و هوایی ارتش عراق را به شدت خنثی کنند. لشکر ۹۲ زرهی اقدامات پدافندی انجام شده در دو روز قبل را چنین گزارش داد:

«کلیه واحدهای لشکر از پادگان‌ها خارج شده و در مناطق پراکندگی گسترش یافته‌اند و دفاع غیرعامل هوایی را اجرا می‌کنند. یک گروه رزمی از تیپ زرهی دزفول در دهلران مستقر شد. گردان ۲۵۶ تانک به عین خوش اعزام شد و گروهان مکانیزه مستقر در آن مواضع را زیر نظر گرفت و یک گروهان از این گردان تانک در موسیان مستقر شد. بقیه یکان‌های تیپ دو زرهی بارگیری کرده‌اند و آماده حرکت به مناطق پیش‌بینی شده هستند. یک گروهان مکانیزه از تیپ سه زرهی دشت آزادگان به بستان حرکت کرد و در شمال بستان مستقر شد. نیروهای گردان دژ مستقر در خرمشهر دژها را اشغال کردند و فقط یک سوم از یک گروهان برای حفاظت در پادگان باقی ماند».

در باره گردان دژ در شرح حوادث منطقه خرمشهر مشروحاً بیان خواهد شد. اجمالاً یادآوری می‌شود که در سال‌های ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۴ برای دفاع در مقابل حملات احتمالی عراق، تعداد شصت دستگاه دژ بتنی در منطقه مرزی از نهرخین تا حاشیه جنوبی هورالهویزه در طول نود کیلومتر ساخته شده بود و هر دژ به وسیله دو قبضه تفنگ ۱۰۶مم ضد تانک، یک قبضه تیربار و دوازده نفر نیرو دفاع می‌شد. این دژها در سه خط مقاومت بودند که در خط یکم، سی دستگاه؛ خط دوم، هجده دستگاه و خط سوم، دوازده دستگاه دژ ساخته شده بود و برای دفاع این منطقه یک گردان پیاده با حدود ۱۳۰۰ نفر نیرو و ۱۲۰ قبضه تفنگ ۱۰۶مم و ۶۰ قبضه تیربار ضد هوایی پیش‌بینی و سازمان داده شده بود. اما بعد از پیروزی انقلاب وضعیت کلی این گردان نیز مانند سایر واحدهای ارتش بود و آمادگی آن فوق‌العاده کاهش یافته بود. به هر حال در مرحله اول آمادگی که از دهه سوم

فروردین ماه ۱۳۵۹ شروع شد، باقیماندهٔ عناصر این گردان در حدود مقدمات موجود خود دژها را اشغال کردند. نکته‌ای که در رابطه این دژها با قرارداد الجزایر باید گفت این است که در هنگام ساختن این دژها خط مرز از پاسگاه کوشک - شصت کیلومتری شمال نهرخین- به بعد تعیین حدود و میله‌گذاری نشده بود. میله‌گذاری در منطقه مرزی خوزستان فقط تا پاسگاه کوشک انجام گرفته بود، از این رو خط احداث دژهای رده یکم به‌طور تقریبی در فاصله سه کیلومتری مرز و در داخل خاک ایران ساخته شد. اما بعد از انعقاد قرارداد الجزایر در سال ۱۳۵۴ هنگام بررسی و تعیین حدود مرزی به‌وسیلهٔ نمایندگان ایران، عراق و الجزایر سه دستگاه دژ ساخته شده در شمال پاسگاه کوشک که هرکدام با فاصلهٔ سه کیلومتر از یکدیگر ساخته شده بودند، جزو قلمرو زمینی عراق منظور شدند و به لشکر ۹۲ زرهی دستور داده شد این سه دستگاه دژ را تخریب کند و اراضی آن منطقه را به مأموران مرزی عراق واگذار کند. همین امر انجام شد و منطقه‌ای به طول تقریبی نه کیلومتر و عمق چهار کیلومتر از خاک ایران به عراق واگذار شد. این امر نمونه‌ای از نتیجهٔ قرارداد الجزایر در مرز زمینی بود که تقریباً در تمام نقاط به ضرر ایران تمام شد.

گفتیم که لشکر ۹۲ زرهی در اجرای امر نیروی زمینی قسمتی از واحدها را به نزدیکی مرز اعزام کرد که علاوه بر واحدهای ذکر شده یک گردان سوار زرهی که در پادگان حمید مستقر بود، تا منطقه دژها جلو رفت و از هورالهویزه تا کوشک را پوشش داد. آتشبارهای پدافند هوایی در نقاط حساس از جمله فرودگاه آبادان مستقر شدند و یک طرح دفاعی تعجیلی بر اساس طرح‌های تمرین شدهٔ سال‌های قبل به مرحلهٔ اجرا گذاشته شد.

از نظر مقامات نظامی تهدید به قدری جدی بود که احتمال بمباران و تخریب سد دز به میان آمد و نیروی زمینی به لشکر ۹۲ زرهی دستور داد یک واحد کوچک پیاده برای حفاظت از سد اعزام کند. ستاد مشترک نیز دستور داد کمیتهٔ تأمین استان تشکیل شود و برای دفاع همه جانبه در مقابل حمله هوایی عراق پیش‌بینی‌هایی به عمل آید، اما از همان روزهای اول کمبودها ظاهر شد و لشکر ۹۲ زرهی گزارش داد برای پوشش هوایی منطقه و تأسیسات نفتی جنگ افزار پدافند هوایی کافی در اختیار ندارد و درخواست کرد حداقل دو آتشبار پدافند هوایی ۲۳م به لشکر واگذار شود.

در بیست و دوم فروردین ماه از شدت هیجانات کاسته شد و نیروی زمینی به لشکر ۹۲ زرهی دستور داد گردان مستقر در دهلران و یک گروهان مکانیزه مستقر در عین خوش را به پادگان دزفول برگرداند و فقط یک گردان تانک در منطقه عین خوش و موسیان باقی بماند. اما با توجه به ناامنی در بعضی از شهرهای خوزستان به ویژه خرمشهر و فعالیت گروه‌های ضدانقلاب و سوابق فعالیت خرابکاری و عوامل نفوذی عراق برآورد شد که ممکن است دولت عراق با وارد کردن اسلحه قاچاق به خوزستان، بعضی گروه‌های ضدانقلاب را مسلح کند و در صورت بروز جنگ، این عوامل احتمالی داخلی منطقه عقب واحدهای خودی را به خطر بیاندازد؛ لذا دستور داده شد خط مرز به شدت مراقبت شود و هرگونه رفت و آمد در مرز تحت کنترل قرار گیرد که طبعاً اجرای این امر مستلزم فعالیت مرزداران ایرانی می‌شد و سبب عکس‌العمل‌هایی از طرف مرزداران عراقی می‌شود. اما به طور کلی از همان آغاز اختلافات عملیات نیروهای عراقی حالت تعرضی و تهاجمی داشت و اقدامات متقابل ایران فقط بهانه‌ای برای آنها بود.

در بیست و دوم فروردین ماه ستاد مشترک اعلام کرد که مرزداران ایران در هنگام مبادله رانده‌شدگان ایرانی از عراق در مرز موسیان، متوجه شده‌اند که در مسیر میله‌های ۱۹/۲۴ مرزی نیروهای عراقی مشغول سنگرکشی و تقویت مواضع هستند، بنابراین از نیروی زمینی خواسته شد به لشکر ۹۲ زرهی دستور دهد این موضوع را به‌طور جدی بررسی کند و چنانچه صحت داشته باشد از طرف نیروهای مرزی ایران اقدامات شدید متقابل به عمل آید. در این روز در منطقه مه‌ران برخوردی بین نیروهای ایرانی و عراقی در حوالی پاسگاه هلاله پیش آمد و نظر به اینکه تیپ ۲ زرهی دزفول نزدیک‌ترین واحد به آن منطقه بود، دستور داده شد یک واحد نظامی را آماده کند تا بنا به دستور به مه‌ران اعزام شود. لشکر ۹۲ نسبت به این دستور اعتراض کرد و پاسخ داد که منطقه نگهبانی و پدافندی این لشکر از شرق رودخانه میمه تا دهانه فاو تعیین شده و منطقه مه‌ران و صالح آباد خارج از منطقه پدافندی لشکر ۹۲ زرهی است، اما رودخانه میمه تا دهانه فاو حدود چهارصد کیلومتر است و یک لشکر زرهی چگونه می‌توانست در جبهه چهارصد کیلومتری دفاع کند.

در بیست و چهارم فروردین ماه مسئله پشتیبانی نزدیک هوایی از یگان‌های زمینی مطرح شد. لشکر از طریق نیروی زمینی درخواست کرد یک دسک هوایی در قرارگاه مستقر

شود، این درخواست مورد موافقت قرار گرفت و درباره آن اقدام شد. تا بیست و سوم فروردین ماه واحدی به منطقه اعزام نشده بود، ولی در این روز از تیپ یک زرهی اهواز یک گروه رزمی به پاسگاه حمید در حدود چهل کیلومتری جنوب اهواز اعزام شد و از این گروه رزمی یک گروهان به منطقه مرزی خرمشهر اعزام شد تا پاسگاه‌های شلمچه، حدود و مؤمنی در کنار نهرخین را پشتیبانی کند. این گروهان زیر امر گردان دژ قرار گرفت، از تیپ ۳ زرهی دشت آزادگان نیز یک گردان به شمال سوسنگرد اعزام شد و در ارتفاعات الله‌اکبر مستقر شد. عناصر ژاندارمری کرانه اروندرود نیز به وسیله لشکر ۹۲ زرهی تقویت شدند و دستور داده شد عملیات گشت‌زنی فعال تا دهانه فاو انجام شود و لشکر سازمان رزمی تیپ‌ها را بر مبنای طرح پدافندی تکمیل کرد و یکان‌های توپخانه، مهندسی، مخابرات و پشتیبانی آمادی را به قرارگاه تیپ‌ها واگذار کرد. از این‌رو در بیست و چهارم فروردین ماه یک آرایش مقدماتی برای عملیات احتمالی پیش‌بینی شد.

در بیست و پنجم فروردین ماه، فرمانده ناحیه ژاندارمری خوزستان از پاسگاه‌های مرزی ایران بازدید کرد و نتیجه بازدید را چنین گزارش داد:

«تمامی پاسگاه‌های مرزی عراق تحکیم مواضع و سنگربندی شده و با تیربار تقویت شده‌اند و در اغلب پاسگاه‌های عراقی نفربرهای زرهی مستقر شده و عملیات جاده‌سازی مرزی با فعالیت اجرا می‌شود، مرزداران عراقی عملیات گشت‌زنی را به حالت نمایش قدرت در مقابل مرزداران ایرانی اجرا می‌کنند و در خاتمه پیشنهاد کرد پاسگاه‌های ایرانی نیز به‌وسیله لشکر ۹۲ زرهی تقویت شوند و اقدامات متقابل به‌وسیله نیروهای ایرانی به عمل آید».

در بیست و ششم فروردین ماه پایگاه دریایی خرمشهر نظر داد که احتمالاً نیروی دریایی عراق در کرانه جنوبی اروندرود آماده می‌شوند به سمت جزیره مینوی ایران حمله و آن جزیره را اشغال کنند. این حوادث نگرانی‌هایی در مقامات مسئول نظامی ایجاد کرد. تقریباً همه مقامات مسئول متوجه تضعیف قدرت ارتش ایران پس از انقلاب بودند، گرچه تصور نمی‌کردند دولت عراق جرئت یک حمله همه‌جانبه را داشته باشد ولی به هر حال باید اقدامات احتیاطی را به عمل می‌آوردند. مسئول سپاه پاسداران خرمشهر متوجه شد که عناصر گردان دژ که در دژها مستقر شده‌اند، توانایی کافی برای پوشش این معبر خطرناک را ندارند و درخواست کرد اجازه داده شود سه دستگاه از دژهای نزدیک محور خرمشهر به

وسیله عناصر سپاه پاسداران اشغال شود و این احساس مسئولیت در آن موقع بسیار گرانبه‌تر و قابل تحسین بود. در بیست و ششم فروردین ماه قسمت عمده عناصر لشکر ۹۲ زرهی در منطقه عملیاتی پیش‌بینی شده گسترش یافتند و مواضع پدافندی خط دوم دفاعی را اشغال کردند تا بتوانند در صورت لزوم سریعاً به مواضع خط اول تغییر مکان دهند. نیروی زمینی برای تقویت لشکر ۹۲ زرهی دستور داد، گردان‌های توپخانه گروه ۲۲ توپخانه قمشه (شهرضا) به خوزستان تغییر مکان کنند و اولین واحد که یک گردان ۱۳۰ م م بود، صبح روز بیست و هفتم فروردین ماه وارد اهواز شد. گسترش خط مقدم پوششی تا پایان فروردین ماه تکمیل شد و از آن تاریخ عملاً واحدهای لشکر ۹۲ زرهی (حداقل به طور متناوب) در منطقه عملیاتی مأموریت‌های گشت‌زنی و مراقبتی انجام دادند.

نظر به اینکه گردان دژ تحرک چندانی نداشت، یک گروهان سوار زرهی از گردان ۲۲۱ مأموریت یافت در منطقه بین شلمچه تا کوشک که حدود شصت کیلومتر است، گشت‌زنی موتوری اجرا کند. یک عامل طبیعی که همیشه در منطقه مرزی جنوب غربی اهواز تا خرمشهر مسئله برانگیز بود، بارندگی‌های شدید و بالا آمدن آب رودخانه کارون در ایران و دجله در عراق بود که معمولاً در چنین حالتی منطقه به‌صورت باتلاقی و غیر قابل عبور در می‌آمد. در اوایل سال ۱۳۵۹ این مسئله طبیعی تا حدودی در این منطقه پیش آمده بود و اشغال تمام دژهای منطقه مقدور نبود، لذا نیروی زمینی به لشکر ۹۲ زرهی دستور داد که با استفاده از نیروهای دژهایی که امکان اشغال آنها نیست، دژهای قابل اشغال را تقویت کنند و در معابر قابل عبور نیروی کافی از عناصر گردان دژ مستقر سازد و به منظور حفظ وحدت فرماندهی ضمن تشکر از افراد سپاه پاسداران از وجود آنان در مناطق حساس دیگر استفاده شود.

لازم به ذکر است که پس از پیروزی انقلاب، حضور افراد سپاه پاسداران در تمام صحنه‌های عملیات داخلی و مرزی به طور فعال نمایان شد و افراد جان‌برکف پاسدار با تکیه بر ایمان قلبی، حاضر بودند در تمام مأموریت‌های خطرناک سهم مهمی داشته باشند. اما از نظر سازماندهی یک واحد نظامی برای اجرای مأموریت جزو اولین ضروریات برقراری وحدت فرماندهی و تفاهم کامل بین فرماندهان و اجرا کنندگان است. در اوایل پیروزی انقلاب و حتی در اوایل جنگ تحمیلی به علت تفاوت سنی افراد سپاه و افراد ارتش، ایجاد

چنین وحدت فرماندهی بسیار مشکل بود، به همین دلیل نیروی زمینی مصلحت دید که در آغاز برخوردها، مسئولیت‌های سپاه و ارتش حتی‌المقدور از یکدیگر مجزا باشد. به دلیل حساسیت منطقه خوزستان رئیس جمهور که اختیارات فرماندهی کل قوا نیز از طرف امام به وی تفویض شده بود، در بیست و نهم فروردین ماه از منطقه عملیاتی خوزستان و گسترش واحدهای لشکر ۹۲ زرهی بازدید کرد و در حضور ایشان با موشک‌انداز ضدتانک تاو در تپه علی‌گزه زد واقع در محور اندیمشک دهلران، تیراندازی آموزشی اجرا شد که نتیجه بسیار مطلوب بود.

در این بازدید رئیس جمهوری در سخنرانی کوتاهی برای افراد واحدهای مستقر در آن موضع گفت: «من و تمام ایرانیان به وجود تمامی سربازان ورزیده و شجاع که عهده‌دار دفاع از مرزهای کشور جمهوری اسلامی هستند، به خود می‌بالیم.» رئیس جمهور از مواضع دیگر از جمله عین‌خوش هم بازدید کرد و در سخنرانی برای افراد مستقر در عین‌خوش گفت: «ما قصد جنگ با هیچ کشوری را نداریم لیکن تحریک ابرقدرت‌ها سبب شده است برای دفاع از وطن عزیزمان، ایران، بهترین فرزندان این میهن را به این مأموریت اعزام داریم. به امید آن روزی که تمامی سرزمین‌هایی که در صدر اسلام متعلق به مسلمانان بود، از قید و بند رها و با وحدت کاملی، ایران قلب این سرزمین اسلامی شود.» سرانجام رئیس جمهور از مواضع تمام یگان‌های گسترش یافته از موسیان تا بستان، جفیر و کوشک بازدید کرد.

در بالا اشاره شد که افراد سپاه پاسداران با روحیه خاصی در صحنه‌های عملیات حضور داشتند، گرچه این احساسات در نوع خود قابل تقدیس بود ولی از نظر طرح‌ریزی و هدایت عملیات حساس که عواقب حیاتی برای کشور و ملت ایران داشت، لازم بود احساسات کنترل شود؛ اما در بعضی موارد این کنترل از دست فرماندهان خارج می‌شد و افراد احساساتی اقداماتی می‌کردند که با تدبیر کلی نیروهای مسلح و دولت جمهوری اسلامی ایران هماهنگی نداشت که نمونه این وضع را در گزارش روز سوم اردیبهشت ماه مرزبانی ژاندارمری خرمشهر ملاحظه می‌کنیم. این مرزبانی گزارش داد که در دوم اردیبهشت ماه تمامی پاسداران جمعی پاسگاه حدود، جمعی گردان ژاندارمری خرمشهر اقدام به تظاهرات و دادن شعارهایی کردند که سبب تحریک مأموران عراقی شد و بعد از پانزده دقیقه یک

کامیون عراقی حامل نیروهای تقویتی به پاسگاه عراقی وارد شد. فرمانده ناحیه ژاندارمری خوزستان در پاسخ این گزارش به فرمانده گردان خرمشهر دستور داد، ضمن تقدیر از احساسات پاسداران به آنان خاطر نشان شود که این گونه اقدامات آثار سوئی در روابط بین دو کشور ایران و عراق به وجود می‌آورد.

برخوردهای مرزی ایران و عراق در منطقه جنوب در اردیبهشت ۱۳۵۹

در اول اردیبهشت ماه نیروهای تقویتی کافی برای منطقه مرزی نهرخین، جزیره مینو و اروندرود اعزام و مستقر شد که شامل عناصری از لشکر ۹۲ زرهی و سپاه پاسداران بود. واحدهای گروه ۲۲ توپخانه به مرور وارد خوزستان شدند و طبق طرح عملیاتی لشکر در مواضع مناسب استقرار یافتند، اما این واحدها هم مانند واحدهای دیگر استعداد رزمی کامل خود را نداشتند؛ چنان که یک گردان توپخانه ۱۳۰م که در تاریخ دوم اردیبهشت ماه از گروه ۵۵ توپخانه اصفهان به اهواز وارد شد. از هجده قبضه توپ سازمانی فقط هشت قبضه توپ همراه داشت؛ یعنی از پنجاه درصد استعداد سازمانی هم کمتر بود. لشکر ۹۲ زرهی آخرین وضعیت تغییر مکان و گسترش در منطقه خوزستان را در چهارم اردیبهشت ماه چنین گزارش داد: چهار قبضه تفنگ ۱۰۶م به جزیره مینو اعزام شد تا در تقویت ژاندارمری قرار گیرد. گردان ۴۱۴ برای احداث یک پل نظامی شناور در رودخانه کرخه در منطقه حمیدیه اقدام کرد تا واحدهای تیپ ۳ زرهی بتوانند در محور پادگان حمیدیه - تپه‌های الله‌اکبر بستان - شمال کرخه - رفت و آمد کنند. گردان ۳۸۷ توپخانه ۱۷۵م گروه ۲۲ توپخانه در اول اردیبهشت ماه وارد اهواز شد و به خرمشهر اعزام گردید. به منظور هماهنگ کردن عملیات یکان‌های مستقر در خرمشهر و جزیره آبادان یک مرکز عملیات تاکتیکی به نام فرماندهی اروند در خرمشهر تشکیل شد و از سوم اردیبهشت آغاز به کار کرد. در چهارم اردیبهشت ماه چند نفر افسر از نیروی دریایی نیز به فرماندهی اروند مأمور شدند و یک ستاد عملیاتی زمینی دریایی در خرمشهر تشکیل شد. در ششم اردیبهشت یک گردان ۱۵۵م توپخانه از اصفهان به مقصد اهواز حرکت کرد و به این طریق واحدهای توپخانه گروه‌های ۵۵ و ۲۲ به مرور وارد خوزستان شدند. در هفتم اردیبهشت ماه یک هواپیمای مسافری سبک عراقی که در منطقه مرزی هورالهویزه به خاک ایران تجاوز کرده

بود، به وسیله هوایماهای جنگنده ایران در همان محل مورد اصابت گلوله قرار گرفت. هوایما مجبور به فرود شد و سرنشینان آن سالم به وسیله عوامل ایران نجات داده شدند، ولی عوامل عراقی تلاش کردند منطقه سقوط هوایما را به دقت شناسایی کنند. لذا خبر رسید که تعدادی از عوامل عراقی با بالگرد در منطقه سقوط هوایمای عراقی فرود آمده‌اند و قصد انهدام هوایمای عراقی را دارند و افراد ژاندارمری به محل اعزام شدند، ولی برخوردی پیش نیامد. در این روز لشکر ۹۲ زرهی گزارش داد پل نظامی بر روی رودخانه کرخه در هفتم اردیبهشت ماه آماده شد و واحدهای تیپ ۳ زرهی از پادگان حرکت کردند و با عبور از آن پل در ارتفاعات غرب رودخانه کرخه در محور حمیدیه - الله‌اکبر بستان گسترش یافتند. ضمناً لشکر گزارش داد در هفتم اردیبهشت ماه یک فروند هوایمای عراقی بر فراز آبادان پرواز کرد که با آتش توپخانه پدافند هوایی ایران مجبور به فرار شد. همچنین پیشنهاد کرد پایگاه هوایی دزفول فعال تر شود و هرگونه هوایمای متجاوز را به موقع سرنگون سازد. در این روز گردان ۳۴۱ توپخانه ۱۳۰م گروه ۲۲ توپخانه از پادگان دژ خرمشهر به منطقه مواضع آتش تغییر مکان یافت و آماده اجرای آتش به نیروهای متجاوز عراقی شد.

در هشتم اردیبهشت ماه نیز یک فروند هوایمای عراقی در منطقه آبادان به قلمرو هوایی ایران تجاوز کرد که با آتش پدافند هوایی ایران مجبور به فرار شد.

در نهم ماه اردیبهشت هنگ ژاندارمری آبادان اعلام کرد که بر اساس گزارش گردان خرمشهر در هشتم اردیبهشت ماه بیش از بیست دستگاه کامیون و نه دستگاه نفربر زرهی و تانک شبانه با چراغ روشن از سمت بصره به شلمچه عراق آمدند و در پاسگاه مرزی عراق مستقر شدند.

با توجه به پروازهای مکرر هوایماها و بالگردهای عراقی بر فراز اروندرود، ستاد مشترک ابلاغ کرد که از نظر ایران این پروازها غیر مجاز است و دستور داد هر وسیله هوایی عراق که بر فراز اروندرود به پرواز درآید، مورد هدف قرار گیرد و سرنگون شود. در یازدهم اردیبهشت ماه ژاندارمری خرمشهر گزارش داد نیروهای مرزی عراق در این منطقه به طور غیرعادی تقویت شده‌اند و در شب قبل نیروهای عراقی برای اولین بار چهار گلوله منور در منطقه مرزی شلیک کردند.

نظر به اینکه تهدیدهای جدی حکومت بعثی عراق از اوایل دهه ۱۹۵۰ مشهود بود، ارتش ایران یک طرح پدافند هوایی موشکی برای خوزستان در مقابل حملات هوایی عراق به مرحله اجرا گذاشت، ولی قبل از پیروزی انقلاب پایگاه اهواز و ماهشهر عملیاتی نشده بود و این نقص بعد از بروز بحران جدی بین ایران و عراق اهمیت ویژه‌ای پیدا کرد؛ اما دیگر اقدامی میسر نشد و نیروی هوایی در دوازدهم اردیبهشت ماه مشکلات تکمیل این پایگاه‌های پرتاب موشک زمین به هوا را به ستاد مشترک اعلام کرد.

با توجه به اینکه در استان خوزستان و قسمت جنوبی استان ایلام فقط لشکر ۹۲ زرهی ارتش ایران مستقر بود و این لشکر استعداد رزمی کافی برای دفاع در تمام جبهه چهارصد کیلومتری را نداشت، نیروی زمینی به مرکز زرهی دستور داد تیپ ۳۷ زرهی را که در پشتیبانی آموزشی مرکز بود، به خوزستان اعزام دارد، لذا اولین قسمت این تیپ در دهم اردیبهشت ماه وارد اندیمشک شد و زیر امر تیپ ۲ زرهی دزفول قرار گرفت و در سیزدهم اردیبهشت ماه یک مرکز پشتیبانی نزدیک هوایی در اهواز تشکیل شد. لازم به یادآوری است که تیپ ۳۷ زرهی در اسم یک تیپ بود ولی در عمل یک گردان تانک تقویت شده بود که گروهان‌های تانک آن از انواع تانک‌های ام-۴۷، ام-۶۰ و چیفتن تشکیل می‌شد. این تیپ پس از ورود به خوزستان به دو گروه رزمی - گردانی تقسیم شد. یک گروه رزمی در غرب شوش و گروه رزمی دیگر در منطقه اهواز مستقر گردید. تقویت یکان‌های مرزی ایران و عراق روز به روز بیشتر می‌شد. در چهاردهم اردیبهشت ماه ستاد مشترک به ژاندارمری کشور دستور داد، تمامی پاسگاه‌های مرزی را باتیربار تقویت کند، زیرا پاسگاه‌های مرزی ایران معمولاً دارای نفرات پیاده با جنگ‌افزار سبک بودند و در بعضی پاسگاه‌های مرکزی خمپاره‌انداز سبک و تیربار نیز وجود داشت. لازم به یادآوری است که در زمان رژیم سلطنتی در نظر بود هنگ‌های ژاندارمری مستقر در مناطق مرزی به صورت واحد مکانیزه در آیند که در زمان جنگ تبدیل به هنگ رزمی شوند، به همین دلیل تعدادی نفربر چرخدار روسی به بعضی از یکان‌های ژاندارمری واگذار شد، ولی بعد از مدتی این طرح کنار گذاشته شد و فقط در منطقه هر ناحیه ژاندارمری یک گردان ضربت تشکیل شد که مقدرات یک گردان رزمی متوسط مکانیزه را داشت و در جنگ تحمیلی در خوزستان از

این گردان‌ها به نحو مطلوب استفاده شد. و یکان‌های رزمی ژاندارمری با خودگذشتگی تمام در جنگ انجام وظیفه کردند.

از جمله مسائلی که در کاربرد یکان‌های نظامی در زمان جنگ حایز اهمیت است، تعویض دوره‌ای و نوبه‌ای آنها بعد از حداقل ۹۰ روز و حداکثر ۱۸۰ روز است. در ارتش‌های منظم سعی می‌شود برای حفظ روحیه و میل به جنگجویی این روش رعایت گردد، اما اجرای این روش مستلزم داشتن نیروهای کافی در رده احتیاط، رده عقب و غیر درگیر است؛ در حالی که در نیروی زمینی از همان آغاز گسترش یکان‌ها در مناطق عملیاتی ملاحظه شد که به دلیل وسعت زیاد جبهه‌ها عملاً هر واحدی که به منطقه عملیات وارد می‌شد، مسئولیت پوشش و دفاع یک منطقه نبرد به آن واحد واگذار می‌شد و نیرویی در احتیاط باقی نمی‌ماند تا تعویض نوبه‌ای را اجرا کند و در نتیجه عدم تعویض واحدها سبب تضعیف روحیه افراد خط مقدم می‌شد. این وضع تقریباً در تمام طول جنگ ادامه داشت و این مشکل با دادن مرخصی نوبه‌ای به افراد حل شد و نتیجه هم بسیار رضایت بخش بود.

دولت عراق به منظور ایجاد ناآرامی در منطقه مرزی خوزستان عوامل نفوذی خود را به داخل خاک ایران اعزام می‌کرد و یا با عوامل خائن ایرانی به وسیله سازمان‌های جاسوسی تماس می‌گرفت و برنامه‌های تخریبی خود را به کمک آنها اجرا می‌کرد. در شانزدهم اردیبهشت ماه چند نفر از این عوامل نفوذی شبانه به پل بستان حمله کردند و پس از تیراندازی‌های بی‌هدف متواری شدند. بر اثر این تیراندازی یکی از سربازان محافظ پل از ناحیه صورت تیر خورد و شهید شد. در نوزدهم اردیبهشت ماه نیز عوامل مرزی عراق در مقابل پاسگاه کیلومتر ۲۵ شمال شلمچه شبانه تیراندازی‌هایی اجرا کردند و ژاندارم‌های ایرانی متقابلاً به تیراندازی آنها پاسخ دادند. از این‌گونه اقدامات تحریک‌آمیز که مقدمات شروع برخوردهای جدی بود به طور متناوب در پاسگاه‌های مختلف مرزی انجام می‌شد؛ چنان که در ساعت ۰۲۳۰ روز بیست و یکم اردیبهشت ماه تعدادی از عوامل نفوذی عراق که موفق شده بودند به شهر بستان نزدیک شوند، مرکز گروهان ژاندارمری بستان را به مدت ۲۰ دقیقه زیر آتش سلاح سبک قرار دادند و بر اثر تیراندازی متقابل ژاندارم‌ها، عراقی‌ها متواری شدند و احتمالاً از طریق باتلاق هورالهویزه به عراق فرار کردند. در ساعت ۱۷۳۰ همان روز بار دیگر تعدادی از عشایر مرزی عراق به تحریک دولت عراق به منطقه

سکونت عشایر مرزی ایران در حراجیه سوسنگرد حمله کردند و زد و خورد بین عشایر ایرانی و عراقی در گرفت که با وارد عمل شدن ژاندارمری ایران عشایر عراقی عقب‌نشینی کردند و غائله خاتمه یافت.

لازم به یادآوری است که از جمله مناطق مرزی خوزستان که بین عشایر مرزی ایران و عراق اختلاف مداوم وجود داشت، منطقه ساهندی در غرب سوسنگرد بود. در این منطقه که قسمتی از باتلاق هورالهویزه است، کشتزارهای برنج وجود دارد و نظر به اینکه خط مرز به طور دقیق مشخص نبود، بعضی موارد برای اشغال مناطق مناسب برای کشت برنج بین مرزنشینان ایرانی و عراقی برخوردهایی ایجاد می‌شد. در سال‌های ۵۴-۱۳۴۸ نیز از جمله مناطق ناآرام بین دو کشور همین منطقه بود و در این منطقه علاوه بر مسئله سیاسی و ارضی بین دو کشور مسئله منافع شخصی مرزنشینان نیز مطرح بود، به طوری که این موضوع منافع شخصی گاهی سبب برخورد عشایر مرزی می‌شد. در بررسی حوادث منطقه غرب اشاره شد که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران سامانه فرماندهی و کنترل در ارتش دچار دگرگونی‌هایی شد. از جمله این دگرگونی‌ها حضور مقامات غیر نظامی در صحنه فعالیت‌های نظامی و دخالت آنان در مسائل نظامی بود که این وضع در خوزستان نیز به وجود آمد. لشکر ۹۲ زرهی در اواخر اردیبهشت گزارش داد استاندار خوزستان از فرمانده لشکر خواسته است که هفته‌ای یک‌بار استاندار را با وضعیت نظامی منطقه توجیه کند و اطلاعات کامل از وضعیت نیروهای ایران و عراق در اختیار استاندار و سایر مقامات غیرنظامی استان قرار دهد. ضمناً استاندار تصمیم گرفته است، هفته‌ای یک‌بار از وضعیت گسترش و استعداد واحدهای نظامی بازدید کند. فرمانده لشکر اظهار نظر کرده بود که اگر این بازدیدها از نظر نیروی زمینی منطقی به نظر نمی‌رسد از طریق مقامات کشوری به آقای استاندار ابلاغ شود تا از این برنامه صرف نظر کند.

متن این پیام نمایانگر این است که فرمانده لشکر با این امر موافق نبوده است و باید یاد آور شویم که اصولاً در تمام ارتش‌های جهان کار نظامی‌گری به نظامیان محول می‌شود و مقامات رسمی غیرنظامی فقط در سطح مسائل ملی و مهم با نظامیان تبادل نظر می‌کنند، لذا دخالت غیر نظامیان در امور نظامی در تمام ارتش‌های جهان با استقبال چندانی مواجه نمی‌شود. اما انقلاب مردمی همه معیارها را تغییر داده و الگوهای استاندارد

ملی و بین‌المللی به کنار گذاشته می‌شوند و اصولاً الگویی باقی نمی‌ماند تا معیار سنجش‌ها باشد و این وضع تا بازگشتن ثبات کامل به کشور و استقرار حاکمیت قاطع دولت انقلابی در آن ادامه می‌یابد. در کشور ایران نیز همین وضع به وجود آمده بود و تا سال اول جنگ وجود داشت و این وضع سبب عنوان شدن موضوعی به نام تعدد مراکز قدرت شده بود که مورد گله و شکایت تمام مقامات مسئول کشور بود، اما مسئله‌ای زایدۀ انقلاب بود و فقط مرور زمان می‌توانست به این وضع خاتمه دهد. بنابراین درچنین شرایطی دخالت استاندار در امور نظامی منطقه چندان غیر عادی نبود و در آغاز جنگ این دخالت آثار مثبتی هم داشت که در شرح عملیات صحنه‌های مختلف به آن اشاره خواهد شد.

اما در باره درخواست استاندار خوزستان در خصوص بازدید از واحدهای نظامی گسترش یافته، موضوع از طریق نیروی زمینی به ستاد مشترک اعلام شد و ستاد مشترک از وزارت کشور خواست به استاندار خوزستان ابلاغ شود از دخالت در مسائل نظامی خودداری کند و چنانچه استاندار نظریات خاصی درمورد منطقه دارد در شورای تأمین استان مطرح کند.

در اواخر اردیبهشت ماه گسترش و آرایش واحدهای نظامی در منطقه عملیاتی خوزستان با توجه به استعداد واحدهای موجود تکمیل شد و یکان‌های لشکر ۹۲ زرهی و تیپ ۳۷ مرکز زرهی و گروه‌های ۲۲ و ۵۵ در مناطق عملیاتی مناسب مستقر شدند. نظر به این که منطقه عملیات جنوب با وجود باز بودن زمین منطقه عملیات در اغلب مناطق مرزی قابل عبور است و نیز به دلیل اینکه نیروهای عراقی در مناطق ویژه‌ای که معابر وصولی عمده بود، مستقر شده بودند، عناصر لشکر ۹۲ زرهی و یکان‌های زیر امر آن نیز در مقابل معابر خطرناک به صورت گردان و تیپ استقرار یافتند و حتی المقدور از تجزیه بیش از حد لشکر خودداری شد. در صورتی که همان‌گونه که شرح داده شد در کرمانشاه و ایلام تجزیه واحدها به دلیل نیاز منطقه خیلی زیاد بود. واحدهای لشکر ۹۲ زرهی در ۳ منطقه اصلی عملیاتی متمرکز شدند (که عبارت بود از منطقه عملیاتی غرب دزفول و شوش، منطقه عملیاتی غرب اهواز شامل منطقه سوسنگرد و بستان و سرانجام منطقه عملیاتی خرمشهر) که برای این منظور تیپ ۲ زرهی با یک گروه رزمی از تیپ ۳۷ مرکز زرهی و گردان‌های توپخانه پشتیبانی‌کننده در غرب دزفول و شوش، تیپ ۳ زرهی در منطقه

سوسنگرد، بستان و تیپ ۱ زرهی با یک گروه رزمی از تیپ ۳۷ زرهی در جنوب غربی اهواز گسترش یافتند و یک گردان تانک و یک گردان مکانیزه نیز به خرمشهر اعزام شد و در اختیار فرماندهی اروند قرار گرفت، ضمن اینکه گردان دژ نیز در خرمشهر بود و با همین سازمان رزمی در آغاز جنگ تحمیلی در مقابل شش لشکر مجهز زرهی و مکانیزه عراق به مبارزه برخاست که شرح این مبارزات در بررسی جریان عملیات هفته‌های اول جنگ بیان خواهد شد.

با توجه به مسائلی که گفته شد در دو ماه اول سال ۱۳۵۹ برخورد قابل ملاحظه‌ای بین نیروهای ایرانی و عراقی در منطقه عملیاتی جنوب اتفاق نیفتاد و در خرداد ماه نیز وضعیت عملیاتی این منطقه کم و بیش در همین شرایط بود و جنگی در نگرفت. اما ذکر حوادث جزئی می‌تواند ما را به کمیت و کیفیت توانایی‌های راهبردی و تاکتیکی ایران و عراق بهتر آگاه سازد و راهنمای مناسبی برای پی بردن به چگونه آغاز شدن و چرا آغاز شدن و چگونه هدایت شدن جنگ باشد.

برخوردهای مرزی ایران و عراق در منطقه جنوب در خرداد ۱۳۵۹

در سوم خرداد ماه، دو نفر عامل نفوذی عراق قصد داشتند شبانه از مرز عبور کنند و وارد ایران شوند که با عکس‌العمل نیروهای ایرانی مواجه شدند. افراد پاسگاه مقابل عراقی نیز متقابلاً اقدام به تیراندازی کردند و مبادله آتش بین دو پاسگاه انجام گرفت، ولی بدون تلفات و خسارات پایان یافت و در این مورد از سوی مرزبانی ایران به مرزبانی عراق اعتراض شد. در ساعت ۰۱۴۰ روز هشتم خرداد عده‌ای از افراد مسلح عراقی پل رودخانه دویرج واقع در نزدیکی پاسگاه فکه را زیر آتش خمپاره گرفتند. تیراندازی از ارتفاعات مرزی مشرف به پل اجرا شد. مأموران پاسگاه مرزی فکه عکس‌العمل نشان دادند و در نتیجه مهاجمان عراقی تیراندازی را قطع کردند.

در این تاریخ در منطقه مهران برخوردهای شدید مرزی بین نیروهای ایرانی و عراقی در جریان بود که در بررسی حوادث منطقه غرب بیان شد، اما منطقه عملیاتی مهران در حد مشترک منطقه مسئولیت لشکر ۸۱ و ۹۲ زرهی قرار داشت و به نسبت حساسیت وضعیت و امکان اعزام سریع نیروهای تقویتی از تیپ زرهی دزفول و یا از تیپ زرهی

اسلام‌آباد غرب نیروهای لازم به آن منطقه اعزام می‌شد، البته مسافت از دزفول تا مهران حدود ۲۵۰ کیلومتر و از اسلام‌آباد نیز همین حدود است و در طرح‌های کلی مسئولیت این منطقه به تیپ ۸۴ پیاده مستقر در خرم‌آباد محول شده بود که مسافت از خرم‌آباد تا مهران حدود پانصد کیلومتر است، از این رو در مواقع اضطراری به منظور سرعت عکس‌العمل از تیپ دزفول یا اسلام‌آباد نیروهایی به مهران اعزام می‌شد و در زمان وقوع حوادث مرزی هم از لشکر ۸۱ و هم از لشکر ۹۲ عناصری به مهران اعزام شدند. از جمله این یگان‌ها یک دسته خمپاره‌انداز ۱۲۰م با یک دسته پیاده از تیپ ۲ دزفول به مهران اعزام شد و زیر امر گروهان ژاندارمری مهران قرار گرفت و در تقویت پاسگاه بهرام‌آباد گذاشته شد.

در نهم خرداد ماه ستاد مشترک اعلام کرد که مرزبانی بصره به عنوان اعتراض به مرزبانی ایران یادداشتی تسلیم کرده است مبنی بر اینکه در تاریخ بیست و سوم اردیبهشت ماه مأموران ایرانی مقابل جزیره ام‌الرصاص عراق به آن جزیره تیراندازی کرده‌اند. در همان روز هنگ ژاندارمری آبادان گزارش داد که شب قبل نیروهای مرزی عراق به سوی افراد گشتی پاسگاه خین ایران تیراندازی کردند که از طرف گشتی‌های ایران پاسخ متقابل داده شد و مرزبانی خرمشهر در این مورد به مرزبان بصره عراق اعتراض کرد.

از منطقه مرزی دهلران نیز خبر رسید که نیروهای عراقی در مقابل پاسگاه چیلات تقویت شده‌اند و در حوالی پاسگاه فکه نیز تیراندازی پراکنده انجام داده‌اند و به لشکر ۹۲ زرهی دستور داده شد در صورت لزوم پاسگاه فکه را تقویت کند. از منطقه مرزی مهران خبر رسید که برخوردهای شدیدی بین نیروهای ایرانی و عراقی رخ داده و فرمانده تیپ دزفول که در آن زمان فرماندهی منطقه عملیات مهران را به عهده داشت، گزارش داد: «با آتش مؤثر خمپاره‌اندازهای ایران به پاسگاه‌های مرزی عراق خسارات شدیدی وارد شد» (نظر به این که حوادث مرزی منطقه عملیاتی مهران در شرح عملیات منطقه غرب بیان شده از تکرار شرح این حوادث در عملیات منطقه جنوب خودداری می‌کنیم).

در بررسی وضعیت کلی خوزستان بعد از پیروزی انقلاب بیان شد که عوامل ضدانقلاب داخلی و عوامل نفوذی عراق در استان خوزستان اقدامات خرابکاری و آشوبگرانه برپا کردند

و تخریب و انفجاراتی در مناطق مسکونی و در تأسیسات نفتی انجام دادند. نظر به اینکه در اوایل انقلاب به علی که بیان شد مقدرات نیروهای انتظامی شهربانی و ژاندارمری برای خنثی کردن این فعالیت‌های خرابکاری و براندازی کافی نبود، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی قسمت مهمی از وظایف نیروهای انتظامی را به عهده گرفت، ولی این نیروی مردمی هنوز سازمان و تجهیزاتی در اختیار نداشت و تجهیز کردن آن مستلزم واگذاری سلاح و تجهیزات از ارتش و ژاندارمری بود که به نحو مطلوب انجام نمی‌گرفت. از این‌رو در تاریخ دهم خرداد ماه سپاه پاسداران خوزستان گزارشی به شرح زیر به مقامات مسئول داد که بیانگر چگونگی انجام وظیفه این نهاد انقلابی است:

«همان‌گونه که استحضار دارید سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اهواز مسئولیت حفاظت از خطوط لوله و تأسیسات نفت منطقه استحضاطی را پذیرفته است و در این مسیر تا به حال قدم‌های مؤثری با همه کارشکنی‌ها و عدم همکاری مسئولان شرکت نفت منطقه در راستای سازماندهی نیروها و برنامه‌ریزی برداشته است. متأسفانه پس از زحمات شبانه‌روزی تا به حال نتوانستیم سلاح‌های مورد نیاز این سازمان را تهیه کنیم و این خود یکی از مشکلاتی است که موجب عدم انجام کارهای حفاظتی شده است، از این‌رو مستدعی است اوامری برای رفع این کمبودها صادر فرمایند. سلاح مورد نیاز عبارتند از تفنگ ژ-۳ به تعداد پانصد قبضه، کلت پانصد قبضه».

در نیمه شب نهم خرداد ماه عناصر مکانیزه عراق در نزدیکی پاسگاه سمیده ایران واقع در شمال فکه حرکاتی انجام دادند و چند گلوله منور به سمت پاسگاه ایرانی پرتاب کردند. این‌گونه تحریکات علنی طبعاً سبب عکس‌العمل‌هایی از طرف مأموران پاسگاه‌های مرزی ایران می‌شد، گرچه حتی‌المقدور سعی می‌شد از گسترش دامنه حوادث جلوگیری به عمل آید و معمولاً به تیراندازی ایدایی متقابل اکتفا می‌شد، ولی همین اقدامات جزئی زمینه را برای یک برخورد همه‌جانبه آماده می‌کرد، زیرا مسلماً مأموران مرزی عراق بدون اجازه و اطلاع فرماندهان رده بالاتر خود جرئت اقدام به هیچ عمل خصمانه‌ای در منطقه مرزی نداشتند و هر اقدامی که به وسیله مأموران مرزی عراق انجام می‌شد، قطعاً بر اساس طرح و برنامه‌ریزی فرماندهی کل نیروهای مسلح عراق و به دستور آن فرماندهی بود. در حالی که در آن شرایط انقلابی ایران اگر بر فرض هم به ندرت یک یا چند نفر از افراد سپاه پاسداران

انقلاب اسلامی که تحت تأثیر شور انقلابی خود قرار می‌گرفتند و شعاری در مقابل مزدوران عراقی می‌دادند، به هیچ وجه بر اساس طرح و برنامه دولت جمهوری اسلامی ایران نبود و مقامات عراقی نیز به این امر کاملاً واقف بودند. اما جریان حوادث نشان داد که دولت عراق تمام تحریکات مرزی را برای فراهم کردن زمینه مناسب برای جنگ تحمیلی انجام می‌داد و همه کارهای آنها براساس طرح و برنامه بود.

با توجه به اقدامات تحریک‌آمیز و خطرناکی که مأموران مرزی عراق در منطقه فکه انجام می‌دادند، لشکر ۹۲ زرهی به کد ۱۳۸ دستور داد که یک خیز به جلوتر تغییر مکان داده و در معبر دوسلک، واقع در شرق فکه مستقر شود. همچنین پاسگاه‌های مرزی منطقه فکه تا موسیان به این شرح تقویت شدند: یک قبضه خمپاره‌انداز ۱۲۰م با مهمات کافی در پشتیبانی پاسگاه پیچ‌انگیزه و یک قبضه خمپاره‌انداز ۸۱ در پشتیبانی پاسگاه مربوطه. دو دستگاه تانک در پاسگاه سمیده مستقر شدند و به گروهان تانک مستقر در موسیان دستور داده شد در صورت لزوم پاسگاه‌های مرزی بیات و نهرعنبر را تقویت کند. گفتیم که تأمین منطقه داخلی خوزستان به سپاه پاسداران محول شده بود و آنها نیز سلاح و مهمات نداشتند و درخواست کردند ارتش این وسایل و تجهیزات را در اختیار آنها قرار دهد، اما مقامات نظامی با واگذاری سلاح و تجهیزات به سپاه پاسداران موافقت نکردند و استاندار خوزستان نظر داد چنانچه این وسایل مورد نیاز واگذار نشود، الزاماً باید از بازار آزاد خریداری شود. ولی مگر امکان داشت که پانصد قبضه تفنگ ژ-۳ از بازار آزاد خریداری کرد؟ باید توجه داشت که یکی از مشکلات عمده ایران قبل از جنگ تحمیلی و حتی می‌توان گفت قبل از تشکیل وزارت سپاه، تهیه وسایل مورد نیاز سپاه بود. مسلماً ارتش ایران حتی در زمان رژیم سلطنتی مقدوراتی برای تجهیز نیروهای ده‌ها و صدها هزار نفری علاوه بر نیروهای تحت امر را نداشت. البته برنامه‌هایی برای تجهیز نیروی پایداری در زمان رژیم سلطنتی طرح‌ریزی شده بود، ولی این برنامه‌ها به مرحله عمل در نیامد و برای مسلح کردن نیروی پایداری، پیش‌بینی شده بود تا تفنگ‌های خارج از رده برنو و ام ۱ را در زمان جنگ به افراد سازمان‌های نیروی پایداری تحویل دهند. اما دربارهٔ اسلحه، تنها داشتن خود اسلحه کافی نیست و مهمات نیز باید وجود داشته باشد. برای تهیه مهمات جنگ‌افزار از رده خارج باید در کارخانجات مهمات‌سازی یک خط تولید ویژه به عنوان ذخیره پیش‌بینی

شود یا این که تولید جنگ افزار مورد استفاده به قدری زیاد باشد که بتواند نیاز بسیج عمومی را فراهم کند. البته احتمالاً در انبارهای سلاح فرماندهی آماد نیروی زمینی و صنایع نظامی تعدادی تفنگ ژ-۳ برای ذخیره نگهداری می‌شد، اما به دلیل این که تعداد قابل ملاحظه‌ای از جنگ افزار انفرادی نیروهای مسلح در جریان انقلاب به دست انقلابیون افتاد، بعد از تشکیل مجدد واحدهای ارتش، ژاندارمری و شهربانی حتی این سازمان‌ها هم با کمبود فوق‌العاده سلاح انفرادی مواجه بودند، لذا امکان واگذاری تعدادی از سلاح موجود خود به سپاه پاسداران را نداشتند و این در حالی بود که واقعاً سپاه پاسداران به اسلحه و تجهیزات نیاز داشت و ارتش هم قادر به پاسخگویی این نیاز نبود و این امر گله و شکوه دو سازمان را از یکدیگر باعث می‌شد. به هر حال این امر مشکلی بود که به دولت جمهوری اسلامی مربوط می‌شد و در رده‌های پایین‌تر کسی مسئول این امر نبود.

جریان حوادث برخوردهای مرزی را ادامه می‌دهیم. در چهاردهم خرداد ماه مرزبانی بصره اعتراض دیگری به ایران تسلیم کرد مبنی بر اینکه قایق‌های گشتی ایرانی در اروندرود به یک قایق ماهیگیری عراق تیراندازی کرده و یک نفر ماهیگیر عراقی را کشته‌اند، لذا دامنه برخوردها به مرز آبی اروندرود نیز کشیده شد.

در هفدهم خرداد ماه نیروی زمینی قبول کرد که در شرایط عملیاتی فعال لشکر ۹۲ زرهی قادر نخواهد بود منطقه عملیاتی مهران را نیز اداره کند، لذا تغییراتی در منطقه مسئولیت لشکرهای ۸۱ و ۹۲ زرهی داد و منطقه مهران را به لشکر ۸۱ زرهی واگذار کرد و دستور داد فرمانده تیپ دزفول به پادگان مربوطه مراجعت کند و مسئولیت منطقه مهران را به فرماندهی لشکر ۸۱ واگذار نماید.

از جمله مسائل مرزی که در منطقه ایلام و بین ایران و عراق وجود داشت، ذخایر زیرزمینی نفت بود که در سفره‌های نفتی گسترش یافته در منطقه مرزی بین دو کشور گسترده بود و هر دو کشور تلاش می‌کردند از این منابع طبیعی حداکثر بهره‌برداری را کنند. ولی از زمان شروع برخوردهای مرزی در فعالیت شرکت ملی نفت ایران رکود حاصل شده بود؛ درحالی‌که شرکت نفت عراق بر فعالیت خود افزوده بود. در خرداد ماه شرکت ملی نفت ایران متوجه شد که شرکت نفت عراق از این وضع سوء استفاده می‌کند و چاه‌های

نفت بیشتری در منطقه مرزی دهلران حفر می‌کند و از چاه‌های موجود بهره‌برداری بیشتری می‌کند، لذا تصمیم گرفت در حوزه نفتی دهلران به فعالیت خود بیفزاید، اما این امر مستلزم برقراری تأمین به وسیله ارتش و ژاندارمری بود. لذا وزیر نفت طی نامه‌ای از نیروی زمینی درخواست کرد پاسگاه‌های مرزی منطقه دهلران را تقویت کند تا در پناه حفاظت نیروی نظامی، مسئولان شرکت نفت بتوانند فعالیت متقابل در حوزه نفتی دهلران انجام دهند.

از بیستم خرداد ماه مسائل مرزی بین دو کشور ایران و عراق وخیم‌تر شد. نیروی زمینی به لشکرهای مستقر در منطقه مرزی ابلاغ کرد که کل پاسگاه‌های مرزی عراق از سومار تا دهلران به نحو غیرعادی با نیروهای زرهی تقویت شده‌اند و روابط مرزبانی میان دو کشور به حالت تعلیق درآمده است و مقامات مرزبانی عراق حاضر به قبول اعتراضات مرزبانی ایران درباره تجاوزات نیروهای عراقی نیستند. به این دلیل مرزبانی ایران از وزارت امور خارجه درخواست کرده است که در این مورد به وزارت امور خارجه عراق اعتراض کند. اما از نظر نظامی این اقدام سیاسی عراق می‌تواند مقدمه‌ای بر تشدید بحران در منطقه مرزی باشد. لذا به یگان‌های مستقر در مناطق عملیاتی دستور داده شد تا آمادگی کامل برای خنثی کردن تجاوزات زمینی و هوایی عراق را داشته باشند.

از اواخر دهه دوم خرداد فعالیت خصمانه نیروهای عراقی در پاسگاه‌های مرزی کرانه نهرخین و شلمچه واقع در غرب خرمشهر شدیدتر شد. در هجدهم خرداد افراد مسلح عراقی پاسگاه مؤمنی ایران را زیر آتش گرفتند و متقابلاً افراد آن پاسگاه به آتش دشمن پاسخ دادند. همین اقدام در پاسگاه شلمچه نیز تکرار شد و مرزبانی خرمشهر اعتراض شدیدالحنی به مرزبانی بصره تسلیم کرد و از آنان خواست جلو این تحریکات را بگیرند، اما عوامل عراقی به این اعتراضات اهمیتی ندادند؛ چنان که همان روز با آر.پی.جی ۷ پل بتنی میهن‌آباد جنوبی را مورد هدف قرار دادند و خساراتی بر یک پایه پل وارد کردند. تیر اندازی عوامل عراقی به پاسگاه مؤمنی ایران در بیست و یکم خرداد ماه نیز تکرار شد و این بار سبب به شهادت رسیدن دو نفر و مجروح شدن سه نفر از افراد ایرانی شد و اولین تلفات قابل ملاحظه در برخورد مرزی ایران و عراق در منطقه خوزستان به ایران وارد شد. باردیگر مرزبانی خرمشهر به مرزبانی بصره اعتراض کرد، ولی این اعتراضات دیگر خاصیتی نداشتند

و مقامات عراقی به آنها اهمیتی نمی‌دادند. به همین خاطر مرزبان خرمشهر از مرزبان بصره خواست در ساعت ۱۲۰۰ روز بیست و دوم خرداد ماه در پاسگاه شلمچه ایران با یکدیگر ملاقات کنند و مسائل مرزی را حضوراً بررسی نمایند. مرزبان ایران تهدید کرد چنانچه از طرف مقامات مسئول عراقی جلو تجاوزات مرزی گرفته نشود، بالاجبار نیروهای مرزی ایران عکس‌العمل نشان خواهند داد.

با توجه به تغییراتی که در سازمان منطقه عملیات پیش آمد و منطقه مهران به لشکر ۸۱ واگذار شد، عناصر تیپ ۲ زرهی لشکر ۹۲ در بیست و دوم خرداد به پادگان دزفول مراجعت کرد و نیروی زمینی به تیپ ۸۴ پیاده خرم‌آباد دستور داد یک واحد تانک از گردان تانک ام-۴۷ سازمانی تیپ به مهران اعزام شود. درباره برخوردهای مرزی، مقامات رده بالای نظامی ایران در نظر داشتند حتی‌المقدور از تشدید بحران جلوگیری کنند و در بروز حوادث پیش‌قدم نشوند، بدین دلیل ستاد مشترک مسئله حساس بودن تأسیسات نفتی ایران در مقابل تیراندازی‌های نیروهای عراقی را عنوان قرار داده و از نیروی زمینی خواست به فرماندهان واحدهای گسترش یافته در مرز ابلاغ شود تا از پیش‌قدم شدن در بروز حوادث مرزی خودداری کنند و به پاسداران نیز اهمیت این موضوع را یادآوری کرده و از آنها بخواهد از هرگونه اقدامات تحریک‌آمیز در مناطق مرزی اجتناب کنند. اما همان‌گونه که گفتیم، معمولاً مأموران عراقی در ایجاد حوادث پیش‌قدم بودند، چنان‌که در پاسگاه مؤمنی دو نفر سرباز ایرانی را شهید و سه نفر را مجروح کردند. لشکر ۹۲ زرهی برای مقابله با تهدیدها، پیشتر دستور داد یک گروهان مکانیزه از گردان ۱۲۱ به کرانه نهرخین اعزام شود و از پاسگاه‌های این منطقه پشتیبانی کند.

نکته‌ای که بار دیگر باید تأکید کرد این است که در اغلب موارد برخوردهای مرزی آن چنان شدید نبودند که گزارش می‌شدند و جملات اغراق‌آمیز در اغلب موارد وجود داشت که نمونه آن را در گزارشی که سرپرست گردان ۲۵۶ تانک تیپ زرهی دزفول داده است، مشاهده می‌کنیم. این فرمانده گزارش داده که در ساعت ۲۳۳۰ روز نهم خرداد فرمانده گروهان ژاندارمری موسیان به این گردان که در عین‌خوش مستقر بود، گزارش آنی داده که نیروهای عراق به پاسگاه سمیده حمله کرده‌اند و درخواست کرد گردان تانک اقدام کند و در بی‌سیم مداوم از وخامت وضعیت اطلاع داد. فرمانده گردان در ساعت ۰۳۰۰ به پاسگاه

سمیده می‌رود و وضعیت را بررسی می‌کند. تمامی کارکنان پاسگاه با خیال راحت خوابیده بودند و هیچ خبری از عوامل عراقی نبود. فقط بی‌سیم آن پاسگاه به بی‌سیم فرمانده گروهان پاسخ نداده بود و فرمانده گروهان ژاندارمری خیال کرده بود اتفاقی رخ داده است. از چنین حوادثی معمولاً در جبهه‌های جنگ پیش می‌آید و تنها راه جلوگیری از اشتباهات و اقدامات غیر ضروری همان است که فرمانده گردان ۲۵۶ تانک کرده بود و قبل از هر اقدامی چگونگی حادثه را شخصاً بررسی کرده بود.

در بیست و چهارم خرداد ماه یک فروند هواپیمای عراقی در آسمان آبادان به قلمرو هوایی ایران تجاوز کرد که با آتش جنگ افزارهای پدافند هوایی مستقر در آبادان متواری شد.

در پایان خرداد ماه و بعد از هفتاد روز که از آغاز گسترش واحدها در منطقه عملیاتی خوزستان می‌گذشت، نیروی زمینی در برآورد خود به این نتیجه رسید که حمله همه جانبه ارتش عراق در آتیه نزدیک محتمل نیست، و استمرار و استقرار در خطوط مرزی باعث افت آموزش نگهداری، روحیه و در نهایت آمادگی رزمی یکان‌ها می‌شود. لذا موافقت کرد که استعداد واحدهای گسترش یافته تقلیل یابد و به همین دلیل به تیپ ۳۷ زرهی مرکز زرهی شیراز که در غرب شوش مستقر بود، اجازه داده شد نصف استعداد رزمی خود را به شیراز برگرداند. به لشکر ۹۲ زرهی نیز دستور داده شد به منظور جلوگیری از فرسوده شدن وسایل و نیرو، نیروهای پوششی را در مرز باقی بگذارد و بقیه یکان‌ها را به پادگان‌ها برگرداند تا برنامه‌های آموزش و نگهداری را اجرا کنند، ضمن اینکه آماده عکس‌العمل سریع در مقابل حمله ناگهانی عراق باشند. از این‌رو در اوایل تیر ماه یکان‌های کوچکی از عناصر لشکر در منطقه عملیاتی گسترش داشتند و حوادث مرزی همچنان وجود داشت.

در سوم تیر ماه نیروهای عراقی مستقر در پاسگاه مقابل پاسگاه کیلومتر ۲۵ ایران اقدام به تیراندازی کردند و مأموران ایرانی مجبور به پاسخگویی شدند تا آتش نیروهای عراقی قطع شد. در پنجم تیر ماه یک فروند هواپیمای نیروی هوایی ایران در منطقه بین شلمچه و پاسگاه کیلومتر ۲۵ سقوط کرد و خلبان آن که ستوان یکم غلام حسین باستانی بود، شهید شد. گرچه دلیل سقوط اعلام نشد، ولی احتمالاً ممکن است بر اثر اصابت موشک یا سلاح ضدهوایی عراق سقوط کرده باشد.

در دهه اول تیرماه در منطقه عملیاتی جنوب حوادث مهمی رخ نداد، ولی در اول دهه دوم نیروهای عراقی در منطقه مرزی سوسنگرد و بستان اقدامات تجاوزگرانه را آغاز کردند و در ۱۱ تیرماه تعدادی از عوامل نفوذی عراق به پاسگاه ژاندارمری اشکان، جمعی هنگ ژاندارمری سوسنگرد حمله کردند و مبادله آتش بین نیروهای ایرانی و عراقی در این پاسگاه در گرفت که بدون تلفات خاتمه یافت و مهاجمان به خاک عراق متواری شدند.

در دوازدهم تیر ماه عناصر ژاندارمری گزارش دادند که پاسگاه سمیده ایران مورد هدف آتش سلاح سنگین نیروهای عراقی قرار گرفته و منهدم شده است. این گزارش از طریق ژاندارمری کل به ستاد مشترک ارسال شد و ستاد مشترک نیز به نیروی زمینی ابلاغ کرد دستورات لازم به لشکر ۹۲ زرهی صادر شود. نیروی زمینی به لشکر ۹۲ زرهی ابلاغ کرد به وسیله تیپ ۲ زرهی دزفول عکس العمل کامل نشان داده شود. تیپ ۲ زرهی دزفول دو دستگاه نفربر زرهی با خدمه مربوط از یکان مستقر در عین خوش به پاسگاه سمیده اعزام کرد و یکان ژاندارمری درخواست عناصر تقویتی بیشتر را کرد. یک حالت نگران کننده‌ای در منطقه فکه ایجاد شد. نیروی زمینی دستور داد تیپ ۲ زرهی دزفول برای از بین بردن هرگونه تجاوز نیروهای عراقی آماده باشد و پشتیبانی هوایی نیز در صورت نیاز درخواست گردد. برای بار سوم ستاد مشترک بر مبنای گزارش استاندار ایلام به نیروی زمینی اعلام کرد که نیروهای عراقی با پشتیبانی آتش توپخانه در ساعت ۰۸۳۰ سیزدهم تیر ماه در مسیر سمیده به طرف دهلران در حال پیشروی هستند و دسته مستقر در محل با دادن تلفات در حال عقب‌نشینی است و از نیروی زمینی خواست با یکان مستقر در عین خوش جلو پیشروی مهاجمان را سد کند و با اقدام متقابل نیروهای متجاوز از خاک ایران عقب رانده شوند و پاسگاه‌های مورد تهدید با آتش پشتیبانی شوند. در اجرای این دستور فرمانده تیپ ۲ زرهی، سرهنگ باوندپور، شخصاً در ساعت ۱۶۰۰ همان روز به پاسگاه سمیده رفت و از منطقه بازدید کرد و نتیجه را چنین گزارش کرد که گزارش هنگ ژاندارمری مبنی بر اشغال پاسگاه سمیده به وسیله نیروهای عراقی و عقب‌نشینی نیروهای خودی عراق آمیز بود. پاسگاه سمیده در اختیار نیروهای خودی است و عناصر تقویتی برای سمیده و فکه اعزام شد. در گزارش‌های بعدی شهادت دو نفر از نیروهای پاسگاه تأیید شد. باید خاطر نشان کرد که متأسفانه در برخوردهای قبل از آغاز جنگ اغلب گزارش‌های پاسگاه‌های مرزی مانند همین وضعیت

اغراق آمیز بود و گزارش‌های پاسگاه‌های مرزی بدون بررسی و اقدامات مقدماتی لازم به‌وسیلهٔ گروهان، گردان، هنگ و ناحیهٔ ژاندارمری مستقیماً و فوراً به مقامات بالای کشور و ارتشی ارسال می‌شد و یک جنگ روانی ناموجه در رده‌های بالای سیاسی و نظامی ایجاد می‌کرد. به طوری که بررسی حوادث نشان می‌دهد فردی هم به جرم ارسال گزارش خلاف واقع تحت پیگرد قانونی قرار نمی‌گرفت و تنها هدف پاسگاه‌های ژاندارمری از ارسال این گزارش‌های اغراق آمیز این بود که نیروهای ارتشی را به پاسگاه‌ها بکشانند تا خیالشان از خطرات احتمالی عوامل عراقی آسوده باشد. به هر حال باز باید گفت این وضع زاییدهٔ شرایطی بود که بر نیروهای مسلح ایران از جمله ژاندارمری مستولی شده بود. البته این درخواست‌ها و عمل به آنها باعث می‌شد یکپارچگی و انسجام یکان‌های نیروی زمینی از هم گسیخته شده و تمامیت یکان برای اجرای آموزش‌ها، نگهداری، اعمال فرماندهی خدشه‌دار شده و آمادگی برای یک عملیات منظم دفاعی کاهش یابد.

موضوع گزارشات مربوط به پاسگاه سمیده سبب مراقبت بیشتر شد. نیروی زمینی به لشکر ۹۲ زرهی دستور داد در تمام مرز خوزستان مراقبت‌های لازم را به عمل آورد و در صورت لزوم دژهای منطقه خرمشهر تقویت شود. لشکر ۹۲ در هفدهم تیر ماه گزارش داد، هیچ‌گونه حادثه‌ای در منطقه سمیده رخ نداده است. سرهنگ باوندپور، فرمانده تیپ شخصاً از منطقه بازدید کرده و این گزارش را ارسال کرد. ژاندارمری در هفدهم تیرماه گزارش داد که عوامل عراقی شبانه در منطقه مرزی موسیان وارد خاک ایران شدند و قصد خرابکاری در تأسیسات نفتی این منطقه را داشتند که موفق نشدند، ولی ماشین‌آلات شرکت پیمانکار که برای شرکت نفت در آن منطقه جاده‌سازی می‌کند به آتش کشیده و تعدادی از خودروها را منهدم کرده‌اند و حدود سه میلیون تومان خسارت به شرکت وارد کرده‌اند. در بیستم تیرماه توطئه کودتای معروف به نوژه کشف و خنثی شد. از جمله واحدهای نظامی که در متن کودتا بودند، لشکر ۹۲ زرهی بود که بعد از کشف کودتا استاندار خوزستان با سپاه پاسداران پادگان‌های لشکر را تحت کنترل خود درآوردند و تعدادی از فرماندهان رده بالای لشکر، از جمله فرمانده لشکر، فرماندهان تیپ، و تعدادی از فرماندهان گردان‌ها را با اتهام شرکت در کودتا بازداشت کردند. کنترل سربازخانه‌ها به وسیلهٔ پاسداران ۲۴ ساعت بیشتر طول نکشید و در بیست و یکم تیر ماه رئیس جمهور به‌عنوان فرمانده کل

قوا دستور داد پاسداران پادگان‌های نظامی لشکر ۹۲ زرهی را ترک کنند و افسران بر حسب مسئولیت سلسله مراتب سازمانی جایگزین فرماندهان دستگیر شده، شوند. فرمانده نیروی زمینی، تیمسار ظهیرنژاد، ۱۵ دقیقه بعد از نیمه شب روز بیست و یکم تیر ماه تلفنی به افسر مداومت‌کار لشکر ۹۲ زرهی ابلاغ کرد:

«هیچ کس حق نظارت یا دخالت در پادگان‌های نظامی را ندارد. چنانچه این امر ضرورت داشته باشد و مراتب مورد تأیید رهبر انقلاب، حضرت امام یا ریاست جمهوری و فرمانده کل قوا باشد، مراتب در ثانی ابلاغ خواهد شد»

ف نزاجا سرتیپ ظهیر نژاد

استاندار خوزستان در ساعت ۱۸۳۰ بیستم تیر ماه طی نامه شماره ۶ سیار در پاسخ

نامه ۳ سیار مورخه بیستم تیر ماه نیروی زمینی نامه زیر را ارسال کرد:

«دربارۀ لشکر ۹۲ رهوی اهواز مستند به تماس تلفنی فرمانده نیروی زمینی در مورد تصمیمات اتخاذ شده از طرف اینجانب، اشعار می‌دارد که این تصمیمات به لحاظ حساسیت و در پی توطئه کودتای نافرجام ایادی ضدانقلاب که در لشکر ۹۲ زرهی اهواز نیز ریشه داشته‌اند، گرفته شده و مراتب تلگرافی به حضور امام امت گزارش شد، تا در اولین کمیسیون شورای تأمین کشور مسائل عمیقاً بررسی شده و مسئولان جدید از طرف فرمانده کل قوا تعیین شوند. استاندار خوزستان در حال حاضر تمامی نقل و انتقالات نیروهای نظامی و انتظامی را زیر نظر داشته و هر چند ساعت یک بار گزارش‌ها را دریافت می‌دارد. شناسایی و تعقیب عوامل بیگانه کماکان ادامه داشته و تعدادی از آنان بازداشت و تعدادی نیز متواری هستند. نتیجه دقیق‌تر اقدامات متعاقباً گزارش خواهد شد».

با تقدیم احترام، استاندار خوزستان سید محمد غرضی

رونوشت: دفتر امام، دفتر ریاست جمهوری، ستاد مشترک، فرمانده نهاجا،

فرمانده نداجا، فرمانده سپاه پاسداران.

دربارۀ آثار ناگوار این کودتا در از هم گسیختن قدرت رزمی لشکرهای ۹۲ که مجهزترین لشکر زرهی ایران در مقابل ارتش عراق بود، در مطالب قبل بیان شده است، از این‌رو از تکرار و تحلیل این موضوع خودداری می‌کنیم و به موضوع اصلی بحث که برخوردهای مرزی در خوزستان است، ادامه می‌دهیم. طبق توافقی که میان مرزبان

خرمشهر و بصره برای بررسی حوادث مرزی به عمل آمده بود، توافق شده بود در بیست و دوم تیر ماه با یکدیگر ملاقات کنند و مرزبان خرمشهر از فرمانداری آن شهر خواست که یک نماینده از طرف فرمانداری خرمشهر نیز در این ملاقات حضور داشته باشد. در بیست و یکم تیر ماه بار دیگر مهاجمان عراقی شبانه به پاسگاه اشکان واقع در منطقه مرزی سوسنگرد حمله کردند و تبادل آتش به مدت یک ساعت بین نیروهای ایرانی و عراقی ادامه یافت.

بررسی‌های اطلاعاتی در رده ستاد مشترک نشان می‌داد که هر زمان ممکن است نیروی هوایی عراق مناطق نظامی و غیرنظامی حساس ایران را بمباران کند، لذا به دفعات دستور داده می‌شد که مراقبت‌های پدافند هوایی شدید شود و همه یکان‌ها آماده باشند تا حملات هواپیماهای عراقی را با هرگونه جنگ‌افزار در دسترس خنثی کنند. در بیست و هفتم تیر ماه ژاندارمری کشور گزارشی از وضعیت استعداد و گسترش نیروهای عراقی در مقابل منطقه مرزی دهلران داد که حاکی از تقویت یکان‌ها و تحکیم مواضع نیروهای عراقی در آن منطقه به‌ویژه در مقابل پاسگاه چیلات بود.

در جریان کودتای نافرجام، از جمله افسرانی که بازداشت شدند، فرمانده لشکر ۹۲ زرهی بود. لذا در بیست و نهم تیر ماه فرمانده نیروی زمینی به معاون لشکر ابلاغ کرد تا رفع سوءظن از فرمانده لشکر، فرماندهی را عهده‌دار شود و ایشان نیز تا آغاز جنگ تحمیلی در همین مقام بودند و در هفته اول جنگ افسر دیگری به فرماندهی لشکر ۹۲ زرهی تعیین شد.

از جمله مسائلی که از آغاز برخوردهای مرزی و حتی قبل از آن بین سپاه پاسداران و یکان‌های ارتش پیش آمد، دریافت وسایل و تجهیزات نظامی به‌وسیله سپاه پاسداران از یکان‌های نیروی زمینی بود که این وضع مشکلات قابل ملاحظه‌ای در روابط بین سپاه پاسداران و نیروی زمینی به وجود آورده بود. نیروی زمینی در تاریخ سی و یکم تیر ماه به لشکر ۹۲ زرهی ابلاغ کرد تمام وسایل و تجهیزات تحویل شده امانی به سپاه پاسداران را دریافت کنند و به مسئولان سپاه ابلاغ کنند که وسایل و تجهیزات مورد نظر جزو سازمانی لشکر بوده و نمی‌باید از اختیار یکان‌ها خارج شود. در صورتی که سپاه پاسداران به تجهیزات اضافی نیاز دارد می‌باید از طریق ستاد مرکزی سپاه پاسداران در تهران درخواست

شود تا چنانچه نیروی زمینی در مخازن خود داشته باشد، تحویل دهد. گرچه این دستور بسیار منطقی بود و با تهدیدی که از ارتش عراق به وجود آمده بود کاملاً ضروری می‌نمود، ولی در شرایطی که لشکر در آن زمان داشت، امکان اجرایی کردن این دستور را نداشت.

برخوردهای مرزی ایران و عراق در منطقه جنوب در مرداد ماه ۱۳۵۹

تیر ماه ۱۳۵۹ با حوادث نسبتاً آرامی در منطقه مرزی جنوب سپری شد، اما مرداد ماه با بروز حوادثی آغاز شد. ژاندارمری سوسنگرد ساعت ۰۹:۰۰ اول مرداد ماه که در حال گشت‌زنی در حوالی پاسگاه طلاییه قدیم بود، در منطقه مرزی بین میله‌های ۱۴/۱ و ۱۴/۲ با عوامل عراقی برخورد کرد و تبادل آتش بین افراد ایرانی و عراقی اجرا شد و خودرو حامل مأموران ایرانی آسیب دید، ولی تلفات جانی به بار نیامد. در بررسی‌های بعدی مشخص شد که یک پاسگاه جدید عراقی در مقابل طلاییه قدیم احداث شده و نیروی قابل ملاحظه‌ای در آن مستقر شده است که برای اقدام مقابل از گروهان ژاندارمری هویزه نیرویی در پاسگاه طلاییه قدیم مستقر شد.

در پنجم مرداد ماه یک حادثه مرزی ویژه‌ای در پاسگاه سوبله واقع در بخش بستان به وجود آمد. تعدادی از پاسداران مستقر در پایگاه چزابه بدون هماهنگی هنگ ژاندارمری سوسنگرد به پاسگاه مرزی سوبله رفتند و با سلاح سنگین از جمله خمپاره‌انداز شروع به تیراندازی به طرف پاسگاه سوبله عراق کردند. در نتیجه بین پاسداران و شرطه‌های عراقی در این منطقه درگیری به وجود آمد و فرمانده گروهان ژاندارمری بستان با نیروی کافی برای کمک به پاسداران به منطقه درگیری رفت و درگیری خاتمه یافت. فرماندهان گروهان دلیل این اقدام ناهماهنگ را از پاسداران خواستار شد، ولی آنان حاضر به پاسخگویی نشدند. این کار باعث ناراحتی فرماندهان مسئول شد و گزارش‌های گله‌آمیزی از طریق ژاندارمری به مقامات بالاتر ارسال شد و همین امر سبب شد که روز بعد واحدهای عراقی از ساعت ۰۹:۳۰ روز ششم با سلاح سنگین پاسگاه سوبله ایران را زیر آتش گرفتند. به عناصر مستقر در پاسگاه دستور داده شد شدیداً مقاومت کنند و از طریق ستاد مشترک از نیروی زمینی خواسته شد بنا به درخواست ژاندارمری یک واحد زرهی از تیپ دشت آزادگان به بستان اعزام کند. در این زمان یک گردان مکانیزه و یک گروهان تانک از تیپ زرهی دشت

آزادگان در تپه‌های الله‌اکبر واقع در شمال بستان مستقر بود. از همان واحد یکانی برای تقویت پاسگاه مرزی سوبله اعزام شد و درگیری خاتمه یافت. ستاد مشترک دلیل اقدام ناهماهنگ پاسداران در منطقه سوبله را از سپاه پاسداران خواستار شد. پاسداران پاسخ دادند که منطقه مرزی سوبله مردابی و نی‌زار است و افراد عراقی از داخل نی‌زارها به روستاها حمله می‌کنند و افراد سپاه برای سرکوبی آنان اقدام به اجرای آتش کرده‌اند. از این به بعد همه اقدامات با هماهنگی ژاندارمری به عمل خواهد آمد، نظر به اینکه حوادث سریع اتفاق می‌افتد و فرصت کافی برای ارسال گزارش‌ها و تصمیم‌گیری و صدور دستورات از طریق سلسله مراتب فرماندهی تا بالاترین رده امکان پذیر نبود. بین نیروی زمینی، ستاد مشترک و ژاندارمری کشور هماهنگی شد که اختیار اقدامات واگذاری نیروهای تقویتی از لشکر ۹۲ زرهی به عناصر ژاندارمری خوزستان فقط با هماهنگی بین فرمانده لشکر و فرمانده ناحیه ژاندارمری اجرا شود و نتیجه گزارش شود. این امر سبب شد که از طول مسیر گزارش‌ها فوق العاده کاسته شود.

از جمله مسائلی که در منطقه مرزی جنوب به‌ویژه دهلران و موسیان حایز اهمیت بود، حفاظت از تأسیسات نفتی آن منطقه بود که مسئولیت آن به‌عهده ژاندارمری بود که بعد از بروز حوادث مرزی درباره اجرای این مسئولیت احساس عدم توانایی کرد و پی‌درپی درخواست کرد که پاسگاه‌های مناطق نفتی به‌وسیله نیروهای ارتشی تقویت شوند. ژاندارمری در ششم مرداد ماه پیشنهاد کرد اصولاً حفاظت مناطق نفتی به نیروی زمینی واگذار شود، ولی این پیشنهاد مورد قبول نیرو و ستاد مشترک قرار نگرفت.

در هفتم مرداد ماه عناصر پاسگاه‌های عراقی منطقه مرزی خرمشهر بار دیگر اقدامات تحریک‌آمیز انجام دادند. از طریق ژاندارمری به مرزبانی خرمشهر دستور داده شد نسبت به این اقدام به مرزبانی بصره اعتراض کند. در این روز هواپیماهای عراقی چند بار در منطقه مهران به قلمروی فضایی ایران تجاوز کردند و نیروی زمینی عراق نقل و انتقالات وسیعی در نزدیکی مرز ایران انجام داد. در دهم مرداد ماه دو نفر از عوامل نفوذی عراق هنگام عبور از مرز ایران به‌وسیله مأموران گشت ایرانی شناخته شدند و به آنان تیراندازی شد که در نتیجه یک نفر از آنان کشته شد و نفر دوم به عراق فرار کرد. بر اثر این تیراندازی، مرزداران عراقی نیز شروع به تیراندازی به طرف عناصر گشتی ایران کردند، ولی درگیری بدون تلفات

افراد ایرانی خاتمه یافت. در ساعت ۰۱۰۰ روز دوازدهم مرداد ماه صدای انفجارهایی در گمرک خرمشهر شنیده شد. بررسی‌ها نشان داد که از نقطه نامشخصی چهار گلوله آر.پی.جی ۷ به منطقه گمرک خرمشهر شلیک شده، ولی خساراتی به بار نیاورده است. در ضمن براساس موافقتی که بین مرزبانی سوسنگرد با مرزبانی عماره عراق به عمل آمده بود، هماهنگی شده بود دو مرزبان در ساعت ۱۲۰۰ روز دوازدهم مرداد ماه در کنار میله مرزی شماره ۲۲ واقع در منطقه فکه با یکدیگر ملاقات کنند. مرزبان عماره عراق به موقع در نقطه ملاقات حاضر شد، ولی قبول نکرد از خمپاره‌های عمل نکرده عراقی که به وسیله نیروهای عراقی به ایران شلیک شده بود، بازدید کند. محل اصابت این خمپاره‌ها در منطقه پاسگاه سوبله بود که در حوادث روز ششم مرداد ماه به وسیله عراقی‌ها به آن منطقه تیراندازی شده بود.

از نظر آگاهی از وضعیت آمادگی رزمی واحدهای لشکر ۹۲ زرهی به یک گزارش لشکر در این ماه که قابل توجه است اشاره می‌شود. لشکر در این ماه درباره وضعیت آمادگی رزمی گردان ۳۶۶ پدافند هوایی خود کشتی ۵۷ مم چنین گزارش داد که این گردان از ۲۴ دستگاه توپ سازمانی خود فقط توانسته است ۸ دستگاه آن را حاضر به کار کند و بقیه توپ‌ها حاضربه کار نیستند. با این وضع آمادگی رزمی این گردان حدود ضعیف بوده و بقیه خودروهای شنی‌دار لشکر نیز تقریباً در همین شرایط بودند. با توجه به اینکه در آن شرایط تهدید هوایی عراق، هر قبضه جنگ‌افزار ضد هوایی ارزش فوق‌العاده‌ای برای لشکر داشت، این گونه از کارافتادگی وسایل و تجهیزات حساس می‌توانست سبب بروز خسارت جبران‌ناپذیری به تأسیسات و یکان‌های لشکر شود. در شانزدهم و هفدهم مرداد ماه بار دیگر نیروهای عراقی در منطقه مرزی نهر خین اقدام به تیراندازی به سمت پاسگاه مؤمنی کردند. بعد از این تیراندازی افراد سپاه پاسداران اظهار کردند، اگر از طریق اعتراضات مرزبانی جلوی این اقدامات نیروهای عراقی گرفته نشود، آنها عکس‌العمل شدید نشان خواهند داد.

در هجدهم مرداد ماه یک گردان تانک عراق از بصره وارد تنومه شد و در مقابل شلمچه ایران مستقر شد. استقرار این گردان تانک یک تهدید جدی برای ایران بود و مقدمه‌ای برای ورود دو لشکر زرهی و مکانیزه عراق به این منطقه و حمله به خرمشهر شد.

در منطقه مرزی موسیان نیز نیروهای عراقی تقویت شدند، به نحوی که در این منطقه نفتی احساس خطر شد و نیروهای ایرانی مستقر در آن منطقه به استعداد یک گروهان مکانیزه، یک گروهان تانک و دو رسد توپ ۱۵۵م خود کششی افزایش یافت. در بیست و یکم مرداد ماه لشکر ۹۲ زرهی اقدامات انجام شده در مناطق عملیاتی را به این شرح گزارش داد:

«۳ دستگاه نفربر با خدمه و مهمات کافی به پاسگاه مرزی بیات اعزام شد. یک دسته برای حفاظت تأسیسات نفت منطقه دهلران فرستاده شد. از تاریخ بیستم مرداد ماه بهره‌برداری از چاه شماره ۲ و ۵ عین‌خوش و چاه‌های شماره ۲ و ۵ دهلران با حجمی حدود ۴۵ هزار بشکه در روز آغاز شد و عملیات حفاری در چاه‌های شماره ۱۵، ۱۴، ۱۳، ۱۲ که به دلیل عدم امنیت متوقف شده بود، آغاز شد. آقای محمد جواد تندگویان مراتب را طی تلگرافی به آقای وزیر نفت و دیگر مقامات وزارت نفت اطلاع داد و از همکاری نیرو و لشکر زرهی تشکر کرد.»

با شروع فعالیت در تأسیسات نفتی منطقه دهلران به منظور تأمین بیشتر کارکنان آن تأسیسات، دستور داده شد پاسگاه‌های مرزی از فکه تا صفریه در منطقه گروهان ژاندارمری بستان را تقویت کند. نیروی زمینی به لشکر ابلاغ کرد بنا به تشخیص فرمانده لشکر، پاسگاه کیلومتر ۲۵ شمال شلمچه نیز تقویت شود. در بیست و سوم مرداد ماه سپاه پاسداران نظر داد که با توجه به آمادگی‌هایی که در واحدهای عراقی مشاهده شده احتمالاً ارتش عراق در آینده نزدیک اقدام به حمله خواهد کرد.

در بیست و پنجم مرداد ماه بین پاسداران ایرانی و عناصر عراقی در منطقه هورالهبویه درگیری ایجاد شد و بلافاصله از پاسگاه سعیدیّه سوسنگرد نیروی کمکی برای پاسداران اعزام شد. درگیری هفت ساعت ادامه یافت.

در بیست و هشتم مرداد ماه و بعد از گذشت بیش از چهار ماه از بروز حوادث مرزی، ژاندارمری کشور یک دستورالعمل برای برقراری سامانهٔ مراقبت در مرز خوزستان تهیه و صادر کرد که در آن مسئولیت اصلی تأمین و مراقبت به‌عهدهٔ واحدهای ژاندارمری محول شده بود و لشکر ۹۲ زرهی، منطقه سوم دریایی خرمشهر و سپاه پاسداران در تقویت و پشتیبانی منظور شده بودند.

برخوردهای مرزی ایران و عراق در منطقه جنوب در شهریور ۱۳۵۹

در شهریور ماه برخوردهای مرزی بین ایران و عراق شدت یافت و در نیمه دوم آن به اوج خود رسید که سرانجام منجر به جنگ عمومی شد. در اول شهریور ماه بین پاسداران ایران و مأموران عراقی در پاسگاه خرمان درگیری ایجاد شد، ولی تلفاتی در بر نداشت. منطقه عملیاتی خرمشهر به دلیل حوادثی که در آن وجود داشت، مورد توجه خاص مقامات نظامی قرار گرفت. به لشکر ۹۲ زرهی دستور داده شد با مراقبت کامل، هرگونه نقل و انتقال نیروهای عراقی را در منطقه خرمشهر تحت نظر قرار دهد و وضعیت این منطقه را هر یک ساعت یک بار، مثبت یا منفی، به نیروی زمینی گزارش دهد. این دستور دلیل بر وخامت وضعیت در این منطقه بود.

در دوم شهریور ماه یک هواپیمای عراقی در فضای پایگاه خرمان خرمشهر به قلمروی فضایی ایران تجاوز کرد که بر اثر تیراندازی پدافند هوایی مأموران پاسگاه متواری شد و به همین دلیل به مرزبانی عراق اعتراض شد. شب قبل از آن نیز دو فروند بالگرد عراقی در منطقه پاسگاه کیلومتر ۲۵ به پرواز درآمدند و در سطح پایین به شناسایی و گشت‌زنی پرداختند.

در هفتم شهریور نیروهای عراقی پاسگاه طلایه قدیم ایران را زیر آتش سنگین قرار دادند که متقابلاً به وسیله عناصر پاسگاه ایرانی پاسخ داده شد، ولی تلفاتی پیش نیامد. با توجه به تهدیدی که در منطقه پاسگاه کیلومتر ۲۵ احساس می‌شد، لشکر ۹۲ زرهی در تاریخ هشتم شهریور ماه یک دسته پیاده زرهی برای تقویت این پاسگاه اعزام کرد.

در یازدهم شهریور ماه ناحیه ژاندارمری غربی خوزستان وضعیت منطقه مرزی خرمشهر را چنین گزارش داد که از نظر کلی وضعیت آرام است، ولی نیروهای عراقی در طرف مقابل فعالیت چشمگیری در تقویت و تحکیم مواضع دارند که از جمله این فعالیت‌ها عبارت است از اینکه در مقابل پاسگاه شلمچه سه دستگاه لودر مشغول کندن خندق هستند. در مقابل پاسگاه کیلومتر ۲۵ تعداد هشت دستگاه خودرو عراقی به سمت پاسگاه شلمچه در حرکت است. در ساعت ۱۲۰۰ تعداد هفت دستگاه خودرو غیرنظامی با حدود شصت سرنشین وارد پاسگاه مقابل پاسگاه کیلومتر ۲۵ شدند و در ساعت ۱۳۰۰ تعداد پانزده دستگاه لودر و هفت دستگاه کامیون حامل نفرات در چهار کیلومتری غرب پاسگاه

شلمچه مشاهد شد. در مقابل پاسگاه خین چهار دستگاه تانک و تعدادی نفرات عراقی به حالت استتار کرده مستقرند و به‌طور کلی فعالیت نیروهای عراقی از روز یازدهم شهریور ماه شدیدتر شده است. در پاسگاه حدود نیز از طرف عناصر عراقی یک رگبار تیربار به سمت پاسگاه ایرانی تیراندازی شد.

در این روز در منطقه دهلران نیز نیروهای عراقی فعال‌تر شدند. ژاندارمری دهلران اطلاع داد نیروهای عراقی با توپخانه به طرف پاسگاه چیلات تیراندازی کردند و با خمپاره‌انداز چند گلوله دودزا به سمت این پاسگاه تیراندازی شد. از ژاندارمری سوسنگرد خبر رسید که یک گردان تانک و یک گردان توپخانه عراق در مقابل طلاییه قدیم گسترش یافته‌اند. عوامل اطلاعاتی به لشکر ۹۲ زرهی اطلاع دادند که حدود دوهزار نفر از عوامل عراقی با حدود هشتاد دستگاه خودرو به غرب شلمچه وارد شده و گسترش یافته‌اند. نتیجه کلی از این گزارش‌ها این است که از اوایل دهه دوم شهریور ماه نیروهای عراقی به صورت تهاجمی و گسترده به نزدیکی مرز تغییر مکان کرده و آماده برای تهاجم عمومی به ایران شدند. ژاندارمری کشور این موضوع را در دوازدهم شهریور ماه بر اساس گزارش‌های واحدهای مرزی به ستاد مشترک اعلام کرده و در سیزدهم شهریور ماه نیز بر اساس همان اطلاعات پیشنهاد کرد، به عنوان عمل متقابل نیروهای ارتش ایران نیز در مقابل نیروهای عراقی در نزدیکی مرز مستقر شوند. ناحیه ژاندارمری خوزستان به ژاندارمری کل کشور گزارش داد که پاسگاه‌ها باید تقویت شوند، ولی ناحیه مقدوراتی برای تقویت ندارد؛ تعداد زیادی از افراد وظیفه ترخیص شده‌اند و جایگزین آنها واگذار نشده است. در پاسخ نامه فرمانده ناحیه ژاندارمری خوزستان، ژاندارمری کل کشور تعدادی از افراد ژاندارمری سایر مناطق را به خوزستان اعزام کرد و در اختیار آن ناحیه قرار داد. با وجود حوادث نظامی که در مناطق مرزی جریان داشت، عوامل شرکت نفت این مناطق همچنان به فعالیت خود ادامه می‌دادند. در تاریخ چهاردهم شهریور ماه تعدادی از مقامات شرکت نفت از مناطق نفتی بازدید کردند و دستوراتی درباره ادامه فعالیت حفاری به مسئولان مناطق نفتی دادند.

ساعت ۰۹۰۰ روز شانزدهم شهریور ماه بین افراد سپاه پاسداران و عوامل نفوذی عراق در حوالی پاسگاه اشکان درگیری رخ داد، ولی تلفاتی به بار نیامد و در این مورد به مرزبان عراق اعتراض شد. با توجه به تهدیدی که از جانب عراق در منطقه خرمشهر احساس

می‌شد، برآورد شد، به دلیل اینکه گردان دژ در سه کیلومتری مرز گسترش دارد و زمین این منطقه کاملاً باز و عاری از هرگونه عارضه طبیعی و مصنوعی است، گردان دژ قادر نخواهد بود جلوی تهاجم ناگهانی نیروهای زرهی و مکانیزه ارتش عراق را در این منطقه سد کند؛ از این رو نیروهای عراقی قادر خواهند بود به سرعت در محور شلمچه- خرمشهر پیشروی کنند و خرمشهر را اشغال کنند. به همین دلیل در طرح دفاعی کلی این منطقه پیش‌بینی شد که یک گروه رزمی تانک در شرق نهر عرایض مستقر شود و به‌عنوان خط مقاومت اصلی دفاعی جلو پیشروی احتمالی نیروهای عراقی را در غرب نهر عرایض سد کند.

نوزدهم شهریور ماه فرمانده لشکر ۹۲ زرهی چنین استنباط کرد که حمله ارتش عراق به خوزستان قطعی است. لذا به یکان‌های لشکر دستور داد آماده مقابله و مبارزه جویی فداکارانه در مقابل نیروهای عراقی باشند و لحظه‌ای از مراقبت و اقدامات تأمینی غفلت نوزند و هرگونه تجاوز نیروهای دشمن را به شدت سرکوب کنند.

از دهه سوم شهریور ماه احتمال حمله همه‌جانبه عراق به ایران قریب الوقوع شد. نیروی زمینی در ساعت ۱۲۰۰ روز بیستم شهریور ماه به یکان‌های لشکر ۹۲ زرهی دستور داد کل یکان‌های لشکر آماده باشند تا طبق طرح عملیاتی ابوذر به مناطق عملیاتی تغییر مکان یافته و مواضع پدافندی را اشغال کنند. لازم به یادآوری است که به دلیل وسعت زیاد جبهه به نسبت نیروهای موجود نیروی زمینی طرح دفاعی در مقابل عراق تهیه نشده بود، فقط هر لشکر در منطقه عملیاتی خود طرح‌های عملیاتی را پیش‌بینی کرده بود. در اوایل برخوردهای مرزی ایران و عراق، ستاد مشترک از نیروی زمینی خواست به هر نحوی هست طرح دفاعی در حدود کاربرد یکان‌های موجود تهیه کند و نیروی زمینی طرحی به نام ابوذر تهیه کرده بود که در پانزدهم شهریور ماه ۱۳۵۹ یعنی پانزده روز قبل از آغاز تهاجم عمومی عراق منتشر شد و چند روز هم طول کشید تا به دست لشکرها و تیپ‌های مستقل برسد و بررسی شود. اما طرح لشکرهای در خط شامل ۶۴ و ۲۸ و ۸۱ و ۹۲ زرهی که در منطقه غرب کشور مستقر بودند، تکلیف هر یک از واحدهای لشکر را کاملاً روشن کرده بود، لذا مشکلی از نظر اجرای طرح وجود نداشت؛ به هر حال دستور نیروی زمینی مبنای گسترش دفاعی لشکرهای خط مقدم جبهه غرب بود که البته عملاً قسمت عمده لشکرهای خط مقدم از اوایل ۱۳۵۹ در منطقه عملیاتی گسترش داشتند. بر اساس برآوردهای چند

ساله و تمریناتی که انجام گرفته بود، منطقه عملیاتی لشکر ۹۲ زرهی شامل شش قسمت مستقل بود که عبارت بودند از:

۱. منطقه مرزی دهلران.
۲. منطقه مرزی موسیان تا فکه و میشداغ.
۳. منطقه مرزی بستان و سوسنگرد .
۴. منطقه مرزی جنوب غربی اهواز از باتلاق هورالهویزه تا پاسگاه کیلومتر ۲۵.
۵. منطقه مرزی غرب خرمشهر از پایگاه کیلومتر ۲۵ تا نهر خین.
۶. منطقه آبی اروندرود از التقای نهر خین تا دهانه فاو.

طول خط مرز در این شش قسمت، یعنی از پاسگاه چیلات در جنوب دهلران تا دهانه فاو، حدود چهارصد کیلومتر بود، در ضمن یک منطقه تقریباً بی‌دفاع از شمال غربی دهلران تا دشت مهران - رودخانه چنگوله - که قریب صد کیلومتر طول دارد و به علت کوهستان صعب‌العبور، رها شده و غیرقابل استفاده منظور می‌شود. طرح کلی دفاعی در جبهه جنوب این بود که تیپ ۸۴ پیاده خرم‌آباد از معبر بیات در شمال غربی موسیان تا دهلران را پوشش و دفاع کند و از موسیان تا میشداغ در جنوب شرقی فکه تیپ ۲ لشکر ۹۲ زرهی و یکان‌های تیپ پدافند کند. تیپ ۳ زرهی دشت آزادگان در منطقه مرزی بستان و سوسنگرد تا هویزه پوشش و دفاع کند و تیپ یک لشکر ۹۲ زرهی اهواز در جنوب غربی اهواز از پاسگاه طلائییه تا پاسگاه کیلومتر ۲۵ پوشش دهد. سرانجام یک فرماندهی مستقل که تکلیف آن چندان مشخص نبود، با استفاده از عناصر لشکر ۹۲ زرهی، گردان دژ، ناحیه ژاندارمری خوزستان و پایگاه دریایی خرمشهر در منطقه مرزی خرمشهر پدافند کند و کرانه اروندرود را نیز پوشش دهد. جزئیات طرح عملیات هر منطقه در بررسی نبردهای نیروهای همان منطقه بیان خواهد شد. بر اساس این طرح کلی پدافندی عناصر سازمانی و زیر امر لشکر ۹۲ زرهی و تیپ ۸۴ پیاده آماده شدند خط پوشش و مواضع پدافندی را بنا به دستور اشغال کنند. اما نیروی زمینی بعد از جدی شدن تهدید، متوجه نواقص طرح پدافندی شد و به این حقیقت پی برد که در صورت حمله همه‌جانبه نیروهای عراق به خوزستان تنها با لشکر ۹۲ زرهی و واحدهای زیر امر آن قادر به دفاع نخواهد بود، به همین دلیل در ۲۱ شهریور ماه به لشکر ۲۱ مرکز دستور داد یک گروه رزمی گردانی شامل یک

گردان پیاده و یک گروهان تانک فوراً به دزفول اعزام کند و زیر امر تیپ ۲ لشکر ۹۲ زرهی قرار دهد. در این باره واقعاً جای بحث و بررسی است که وقتی تهدید جدی عراق از اواخر فروردین ماه مشخص و از اواسط خرداد ماه کاملاً مشهود شد و از اوایل شهریور ماه تردیدی در حمله قریب‌الوقوع به ایران به‌ویژه به خوزستان وجود نداشت، به چه دلیلی ستاد مشترک و نیروی زمینی عناصر لشکر ۱۶ زرهی را که در تمام طرح‌های عملیاتی برای وارد عمل شدن در جبهه جنوب پیش‌بینی شده بود، به خوزستان اعزام نکردند و از لشکر ۷۷ پیاده مشهد و عناصر لشکرهای ۱ و ۲ پیاده تهران برای تقویت جبهه جنوب استفاده نشد و چند روز بعد از تهاجم عمومی ارتش متجاوز عراق به ایران صورت گرفت و تمامی عناصر لشکرهای یادشده به خوزستان اعزام شدند؟ پاسخ می‌تواند با توجه به آن شرایط این باشد:

- ۱- قبل از آغاز جنگ قسمتی از این لشکرها در جنگ داخلی غرب درگیر بودند، ولی آیا اقدامی که بعد از شروع جنگ انجام شد، یک ماه قبل از آن امکان‌پذیر نبود؛ شاید جواب این باشد که باقی‌ماندن یگان‌های مذکور در مناطق سرزمینی خود برای کسب آمادگی و همین‌طور تعویض یگان‌های دیگر در شمال غرب بوده است.

- ۲- دلیل دیگری درباره اعمال روش آماده شدن برای مقابله با ارتش عراق می‌تواند وجود داشته باشد و آن این‌که در مقامات بالای تصمیم‌گیری سیاسی و نظامی احتمال حمله همه‌جانبه عراق چندان قوی تصور نمی‌شد و یا در این خصوص اتفاق نظر وجود نداشت. به هر حال قبل از دهه سوم شهریور ماه علاوه بر یگان‌های سازمانی لشکر ۹۲ زرهی یک گروه از تیپ ۳۷ مرکز زرهی و تعدادی گردان توپخانه از گروه‌های ۲۲ و ۵۵ توپخانه در خوزستان مستقر بود و از بیست و یکم شهریور ماه اعزام نیروهای تقویتی به خوزستان آغاز شد، ولی می‌توان گفت کمی دیر شده بود. از دهه سوم شهریور تقویت نیروهای عراقی در نزدیکی مرز ایران نیز علنی‌تر شد. مرزبانان خرمشهر در بیستم شهریور ماه گزارش داد واحدهای توپخانه و پدافند هوایی عراق در هفت کیلومتری غرب پاسگاه شلمچه گسترش یافته و روبه‌روی جزیره مینو نیز واحدهای توپخانه و ضدهوایی عراق در منطقه‌ای به عرض ده کیلومتر در کرانه جنوبی اروندرود گسترش دارند و در مقابل پاسگاه خین در کرانه عراق تعدادی نفربر زرهی، خمپاره‌انداز و تیربار پدافند هوایی موضع گرفته‌اند. از نظر نظامی استقرار یگان‌های توپخانه در مواضع مقدم دلیل قطعی بر اجرای

طرح عملیاتی آفندی است. دیگر اینکه توپخانه عراق در هفت کیلومتری مرز ایران گسترش یافت و این امر نشانه بارزی برای آغاز حمله ارتش عراق بود.

بعد از تقویت نیروهای عراقی در نزدیکی مرز خرمشهر، عملیات ایذایی و شناسایی عراقی‌ها در پاسگاه‌های مرزی کرانه نهر خین شدت یافت. در بیست و یکم شهریور ماه مأموران پاسگاه‌های عراقی به پاسگاه‌های ایرانی مؤمنی و حدود آتش گشودند و مبادله آتش مدتی جریان یافت و تلفات و خساراتی نیز به بار آورد. با تشدید بحران، لشکر ۹۲ زرهی به واحدهای سازمانی و زیر امر دستور داد مواضع خط مقدم دفاعی را در نزدیکی مرز اشغال کنند. در اجرای این دستور تیپ ۱ زرهی در منطقه عملیاتی جنوب غربی اهواز از پاسگاه طلاییه تا شلمچه گسترش یافت؛ بدین طریق که یک گروه رزمی در منطقه طلاییه و یک گروه رزمی در شلمچه در فاصله حدود هشتاد کیلومتر از یکدیگر مستقر شد و بقیه عناصر تیپ مواضع عقب‌تر را اشغال کردند. گردان سوار زرهی پوشش بین دو گروه رزمی را برقرار کرد و یک گردان توپخانه ۱۵۵م در کمک مستقیم این تیپ بود. در این زمان یک گردان تانک ام-۶۰ که از نظر سازمانی جزو لشکر ۸۸ زرهی بود، در پادگان هفتگل استقرار داشت و هنوز به زاهدان نرفته بود. لشکر با توجه به وسعت منطقه عملیات تیپ ۱ زرهی دستور داد این گردان تانک به اهواز تغییر مکان دهد و زیر امر تیپ ۱ زرهی قرار گیرد. به گردان ۲۲۱ سوار زرهی مأموریت داده شد از پاسگاه طلاییه تا پاسگاه کیلومتر ۲۵ را پوشش دهد، در حالی که یک گروهان از گردان نیز زیر امر تیپ زرهی در منطقه بستان و سوسنگرد مأموریت مراقبت و پوشش در خط مقدم را به عهده داشت. هنوز چگونگی پدافند در محور حیاتی شلمچه خرمشهر روشن نبود.

در بیست و یکم شهریور ماه لشکر ۹۲ زرهی به تیپ یک زرهی دستور داد علاوه بر گردان مکانیزه یک گردان تانک چیفتن نیز به خرمشهر اعزام کند و زیر امر فرماندهی اروند قرار دهد. در جبهه دزفول - شوش نیز که از نوزدهم شهریور فعالیت چشمگیر نیروهای عراقی آغاز شده بود، تیپ ۲ زرهی در بیست و یکم شهریور ماه به عین خوش اعزام شد و مواضع پیش‌بینی شده را اشغال کرد. لشکر تصمیم گرفت گردان پیاده، گروهان تانک و لشکر پیاده تهران را پس از ورود به اندیمشک در منطقه فکه مستقر سازد. گردان ۲۸۳ سوار زرهی نیز به منطقه عملیاتی تیپ ۲ زرهی اعزام شد و مأموریت یافت منطقه مرزی از غرب

موسیان - پاسگاه نهرعنبر- تا صفریه در جنوب فکه را پوشش دهد. گروه رزمی تیپ ۳۷ نیز در دوسلک مواضع پدافندی را اشغال کرد. در همین روز تیپ ۳ زرهی از پادگان دشت آزادگان حرکت کرد و مواضع پیش‌بینی شده را در تپه‌های الله‌اکبر واقع در شمال سوسنگرد اشغال کرد. واحدهای توپخانه؛ سازمانی، زیر امر و تقویت لشکر ۹۲ زرهی نیز طبق طرح عملیاتی لشکر مواضع خود را در نقاطی که بتوانند یگان‌های رزمی لشکر را در جبهه چهارصد کیلومتری پشتیبانی کنند، اشغال کردند. تغییر مکان و اشغال مواضع یگان‌های عمده لشکر در بیست و سوم شهریور ماه خاتمه یافت. گردان دژ نیز دژهای منطقه شلمچه تا کوشک را تا دژ شماره ۱۶ اشغال کرد.

در مورد حوادث مرزی، هنگ ژاندارمری سوسنگرد در بیست و سوم شهریور ماه گزارش داد، جابه‌جایی‌هایی که ارتش عراق انجام داده، نشان می‌دهد ارتش عراق بزودی حمله خواهد کرد و در این صورت پاسگاه‌های مرزی توانایی کافی برای مقابله با نیروهای زرهی دشمن را نخواهند داشت. پاسگاه طلاییه قدیم، چاه شماره ۶۰، صفریه، رشیدیه و فکه دارای قدرت رزمی کافی نیستند و از لشکر ۹۲ زرهی خواست آن پاسگاه‌ها را تقویت کند. نیروی دریایی خرمشهر نیز گزارش داد که درگیری در منطقه پاسگاه نهر خین تا حدودی فروکش کرده و در درگیری‌های چند روز گذشته پاسگاه شلمچه عراق آسیب سخت دیده و پل رابط نزدیک جزیره البوارین عراق منهدم شده و یک عراقی مجروح شده است. درگیری در پاسگاه نهر خین چنان شدید بود که در بیست و سوم شهریور ماه هنگ ژاندارمری آبادان گزارش داد تعدادی خمپاره عمل نکرده در اطراف نهرخین باقی مانده و از لشکر ۹۲ خواست متخصص تخریب برای انهدام آنها اعزام کند. بعد از صف‌آرایی نیروهای ایرانی در مواضع نزدیک مرز احتمال بروز جنگ قطعی‌تر شده و هر زمان تصور آن می‌رفت، از این‌رو در بیست و سوم شهریور ماه فرمانده لشکر ۹۲ زرهی به تمام واحدهای گسترش یافته در خوزستان دستور داد با هوشیاری کامل هر لحظه انتظار حمله همه‌جانبه زمینی و هوایی ارتش عراق را داشته باشند و آماده مقابله با حداکثر توان خود باشند. از آغاز گسترش جدی نیروهای ایرانی در خط مقدم پدافندی یک نقص بزرگ آشکار شد و آن کمبود امکانات مهندسی نیروی زمینی بود. اصولاً این کمبود از زمان رژیم سلطنتی در سازمان ارتش ایران وجود داشت و می‌توان گفت مهم‌ترین مسئله سازمانی بود که خیلی

کم به آن توجه می‌شد. در تمام سازمان یک لشکر زرهی یک گردان مهندسی رزمی وجود داشت که برای این گردان هفت دستگاه بلدوزر پیش‌بینی شده بود که تقریباً بلدوزرها به صورت تعمیری و غیرقابل استفاده بودند و می‌توان گفت امکانات مهندسی ارتش ایران در حد صفر بود. در صورتی که در آغاز جنگ مشاهده شد، ارتش عراق به واحدهای مهندسی خود در حد واحدهای تانک، پیاده و توپخانه توجه کرده بود و برای هر گردان رزمی و توپخانه چند دستگاه بلدوزر، لودر و سایر ماشین‌آلات مهندسی فراهم کرده بود. به دلیل وجود این نقص بزرگ در ارتش ایران، واحدهای گسترش یافته در مواضع مقدم قادر نبودند با بیل و کلنگ انفرادی برای تانک، توپ و نفربر سنگر و موضع تهیه کنند، لذا از همان روزهای آغازین گسترش واحدهای نظامی، برای تأمین ماشین‌آلات سنگین مهندسی دست نیاز به سوی مقامات غیر نظامی دراز کردند که نمونه‌ای از آن را در این پیام لشکر ملاحظه می‌کنیم.

بیست و سوم شهریور ماه واحدهای لشکر ۹۲ درخواست کردند که تعدادی ماشین‌آلات مهندسی به آنها واگذار شود تا سنگر و مواضع تهیه کنند. لشکر پاسخ داد با مراجعه به فرمانداری‌ها و بخشداری‌های مناطق مربوطه سعی کنید از ماشین‌آلات دولتی یا شرکت‌های راهسازی استفاده و سنگر و موضع برای عناصر واحدها تهیه کنید. اما قسمت آخر این دستور خیلی جالب است. فرمانده لشکر در پایان یادآوری می‌کند که تأخیر و قصور در امر موجب مسئولیت شدید فرماندهان و رؤسای رکن سوم آن یگان خواهد بود. فرمانده لشکر چیزی که به یگان‌ها نداده هیچ، طلبکار هم شده است، اما باید واقع‌بینانه به مسائل نگاه کرد. فرمانده لشکر با دست خالی چه کمکی می‌توانست به واحدها بکند؟ با توجه به این که تمام واحدهای سازمانی و زیر امر لشکر ۹۲ زرهی از غرب شوش تا خرمشهر در خط‌مقدم پدافندی گسترش یافتند، لشکر به طور کلی فاقد نیروی احتیاط شد، لذا فرمانده لشکر در بیست و سوم شهریور ماه تصمیم گرفت حداقل گروه رزمی اعزامی از لشکر پیاده تهران را به عنوان احتیاط به منطقه عملیات دزفول - شوش در پای پل کرخه در دست خود نگهدارد. بر همین اساس به تیپ زرهی دستور داد، پس از ورود گردان پیاده و گروهان تانک اعزامی از تهران به اندیمشک این یگان را به کار نبرد و به عنوان احتیاط لشکر در پای پل کرخه به حالت تمرکزی مستقر کند.

بیست و چهارم شهریور ماه نیروی زمینی بر اساس اطلاعات رسیده از گسترش نیروهای عراق، برآورد کرد که تهاجم اصلی نیروهای عراق در خوزستان خواهد بود، از این رو به لشکر ۹۲ زرهی ابلاغ کرد آمادهٔ مقابله با تهاجم ارتش عراق در همهٔ معابر وصولی باشد. در این روز نیروهای عراقی تأسیسات چاه نفت شمارهٔ ۷ واقع در حوالی پاسگاه سمیده را زیر آتش گرفتند. به گروه رزمی مستقر در دوسلک دستور داده شد تا پاسگاه را پشتیبانی و تجاوزات احتمالی نیروهای عراقی را سرکوب کند. تیپ ۳ زرهی گزارش داد در این روز یک نفر افسر و دو نفر سرباز عراقی از پاسگاه سوبله وارد ایران شده و به نیروهای ایرانی پناهنده شدند. افسر عراقی اظهار کرده که در آینده نزدیک ارتش عراق به ایران حمله خواهد کرد. این پناهنده عراقی اضافه کرده که عده‌ای از افراد عراقی تمایل به فرار و پناهنده شدن به ایران را دارند.

بیست و پنجم شهریور ماه درگیری‌های مرزی در استان خوزستان وسعت یافت. در ساعت ۱۴۱۵ در منطقه مرزی هورالهویزه بین پاسداران ایرانی و عوامل عراقی درگیری ایجاد شد. از پاسگاه سعیدیه سوسنگرد افراد کمکی برای پاسداران اعزام شد و پس از هفت ساعت مبادله آتش، درگیری خاتمه یافت و نیروهای عراقی به مواضع خود عقب‌نشینی کردند. در پاسگاه صفریه بستان نیز بین پاسداران و افراد عراقی درگیری ایجاد شد. از تیپ ۳ لشکر زرهی نیروی کمکی اعزام شد و هواپیماهای نیروی هوایی ایران نیز وارد عمل شدند.

درگیری پاسگاه صفریه به پاسگاه‌های دیگر منطقه مرزی شامل فکه، دویرج، رشیدیه و طاووسیه نیز گسترش یافت و طرفین با سلاح سنگین پاسگاه‌های مقابل را زیر آتش گرفتند و به پاسگاه‌های صفریه و دویرج آسیب رسید. ناحیه ژاندارمری خوزستان از لشکر ۹۲ زرهی خواست تیپ ۳ زرهی را وارد عمل سازد، ولی لشکر موافقت نکرد. فرمانده ناحیه ضمن گله از این امتناع لشکر، عملیات افراد ژاندارمری در درگیری را شجاعانه توصیف کرد. در ساعت ۱۸۲۰ وضعیت درگیری چنین گزارش شد که پاسگاه دویرج عراق منهدم و یک دستگاه تانک و یک دستگاه نفربر دشمن نابود شد. نیروهای دشمن در حال پیشروی به خاک ایران هستند، ولی نیروی زمینی ایران هنوز اقدامی برای تقویت این منطقه نکرده است. لشکر ۹۲ زرهی در ساعت ۱۵۳۰ وضعیت درگیری پاسگاه‌های یاد شده را به

یکان‌های خود ابلاغ کرد و اضافه کرد که به منطقه چاه‌های نفت شماره ۵۷ و ۵۸ و ریک ۲ نیز حمله شد و کارگران ریک ۲ دست از کار کشیدند و تقاضای کمک کردند. لشکر در این پیام به واحدها دستور داد در منطقه مسئولیت خود پاسگاه‌ها را پشتیبانی کنند. خبر دیگر حاکی از شدت درگیری در پاسگاه فکه و سمیده بود. در ساعت ۱۸۴۰ ناحیه ژاندارمری خوزستان گزارش داد نیروهای زرهی عراق در تمام منطقه مرزی بستان تا فکه پاسگاه‌های ایرانی را مورد هجوم قرار داده‌اند و درخواست اعزام نیروی تقویتی و پشتیبانی هوایی برای این منطقه کرد. در ساعت ۱۹۴۵ نیروهای تقویتی از تیپ ۳ زرهی به منطقه درگیری مرز بستان تا فکه اعزام شدند و نیروی هوایی ایران نیز وارد عمل شد، ولی در این زمان درگیری شدید بود و ارتباط پاسگاه‌های رشیدیه، طاووسیه و صفریه با مرکز و گروهان ژاندارمری بستان قطع شده بود. در پاسگاه فکه نبرد به شدت ادامه داشت. به پاسگاه فکه عراق خسارات زیادی وارد آمده بود. چهار نفر ژاندارم مجروح شده بودند و به پاسگاه رشیدیه عراق نیز آسیب زیادی رسیده بود. در ساعت ۲۰۵۰ ناحیه ژاندارمری خوزستان چنین برآورد کرد که پاسگاه‌های رشیدیه، طاووسیه و دویرج به شدت مورد تهاجم نیروهای زرهی عراق قرار گرفتند و احتمال سقوط آنها به دست نیروهای عراقی زیاد است. در ساعت ۲۱۲۵ خبر رسید که تعداد مجروحان ایرانی به نه نفر رسیده است که شش نفر پاسدار و سه نفر ژاندارم بودند. این تعداد مجروحان نشانگر آن است که شدت درگیری کمتر از آن بوده که گزارش می‌شده است. سرانجام فرمانده گروهان ژاندارمری بستان که شخصاً برای بررسی وضعیت درگیری پاسگاه‌ها رفته بود، در ساعت ۲۱۳۰ گزارش داد که هیچ‌کدام از پاسگاه‌های ایرانی سقوط نکرده‌اند؛ افراد پاسگاه‌ها دلاورانه جنگیده‌اند؛ هواپیماهای خودی هدف‌های مناسب را بمباران کرده و نیروهای تقویتی اعزامی از تیپ ۳ لشکر ۹۲ زرهی نیز از طریق بستان - سوبله وارد منطقه مرزی شده و آماده پشتیبانی پاسگاه‌ها هستند. علاوه بر منطقه مرزی بستان در منطقه مرزی فکه موسیان نیز در این روز زد و خوردهایی صورت گرفت که شدت درگیری بیشتر در پاسگاه سمیه بود. در این درگیری‌ها علاوه بر آتش توپخانه و خمپاره‌انداز از آتش تفنگ ۱۰۶ و تانک نیز استفاده شد.

گسترش تیپ یک لشکر ۹۲ در بیست و پنجم شهریور ماه چنین گزارش شد:

۱. قرارگاه تیپ و گردان ۱۲۱ پیاده زرهی در ایستگاه حسینی

۲. گروه رزمی ۲۶۴ تانک از پاسگاه طلاییه تا پاسگاه کوشک

۳. گروه رزمی ۱۶۵ پیاده زرهی با یک دسته تانک در پاسگاه کیلومتر ۲۵

۴. گردان ۲۳۲ تانک با یک گروهان از گردان ۱۶۵ پیاده زرهی در خرمشهر زیر امر

فرماندهی اروند.

نظر به اینکه به دلیل آب‌گرفتگی منطقه، گردان دژ نمی‌توانست تمام دژها را اشغال کند، به‌علاوه منطقه عملیاتی غرب خرمشهر از کرانه نهرخین واقع در جناح جنوبی مورد تهدید نیروهای عراقی بود، از تفنگ‌های ۱۰۶مم سازمانی گردان دژ به هریک از پاسگاه‌های این قسمت دو قبضه واگذار شد و به‌این وسیله پاسگاه‌ها با آتش ضد تانک تقویت شدند.

در بیست و ششم شهریور ماه نیز منطقه فعال نبرد پاسگاه مرزی بین فکه تا سوبله در منطقه استحفاظی گروهان ژاندارمری بود. در ساعت ۱۱۱۰ آن روز فرمانده گروهان ژاندارمری بستان گزارش داد که شخصاً با آتش تفنگ ۱۰۶مم یک دستگاه تانک دشمن را در پاسگاه دویرج عراق منهدم کرده و آن پاسگاه عراقی را درهم کوبیده است. ناحیه ژاندارمری خوزستان گزارش داد در پاسگاه فکه عراق به کارخانه سیمان فکه عراق آسیب وارد شد و تعدادی از خودروهای راهسازی عراقی منهدم شدند. نیروهای زرهی عراق عملیات تهاجمی - نمایشی انجام دادند و نیروی هوایی ایران با دو فروند هواپیما مواضع نیروهای عراقی را بمباران کرد. نیروهای عراقی به پاسگاه دویرج ایران نزدیک شدند و آن پاسگاه از دو طرف مورد تهدید قرار گرفت. در ساعت ۲۰۰۰ ژاندارمری اعلام کرد درگیری‌ها کاهش یافته است و در روز جاری - بیست و ششم شهریور ماه - عملیات نیروهای خودی بسیار خوب بوده است. در ساعت ۲۲۵۰ لشکر ۹۲ زرهی گزارش داد واحدهای زرهی عراق تا سیصد متری مرز جلو آمده و با حالت تهاجمی گسترش یافته‌اند. در این روز منطقه مرزی خرمشهر نیز شاهد زدوخوردهایی بین نیروهای ایرانی و عراقی بود. درگیری زمانی آغاز شد که یک تله انفجاری که به‌وسیله افراد سپاه پاسداران در کرانه نهر خین کار گذاشته شده بود، در اثر برخورد نیروهای خودی منفجر شد که سبب به شهادت رسیدن سرپرست پاسداران در کرانه آن قسمت شد. این انفجار سبب آغاز تیراندازی بین افراد نیروهای مقابل شد. نیروهای عراقی به طرف پاسگاه مؤمنی و خین

آتش گشودند و متقابلاً نیروهای ایرانی پاسخ دادند. درگیری در این منطقه به طور متناوب تا ساعت ۱۸۳۰ ادامه داشت. نیروهای زرهی عراق از نخلستان غرب پاسگاه حدود به حرکت درآمدند، اما تغییر جهت داده و به سمت شمال در داخل خاک عراق به راهشان ادامه دادند. آرایش نیروهای عراقی نشان می‌داد که حمله عمومی عراق قریب‌الوقوع است. در منطقه فکه گروه رزمی ۳۷ گزارش داد از ساعت ۰۸۰۰ عناصر مقدم این گروه رزمی با دشمن درگیر شده‌اند و درخواست کرد یک گروهان تانک زیر امر گروه رزمی قرار داده شود. دلیل درخواست را چنین بیان کرد که حدود پنجاه دستگاه تانک عراقی در مقابل فکه مستقر شده و تا کنون شش بار به پاسگاه فکه حمله کرده‌اند، در حالی که گروه رزمی ۳۷ فقط دارای شش دستگاه تانک ام-۴۷ که دو دستگاه آن تعمیر است و پنج دستگاه ام-۶۰ است که یک دستگاه آن تعمیر است و با این هشت دستگاه تانک تا کنون توانسته جلو تهاجم نیروهای عراقی را بگیرد و هجده دستگاه تانک عراقی را منهدم کند. فرمانده گروه رزمی در این گزارش اضافه کرده است که اکنون ۷۲ ساعت است که مواضع این گروه رزمی زیر آتش شدید توپخانه دشمن قرار دارد و برای دفاع مؤثر، نیاز به حداقل یک گردان تانک دارد. لشکر ۹۲ زرهی برای تقویت این گروه رزمی به تیپ ۲ زرهی دستور داد یک دسته تانک از گروهان تانک اعزامی از لشکر پیاده مرکز به دوسلک اعزام شود و در اختیار گروه رزمی ۳۷ قرار گیرد. باید توجه داشت یکان تانک لشکر یک مجهز به تانک چیفتن بود و با اعزام پنج دستگاه تانک چیفتن، دارای سیزده تانک مختلف می‌شدند که از نظر تدارک مهمات و نگهداری مشکلاتی به وجود می‌آورد. براساس گزارش‌های فرمانده گروه رزمی ۳۷، نیروهای عراقی در این منطقه به حرکت درآمدند، لذا درخواست پشتیبانی سریع هوایی و اعزام یک گروهان تانک کرد. لشکر پاسخ داد، به زودی شش فروند هواپیمای خودی وارد منطقه خواهند شد تا ورود هواپیماها با آتش توپخانه جلو پیشروی نیروهای عراقی را سد کنند.

فرمانده گروه رزمی ۳۷ آخرین وضعیت روز بیست و ششم را چنین گزارش داد:

«نیروهای عراقی در ساعت ۱۴۳۰ در محور فکه - سمیده به داخل خاک ایران نفوذ و پاسگاه دویرج را اشغال کردند که با آتش شدید قوای خودی عقب رانده شدند و هم اکنون عناصر این گروه رزمی در خط مقدم پدافندی مستقر است. تمامی پاسگاه‌های

مرزی این منطقه زیر آتش شدید دشمن قرار دارند که متقابلاً از طرف نیروهای خودی آتش شدید اجرا می‌شود و تا کنون تلفات سنگینی به دشمن وارد شده است». گروهان ژاندارمری در ساعت ۱۶۰۰ درخواست اعزام نیروی تقویتی برای پاسگاه‌های رشیدیه، صفریه و طاووسیه کرد که به دلیل آتش شدید دشمن بر روی محور حرکت در جاده مرزی اعزام نیرو میسر نشد. در ساعت ۱۹۰۰ گروهان ژاندارمری اطلاع داد که پاسگاه‌های یاد شده سقوط کرده‌اند، لذا شخص فرمانده گروه رزمی با نیروی تقویتی به پاسگاه طاووسیه رفت و در ساعت ۲۲۰۰ آن پاسگاه را اشغال کرد. فرمانده یگان ژاندارمری هنگام تحویل پاسگاه به عناصر ژاندارمری، اظهار داشت که قرار است این پاسگاه فردا زیر آتش توپخانه خودی قرار داده شود، لذا از استقرار مجدد در آن خودداری کرد.

فرمانده لشکر ۹۲ زرهی از عملیات روز جاری گروه رزمی ۳۷ قدردانی کرد و اعلام نمود: نیروی هوایی ایران به جای شش نوبت پرواز پیش‌بینی شده، ۲۱ نوبت پرواز جنگی در منطقه فکه - بستان انجام داده است. در ساعت ۱۷۳۰ این روز باردیگر خبر رسید که پاسگاه سعیدیه مورد تهدید نیروهای عراقی قرار گرفته است و تیپ ۲ گزارش داد، نیروی تقویتی برای گروه رزمی ۳۷ اعزام کرده است.

گروه رزمی ۳۷ در ساعت ۲۰۰۰ بیست و ششم شهریور ماه گزارش داد نیروهای دشمن تلاش می‌کنند تپه‌های مشرف به پاسگاه فکه را اشغال کنند، ولی حملات هوایی خودی مانع این کار شده است. سرانجام صدام حسین در شب بیست و ششم شهریور ماه در تلویزیون بغداد ظاهر شد و طی یک سخنرانی به طور ضمنی به ایران اعلان جنگ داد. مطالب مهم سخنرانی صدام شامل چهار نکته اصلی بود:

۱. دولت عراق فقط قرارداد ۱۹۱۶ با ایران را قبول دارد و سایر قراردادهای از نظر عراق بی‌اعتبار است.
۲. کل آبراه شط العرب جزو آب‌های ساحلی عراق است.
۳. قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر مردود است.
۴. آنچه که برابر قرارداد الجزایر باید به ایران می‌دادیم، نخواهیم داد و آنچه که باید می‌گرفتیم به زور خواهیم گرفت.

با اعلام این مطالب به‌وسیله رئیس حکومت عراق، شروع جنگ همه جانبه با ایران قطعی شد، فقط ساعت و تاریخ آن مشخص نبود که پنج روز بعد مشخص شد.

همان‌گونه که گفتیم اعزام نیروهای تقویتی به خوزستان از اوایل دهه سوم شهریور ماه آغاز شد. در بیست و هفتم شهریور ماه به لشکر ابلاغ شد که دو آتشبار موشکی کاتیوشا، دو آتشبار پدافند هوایی و یک آتشبار ۱۷۵م از گروه ۳۳ توپخانه تهران به مقصد خوزستان حرکت کرده است. از نظر حوادث مرزی روز بیست و هفتم شهریور ماه آرامش نسبی در مرز برقرار بود. ناحیه ژاندارمری خوزستان اعلام کرد که بر اثر قدرت دلیرانه نیروهای خودی به‌ویژه حملات نیروی هوایی، نیروهای عراقی به مواضع قبلی خود عقب‌نشینی کرده‌اند، ولی درگیری با آتش به‌صورت پراکنده به‌ویژه در پاسگاه سوبله ادامه داشت که در ساعت ۱۲۳۰ قطع شد. برآورد کلی چنین بود که در عملیات روز بیست و ششم شهریور ماه ضربات سختی به نیروهای عراقی وارد شده است، از این رو ستاد مشترک اعلام کرد که ممکن است نیروهای عراقی به‌عنوان عملیات تلافی‌جویانه به حملات شدید هوایی و زمینی دست بزنند. از طرفی سخنرانی شب قبل صدام حسین همه راه‌های سیاسی احتمالی را برای رفع اختلافات مسدود کرد و تنها راه حل اختلافات، جنگ بود که به ایران تحمیل شد. در بیست و هفتم شهریور ماه آخرین گسترش یگان‌های تیپ ۱ زرهی لشکر ۹۲ در منطقه عملیاتی جنوب غربی اهواز و خرمشهر به این شرح بود:

۱. یک دسته پیاده زرهی و یک دسته تانک و یک گردان توپخانه در شرق پاسگاه کیلومتر ۲۵.

۲. گردان ۲۳۲ تانک گردان ۱۶۵ پیاده مکانیزه در شلمچه و یک دسته پیاده مکانیزه در ایستگاه حمید.

۳. گروه رزمی ۲۶۴ تانک در کوشک و طلایه که شامل گردان ۲۶۴ تانک، یک گروهان پیاده مکانیزه و یک آتشبار توپخانه بود.

۴. گردان ۲۳۱ تانک ام-۶۰ در احتیاط تیپ، در شرق کوشک، در بیست و هفتم شهریور ماه از هفتگل به اهواز تغییر مکان داد.

ملاحظه می‌شود در مقابل دو محور وصولی بسیار مهم که به خرمشهر، اهواز و سوسنگرد منتهی می‌شد و عرض جبهه قریب ۱۵۰ کیلومتر بود، فقط یک تیپ زرهی با سه

گردان تانک و دو گردان مکانیزه و یک گردان سوار زرهی گسترش داشت. اگر توجه کنیم که ارتش متجاوز عراق دو لشکر زرهی و دو لشکر مکانیزه با پشتیبانی فوق‌العاده توپخانه در این منطقه وارد عمل کرد، به ضعف توان رزمی نیروهای ایران و دلاوری سربازان ایرانی در این نبرد نامتعادل آگاه می‌شویم، ضمن اینکه باید توجه داشت واحدهای لشکر اهواز حدود پنجاه درصد استعداد رزمی خود را داشتند، چنان‌که طبق آماري که لشکر قبل از آغاز جنگ تهیه کرده است، گردان ۲۳۲ تانک چیفتن از ۵۲۱ نفر نیروی سازمانی ۲۷۰ نفر موجودی داشت و از ۵۳ دستگاه تانک سازمانی آن فقط ۳۲ دستگاه حاضر به کار بود که با توجه به کمبود نیرو احتمالاً تعدادی از این تانک‌های حاضر به کار نیز خدمه نداشتند، زیرا از ۳۰۹ نفر درجه‌دار سازمانی که اکثراً خدمه تانک بودند، ۱۷۶ نفر موجود و ۱۳۳ نفر کسر سازمان داشت و از ۳۵ نفر افسر سازمانی فقط ۱۳ نفر موجودی داشت. وضعیت سایر یکان‌ها نیز به همین ترتیب بود که در مباحث آینده نیز بیان خواهد شد.

بیست و هفتم شهریور ماه تبادل آتش پراکنده در منطقه عملیاتی بستان، فکه و دهلران ادامه داشت، ولی به شدت روز بیست و ششم شهریور نبود. تیپ ۳ زرهی در این روز به نزدیکی خط مرز بین پاسگاه سوبله تا صفریه تغییر موضع داد و در مقابل و روبروی نیروهای عراق، در مواضع نامساعد قرار گرفت. گسترش تیپ برابر گزارشی که در بیست و هفتم شهریور ماه داد، چنین بود:

«یک واحد تقویت شده در پاسگاه سوبله، یک گروهان تقویت شده تانک و پیاده و گردان ۳۱۸ توپخانه در پاسگاه صفریه، پاسگاه فرماندهی تیپ در صفریه، بقیه یکان‌های رزمی در شمال بستان و عناصر پشتیبانی آمادی تیپ در تپه الله‌اکبر. لازم به ذکر است با توجه به اینکه ارتفاعات غیرقابل عبور میشداغ در شرق جاده مرزی بستان فکه قرار دارد، امکان رزمایش یکان‌های تیپ ۳ زرهی که در حوالی جاده مرزی مستقر شدند، بسیار کم بود. لکن شرایطی به‌وجود آمده بود که فرمانده تیپ مجبور شد این خطر را قبول کند و قسمتی از یکان‌های تیپ را در مواضع نامناسب مستقر سازد. ضمناً در آن زمان سرپرست تیپ، سرگرد صفوی‌سپه‌ی بود که در سال ۱۳۶۲ در همان منطقه شهید شد».

بیست و هفتم شهریور ماه در منطقه فکه و دهلران که منطقه عملیاتی تیپ ۲ زرهی و گروه رزمی ۳۷ زرهی بود، نیروهای عراقی به پاسگاه سعیده و تأسیسات نفتی آن منطقه

تیراندازی کردند. نیروی هوایی ایران وارد عمل شد و ضرباتی به دشمن وارد کرد. از گروه رزمی ۳۷ دو نفر مجروح شدند، البته در این روز نیز گزارش‌های اغراق آمیزی از وضعیت خطرناک پاسگاه‌های دویرج و فکه ارسال شد، ولی در مجموع حوادث چندان خطرناک نبودند. در این روز از گروه رزمی اعزامی از لشکر یک پیاده تهران، یک گروهان پیاده و یک دسته تانک به فکه اعزام شد و زیر امر گروه رزمی ۳۷ قرار گرفت.

بیست و هشتم شهریور ماه دستورات مراقبتی اکید به واحدها صادر شد. به گروه هوانیروز دستور داده شد. تمام بالگردهای رزمی بازرگاری کنند و آماده اجرای مأموریت باشند. در طرف مقابل نیروهای عراقی فعالیت‌های آشکاری در تقویت و تحکیم مواضع و تغییرات در گسترش و آرایش رزمی انجام می‌دادند و تقریباً حالت اختفا و پوشش از بین رفته بود. مثل اینکه نیروهای عراقی به قدری نیروهای ایرانی را ضعیف می‌پنداشتند که نیازی به اختفای عملیات خود نمی‌دیدند، البته وضعیت باز زمین منطقه عملیات نیز عدم اختفا و پوشش را الزامی می‌کرد. گسترش واحدهای بزرگ ارتش عراق در مقابل واحدهای لشکر ۹۲ زرهی ایران روز به روز روشن‌تر می‌شد و لشکر پی به ضعف توان رزمی خود می‌برد و تلاش می‌کرد با استفاده از آخرین مقدمات خود آنچه در توان داشت، انجام دهد. لذا با توجه به وسعت منطقه عملیات به تیپ ۱ زرهی دستور داد گردان ۲۳۱ تانک را که در احتیاط تیپ و در حقیقت احتیاط لشکر بود، به خط مقدم پدافندی اعزام کند و در حوالی پاسگاه مرزی کوشک مستقر سازد. در منطقه دزفول نیز دستور داد، عناصری که از لشکر پیاده تهران به منطقه می‌رسند به مواضع خط مقدم اعزام شوند و در نتیجه یک لشکر زرهی در آن جبهه خطرناک حتی یک گروهان هم به عنوان احتیاط در اختیار نداشت. از نظر تجهیزات ایجاد موانع و میدان مین نیز، لشکر مقدمات قابل ملاحظه‌ای نداشت و تقریباً هیچ‌گونه فعالیت قابل ملاحظه‌ای در این باره به عمل نیامده بود. در این روز لشکر به تیپ ۲ زرهی دستور داد یک دسته مین‌گذار به منطقه گروه رزمی ۳۷ اعزام کند و معابر وصولی فکه را مین‌گذاری نماید. این دستور نشان می‌دهد که تا سه روز قبل از جنگ، چنین اقدامی حتی در خطرناک‌ترین معبر وصولی به عمل نیامده بود.

لازم به تذکر است که در جریان کودتای نافرجام نوژه، فرماندهان تیپ لشکر ۹۲ زرهی به اتهام شرکت در کودتا بازداشت شده بودند و سرپرست تیپ‌ها که به طور موقت تعیین

شده بودند، افسران واجد شرایطی نبودند. به‌ویژه اینکه سرپرست تیپ ۱ زرهی اهواز و ۲ زرهی دزفول اصولاً افسر زرهی نبودند و افسر مخابرات بودند. از این‌رو سرپرست تیپ ۲ زرهی دزفول در بیست و هشتم شهریور ماه پیامی به این شرح به لشکر فرستاد، «چون این تیپ یکان زرهی است، لازم است یک نفر افسر زرهی ستاد دیده در رأس تیپ باشد تا هماهنگی‌های لازم را درمورد به کار بردن تیپ در عملیات جنگی به عمل آورد، لذا مقرر فرمایند قبل از اینکه اتفاقی رخ دهد در مورد اعزام افسر مذکور اقدام کنند.»

منطقه واگذار شده به تیپ ۲ زرهی که از فکه تا دهلران بود، به صورت دو ضلع زاویه قائمه بود و کنترل تمام منطقه با توجه به وضع زمین از لحاظ نظامی مشکل بود. فرمانده تیپ در بیست و هشتم شهریور ماه به لشکر پیشنهاد کرد که این منطقه به یک واحد دیگر محول شود که بعداً عناصری از تیپ ۸۴ پیاده خرم آباد مسئولیت آن منطقه را عهده دار شدند، ولی خیلی دیر شده بود.

گفتیم که در همین روز فرمانده گروه رزمی ۳۷ تصمیم گرفت قسمتی از منطقه مرزی را مین‌گذاری کند، بنابراین درخواست واحد مهندسی کرد، اما فرمانده گروهان مهندسی چنین پاسخ داد: «به دلیل کمبود نیرو و نداشتن متخصص مین‌گذاری قادر به انجام این مأموریت نیست و چنانچه تعدادی متخصص مین به این گروهان واگذار شود، می‌تواند این مأموریت را انجام دهد.» این گزارش گویاترین وضعیت عدم توانایی واحدهای مهندسی ارتش ایران بود.

سرانجام در بیست و نهم شهریور ماه از لشکر دو افسر، سه درجه‌دار و پنج سرباز با وسایل مین‌گذاری به منطقه عملیاتی دزفول اعزام شد، ولی آیا با این ده نفر در زیر آتش شدید توپخانه و جنگ افزارهای تیر مستقیم دشمن که لحظه‌ای قطع نمی‌شد، می‌توانستند میدان مینی ایجاد کنند؟

در همین روز فعالیت نیروی دریایی عراق نیز در اروندرود آغاز شد. پایگاه دریایی خرمشهر گزارش داد ناوچه‌های عراقی در ساعت ۱۹۲۰ ناوچه گشت ساحلی ایران را در بین خسروآباد تا دهانه فاو تعقیب کردند و فعالیت‌های مشکوکی از طرف ناوچه‌های عراقی مشاهده شد. در ساعت ۲۰۳۰ نیز از طرف عوامل عراقی به مأموران گشت ایران در حوالی پل مهین تیراندازی و یک نفر مجروح شد.

بیست و نهم شهریور ماه یک قایق ایرانی که گروه مجهز دریایی دادستانی انقلاب سرنشینان آن بودند، با ناوچه‌های عراقی درگیر و یک قایق ایرانی غرق شد و ۳ تن از سرنشینان آن مجروح شدند. در این روز در مرز زمینی نیز از کرانه اروندرود تا دهلران تبادل آتش و درگیری‌های پراکنده بین نیروهای ایرانی و عراقی جریان داشت و احتمال نبردهای هوایی و تک‌های هوایی عراق شدت یافت. برآوردهای اطلاعاتی نشان می‌داد که نیروی هوایی عراق آماده حمله شدیدی به ایران است. نیروی هوایی ایران نیز فعال بود. خلبانان ایرانی درباره وضعیت آرایش، استتار و اختفای نیروهای ایران گزارش دادند که بسیار اسفبار و در مقابل حملات هوایی عراق آسیب‌پذیر هستند. این وضع واقعاً وجود داشت و تقریباً همیشه ادامه یافت، ولی خوشبختانه خلبانان عراقی به قدری کم جرئت بودند که نمی‌توانستند در ارتفاع پایین پرواز کنند و با تیربار نیروهای ما را هدف قرار دهند و اگر نه می‌توانستند تلفات بسیار سنگینی در جبهه‌های جنگ به نیرو و وسایل ما وارد سازند؛ زیرا اغلب در مواضع ما هیچ وقت تفرقه، استتار، اختفا، پوشش و آمادگی پدافند هوایی به نحو مطلوب رعایت نمی‌شد و فرماندهان نیز قدرت اعمال این امر را نداشتند و زمین منطقه عملیات در خوزستان نیز اصولاً فاقد عوامل اختفا و پوشش طبیعی بود، ضمن اینکه مقدرات پدافند هوایی ایران نیز به نسبت وسعت منطقه عملیات ناچیز بود.

گسترش گروه رزمی ۳۷ در خطرناک‌ترین معبر وصولی منطقه عملیات غرب شوش در بیست و نهم شهریور ماه چنین بود: دو دسته تانک چیفتن بین پاسگاه‌های فکه و سمیده، یک دسته تانک و پیاده در پاسگاه فکه دو دسته پیاده بین پاسگاه‌های فکه و دوبرج، دو دسته تانک در پاسگاه دوبرج. این یکان‌ها کلیه مقدرات یک گروه رزمی بودند که در حقیقت استعداد یک گروهان تقویت شده را داشتند، در حالی که ارتش عراق لشکر یک زرهی را در مقابل این منطقه مستقر کرده بود و با همان لشکر به این گروهان حمله کرد، البته در روزهای بعد دو گردان پیاده اعزامی از لشکر یک پیاده تهران نیز در این منطقه مستقر شدند، ولی قبل از اینکه بتوانند موضعی را آرایش دهند، جنگ شروع شد و این گردان‌ها با دادن تلفات و ضایعات سنگینی به اجبار به سمت شوش عقب‌نشینی کردند که شرح آن را در عملیات منطقه غرب شوش و دزفول بیان خواهیم کرد.

در این روز در منطقه مرزی سمیده، درگیری بین نیروهای ایرانی و عراقی شدید بود و چند ساعت ادامه داشت. مأموریت پوشش منطقه عملیاتی فکه تا موسیان به گردان ۲۸۳ سوار زرهی محول شده بود. این گردان در بیست و هشتم شهریور ماه گزارش داد در حالی که عناصرگردان در خط پوشش به‌ویژه در مقابل پاسگاه صدام عراق زیر آتش شدید توپخانه‌ها هستند، توپخانه خودی از این گردان پشتیبانی نمی‌کند و برای گردان روشن نیست که هدایت عملیات این گردان تحت فرماندهی کدام قرارگاه است. این امر نشان می‌دهد که تا بیست و نهم شهریور ماه حتی سازمان رزمی قاطعی برای مناطق عملیاتی تعیین نشده و روابط فرماندهی مشخص نشده و دستور عملیاتی کاملی تهیه و منتشر نشده بود.

از نظر آمادگی رزمی پیامی که گردان ۲۸۳ سوار زرهی فرستاد، جالب است. این گردان در بیست و نهم شهریور ماه گزارش داد که دسته موشک تاو این گردان تا به حال غیرعملیاتی بوده و تیراندازی نکرده است. تلاش شد که سه قبضه از این دستگاه پرتاب موشک حاضر به کار شود. گردان در نظر داشت با هر قبضه یک موشک به عنوان آموزش و آزمایش تیراندازی کند و از لشکر برای اجرای برنامه آموزشی اجازه خواست. این وضع اسفبار آموزش و آمادگی رزمی در آغاز جنگ در اغلب یگان‌ها وجود داشت، زیرا عملاً بعد از پیروزی انقلاب برنامه‌های آموزشی به صورت تعطیل یا اجرای غیرمفید در آمده بود.

در بیست و نهم شهریور ماه تمام گروهان تانک اعزامی از تهران به منطقه فکه فرستاده شد و در اختیار گروه رزمی قرار گرفت و در نتیجه گردان ۱۳۸ پیاده اعزامی از تهران به کلی فاقد تانک شد. البته این اقدام لشکر بنا به درخواست گروه رزمی ۳۷ و به همان دلیلی که قبلاً درباره کمبود استعداد رزمی آن بیان شد، انجام گرفت. سرانجام در همین روز تمام گردان ۱۳۸ پیاده اعزامی از لشکر یک تهران به منطقه دوسلک تغییر مکان داده شد و مواضع دوسلک را اشغال کرد.

در همین روز عملیات تجاوزکارانه عراق در ارون رود شدت یافت. یک ناو عراقی راه را بر کشتی ایرانی به نام «سروناز» بست و دستور داد پرچم ایران را پایین بکشد. پاسگاه خین زیر آتش سلاح سنگین دشمن قرار گرفت. پاسگاه طعمه حریق شد. نبرد در ارون‌رود نیز جریان یافت. ناوچه‌های طرفین زیر آتش قرار گرفتند، یک ناوچه عراقی غرق شد و دو نفر

کشته شدند. یک قایق ژاندارمری نیز غرق شد که سرنشینان آن با شنا خود را نجات دادند. تهدید در کرانه نهرخین جدی شد، لذا یک گروهان از گردان ۲۳۲ تانک که در محور خرمشهر - شلمچه موضع گرفته بود به کرانه نهرخین تغییر مکان داد. در این روز ستاد مشترک بر مبنای گزارش‌های تحلیلگرانه ژاندارمری وضعیت را چنین اعلام کرد که نیروهای عراقی به پاسگاه‌های ژاندارمری حمله می‌کنند و چنانچه با مقاومت نیروهای ایرانی مواجه شوند، عقب‌نشینی می‌کنند، ولی اگر مقاومتی نباشد آنها را اشغال و یا منهدم می‌نمایند. برآورد می‌شود هدف ارتش عراق از اجرای این روش عملیات این باشد که تبلیغی به نفع خود و علیه ارتش ایران به راه بیاندازد و چنانچه بتواند قسمتی از خاک ایران را اشغال کند، خواسته‌های سیاسی خود را به دولت ایران تحمیل نماید. با توجه به این برآورد کلی، ستاد مشترک راهکارهای زیر را ارائه داد:

۱. تمام پاسگاه‌های رزمی با یکان‌های زرهی و ضدزره تقویت شوند.

۲. پاسگاه‌هایی که آسیب پذیر هستند، تخلیه شوند.

۳. بدون فوت وقت ارتش ایران حمله متقابل کند و هر جا می‌تواند وارد خاک عراق

شود و بعد عقب‌نشینی کند.

۴. با هواپیما و بالگرد مواضع نیروهای عراقی بمباران شود.

توفان جنگ هر لحظه نزدیک‌تر می‌شد و هر قدر زمان به جلو می‌رفت، آثار اولیه

توفان با شدت بیشتر به پاسگاه‌های مرزی ایران و عراق برخورد می‌کرد و خسارات

بیشتری به بار می‌آورد.

سی‌ام شهریور ماه فرا رسید. در این روز نیز بر شدت آتش متقابل بین نیروهای ایرانی

و عراقی افزوده شد و منطقه مرزی بستان تا فکه همچنان مرکز تلاش رزمندگان بود.

دشمن از کرانه دور اروندرود، تأسیسات نفتی آبادان را به شدت می‌کوبید و شعله‌های آتش

جنگ را شعله‌ورتر می‌کرد. تانکر شماره ۵۱۲ نفت مورد اصابت گلوله توپخانه دشمن قرار

گرفت و انبوهی از دود و آتش آسمان آبادان را پوشاند. ناوچه‌های جنگی عراق مانند گرگ

در کمین قایق‌های گشتی ایران در اروندرود در کمین نشستند و ناوچه جنگی شماره ۸ و

۹ عراق در بندر ابوالفلوس پهلو گرفت و آماده حمله شد. نابرابری حجم آتش توپخانه به

نفع نیروهای عراقی نمایان شد و به این دلیل پیام‌های گله‌آمیز و گاهی تند از طرف

فرماندهان ایرانی به لشکر ۹۲ زرهی ارسال گردید. منطقه اروندرود رسماً به میدان جنگ تبدیل شد و خسروآباد ایران که پایگاه هوا دریا و همچنین پایگاه گردان ساحلی ژاندارمری بود، از ساعت ۱۶۰۰ در زیر آتش سنگین توپخانه عراق قرار گرفت. بالگردهای ایران وارد عمل شدند، ولی متأسفانه یک فروند بالگرد نیروی دریایی در منطقه خسروآباد به کابل فشار قوی برخورد کرد و سقوط کرد. گارد ساحلی گزارش داد پاسگاه اروندکنار در دهانه فاو زیر آتش شدید دشمن قرار گرفته و امکان دارد سقوط کند و درخواست کرد توپخانه ایران با آتش خود اقدام متقابل کند. سرانجام ناوچه‌های جنگی عراقی از ساعت ۱۱۴۵ روز سی‌ام شهریور ماه عملیات خصمانه را در اروندرود آغاز کردند و جلو حرکت قایق‌ها و ناوچه‌های ایرانی را گرفتند. پایگاه دریایی خرمشهر زیر آتش انبوه دشمن قرار گرفت و در سامانه ارتباطی آن پایگاه اختلالی ایجاد شد. در ساعت ۲۰۱۵ دقیقه پاسگاه مؤمنی با دشمن درگیر شد و لشکر ۹۲ زرهی بر اساس گزارش فرماندهی اروند وضعیت این منطقه را تا ساعت ۲۰۳۰ چنین اعلام کرد:

۱. به تانک‌های مخازن نفت آبادان خسارت سنگینی وارد شد.

۲. کشتی آزادی در حوالی خورموسی مورد اصابت گلوله دشمن قرار گرفته تعدادی از افراد آن غرق و بقیه نجات یافتند.

۳. آتشبار ۱۳۰م مستقر در اروندکنار خسارت سنگینی به پادگان عشقی عراق وارد کرد.

۴. بر اثر حمله هوایی ایران در اروندرود یک فروند ناوچه عراقی در دهانه فاو منهدم شد.

۵. دو نفر نظامی عراقی در پاسگاه دو یرج به ایران پناهنده شدند.

۶. پاسگاه فکه به وسیله دشمن منهدم شد.

در چنین گیروداری، تازه طرح عملیاتی لشکر مطرح بود. قبلاً گفتیم که طرح عملیاتی ابوذر نیروی زمینی در نیمه دوم شهریور ماه منتشر شد و لشکر در بیست و هشتم شهریور ماه طرح عملیاتی «حر» را بر اساس آن تهیه و منتشر کرد، در صورتی که عملاً واحدهای لشکر از بیست و یکم شهریور ماه، بر اساس تمرینات سال‌های قبل در منطقه مرزی از اروندکنار در دهانه فاو تا چیلات در جنوب دهلران گسترش یافته بودند. در سی‌ام خرداد

ماه لشکر به تیپ ۱ و ۳ ابلاغ کرد که در طرح عملیاتی «حر» به نحوی تغییر داده شود که نقطه هماهنگی بین دو تیپ از کوشک به پاسگاه طلایه تغییر یابد. این نکته از این لحاظ حایز اهمیت است که در حالی که بیش از ۵ ماه از آغاز درگیری‌های ایران و عراق می‌گذشت، هنوز یک طرح کلی برای عملیات تهیه نشده بود.

جریان کلی حوادث در سی‌ام شهریور ماه به این شرح بود که از ساعت ۰۷۴۵ آتش شدید دشمن به پاسگاه فکه اجرا شد، در ساعت ۰۸۴۵ پاسگاه‌های سوبله و دویرج مورد هجوم قرار گرفت، در ساعت ۰۹۵۰ آتش شدید دشمن از کرانه دور اروندرود به جزیره آبادان به ویژه تأسیسات نفتی گشوده شد. سرانجام در ساعت ۱۰۴۵ پایگاه دریایی خرمشهر در زیر باران گلوله سلاح سنگین عراق قرار گرفت. این‌گونه یک نبرد عمومی از فکه تا فاو آغاز شد و عناصر لشکر زرهی در تمام طول جبهه چهارصد کیلومتری با دشمن درگیر شدند. ستاد مشترک به نیروی زمینی پیشنهاد کرد که لشکر ۹۲ زرهی با تمام قدرت آتش توپخانه مواضع دشمن را زیر آتش بگیرد. نیروی زمینی پاسخ داد که هم اکنون لشکر در سرتاسر منطقه مشغول اجرای آتش متقابل زمینی و هوایی است، اما ستاد مشترک به آن پاسخ اکتفا نکرد و باز تأکید کرد که مواضع نیروهای عراقی در کرانه دور اروند به شدت سرکوب شود. اما برآورد می‌کرد که در این جبهه بیش از ۷۰ کیلومتری، فقط یک آتشبار توپخانه مستقر بود که اگر گلوله اتمی هم به کار می‌برد، چندان کارساز نبود؟

در ساعت ۱۳۵۵ ستاد مشترک اطلاع داد که ارتش عراق آماده یک حمله غافلگیرانه در آینده نزدیک می‌شود. جالب کلمه غافلگیرانه بود، در حالی که اکنون بیست روز بود نبرد به شدت جریان داشت و چه موضوعی می‌توانست غافلگیرانه باشد؟ به هر حال ستاد مشترک در این پیام اعلام کرد که طرح کلی دشمن به این ترتیب اجرا خواهد شد که یک گروه رزمی تانک سنگین از محور عماره - فکه به سمت شوش پیشروی خواهد کرد، یک گروه رزمی مکانیزه در محور حلفائیه - بستان حمله خواهد نمود و یک گروه تانک سنگین نیز از محور بصره - شلمچه، خرمشهر را هدف قرار خواهد داد. این اطلاعات بسیار خام بود. شش لشکر عراقی از اوایل شهریور ماه مقابل جبهه خوزستان موضع گرفته بودند. چگونه امکان داشت فقط با سه گردان تقویت شده حمله کنند، در حالی که می‌دانستند حداقل

یک لشکر زرهی ایران در این منطقه استقرار دارد؟ در سی‌ام شهریور ماه فعالیت لشکر ۹۲ زرهی دربارهٔ مسائل زیر بود:

در منطقهٔ جنوب غربی اهواز و خرمشهر تهدید جدی در محور بصره - خرمشهر احساس شد، اما برای مقابله با این تهدید لشکر فقط توانست به تیپ ازرهی ابلاغ کند یک دسته پیاده مکانیزه برای تقویت گردان ۲۳۲ تانک که در محور شلمچه - خرمشهر مستقر بود، اعزام کند. لشکر به واحدهای سازمانی و زیر امر ابلاغ کرد برابر طرح عملیاتی «حر» گسترش عملیاتی خود را هماهنگ سازند. لشکر برآورد کرد ممکن است دشمن موفق شود پل خرمشهر را منهدم و ارتباط بین خرمشهر و آبادان را مختل سازد، لذا به گردان ۴۱۴ پل دستور داد آماده باشد تا در صورت لزوم با استقرار، پل نظامی ارتباط بین خرمشهر و آبادان را برقرار سازد.

لشکر برآورد کرد که ارتش عراق در عملیات چند روز گذشته نیروهای ایران را محک می‌زد و فرماندهی لشکر به این نتیجه رسید که در این زور آزمایی، نیروهای عراقی متوجه شدند که ارتش ایران به آن نحوی که ارتش و دولت عراق برآورد می‌کردند، متلاشی و ناتوان نشده است. لذا فرمانده لشکر ضمن تقدیر از فداکاری‌ها و دلوری‌های رزمندگان ایران تأکید کرد چنانچه در مقابل حمله عمومی ارتش عراق به همین نحو مقاومت شود، افراد ارتش عراق جرئت خود را از دست خواهند داد و موفق به پیشروی در خاک ایران نخواهند شد. باید گفت که این برآورد فرمانده لشکر کاملاً درست بود، ولی اختلاف توان قدرت رزمی ایران و عراق در آغاز جنگ به قدری زیاد بود که برتری عددی نیروهای عراق بر برتری کیفیت رزمندگان دلاور ما غالب آمد و در هفته‌های اول جنگ ارتش عراق موفق شد که نیروهای از جان گذشته ما را چند کیلومتر به داخل خاک ایران عقب براند؛ اما تلفاتی که در طی این مسافت متحمل شد، فرماندهان ارتش عراق را وادار کرد که از ادامه حمله خودداری کنند و به همان مقداری که اشغال کردند، اکتفا کنند.

کمیته‌های ارتش ایران در مقابل ارتش عراق حقیقتاً زیاد بود که نمونه‌هایی از آن را قبلاً بیان کردیم. مثلاً گفتیم که گردان ۲۸۳ سوار زرهی هنوز موفق نشده بود دسته موشک‌انداز تاو را آموزش دهد و حتی تیراندازی نکرده بود و از لشکر درخواست کرد، اجازه داده شود دست کم سه موشک آموزشی اجرا کند، ولی فرمانده لشکر راضی نشد تا این

موشک‌ها به صورت آموزشی، به هدف آموزشی پرتاب شوند. لذا در سی‌ام شهریور ماه به آن گردان ابلاغ کرد بهترین میدان آموزش، میدان نبرد است و سه موشک مورد نظر را در معبر سمیده به طرف تانک‌های عراقی تیراندازی کنید. شاید این مسئله برای کسی که از مسائل نظامی و به‌ویژه از مسائل آن روز واحدهای ارتش ایران آگاهی ندارد، چندان جالب توجه نباشد، ولی اگر یک فرد نظامی آگاه این موضوع را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد به خیلی از مسائل ارتش ایران در آغاز جنگ پی خواهد برد.

در سی‌ام شهریور ماه شش دستگاه تانک - از انواع مختلف مانند چیفتن، ام - ۶۰ و ام-۴۷ از شیراز برای گروه رزمی ۳۷ اعزام شد. این گروه رزمی در این روز در فکه به شدت با دشمن درگیر بود و مداوم درخواست پشتیبانی هوایی و توپخانه می‌کرد، ولی پاسخ مثبتی نمی‌شنید. سرانجام لشکر پاسخ داد از سلاح سازمانی حداکثر استفاده را بکنید، هواپیما هم خواهد آمد. از همه جا دست نیاز به سوی فرمانده لشکر دراز شده بود و همه واحدها درخواست توپخانه و هواپیما و نیروهای تقویتی می‌کردند و لشکر علاوه بر آن چیزی که قبلاً داده بود، دیگر چیزی در دسترس نداشت. لشکر به تیپ ۲ دستور داد حتی‌المقدور از توپخانه زیر امر پشتیبانی خود گروه رزمی ۳۷ و گردان ۲۸۳ سوار زرهی را نیز پشتیبانی کند و به درخواست آتش آنها پاسخ مثبت دهد. در ساعت ۱۲۳۰ یکان مستقر در معبر بیات گزارش داد چاه شماره ۳ و ۵۸ زیر آتش دشمن قرار گرفته است و نظر داد که برای خاموش کردن آتش توپخانه دشمن نیاز به پشتیبانی توپخانه برد بلند دارد. یکان مستقر در سمیده نیز اعلام کرد از ساعت ۱۸۰۰ آتش شدید توپخانه دشمن به مواضع خودی اجرا می‌شود و درخواست کرد آتش توپخانه سنگین دشمن را خاموش سازد. گروه رزمی ۳۷ گزارش داد جبهه واگذاری به آن گروه حدود شصت کیلومتر است و برای پوشش این جبهه به آتش توپخانه ۱۷۵م نیاز است. سرانجام لشکر تصمیم گرفت یک آتشبار ۱۵۵م از گردان توپخانه کمک مستقیم تیپ ۳ زرهی مستقر در منطقه عملیاتی بستان به منطقه فکه اعزام کند و آتش پشتیبانی آن منطقه را تقویت کند، ولی شرایط عملیاتی اجازه چنین تغییر مکانی را در مدت زمان کوتاه و مسافت طولانی نمی‌داد. به هر حال وضعیت عملیاتی در سی‌ام شهریور ماه فوق‌العاده بحرانی بود و از هر طرف به رزمندگان ما فشار وارد می‌شد. آنها نیز دست نیاز به سوی لشکر دراز می‌کردند و فرمانده

لشکر هم مانند پدر فقیری که در مقابل درخواست فرزندانش جز تحمل ناراحتی روانی کاری نمی‌تواند انجام دهد، نمی‌توانست برای واحدهای تحت فرماندهی خود کاری انجام دهد. لشکر احساس کرد که تهاجم نیروهای دشمن قطعی است و نیروی کافی برای سد کردن پیشروی دشمن را ندارد، لذا به واحدها دستور داد در معابر وصولی حتی‌المقدور مین‌گذاری کنند و فرماندهان تیپ نیز این مأموریت را به گروهان‌های مهندسی تحت‌امر محول کردند، ولی هیچ‌یک از آنها نتوانستند این مأموریت را اجرا کنند. چنانچه فرمانده تیپ ۳ زرهی در این باره گزارش داد گروهی به سرپرستی یک افسر برای مین‌گذاری مقابل پاسگاه صفریه اعزام شد، ولی سرپرست گروه از اجرای مأموریت امتناع کرده و گفته است این کار باید به‌وسیله متخصصان و با نظر شخص فرمانده گروهان مهندسی اجرا شود. در نتیجه این وضع قبل از آغاز جنگ هیچ‌گونه فعالیت ایجاد موانع که جزو ضروریات قطعی هر طرح پدافندی است، در منطقه مرزی خوزستان به عمل نیامد و دلیل آن عدم امکانات نیرو و تجهیزات بود.

سرانجام اولین روز آغاز جنگ عمومی فرا رسید. خلاصه حوادث اولین روز جنگ از شمال به جنوب صحنه عملیات خوزستان به این شرح بود که در منطقه غرب شوش و دزفول هواپیماهای عراقی در ساعت ۱۳۳۰ به پادگان دزفول، پایگاه هوایی و سایت رادار دهلران حمله کردند و خسارات سنگینی به ایستگاه رادار وارد ساختند. گروه رزمی ۳۷ گزارش داد یک گردان تانک دشمن به مواضع آن گروه حمله کرد، ولی افراد خودی با رشادت در مقابل دشمن مقاومت کردند و دشمن مجبور به عقب‌نشینی به مواضع قبلی خود شد. در این روز فشار دشمن در محور فکه - دوسلک بود. نیروهای دشمن تلاش کردند با اجرای آتش سنگین توپخانه و حمله واحدهای زرهی نیروهای ایران را عقب برانند و با اشغال معبر دوسلک راه را برای پیشروی به سمت پل کرخه و اندیمشک آزاد سازند و به این وسیله مواضع عین‌خوش را که تیپ ۲ زرهی در آن مستقر بود، دور بزنند و پشت یکان‌های مستقر در عین‌خوش و دهلران را ببندند؛ اما مقاومت دلیرانه گروه رزمی ۳۷ سبب شکست این طرح عملیاتی خطرناک دشمن شد و دشمن مجبور شد در جبهه وسیع‌تری وارد عمل شود. در نتیجه فشار بر گروه رزمی ۳۷ کم شد و به همین دلیل به حق فرمانده لشکر از دلاوری افراد گروه رزمی ۳۷ قدردانی کرد. اما فشار بر گروه رزمی ۳۷ زیاد بود، لذا درخواست کرد گردان ۱۳۸ پیاده مواضعی را در جناح

جنوبی آن گروه در ارتفاعات تینه اشغال کند و پهلوئی چپ آن گروه را تأمین کند. ضمناً گروه رزمی درخواست کرد تا پشتیبانی توپخانه و هوایی بیشتر شود و لشکر به تیپ ۲ زرهی دستور داد تقدم آتش را به منطقه گروه رزمی ۳۷ و همچنین گردان ۲۸۳ سوار زرهی که از فکه تا موسیان در خط پوشش بود، اختصاص دهد، ولی تیپ ۲ به لشکر پاسخ داد که گردان ۱۵۵م توپخانه آن تیپ به صورت آتشباری یک آتشبار در معبر چیلان و یکی در معبر بیات و دیگری در معبر سمیده مستقر است و فقط آتشبار مستقر در سمیده می تواند گروه رزمی ۳۷ مستقر در فکه را پشتیبانی کند. تنها امید باقیمانده برای آتش پشتیبانی دو قبضه خمپاره انداز ۱۲۰م و دسته موشک تاو گردان ۱۳۸ پیاده بود که گروه رزمی ۳۷ درخواست کرد آنها را در پشتیبانی گروه رزمی ۳۷ قرار دهند.

فرمانده گردان ۱۳۸ در این باره نظر داد که این جنگ افزارها تنها وسیله باقیمانده پشتیبانی گردان است و اگر آنها را هم رها کنند، چیزی برای گردان باقی نمی ماند. لشکر در این باره گفت آنها را در عملیات پشتیبانی گروه رزمی ۳۷ قرار دهید و هر زمان که گردان ۱۳۸ درگیر شد این عناصر در اختیار گردان مربوطه قرار گیرند. در مقابل درخواست مداوم آتش توپخانه از طرف گردان ۲۳۸ سوار زرهی و گروه رزمی ۳۷، تیپ ۲ به لشکر گزارش داد توپخانه های موجود کافی نیست و منطقه عملیات نیاز به توپخانه برد بلند دارد. در منطقه گسترش تیپ ۳ زرهی در بین بستان تا صفریه نیز فشار دشمن همچنان زیاد بود. فرمانده تیپ گزارش کرد یک گروهان تانک ام - ۶۰ در اختیار آن تیپ گذاشته شود. در منطقه گسترش تیپ ۱ زرهی در جنوب غربی اهواز نیروهای دشمن به مواضع گردان ۲۲۱ سوار زرهی که در خط پوشش بود، حمله کردند. شدت حمله در محور کوشک و طلاویه بود. این گردان گزارش داد در ساعت ۱۴۳۰ تعداد چهار فروند هواپیمای دشمن در سقف پایین بر فراز موضع آن گردان پرواز کردند. حملات هوایی دشمن در اهواز، امیدیه، آغاچاری و ماهشهر اجرا شد و نبرد زمینی و هوایی بین نیروهای ایران و عراق به طور جدی آغاز گردید. در منطقه عملیاتی خرمشهر و آبادان آتشبار ۱۳۰م مستقر در قصبه پادگان فاو عراق را گلوله باران کرد و همان زمان توپخانه عراق تأسیسات نفتی آبادان را زیر آتش شدید توپخانه قرار داد. فرودگاه آبادان به وسیله پنج فروند هواپیمای عراقی

بمباران شد. نیروهای عراقی در مقابل شلمچه به حرکت در آمدند و به سمت ایران آغاز به پیشروی کردند و به این طریق داستان اصلی جنگ ایران و عراق شروع شد. خلاصه حوادث سی و یکم شهریور ماه که طی پیام‌ها و دستوراتی بین رده‌های مختلف فرماندهی مبادله شد به شرح زیر بود:

«لشکر به نیروی زمینی گزارش داد هواپیماهای عراقی نقاط حساس نظامی و غیرنظامی خوزستان را بمباران کردند. نیروی زمینی دشمن از تمام جبهه‌ها به‌ویژه در منطقه سوبله ، طلاییه و کوشک در حال وارد شدن به خاک ایران است، تلفات زیادی به نیروهای خودی وارد شده و تنها راه نجات خوزستان حملات هوایی خودی است. لشکر آخرین وضعیت را چنین گزارش داد که در ساعت ۱۰۴۵ گروه رزمی ۳۷ در فکه با دشمن درگیر شد، در ۱۱۴۵ گارد ساحلی ارون‌درود زیر آتش شدید دشمن قرار گرفت و دشمن آتش توپخانه با حجم زیاد به تأسیسات نفت آبادان را اجرا کرد. حمله هوایی در تمام منطقه اجرا شد و دکل بی‌سیم پایگاه فکه منهدم گردید. فرودگاه نیمه تمام آغا‌جاری سخت آسیب دید و حمله هوایی در ساعت ۱۸۴۰ به اهواز و آبادان اجرا شد. همچنین در ساعت ۱۸۰۰ فرودگاه امیدیه بمباران گردید و در ساعت ۲۰۱۵ پاسگاه‌های حدود، شلمچه و خین زیر آتش شدید دشمن قرار گرفتند و پیشروی عناصر رزمی دشمن از پاسگاه طلاییه آغاز شد.»

سرانجام از اول مهر ماه پیشروی همه جانبه ارتش متجاوز عراق آغاز شد و جنگ عمومی آغاز گردید. چگونگی صحنه‌های مختلف نبرد در کتاب‌های دیگر بیان خواهد شد.

گزارش‌های سپاه پاسداران از وضعیت پاسگاه‌های مرزی منطقه قصرشیرین

بسمه تعالی

ارتش جمهوری اسلامی ایران

ستاد مشترک

شماره: ۵۱-۰۶-۱۰۶/۲۰۱

تاریخ: ۵۹/۶/۲

پیوست: ۲۲ برگ

از: سماجا (عملیات)

به: گیرندگان مراجعه شود

موضوع:

بدین‌وسیله ۲۲ برگ روگرفت گزارش‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران به حضور جناب آقای رئیس جمهور، فرماندهی نیروهای مسلح به پیوست ارسال می‌شود. خواهشمند است دستور فرمایید با توجه به پی‌نوشت معظم له و تیمسار جانشین ریاست ستاد مشترک بررسی‌های لازم معمول و نمایندگان تام‌الاختیار آن نیرو/ سازمان راهکار عملی در اجرای پیشنهادهای گزارش پیوست را در جلسه ساعت ۰۹۰۰ - ۱۳۵۹/۶/۹ که در اداره سوم تشکیل می‌شود، ارائه کنند.

سرپرست اداره سوم (عملیات) سرهنگ ستاد هوشنگ معینی

بسمه تعالی

در رابطه با دو مدرک به دست آمده فوق توضیحاتی لازم است که در ذیل نقشه آورده

می شود.



در این نقشه تقریبی ارتفاعات دالاهو مشخص است. این ارتفاعات از روز اول انقلاب اسلامی محل سارقان مسلح بوده است که حالا مهاجمان را هم در خود جای داده است. در ارتفاعات فوق روستاهای فراوانی وجود دارد. در این ارتفاعات چندی پیش در اثر درگیری که بین مهاجمان و افراد سپاه، جهاد و بسیج به وجود آمد، تعداد نوزده نفر به شهادت رسیدند، آن هم به دلیل اینکه ارتش فاصله حدود ۶۵ کیلومتری را در ۱۸ ساعت پیمود و در بین این ساعت‌ها درگیری به شدت ادامه داشت. در ارتفاعات دالاهو افرادی با نژادهای گوناگون از جمله سنی، قلیخانی، جاف و علی‌اللهی وجود دارد. طبق آماري که از منطقه به دست آمده مهاجمان مسلح که همگی آماده نبرد هستند و قرار است به طور کلی و گسترده عملیات تهاجمی خود را آغاز کنند و بیشتر آنها از افراد محلی و خود فروخته هستند، حدود ۷ الی ۹ هزار نفر تخمین زده شده که در سطح منطقه پراکنده هستند و مسلح به اسلحه‌های خمپاره ۸۲، خمپاره ۶۰، آرپی‌جی ۷، آرپی‌جی ۱۱، کالیبر ۵۰، کالیبر ۳۰، ضدهوایی، کلاشینکف، برنو و نارنجک هستند که همگی از مهماتی است که از سوی عراق با حقوق برای آنها برای مبارزه با حکومت فرستاده می‌شود که البته به‌خاطر نقاط ضعف دستگاه‌های اجرایی چنین جوی در این منطقه کوهستانی به وجود آمده است که راه حل آن در مبارزه با قاطعیت در برابر این مزدوران است. البته تعدادی از نیروهای خودی در میان آنان هستند و هنگام حمله برای پیروزی باید با ستوان آذربون و استوار مالکیان همکاری شود، چون به منطقه آشنایی دارند و به چم و خم مبارزه در این منطقه با توجه به نفراشان آشنایی بیشتری دارند که حتماً باید برای سرکوبی با این دو نفر مذاکره کرده تا نتیجه صحیحی به دست آید.

دو مدرک فوق وابسته بودن این افراد را به عراق نشان می‌دهد. یکی از مدارک، عبورنامه مزدوری به نام «رستمی» است که به‌وسیله دولت بعث عراق صادر شده است که جناب رستمی در منطقه است و هیچ‌گونه تعرضی نسبت به وی انجام نشود و مدرک دوم که به امضای سردار جاف، برادر «سالار جاف» است، از تمامی گروه‌ها درخواست کرده بود که در روز یکشنبه هفته پیش در منطقه برای مذاکره جمع شوند که از کیفیت آن فعلاً اطلاعی در دست نیست، ولی آنچه که به خوبی مشخص است وجود توطئه‌ای است که در این محل قرار است با وسعت گسترده‌ای به وجود آید و اگر از حالا جلوگیری نشود به احتمال بسیار زیادی در آینده گریبان‌گیر حکومت مرکزی خواهد شد. افراد و مزدورانی که با سردار جاف همکاری می‌کنند، همه ایرانیانی هستند که بعد از انقلاب از دستگیری آنان جلوگیری به عمل آمده

است تا اینکه آنها فرصت یافتند که مسلح شوند و افراد مسلحی را اطراف خود جمع کنند که پول آنها هم از عراق و هم از کمین‌های جاده‌ای که به دست می‌آوردند، پرداخت می‌شد و به طور کلی آنها منطقه را در اختیار خود در آورده‌اند و طی تماس‌هایی که در پشت پاسگاه پیشگامان بین آنها - سردار جاف، کدخدا محمود نظری معدوم، کدخدا بهرام، کدخدا علی گرده‌نویی و کدخدا کریم - می‌شد، متوجه شدیم که آنها با هم به اتفاق خانواده و نفراتشان به عراق گریخته‌اند و از آنجا سرپرستی عملیات مزدوران را به دست گرفته‌اند و از حرکت لاک‌پشتی دولت موقت استفاده کرده و نیروهای مسلح خود را در بخش وسیعی پخش کرده و دسته‌بندی کرده‌اند و آماده هجوم و مقابله با دولت هستند.

لازم به ذکر است که تمام مهاجمان از افراد روستاهای محل هستند که فعلاً در اختیار عراق‌اند و باز لازم به ذکر است که اگر به سرعت فکری نشود، عواقب وخیمی به جای خواهد گذاشت، زیرا در مناطق کوهستانی دالاهو مبارزه کردن با این مزدوران اگر آنها فرصت مخفیگاه‌سازی یا غارسازی پیدا کنند، خیلی مشکل‌تر خواهد شد. البته این موضوع که چنین گروه‌هایی در بابا یادگار وجود دارند، حدود ده ماه پیش گزارش داده شد، ولی متأسفانه تا به حال کسی رسیدگی نکرده است. به هر حال امیدواریم که با قاطعیت و جدیت فوری جلو این توطئه گرفته شود. این دو مدرک بعد از درگیری دالاهو که مزدوری به نام رستمی زخمی می‌شود و از محل می‌گریزد و در منطقه تنگ هوان به دلیل جراحات وارده از پای در می‌آید، یک نفر این دو مدرک را از جیب وی درآورده و به سپاه پاسداران قصرشیرین تحویل می‌دهد.

به امید پیروزی اسلام و امام خمینی و به امید موفقیت

ریاست جمهوری

گروه کلاته صیادی

دوست عزیزم!

ضمن درخواست سلامتی همگی از خداوند متعال، امیدوارم موفق باشید. بنده طبق این نامه اعلام می‌دارم تمام گروه‌های تابعه مستقر در مناطق دالاهو آگاه باشند، هر سه گروه موظف هستند گروه مربوطه خودش را در تقاطع‌های حساس آن محل برای جلوگیری در آن مناطق برای هرگونه رزمی مهیا کرده، علی‌هذا به قید فوری بدون تأخیر لازم است هر سرگروه دو یا سه نفر را برای حفاظت راه به همراه خود بیاورد و حداکثر هرچه زودتر تا روز یکشنبه از برای پاره‌ای مذاکرات خود را در این محل حاضر کند، بدون تأخیر.

سردار جاف

امضا ۱۹۸۰/۶/۱۷

موضوع گزارش: وضعیت پاسگاه‌های نوارمرزی خسروی، قصرشیرین در استان کرمانشاهان.

چون شناخت کافی از منطقه مزبور در دست نبود، فردی را که آشنایی به منطقه داشت و خود پیشنهاد همکاری با ما را کرده بود، مأمور این کار کردیم. گرچه ایراداتی به گزارش وارد است که در پایان به آنها اشاره می‌شود، اما برای تشویق و جذب استعدادهای جدید بهترین راه را در این یافتیم که کمبودهای آنها را در عمل و با انتقاد به روش تهیه گزارش جبران نماییم و از رئیس جمهوری تمنا می‌شود با خواندن گزارش و نظر دادن مشوق تهیه کننده آن باشند.

گزارش درباره وضع موجود مرزکشور و چگونگی ایجاد امنیت و مقاومت در این نقشه به جز چهار پاسگاه قلعه سفید، هدایت، یکه‌شان و برج احمدی بقیه در دست افراد سپاه پاسداران است و به جز چهار پاسگاه یاد شده تمامی پاسگاه‌ها در اثر حملات عراق و مهاجمان به صورت مخروبه و حتی یکسان با خاک درآمده است؛ ولی چهار پاسگاه فوق از ساختمان‌های سالمی برخوردارند و به همان صورتی که بودند حالا هم هستند چون چهار پاسگاه بالا در دست ژاندارمری است.

۱. پاسگاه دربندجوق:

پاسگاه دربندجوق ما بین قصرشیرین و خسروی بین پاسگاه برج احمدی و پاسگاه بعد از دربندجوق قرار دارد، دارای فاصله‌ای حدود ۶ کیلومتر جاده که درمقابل این پاسگاه عراق وجود دارد با خصوصیتی که از پاسگاه‌های عراق ذکر شد. این پاسگاه مورد حملات شبانه‌روزی قرار دارد و به پاسگاه دربندجوق در این حملات آسیب زیادی رسیده است و تقریباً به صورت تلی از خاک در آمده است. این پاسگاه در برابر دهات دربندجوق قرار دارد که فاقد آب و برق و جاده هستند و یکی از مراکزی است که دست سپاهیان پاسدار قرار دارد. وسایل دفاعی کل پاسگاه‌های سپاه تقریباً مانند هم است، با این تفاوت که در بعضی از پاسگاه‌ها حتی کالیبر ۵۰ هم قرار ندارد.

۲. پاسگاه پرویزخان:

در چهار کیلومتری جاده قصرشیرین نزدیک پمپ‌بنزین است. این پاسگاه هم جزو سری پاسگاه‌هایی است که توسط سپاه پاسداران اداره می‌شود، در مسیر این جاده چهار کیلومتری بر اثر انفجار یک مین، یک ماشین جیب به همراه شانزده مسافر با مین برخورد می‌کند و بر اثر این انفجار چهارده نفر از مسافران ماشین تکه‌تکه شدند، در حالی که ما خود به خوبی می‌دانیم که این مین را برای ماشین سپاه پاسداران کار گذاشته بودند و نیز در طی درگیری‌هایی که هر روز در این محل صورت می‌گیرد، پایگاه تقریباً به صورت تل خاکی درآمده است. این پاسگاه در حال حاضر دارای هفده پاسدار است که روزها توی آفتاب هستند و شب‌ها زیر نور آسمان و به طور کلی تمام وقت خود را درون سنگر می‌گذرانند.

از نظر امکانات دفاعی به‌طور کلی در برابر هر پاسگاه مرزی ما، سه پاسگاه و یک ناحیه عراق وجود دارد. درون هر پاسگاه عراق به خاطر اینکه بتونی و دارای آشیانه است، تعداد سه دستگاه تانک وجود دارد که روزها در آشیانه هستند و شب‌ها به پنجاه متری مرز می‌آیند و به پاسگاه‌های ایران حمله می‌کنند، به اضافه در هنگام حمله به پاسگاه‌های ما به اضافه کالیبر ۵۰ از خمپاره ۸۲، ۱۲۰، ۶۰ و خمسه‌خمسه، تانک‌ها و توپ‌های ارتش نیز به آنها کمک می‌کنند و در برابر این حملات، پاسگاه پرویز تنها دارای یک کالیبر ۵۰، یک خمپاره ۶۰ و به تعداد هر نفر یک ژ ۳ با ۱۰۰ تیر فشنگ است. در برابر سنگرهای بتونی آنها، سنگرهای خاکی وجود دارد که این سنگرها در برابر گلوله‌های توپ و تانک دشمن

هیچ‌گونه مقاومتی ندارد، در ضمن این پاسگاه به همراه روستای روبه‌رو نه آب دارد و نه برق.

۳. پاسگاه برار عزیز:

پاسگاه برار عزیز بین جاده سرپل ذهاب و قصرشیرین قرار دارد و بین دو پاسگاه قلعه سفید و دارخور است. فاصله بین پاسگاه تا جاده حدوداً چهار کیلومتر است. این پاسگاه هم در برابر روستای برار عزیز قرار دارد که در مقابل این پاسگاه دو پایگاه مهم عراق با دیوارهای بتونی بسیار محکمی قرار دارد که حتی پس از تیراندازی به وسیله توپ ۱۰۶ به صورت مستقیم، هیچ‌گونه مشکلی برای آن پاسگاه به وجود نیاورد. در این پاسگاه برادران پاسدار تهرانی قرار دارند که حتی از داشتن تفنگ ۳- در مضیقه‌اند یعنی به آنها ام-۱ داده‌اند که همه می‌دانند این نوع تفنگ به دلیل کندی در عمل حدود ده سال است که از رده ارتش خارج شده است. پاسگاه برار عزیز که از همه طرف مورد اصابت توپ، گلوله‌های تانک و آرپی‌جی ۷ قرار گرفته است، اصلاً قابل استفاده نیست و در عکس شما مشاهده خواهید کرد که به چه صورت درآمده و تا به حال هیچ کاری برای آنها انجام نشده است. مهمات مشابه پاسگاه‌های دیگر است. این پاسگاه تقریباً همیشه در برابر حملات دشمن قرار دارد، بدون امکانات دفاعی و بدون سنگرهای محکم.

۴. پاسگاه باباهادی:

پاسگاه باباهادی در آخرین نقطه مرزی بین دو پاسگاه زید یحیایی و دارخور قرار دارد - بین جاده سرپل ذهاب و قصرشیرین - این پاسگاه که اصولاً وجود ندارد و دو اطاق را به صورت پاسگاه در آورده‌اند، در مقابل آن یک جان پناه قرار دارد - اصولاً جان پناه برای حملات هوایی است، ولی قسمتی از این جان پناه به دلیل برخورد یک خمپاره ۶۰ به ۷ متری آن فرو ریخته است - این پاسگاه در فاصله ۳/۸ متری جاده آسفالتی قرار دارد که بر اثر رفتن ماشین سپاه روی مین، دو تن از بهترین فرزندان ایران، احمد مرادی فرمانده پاسگاه و سید ابراهیم شهید شدند. علاوه بر آن این پاسگاه همواره در حال درگیری است. سنگر این محل و محل آتش آشپزخانه آن هر سه در یک حیاطی قرار گرفته که متعلق به افرادی است که روستاها را خالی کرده‌اند. در برابر این محل روی کوه‌های بلند دو پاسگاه عراق قرار دارد که از استحکامات محکمی برخوردارند. مهمات به همان صورت و سنگرها به

نحوی است که در مقابل حملات عراق هیچ‌گونه استحکامی ندارد. در عکس مشخص است این پاسگاه فاقد وسایل دفاعی است؛ یعنی کلیه پاسگاه‌ها فاقد وسایل دفاعی‌اند. آنها یک کالیبر ۵۰ دارند و یک خمپاره ۶۰ و برای هر پاسدار یک اسلحه با کمی تفاوت، یعنی بعضی به جای کالیبر ۵۰، کالیبر ۳۰ دارند و بعضی به جای خمپاره ۶۰، خمپاره ۸۲ دارند، ولی به‌طور کلی مهمات از این بیشتر نیست.

۵. پاسگاه دارخور:

بین پاسگاه برارعزیز و باباهادی در فاصله چهار کیلومتری جاده سرپل و قصرشیرین قرار دارد. این پاسگاه در کنار روستای دارخور که از افراد با ایمان منطقه هستند، قرار گرفته که اصولاً دیگر پاسگاه نیست، بلکه ساختمانی است که همه طرف آن مورد اصابت گلوله‌های خمپاره، تانک، توپ و آرپی‌جی ۷ قرار گرفته و سوراخ سوراخ شده است، به همین دلیل سپاهیان پاسدار منطقه از آن به عنوان سنگر استفاده می‌کنند. این پاسگاه دارای هفده پاسدار محلی و غیر محلی است که از نظر مهمات کمبود شدیدی دارند؛ یعنی تنها مهمات سنگین این پاسگاه خمپاره ۶۰ است که با این خمپاره باید در برابر سه پایگاه مهم عراق که روی کوه قرار دارند و دارای مجهزترین تجهیزات هستند، به مقاومت پردازد. در جاده شن‌ریزی شده این پاسگاه، تا به حال چندین مین خنثی شده است و چندین نوبت نیز از سوی مهاجمان از داخل مورد حمله قرار گرفته است که در یک حمله سه تن از مزدوران کشته شدند و همین دو روز پیش ۱۳۵۹/۵/۲ دو عدد مین در این جاده کشف و خنثی شده است.

۶. پاسگاه زیدیحیایی:

پاسگاه زیدیحیایی از مهمترین مراکزی است که همواره مورد حملات عراق و مهاجمان قرار دارد. این پاسگاه ساختمان ندارد، چون بر اثر اصابت مهمات دشمن به کلی نابود شده و در فاصله پنج کیلومتری جاده اصلی قرار دارد. این پاسگاه هم از سلسله پایگاه‌هایی است که در دست سپاهیان پاسدار است و با تجهیزات بسیار کم در برابر حملات عراق و مهاجمان مزدور همواره در حال دفاع هستند، در حالی که از نظر تجهیزات فنی هم کمبود دارند. این پاسگاه هم فاقد آب، برق و جاده مناسب است که تعداد زیادی

مین در جاده آن کشف شده و یک خودرو هم روی مین رفته و تعدادی را کشته است. زید یحیایی بیشتر مورد حمله مهاجمان قرار دارد.

۷. پاسگاه بیشگان:

پاسگاه بیشگان بین دو پاسگاه هوان و زیدیحیایی است که مانند پاسگاه‌های دیگر از ساختمان آن پاسگاه هیچ چیزی باقی نمانده. فاصله آن از جاده باز هم حدود شش کیلومتر جاده خاکی و محل مناسبی برای مین‌گذاری. این پاسگاه به همراه دیگر پاسگاه‌ها و روستاها فاقد آب، برق و وسایل رفاهی هستند. خوب بود می‌آمدند و اینها را می‌دیدند که این پاسداران از جان گذشته با چه وضعیتی دارند با عوامل آمریکا مبارزه می‌کنند. پاسگاه بیشگان به وسیله عده‌ای از جوانان محلی با تمام قوا و فداکاری حفاظت می‌شود. این پاسگاه هم بیشتر مورد هجوم مهاجمان است، چون در این منطقه رفت و آمد مهاجمان از مرز به راحتی صورت می‌گیرد و این مین‌گذاری‌های درون جاده را هم به خاطر باز بودن راه و مرز انجام می‌دهند که آن را در قسمت راه حل چگونگی جلوگیری از ورود مهاجمان بازگو می‌کنیم. در زمانی که ژاندارمری در این پاسگاه مستقر بود، پشت، این پاسگاه محل امنی برای ملاقات سردار جاف و کدخدا محمود نظری (معدوم) و کدخدا علی گرده‌نویی و کدخدا بهرام الیاسی بود که همین ملاقات‌ها باعث به وجود آمدن جو نامنی در منطقه شده است.

۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳: پاسگاه‌های تنگ هوان، گرده‌نو، تيله کوه، تپه‌وش، باویسی،

ازگله:

این پاسگاه‌ها تقریباً به صورت تلی از خاک درآمده‌اند که فاصله پاسگاه (باویسی، تيله کوه، تپه‌وش، هوان) با پاسگاه گرده‌نو که جاده آسفالته تا آنجا آمده، حدود شصت کیلومتر است. در این پاسگاه‌ها بعضی از سپاهیان و پاسدارها خواب می‌بینند که دارند آب یخ می‌خورند، بعد بلند می‌شوند و می‌گویند ما در خواب آب یخ خوردیم. برادران پاسگاه در هوان، درون یک غار زندگی می‌کنند که به دلیل کوچکی، نوبتی از گرما به آن پناه می‌برند. این پاسگاه‌ها، از ۲۴ ساعت حدود ۲۰ ساعت در حال درگیری، جنگ و گریز، پیشروی و عقب‌نشینی هستند. در این پاسگاه‌ها، در درگیری‌های مرزی چه با عراق و چه با مهاجمان حدود صد نفر از بهترین فرزندان این مرز و بوم به شهادت رسیده‌اند. در این جاده با این

طول کم حدود چهارصد الی پانصد مین کشف شده است. حدود بیست نفربر، تانک و خودرو بر اثر برخورد با مین منهدم شده‌اند و حدود شش خودرو پاسداران بر اثر برخورد با مین منفجر شده‌اند.

سنگرهای آنها بسیار ضعیف است. این پاسگاه‌ها و روستاهای اطراف فاقد آب، برق و جاده هستند و محلی است که مهاجمان به راحتی وارد و خارج می‌شوند. این پاسگاه‌ها جزو پاسگاه‌هایی بوده‌اند که تا همین چند ماه پیش همه در دست مزدوران عراقی و محلی برای توطئه علیه نظام بعد از انقلاب بوده‌اند. ژاندارمری در این منطقه کاری کرد که سردار جاف و محمود نظری در پشت پاسگاه بیشگان به راحتی باهم ملاقات می‌کردند. ژاندارمری نه تنها مقاومتی در برابر ضدانقلاب نکرد، بلکه همواره عاملی بود برای ازدیاد تشنجات و افزایش توطئه در منطقه. با کمک همین ژاندارم‌های منطقه بود که وضع مرزی به این صورت درآمد؛ ولی هیچ‌کس نبود که به مردم بگوید که این پاسگاه‌ها دست عراق بوده است و هیچ‌کس شجاعت این را نداشت که مردم را در جریان امور بگذارد و از مردم کمک بخواهد. چنان وضعی به وجود آوردند که اکثر مردم منطقه رفتن به عراق را به ماندن در ایران ترجیح دادند. مثلاً محمود نظری با هفتاد خانوار، سید مهدی هاشمی با یازده خانوار، علی گرده‌نویی و بهرام و... با خانوار به عراق رفتند، در حالی که همان زمان به راحتی جلو نفوذ عراق و مهاجمان به مرز به وسیله استوار رضایی گرفته شد، ولی بعد از هجده روز به دلیل خیانت‌هایی که به او کردند، منطقه را ترک کرد.

پاسگاه ازگله، پاسگاهی که در دست سپاهیان پاسدار است و هر شب مرتباً زیر حملات عراق قرار دارد. پاسداران شب‌ها به کوه‌های پشت سر عقب‌نشینی می‌کنند و روزها باز می‌گردند. ازگله محوطه بازی است که به دلیل کمی افراد سپاهیان پاسدار نمی‌توان جلو مهاجمان را گرفت، به همین دلیل است که بارها کمک خواسته شده ولی نیرویی به منطقه اعزام نشده است. ازگله به سادگی قابل نفوذ است. در حدود دو کیلومتری نیروهای خودی عقب‌نشینی کرده‌اند. کمبود مهمات در آنجا به خوبی نمایان است و با اینکه استوار فرخی - استوار ارتش - به وسیله توپ به آنها کمک زیادی می‌کند، ولی به دلیل وسعت منطقه، ضربات نیروهای بعثی از همه سو باعث ضربه‌پذیری این منطقه شده است؛ یعنی به طور واضح

آن منطقه به امان خدا رها شده است و اگر نیروی کمکی به منطقه نرسد، جبران کردن ضربات خیلی مشکل است.

راه حل ضربتی جهت مقاومت و ایجاد امنیت:

۱. اولاً مهم‌ترین کار، آسفالت جاده حدود شصت کیلومتر این پاسگاه برای جلوگیری از مین‌گذاری است.

۲. دادن مهمات کافی به سپاه‌یانی که از جان و دل گذشته‌اند و در منطقه به پاسداری مشغولند.

۳. ساختن سنگرهای محکم و احیاناً بتونی و ایجاد جان پناه هنگام بمباران.

۴. ساختن ساختمان محکم برای افراد پاسگاه.

۵. رساندن آب و برق هم به پاسگاه و هم به روستا.

۶. اعزام افراد بیشتری برای کمک به برادران پاسدار آن پاسگاه.

۷. بیرون کشاندن ژاندارمری از چهار پاسگاهی که در دست آنها است.

۸. ایجاد میدان مین‌گذاری شده در مرزها برای جلوگیری از آمدن به درون مرز.

۹. ایجاد پاسگاه‌های جدید مانند پایگاه‌های ایجاد شده در طرفین تنگ هوان.

آسفالت‌سازی: کل جاده‌های موجودی که باید آسفالت شود حدود ۶۰ کیلومتر است که می‌توان هم از آسفالت گرم و هم از آسفالت سرد استفاده کرد. البته قبلاً می‌خواستیم که فقط از قیر و نفت سیاه استفاده کنیم که مشخص شود جاده دست خورده است یا نه، ولی بعد فکر کردیم که ممکن است افرادی که می‌خواهند مین‌گذاری کنند با خود قیر بیاورند و بعد از مین‌گذاری محل را سیاه کنند و این کار را درست ندانستیم. حال تنها راه جلوگیری از نابودی اموال بیت‌المال - توپ، تانک، خودرو و نفربر - و جلوگیری از بیهوده کشته شدن اهالی و شهادت برادران جان بر کف، این است که جاده‌ها را آسفالت کنیم، آن هم نه مثل آسفالتی که به سرپل تا گردنو ریخته‌اند، چون این آسفالت سال دیگر هم دوباره احتیاج به آسفالت دارد. به عبارتی این آسفالت خرج بیهوده‌ای بود که مسبب این عمل که باعث زیان به حقوق ملت شده‌اند، باید جوابگو باشند.

مهمات سپاه: همان‌گونه که در بالا قید کردیم، هیچ کدام از پاسگاه‌ها قدرت دفاع در برابر حملات مزدوران بعث را از نظر مهمات ندارند، به یاد دارم که هنگامی که ما مورد حمله عراق

قرار می‌گرفتیم، چون سلاح‌هایمان برد کافی و مقاومت کافی نداشت که مقابل آنان مقاومت کنیم، هیچ‌گونه عملی برای مصرف بی‌خودی مهمات انجام نمی‌دادیم، فقط در سنگر می‌نشستیم تا از حملات در امان باشیم. رساندن سلاح یکی از با اهمیت‌ترین کارهاست، البته باید به هر دو یا سه پاسگاه دو یا سه عدد تیربار ضدهوایی بدهند. چند روز پیش بود که هواپیمای عراق از روی پاسگاه قلعه سفید ژاندارمری وارد خاک ایران شد و از روی قصر شیرین گذشت و باز از روی پاسگاه برج احمدی (پاسگاه ژاندارمری) به عراق بازگشت بدون اینکه از سوی ژاندارمری به وی تیراندازی شود. حال در نظر بگیریم اگر این هواپیما قصد بمباران را داشت چه باید می‌کرد؟ خود سپاه قصر هم کمبود مهمات دارد، یعنی یک کالیبر دارد، یک خمپاره ۸۲ و دیگر هیچ و در بعضی پاسگاه‌ها پاسداران مهمات ندارند.

سنگر: سنگرهای کل پاسگاه‌ها از خاک است، در حالی که سنگرهای عراق تماماً بتون است و به وسیله بولدوزر روی آنها را با خاک پوشانده‌اند. سنگرهای مرزی ما تاب مقاومت در برابر توپ و تانک را ندارد و حتماً باید سنگرهای محکمی ساخت. برادر پاسدار مهندس ابراهیمی از یزد، درون سنگر به وسیله خمپاره به شهادت رسید.

ساختمان پاسگاه: تمام پاسگاه‌هایی که دست برادران سپاه است ویران شده‌اند، چون با آجر ساخته شده بودند. باید ساختمان‌های جدیدی با بتون ساخت که اولاً دارای آشیان باشد، ثانیاً دارای پناهگاه یا جان‌پناه هنگام حملات باشد. زمانی که پاسگاه‌های ما در جواب پاسگاه‌های عراق به سوی آنها تیراندازی می‌کنند، آنها به جان‌پناه می‌روند و برادران ما به بالای بلندی‌های اطراف پاسگاه.

آب و برق: بعد از جاده‌کشی به راحتی می‌توان برای پاسگاه‌ها و روستاها آب و برق کشید، چون بعضی پاسگاه‌ها منبع دارند و بعضی دیگر بشکه که در هوای گرم قابل مصرف نیست. روستایی‌ها هم آب پر از میکروب رودخانه را می‌خورند. برق هم از ضروریات است که هم پاسگاه و هم روستا فاقد آن است.

افراد کمکی: برای ایجاد پاسگاه‌های جدید بین مناطق حساس و نیز کمک به برادران درون پاسگاه باید نیروی کمکی بومی یا افراد آشنا به کوهستان را استخدام کرد تا مانند سه پاسگاه جدید (ترشاه، تنگ بردلی و ناوگویی بین تنگ هوان و بیشگان) بتوانند به طور

کامل منطقه را بیوشانند و راه نفوذ مهاجمان را ببندند و در ضمن هنگام حمله، کمکی باشند برای مقابله با دشمن.

بیرون کشاندن ژاندارم‌ها از چهار پاسگاه: چهار پاسگاه برج احمدی، یک‌شان هدایت، قلعه سفید تنها پاسگاه‌هایی است که سالم مانده‌اند. این پاسگاه‌ها باید از وجود ژاندارم خالی شود و به سپاه بدهند، چون اکثر حمله‌هایی که مهاجمان به شهر قصرشیرین انجام می‌دهند، بعد از ورود از این پاسگاه‌ها است. این افراد هیچ‌گونه خطری برای عراق ندارند، علاوه بر آن با عمل خود کمک بزرگی به عراق می‌کنند و به همین دلیل است که عراق خیالش از وجود آنها راحت است. افراد مزدور به راحتی از بین پاسگاه‌های یاد شده وارد می‌شوند، حمله می‌کنند، مین گذاری می‌کنند و دوباره باز می‌گردند؛ البته اینکه دست سپاه قرار گیرد با شرایطی که میان آنها بوده که تا حالا انجام نگرفته است. شرایط این بود که در جلسه‌ای با حضور سرهنگ فلاحی، سرهنگ دانشور، سرهنگ [سرلشکر] شادمهر، ابوشریف و سرهنگ نصرتی‌نیا در ستاد مشترک قرار بر این شد که پاسگاه‌ها را به سپاه بدهند و در عوض ژاندارمری حفاظت جاده‌های خسروی، کرمانشاه را به عهده بگیرد و بی‌سیم، آب و ساختمان پاسگاه را در اختیار سپاهیان مستقر در پاسگاه قرار دهد که تا حالا قرار نداده و حتماً باید رسیدگی شود و عامل اصلی مجازات گردد، چون سرپیچی از قانون و مسامحه کاری است آن هم در هنگامی که سپاه احتیاج به بی‌سیم‌هایی در برد ژاندارمری برای تماس با پاسگاه‌های دور دارد.

ایجاد میدان مین: یکی از مهم‌ترین کارهایی است که حتماً برای ایجاد امنیت باید انجام شود مثل ایلام. ایجاد میدان مین باید به وسیله گردان مهندسی انجام شود تا جلو ورود دشمن به داخل مرز گرفته شود. میدان مین را باید گردان مهندسی انجام دهد که محل آن را خود بداند، در ضمن سپاه پاسداران فاقد مین است که بتواند راه‌های ورودی را مین گذاری کند. مین گذاری، چنان که در ایلام دیدیم، راه بسیار مؤثری است برای امنیت و نیامدن مهاجمان به داخل، چون اکثر پاسگاه‌های ما سنگرهای رو به درون مرز را بیشتر کرده‌اند و چون از درون هم به آنها حمله می‌شود.

ایجاد پاسگاه‌های جدید: ایجاد پاسگاه‌های جدید که در بالا قید شد، احتیاج به نفر و مهمات دارد. راه‌حل‌های مدت‌دار که البته امکان دارد که در اثر استحکام و قدرت به دست

گرفتن در مرز کشور، عراق دیگر نتواند کاری انجام دهد؛ یعنی اینکه ما توانستیم جاده را آسفالت کنیم و مین گذاری کنیم و مهمات به اندازه کافی باشد، عراق به شدت در معرض حمله قرار می گیرد و دیگر مثل حالا نمی تواند از همه طرف مرز را مورد حمله قرار دهد. این از قدرت عراق نیست که ما را مورد حمله قرار می دهد، بلکه این ضعف در پاسگاه های ما است و گر نه عراق اولاً خود درگیر مبارزات داخلی است و قدرت ندارد که هم در برابر ایران و هم در برابر مردمش بایستد و البته این حمله هایی که عراق انجام می دهد، می توان گفت که از این حملات بدون هدف است، چون چیزی عاید عراق نمی شود. به هر حال این راه حل بالا اگر بتواند مؤثر افتد عراق مجبور به تغییر مواضع خود به جای دیگر مرز می شود که باید آنجا را هم به همین گونه کنترل کرد. اما اینکه به طور کلی به چه صورت می توان امنیت کامل در منطقه به وجود آورد، دو راه دارد که با عراق باید کار را یکسره کرد:

۱. مذاکره:

البته مذاکره به این معنی نیست که بخواهیم دستمان را در دست عراق بگذاریم، به صورتی که آن رژیم را تأیید کنیم تا در عراق مردم نسبت به رژیم تردید به خود راه ندهند؛ بلکه باید با افشاگری وسیع در سراسر دنیا عراق را وادار کنیم که از ما بخواهد با او مذاکره کنیم و در مذاکره حاضر شود به ما امتیاز بدهد، بدون اینکه به او امتیازی بدهیم. باید نظر تمام محافل بین المللی را علیه عراق، آمریکا و اسرائیل به وسیله تبلیغات افشاگرانه برانگیزیم. تبلیغات نه به آن صورتی که تا حال کرده ایم، زیرا این تبلیغات نه تنها انقلاب ایران را به مردم نمایاند، بلکه با تبلیغات خود، انقلاب ایران را به صورتی درآورد که حتی کشورهای زیر سلطه و بعضی کشورهای ضد امپریالیست هنوز نه نماینده ای در ایران دارند و نه ایران نماینده ای در آن کشورها مثل ظفار و لیبی.

۲. از راه قدرت و نیروی داخل عراق:

اینکه با یک عمل ضربتی بتوانیم جواب دندان شکنی به عراق بدهیم؛ یعنی این کار را به تنهایی و یک بعدی نمی توان انجام داد، بلکه ابتدا انقلابیون عراق را باید مسلح کرد تا ترور شخصیت های مزدور را در عراق به وجود آورند، همان فکری که (شهید سید مالک حکیم) داشت. به جای اینکه این قدر ایران نیرو به سر مرز بیاورد و این قدر مهمات بپهوده مصرف کند،

می‌توانند با ده درصد این نیروها و مهمات، عراق را به انقلاب نزدیک کند. باید به نیروهای مؤمن عراقی توجه کنیم تا بتوانند شخصیت‌های عراق را ترور کنند و علاوه بر آن با بمب‌گذاری در محل‌های مزدوران امنیتی مثل ساواک عراق و محل‌هایی که به نحوی با امپریالیست و صهیونیست در ارتباطند، البته به شرطی که به مردم آسیب نرسد و طوری باید عمل کرد که عراق بدانند کار ایران است و در آن صورت در زیر فشار این جو ترور مجبور شود که با ایران مذاکره کند که با این عمل چند کار انجام می‌دهیم:

۱. کمک به انقلاب عراق و تسریع انقلاب و به وجود آوردن آگاهی در عراق و به دنبال آن در منطقه.

۲. عراق در برابر این عمل مجبور می‌شود که نیروهای خود را در سراسر کشورش تقسیم کند و نتواند به صورت فعلی نیروهایی را در مرز ایران متمرکز کند و علاوه بر آن چهره پلید و ضد‌مردمی این هم برای ملت عراق و هم برای خاورمیانه افشا می‌گردد و باعث می‌شود که ضربه‌های مهلکی نیز به آمریکا وارد شود.

۳. این عمل کمک بزرگی در نابود کردن اغتشاشات و تجاوزات مهاجمان در ایران می‌کند، زیرا که عراق به خاطر جلوگیری از ضربه خوردن باید تمام حواس خود را متوجه درون مرز خود بکند تا بتواند جلوی تظاهرات مردم و حرکت مردم را بگیرد و همین باعث می‌شود که مهاجمان نتوانند از کمک‌های روزافزون عراق و امپریالیسم استفاده کنند و در نهایت با کمک سپاه و ارتش نابود می‌شوند، چون تنها می‌مانند و سپاه و ارتش هم مورد هجوم عراق قرار نمی‌گیرند و می‌توانند خیلی راحت منطقه را آرام کنند، البته این عمل در درازمدت بسیار مفید است، هم برای ایجاد امنیت در کشور و هم برای کمک به نیروهای انقلابی عراق که آنها به هوش آیند و کشور و ملت عراق را از بند اسارت امپریالیست‌ها برهانند.

به امید پیروزی اسلام و امام خمینی و به امید موفقیت ریاست جمهوری

فصل چهارم

استعداد و گسترش تاکتیکی نیروهای ایران و عراق قبل از آغاز جنگ

در بخش پنجم از فصل دوم، ضمن بحث درباره توانایی‌های کلی راهبردی ایران و عراق، استعداد نیروهای منظم و غیرمنظم ایران و عراق را با استفاده از اسناد و مدارک بین‌المللی بیان کردیم. در این بخش استعداد و گسترش تاکتیکی نیروهای ایران و عراق را که بر اساس اطلاعات در دسترس ارتش ایران قبل از آغاز جنگ تحمیلی برآورد شده بود، مورد بررسی قرار می‌دهیم. هدف از این مطالب، مقایسه توانایی‌های رزمی نیروهای مسلح ایران و عراق و پی بردن به چگونگی نسبت توان رزمی دو نیروی متقابل در آغاز جنگ است.

۱. استعداد و گسترش نیروهای مسلح عراق قبل از آغاز جنگ تحمیلی

تاریخچه کلی ارتش عراق چنین است که این ارتش از زمان تشکیل کشور عراق در ۱۹۲۱ میلادی - ۱۳۰۰ شمسی - تقریباً همزمان با تشکیل ارتش جدید ایران بنیان‌گذاری شد و در پایان سال ۱۹۲۱ فقط دارای ۱۱۷ افسر و ۲۵۰۵ درجه‌دار و سرباز بود. در سال ۱۹۳۷ - ۱۳۱۶ شمسی - اولین واحد تانک سبک با ۱۴ دستگاه تانک ساخت ایتالیا تشکیل شد و در سال ۱۹۳۹ - ۱۳۱۸ شمسی - دانشکده افسری و آموزشگاه خلبانی نظامی در ارتش عراق دایر شد و در سال ۱۹۴۲ - ۱۳۲۱ شمسی - اولین گردان زرهی و یک سال بعد تیپ توپخانه و دو سال بعد دانشگاه عالی نظامی تأسیس شد. سرانجام در اولین جنگ اعراب و اسرائیل در ۱۹۶۶ نیروهای مسلح عراق با استعداد حدود یک لشکر در این جنگ شرکت کردند و در سال‌های ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳ نیز در جنگ اعراب و اسرائیل شرکت نمودند.^۱

^۱. مدارک اطلاعاتی نیروی زمینی

همان‌گونه که در شرح روابط سال ۱۹۴۸ تا ۱۳۵۴ بین ایران و عراق بیان کردیم، ارتش عراق با پشتیبانی همه‌جانبه دولت شوروی چنان توسعه یافت که استعداد آن از استعداد ارتش ایران بیشتر شد، گرچه از نظر عددی در بعضی از یگان‌ها استعداد ارتش ایران رقم بالاتر را نشان می‌داد، مانند استعداد نیروی انسانی که استعداد نیروی انسانی ارتش ایران رقمی حدود دو برابر رقم ارتش عراق بود، در حالی که به استثنای نیروی دریایی، وسایل و تجهیزات نیروی زمینی و هوایی ارتش عراق هم‌سطح و در بعضی اقسام تجهیزاتی بیشتر و بالاتر از ایران بود. دلیل عمده این اختلاف استعداد نیرو با تجهیزات این بود که ارتش ایران برنامه وسیعی برای خرید وسایل و تجهیزات نظامی در دست اجرا داشت که به عنوان نمونه، خرید بیش از ۳۷۰ فروند هواپیما از انواع مختلف از آمریکا و ۱۳۵۰ دستگاه تانک چیفتن - به نام شیر ۲- از انگلستان بود که بعد از پیروزی انقلاب قرارداد خرید این وسایل لغو شد^۱. وضعیت کلی ارتش عراق قبل از آغاز جنگ تحمیلی به شرح زیر بود:

سازمان و ترکیبات کلی ارتش عراق

ارتش عراق شامل وزارت دفاع و ستاد کل و نیروهای زمینی، هوایی و دریایی بود که رئیس جمهور، فرماندهی کل قوا بود و فرامین نظامی از طریق وزارت دفاع به نیروهای مسلح ابلاغ می‌شد. یگان‌های عمده وزارت دفاع عبارت بودند از ستاد کل و نیروهای سه‌گانه که واحدهای اصلی سازمانی هر یک از آنها به شرح زیر بود:

۱. ستاد کل شامل فرماندهی نیروهای گارد جمهوری که نیروی اصلی آن تیپ ۱۰ مستقل زرهی، یک تیپ مکانیزه، دو تیپ نیروی مخصوص، ۱۰ تیپ احتیاط، گردان موشکی اسکاد، گردان موشکی فراک، گردان‌های موشکی کاتیوشا، گردان جنگ الکترونیکی، یگان‌های ترابری تانک‌بر، تعدادی گردان توپخانه و آتشبارهای موشکی مستقل بود.

۲. نیروی زمینی ارتش عراق به طور کلی از سه قرارگاه سپاه و دوازده لشکر تشکیل شده بود.

۳. نیروی هوایی جمعاً دوازده اسکادران شکاری، پنج اسکادران شکاری بمب‌افکن، دو اسکادران بمب‌افکن، دو اسکادران ترابری، یک اسکادران شناسایی، یک اسکادران آموزشی،

^۱. مدارک اداره پنجم سماجا

استعداد و گسترش تاکتیکی نیروهای ایران و عراق قبل از آغاز جنگ / ۳۰۳

دوازده اسکادران بالگرد ۲۴، گردان پدافند هوایی، چهار گردان هدف‌یاب (رصد الارض)، یک گردان هواشناسی (رصد الجوی)، دو تیپ موشک سام ۶، یک گردان موشک سام ۲ و یک گردان موشک سام ۳ بود.

۴. نیروی دریایی عراق تجهیزات قابل‌ملاحظه‌ای نداشت و عموماً شامل دو قسمت یکان‌های شناور و یکان‌های تفنگدار دریایی بود. یکان‌های شناور شامل اژدرافکن، ضدزیردریایی، مین جمع‌کن، ناوچه‌های کشتی، ناوهای آمادی، نیروبر و مین جمع‌کن بودند. یکان‌های تفنگدار دریایی یک تیپ تفنگدار، یک تیپ نیروی مخصوص و تعدادی واحدهای دیگر بودند.

استعداد نیروی انسانی ارتش عراق

در سال ۱۳۵۷ شامل ۱۷۵ هزار نفر نیروی زمینی، ۲۲ هزار نفر نیروی هوایی و پدافند هوایی، ۶ هزار نفر نیروی دریایی، ۵۳ هزار نفر پلیس و گارد مرزی و ۶ هزار نفر ارتش خلقی جمعاً ۲۶۲ هزار نفر بود که تا سال ۱۳۵۹ برای آغاز جنگ نیروی زمینی ۱۹۵ هزار تا ۲۲۰ هزار نفر و نیروی هوایی به ۲۵ هزار نفر و نیروی دریایی به ۷ هزار نفر افزایش یافت، ولی تعدادی از افراد گارد مرزی وارد نیروی زمینی شدند و تعداد آن به ۴۲ هزار نفر کاهش یافت. در نتیجه در آغاز جنگ استعداد نیروی انسانی ارتش عراق ۲۷۵ هزار تا ۳۰۰ هزار نفر برآورد می‌شد.

وضعیت کلی نیروی زمینی ارتش عراق

یکان‌های خدمات رزمی:

نوع یکان	تعداد یکان
یکان تانک‌بر	۴۸
یکان ترابری	۱۴
گردان سررشته‌داری	۳۴
گردان بهداری	۲۹
گردان خدمات	۲۱

۳۵	مرکز تعمیرات
----	--------------

یکان‌های رزمایشی نیروی زمینی عراق:

نوع یگان	تعداد لشکر	تعداد تیپ	تعداد گردان	تعداد گردان مستقل
یکان پیاده	۲	۶	۱۰۰	-
یکان پیاده کوهستانی	۳	۹	۳۴	-
یکان مکانیزه	۲	۱۰	۴۷	-
یکان زرهی	۵	۱۵	۶۳	-
یکان نیروی مخصوص	-	۳	۱۰	-
یکان شناسایی	-	-	۱۳	-
گروهان کماندو	-	-	-	۱۳۰ گردان
جمع کل	۱۲	۶۷	۱۷۹	۱۳۰

یکان‌های پشتیبانی رزمی:

نوع یگان	تعداد یگان
گردان توپخانه صحرائی	۷۶
گردان پدافند هوایی	۳۸
گردان ضدتانک	۱۳
گردان موشکی	۱۵
آتشبار سبک ۱۲۰ م	۲۳
گردان مهندسی	۱۶
گردان مخابرات	۱۶

۱۲	گروهان پدافند شیمیایی
----	-----------------------

افزایش قدرت رزمی نیروی زمینی عراق:

تعداد		نوع تجهیزات
سال ۱۳۵۹	سال ۱۳۵۷	
۲۴۹۴	۱۹۲۲	تانک
۲۸۲۹	۲۵۵۰	نفربر زرهی
۸۹۲	۷۹۲	توپ صحرایی
۵۶۵	۵۳۲	توپ پدافند هوایی
۲۰۰۰	۲۷۶	جنگ افزار ضدتانک
۹۸	۷۹	موشک زمین به زمین

گسترش عمومی واحدهای عمده نیروی زمینی ارتش عراق در آغاز جنگ:

مشخصات یگان	تابعیت	محل پادگانی	گسترش عملیاتی	توضیحات
سپاه ۱	ستاد کل	کرکوک	حسان	در جبهه غرب وارد عمل شد
لشکر ۲ کوهستانی	سپاه ۱	کرکوک	ترساق	در جبهه غرب وارد عمل شد
لشکر ۴ کوهستانی	سپاه ۱	موصل	تنگ آب	در جبهه غرب وارد عمل شد
لشکر ۸ کوهستانی	سپاه ۱	اربیل	خانقین	در جبهه غرب وارد عمل شد
لشکر ۷ پیاده	سپاه ۱	سلیمانیه	منذریه	در جبهه غرب وارد عمل شد
لشکر ۱۲ زرهی	سپاه ۱	دهوک	چقاحمام	ابتدا در جبهه غرب و بعد در جنوب وارد عمل شد
لشکر ۱۱ پیاده	سپاه ۱	سلیمانیه	زبیر	ابتدا در جبهه غرب و بعد در جنوب وارد عمل شد
سپاه ۲	ستاد کل	بغداد	عمارہ	در منطقه فکه عین خوش وارد عمل شد
لشکر ۳ زرهی	سپاه ۲	تکریت	عمارہ	در منطقه خرمشهر وارد عمل شد

مشخصات یکان	تابعیت	محل پادگانی	گسترش عملیاتی	توضیحات
لشکر ۶ زرهی	سپاه ۲	یعقوبه	کوت‌العمارہ	در منطقه مهران وارد عمل شد
لشکر ۱۰ زرهی	سپاه ۲	بغداد	علی غربی	در منطقه عین‌خوش وارد عمل شد
سپاه ۳	ستاد کل	ناصریه	شعیبیه	در منطقه خرمشهر وارد عمل شد
لشکر ۱ مکانیزه	سپاه ۳	دیوانیه	فکه	در غرب شوش وارد عمل شد
لشکر ۵ مکانیزه	سپاه ۳	بصره	شرق بصره	در جنوب غربی اهواز وارد عمل شد
لشکر ۹ زرهی	سپاه ۳	سماوه	شرق بصره	در منطقه سوسنگرد بستان وارد عمل شد
سپاه ۴	ستاد کل	حجرالکبیر	عمارہ	در حال تشکیل بود

توضیح: این گسترش بر مبنای برآورد اطلاعاتی اولیه در آغاز جنگ بود و بعدها تغییراتی در این گسترش داده شد.

استعداد و ترکیبات یکان‌های عمده نیروی زمینی ارتش عراق

۱. لشکر یک مکانیزه، شامل چهار قرارگاه تیپ، هفت گردان تانک، نه گردان مکانیزه، یک گردان سوار زرهی، سه گردان توپخانه، دو گردان پدافند هوایی، یک گردان ضدتانک، یک گروهان شیمیایی، یک گروهان کماندو، یک گردان مهندسی، یک گردان مخابرات و یکان‌های خدمات رزمی.
۲. لشکر ۲ پیاده کوهستانی، شامل سه قرارگاه تیپ، یازده گردان پیاده کوهستانی، یک گردان تانک، یک گردان شناسایی، یک گردان کماندویی، پنج گردان توپخانه صحرائی، دو گردان پدافند هوایی، یک گروهان شیمیایی. سایر یکان‌ها مانند لشکر ۱.
۳. لشکر ۳ زرهی، شامل ۳ قرارگاه تیپ، هفت گردان تانک، پنج گردان مکانیزه، یک گردان شناسایی، پنج گردان توپخانه، دو گردان پدافند هوایی، یک گردان ضدتانک، دو

آتشبار مستقبل ضدتانک، دو آتشبار مستقل پدافند هوایی، یک گروهان شیمیایی. بقیه یکان‌ها مانند لشکر ۱.

۴. لشکر ۴ پیاده کوهستانی، شامل سه قرارگاه تیپ، یازده گردان پیاده، یک گردان تانک، چهارده گروهان کماندویی، یک گروهان شیمیایی، سه گردان توپخانه، یک گردان شناسایی. بقیه یکان‌ها مانند لشکر ۱.

۵. لشکر ۵ مکانیزه، شامل چهار قرارگاه تیپ، نه گردان مکانیزه، شش گردان تانک، یک گردان شناسایی، یک گروهان شیمیایی، پنج گردان توپخانه صحرائی، یک گردان ضدهوایی، یک گردان ضدتانک، یک گردان موشکی. بقیه یکان‌ها مانند لشکر ۱.

۶. لشکر ۶ زرهی، شامل سه قرارگاه تیپ، هفت گردان تانک، پنج گردان مکانیزه، یک گردان شناسایی، یک گروهان شیمیایی، شش گردان توپخانه، یک گردان پدافند هوایی، یک گردان ضدتانک، یک گردان موشکی. بقیه یکان‌ها مانند لشکر ۱.

۷. لشکر ۷ پیاده، شامل سه قرارگاه تیپ، سه گردان پیاده، سه گردان موتوریزه، یک گردان تانک، یک قرارگاه کماندویی با هفده گروهان کماندو و یک گردان شناسایی، یک گروهان شیمیایی، هفت گردان توپخانه صحرائی، یک گردان پدافند هوایی، یک گردان ضدتانک و سایر یکان‌های پشتیبانی رزمی و خدمات مانند لشکرهای دیگر.

۸. لشکر ۸ پیاده کوهستانی، شامل سه قرارگاه تیپ، نه گردان پیاده کوهستانی، یک گردان تانک، یک گردان شناسایی، یک قرارگاه کماندویی با هفده گروهان کماندو، پنج گردان توپخانه صحرائی، یک گردان ضدتانک، سه آتشبار مستقل سبک، یک گروهان شیمیایی، بقیه یکان‌های پشتیبانی رزمی و خدمات رزمی مانند لشکرهای دیگر.

۹. لشکر ۹ زرهی، شامل سه قرارگاه تیپ، هفت گردان تانک، پنج گردان مکانیزه، یک گردان شناسایی، سه گردان توپخانه صحرائی، دو گردان موشکی، یک گردان ضدهوایی، گردان مهندسی مخابرات و پشتیبانی خدمات رزمی.

۱۰. لشکر ۱۰ زرهی، شامل سه قرارگاه تیپ، هفت گردان تانک، پنج گردان مکانیزه، یک گردان شناسایی، یک قرارگاه کماندویی لشکر، یک گروهان شیمیایی، چهار گروهان توپخانه صحرائی، یک گردان پدافند هوایی، یک گردان موشکی، یک گردان ضدتانک، ۴

آتشبار مستقل موشکی ضدهوایی و ضدتانک. بقیه واحدها مانند لشکرهای دیگر. علاوه بر واحدهای فوق، تیپ ۶۰ پیاده با سه گردان پیاده زیر امر این لشکر بود.

۱۱. لشکر ۱۱ پیاده، شامل سه قرارگاه تیپ، نه گردان پیاده، دو گردان تانک، یک گردان شناسایی، یک قرارگاه کماندویی با شش گروهان کماندو و سه گردان توپخانه صحرائی. سایر یکانها مانند لشکرهای دیگر.

۱۲. لشکر ۱۲ زرهی، شامل سه قرارگاه تیپ، هفت گردان تانک، پنج گردان مکانیزه، یک گردان شناسایی، یک گروهان شناسایی، یک گروهان شیمیایی، یک قرارگاه کماندویی با نه گروهان کماندو، سه گردان ضدهوایی. بقیه یکانها مانند لشکرهای دیگر.

۱۳. لشکرهای ۱۴ و ۱۵ پیاده در زمان جنگ مشابه سازمان لشکرهای پیاده تشکیل شد.

گارد مرزی عراق

جمعاً شامل بیست تیپ و هر تیپ به طور متوسط شامل پنج گردان بود که علاوه بر آنها ۲۸ گردان مستقل گارد مرزی نیز وجود داشت. به علاوه شش تیپ پلیس انتظامی نیز سازمان داده شده بود که هر تیپ شامل چهار گردان بود و ارتش عراق در زمان جنگ از توان رزمی این یکانها نیز استفاده کرد.

ارتش خلقی

این سازمان شبهنظامی از سال ۱۹۷۵ تشکیل شد و از ۱۹۷۷ فعال شد و در برخی عملیات نامنظم نظامی اعراب علیه اسرائیل شرکت کرد. افراد این ارتش وابستگان به آرمان حزب بعث عراق هستند. استعداد نیروی انسانی آنها قبل از آغاز جنگ ۲۵ هزار نفر برآورد می شد و در آغاز جنگ به حد ۵۰ هزار نفر افزایش یافت و در جریان جنگ طبق اظهارات طه یاسین رمضان، رهبر ارتش خلقی، استعداد این عنصر رزمی به بیش از ۳۷ هزار نفر رسید.

استعداد و گسترش تاکتیکی نیروهای ایران و عراق قبل از آغاز جنگ / ۳۰۹

سلاح و تجهیزات ارتش خلقی معمولاً اسلحه سبک و متوسط است. ارتش خلقی دارای یک فرماندهی کل با ستاد مربوطه است و شعبات آن در استان‌ها قرار دارند.

یکان‌های احتیاط

این واحدها زیر امر ستاد کل قرار داشتند، به صورت قرارگاه تیپ بودند و افراد جدید را دریافت می‌کردند و آموزش می‌دادند. تعداد قرارگاه تیپ‌های احتیاط ده قرارگاه (شماره ۹۰ تا ۹۹) بود و هر قرارگاه تیپ می‌توانست سه هزار نفر را آموزش دهد. این تیپ‌ها در زمان جنگ به تیپ پیاده رزمی تبدیل شدند و ارتش عراق از آنها استفاده کرد.

یکان‌های مستقل زیر امر ستاد کل

علاوه بر لشکرها و تیپ‌های احتیاط، تعدادی یکان مستقل نیز در ارتش عراق وجود داشتند که مستقیماً زیر امر ستاد کل بودند. این یکان‌ها عبارت بودند از نه تیپ پیاده (از شماره ۴۱۷ تا ۴۲۵) و تعداد چهار تیپ (از شماره ۵۰۲ تا ۵۰۵) و تعداد چهار تیپ (از شماره ۶۰۳ تا ۶۰۶) که جمعاً هفده تیپ پیاده هر کدام با سه گردان پیاده بودند. علاوه بر این تیپ‌ها، هشت گردان پیاده مستقل و پنج گردان تانک مستقل، سیزده گردان توپخانه صحرائی، سه گردان موشک‌انداز، شش گردان موشک ضدتانک و تعدادی آتشبارهای مستقل و گروه‌های پشتیبانی رزمی و خدمات رزمی، تیپ ۱۰ زرهی، تیپ مکانیزه، گارد جمهوری تیپ‌های ۳۱ و ۳۲ نیروی مخصوص به‌عنوان احتیاط عمومی نیروی زمینی عراق در اختیار ستاد کل قرار داشتند.

وضعیت نیروی هوایی عراق در ۱۳۵۹

۱. طبق برآوردهای اطلاعاتی، نیروی هوایی عراق که یکان‌های پدافند هوایی نیز جزو آن بود، دارای ۲۵ هزار نفر نیروی انسانی بود. این نیرو ۸۹۲ نفر خلبان داشت که ۵۲ درصد آنها عملیاتی بودند و قادر به انجام پرواز عملیاتی با هواپیمای شکاری و شکاری بمبافکن بودند. اقلام عمده تجهیزات و وسایل نیروی هوایی عراق عبارت بودند از:
- هواپیمای شکاری و شکاری بمبافکن
۴۳۲ فروند

- هواپیمای بمبافکن ۳۳ فروند
 - هواپیمای ترابری ۴۶ فروند
 - هواپیمای آموزشی ۱۴۳ فروند
 - بالگرد نیروی هوایی ۱۶۳ فروند
 - بالگرد نیروی زمینی ۳۴ فروند
 - توپ پدافند هوایی زمین به هوا ۱۳۰۰ قبضه
 - دستگاه‌های پرتاب موشک زمین به هوا (سام) و تعداد موشک‌های موجود شامل:
 - موشک سام ۲ با ۲۶ دستگاه پرتاب و ۱۰۰ عدد موشک
 - موشک سام ۳ با ۵۶ دستگاه پرتاب و ۱۵۰ عدد موشک
 - موشک سام ۶ با ۲۷۶ دستگاه پرتاب و ۵۲۸ عدد موشک
 - موشک سام ۷ با ۱۷۵۰ دستگاه پرتاب و تعداد نامشخصی موشک
۲. اسکادران‌های عملیاتی نیروی هوایی عراق عبارت بودند از:

- شکاری ۱۱ اسکادران
- شکاری بمبافکن ۵ اسکادران
- بمبافکن ۲ اسکادران
- ترابری ۲ اسکادران
- آموزشی ۱ اسکادران
- بالگرد ۱۱ اسکادران

۳. یکان‌های توپخانه پدافند هوایی عراق عبارت بودند از:

- ۲ گردان توپخانه پدافند هوایی ۱۰۰ م م
- ۲ گردان توپخانه پدافند هوایی ۵۷ م م
- ۳ گردان توپخانه پدافند هوایی ۳۷ م م
- ۳ گردان توپخانه پدافند هوایی ۳۰ م م
- ۱۵ گردان توپخانه پدافند هوایی ۲۳ م م
- ۲ گردان توپخانه پدافند هوایی با کالیبر نامشخص

۴. یکان‌های موشکی زمین به هوا (سام) عبارت بودند از:

- سام ۷ در هر گردان رزمایشی و پشتیبانی رزمی ۹ قبضه
- سام ۶ دو تیپ
- سام ۲ یک گردان
- سام ۳ یک گردان

۵. رادارها: نیروی هوایی عراق دارای ۳۰ پایگاه رادار و در حدود ۱۱۶ دستگاه رادار مختلف

بود که در چهار منطقه عمومی بغداد، تکریت، بصره و کرکوک مستقر بودند.

۶. پایگاه‌های هوایی عمده عراق عبارت بودند از: کرکوک، حبانیه، الرشید بغداد، کوت،

ناصریه، شعبیه، تکریت، المثنی (حمل و نقل)، کباره، الولید و البکر.

۷. انواع هواپیماهای عراق عبارت بودند از: هانتر، میگ ۱۵، ۱۷، ۱۹، ۲۳ و ۲۵،

سوخوی ۷، ۲۰ و ۲۲ و بمباران، ایلوشین ۲۸ و توپولوف ۱۶ و ۲۲ و حمل و نقل تی یو

۱۲۴ و آن ۲ و آن ۱۲ و ایلوشین ۷۶ که بعدها میراژ اف - او ۲۰۰۰ و سوپراتاندار و

احتمالاً میگ ۲۷ نیز خریداری کرد.

وضعیت نیروی دریایی عراق

قبل از جنگ تحمیلی استعداد نیروی انسانی نیروی دریایی عراق حدود ۴۰۰۰ نفر

برآورد می‌شد و اقلام عمده و تجهیزات نیروی دریایی عراق جمعاً حدود ۶۲ فروند ناو،

ناوچه و قایق رزمی بود که برآورد می‌شد ۷۵٪ آنها عملیاتی و حاضر به کار باشد - حدود

۴۶ فروند حاضر به کار - که شامل ۱۴ فروند ناوچه اوزا، ۱۲ فروند اژدرافکن پی ۶، ۳ فروند

زیردریایی، ۵ فروند مین جمع‌کن، یک فروند اژدر جمع‌کن، ۲۲ فروند ناوچه گشتی، یک

فروند یدک‌کش، ۲ فروند ناو نیروبر و ۲ فروند ناو آمادی بود.

نیروی دریایی عراق دارای تعدادی واحد رزمی بود که عبارت بودند از یک تیپ تفنگدار

دریایی، یک تیپ نیروی مخصوص، یک یکان مردان قورباغه‌ای، یک گردان پدافند هوایی، یک

گردان مهندسی دریایی، دو گردان توپخانه ساحلی. پایگاه‌های دریایی عراق عبارت بودند از

بصره، فاو و ام‌القصر.

نیروی دریایی عراق یک واحد بالگرد با دوازده فروند بالگرد از نوع سوپرفلون داشت. این

نیرو در پوشش رادار فاو و شعبیه قرار داشت.

۲. استعداد و گسترش نیروهای مسلح ایران قبل از آغاز جنگ تحمیلی

در مباحث گذشته وضعیت کلی ارتش ایران بعد از پیروزی انقلاب را بررسی کردیم و نشان دادیم که ارتش ایران به دلایل شرایط ویژه انقلاب از لحاظ کمی و کیفی آسیب فراوان دید و در مدت قریب نوزده ماه از زمان پیروزی انقلاب تا آغاز جنگ تحمیلی به طور کلی عملکرد ارتش ایران در مسیر متلاشی شدن و تضعیف بیش از پیش بود و آخرین ضربه سخت بر پیکر ارتش ایران کودتای نافرجام ۲۰ تیر ماه بود که دو ماه و ده روز قبل از آغاز جنگ اتفاق افتاد و این ارتش با این کیفیت و کمیت از اول مهر ماه سال ۱۳۵۹ در مقابل تهاجم عمومی ارتش مجهز، سازمان یافته، آموزش دیده و پشتیبانی شده همه جانبه عراق قرار گرفت. در این قسمت با استناد به اسناد و مدارک در دسترس، آخرین وضعیت آمادگی رزمی، استعداد و گسترش ارتش جمهوری اسلامی ایران را بررسی می‌کنیم.

	افراد		درجه‌دار		همافر	سرسر	
	وظیفه	بیمانی	وظیفه	پایور		وظیفه	پایور
	۱۵۷۷۷۴	۱۰۳۹۱	۲۴۲۰۱	۱۳۶۳۳۳	۱۸۷۲۶	۴۱۴۵	۳۱۵۸۳
	۱۱۵۳۲۸	۲۱۴۳	۳۴۷	۱۰۴۶۱۰	۱۷۸۹۶	۱۹۹۷	۲۳۱۳۰
	%۷۳	%۲۰/۸	%۱/۴	%۷۶/۷	%۹۵/۵	%۴۷	%۷۳

جدول ۱- آمار نیروی انسانی ارتش جمهوری اسلامی ایران در شهریورماه ۱۳۵۹

آمار رهاشدگان از خدمت بعد از پیروزی انقلاب تا آغاز جنگ تحمیلی به شرح زیر بود:

درجه‌داران	همافران	افسران ارشد و جز	امرا	نوع رهایی از خدمت
۵۲۲۵	۴	۴۱۶۹	۲۶۳	بازنشستگی
۵۹۸	۷۸	۱۸۶	-	بازخریدی
۳۳۶	۳۷	۱۱۰	-	اخراجی
۵۴۳	۲۷	۲۸۱	-	مستعفی
۶۷۰۲	۱۴۶	۴۷۴۶	۲۶۳	جمع کل

استعداد و گسترش یکان‌های عمده نیروی زمینی ایران قبل از آغاز جنگ تحمیلی

جدول ۲ - استعداد کلی یکان‌های رزمی و پشتیبانی رزمی:

نوع یکان	تعداد لشکر	تعداد تیپ	تعداد گردان پیاده و مکانیزه	تعداد گردان تانک	تعداد گردان سوار زرهی	تعداد گردان توپخانه صحرائی	گردان مهندسی مخابرات	گردان پدافند هوایی
لشکر پیاده	۴	۱۲	۳۶ پیاده	۸	۴	۱۷	۸	۴
لشکر زرهی کامل	۳	۹	۱۵ مکانیزه	۱۸	۵	۱۲	۶	۳
لشکر زرهی در حال تشکیل	۱	۲	۳	۲	۱	-	-	-
تیپ مستقل پیاده	-	۲	۶	۲	-	۲	۴ گروهان	۲ آتشبار
تیپ پیاده هوارد	-	۱	۴	-	-	یک آتشبار و خمپاره‌انداز	۲ گروهان	-
تیپ نیروی مخصوص	-	۱	۳ نیروی مخصوص	-	-	-	-	-
تیپ زرهی مستقل	-	۱ (مرکز زرهی)	یک گروهان	۱	یک گروهان	-	-	-
گردان پیاده مستقل	-	-	۲	-	-	-	-	-

نوع یگان	تعداد لشکر	تعداد تیپ	تعداد گردان پیاده و مکانیزه	تعداد گردان تانک	تعداد گردان سوار زرهی	تعداد گردان توپخانه صحرائی	گردان مهندسی مخابرات	گردان پدافند هوایی
گروه توپخانه	-	۵ گروه	-	-	-	۲۰	-	۵
گروه مهندسی زرهی	-	۱ گروه	-	-	-	-	۲	-
گردان پل	-	-	-	-	-	-	۱ گردان پل	-
جمع	۸	۳۴	۷۰	۳۱	۱۰	۵۰	۱۹	۱۲

توضیحات:

۱. لشکرهای پیاده، شامل لشکر ۱ پیاده تهران، ۲۸ پیاده سنندج، ۶۴ پیاده ارومیه، ۷۷ پیاده مشهد.
۲. لشکرهای زرهی، شامل لشکر ۱۶ زرهی قزوین، لشکر ۸۱ زرهی کرمانشاه، لشکر ۹۲ زرهی اهواز و همچنین لشکر ۸۸ زرهی در حال تشکیل در سیستان و بلوچستان بود.
۳. تیپ‌های مستقل پیاده، شامل تیپ پیاده گارد (ابتدا به لشکر ۲ پیاده تبدیل شد و بعدها در سازمان لشکر ۱ پیاده تهران ادغام گردید و لشکر ۲۱ پیاده را تشکیل داد) و تیپ مستقل ۸۴ پیاده خرم‌آباد بود.
۴. تیپ ۵۵ هواگرد در شیراز مستقر بود.
۵. تیپ ۲۳ نوهده با سازمان ویژه در تهران مستقر بود.
۶. مرکز زرهی شیراز یک تیپ زرهی به شماره ۳۷ داشت که سازمان ویژه از گروهان‌های تانک از انواع مختلف و گروهان مکانیزه و گروهان سوار زرهی برای پشتیبانی آموزش تشکیل شده بود.

۷. دو گردان پیاده مستقل، (یک گردان پیاده به شماره ۱۹۱ در پشتیبانی مرکز آموزش پیاده شیراز، - گردان ۱۵۱ دژ که جزو یکان‌های نیروی زمینی زیر امر لشکر ۹۲ زرهی در خرمشهر مستقر بود).

۸. پنج گروه توپخانه شامل گروه‌های ۱۱، ۲۲، ۳۳، ۴۴ و ۵۵ بودند که در مراغه، شهرضا، تهران و اصفهان مستقر بودند.

۹. یک گروه مهندسی رزمی در بروجرد مستقر بود که دارای دو گردان مهندسی رزمی و یک گردان پل بود. گردان‌های مهندسی رزمی در بروجرد و گردان پل در اهواز مستقر بودند.

۱۰. سایر یکان‌های نیروی زمینی که در حدود گروهان و مشابه آن بودند و یا در سازمان یکان‌های عمده نبودند و همچنین یکان‌های پشتیبانی خدمات رزمی در جدول ارائه نشده‌اند.

جدول ۳ - وضعیت آمادگی رزمی نیروی انسانی گردان ۱۲۱ پیاده زرهی، لشکر ۹۲ زرهی

شرح	سازمانی	موجودی	درصد موجودی
افسر	۳۹	۱۵	٪۳۸
درجه‌دار	۳۰۰	۹۴	٪۳۱
سرباز	۵۸۴	۲۴۹	٪۴۲
متوسط آمادگی			٪۳۷

جدول ۴ - وضعیت آمادگی رزمی نیروی انسانی گردان ۲۳۲ تانک ل ۹۲ زرهی

شرح	سازمانی	موجودی	درصد موجودی
افسر	۳۵	۱۳	٪۳۵
درجه‌دار	۳۰۹	۱۷۶	٪۵۹
سرباز	۱۷۷	۸۱	٪۳۳
متوسط آمادگی			٪۴۲

جدول ۵ - نمونه وضعیت آمادگی رزمی اقلام عمدۀ آمادگی گردان ۱۲۱ پیاده زرهی لشکر ۹۲ زرهی

شرح اقلام	تعداد سازمانی	موجود	تعمیری	حاضر به کار	درصد آمادگی
تفنگ ژ ۳	۸۰۳	۷۷۴	۴۴	۷۳۰	٪۹۰
آرپی جی ۷	۵۷	۱۷	-	۱۷	٪۲۹
نفربر زرهی چرخدار	۱۴	۱۴	۸	۶	٪۴۳
خودرو پل گذار	۴	۴	-	۴	٪۱۰۰
خودرو جمع آوری تمام شنی	۵	۵	۳	۲	٪۴۰
نفربر زرهی شنی دار	۳۳	۳۳	۹	۲۲	٪۷۳
خیمپاره انداز ۱۲۰ م	۴	۴	-	۴	٪۱۰۰
خودرو حامل تفنگ ۱۰۶	۸	۸	۴	۴	٪۵۰
تفنگ ۱۰۶ م	۸	۸	۱	۷	٪۸۷
موشک انداز تاو روی نفربر	۶	۶	۱	۵	٪۸۳
نفربر حامل خیمپاره انداز	۴	۴	۳	۱	٪۲۵
موشک انداز تاو با متعلقات	۶	۶	-	۶	٪۱۰۰
خیمپاره انداز ۸۱ م	۹	۹	-	۹	٪۱۰۰
خودرو ۲/۵ تن	۲۷	۲۴	۹	۱۵	٪۵۵

جدول ۶ - نمونه آمادگی رزمی اقلام عمدۀ آمادگی گردان ۲۳۲ تانک چیفتن لشکر ۹۲ زرهی

شرح	سازمانی	موجودی	تعمیری	حاضر به کار	درصد آمادگی
تانک چیفتن	۵۳	۵۳	۲۱	۳۲	٪۶۱
خودرو شناسایی	۸	۲	-	۲	٪۲۵

۳۱۸ / تاریخ نظامی جنگ تحمیلی تا ۳۱ شهریور ۵۹ ج ۲

شرح	سازمانی	موجودی	تعمیری	حاضر به کار	درصد آمادگی
خودرو ۵/۰ تن (جیپ)	۲۶	۲۲	۱۰	۱۲	٪۴۲
نفربر پست فرماندهی	۲	۲	۲	-	٪۰
کامیون ۵ تن	۲۰	۱۷	۱۵	۱۲	٪۶۰
نفربر زرهی حامل خمپاره انداز	۴	۲	۲	-	٪۰
جرثقیل ۵ تن	۴	۴	۱	۳	٪۷۵
خودرو ۲/۵ تن	۲۳	۲۰	۱۵	۵	٪۲۱
خودرو ۲/۵ تانکر سوخت	۱۰	۱	۱	-	٪۰
خودرو جمع آوری تمام شنی	۵	-	-	-	٪۰
خودرو $\frac{3}{4}$ تن	۹	-	-	-	٪۰
خمپاره انداز ۱۲۰ مم	۴	۲	۱	۱	٪۲۵

جدول ۷ - آمار و ارقام مهم تجهیزات رزمی نیروی زمینی ایران در جریان جنگ تحمیلی

تعداد	نوع تجهیزات توپخانه و ضدهوایی	تعداد	نوع تجهیزات زرهی و پیاده
۳۶۲	توپ ۱۰۵ مم کشتی آمریکایی	۸۸۸	تانک چیفتن انگلیسی
۳۸۸	توپ ۱۳۰ مم کشتی روسی	۲۴۸	تانک اسکورپیون انگلیسی
۱۰۲	توپ ۱۵۵ مم کشتی آمریکایی	۴۷۲	تانک ام - ۶۰ آمریکایی
۴۰۰	توپ ۱۵۵ مم خودکشتی	۳۸۵	تانک ام - ۴۷ آمریکایی
۴۸	توپ ۱۷۵ مم خودکشتی	۱۲	تانک ام - ۴۸
۴۵	توپ ۲۰۳ مم کشتی آمریکایی	۹۳۷	نفربر شنی دار روسی
۴۰	توپ ۲۰۳ مم خودکشتی آمریکایی	۳۲۴	نفربر چرخدار روسی
۱۰۰۴	توپ ۲۳ مم دولوله ضدهوایی	۸۹۶	نفربر شنی دار پی ام یک روسی
۹۰	توپ ۲۳ مم شلیکا ضدهوایی	۱۸۰	نفربر شنی دار ام ۱۱۳ آمریکایی
۸۳	موشک انداز ۱۲۲ مم کاتیوشا	۲۱۳	نفربر شنی دار حامل خمپاره انداز ۱۲۰ مم
۱۰۷	توپ ۵۷ مم ضدهوایی خودکشتی	۴۴	نفربر شنی دار حامل خمپاره انداز ۸۱ مم
۱۹۴۲	موشک انداز سه پند ۳	۱۵۵	نفربر شنی دار حامل موشک انداز تاو
۴۰۸	توپ ۱۴/۵ مم ضدهوایی	۳۵۷	نفربر شنی دار پست فرماندهی
۱۱۵	بالگرد یواچ ۲۰۵	۴۲۴	خودرو شنی دار مهمات بر
۱۷۱	بالگرد جت رنجر ۲۰۶	۹۲	خودرو شنی دار جمع آوری سبک
۲۹	بالگرد شنوک	۲۵	خودرو شنی دار جمع آوری متوسط
۱۹۱	بالگرد کبرا	۵۰۱	موشک انداز تاو
۲۱۲	بالگرد ۲۱۴	۶۸۷	موشک انداز دراگون
۲۸	هواپیما	۱۴۵۸۸	موشک انداز آر.بی.جی ۷

تعداد	نوع تجهیزات توپخانه و ضدهوایی	تعداد	نوع تجهیزات زرهی و پیاده
۸	توربو کاماندر	۶۰۹	تفنگ ۵۷ مم بدون عقب‌نشینی
۲	جت فالکن		

توضیحات:

۱. مدارک میزان آمادگی رزمی ارقام عمده تجهیزات نیروی زمینی در دسترس قرار نگرفت، ولی با توجه به جداول نمونه ۴، ۵، ۶، ۷ برآورد می‌شود متوسط میزان آمادگی رزمی نیروی انسانی یکان‌های رزمی نیروی زمینی حدود ۴۵٪ و متوسط میزان آمادگی آمادی آن نیرو در ارقام عمده تجهیزات سنگین حدود ۶۰٪ و تجهیزات سبک مانند خودروهای چرخدار کمتر از آن بوده است.

۲. آمار جدول ۷ دارای تغییرات مختصری است که وسایل خریداری شده در طول جنگ از انواع تجهیزات به آن اضافه شده و آمار دقیق قبل از جنگ در دسترس قرار نگرفت.

۳. وسایل جدیدی که در زمان جنگ خریداری شده در آمار منظور نشده است.

یکان‌های عمده نیروی زمینی و گسترش آنها قبل از آغاز جنگ تحمیلی

۱. لشکر یک پیاده: استقرار پادگانی تهران. عناصری از این لشکر به این شرح در مناطق دیگر گسترش داشتند: گنبد یک گروهان، کرمانشاه یک گروهان، سنندج یک گروهان، سرپل ذهاب یک آتشبار، ارومیه یک گروهان، زندان اوین یک گروهان، پایگاه یکم شکاری تهران یک دسته.

۲. تیپ مستقل پیاده تهران (تیپ گارد سابق): استقرار پادگانی تهران. گنبد دو گروهان، بانه یک گروه رزمی، گرده‌نو یک آتشبار، خرمشهر یک آتشبار، دزفول یک گردان (در ۵۹/۶/۲۲ اعزام شد)، اهواز یک گردان (۵۹/۶/۲۳ اعزام شد)، کرمانشاه یک گروهان تانک.

۳. لشکر ۱۶ زرهی: محل استقرار پادگان قزوین، زنجان، همدان. عناصری از آن، شامل یک گروهان مکانیزه در بیجار، یک گروهان نقده، یک گروهان میان‌دوآب، یک گروهان سوار زرهی گنبد، یک گروهان مکانیزه قروه، یک گروهان تانک سنندج، یک گروه رزمی تانک بانه.

۴. لشکر ۲۸ پیاده استقرار پادگانی در سنندج و مریوان و سقز. عناصری از آن، شامل یک آتشبار در سردشت، یک گردان پیاده در میاندوآب، یک گردان پیاده در مرند، یک گردان پیاده در تبریز. تمام لشکر درگیر جنگ داخلی در کردستان بود.
۵. لشکر ۶۴ پیاده استقرار پادگانی در ارومیه، مهاباد، پیرانشهر. عناصری از آن، شامل یک گردان در اشنویه، یک گردان در ژژان، یک گردان در جلدیان، یک گروهان با یک آتشبار در نقده، تمام لشکر درگیر جنگ داخلی در غرب بود.
۶. لشکر ۷۷ پیاده استقرار پادگانی در مشهد، قوچان، بجنورد. عناصری از آن، شامل یک گردان در کرمانشاه، یک گردان در سنندج، یک گروهان در مریوان، یک گردان پیاده با یک گروهان تانک در اهواز، یک گردان در صالح‌آباد ایلام، یک گردان در پاتاق. یک گردان توپخانه به اضافه یک آتشبار در خرمشهر. یک گروهان تانک در کرمانشاه.
۷. لشکر ۸۱ زرهی: استقرار پادگانی در کرمانشاه، اسلام‌آباد غرب، سرپل‌ذهاب. عناصری از این لشکر شامل یک گروهان تانک در روانسر، یک گروهان سوار زرهی در نفت‌شهر، یک گروهان مکانیزه در تیله‌کوه، یک گروه مکانیزه در تپهرش، یک گروهان تانک در گرده‌نو، یک دسته سوار زرهی در شهرک مهدی، یک گروهان سوار زرهی در کانی‌سخت، یک دسته مکانیزه در سایت ایلام، یک دسته تانک در پاوه، یک گردان تانک در قراویز، یک گروه رزمی در سومار، یک گروه رزمی در خرناصرخان، یک دسته تانک در کامیاران.
۸. لشکر ۸۸ زرهی در حال تشکیل: استقرار پادگانی در زاهدان و یک گردان تانک ام -۶۰ (این لشکر در هفتگل خوزستان مستقر بود).
۹. لشکر ۹۲ زرهی: در منطقه عملیاتی مربوطه در خوزستان گسترش داشت.
۱۰. تیپ ۸۴ پیاده: محل استقرار پادگانی در خرم‌آباد. عناصری از آن، شامل یک آتشبار توپخانه در کرمانشاه، یک گردان پیاده در پاوه، یک گردان پیاده در مهران.
۱۱. تیپ ۵۵ پیاده هوابرد: استقرار پادگانی در شیراز. عناصری از آن، شامل یک گروهان پیاده در سنندج، یک گردان پیاده در سردشت، یک گروهان و عنصر شناسایی تیپ در کازرون، یک گروهان پیاده در دزفول.

۱۲. تیپ ۲۳ نیروهای ویژه هوایرد (نوهده): محل استقرار پادگانی تهران و عناصر آن در سیزده منطقه در غرب کشور گسترش داشتند.
۱۳. یکان هوانیروز در پشتیبانی لشکرهای گسترش یافته در منطقه غرب و جنوب: استقرار پادگانی در تهران و اصفهان.

وضعیت آمادی نیروی هوایی ایران قبل از آغاز جنگ تحمیلی

آمار هواپیماهای نیروی هوایی ایران و آمادگی رزمی آنها در تابستان سال ۱۳۵۹:

- ۱۸۵ فروند اف-۴ که چهار درصد منتظر قطعه و ۲۵ فروند تعمیر اساسی بود.

- ۱۶۷ فروند اف-۵ که نه درصد منتظر قطعه و ۹ فروند تعمیر اساسی بود.

- ۷۷ فروند اف-۱۴ وضعیت چندان رضایت بخشی نداشتند، زیرا به قدری پرواز کرده بودند که برابر روش استاندارد باید تعمیر اساسی می شدند.

- ۱۲ فروند آراف-۴

- ۱۱ فروند آراف-۵

- ۶ فروند پی ۳ (اف)

- جمع هواپیماهای جنگنده و شناسایی ۲۵۸ فروند بود.

- وضعیت هواپیماهای سوخت رسان بویینگ ۷۰۷ و ۷۴۷ نیز مشابه وضعیت هواپیماهای اف-۱۴ بود.

- وضعیت هواپیماهای سی-۱۳۰ نیز چندان رضایت بخش نبود. از این هواپیماها ۲۰ فروند نیاز به تعمیر موتور و ۲۶ فروند تعمیرات دیگر لازم داشتند. تعداد این هواپیماها جمعاً ۴۹ فروند بود و ۹ فروند نیز اف-۲۷ وجود داشت.

- هواپیماهای اف-۴ و اف-۵ تجهیزات کافی جنگ الکترونیکی نداشتند و تنها هواپیماهای اف-۱۴ مجهز به این تجهیزات بودند که آن هم به علت اخراج متخصصان خارجی از نیروی هوایی ایران با مشکلاتی مواجه بودند.

وضعیت جنگ‌افزارهای پدافند هوایی در تابستان سال ۱۳۵۹

۱. سامانه موشکی هاگ: ۳۷ آتشبار از آمریکا خریداری شده بود که چهار آتشبار از آنها در ایران و آمریکا برای آموزش دانشجویان نظامی ایران مورد استفاده قرار می‌گرفت و سیزده آتشبار قبل از جنگ، عملیاتی بودند و دوازده آتشبار در انبارها نگهداری می‌شدند.
۲. سامانه موشکی راپیر: ۵۴ یکان از انگلستان خریداری شده بود که ۳۶ یکان آن گسترش عملیاتی داشت و ۶ یکان مورد استفاده آموزشی بود و ۱۲ یکان سهمیه پایگاه هشتم هنوز گسترش نیافته بود.
۳. سامانه موشکی تایگرکت: ۲۶ رسد در ایران موجود بود، ولی به دلیل عدم کارایی با فناوری الکترونیکی جدید قابل استفاده نبود و از رده خارج شده بود.
۴. سامانه توپ اورلیکن: ۱۰۰ رسد شامل ۲۰۰ قبضه توپ ۳۵م و ۱۰۰ دستگاه رادار خریداری شده بود که ۷۸ رسد به همراه ۲۱ دستگاه رادار در مناطق مختلف کشور گسترش داشت، ۵ دستگاه برای آموزش مورد استفاده قرار می‌گرفت و بقیه در انبارها نگهداری می‌شد.
۵. توپ ۲۳م جمعاً ۵۹۲ قبضه خریداری شده بود که قبل از آغاز جنگ ۴۸۴ قبضه تحویل نیروی هوایی شده و از این تعداد ۳۷۶ قبضه گسترش یافته بود. بقیه در انبارها نگهداری می‌شد.
۶. شبکه راداری کشور شامل رادارهای دوربرد ثابت و متحرک ساخت آمریکا و انگلستان بود که به صورت غیر قابل اعتماد درآمده بود، زیرا این دستگاه‌ها قدیمی بودند و به دلیل طول عمر و کارکرد زیاد فرسوده شده بودند.
۷. قبل از پیروزی انقلاب اسلامی هشت دستگاه رادار آ.دی.اس از آمریکا خریداری شده بود که دو دستگاه آن در دو نقطه کشور نصب شد و شش دستگاه دیگر در انبارها بود، ولی این رادارها فاقد قطعات یدکی بودند و اصولاً دیگر قطعات آنها ساخته نمی‌شد.
۸. سامانه ارتباطی نیروی هوایی فوق‌العاده ضعیف بود و در آغاز جنگ سبب وارد شدن لطماتی به پدافند هوایی کشور شد.
۹. مشکل تهیه قطعات یدکی از مشکلات سخت نیروی هوایی بود.

از نظر پی بردن به چگونگی آمادگی رزمی نیروی هوایی قبل از آغاز جنگ تحمیلی کافی است که به گزارش نتیجه بازرسی از پایگاه هشتم شکاری اصفهان توجه شود. خلاصه گزارش بازرسان چنین است که از جمع کل ۶۱ فروند هواپیمای اف-۱۴ مستقر در این پایگاه فقط ۷ فروند آنها عملیاتی و قادر به پرواز بودند و بقیه منتظر تعویض قطعه بودند. میزان درصد آمادگی هواپیماهای این پایگاه ۱۲٪ بود، زیرا برابر روش دستورالعمل‌های فنی هر هواپیما بعد از ۳۶ ماه پرواز باید تعمیر اساسی شود، ولی به دلیل محدودیت‌های تهیه قطعه، این مدت به ۴۸ ماه رسیده بود که بعد از این مدت کارکرد، هواپیما نباید پرواز کند و ۲ فروند از این هواپیماها به این مرحله ۴۸ ماه رسیده بود.

در سال‌های قبل از پیروزی انقلاب در نیروی هوایی ایران ۳۱ طرح تحت اقدام یا مطالعه بود که قسمتی از آنها ساختمانی و تأسیساتی بود و از لحاظ نیروی رزمی طرح‌های مهم افزایش توان رزمی نیروی هوایی عبارت بودند از:

۱. خرید ۳۱ فروند هواپیمای اف-۴ جی
۲. خرید ۱۷ فروند هواپیمای اف-۱۴
۳. خرید ۱۶۰ فروند هواپیمای اف-۱۶
۴. خرید ۱۲۰ فروند هواپیمای ترابری
۵. خرید ۱۲ فروند سوخت‌رسان ۷۰۷
۶. خرید ۳ فروند سوخت‌رسان ۷۴۷
۷. خرید یک فروند پی.۳.تی و تبدیل ۶ فروند هواپیمای پی.۳.اف به پی.۳.تی
۸. خرید ۳ فروند آواکس
۹. تشکیل گردان‌های موشک زمین به هوای هاک در نقاط مختلف کشور

وضعیت آمادگی رزمی نیروی انسانی نیروی هوایی

به دلیل این که اکثریت نیروی انسانی حساس نیروی هوایی افسر و همافر بودند، بعد از پیروزی انقلاب تعداد کمتری پاکسازی و از خدمت رها شدند، اما از نظر کیفی تعدادی از خلبانان به ویژه بعد از کودتای نافرجام نوژه از خدمت ارتش رها شدند و از طرفی به دلیل شرایط خاصی که از لحاظ مسائل نیروی انسانی در نیروی هوایی وجود داشت، کیفیت

نیروی انسانی این نیرو در سطح بسیار پایینی بود. به‌عنوان شاهد مثال در تاریخ ۱۳۵۹/۲/۱۶ هیئتی از ستاد مشترک و نیروی هوایی از پایگاه هوایی دزفول بازدید کردند. در گزارش نتیجه بازرسی این هیئت چنین بیان شده است که یک نفر گروه‌بانی‌یکم خودش را تصمیم‌گیرنده مطلق‌العنان پایگاه اعلام کرده و گفته است هیچ مقام نظامی و غیرنظامی حتی سازمان عقیدتی سیاسی، رئیس‌جمهور، رئیس ستاد مشترک و فرمانده نیروی هوایی را به رسمیت نمی‌شناسد. در پایگاه گروه‌های سیاسی چپ‌گرا نفوذ کرده‌اند و عده‌ای از افراد پایگاه در تظاهرات یک گروه چپ‌گرا در اندیمشک شرکت کرده‌اند. نمونه دیگر اینکه در تاریخ ۱۳۵۸/۱۱/۲۸ تعدادی از درجه‌داران آمادگاه اصفهان در استانداری متحصن شدند. دلیل این تحصن آن بوده که این درجه‌داران با نظر خود ۸ نفر از افسران را در مشاغل حساس منصوب کردند و بقیه ۳۷ نفر افسر آمادگاه را در مشاغل پایین انتصاب دادند. این امر با مخالفت افسران مواجه شد و درجه‌داران گفتند حال که افسران طرح هیئت درجه‌داران را قبول ندارند از این به بعد هیچ‌کدام سمتی در پایگاه ندارند، لذا یک نفر از درجه‌داران را به فرماندهی پایگاه منصوب کردند و شورای درجه‌داران اداره آمادگاه را به عهده گرفت. همین روش در ۱۳۵۸/۸/۱۶ در پایگاه هوایی دزفول انجام شد و پایگاه تحت نظارت چهار نفر درجه‌دار عضو شورای پایگاه اداره می‌شد. این نمونه‌ها می‌تواند نمایانگر وضعیت نیروی انسانی نیروی هوایی ایران قبل از آغاز جنگ باشد.

وضعیت آمادگی رزمی دریایی ایران قبل از آغاز جنگ تحمیلی

استعداد نیروی انسانی نیروی دریایی حدود ۹۱٪ به شرح زیر بود:

موجود	سازمانی	
۱۱۶۴	۱۷۶۴	افسر
۱۰۱۸۷	۸۴۳۴	درجه‌دار
۴۸۰۳	۶۱۴۳	ناوی
۴۶۷۶	۵۸۳۱	کارمند
۱۳۳	۸۱۸	دریافتار

۲۰۹۶۳	۲۲۹۹۰	جمع کل
-------	-------	--------

وضعیت آمادگی رزمی آمادی نیروی دریایی قبل از آغاز جنگ تحمیلی

نام تجهیزات	موجودی	حاضر به کار و محدود	تعمیری	درصد آمادگی
ناوشکن سنگین	۳	۲	۱	٪۶۶/۵
ناوشکن سبک	۴	۳	۱	٪۷۵
ناو لجستیکی	۲	۱	۱	٪۵۰
آبکش کنکان	۲	۲	-	٪۱۰۰
ناو لجستیکی دلوار و هرمز	۶	۶	-	٪۱۰۰
ناو نیروبر	۲	۲	-	٪۱۰۰
ناوچه کشتی کلاس بهرام و ماهان	۶	۶	-	٪۱۰۰
ناوچه آب‌نگار	۱	-	۱	٪۰
ناوچه‌های گشت ساحلی	۱	-	۱	٪۰
فریگیت کلاس بایندر	۴	۳	۱	٪۷۵
مین جمع‌کن	۴	-	۴	٪۰
ناوچه موشک‌انداز کلاس کمان	۹	۶	۳	٪۶۶/۵
بالگرد ضدسطح	۱۶	۴	۱۲	٪۲۵
بالگرد ضدزیردریایی	۱۴	۲	۱۲	٪۱۴
اسکادران زمین‌روب	۶	-	۶	؟؟
هواناو ۶ - SRN	۸	۲	۶	٪۲۵
هواناو ۷ - BH	۶	۳	۳	٪۵۰

فهرست قسمتی از تجهیزات عمده که قبل از انقلاب از آمریکا خریداری شده بود و بعد از پیروزی انقلاب قرارداد آنها لغو و یا تجهیزات به ایران تحویل نشد

توضیحات	تعداد دستگاه	تجهیزات خریداری شده
تجهیزات زمینی		
دریافت نشد	۸۱	تریلر کیس WBV
دریافت نشد	۱۶۷	تریلر و تریلر کیس VBV
تحویل نشد	۳۹۹	خودرو فرماندهی
تحویل نشد	۳۲۲	خودرو شنی دار مهمات بر
تحویل نشد	۸	توپ ۱۷۵ م
تحویل نشد	۸	تیربار ۱۲/۷
تحویل نشد	۱۰۰۰	پایه پرتاب موشک تاو
تحویل نشد	۷۸	خودرو جمع آوری
تحویل نشد	۳۷	هو ام ۱۰۳
تعدادی تحویل شده بود	۱۰۸	نفربر ام ۱۱۳ آ ۱
۸۶۱ دستگاه تحویل شده بود	۱۲۱۸	موشک انداز دراگون
دولت آمریکا لغو کرد	۳۰	لوله یدک توپ ۱۷۵ م
دولت آمریکا لغو کرد	نامشخص	وسایل گردان های توپخانه
دولت آمریکا لغو کرد	نامشخص	تجهیزات ش.م.ر
دولت آمریکا لغو کرد	نامشخص	خودرو ۰/۲۵ تن
دولت آمریکا لغو کرد	۷۸	خودرو جمع آوری
دولت آمریکا لغو کرد	۳۲	هویتزر ۲۰۳ م
دولت آمریکا لغو کرد	۱۲۷۸	موشک تاو
دولت آمریکا لغو کرد	۱۱۰۰۰	موشک دراگون
دولت آمریکا لغو کرد	نامشخص	مهمات مختلف
دولت آمریکا لغو کرد	نامشخص	خودرو ام - ۱۵۱ و ۱۵۲

توضیحات	تعداد دستگاه	تجهیزات خریداری شده
تجهیزات هوایی		
دولت آمریکا لغو کرد	۱۶۰ فروند	هواپیمای اف - ۱۶
دولت آمریکا لغو کرد	۷ فروند	هواپیمای رادار آواکس
دولت آمریکا لغو کرد	۴ فروند	هواپیمای آر.اف.۴.ای
دولت آمریکا لغو کرد	۱۱ فروند	هواپیمای ر.اف.۴
دولت آمریکا لغو کرد	۳۱ فروند	هواپیمای آر.۴.جی
دولت آمریکا لغو کرد	۱۴ فروند	هواپیمای بویینگ ۷۰۷
دولت آمریکا لغو کرد	۱۲ فروند	هواپیمای بویینگ ۷۴۷
دولت آمریکا لغو کرد	نامشخص	هواپیمای آن.آی.ایکس
دولت آمریکا لغو کرد	یک فروند	هواپیمای پی.۳.اف
دولت آمریکا لغو کرد	۱۳۹ فروند	هواپیمای ت.۱۳۰
	۱۴ فروند	هواپیمای اف ۱۴
	۴۲۸	موشک فونیکس
	۳۶۰	موشک هاوک
	۳۶۲	موشک سایدویندر
	۳۶۲	موشک اسپارو
	۵۸	ESM
	-	پروژه آمپکس
	-	سامانه چف
	۷	بالگرد ۲۱۴
	۲	بالگرد شنوک
تجهیزات دریایی		
قرارداد لغو شد	۳ فروند	زیردریایی
قرارداد لغو شد	۴ فروند	ناو اسپرونس

توضیحات	تعداد دستگاه	تجهیزات خریداری شده
قرارداد لغو شد	۱۲۶	موشک هارپون
قرارداد لغو شد	۱۸	موشک اتاندارد
۱۹۲ عدد تحویل شد	۴۱۴	اژدر مارک ۴۶
قرارداد لغو شد	۱۷۴	اژدر مارک ۳۷
قرارداد لغو شد	۱۰	هواپیمای هدفیاب
قرارداد لغو شد	۱	اجرای سامانه برادکاست
قرارداد لغو شد	۱	اجرای سامانه اچ.اف
قرارداد لغو شد	۱۲	تیربار ۱۲/۷
قرارداد لغو شد	۳۰	تپانچه اعلام خبر
	-	ایجاد پایگاه در چابهار و طرح واسطه در بندرعباس

فهرست قسمتی از تجهیزات عمده که قبل از انقلاب از اسرائیل خریداری شده بود و بعد از پیروزی انقلاب قرارداد آنها لغو و یا تجهیزات به ایران تحویل نشد

توضیحات	تعداد دستگاه	تجهیزات خریداری شده
تحویل نشد	۲۴	هویتزر ۱۵۵ م
۶۰ دستگاه تحویل شد	۱۷۵	خمپاره انداز تامپلا ۸۱ م
۲۸ دستگاه تحویل نشد	۱۶۸	خمپاره انداز ۱۲۰ م
۹۰ دستگاه تحویل شد	۱۸۰	خمپاره انداز ۸۱ م تامپلا
تحویل شد	۲۴	هویتزر ۱۵۵ م تامپلا
۲۹ دستگاه تحویل شد	۱۰۰	بی سیم ۱۰/۱/۶۸
۱۰۲ دستگاه تحویل شد	۱۸۰	خمپاره انداز ۸۱ و ۱۲۰

فهرست قسمتی از تجهیزات عمده که قبل از انقلاب از انگلیس خریداری شده بود و بعد از پیروزی انقلاب قرارداد آنها لغو و یا تجهیزات به ایران تحویل نشد

توضیحات	تعداد دستگاه	تجهیزات خریداری شده
قرارداد لغو شد	۱۳۵۰	تانک چیفتن ۲
قرارداد لغو شد	۷۰	موشک انداز راپیر
۵۰ دستگاه تحویل شد	۷۱	خودرو جمع آوری
۱۳ دستگاه تحویل شد	۳۱	آتلیه سیار

فهرست قسمتی از تجهیزات عمده که قبل از انقلاب از آلمان غربی خریداری شده بود و بعد از پیروزی انقلاب قرارداد آنها لغو و یا تجهیزات به ایران تحویل نشد

توضیحات	تعداد دستگاه	تجهیزات خریداری شده
قرارداد لغو شد	۶	زیردریایی کلاس ۲۰۹

استعداد رزمی ژاندارمری شرکت کننده در جنگ در آغاز جنگ تحمیلی

از عناصر ژاندارمری کل کشور فقط هنگ‌های ژاندارمری آبادان و سوسنگرد در خوزستان، هنگ‌های ایلام و قصرشیرین در استان‌های کرمانشاه و ایلام در مرحله اول عملیات جنگ شرکت داشتند و بقیه عناصر ژاندارمری وظایف و مأموریت‌های سازمانی خود را که برقراری امنیت در خارج از شهرها و مناطق مرزی دیگر بود، انجام می‌دادند. عناصر این هنگ‌ها از دهانه فاو در خلیج فارس تا باویسی در شمال قصرشیرین در پاسگاه‌های مرزی به صورت پرده پوشش عملیاتی گسترش داشتند. تعداد این پاسگاه‌های مرزی در منطقه گسترش چهار هنگ یادشده حدود یکصد پاسگاه بود و اگر فرض شود که به طور متوسط در هر پاسگاه به صورت تقویت شده بیست نفر ژاندارم مستقر بوده باشند، استعداد نیروی انسانی یکان ژاندارمری که در صحنه عملیات درگیر بودند حدود ۲۰۰۰ نفر بود که اگر ۵۰۰ نفر هم به عنوان عناصر پشتیبانی خدمات رزمی منظور شوند، جمعاً حدود ۲۵۰۰ نفر از افراد ژاندارمری قبل از آغاز جنگ در منطقه مرزی خوزستان و ایلام و کرمانشاه گسترش داشتند. سلاح عمده این پاسگاه‌ها، اسلحه انفرادی و تیربار و خمپاره‌انداز ۶۰ یا ۸۱ مم بود. از نظر سلاح سنگین پشتیبانی آتش و سلاح ضدتانک و تانک و نفربر

متکی به پشتیبانی و یا تقویت نیروی زمینی بودند. البته هر ناحیه ژاندارمری یک گردان ضربت نیز داشت که استعداد آن در حدود یک گردان پیاده بود و اولین یکانی که پاسگاه‌های مرزی را تقویت می‌کرد این گردان ضربت سازمانی ژاندارمری بود. با توجه به نکات برآوردی یادشده در آغاز جنگ تحمیلی استعداد رزمی ژاندارمری در حدود چهار گردان پیاده بود که به صورت پرده‌پوشی در طول قریب یک‌هزار کیلومتر جبهه از دهانه فاو تا باووسی گسترش داشت و فقط می‌توانست عمل دیده‌بانی و مراقبت و رزم سبک انجام دهد، ولی در مقابل حملات تهاجمی لشکرهای زرهی و مکانیزه ارتش عراق توانایی قابل ملاحظه‌ای برای نبرد نداشت.

استعداد رزمی سپاه پاسداران شرکت‌کننده در جنگ در آغاز جنگ تحمیلی

در مطالب گذشته بیان شد که اصولاً سپاه پاسداران که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تأسیس شد، سازمان و تجهیزات برآوردشده و پیش‌بینی‌شده‌ای نداشت و این وضع تا پایان سال اول جنگ و زمان اجرای عملیات ثامن‌الائمه (ع) با پیشرفت‌های جزئی به همین وضع بود. البته از آغاز برخوردهای مرزی ایران و عراق عده‌ای از افراد داوطلب سپاه پاسداران در پاسگاه‌های مرزی مستقر شدند و همراه افراد ژاندارمری یا به‌طور مستقل در مناطق مرزی به گشت‌زنی و مراقبت پرداختند. استعداد نیروی انسانی این عنصر رزمنده قبل از آغاز جنگ تحمیلی چندان قابل ملاحظه نبود؛ چنان‌که تعداد پاسداران شرکت‌کننده در اولین حمله متقابل ارتش ایران (که در ۲۳ مهرماه ۱۳۵۹ در غرب دزفول انجام گرفت) فقط ۲۵ نفر بود^۱ و در عملیات کرخه‌کور که در همان زمان انجام گرفت، حدود سیصد نفر از نیروی رزمنده سپاه پاسداران در آن عملیات شرکت داشتند. شرکت گسترده و سرنوشت‌ساز سپاه پاسداران در جنگ تحمیلی از عملیات ثامن‌الائمه (ع) و از مهرماه ۱۳۶۰ آغاز شد. از نظر سلاح و تجهیزات نظامی نیز سپاه پاسداران در آغاز تشکیل هیچ‌گونه منبع مستقلی نداشت و هر وسیله‌ای که در اختیار آنان قرار می‌گرفت از وسایل و تجهیزات نیروی زمینی بود، بنابراین حضور افراد سپاه در صحنه عملیات قبل از جنگ تحمیلی استعداد رزمی نیروهای مسلح ایران را به طور قابل ملاحظه افزایش نمی‌داد ولی از نظر کیفیت، نظر به اینکه افراد

سپاه از روحیه، ایمان و شرایط اجتماعی فوق‌العاده برتری برخوردار بودند، بیش از حد استعداد رزمی خود توانستند در صحنه‌های نبرد مؤثر باشند. به هر حال از نظر عددی افراد سپاه پاسداران که قبل از آغاز جنگ تحمیلی در صحنه‌های عملیات غرب و جنوب شرکت داشتند بسیار محدود بود و احتمالاً از یک هزار نفر تجاوز نمی‌کرد و سلاح و تجهیزات و پشتیبانی‌های رزمی آنها نیز وابسته به نیروی زمینی بود.

مقایسه نسبی توانایی‌ها رزمی ایران و عراق قبل از آغاز جنگ تحمیلی

استعداد پرسنی			
توضیحات	میزان توانایی		نوع توانایی
	عراق	ایران	
به طور کلی این آمار و ارقام به صورت برآورد و تا حدودی تقریبی است و قاطعیت ندارد.	۲۶۲,۰۰۰	۲۶۵,۰۰۰	استعداد کلی نیروی انسانی
	۱۹۵,۰۰۰ تا ۲۲۰,۰۰۰	۱۵۴,۰۰۰	استعداد نیروی انسانی نیروی زمینی
	۲۵,۰۰۰	۹۰,۰۰۰	استعداد نیروی انسانی نیروی هوایی

واحدهای عمده نیروی زمینی			
توضیحات	میزان توانایی		نوع توانایی
	عراق	ایران	
	۳	-	قرارگاه سپاه
	۲	۴	لشکر پیاده
	۳	-	لشکر پیاده کوهستانی

	۲	-	لشکر مکانیزه
لشکر ۸۸ زرهی ایران تیپ منظور شده	۵	۳	لشکر زرهی
	۲۵	۳	تیپ مستقل پیاده و هوایرد
	۲	۲	تیپ مستقل مکانیزه و زرهی
	۲	۱	تیپ مستقل نیروهای مخصوص
	یکان مستقل ندارد	۱	یکان هوانیروز
	۱۳	۱۰	گردان شناسایی
	۱۳۰	-	گروهان کماندو
	۷۶	۵۲	گردان توپخانه صحرائی
	۳۸	۱۸	گردان پدافند هوایی
	۱۳	-	گردان ضدتانک
	۱۵	-	گردان موشکی
	۲۳	۱	گردان آتشبار خمپارهانداز
	۱۶	۱۰	گردان مهندسی رزمی
	۱۶	۱۰	گردان مخابرات
	۱۲	-	گروهان پدافند شیمیایی

۳۳۴ / تاریخ نظامی جنگ تحمیلی تا ۳۱ شهریور ۵۹ ج ۲

تجهیزات عمده نیروی زمینی			
توضیحات	میزان توانایی		نوع توانایی
	عراق	ایران	
	۲۵۰۰	۲۰۰۴	تانک (انواع مختلف)
	۲۹۵۰	۲۷۴۹	نفربر زرهی
	۱۵۰۰	۱۴۶۸	توپ صحرایی
	۷۲۰	۱۲۰۰	توپ پدافند هوایی
	۹۸	-	موشک زمین به زمین
	۳۴	۷۱۷	تعداد بالگرد

تجهیزات عمده نیروی هوایی			
توضیحات	میزان توانایی		نوع توانایی
	عراق	ایران	
	۴۶۵	۴۵۸	جمع هواپیماهای جنگنده و شناسایی
	۴۶	۴۹	هواپیمای ترابری
	۱۶۳	۱۹۱	بالگرد
	۱۳۰۰	۷۹۳	توپ پدافند هوایی
	۲۱۰۸ دستگاه پرتاب	۱۱۷ آتشبار	انواع سامانه موشکی

تجهیزات عمده نیروی دریایی			
توضیحات	میزان توانایی		نوع توانایی
	عراق	ایران	
	-	۷	ناو سنگین و سبک

ناو لجستیکی و نیروبر	۱۲	۵
ناوچه گشتی و موشک‌انداز	۱۶	۲۶
فریکیت	۴	-
مین جمع‌کن	۴	۵
بالگرد	۳۰	-
هواناو (هاورکرافت)	۱۴	-
اسکادران مین‌روب	۶	-
زیردریایی	-	۳
اژدرافکن	-	۱

۴. نتیجه نهایی

با توجه به آمار و ارقام نشان داده شده در آغاز جنگ تحمیلی، ارتش عراق فوق‌العاده قوی‌تر از ارتش ایران بود. ارتش عراق ۱۲ لشکر و ۲۹ تیپ داشت که از این واحدها ۲ لشکر مکانیزه، ۵ لشکر زرهی و ۲ تیپ مستقل مکانیزه و زرهی بودند که از نظر استعداد در بهترین شرایط نیروی انسانی و تجهیزاتی بودند؛ در صورتی که ارتش ایران هفت لشکر و شش تیپ مستقل داشت که فقط سه لشکر و دو تیپ آن زرهی بودند. علاوه بر یگان‌های لشکری عراق دارای ۱۳۰ گروهان کماندو بود که اگر هر ۳۰ گروهان یک لشکر منظور شود این گروهان‌ها معادل چهار لشکر پیاده بودند و ۲۹ تیپ مستقل استعداد حدود هفت لشکر پیاده را داشتند، لذا جمع استعداد رزمی نیروی رزمایشی عراق در آغاز جنگ تحمیلی حدود ۲۳ لشکر بود؛ در حالی که جمع استعداد رزمی ارتش ایران کمتر از ۱۰ لشکر بود. از نظر کیفیت آمادگی رزمی با توجه به نمونه‌هایی که از نیروی زمینی، هوایی و دریایی ایران نشان داده شده، وضعیت نیروی زمینی ایران در پایین‌ترین سطح آمادگی رزمی بود. وضعیت نیروی هوایی متوسط بود و وضعیت نیروی دریایی نسبتاً خوب بود و به طور کلی نتیجه‌گیری نظامی از این برآورد وضعیت تقریبی چنان نشان می‌دهد که ارتش عراق در آغاز جنگ تحمیلی از نظر کمیت حدود چهار بر یک نسبت به ارتش ایران برتری داشت، زیرا جمعاً ده لشکر ایران با احتساب

۶۰٪ آمادگی رزمی استعداد رزمی حدود ۶ لشکر را داشت در حالی که ارتش عراق استعداد قریب ۲۳ لشکر مجهز را داشت.

از نظر کیفیت نیروی انسانی نیز در مباحث گذشته مشکلات ارتش ایران بررسی شد و نشان داده شد که اصولاً از نظر سامانه فرماندهی، کنترل، آموزش و انضباط ارتش ایران در حال متلاشی شدن بود؛ در حالی که ارتش عراق دارای سازمان نیروی انسانی منظم و آموزش و انضباط در حد خوبی بود. به هر حال نتیجه نهایی این برآورد نظامی این است که ارتش عراق با برتری حدود چهار بر یک نسبت به کل ارتش ایران به کشور عزیز ما حمله کرد، اما نکته مهم‌تر از آن ضعف نیروهای گسترش یافته ایران قبل از آغاز جنگ در صحنه عملیات غرب و جنوب در مقابل ارتش برتر عراق بود. در آغاز جنگ تحمیلی، یعنی در آخر شهریورماه ۱۳۵۹، از هفت لشکر و شش تیپ مستقل ایران فقط دو لشکر (۸۱ و ۹۲ زرهی) با عناصری از لشکرهای دیگر در جبهه غرب و جنوب گسترش عملیاتی داشتند. در جبهه جنوب لشکر ۹۲ زرهی به اضافه یک گروه رزمی از تیپ ۳۷ زرهی گردان دژ و یک گردان تانک از عناصر سازمانی لشکر ۸۸ زرهی و یک گردان پیاده با یک گروهان تانک از عناصر لشکر ۷۷ پیاده و یک گردان پیاده با گروهان تانک از لشکر ۱ پیاده و تعدادی از گردان‌های گروه ۲۲ و ۵۵ توپخانه گسترش داشت که از دهانه فاو در خلیج فارس تا موسیان دفاع می‌کرد و یک گردان از تیپ ۸۴ پیاده نیز در دهلران مستقر بود. ارتش عراق برای حمله به این یگان‌های ارتش ایران که کل استعداد آنها یک لشکر بود، پنج لشکر به این شرح وارد عمل کرد: لشکر ۳ زرهی عراق در محور بصره - شلمچه پیشروی کرد. در مقابل این لشکر فقط یک گردان تانک و یک گردان مکانیزه و گردان دژ و هنگ ژاندارمری آبادان و تعداد معدودی از نیروهای مردمی و پایگاه دریایی خرمشهر دفاع می‌کردند.

لشکر ۵ مکانیزه عراق در محور القرنه - طلاییه و جفیر - اهواز وارد عمل شد که یک گردان سوار زرهی و یک گردان مکانیزه و دو گردان تانک از عناصر لشکر ۹۲ زرهی در مقابل این لشکر پدافند می‌کرد.

لشکر ۹ زرهی عراق در محور حلفاییه - جزابه - بستان - سوسنگرد وارد عمل شد که تیپ ۳ زرهی لشکر ۹۲ و هنگ ژاندارمری سوسنگرد در مقابل لشکر قرار داشتند.

ضمناً این تیپ و هنگ ژاندارمری سوسنگرد در محور طلاییه - هویزه - سوسنگرد نیز پدافند می کردند.

لشکر یک مکانیزه عراق در محور عماره - فکه - شوش وارد عمل شد که از نیروهای ایرانی فقط یک گروه رزمی ۳۷ زرهی و یک گردان پیاده اعزامی از لشکر یک پیاده تهران در مقابل آن لشکر قرار داشتند.

لشکر ۱۰ زرهی عراق در محور علی غربی - ربوط، عین خوش - پل کرخه و همچنین محور چیلات - دهلران وارد عمل شد که تیپ ۲ زرهی لشکر ۹۲ زرهی و یک گروه رزمی از تیپ ۸۴ پیاده در مقابل آن لشکر قرار گرفتند.

لشکر ۶ زرهی عراق در محور بدر- مهران وارد عمل شد که یک گروه رزمی از عناصر تیپ ۸۴ پیاده در آن منطقه دفاع می کرد و سرانجام در منطقه نفت شهر و قصر شیرین لشکر ۱۲ زرهی و ۷ پیاده عراق وارد عمل شد که در مقابل آنها فقط لشکر ۸۱ زرهی با آن درگیری های جنگ داخلی در مقابل این دو لشکر دشمن قرار گرفت.

با توجه به نکات یادشده فقط ۲ لشکر زرهی و حدود ۲ تیپ پیاده از قدرت رزمی ارتش ایران در مقابل تهاجم اولیه ۷ لشکر عراق قرار داشتند و قسمت عمده نیروهای دیگر ایران شامل لشکر ۲۸ پیاده، لشکر ۶۴ پیاده، عناصری از لشکرهای ۱۶ زرهی، یک مرکز، ۷۷ پیاده، تیپ ۵۵ هوایرد و تیپ ۲۳ نوه در جنگ داخلی کردستان درگیر بودند و یکی از علل مهم عقب رانده شدن نیروهای ایران در مراحل اولیه نبرد همین ضعف فوق العاده توانایی رزمی نسبی موجود در صحنه نبرد بود. بعد از اینکه در دو هفته اول جنگ نیروهای زمینی ایران موفق شدند، لشکرهای ۱۶ زرهی و یک پیاده و بعدها لشکر ۷۷ پیاده را به خوزستان و کرمانشاه اعزام کنند، وضعیت منطقه نبرد به نفع نیروهای ما تغییر یافت که شرح آن را بیان حوادث جنگ تحمیلی خواهیم داد.

اما بالاتر از نیروی انسانی و تجهیزات، نیروی کمکی فوق مادی به یاری نیروهای مسلح ما شتافت و آن ایمان به خدا، دین اسلام، شرف و حیثیت ملی تمام مردم ایران بود که همه ملت ایران را در مقابل تهاجم ناجوانمردانه ارتش متجاوز عراق چنان به هیجان آورد که خون تمام ملت ایران به جوش آمد و با اراده، قاطع و مصمم شدند تا نیروهای متجاوز را از میهن اسلامی ما بیرون برانند و در این راه خدای بزرگ نیز ملت

۳۳۸ / تاریخ نظامی جنگ تحمیلی تا ۳۱ شهریور ۵۹ ج ۲

ایران را یاری کرد، زیرا این فرمان خدا است که «ان تنصر الله ينصرکم و یثبت اقدامکم»، اگر شما خدا را یاری کنید او هم شما را یاری خواهد کرد و گام‌های شما را استوارتر خواهد کرد.

والسلام علی عباد الله الصالحین

منابع

- اداره دوم سماجا؛ گزارش‌های نوبه‌ای.
- اطلس نبردهای ماندگار؛ معاونت عملیات نزاچا؛ تهران، ۱۳۸۳.
- تحلیلی بر جنگ تحمیلی رژیم عراق علیه جمهوری اسلامی ایران؛ اداره کل امور حقوقی.
- وزارت امور خارجه؛ تهران ۱۳۶۷.
- خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران؛ بولتن‌های خبری.
- روزنامه کیهان سال ۵۸ و ۵۹.
- لشکر ۸۱ زرهی کرمانشاه؛ اسناد موجود.
- لشکر ۹۲ زرهی خوزستان؛ اسناد موجود.
- معاونت عملیات و اطلاعات نزاچا؛ اسناد موجود.

ارومیه	نمایه
شهر, ۹۴, ۱۱۱, ۱۹۱, ۳۱۵, ۳۲۰, ۳۲۱	
ازگله	
منطقه, ۱۱۳, ۱۳۵, ۱۴۲, ۱۵۰, ۱۶۵	آ
۲۹۵, ۲۹۴, ۱۸۳, ۱۷۵, ۱۶۹	آبادان
اسحاق	شهر, ۲۴, ۳۱, ۲۳۰, ۲۳۱, ۲۳۲, ۲۳۷
سرهنگ, ۸۷	۲۳۸, ۲۴۴, ۲۵۰, ۲۶۵, ۲۷۸
اسرائیل, ۱۹, ۲۹۹, ۳۰۱, ۳۰۸	۲۷۹, ۲۸۰, ۲۸۱, ۲۸۴, ۲۸۵
اسکندری	۳۳۰, ۳۳۶
سرگرد, ۲۱۰	
اسلامآباد	ا
منطقه, ۶۸, ۷۶, ۹۴, ۱۳۰, ۱۳۹, ۱۵۵	ابراهیمی
۱۶۹, ۱۸۷, ۲۰۳, ۲۱۲, ۲۲۰	اصغر؛ استاندار ایلام, ۱۵۴
۳۲۱, ۲۴۴, ۲۲۴	مهندس؛ شهید, ۲۹۷
اشپیگل, ۱۹, ۸۱	ابوشریف, ۲۹۸
مجله, ۱۹, ۸۱	ابوموسی
اشنویه	جزیره, ۷۹, ۱۲۳
منطقه, ۳۲۱	اتحادیه
اصفهان	سرگرد, ۱۹۲, ۱۹۳
شهر, ۹۰, ۱۱۷, ۱۳۳, ۱۳۴, ۱۸۷	آ
۲۰۶, ۲۱۳, ۲۱۹, ۲۲۴, ۲۳۷, ۳۱۶	آذربایجان غربی
۳۲۲, ۳۲۴, ۳۲۵	استان, ۹۱, ۱۴۶, ۱۶۰
آ	
آغاچاری	ا
شهر, ۲۸۴, ۲۸۵	اردن
آقداغ	کشور, ۲۳, ۲۴, ۲۵
ارتفاعات, ۱۸۴, ۲۰۸, ۲۰۹	

آ	ا
آمریکا	البکر
کشور, ۲۱, ۲۲, ۲۳, ۳۱, ۳۶, ۴۲, ۵۹,	منطقه, ۳۱۱
۲۹۴, ۲۹۹, ۳۰۰, ۳۰۲, ۳۲۳,	الجزایر
۳۲۷, ۳۲۸	کشور, ۲۰, ۲۳۲
	الدومه
ا	جزیره, ۲۲۹
امیدیه	الرشید
شهر, ۲۸۴, ۲۸۵	منطقه, ۳۱۱
امین داری	الله اکبر
سرتیب, ۱۲۵, ۱۲۷	منطقه, ۲۳۸, ۲۵۶, ۲۶۵
انجیره	آ
منطقه, ۷۹, ۱۵۵, ۱۷۰, ۱۷۱, ۲۰۴,	آلمان غربی
۲۰۵, ۲۰۶, ۲۰۷, ۲۰۸, ۲۰۹,	کشور, ۳۶, ۳۳۰
۲۱۱, ۲۱۴, ۲۱۷, ۲۱۸, ۲۲۰, ۲۲۲	
اندیمشک	ا
شهر, ۲۳۰, ۲۳۶, ۲۳۹, ۲۶۴, ۲۶۶,	المستقبل
۲۸۳, ۳۲۵	روزنامه, ۸۱, ۹۷
انگلستان	الولید
کشور, ۲۹, ۳۶, ۵۰, ۳۰۲, ۳۲۳	منطقه, ۳۱۱
اهواز	الیاسی
شهر, ۳۱, ۷۱, ۹۴, ۱۰۷, ۱۵۶, ۱۹۳,	بهرام؛ کدخدا, ۲۹۴
۲۲۸, ۲۳۰, ۲۳۴, ۲۳۵, ۲۳۷,	ام الرصاص
۲۳۹, ۲۴۲, ۲۴۳, ۲۴۵, ۲۵۳,	جزیره, ۲۴۴
۲۶۲, ۲۶۴, ۲۷۲, ۲۷۳, ۲۷۵, ۲۸۱,	ام القصر
۲۸۴, ۲۸۵, ۳۰۶, ۳۱۵, ۳۱۶, ۳۲۰,	شهر, ۲۴, ۵۰, ۵۱, ۲۲۹, ۳۱۱
۳۲۱, ۳۳۶	
اویسی	

نمایه / ۳۴۳

منطقه, ۱۰۳, ۱۱۶, ۱۴۹, ۱۶۴, ۱۶۷,	ارتشید, ۱۳۹
۱۷۱, ۱۷۸, ۱۹۷, ۲۰۳, ۲۰۷,	ایتالیا
۲۰۹, ۲۱۵, ۲۱۶, ۲۱۹, ۲۲۰,	کشور, ۳۶, ۳۰۱
۲۲۲, ۲۲۳	ایلام
باستانی	استان, ۶۴, ۶۹, ۷۹, ۸۰, ۸۲, ۸۳, ۸۴,
غلامحسین؛ ستوان یکم شهید, ۲۵۰	۹۱, ۹۹, ۱۰۱, ۱۰۲, ۱۰۳, ۱۰۵,
باغ کوه	۱۱۰, ۱۱۱, ۱۱۹, ۱۲۳, ۱۲۶,
منطقه, ۱۸۵	۱۲۸, ۱۳۱, ۱۳۸, ۱۳۹, ۱۴۰,
بانمیل	۱۴۶, ۱۴۷, ۱۴۹, ۱۵۰, ۱۵۱,
منطقه, ۱۸۰, ۲۱۲	۱۵۴, ۱۵۵, ۱۵۶, ۱۵۹, ۱۶۷, ۱۷۲,
بانه	۱۷۷, ۱۸۷, ۱۹۲, ۱۹۶, ۱۹۸,
شهر, ۹۱, ۹۶, ۹۷, ۱۲۴, ۱۳۴, ۱۳۷,	۲۰۸, ۲۰۹, ۲۱۲, ۲۱۳, ۲۱۴,
۱۳۸, ۱۳۹, ۱۴۳, ۱۴۵, ۱۵۵,	۲۱۷, ۲۱۸, ۲۱۹, ۲۲۵, ۲۲۷,
۱۹۳, ۳۲۰	۲۳۹, ۲۴۲, ۲۴۷, ۲۵۱, ۲۹۸,
باوندپور	۳۲۱, ۳۳۰
سرهنگ, ۱۴۹, ۲۵۱, ۲۵۲	شهر, ۶۷, ۱۰۳, ۱۰۵, ۱۲۹, ۱۴۰,
باویسی	۱۴۹, ۱۵۰, ۱۵۵, ۱۵۷, ۱۶۴, ۱۶۷,
منطقه, ۹۶, ۱۰۱, ۱۰۶, ۱۰۹, ۱۱۵,	۱۷۸, ۲۰۰, ۲۰۱, ۲۰۳, ۲۰۶,
۱۱۶, ۱۲۳, ۱۲۵, ۱۲۸, ۱۳۲,	۲۰۸, ۲۱۰, ۲۱۷, ۲۲۰, ۲۲۱,
۱۴۰, ۱۵۰, ۱۵۴, ۱۵۵, ۱۵۷,	۲۲۲, ۳۲۱, ۳۳۰
۱۵۹, ۱۶۰, ۱۶۲, ۱۶۴, ۱۶۵, ۱۶۶,	ب
۱۶۹, ۱۷۰, ۱۷۳, ۱۷۴, ۱۷۵,	باباخانی
۱۸۰, ۱۸۳, ۱۸۵, ۱۹۶, ۱۹۷,	منطقه, ۱۲۵
۲۰۲, ۲۱۱, ۲۹۴, ۳۳۰, ۳۳۱	باباهادی
بجنورد	منطقه, ۱۰۹, ۲۹۲, ۲۹۳
شهر, ۳۲۱	بازرگان
برار عزیز	
منطقه, ۱۶۵, ۱۷۰, ۱۸۲, ۱۸۳, ۱۹۲,	
۲۹۲, ۲۹۳	

پ	برزیل
پادگان ابوذر، ۱۸۷	کشور، ۳۶
پادگان اعظم پناه، ۱۸۷	بستان
پاسگاه حمید، ۲۳۴	منطقه، ۲۲۱، ۲۳۱، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸،
پاطاق	۲۴۰، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۵۱، ۲۵۵،
گردنه، ۶۹، ۱۲۹، ۱۸۳، ۲۰۰، ۲۰۴،	۲۴۸، ۲۵۶، ۲۶۲، ۲۶۴، ۲۶۷، ۲۶۸،
۲۰۶، ۲۱۲، ۲۱۳، ۳۲۱	۲۶۹، ۲۷۱، ۲۷۳، ۲۷۸، ۲۸۰،
پاکستان	۲۸۲، ۳۰۶، ۳۳۶
کشور، ۲۳، ۲۵	بصره
پاوه	شهر، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۲۲۹، ۲۳۸، ۲۴۴،
شهر، ۷۲، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۸۲، ۸۶، ۸۷،	۲۴۷، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۴، ۲۵۶،
۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۶،	۲۵۷، ۲۸۰، ۲۸۱، ۳۰۶، ۳۱۱، ۳۳۶
۹۷، ۹۸، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۶، ۱۱۲،	بغداد
۱۱۷، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲،	شهر، ۴۹، ۱۵۹، ۲۱۰، ۲۷۱، ۳۰۶، ۳۱۱
۱۳۳، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۲،	بهرام آباد
۱۴۳، ۱۵۲، ۱۵۸، ۱۶۴، ۱۷۰،	منطقه، ۱۴۷، ۱۴۹، ۱۵۸، ۱۷۹، ۲۴۴،
۱۷۱، ۱۷۴، ۱۹۳، ۲۰۲، ۲۱۴،	بوشهر
۲۱۸، ۲۲۰، ۳۲۱	استان، ۹۰
پایگاه سوم شکاری، ۸۸	بیات
پسوه	منطقه، ۱۱۱، ۱۳۸، ۲۴۶، ۲۵۸، ۲۶۲،
شهر، ۹۱	۲۸۲، ۲۸۴
پلنگانه	بیشگان
منطقه، ۲۲۲	منطقه، ۱۱۳، ۲۹۴، ۲۹۷،
پیچ انگیزه	بین النهرین
منطقه، ۱۵۰، ۲۴۶	منطقه، ۲۹
پیرانشهر	بیونسج
شهر، ۹۱، ۳۲۱	منطقه، ۱۶۹

تنب بزرگ	ت
جزیره, ۱۲۳, ۷۹	تانک اسکوریون, ۱۰۸, ۱۰۷, ۵۷, ۵۲, ۳۸
تنب کوچک	۳۱۹, ۱۸۴, ۱۱۷, ۱۱۶
جزیره, ۱۲۳, ۷۹	تانک ام - ۶۰, ۳۸, ۴۵, ۵۷, ۱۰۷, ۲۳۹
تنگاب کهنه	۳۲۱, ۳۱۹, ۲۸۴, ۲۸۲, ۲۷۲, ۲۷۰, ۲۶۴
منطقه, ۱۶۵, ۱۸۱, ۱۸۴, ۱۹۸, ۲۰۱	تبریز
۲۰۲, ۲۰۵, ۲۰۶	شهر, ۳۲۱
تنگاب نو	تپه ۳۴۳
منطقه, ۱۱۶, ۱۶۵, ۱۶۶, ۱۸۰, ۱۸۱	منطقه, ۱۷۹, ۱۴۹, ۱۱۱, ۶۷
۲۰۳, ۲۰۴, ۲۰۵, ۲۰۶, ۲۲۳	تپه رش
تنگ هوان	منطقه, ۱۱۶, ۱۲۳, ۱۲۵, ۱۲۸, ۱۲۹
منطقه, ۱۲۵, ۱۵۳, ۱۷۰, ۱۷۵	۳۲۱, ۱۶۹, ۱۶۸, ۱۶۷, ۱۳۲, ۱۳۱
تهران, ۶۸, ۷۰, ۷۱, ۷۲, ۷۶, ۸۱, ۸۸, ۹۰	تپه شینو
۹۴, ۱۰۶, ۱۰۷, ۱۱۲, ۱۱۷, ۱۱۸, ۱۳۰	منطقه, ۲۲۲
۱۵۹, ۲۰۰, ۲۰۲, ۲۰۶, ۲۱۳, ۲۱۵, ۲۲۵	ترشاه
۲۵۴, ۲۶۳, ۲۶۴, ۲۶۶, ۲۷۲, ۲۷۴, ۲۷۶	منطقه, ۲۹۷
۲۷۷, ۳۱۵, ۳۱۶, ۳۲۰, ۳۲۲, ۳۳۷	ترکیه
تیپ ۱ ابادر, ۱۱۳, ۱۲۲	کشور, ۲۳, ۲۴, ۲۵, ۳۶, ۶۳, ۱۴۶
تیپ ۱ زرهی, ۲۰۳, ۲۰۴, ۲۱۴, ۲۱۹, ۲۶۴	تعمیر کاری
۲۷۲, ۲۷۴, ۲۷۵, ۲۸۴	حاج شیخ محمد, ۱۶۷
تیپ ۲ زرهی کرمانشاه, ۱۰۱, ۱۲۹, ۲۰۴	تق تق مشکی
تیپ ۲ زرهی لشکر ۹۲, ۲۳۳, ۲۳۹, ۲۴۹	منطقه, ۲۲۲
۲۵۱, ۲۶۴, ۲۷۰, ۲۷۳, ۲۷۴, ۲۷۵, ۲۸۴	تکریت
۳۳۷	منطقه, ۳۱۱, ۳۰۶, ۴۹
تیپ ۲۳ نوهده, ۱۳۰, ۱۳۳, ۳۱۵, ۳۳۷	تلخاب
تیپ ۳ سریل ذهاب, ۹۶, ۱۱۲, ۱۲۱, ۱۲۵	منطقه, ۱۰۳, ۱۴۹, ۱۵۱, ۱۶۴, ۱۶۷
۱۳۳	۱۷۱, ۱۷۸, ۲۰۳, ۲۰۷, ۲۱۰
تیپ ۳۷ زرهی, ۲۳۹, ۲۴۳, ۲۵۰, ۳۳۶	۲۱۱, ۲۱۷, ۲۱۹, ۲۲۰, ۲۲۳

۳۴۶ / تاریخ نظامی جنگ تحمیلی تا ۳۱ شهریور ۵۹ ج ۲

تیپ ۵۵ هوارد شیراز، ۹۰، ۱۴۳، ۳۱۵، ۳۲۱،	جوانرود
۳۳۷	منطقه، ۹۷، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۱۷، ۱۲۹،
تیپ ۸۴ پیاده خرم آباد، ۲۷۵	۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۵۸، ۱۶۴، ۱۶۸،
تیپ ۸۴ پیاده خرم آباد، ۸۰، ۸۴، ۱۱۰، ۱۱۷،	۱۷۴، ۱۹۰، ۱۹۲
۱۶۶، ۱۷۹، ۲۱۲، ۲۴۴، ۲۴۹، ۲۶۲، ۳۲۱،	
۳۳۷، ۳۳۶	ج
تیپ تفنگدار دریایی، ۳۱۱	جذابه
تیله کوه	منطقه، ۲۵۵، ۳۳۶
منطقه، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۲۵، ۱۲۸،	چفته
۱۲۹، ۱۳۲، ۱۵۳، ۱۵۷، ۱۵۹،	منطقه، ۱۲۹، ۱۴۰، ۱۷۰،
۱۶۵، ۱۶۷، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۴، ۱۷۵،	چقاشیره
۱۹۶، ۲۰۲، ۲۹۴، ۳۲۱	منطقه، ۱۵۱، ۱۵۹، ۱۶۷، ۱۹۷، ۲۰۷،
تینه	چک سرخ
ارتفاعات، ۲۳۰، ۲۸۴	منطقه، ۲۲۲
ث	چکسلواکی
ثامن الاثمه	کشور (سابق)، ۳۶، ۵۷
عملیات، ۱۲۸، ۳۳۱	چمران
ج	مصطفی؛ دکتر، ۷۶، ۸۷، ۹۱، ۹۲
جعفری	چنگوله
فرمانده سپاه کرمانشاه، ۸۶	رودخانه، ۲۲۷، ۲۶۲
جعفر	چیلات
منطقه، ۲۳۶، ۳۳۶	منطقه، ۲۰۳، ۲۰۵، ۲۱۲، ۲۲۳، ۲۳۰،
جلدیان	۲۴۴، ۲۵۴، ۲۶۰، ۲۶۲، ۲۷۹، ۲۸۴،
منطقه، ۹۱، ۳۲۱	۳۳۷
جنتی	چین
احمد؛ رئیس دادگاه انقلاب، ۸۰، ۸۵	کشور، ۳۳

خانی گرمله
 منطقه، ۹۳
 خرم‌آباد
 شهر، ۸۳، ۸۴، ۹۰، ۱۳۴، ۲۴۴، ۳۱۵،
 ۳۲۱
 خرمشهر
 شهر، ۲۴، ۶۳، ۹۴، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۱،
 ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷،
 ۲۳۸، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۸،
 ۲۴۹، ۲۵۲، ۲۵۴، ۲۵۶، ۲۵۷،
 ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳،
 ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۹، ۲۷۲، ۲۷۵،
 ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۴،
 ۳۰۶، ۳۱۶، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۳۶
 خرناسرخان
 منطقه، ۱۲۹، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۲، ۱۶۵،
 ۱۶۸، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۴، ۱۸۰،
 ۱۸۴، ۱۸۷، ۱۹۳، ۱۹۹، ۲۲۳، ۳۲۱
 خسروآباد
 منطقه، ۱۶۵، ۱۸۳، ۲۰۲، ۲۲۹، ۲۷۵،
 ۲۷۹
 خسروی
 منطقه، ۹۷، ۱۱۷، ۱۶۲، ۱۸۷، ۱۹۶،
 ۱۹۹، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۸، ۲۱۲،
 ۲۲۳، ۲۲۵، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۸
 خمینی
 سید روح‌الله؛ آیت‌الله، ۱۹، ۱۲۶، ۱۹۱،
 ۲۸۹، ۳۰۰
 خوارزمی

ح

حبیبی
 حسن؛ دکتر، ۱۰۵
 حسن‌البکر
 احمد، ۸۲
 حسینی
 شیخ عزالدین، ۱۳۸
 حلفائیه
 منطقه، ۲۸۰
 حمزین
 ارتفاعات، ۱۱۱، ۲۳۰
 حمیدیه
 منطقه، ۲۳۷، ۲۳۸

خ

خارک
 جزیره، ۲۳، ۲۵
 خامنه‌ای
 سید علی؛ آیت‌الله، ۷۸، ۱۰۴
 خانقین
 شهر، ۹۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۵۹، ۱۶۶،
 ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۹، ۲۰۰، ۳۰۵
 خان‌لیلی
 منطقه، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱،
 ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۸۳، ۱۹۶، ۱۹۸،
 ۱۹۹، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۵، ۲۲۲
 خانه‌شور
 منطقه، ۱۹۰

شهر، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۹۶،	سروان، ۲۱۰
۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۳، ۲۳۸، ۲۴۲،	خوزستان
۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۷، ۲۴۹، ۲۶۳، ۲۶۴،	منطقه، ۲۷، ۶۴، ۹۰، ۱۲۶، ۱۳۴، ۱۴۶،
۲۶۶، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۸۳، ۳۲۰،	۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۷، ۱۸۱، ۲۱۳،
۳۲۱، ۳۲۵، ۳۳۱	۲۲۵، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰،
دزلی	۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶،
منطقه، ۸۹، ۱۸۵	۲۳۷، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲،
دشت آزادگان	۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۸، ۲۵۰،
منطقه، ۷۱، ۲۳۱، ۲۳۴، ۲۵۵، ۲۵۶،	۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۶، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰،
۲۶۲، ۲۶۵	۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۵، ۲۶۷، ۲۶۸،
دهلران	۲۶۹، ۲۷۲، ۲۷۶، ۲۸۰، ۲۸۳، ۲۸۵،
منطقه، ۶۴، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۵۷، ۱۶۳،	۳۲۱، ۳۳۰، ۳۳۷
۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۱۲، ۲۲۲،	د
۲۲۳، ۲۲۷، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۳،	دارخور
۲۳۶، ۲۴۴، ۲۴۸، ۲۵۱، ۲۵۴، ۲۵۶،	منطقه، ۱۰۹، ۱۱۳، ۱۵۰، ۱۶۵، ۱۸۲،
۲۵۸، ۲۶۰، ۲۶۲، ۲۷۳، ۲۷۵، ۲۷۶،	۲۹۲، ۲۹۳
۲۷۹، ۲۸۳، ۳۳۶، ۳۳۷	دالامبرداغ
دوزدوزانی	منطقه، ۶۳
فرمانده سپاه، ۱۴۱	دالاهو
دوسلک	منطقه، ۱۶۹، ۱۷۷، ۱۸۳، ۲۸۸، ۲۸۹،
منطقه، ۲۳۰، ۲۴۶، ۲۶۵، ۲۶۷، ۲۷۰،	۲۹۰
۲۷۷، ۲۸۳	دانشور
دویرج	سرتیپ، ۷۷، ۸۷، ۱۰۶، ۱۱۱
منطقه، ۲۴۳، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۰،	سرهنگ، ۲۹۸
۲۷۴، ۲۷۶، ۲۸۰	دریندجوق
دیوان دره	منطقه، ۱۱۶، ۲۰۴، ۲۹۰، ۲۹۱
شهر، ۸۶، ۹۱	دزفول

کشور, ۳۶	ر
ژژان	ربوط
منطقه, ۳۲۱	منطقه, ۱۴۸, ۲۳۰, ۳۳۷
ژنرال هیگمن, ۲۱	رستمی
	سید مراد, ۲۸۸, ۲۸۹
س	رشیدیه
سانوایا	منطقه, ۲۶۵, ۲۶۷, ۲۶۸, ۲۷۱
منطقه, ۱۵۹, ۱۶۷, ۱۷۴, ۱۹۷, ۲۱۶	رضایی
۲۲۳, ۲۲۰, ۲۱۷	استوار, ۲۹۵
ساهدنی	روم
منطقه, ۲۴۱	کشور, ۳۳
سبزبلاق	
منطقه, ۱۶۶	ز
سپاه ۱ عراق, ۴۸, ۳۰۵	زاهدان
سپاه ۲ عراق, ۴۸, ۳۰۶	شهر, ۲۶۴, ۳۲۱
سپاه ۳ عراق, ۴۸, ۳۰۶	زرباطیه
سپاه ۴ عراق, ۳۰۶	منطقه, ۱۴۷, ۱۶۶, ۱۹۶
سرپل ذهاب	زمانفر
منطقه, ۶۸, ۶۹, ۷۶, ۷۸, ۹۳, ۹۶	سرهنک دوم, ۱۸۱, ۱۹۲, ۱۹۳, ۲۰۳
۱۰۰, ۱۰۹, ۱۱۲, ۱۱۳, ۱۱۵	زنجان
۱۱۷, ۱۱۹, ۱۲۱, ۱۲۴, ۱۲۵	استان, ۳۲۰
۱۲۹, ۱۳۰, ۱۳۲, ۱۳۳, ۱۳۹	زینلکش
۱۷۱, ۱۸۷, ۲۰۳, ۳۲۰, ۳۲۱	منطقه, ۶۵, ۱۷۴, ۱۸۱, ۱۸۲, ۱۸۳
سردار جاف, ۱۱۲, ۲۸۸, ۲۸۹, ۲۹۰, ۲۹۴	۱۹۸, ۲۰۱, ۲۰۲, ۲۰۵, ۲۰۶
۲۹۵	۲۱۲, ۲۱۹
سردشت	
شهر, ۸۶, ۹۱, ۹۶, ۹۷, ۱۰۰, ۱۰۹	ژ
۱۱۷, ۱۲۴, ۱۳۴, ۱۳۷, ۱۳۸	ژاپن

۳۵۰ / تاریخ نظامی جنگ تحمیلی تا ۳۱ شهریور ۵۹ ج ۲

سرگرد، ۹۵	۱۴۰، ۱۴۳، ۱۶۴، ۱۸۵، ۱۹۳،
سوریه	۱۹۷، ۳۲۱
کشور، ۲۰، ۲۵، ۳۶، ۷۹	سرنی
سوسنگرد	منطقه، ۲۲۲، ۲۲۴
شهر، ۶۴، ۲۳۴، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳،	سعدون حمادی، ۱۹
۲۵۱، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۷، ۲۵۸،	سقز
۲۶۰، ۲۶۲، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۷، ۲۷۲،	شهر، ۸۶، ۹۱، ۹۳، ۹۷، ۱۳۴، ۱۴۶،
۳۰۶، ۳۳۰، ۳۳۶، ۳۳۷	۱۵۲، ۳۲۱
سومار	سلمان کشته
منطقه، ۹۸، ۱۲۸، ۱۳۹، ۱۴۹، ۱۵۰،	منطقه، ۱۵۹، ۱۶۵، ۱۶۷، ۱۸۱، ۱۹۷،
۱۵۵، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۷۱، ۱۷۴، ۱۷۷،	۲۰۷، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۲۳
۱۷۸، ۱۹۶، ۱۹۸، ۲۰۳، ۲۰۴،	سمنان
۲۰۷، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۴، ۲۱۵،	منطقه، ۹۸
۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰،	سمیده
۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۵، ۲۲۸، ۲۴۸، ۳۲۱	منطقه، ۱۴۸، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۹، ۲۵۰،
سیستان و بلوچستان	۲۵۱، ۲۵۲، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۷۰، ۲۷۷،
استان، ۳۱۵	۲۸۲، ۲۸۴
سیف سعد	سندج
منطقه، ۶۵، ۲۲۸	شهر، ۸۴، ۸۶، ۹۱، ۹۳، ۹۴، ۹۶، ۱۱۲،
سینایی	۱۱۸، ۱۲۴، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۸،
سرهنگ، ۱۰۱	۱۴۰، ۱۴۴، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۵۲،
ش	۱۵۹، ۱۹۱، ۲۱۰، ۳۱۵، ۳۲۰، ۳۲۱
شادمهر	سه تیان
سرلشکر، ۱۴۲، ۱۶۶، ۱۶۸، ۲۹۸	منطقه، ۱۵۱، ۱۵۹، ۱۶۵، ۱۷۴، ۱۹۷،
شاکر	۲۰۷، ۲۰۹
محمد حسین؛ سرتیپ، ۸۶، ۹۳	سهرابی
شرمینه	سرهنگ، ۷۸، ۸۰، ۹۵، ۱۱۸، ۱۳۱،
	۱۴۶، ۱۶۴، ۱۷۸، ۱۷۹
	سوداگر

شهر، ۹۰، ۹۴، ۲۵۰، ۲۸۲، ۳۱۵، ۳۱۶،

۳۲۱

ص

صالح آباد

منطقه، ۸۴، ۱۰۲، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۵،

۱۶۴، ۱۸۷، ۱۹۶، ۱۹۸، ۲۰۳، ۲۰۴،

۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹،

۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴،

۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۹، ۲۲۰،

۲۲۲، ۲۲۴، ۲۲۸، ۳۲۱

صحنه

منطقه، ۹۱، ۹۳

صدام حسین، ۱۸، ۱۹، ۲۸، ۸۱، ۸۲، ۹۷،

۱۱۴، ۱۲۶، ۱۸۲، ۱۹۸، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۷

صفائی

غلامرضا، ۱۹۱

صفریه

منطقه، ۲۵۸، ۲۶۵، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۷۱،

۲۷۳، ۲۸۳، ۲۸۴

صفوی سہی

سرگرد، ۲۷۳

صیاد شیرازی

علی، ۱۷۷، ۱۸۴، ۱۹۲، ۱۹۳

ط

طاووسیه

منطقه، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۷۱

منطقه، ۱۴۰

شریف پور

محمد علی؛ دادستان انقلاب، ۸۰

شعبیه

منطقه، ۳۱۱

شلمچه

منطقه، ۶۳، ۲۲۹، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۸،

۲۴۰، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۷،

۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۳، ۲۶۴،

۲۶۵، ۲۷۲، ۲۷۸، ۲۸۰، ۲۸۱،

۲۸۵، ۳۳۶

شمشیر

منطقه، ۸۸، ۱۲۹

شہلاتی

سرہنگ، ۱۰۱

شورشیرین

منطقه، ۱۱۰، ۱۶۴، ۱۷۰، ۱۷۱، ۲۰۸،

۲۰۹، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۴، ۲۱۷،

۲۲۰، ۲۲۲، ۲۲۳

شوروی

کشور، ۲۳، ۲۴، ۳۱، ۳۳، ۳۶، ۴۹، ۵۰،

۱۳۷، ۱۴۷، ۳۰۲

شوش

شہر، ۹۳، ۱۴۸، ۲۳۰، ۲۳۹، ۲۴۲،

۲۵۰، ۲۶۴، ۲۶۶، ۲۷۶، ۲۸۰، ۲۸۳،

۳۰۶، ۳۳۷

شیخصلہ

منطقه، ۱۳۵

شیراز

منطقه، ۲۴، ۵۱، ۶۴، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۶۲،

طباطبائی، ۷۸

۲۷۵، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۴، ۳۱۱،

طلایه

۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۶

منطقه، ۲۵۵، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۲، ۲۶۴،

فرانسه

۲۶۵، ۲۶۹، ۲۷۲، ۲۸۰، ۲۸۴، ۲۸۵

کشور، ۳۶، ۵۰، ۵۱

طه یاسین رمضان، ۳۰۸

فرخی

ظ

استوار، ۲۹۵

فروهر

ظهیرنژاد، ۱۱۱، ۱۴۴، ۱۶۱، ۱۶۸، ۱۷۷، ۲۵۳

داریوش، ۱۰۰، ۱۰۶

ع

فرید

سرلشکر، ۸۲

عجبشیر

فکه

شهر، ۹۰

منطقه، ۱۱۱، ۱۴۸، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۵،

عربستان

۲۴۶، ۲۵۱، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۶۲، ۲۶۴،

کشور، ۱۹، ۲۴، ۲۵، ۸۰

۲۶۵، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۱،

عقبه

۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۷،

بندر، ۲۳، ۲۴

۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۲، ۲۸۳،

علیخانی

۲۸۴، ۲۸۵، ۳۰۶، ۳۳۷

ستوان یکم، ۲۱۰

فلاحی

علیشاهی

سرلشکر، ۸۴، ۸۵، ۸۷، ۸۹، ۹۰، ۹۵،

سرهنگ، ۱۷۹

۱۱۳، ۱۴۳، ۱۵۳، ۱۶۸، ۱۸۰،

علی گره زد

۲۰۵، ۲۱۲، ۲۹۸

منطقه، ۲۳۶

عین خوش

ق

منطقه، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۳، ۲۳۶، ۲۴۹،

قذافی

۲۵۱، ۲۵۸، ۲۶۴، ۲۸۳، ۳۰۶، ۳۳۷

سرهنگ، ۸۱

ف

قرارداد الجزایر، ۱۸، ۲۲، ۶۶، ۱۲۶، ۲۳۲، ۲۷۱

قراویز

فاو

منطقه، ۱۱۸، ۱۶۴، ۲۰۴، ۲۰۷
 قلعه سفید
 منطقه، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۶۰، ۱۶۵، ۱۶۶
 ۱۷۰، ۱۷۵، ۱۹۵، ۲۰۳، ۲۹۰
 ۲۹۲، ۲۹۷، ۲۹۸
 قم
 منطقه، ۹۸
 قمشه
 شهر، ۲۳۵، ۳۱۶
 قوچان
 شهر، ۳۲۱
 قورچی باشی
 منطقه، ۱۶۹
 قوره تو
 رودخانه، ۱۱۶، ۱۶۱
 قوری قلعه
 منطقه، ۹۵، ۱۰۰، ۱۱۲
 ک
 کاتیوشا
 موشکانداز، ۳۸، ۵۲، ۵۸، ۲۱۳، ۲۲۰
 ۲۷۲، ۳۰۲، ۳۱۹
 کازرون
 شهر، ۳۲۱
 کاسه گران
 منطقه، ۲۰۳، ۲۰۴
 کامیاران

منطقه، ۱۲۹، ۳۲۱
 قره بلاغ
 منطقه، ۱۰۱
 قروه
 شهر، ۳۲۰
 قرانچی
 منطقه، ۱۰۱
 قزوین
 شهر، ۷۱، ۹۸، ۱۳۰، ۱۴۴، ۱۹۱، ۲۱۳، ۳۱۵، ۳۲۰
 قشلاق
 منطقه، ۸۸، ۹۵
 قصر شیرین
 منطقه، ۶۴، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۴، ۹۲، ۹۴، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۳، ۱۰۸، ۱۰۹
 ۱۱۲، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸
 ۱۱۹، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴
 ۱۲۵، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۸، ۱۳۹
 ۱۴۷، ۱۵۵، ۱۵۷، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۲
 ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۳
 ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۹، ۱۸۲
 ۱۸۴، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۵، ۱۹۶
 ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱
 ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶
 ۲۰۸، ۲۱۰، ۲۱۲، ۲۱۴، ۲۱۷
 ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۳، ۲۲۵، ۲۸۹
 ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۷
 ۲۹۸، ۳۳۰، ۳۳۷

قلعه جوق

۳۵۴ / تاریخ نظامی جنگ تحمیلی تا ۳۱ شهریور ۵۹ ج ۲

شهر, ۸۶, ۹۴, ۹۷, ۱۰۰, ۱۱۲, ۱۱۴,	۱۲۸, ۱۲۹, ۱۳۰, ۱۳۲, ۱۳۳,
۱۱۷, ۱۲۲, ۱۲۹, ۱۴۰, ۱۴۶, ۱۶۴,	۱۳۴, ۱۳۸, ۱۳۹, ۱۴۰, ۱۴۲,
۱۶۸, ۱۶۹, ۱۸۵, ۱۸۷, ۱۸۸, ۱۹۰,	۱۴۴, ۱۴۵, ۱۴۶, ۱۴۷, ۱۴۹,
۱۹۳, ۱۹۷, ۳۲۱	۱۵۱, ۱۵۲, ۱۵۵, ۱۵۷, ۱۵۹,
کانی سخت	۱۶۰, ۱۶۲, ۱۶۳, ۱۶۴, ۱۶۶, ۱۶۷,
منطقه, ۱۰۳, ۱۶۴, ۱۷۱, ۲۱۴, ۲۲۲,	۱۷۲, ۱۷۷, ۱۷۹, ۱۸۳, ۱۸۴,
۳۲۱	۱۸۵, ۱۹۲, ۱۹۳, ۱۹۵, ۱۹۶,
کباره	۱۹۸, ۱۹۹, ۲۰۰, ۲۰۲, ۲۰۵,
منطقه, ۳۱۱	۲۰۸, ۲۱۰, ۲۱۲, ۲۱۳, ۲۱۵,
کدخدا بهرام, ۲۸۹, ۲۹۴	۲۱۶, ۲۱۷, ۲۲۲, ۲۲۴, ۲۲۵,
کرخه	۲۲۷, ۲۴۲, ۳۱۵, ۳۲۰, ۳۲۱,
رودخانه, ۲۳۰, ۲۳۷, ۲۳۸, ۲۶۶, ۲۸۳,	۳۳۰, ۳۳۷
۳۳۱, ۳۳۷	کرد
کردستان	منطقه, ۸۵, ۹۱, ۹۳, ۹۴, ۱۱۹, ۱۳۹,
منطقه, ۶۳, ۶۹, ۷۰, ۷۲, ۷۶, ۷۷, ۸۴,	۱۶۹
۸۶, ۸۹, ۹۰, ۹۱, ۹۳, ۹۶, ۹۷,	کره شمالی
۱۰۰, ۱۰۵, ۱۱۱, ۱۱۶, ۱۳۰,	کشور, ۱۴۸
۱۳۲, ۱۳۴, ۱۴۰, ۱۴۶, ۱۵۱,	کله چوب
۱۵۲, ۱۵۳, ۱۵۷, ۱۶۰, ۱۹۰,	منطقه, ۲۰۳, ۲۰۴
۲۲۷, ۳۲۱, ۳۳۷	کنجان چم
کرکوک	منطقه, ۶۷, ۸۲, ۸۳, ۱۱۱, ۱۴۹, ۱۷۹,
شهر, ۴۹, ۳۰۵, ۳۱۱	۱۹۶, ۲۱۴, ۲۲۰
کرمانشاه	کنداب
منطقه, ۶۴, ۶۸, ۶۹, ۷۱, ۷۴, ۷۵, ۷۶,	منطقه, ۱۴۰
۷۷, ۷۸, ۸۰, ۸۱, ۸۲, ۸۴, ۸۵, ۸۶,	کوت
۸۷, ۸۸, ۸۹, ۹۰, ۹۱, ۹۲, ۹۳,	منطقه, ۳۱۱
۹۴, ۹۷, ۹۸, ۹۹, ۱۰۲, ۱۰۴,	کوت العماره
۱۰۶, ۱۰۷, ۱۰۸, ۱۱۲, ۱۱۳,	منطقه, ۳۰۶
۱۱۴, ۱۱۸, ۱۱۹, ۱۲۳, ۱۲۴,	کوره موش

گردان موشکی فراک، ۳۰۲	منطقه، ۱۲۹
گردان هدف‌یاب، ۳۰۳	گوشک
گردان هواشناسی، ۳۰۳	منطقه، ۲۳۲، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۶۵، ۲۶۹
گرده‌نو	۲۷۴، ۲۷۴، ۲۸۰، ۲۸۵
منطقه، ۹۶، ۹۸، ۱۰۰، ۱۱۲، ۱۱۳	کویت
۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۹، ۱۲۲، ۱۲۸	کشور، ۲۴، ۲۵، ۲۲۹
۱۲۹، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۵، ۱۳۷	
۱۴۲، ۱۶۶، ۱۶۸، ۱۷۰، ۱۷۴، ۱۷۵	گی
۱۷۷، ۱۸۳، ۱۸۵، ۱۸۷، ۲۰۰	گردان ۱۲۱ پیاده زرهی، ۲۶۸، ۳۱۶، ۳۱۷
۲۰۳، ۲۰۷، ۲۹۴، ۳۲۰، ۳۲۱	گردان ۱۲۳، ۹۳، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۲۴، ۱۴۳
گرده‌نویی	گردان ۱۳۸ پیاده، ۲۷۷، ۲۸۳، ۲۸۴
علی؛ کدخدا، ۲۸۹، ۲۹۴، ۲۹۵	گردان ۱۸۲، ۸۰
گروه ۲۲ توپخانه، ۲۳۵، ۲۳۷، ۲۳۸	گردان ۲۳۲ تانک، ۲۶۹، ۲۷۳، ۲۷۸، ۲۸۱
گروه ۳۳ توپخانه، ۱۵۹، ۲۷۲	۳۱۶، ۳۱۷
گروه ۴۴ توپخانه، ۱۱۷، ۱۳۳، ۱۳۵، ۲۱۹	گردان ۲۸۳ سوار زرهی، ۲۷۷، ۲۸۱، ۲۸۲
۲۲۴	۲۸۴
گروه ۵۵ توپخانه، ۲۳۷	گردان ۳۱۸ توپخانه، ۲۷۳
گروه رزمی ۱۹۵، ۲۱۵، ۲۲۵	گردان ۳۸۶ توپخانه، ۲۰۲
گروه رزمی ۲۱۷، ۲۱۶، ۲۲۰، ۲۲۱	گردان ۳۸۷ توپخانه، ۲۳۷
گروه مهندسی ۴۱۱ بروجرد، ۹۰	گردان ۴۱۴، ۲۳۷، ۲۸۱
گروهان پدافند شیمیایی، ۳۰۵، ۳۳۳	گردان پیاده ۱۹۱، ۳۱۶
گروهان کماندو، ۳۰۴، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۳۳	گردان توپخانه صحرائی، ۳۰۴، ۳۰۶، ۳۰۷
۳۳۵	۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۴، ۳۳۳
گروه‌نواز	گردان جنگ الکترونیکی، ۳۰۲
منطقه، ۹۲	گردان ضدتانک، ۳۰۴، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۳۳
گنبد	گردان مهندسی، ۲۶۶، ۲۹۸، ۳۰۴، ۳۰۶، ۳۰۷
شهر، ۳۲۰	۳۱۱، ۳۱۴، ۳۱۶، ۳۳۳
گیسکه	گردان موشکی اسکاد، ۳۰۲
منطقه، ۲۰۷، ۲۲۳، ۲۲۵	

شهر، ۲۰۲، ۳۱۶

مرند

منطقه، ۲۰۴، ۲۲۰

شهر، ۳۲۱

مریوان

ل

شهر، ۸۶، ۹۱، ۹۲، ۹۶، ۹۷، ۱۳۲،

۱۳۳، ۳۲۱

مشهد

لشکر ۸۱ زرهی، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۳، ۷۵،

۷۶، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶،

۸۷، ۹۲، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۹، ۱۰۰،

۱۰۱، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹،

۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹،

۱۲۰، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۶، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰،

۱۳۳، ۱۳۵، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۶،

۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۳، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷،

۱۵۸، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۶،

۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۳، ۱۷۶،

۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۴، ۱۸۷، ۱۸۸،

۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰،

۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰،

۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۸، ۲۱۹،

۲۲۰، ۲۲۲، ۲۲۴، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۷، ۲۴۹،

۲۶۱، ۳۱۵، ۳۲۱، ۳۳۶، ۳۳۷

مصر

کشور، ۲۵، ۳۶

معینی

هوشنگ؛ سرهنگ، ۲۸۶

مله پلنگان

گردنه، ۹۰

مله تولات

منطقه، ۱۲۵

مندلی

منطقه، ۱۳۸، ۱۶۶، ۲۰۷، ۲۱۵، ۲۲۰،

مهاباد

شهر، ۷۱، ۹۱، ۹۶، ۹۷، ۱۳۲، ۱۵۱،

۳۲۱

م

مهران

ماهشهر

شهر، ۶۳، ۶۷، ۱۰۲، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۴۷،

۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵،

۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۶۰، ۱۶۴، ۱۶۶،

۱۷۸، ۱۷۹، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷،

۱۹۸، ۲۰۰، ۲۰۸، ۲۱۱، ۲۱۲،

۲۱۳، ۲۲۲، ۲۲۷، ۲۳۳،

شهر، ۲۳۹، ۲۸۴

مجاهدی

سروان، ۲۰۳

محمدطاهربیک، ۱۲۵

مراغه

نعیم‌حداد, ۱۲۶	۲۴۴, ۲۴۷, ۲۴۹, ۲۵۶, ۲۶۲
نفت‌شهر	۳۰۶, ۳۲۱, ۳۳۷
منطقه, ۹۷, ۱۰۰, ۱۱۶, ۱۲۳, ۱۲۴	موسیان
۱۲۸, ۱۲۹, ۱۳۱, ۱۴۲, ۱۵۵	منطقه, ۱۰۲, ۱۱۱, ۱۳۸, ۱۴۸, ۱۴۹
۱۵۹, ۱۶۵, ۱۶۸, ۱۷۱, ۱۷۴, ۱۷۵	۱۵۰, ۲۲۷, ۲۳۰, ۲۳۱, ۲۳۳
۱۷۷, ۱۷۸, ۱۷۹, ۱۸۰, ۱۸۱	۲۳۶, ۲۴۶, ۲۴۹, ۲۵۲, ۲۵۸
۱۸۴, ۱۸۷, ۱۹۴, ۱۹۵, ۱۹۷	۲۶۲, ۲۶۵, ۲۶۸, ۲۷۷, ۳۳۶
۲۰۰, ۲۰۱, ۲۰۲, ۲۰۳, ۲۰۵	موشک اسکاد, ۳۸, ۴۸, ۵۸
۲۰۷, ۲۰۸, ۲۱۴, ۲۱۹, ۲۲۰	موشک سام, ۴۸, ۴۹, ۳۰۳, ۳۱۰
۲۲۴, ۳۲۱, ۳۳۷	موشک فراک, ۴۸, ۵۸
نقده	میان‌تنگ
منطقه, ۳۲۰, ۳۲۱	منطقه, ۱۶۴, ۲۰۷, ۲۲۳
نهرخین	میاندواب
منطقه, ۲۳۱, ۲۳۲, ۲۳۴, ۲۴۸, ۲۴۹	شهر, ۳۲۰, ۳۲۱
۲۵۷, ۲۶۲, ۲۶۴, ۲۶۵, ۲۶۹, ۲۷۸	میشداغ, ۲۷۳
نوژه	منطقه, ۲۶۲
سرگرد, ۸۸	میمک
نوسود	منطقه, ۶۵, ۲۱۴, ۲۱۹, ۲۲۸
منطقه, ۷۷, ۷۸, ۹۱, ۹۲, ۹۳, ۹۶, ۹۷	مینو
۹۸, ۹۹, ۱۰۶, ۱۱۷, ۱۱۸, ۱۲۵	جزیره, ۲۳۴, ۲۳۷, ۲۶۳
۱۲۹, ۱۳۰, ۱۳۱, ۱۳۲, ۱۳۳	ن
۱۵۵, ۱۷۱, ۱۹۸, ۲۱۷	ناصریه
نی‌خزر	منطقه, ۳۰۶, ۳۱۱
منطقه, ۷۹, ۱۵۵, ۱۶۴, ۱۷۱, ۲۰۶	نصرتی‌نیا
۲۰۷, ۲۰۸, ۲۰۹, ۲۱۰, ۲۱۱, ۲۱۴	سرهنگ, ۲۹۸
۵	نظری
هانی‌شور	محمود: کدخدا, ۲۸۹, ۲۹۴, ۲۹۵

۳۵۸ / تاریخ نظامی جنگ تحمیلی تا ۳۱ شهریور ۵۹ ج ۲

یزد	منطقه, ۱۴۰
استان, ۷۱, ۲۹۷	هفتگل
یکه‌شان	منطقه, ۲۶۴, ۲۷۲, ۳۲۱
منطقه, ۱۱۸, ۱۳۹, ۱۴۲, ۲۲۳, ۲۹۰	هلاله
یونان	منطقه, ۷۹, ۱۱۸, ۱۵۰, ۱۵۵, ۱۶۴
کشور, ۳۳	۱۶۷, ۱۷۱, ۲۰۶, ۲۰۸, ۲۱۱, ۲۱۴
	۲۱۸, ۲۳۳
	هلی کوپتر ۲۱۴, ۳۹, ۶۱, ۱۰۲, ۱۲۳, ۱۲۹
	۲۰۴, ۲۰۵, ۳۱۹, ۳۲۸
	هلی کوپتر ۲۴, ۳۰۳
	هلی کوپتر سوپر فرلون, ۵۱
	همتی
	ستوان یکم, ۷۴, ۷۵
	هورالهبویزه
	منطقه, ۲۳۱, ۲۳۲, ۲۳۷, ۲۴۰, ۲۴۱
	۲۵۸, ۲۶۲, ۲۶۷
	هیرطاد
	منطقه, ۹۲

و

	ولدکشته
	منطقه, ۱۶۶, ۱۶۸, ۲۰۳, ۲۰۴, ۲۲۳
	۲۲۵
	ویتنام
	کشور, ۲۲

ی

	یاسر عرفات, ۸۰
--	----------------



Tarikhe Nezami Jange Tahmili Ta 31 Shahrivare 59

Jelde 2 : Barkhordhaye Marzi
Ghabl Az Jange Tahmili

Sarhang Setad Seyyed Yaghoob Hosseini

**War Cognizance Committee Of
Martyr Lieutenant General Ali Sayyad
Shirazi**

First Published 2009 , Tehran